

قرآن شناخت

سال هفدهم، شماره اول، پیاپی ۳۲، بهار و تابستان ۱۴۰۳



مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

این نشریه، به استناد ماده واحده مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی و بر اساس نامه شماره ۳۱/۵۴۲۸ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۷ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی وابسته به شورای عالی حوزه‌های علمیه، از شماره ۲ حائز رتبه «علمی - پژوهشی» گردید.

مدیر مسئول

محمود رجبی

سر دبیر

غلامعلی عزیزی کیا

مدیر اجرایی

سیدحسن حسینی امینی

صفحه آرا

محمد عسگری

ناظر چاپ

حمید خانی

چاپ زمزم

سامانه ارسال و پیگیری مقالات:

Nashriyat.ir/SendArticle

شاپا الکترونیکی: ۸۴۵۶-۲۹۸۰



ویژه نامه کنگره یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه علمیه قم

اعضای هیئت تحریریه

حمید آریان

دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

امیررضا اشرفی

دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

علی اکبر بابایی

دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

علی راد

دانشیار پردیس فارابی دانشگاه تهران

محمدباقر سعیدی روشن

دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

سید محمود طیب حسینی

استاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

غلامعلی عزیزی کیا

دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

نشانی: قم، بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، طبقه چهارم، اداره کل نشریات تخصصی تحریریه و مشترکان ۳۲۱۱۳۴۷۴ / (۰۲۵) / دورنگار ۳۲۹۳۴۴۸۳ (۰۲۵) صندوق پستی ۳۷۱۶۵-۱۸۶

پيامک: ۱۰۰۰۲۵۳۲۱۱۳۴۷۳

www.iki.ac.ir & www.nashriyat.ir

<http://eshop.iki.ac.ir> فروشگاه اینترنتی:

نمایه در:

sid.ir & isc.gov.ir & magiran.com & noormags.ir

قرآن‌ساخت دوفصل‌نامه علمی - پژوهشی در زمینه قرآن‌پژوهی است. قلمرو مباحث این نشریه سه حوزه اصلی قرآن‌پژوهی را دربر می‌گیرد:

۱. علوم قرآن؛
۲. مبانی و روش تفسیر؛
۳. تفسیر و معارف قرآن کریم.

بسترسازی جهت طرح و بسط پژوهش‌های روزآمد و ایجاد فضای تبادل نظر در باب مباحث پیش‌گفته از اهداف اصلی مجله است.

ضمن استقبال از دستاورد تفکرات و تأملات دین‌پژوهی، پیشنهادها و انتقادهای شما را در مسیر کمال و بالندگی نشریه پذیراییم. خواهشمندیم مقالات خود را از طریق تارنمای نشریه: <http://nashriyat.ir/SendArticle> ارسال فرمایید. اشتراک: قیمت هر شماره مجله، ۵۰۰۰۰ تومان، و اشتراک دو شماره آن در یک سال، ۱۰۰۰۰۰ تومان است. در صورت تمایل، وجه اشتراک را به حساب شبای IR910600520701102933448010 بانک مهر ایران، واریز، اصل فیش بانکی یا تصویر آن را همراه با برگ اشتراک به دفتر مجله ارسال نمایید.

راهنمای تهیه و تنظیم مقالات

الف) شرایط عمومی

۱. مقالات ارسالی باید برخوردار از صبغه تحقیقی - تحلیلی، ساختار منطقی، انسجام محتوایی، و مستند و مستدل بوده و با قلمی روان و رسا به زبان فارسی نگارش یافته باشند.
۲. مقالات خود را در محیط **WORD** با پسوند **Doc** از طریق وبگاه نشریه به <http://nashriyat.ir/SendArticle> ارسال نمایید.
۳. حجم مقالات حداکثر در ۲۵ صفحه (۳۰۰ کلمه‌ای) تنظیم شود. از ارسال مقالات دنباله‌دار جدا خودداری شود.
۴. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی / تحصیلات، نشانی کامل پستی، نشانی صندوق الکترونیکی، شماره تلفن تماس، شماره دورنگار، مؤسسه علمی وابسته، همراه مقاله ارسال شود.
۵. مقالات ارسالی نباید قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی و یا به‌عنوان بخشی از یک کتاب چاپ شده باشند. و نیز همزمان برای چاپ به سایر مجلات علمی ارسال نشده باشند.
۶. از ارسال مقالات ترجمه شده خودداری شود. نقد مقالات علمی و یا آثار و کتاب‌های منتشر شده، که حاوی موضوعات بدیع یا نکات علمی ویژه، که با مقتضیات و نیاز جامعه علمی تناسب داشته باشد، امکان چاپ دارند. البته، چاپ مقالات پژوهشی و تألیفی بر این‌گونه مقالات اولویت خواهد داشت.

ب) نحوه تنظیم مقالات

- مقالات ارسالی باید از ساختار علمی برخوردار باشند؛ یعنی دارای عنوان مشخصات نویسنده، چکیده، کلمات کلیدی، مقدمه، بدنه اصلی، نتیجه و فهرست منابع باشند.
۱. چکیده: چکیده فارسی مقاله (در صورت امکان به همراه چکیده انگلیسی) حداکثر ۱۵۰ کلمه تنظیم گردد و به اختصار شامل: بیان مسئله، هدف پژوهش، روش و چگونگی پژوهش و اجمالی از یافته‌های مهم پژوهش باشد. در چکیده از طرح فهرست مباحث یا مرور بر آنها، ذکر ادله، ارجاع به ماخذ و بیان شعاری خودداری گردد.
 ۲. کلمات کلیدی: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی مرتبط با محتوی که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
 ۳. مقدمه: در مقدمه مقاله، مسئله تعریف، به پیشینه پژوهش اشاره، ضرورت و اهمیت پژوهش طرح، جنبه نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله تعریف گردد.
 ۴. بدنه اصلی: در سامان‌دهی بدنه اصلی مقاله، یکی از شرایط زیر لازم است:
 - الف - ارائه کننده نظریه و یافته جدید علمی؛
 - ب - ارائه کننده تقریر و تبیین جدید از یک نظریه؛
 - ج - ارائه کننده استدلال جدید برای یک نظریه؛
 - د - ارائه نقد جامع علمی یک نظریه.
 ۵. نتیجه گیری: نتیجه بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است که به‌صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌گردد. از ذکر بیان مسئله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.
 ۶. فهرست منابع: اطلاعات کتاب‌شناختی کامل منابع و ماخذ تحقیق (اعم از فارسی، عربی، و لاتین) در انتهای مقاله براساس شیوه زیر آورده می‌شود:

نام خانوادگی و نام نویسنده، (سال نشر) نام کتاب، (ترجمه یا تحقیق)، نوبت چاپ، محل نشر، ناشر.

نام خانوادگی و نام نویسنده، (سال و ماه یا فصل نشر) «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره نشریه، صفحات ابتدا و انتهای مقاله.

ج) یادآوری

۱. حق رد یا قبول و نیز ویرایش مقالات برای مجله محفوظ است.
۲. مجله حداکثر پس از چهار ماه از دریافت مقاله، نتیجه پذیرش یا عدم پذیرش را به نویسنده اطلاع خواهد داد.
۳. حق چاپ مقاله پس از پذیرش برای مجله محفوظ و امکان نقل مطالب در جای دیگر با ذکر نشانی نشریه بلامانع است.
۴. مطالب مقالات مبین آراء نویسندگان آنهاست و مسئولیت آن نیز بر عهده آنهاست.
۵. مقالات دریافتی، نرم‌افزارها، ... در صورت تأیید یا عدم تأیید بازگردانده نمی‌شود.

فهرست مطالب

مکاتب تفسیری رایج در حوزه علمیة قم در سده اخیر / ۷

علی اکبر بابایی

سیر تطور دانش و نگارش های علوم قرآن در حوزه علمیة قم در سده اخیر / ۲۹

روح الله شهیدی

حجم آثار علمی اثرگذار حوزه علمیة قم در زمینه علوم قرآن در سده اخیر / ۹۱

علی اوسط باقری

حاکمیت دینی در اندیشه و آثار تفسیری عالمان حوزه علمیة قم در سده اخیر / ۱۱۱

محمدجواد نوروزی فرانی

مقابله علمی حوزه علمیة قم با جریانات انحرافی در تفسیر و علوم قرآن در سده اخیر / ۱۳۳

علیرضا عظیمی فر

روش های تدریس و آموزش تفسیر قرآن در حوزه علمیة قم در سده اخیر / ۱۵۵

عباس الهی

مفسران برجسته سده اخیر حوزه علمیة قم؛ علامه سیدمحمدحسین طباطبائی / ۱۷۳

امیررضا اشرفی

مفسران برجسته سده اخیر حوزه علمیة قم؛ علامه مصباح یزدی و تفسیر نظامند موضوعی قرآن / ۱۹۳

حمید آریان

مفسران برجسته سده اخیر حوزه علمیة قم؛ آیت الله جوادی آملی / ۲۰۹

مجید حیدری فر

مفسران برجسته سده اخیر حوزه علمیة قم؛ آیت الله جعفر سبحانی / ۲۳۱

محمدهادی منصوری و علی الوندی

مفسران برجسته سده اخیر حوزه علمیة قم؛ آیت الله ناصر مکارم شیرازی / ۲۴۹

محمدهادی منصوری

شخصیت های تفسیری سده اخیر حوزه علمیة قم / ۲۶۳

ابوذر تشکری صالح

شخصیت های برجسته علوم قرآنی سده اخیر حوزه علمیة قم؛ آیت الله محمدهادی معرفت / ۲۹۷

حامد معرفت


دانشوران علوم قرآنی سده اخیر حوزه علمیة قم / ۳۱۳

سیدروح الله حسینی علی آباد

نوع مقاله: پژوهشی

مکاتب تفسیری رایج در حوزه علمیة قم در سده اخیر*

علی اکبر بابایی / استاد گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ababayi@rihu.ac.ir  orcid.org/0000-0002-6934-9492

دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۴ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۴

چکیده

در دانش تفسیر قرآن، همانند برخی از دانش‌های دیگر، در طول زمان مکاتب مختلفی پدید آمده است. روش‌ها و آثار تفسیری مفسران حوزه علمیة قم در سده اخیر نیز قابل ارجاع به مکاتب تفسیری مختلفی است. این مقاله با رویکرد تاریخی و روش توصیفی - تحلیلی می‌کوشد با شناسایی تفاسیر مهم و قابل اعتنای عالمان حوزه علمیة قم در سده اخیر و کشف و تحلیل روش و اصول تفسیری به‌کاررفته در آنها، مکتب تفسیری مورد اتباع هر یک از آنان را مشخص و به معرفی و تحلیل آن بپردازد. حاصل پژوهش نشان می‌دهد که مفسران سده اخیر حوزه علمیة قم تابع سه مکتب تفسیری مختلف بوده‌اند: ۱. مکتب تفسیری اجتهادی قرآن‌به‌قرآن به دو شکل افراطی و اعتدالی؛ ۲. مکتب تفسیری اجتهادی روایی؛ ۳. مکتب تفسیری اجتهادی نسبتاً جامع.

کلیدواژه‌ها: مکاتب تفسیری، حوزه علمیة قم، تفسیر اجتهادی قرآن‌به‌قرآن، قرآن‌بستگی، تفسیر اجتهادی روایی، تفسیر اجتهادی جامع، سده چهاردهم.

موضوع این مقاله بررسی مکاتب رایج یا پیروی‌شده تفسیری در حوزه علمیة قم از سوی عالمان و مفسران در سده چهاردهم هجری شمسی است. مکاتب تفسیری به معنای نظریه‌های مختلفی است که درباره چگونگی تفسیر کردن قرآن ابراز شده و شیوع یافته و پیروان و طرفدارانی پیدا کرده است و منظور از سده اخیر در عنوان این نوشتار، سده چهاردهم از سال ۱۳۰۱ شمسی - سال ورود آیت‌الله حائری یزدی به حوزه علمیة قم - تا انتهای سال ۱۳۹۹ شمسی است.

پرسش این مقاله آن است که مکتب یا مکاتب تفسیری مطلوب و پیروی‌شده توسط فضایی حوزه علمیة قم در عرصه دانش تفسیر در این سده چه بوده است؟ آیا مکتب تفسیری واحدی در حوزه قم رایج بوده یا مکاتب تفسیری مختلفی در آن وجود داشته و مورد تبعیت بوده است؟ اگر مکاتب متعدد وجود داشته، تفاوت و تمایزشان در چه اموری بوده است؟

مقاله بر محور پرسش‌های یادشده با رویکرد تاریخی به مطالعه جریان دانش تفسیر در دوره حیات علمی صد سال اخیر حوزه علمیة قم می‌پردازد و پس از بررسی و تحلیل آنها به روش توصیفی - تحلیلی، پاسخ پرسش‌های تحقیق را ارائه می‌دهد.

بنابراین مطلوب ما در مقاله پیش رو این است که بررسی شود در صد سال گذشته، از زمان ورود حاج شیخ عبدالکریم حائری به قم تا پایان سده، چه نظریه یا نظریه‌هایی درباره چگونگی تفسیر کردن قرآن مورد پذیرش و استقبال عالمان و مفسران دانش‌آموخته حوزه علمیة قم قرار گرفته و بر اساس آنها چه کتاب‌ها یا کتاب تفسیری درخور اعتنایی تألیف شده است؛ ولو اصل نظریه متعلق به سده‌های پیشین بوده باشد و قبل از این سده نیز پیروانی داشته و براساس آن، آثار تفسیری درخور اعتنایی در گذشته تألیف شده باشد. به عبارت دیگر باید بررسی شود که در این صد سال چه تفسیرهایی برای قرآن کریم پدید آمده است و آن تفاسیر با چه روشی و براساس چه نظریه یا نظریه‌هایی نوشته شده‌اند.

مهم‌ترین منبع برای شناسایی مکاتب تفسیری رایج در این سده، کتاب‌های تفسیری پدیدآمده در این سده است؛ زیرا افزون بر اینکه از مقدمه بسیاری از آن کتاب‌ها ممکن است مکاتب تفسیری رایج در این سده شناخته شود، از روش‌های تفسیری معمول در آنها نیز پی می‌بریم که آن کتاب‌ها بر مبنای چه نظریه‌ای درباره چگونگی تفسیر کردن قرآن تألیف شده‌اند و از این راه به مکاتب رایج این سده آگاه می‌شویم. البته کتاب‌هایی هم که در زمینه مباحث نظری و بررسی و نقد مکاتب و روش‌های تفسیری نوشته شده‌اند، می‌توانند از دیگر منابع برای موضوع این مقاله باشند.

تأنجایی که نگارنده جست‌وجو کرده است، اثری که مکاتب تفسیری رایج و پیروی‌شده عالمان و مفسران حوزه علمیة قم در سده چهاردهم هجری شمسی را به صورت خاص بررسی و تحلیل کرده باشد، یافت نشد. فقط پیشینه

عامی در این زمینه به صورت کتاب وجود دارد که تألیف نگارنده این مقاله است با عنوان *مکاتب تفسیری* که سال‌ها پیش در چند جلد منتشر شده است.

برای روشن شدن بیشتر موضوع، ساختار و چهارچوب مباحث این مقاله، لازم است ابتدا و مقدمتاً مقصود خود را از مکتب تفسیری بیان کنیم و به اجمال به انواع مکاتب تفسیری اشاره نماییم؛ سپس تفاوت مکاتب تفسیری را با مفاهیم دیگر، مثل روش‌ها، گرایش‌ها و جریان‌های تفسیری، بیان کنیم. پس از تنقیح این مباحث، به اصل مسئله مقاله، یعنی مکاتب تفسیری رایج در حوزه علمیه قم در سده اخیر، به تفصیل خواهیم پرداخت.

۱. مفهوم‌شناسی مکاتب تفسیری

کلمه «مکاتب» جمع «مکتب» است. در کتاب‌های لغت عربی اصیل و کهن، «مکتب» به محل تعلیم (فیروزآبادی، بی تا، ج ۱، ص ۲۸؛ ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۶۹۹) و محل آموزش نوشتن (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۷۲۰) معنا شده است. فرهنگ‌نویسان فارسی‌زبان برای «مکتب» معانی و کاربردهای متعددی را بیان کرده‌اند که از آن میان دو کاربرد مهم‌تر است: ۱. مدرسه؛ ۲. مجموع اندیشه‌ها و افکار یک استاد که در جمعی نفوذ یافته باشد و پیروی از نظریه‌ای در زمینه فلسفه، هنر و... (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۳، مدخل «مکتب»؛ معین، ۱۳۷۱، مدخل «مکتب»).

در کتاب‌های قرآن‌پژوهی، واژه «مکتب» و عنوان «مکاتب تفسیری» به کار نرفته و گویا تا ربع اخیر قرن چهاردهم این عنوان و این اصطلاح در دانش تفسیر مطرح نبوده است (ر.ک: بابایی، ۱۳۹۱(ب)، ج ۳، ص ۲-۱)؛ ولی با توجه به دو کاربرد مهم‌تر واژه «مکتب» در فرهنگ فارسی، عنوان «مکاتب تفسیری» راه هم می‌توان به معنای نظریه‌های مختلفی دانست که درباره چگونه تفسیر کردن قرآن ابراز شده، شیوع یافته و پیروان و طرفدارانی پیدا کرده‌اند و هم می‌توان به معنای مجموعه آرای تفسیری یک مفسر درباره معانی آیات قرآن دانست که مورد پذیرش جمعی از مفسران بعد از او قرار گرفته است و آن را مکتب تفسیری خاص آن مفسر به‌شمار آورد (ر.ک: بابایی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۴). در عنوان این مقاله، منظور از مکاتب تفسیری، «نظریه‌های مختلف مفسران درباره چگونه تفسیر کردن قرآن» است. در این اصطلاح، عناصر به‌وجودآورنده مکتب تفسیری دو چیز است: یکی ارائه نظریه‌ای درباره چگونه تفسیر کردن قرآن از جانب برخی مفسران و عالمان؛ دیگری، استقبال و پذیرش گروهی از مفسران و علاقه‌مندان به تفسیر از آن نظریه و تألیف کتاب‌های تفسیری یا دست‌کم کتابی درخور اعتنا در زمینه تفسیر قرآن بر مبنای آن؛ چه آن نظریه در زمان‌های گذشته و متقدم پدید آمده باشد و طرفداران آن در طول تاریخ و اعصار مختلف باشند و چه در زمان‌های متأخر پدید آمده و در عصر اخیر طرفداران و پیروانی پیدا کرده باشد؛ به عبارت دیگر، در این اصطلاح، سابقه تاریخی و صبغه تطوری و جریانی داشتن نظریه لحاظ نشده است و مکتب تفسیری به هر نظریه‌ای که دارای دو عنصر یادشده باشد، اطلاق می‌شود؛ هرچند سابقه تاریخی و صبغه تطوری و جریانی نداشته باشد.

نکته در خور توجه در زمینه مفهوم‌شناسی مکاتب تفسیری این است که به‌طور معمول، کلمه «تفسیر» در لغت

به معنای «بیان کردن و توضیح دادن شیء» (ر.ک: ابن فارس، ۱۳۸۷، ماده "فسر"؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ماده "فسر")، «ظاهر کردن معنای معقول» (ر.ک: راغب اصفهانی، بی تا، ماده "فسر")، «بیان کردن معنای سخن» (ر.ک: صفی‌پور، بی تا، ماده "فسر") و کشف معنای لفظ و ظاهر کردن آن (ر.ک: طریحی، ۱۳۷۵، ماده "فسر") آمده و به تبع آن، تفسیر قرآن به معنای آشکار کردن و توضیح دادن مراد خدای متعال از آیات است و مفسران نیز تفسیر قرآن را به «کشف مراد از لفظ مشکل» (طبرسی، بی تا، ج ۱، ص ۳۹)، «بیان معانی آیات قرآن و کشف مقاصد و مدلول‌های آن» (طباطبائی، بی تا، ج ۱، ص ۴) و «واضح کردن مراد خدای متعال از کتاب عزیزش» (خوئی، ۱۴۰۸ق، ص ۳۹۷) تعریف کرده‌اند که قدر مشترک همه این تعاریف، آشکار کردن مراد خدای متعال از آیات قرآن است و نگارنده نیز تعریف صحیح تفسیر قرآن را در یک اثر به «بیان مفاد استعملی آیات قرآن و آشکار نمودن مراد خدای متعال از آن بر مبنای ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره» (ر.ک: بابایی و همکاران، ۱۳۷۹، ص ۲۳) و در اثر دیگر به «بیان ظاهر آیات بر مبنای قرائت صحیح آیات و مفاهیم عرفی و ساختار ادبی کلمه‌ها و جمله‌ها و قرائن متصل به آنها و کشف مراد خدای متعال از ظاهر آیات با توجه به قرائن و دلیل‌های منفصل» (ر.ک: بابایی، ۱۳۹۷، ص ۱۳) تعریف کرده است؛ ولی با همه اینها برای اینکه عنوان «مکاتب تفسیری» همه نظریه‌ها در زمینه چگونه تفسیر کردن قرآن - چه درست و چه نادرست و چه کامل و چه ناقص - را شامل شود، منظور از کلمه «تفسیر»، مطلق ذکر معنا برای آیات لحاظ شده است که هرگونه بیان معنا برای آیات را دربر می‌گیرد؛ اعم از اینکه مفسر دلالت آیات را بر معنایی که ذکر کرده است، با مبنایی متقن و با روش تفسیری صحیح و کامل به خوبی آشکار کرده باشد یا اینکه معنای آیات را بر مبنایی سست و با روشی نادرست یا ناقص بدون مستندی معتبر و شاهدهی آشکارکننده و با حدس و گمان یا طبق رأی و دلخواه به صورت مدعایی بدون دلیل بیان کرده باشد.

۲. تفاوت مفهوم اصطلاحی مکتب تفسیری با برخی عناوین دیگر

برای آشکارتر شدن منظور از مکاتب تفسیری شایسته است که مفهوم اصطلاحی روش‌ها، جریان‌ها، گرایش‌ها و سبک‌های تفسیری نیز تعریف و تفاوت مکاتب تفسیری با آنها تبیین شود.

۲-۱. تفاوت مکاتب و روش‌های تفسیری

«روش» واژه‌ای فارسی و اسم مصدر کلمه «رفتن» است (معین، ۱۳۷۱ش، مدخل «روش») و در لغت فارسی به طرز، طریقه، قاعده و قانون، راه، هنجار، شیوه، اسلوب و... معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۳، مدخل «روش»). همچنین گفته‌اند: دکارت روش را راهی می‌داند که برای دستیابی به حقیقت در علوم باید پیمود. در عرف دانش، روش را مجموعه شیوه‌ها و تدابیری دانسته‌اند که برای شناخت حقیقت و برکناری از لغزش به کار برده می‌شوند (ساروخانی، ۱۳۸۰، ص ۴۴۶، مدخل "method"). در محاورات عرفی نیز هرگاه کسی هدف یا مقصدی داشته باشد که برای رسیدن به آن به راهکار و کوشش و تلاش ویژه‌ای نیاز باشد، چگونگی راهی را که آن شخص برای

رسیدن به آن هدف یا مقصد برمی‌گزیند و چگونگی کوشش و تلاشی را که در آن راه برای رسیدن به آن هدف یا مقصد انجام می‌دهد، روش او گویند. با توجه به آنچه در بیان معنای لغوی و کاربرد عرفی کلمه «روش» گفته شد و با التفات به اینکه هدف و مقصد مفسر در تفسیر، فهمیدن معنا و مقصود آیات و آشکار کردن آن است، معلوم می‌شود که در اصطلاح علوم قرآنی و دانش تفسیر، روش تفسیری چگونگی راهی است که مفسر برای فهم و آشکار کردن معنا و مقصود آیات انتخاب می‌کند و نوع تلاش و کوششی است که در آن راه، برای رسیدن به آن هدف انجام می‌دهد؛ و به عبارت ساده‌تر و کوتاه‌تر، روش تفسیری هر مفسر، نوع عملکرد وی در بیان و توضیح معنا و مقصود آیات است و بر این اساس می‌توان گفت: روش‌های تفسیری عبارت‌اند از عملکردهای مختلف مفسران در فهمیدن و آشکار کردن معنا و مقصود آیات؛ و گاه ممکن است به عملکردهای متنوع یک مفسر در فهمیدن و آشکار کردن معنا و مقصود آیات نیز روش‌های تفسیری آن مفسر گفته شود؛ برای مثال، اگر مفسری برای روشن شدن معنا و مقصود آیات، فقط یا در بیشتر موارد از تدبیر در سیاق خود آیات و کمک گرفتن از آیات دیگر استفاده کند، روش تفسیری‌اش را روش تفسیری قرآن به قرآن می‌نامند؛ و اگر به نقل روایات مناسب در ذیل آیات اکتفا کند، روش تفسیری او را روش تفسیری روایی محض می‌نامند؛ و اگر افزون بر نقل روایات، به بررسی و تحلیل سندی و دلالی روایات و نسبت روایات با یکدیگر و نسبت مجموع روایات با آیات نیز بپردازد، روش او را روش تفسیری اجتهادی روایی یا روایی اجتهادی می‌نامند؛ و اگر مفسری در تفسیر آیات، متناسب با اقتضای آیات از روش‌های مختلف استفاده کند، گاه با تدبیر در سیاق و کمک گرفتن از آیات دیگر و گاه با نقل روایات و بررسی و تحلیل آنها و گاه با بحث‌های ادبی و گاه با استدلال‌های عقلی یا بهره‌گیری از علوم تجربی و... به تفسیر آیات بپردازد، به روش او روش تفسیری اجتهادی جامع گفته می‌شود؛ و از عنوان «روش‌های تفسیری» ممکن است روش‌های تفسیری متنوع چنین مفسری نیز اراده شود.

با این توضیح معلوم شد که «روش» مفهومی راهبردی دارد و بیانگر چگونگی کوشش علمی مفسر در تبیین معنای آیات است و تفاوت مکاتب تفسیری با روش‌های تفسیری در این است که مکاتب، نظریه‌های مختلف مفسران درباره‌ی چگونه تفسیر کردن قرآن است و روش‌ها عملکردهای مختلف مفسران در تفسیر آیات‌اند. ماهیت «مکاتب» نظری، و ماهیت «روش‌ها» عملی است و از نظر منطقی، مکاتب تعیین‌کننده روش‌های تفسیری‌اند و روش‌های تفسیری زاینده مکاتب تفسیری‌اند.

۲-۲. تفاوت مکاتب و جریان‌های تفسیری

جریان‌های تفسیری عبارت‌اند از نظریه‌ها و روش‌هایی در تفسیر قرآن که در طول زمان جریان داشته و از استمرار تاریخی برخوردار باشند (برای جریان‌های تفسیری، ر.ک: اسعدی، محمد و همکاران، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۲، ج ۱ و ۲). تفاوت مکاتب تفسیری با جریان‌های تفسیری این است که در جریان‌ها خصوصیت استمرار تاریخی وجود دارد و به نظریه‌ها و روش‌هایی در تفسیر قرآن که در طول زمان جریان نداشته و استمرار تاریخی نداشته باشند، جریان‌های

تفسیری گفته نمی‌شود؛ هرچند در برهه‌ای از زمان طرفدارانی داشته باشند و تفسیری نیز براساس آن نظریه و با آن روش تألیف شده باشد؛ ولی مکاتب و روش‌های تفسیری متقوم به این خصوصیت نیستند. نظریه‌ای که دربارهٔ چگونه تفسیر کردن قرآن مورد پذیرش گروهی قرار گرفته باشد، مکتب تفسیری است؛ چه جریان تاریخی نیز داشته باشد و چه در یک زمان خاصی پدید آمده باشد و طرفدارانی پیدا کرده و تفسیری براساس آن نوشته شده باشد، ولی در قرون متمادی جریان نداشته باشد.

۲-۳. تفاوت مکاتب و گرایش‌های تفسیری

گرایش‌های تفسیری که معادل عربی آن «اتجاهات تفسیری» است، عبارت است از رویکردهای مختلف مفسران در زمینه تفسیر قرآن به مباحث و مطالب علمی خاص؛ با این توضیح که هر مفسری براساس تخصص علمی یا باور و اندیشه خاص خود یا مطالبی که مهم می‌داند و درباره آنها دغدغه علمی دارد، ضمن تفسیر آیات، به مناسبت‌هایی که پیش می‌آید، به مباحث و مطالب خاصی روی می‌آورد و به بیان آنها می‌پردازد. به رویکرد آن مفسر به بیان آن مباحث و مطالب، در زبان فارسی «گرایش تفسیری» و در زبان عربی «اتجاهات تفسیری» گفته می‌شود. برای مثال، درباره مفسری که در زمینه علم کلام تخصص دارد و ضمن تفسیر آیات به مباحث کلامی و اعتقادی می‌پردازد، گفته می‌شود دارای گرایش تفسیری کلامی است و درباره مفسر فقهی که در تفسیر خود بیش از دیگران احکام فقهی را از آیات برداشت می‌کند و فراتر از تفسیر آیات به مباحث فقهی می‌پردازد، گفته می‌شود دارای گرایش تفسیری فقهی است. با توجه به این معنا، تفاوت مکاتب تفسیری با گرایش‌های تفسیری کاملاً روشن است؛ زیرا مکاتب نظریه‌هایی درباره چگونه تفسیر کردن قرآن است، ولی گرایش‌ها و اتجاهات، رویکردهای مختلف مفسران به بیان مباحث و مطالب علمی خاص ضمن تفسیر آیات است. البته ممکن است به رویکرد مفسر به یکی از منابع تفسیری بیش از منابع دیگر و استفاده بیشتر وی از آن منبع در تفسیر آیات نیز گرایش یا اتجاه تفسیری گفته شود؛ برای مثال، درباره مفسری که در تفسیر آیات بیش از هر چیز از خود قرآن (از سیاق آیات و آیات مرتبط) استفاده می‌کند، گفته شود دارای گرایش قرآنی است و درباره مفسری که در تفسیر آیات بیش از هر چیز از روایات استفاده می‌کند، گفته شود دارای گرایش روایی است. در این صورت، مکتب تفسیری خاص سبب پیدایش گرایش تفسیری خاص می‌شود؛ برای مثال، گرایش تفسیری قرآنی از مکتب تفسیری اجتهادی قرآن‌به‌قرآن نشئت می‌گیرد و مکتب تفسیری اجتهادی روایی سبب پیدایش گرایش تفسیری روایی می‌شود.

۲-۴. تفاوت مکتب و سبک تفسیری

«سبک تفسیری» چگونگی ورود و خروج مفسر به مباحث تفسیری است. از باب مثال، برخی مانند *امین‌الاسلام طبرسی* در *مجمع البیان* قرائت، لغت، اعراب و شأن نزول را ابتدا جداگانه بیان می‌کند، سپس به بیان معنا می‌پردازد؛ اما *شیخ طوسی* در *التبیان* آنها را در ضمن تفسیر آیات می‌آورد. در بسیاری از آیات، محتوای هر دو تفسیر

(التبیان و مجمع البیان) یکی است؛ اما سبک آن دو تفاوت می‌کند. همچنین در تفسیر ترتیبی، سبک تفسیری بیشتر مفسران، تفسیر آیات به ترتیب فعلی سوره‌ها و آیات است؛ ولی سبک تفسیری برخی، تفسیر آیات و سوره‌ها به ترتیب تاریخی نزول آیات و سوره‌هاست. با توجه به این توضیح، تفاوت مکتب تفسیری با سبک تفسیری روشن و بی‌نیاز از بیان است.

۳. اقسام مکاتب تفسیری

با نگاهی به تفاسیر فراوان و مختلفی که از عصر نزول تا کنون برای قرآن کریم نوشته شده‌اند، پی می‌بریم که روش مفسران در بیان معنای آیات و استفاده از منابعی که در تفسیر قرآن می‌توان از آنها کمک گرفت، مختلف بوده است. برای مثال، برخی به ذکر روایت یا روایاتی در ذیل آیات بسنده کرده‌اند و بدون هیچ بحثی دربارهٔ سند یا دلالت روایات و هیچ اظهارنظری از کنار آیات گذشته‌اند و برخی دیگر، افزون بر بیشترین استفاده از روایات در تفسیر آیات، در مواردی معانی کلمات و اعراب مشکل آیات را نیز با استشهاد به اشعار عرب و امثال آن توضیح داده‌اند و سخنان و دیدگاه‌های صحابه و تابعین را نیز یادآور شده‌اند و در موارد اختلاف، احیاناً خود بعضی از دیدگاه‌ها را ترجیح داده‌اند و گاه از آیات دیگر نیز کمک گرفته‌اند. گروهی ابتدا به تفصیل دربارهٔ قرائت‌های گوناگون آیات و معانی و اعراب کلمات بحث کرده‌اند و سپس معنای آیات را آورده‌اند و در بیان آن از آیات دیگر و روایات نیز بهره گرفته‌اند؛ برخی هم در تفسیر آیات، در موارد مناسب، فراوان از معلومات عقلی فلسفی و استدلال‌های فلسفی کمک گرفته‌اند؛ و حتی برخی در توضیح معنای بسیاری از آیات، از دستاوردها و یافته‌های علوم تجربی نیز استفاده کرده‌اند؛ برخی پس از آنکه به تفصیل دربارهٔ تفسیر آیات سخن گفته‌اند، مطالبی را به‌عنوان اشاره و تأویل برای آیات ذکر کرده‌اند و گروهی بیشترین اهتمام خود را بر ذکر معانی باطنی و اسرار و رموز آیات قرار داده‌اند؛ درحالی که گروه دیگر از ذکر معانی باطنی برای آیات براساس ذوق و استحسان، خودداری کرده‌اند. برخی مفسران در تفسیر آیات بیشترین استفاده را از آیات دیگر قرآن داشته‌اند و به اسباب نزول کمتر اعتماد کرده‌اند و برخی همه‌جا به ذکر اسباب و شأن نزول آیات پرداخته و در بیان معنای آیات به آن اعتماد کرده‌اند.

هرچند ذوق و تخصص علمی مفسران در پیدایش بخشی از این اختلاف روش‌ها بی‌تأثیر نبوده است، ولی بیشتر اختلاف روش‌های مفسران، از اختلاف نظریهٔ آنان دربارهٔ چگونه تفسیر کردن قرآن نشئت می‌گیرد؛ برای مثال، اگر کسی نظرش دربارهٔ چگونه تفسیر کردن قرآن این باشد که قرآن تنها با روایات معصومان علیهم‌السلام قابل تفسیر است و فقط به معنایی می‌توان اعتماد کرد که در روایات معصومان علیهم‌السلام برای آیات بیان شده است، روشش در تفسیر قرآن اکتفا به ذکر روایاتی خواهد بود که در آنها معنایی برای آیات بیان شده باشد. همچنین اگر کسی نظرش این باشد که چون قرآن «نور» و «تبیان کل شیء» است، در تفسیر آن به چیز دیگری نیاز نیست و قرآن را تنها باید با خود آن تفسیر کرد، روشش در بیان معنای آیات تنها استفاده از آیات دیگر یا بیشترین استفاده از آیات دیگر خواهد بود. همچنین اگر کسی نظرش این باشد که هرچند قرآن کریم ظاهر و باطن دارد، ولی غیر راسخان در علم (نبی

اکرم علیه السلام و امامان معصوم علیهم السلام) از فهم معانی باطنی آن ناتوان اند، قهراً روشش در تفسیر، خودداری از ذکر معانی باطنی‌ای است که از طریق روایات به دست نیامده‌اند؛ چنان‌که اگر کسی فهم معانی باطنی را برای غیر راسخان در علم ممکن بداند، در تفسیر آیات، معانی باطنی را نیز ذکر خواهد کرد.

از این بیان نتیجه می‌گیریم که از روش‌های مختلفی که در کتاب‌های تفسیری موجود دیده می‌شود، به نظریه‌های مختلف مفسران دربارهٔ چگونه تفسیر کردن قرآن پی می‌بریم؛ زیرا هر روشی که در کتاب تفسیری برای تفسیر آیات به کار رفته، مبتنی بر نظریه‌ای است که مؤلف آن کتاب در زمینهٔ چگونه تفسیر کردن قرآن اتخاذ کرده است. بنابراین با دسته‌بندی تفاسیر موجود از جهت روش و نوع عملکرد مفسرانی که آنها را پدید آورده‌اند، می‌توان به اقسام مکاتب تفسیری آگاه شد؛ چنان‌که در کتاب **مکاتب تفسیری** نیز براساس دسته‌بندی تفاسیر موجود، به اقسام مکاتب تفسیری اشاره شده است (ر.ک: بابایی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۴-۲۶). در ادامه شماری از مهم‌ترین این مکاتب که بر مبنای آنها کتاب تفسیری درخور اعتنا تألیف شده است، ذکر می‌شود:

الف) مکتب تفسیری روایی محض (ر.ک: همان، ص ۲۶۹-۲۷۳): این مکتب نظریهٔ کسانی است که در تفسیر آیات هیچ‌گونه اجتهادی را در فهم تفسیر آیات روا نمی‌دانند و تفسیر و معنای صحیح آیات را منحصر به معنا و تفسیری می‌دانند که در روایات بیان شده است. می‌توان گفت که کتاب **البرهان فی تفسیر القرآن**، تألیف سیدهاشم بحرانی در هشت جلد، بر مبنای این مکتب تألیف شده است (ر.ک: همان، ص ۳۶۱-۳۶۴).

ب) مکتب تفسیری اجتهادی قرآن با قرآن (ر.ک: بابایی، همان، ج ۲، ص ۱۲۷-۱۴۵؛ ۱۳۹۱ الف)، ج ۲، ص ۳۰-۳۴، ۴۰-۴۳، ۶۷-۷۴): می‌توان گفت تفسیر بیست‌جلدی **المیزان فی تفسیر القرآن** تألیف سیدمحمدحسین طباطبائی تفاسیر شیعه، و تفسیر ده‌جلدی **اضواء البیان** تألیف محمد امین شتیعی از تفاسیر اهل تسنن، بر مبنای این مکتب پدید آمده‌اند (ر.ک: بابایی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۳۲-۱۴۳؛ ۱۳۹۱ الف)، ج ۲ ص ۶۷-۷۴).

ج) مکتب تفسیری اجتهادی روایی (ر.ک: بابایی، ۱۳۹۱ ب)، ج ۳ ص ۸۵): تفسیر دوازده‌جلدی **جامع البیان عن تأویل آیات القرآن** تألیف محمدبن جریر طبری از تفاسیر اهل تسنن و تفسیر پنج‌جلدی **الصفی** تألیف محمد محسن فیض کاشانی از تفاسیر شیعه را می‌توان از تفاسیر نگارش یافته براساس این مکتب شمرد (ر.ک: همان، ص ۵۹-۶۰، ۱۴۸-۱۴۹).

د) مکتب تفسیری اجتهادی ادبی (ر.ک: همان، ص ۱۸۹-۱۹۳): این مکتب دیدگاه کسانی است که اجتهاد در تفسیر قرآن را جایز می‌شمرند؛ ولی رکن اساسی اجتهاد در تفسیر را بحث‌ها و تحلیل ادبی می‌دانند. تفسیر چهارجلدی **الکشاف عن حقائق غوامض التأویل و عیون الاقوایل فی وجوه التأویل** تألیف محمودبن عمر زمخشری بر مبنای این مکتب نگاشته شده است (ر.ک: همان، ص ۲۰۱).

ه) مکتب تفسیری اجتهادی علمی (ر.ک: همان، ص ۳۱۳-۳۳۲): این مکتب نظریهٔ کسانی است که در اجتهاد برای فهم و تفسیر معنا و مقصود آیات قرآن، کمک گرفتن از دانش‌های تجربی را لازم یا دست‌کم جایز

می‌دانند. *الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم* تألیف طنطاوی بن جوهری از تفاسیر مبتنی بر این مکتب است (ر.ک: همان، ص ۳۵۱-۳۵۴).

و) مکتب تفسیری اجتهادی فلسفی (ر.ک: بابایی، ۱۳۹۱ (الف)، ج ۲، ص ۲۰۲-۲۰۳): تفسیر هفت جلدی *تفسیر القرآن الکریم* تألیف محمد بن ابراهیم معروف به صدرالمتألهین (ر.ک: علوی مهر، ۱۳۸۴، ص ۳۱۱-۳۱۳) را می‌توان از تفاسیر مبتنی بر این مکتب شمرد.

ز) مکتب تفسیری اجتهادی نسبتاً جامع (ر.ک: همین مقاله، محورهای بعدی): *التبیین فی تفسیر القرآن* تألیف محمد بن حسن طوسی (ر.ک: بابایی و همکاران، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۱۲۰-۱۲۴) و *مجمع البیان فی علوم القرآن* تألیف فضل بن حسن طبرسی (ر.ک: همان، ص ۲۳۳-۲۳۹) را می‌توان از تفاسیر مبتنی بر این مکتب شمرد.

۴. مکاتب تفسیری رایج در حوزه علمیه قم در سده اخیر

با نگاهی به پایگاه‌های معرفی‌کننده آثار تفسیری، کتاب‌های تاریخ‌نگاری تفاسیر معاصر و فهرست منشورات سازمان‌های حوزوی در قم، معلوم می‌شود که در سده اخیر تفسیرهای فراوانی نگاشته شده است؛ اعم از تفاسیر ترتیبی و موضوعی و نگاشته‌های مشتمل بر تمام سوره‌های قرآن و تک‌نگارها (اگر نگوئیم صدها، دست کم دهها تفسیر در این سده تألیف شده است). با مطالعه در آثار تفسیری این سده، به نظر رسید که مکاتب تفسیری رایج یا رایج‌ترین مکاتب در این سده، سه مکتب است: ۱. مکتب اجتهادی قرآن به قرآن؛ ۲. مکتب تفسیری اجتهادی روایی؛ ۳. مکتب تفسیری اجتهادی نسبتاً جامع. در ادامه به معرفی و بررسی اجمالی این مکاتب پرداخته می‌شود.

۳-۱. مکتب تفسیری اجتهادی قرآن به قرآن

این مکتب را به دو صورت می‌توان تعریف کرد:

الف) این مکتب نظریه کسانی است که درباره چگونه تفسیر کردن قرآن می‌گویند: هر آیه‌ای از آیات قرآن را می‌توان با تدبر در خود آن آیه و سیاق آن و کمک گرفتن از آیات دیگر تفسیر کرد و در تفسیر هیچ آیه‌ای به غیر قرآن نیازی نیست.

ب) این مکتب نظریه کسانی است که می‌گویند در تفسیر قرآن، مهم‌ترین منبع خود قرآن است و در تفسیر آیات قرآن بیشترین استفاده باید از خود قرآن باشد؛ اما ایشان نیاز به غیر قرآن را در تفسیر برخی آیات و در فهم مراتبی از آیات نفی نمی‌کنند.

وجه اشتراک این دو تعریف آن است که در هر دو تعریف بر تفسیر آیات با تدبر در خود آیات و سیاق آنها و کمک گرفتن از آیات دیگر و استفاده حداکثری از خود قرآن در تفسیر تأکید می‌شود. افتراق این دو تعریف در آن است که در تعریف نخست، بر قرآن‌بستگی در تفسیر و بی‌نیازی تفسیر از غیر قرآن تصریح شده است؛ ولی در تعریف دوم نیاز به غیر قرآن در تفسیر آیات نفی نمی‌شود؛ بلکه بر آن تأکید می‌شود.

تفاوت دیگر این دو تعریف نیز این است که این مکتب تفسیری به معنای نخست با دو نظریه قرآن‌بستگی و قرآن‌بستگی در تفسیر انطباق‌پذیر است؛ ولی به معنای دوم با هیچ یک از آن دو نظریه انطباق ندارد و از آن می‌توان با عنوان استفاده حداکثری از قرآن در تفسیر یاد کرد. برای توضیح بیشتر این تفاوت، هر یک از این سه نظریه، تعریف و انطباق آنها با این مکتب بیان می‌شود:

«قرآن‌بستگی» دیدگاه کسانی است که می‌گویند: برای شناخت مطلق معارف و احکام دین، قرآن کافی است و به غیر قرآن نیازی نیست (حسبنا کتاب الله). روشن است که طبق این دیدگاه، برای اجتهاد در تفسیر قرآن و پی بردن به معانی و مقاصد آیات آن، تنها باید از خود قرآن یاری جست؛ زیرا اعتقاد به بی‌نیازی از غیر قرآن اقتضا می‌کند که در فهم و تفسیر قرآن نیز به غیر قرآن نیازی نباشد و با تدبر در آیات و ملاحظه برخی آیات در کنار برخی دیگر بتوان تمام معانی و معارف قرآن و احکام و دانستنی‌های دین را به دست آورد.

«قرآن‌بستگی در تفسیر» دیدگاه کسانی است که قرآن را برای آگاه شدن به همه معارف و دانستنی‌های لازم دین کافی نمی‌دانند و در تفصیل معارف و جزئیات احکام و برخی دانستنی‌های دین، خود را نیازمند روایات می‌دانند؛ اما معتقدند برای فهم و تفسیر معانی و معارف قرآن، به غیر قرآن نیازی نیست و هر معنا و مطلبی را که خدای متعال از آیات اراده فرموده است، با تدبر در آیات می‌توان فهمید و اگر در معنای آیه‌ای ابهام باشد، با کمک گرفتن از آیه یا آیات دیگر می‌توان ابهام را زدود و آیه را تفسیر کرد و در تفسیر هیچ آیه‌ای، حتی آیات مشابه، به غیر قرآن نیازی نیست. با توجه به این تعریف، انطباق این نظریه با مکتب تفسیری اجتهادی قرآن‌به‌قرآن به معنای نخست نیز روشن است.

منظور از نظریه «استفاده حداکثری از قرآن در تفسیر» آن است که در تفسیر قرآن، گرچه به همه قرائن متصل و منفصل آیات، از جمله به روایاتی که مخصّص عموماً یا مقید اطلاقات یا صارف از ظهور آیات یا مبین اجمال آیات‌اند، باید توجه شود؛ ولی مطمئن‌ترین منبع و اصلی‌ترین مستند برای تفسیر آیات، خود قرآن است و تاجایی که امکان دارد، باید آیات را با تدبر در خود آیات و استمداد از آیات دیگر تفسیر کرد. این نظریه با مکتب تفسیری به معنای نخست کاملاً متفاوت است و فقط با مکتب تفسیری اجتهادی قرآن‌به‌قرآن به معنای دوم مطابقت دارد.

۱-۳. رواج مکتب تفسیری اجتهادی قرآن‌به‌قرآن در سده اخیر

با نگاهی به آثار تفسیری پدیدآمده در حوزه علمیه در سده اخیر، به‌ویژه با مطالعه مقدمه برخی از آثار، معلوم می‌شود که در این سده برای این مکتب به هر دو معنا طرفداران یا طرفداری بوده و طبق آن، تفسیر یا تفسیرهایی برای کل قرآن نوشته شده است و می‌توان این مکتب را یکی از مکاتب تفسیری رایج در حوزه علمیه در سده اخیر دانست. البته در حوزه علمیه قم، به‌ویژه در این سده، کسی را سراغ نداریم که به نظریه قرآن‌بستگی به قول مطلق تمایل داشته باشد؛ ولی از مقدمه یکی از کتاب‌های تفسیری که در حوزه علمیه در این سده تألیف شده است، با

عنوان *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة*، که تفسیر کل قرآن در سی جلد است، استفاده می‌شود که مؤلف به نظریه قرآن‌بستگی در تفسیر تمایل داشته و طرفدار مکتب تفسیری اجتهادی قرآن‌به‌قرآن به‌معنای نخست بوده است. آقای محمد صادقی تهرانی، مؤلف این اثر، در مصاحبه‌ای با مجله *پژوهش‌های قرآنی* نیز به نظریه قرآن‌بستگی در تفسیر و بی‌نیازی از غیر قرآن در تفسیر قرآن تصریح کرده و چنین گفته است: «تفسیر قرآن‌به‌قرآن به‌طور مطلق کافی است و حتی رسول خدا ﷺ و ائمه علیهم‌السلام هم قرآن را با قرآن تفسیر کرده‌اند» (ر.ک: صادقی، ۱۳۷۶). وی همچنین گفته است: «من مدعی هستم که حتی یک آیه (البته غیر از مفاتیح سور و حروف رمزی) در قرآن نیست که نشود آن را از خودش فهمید تا چه رسد به دیگر آیات، حتی آیات متشابه. آیات متشابه قرآن دو گونه هستند: یک دسته آیات تشابه دارند و با آیه محکم فهمیده می‌شوند و یک دسته عمیق‌تر، که خود آیه متشابه را با خود آن آیه می‌فهمیم، اگر دقت زیاد کنیم» (همان، ص ۲۸۹).

وی در مقدمه تفسیر خود نیز در تأکید بر روش تفسیر قرآن‌به‌قرآن به آیه «وَالَّذِينَ يَمَسُكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ» (اعراف: ۱۷۰) استناد کرده و از آن چنین نتیجه گرفته است: «پس کسانی که به قرآن تمسک نمی‌جویند یا در تفسیر قرآن به غیر قرآن تمسک می‌کنند، از فسادکنندگان‌اند؛ زیرا یگانه مرجع در موارد اختلاف، فقط خداست... [تا آنجا که گفته است:] پس همه مسلک‌های تفسیری، جز [تفسیر] قرآن‌به‌قرآن، غبار و پوک است و...» (صادقی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۶).

چهبسا با توجه به اینکه آقای صادقی تفسیرش را «*الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة*» نامیده و در مقدمه آن، سنت و روایات را حاشیه و شارح کتاب خدا معرفی کرده است (ر.ک: همان، ص ۲۵). و رجوع به روایات را برای توضیح اشارات و لطایف و حقایق قرآن مفید دانسته و به آن توصیه کرده (همان، ص ۲۶) و در تفسیر آیات، از روایات (برای نمونه، ر.ک: همان، ص ۷۹، ۸۰، ۸۵، ۸۷، ۱۱۴، ۱۲۶، ۱۳۱ و ۱۳۴)، نکات ادبی (برای نمونه، ر.ک: همان، ص ۷۷، ۷۸، ۸۲، ۸۴ و ۱۰۸) و غیر آن نیز یاری جسته است، در اعتقاد داشتن وی به نظریه قرآن‌بستگی در تفسیر تردید شود؛ اما با دقت و تأمل بیشتر در عبارت‌های وی روشن می‌شود که او به قرآن‌بستگی در تفسیر و بی‌نیازی تفسیر از روایات اعتقاد دارد و معتقد است که تمام قرآن، حتی آیات متشابه آن (جز حروف مقطعه) را می‌توان با تدبر در خود قرآن و استمداد از آیات دیگر آن، بدون کمک گرفتن از روایات، تفسیر کرد. وی هرچند فایده روایات را نفی نمی‌کند و روایاتی را که موافق کتاب خدا باشد، در توضیح معانی پنهان بر قاصران (همان، ص ۲۴) و در افزایش آگاهی درباره اشارات و لطایف و حقایق قرآن (ر.ک: همان، ص ۲۶) و بیان تأویلات و رموز حروف مقطعه (ر.ک: صادقی، ۱۳۷۶) مفید و مؤثر می‌داند و از روایات نیز استفاده می‌کند، اما تفسیر را نیازمند به روایات و متوقف بر آن نمی‌داند؛ زیرا در مقابل تصریح وی به بی‌نیازی تفسیر از روایات، کلمه یا قرینه‌ای که بر نیاز به روایات در مرتبه‌ای از تفسیر دلالت داشته باشد، در عبارت‌های وی دیده نمی‌شود و فقط حقایق قرآن و رموز حروف مقطعه را از بُعد دلالتی آیات خارج دانسته، راه پی بردن به آن را مخصوص روایات می‌داند (همان).

اما مکتب تفسیری اجتهادی قرآن‌به‌قرآن به‌معنای دوم (نظریه استفاده حداکثری از قرآن در تفسیر) در این سده طرفداران بیشتری داشته و رایج‌تر بوده است. از جمله مفسران معروفی که از نظر رتبه علمی و توان تفسیری و داشتن شاگردان و پیروان در مرتبه‌ای هستند که بی‌تردید می‌توان از نظریه و روش تفسیری ایشان با عنوان «مکتب» یاد کرد، سیدمحمدحسین طباطبائی مؤلف *المیزان فی تفسیر القرآن* است. در اینکه ایشان بر تفسیر قرآن‌به‌قرآن تأکید داشته و در اجتهاد برای تفسیر آیات، فراوان و بیش از بسیاری از مفسران پیش از خود، از آیات دیگر استفاده کرده‌اند، تردید و تأملی نیست و از این رو می‌توان مکتب و روش تفسیری ایشان را «اجتهادی قرآن‌به‌قرآن» نامید؛ ولی برای پی بردن به اینکه مکتب تفسیری علامه با کدام یک از سه نظریه یادشده مطابقت دارد، به تأمل و تحقیق نیاز است.

تردیدی نیست که علامه به نظریه قرآن‌بسندگی به قول مطلق اعتقادی نداشته است (برای شواهد نفی نظریه قرآن‌بسندگی، ر.ک: طباطبائی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۴۶ تفسیر آیه ۲۳۸ بقره؛ ج ۳، ص ۸۴؛ ج ۵، ص ۲۲۱ تفسیر آیه ۶ مائده؛ ج ۵، ص ۳۲۷ تفسیر آیه ۳۳ مائده)، اما در تعیین اینکه ایشان به نظریه قرآن‌بسندگی در تفسیر قائل است یا آن را نیز قبول ندارد و قائل به نظریه سوم است، به تأمل و دقت نیاز دارد. با دیدن برخی عبارات علامه به نظر می‌آید که وی طرفدار نظریه «قرآن‌بسندگی در تفسیر» است؛ زیرا برخی از آن عبارات ظهور و برخی صراحت دارند در اینکه به اعتقاد وی، معانی و مقاصد قرآن را با تدبر در خود قرآن می‌توان به دست آورد و حتی معنا و مراد آیات متشابه را نیز می‌توان با کمک گرفتن از آیات محکم تفسیر کرد و در تفسیر و توضیح معنا و مقصود آیات، به چیزی جز خود قرآن، حتی به بیان پیامبر اکرم ﷺ نیازی نیست. پیامبر ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام معلمان خطاناپذیر قرآن‌اند؛ ولی نقش آنان تنها آسان کردن فهم معنا و مقصود آیات است و بدون تعلیم و تبیین آنان نیز به معنا و مقصود تمام آیات، حتی آیات متشابه، می‌توان دست یافت. نهایت این است که در مواردی دشوار است و تدبر بیشتری را می‌طلبد (برای عبارت‌های ظاهر در نظریه قرآن‌بسندگی، ر.ک: طباطبائی، بی‌تا، ج ۱، ص ۶ و ۸؛ ج ۹؛ ج ۳، ص ۳۵، ۴۳، ۷۷؛ ۱۳۷۰ ش، ص ۳۷، ۵۹، ۶۰ و ۶۱).

اما با توجه به روش عملی علامه در تفسیر آیات و برخی نکات، که در مقدمه *المیزان* و ضمن تفسیر آیات و برخی کتاب‌های دیگر ایشان به آنها تصریح شده است، چه‌بسا معلوم شود که ظهور و اطلاق عبارت‌های یادشده مراد ایشان نبوده است یا دست کم تردید حاصل شود که وی طرفدار قرآن‌بسندگی در تفسیر بوده است.

نخستین نکته‌ای که درباره عبارت‌های یادشده جلب توجه می‌کند، این است که اگر ظهور و اطلاق آن عبارت‌ها مراد علامه بوده و ایشان اعتقاد داشتند که قرآن را فقط باید با خود قرآن تفسیر کرد و به غیر قرآن نیازی نیست، چرا خود ایشان در تفسیر آیات و مقدمات آن از غیر قرآن نیز استفاده کرده‌اند و حتی در مقدمه تفسیرشان خبر داده‌اند که در تفسیر آیات، از نکته‌ای ادبی که فهم اسلوب عربی به آن نیازمند باشد یا مقدمه‌ای بدیهی یا مقدمه‌ای علمی که فهم‌ها در آن اختلاف نداشته باشند، استفاده می‌کند؟ (طباطبائی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۲)

علامه در تبیین مفردات، به روایات، اشعار عرب، عرف و به‌طور گسترده به گفته‌های لغت‌دانان و کتاب‌های لغت استناد کرده است (ر.ک: همان، ج ۵، ص ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۹، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۵۲، ۲۹۰، ۳۰۶ و ۳۱۴؛ ج ۶ ص ۱۱ معنای ولی، ص ۱۵ معنای حزب، ص ۲۷ معنای هزوا و لعبا، ص ۲۸ معنای تنقمون، ص ۵۰ معنای یعصمک)؛ در تعیین قرائت صحیح یا ترجیح قرائتی بر قرائت دیگر نیز افزون بر آیات، به عرف، لغت، روایات و موافق تر بودن با قضایای خارجی نیز استناد کرده است (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۲۲؛ ج ۲، ص ۲۱۵ و ۲۱۶؛ ج ۶ ص ۲۳۶)؛ همچنین به قواعد ادبی نیز توجه داشته و در مواردی نکات تفسیری ویژه‌ای را با استناد به قواعد ادبی تبیین کرده است (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۱۸ و ۱۹ تفسیر الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، ص ۲۵؛ تفسیر إِيَّاكَ نَعْبُدُ؛ ج ۵، ص ۱۷۷، ۲۰۲، ۲۴۰، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۹۲، ۳۰۱ و ۳۰۷)؛ همچنین در تفسیر و بیان معنا برای آیات، از قرائت مختلف، مانند زمان نزول، فرهنگ مردم در زمان نزول، ویژگی‌های متکلم و مخاطب، مشخصات خارجی موضوع سخن و حتی معلومات عقلی بهره گرفته است (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۳۳۱ و ۳۳۵؛ ج ۵، ص ۳۷۱).

با توجه به این نکته روشن می‌شود که در دیدگاه علامه، تفسیر قرآن به قرآن با استفاده و بهره‌گیری از امور یادشده منافات ندارد و از عبارات‌های یادشده نفی مطلق استفاده از غیر قرآن را اراده نکرده است؛ بلکه منظور، نفی تکیه بر دلایل نظری فلسفی، فرضیه‌های علمی و مکاشفات عرفانی در تفسیر قرآن و تحمیل نتیجه بحث‌های علمی و فلسفی بر مدلول آیات و تطبیق آیات بر اصطلاحات عرفانی است و تأکید ایشان بر روش تفسیر قرآن به قرآن و اینکه در تفسیر قرآن باید از خود قرآن کمک گرفته شود، برای تخطئه شیوه تفسیری محدثان، متکلمان، فیلسوفان، صوفیان و دانشمندان علوم تجربی است و به اصطلاح، حصر در کلام ایشان اضافی است.

نکته دوم این است که علامه، هم به صورت کلی تصریح کرده است که در تفصیل‌های احکام، داستان‌های قرآن، معاد و امثال آنها، به بیان پیامبر اکرم ﷺ نیاز است و بدون بیان آن حضرت نمی‌توان به تفصیل آن امور دست یافت (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۲۳۱ و ۳۲۵؛ ج ۵، ص ۳۷۱) و هم ضمن تفسیر آیات، در موارد متعددی به نقش انحصاری سنت در تبیین خصوصیات و جزئیات معنا و مقصود آیات اشاره و در مواردی برای توضیح مقصود آیات، به روایات استناد کرده است (برای نمونه، ر.ک: طباطبائی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۸ تفسیر آیه ۱۹۷ بقره؛ ص ۲۴۶ تفسیر آیه بقره ۲۳۸؛ ج ۵، ص ۲۲۲ تفسیر آیه ۶ مائده؛ ص ۲۳۷ تفسیر آیه ۳۳ مائده؛ ج ۶ ص ۸ تفسیر آیه ۵۵ مائده؛ ج ۹، ص ۸۹ تفسیر آیه ۴۱ انفال؛ ج ۱۶، ص ۳۱۱ تفسیر آیه ۳۳ احزاب). با توجه به سخن ایشان در این موارد، معلوم می‌شود که علامه برای روایات نیز در بیان برخی خصوصیات روشنگر معنا و مقصود آیات، نقش مؤثر و حتی در مواردی نقش انحصاری قائل بوده است.

ایشان در کتاب *قرآن در اسلام* نیز پس از بیان اینکه قرآن در تفسیر خود نباید نیازمند دیگران باشد و تفسیر واقعی تفسیری است که از تدبر در آیات و یاری جستن از آیات مربوط دیگر به دست می‌آید، در عبارتی دیگر روش صحیح تفسیر را «تفسیر آیه با استمداد از تدبر و استنطاق معنای آیه از مجموع آیات مربوطه و استفاده از روایت در صورت امکان» بیان کرده است (طباطبائی، ۱۳۷۰، ص ۶۱).

برخی از شاگردان علامه نیز در بیان شیوه تفسیری ایشان فرموده‌اند:

مرحوم علامه رحمته سیری طولانی و عمیق در سنت مسلمة معصومین علیهم السلام داشتند و لذا هر آیه که طرح می‌شد، طوری آن را تفسیر می‌کردند که اگر در بین سنت معصومین علیهم السلام دلیل یا تأییدی وجود دارد، از آن به‌عنوان استدلال یا استمداد بهره‌برداری شود و اگر دلیل یا تأییدی وجود نداشت، به‌سبکی آیه محل بحث (بقره: ۲۳۸) را تفسیر می‌نمودند که مناقض با سنت قطعی آن ذوات مقدسه نباشد؛ زیرا تباین قرآن و سنت، همان افتراق بین این دو حیل متمد الهی است که هرگز جدایی‌پذیر نیستند: «لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَىٰ الْخَوْضِ» (جوادی آملی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۸).

مؤید این بیان آن است که هرچند در بحث‌های تفسیری علامه استناد به روایات اندک است، ولی غالباً معنایی که برای آیات بیان کرده است، با روایات مطابقت دارد.

با توجه به مجموع آنچه در این نکته بیان شد، می‌توان گفت که به‌نظر علامه، در تفسیر قرآن تاجایی که امکان دارد، باید به روایت نیز توجه شود و با در نظر گرفتن مجموع آیات و روایات مربوط به آیه، معنای آیه به‌دست آید؛ به‌عبارت‌دیگر به‌نظر ایشان، در تفسیر آیات در مواردی که روایت باشد، توجه به روایت و فهم معنای آیه با در نظر گرفتن روایت لازم است؛ هرچند به ذکر روایت و استناد به آن در لفظ و عبارت نیازی نیست؛ و در مواردی که روایت نباشد، می‌توان از تدبر در آیه و استمداد از آیات دیگر به معنای آیه پی برد و نبودن روایت، اعتبار و حجیت معنایی را که از ظاهر آیات با تدبر به‌دست می‌آید، نفی و منع نمی‌کند؛ و منظور از بی‌نیازی تفسیر قرآن از روایت نیز همین معناست؛ یعنی در موارد نبودن روایت، نباید فهم قرآن را به عذر وابستگی تفسیر به روایت، تعطیل کرد.

نکته سوم این است که علامه ضمن تفسیر آیه «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (نحل: ۴۴) گفته است: سخن پیامبر صلی الله علیه و آله به‌دلیل این آیه، و کلام اهل‌بیت آن حضرت به‌دلیل حدیث ثقلین، در بیان آیات قرآن حجت‌اند و این حجت بودن، به بیان متشابهات و اسرار و تأویل آیات اختصاص ندارد؛ بلکه در مورد نص و ظاهر آیات نیز حجت‌اند (طباطبائی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۲۶۱). لازمه این دیدگاه این است که اگر روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله یا اهل‌بیت علیهم السلام دلالت کند بر اینکه اطلاق یا عموم و ظهور یا حتی نص آیه‌ای مراد نیست، به‌اتکای آن روایت، از ظهور یا نص و اطلاق یا عموم آن آیه صرف‌نظر شده، آیه طبق روایت تفسیر شود؛ و اگر وجود چنین روایتی احتمال داده شود، باید جست‌وجو کرد و تا نبودن چنین روایتی محرز نشود، عموم و اطلاق و نص و ظهور آیات مستقر نخواهد بود و مراد خدای متعال را نمی‌توان از آن به‌دست آورد. بنابراین، لازمه این سخن نیز شاهد دیگری است بر اینکه ظهور و اطلاق برخی عبارت‌های گذشته در بی‌نیازی تفسیر از روایت، مراد علامه نیست. وی تقیید و تخصیص آیات با روایات و قرینه بودن روایات برای آیات را می‌پذیرد و بعید نیست که منظور ایشان از آن عبارت‌ها این معنا باشد که تفسیر به‌گونه‌ای وابسته و نیازمند به روایت نیست که اگر در تفسیر آیه‌ای روایتی یافت نشود، تفسیر و فهم معنای آیه تعطیل شود.

با توجه به این نکات نمی‌توان به‌استناد عبارات گذشته، نظریه دوم (قرآن‌بستگی در تفسیر) را به علامه نسبت

داد و آنچه با روش تفسیری ایشان در سراسر *المیزان* مطابقت دارد و قاطعانه می‌توان به ایشان نسبت داد و براساس آن، مکتب تفسیری علامه را اجتهادی قرآن‌به‌قرآن توصیف کرد، نظریه سوم (توقف نداشتن اعتبار تفسیر بر وجود روایات و استفاده حداکثری از قرآن در تفسیر) است؛ یعنی ایشان با اینکه در تفسیر، توجه به قرائن متصل و منفصل و از جمله روایات مربوط به آیات را لازم می‌دانند و در تفسیر آیات به آنها توجه می‌کنند، معتقدند که مشکلات تفسیری آیات را می‌توان با تدبر در خود آیات و استمداد از آیات دیگر برطرف کرد و از این‌رو باید در تفسیر هر آیه، بیش از هر چیز از خود قرآن کمک گرفت؛ و از همین‌رو ایشان بر اساس این نظریه، در تفسیر و توضیح معنا و مقصود آیات، بیش از هر چیز دیگر از قرآن استفاده کرده‌اند؛ برای مثال، در تفسیر آیات ۶ و ۷ سوره حمد (اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم...)، به چهل آیه دیگر قرآن استناد کرده و در توضیح معنای این دو آیه، از آنها کمک گرفته‌اند (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۲۸-۳۷).

آیت‌الله جوادی *آملی*، مؤلف *تفسیر تسنیم*، را نیز می‌توان از پیروان این مکتب به‌شمار آورد؛ زیرا هرچند وی در تفسیر آیات به غیر قرآن نیز استناد می‌کند و سنت معصومین علیهم‌السلام و عقل برهانی و براهین قطعی علمی را نیز از منابع تفسیر می‌داند (ر.ک: جوادی *آملی*، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۸-۵۷) و از این‌رو نظریه اول و حتی نظریه دوم را نمی‌توان به وی نسبت داد، اما به لحاظ اینکه قرآن را مهم‌ترین منبع تفسیر (ر.ک: همان) و تفسیر قرآن‌به‌قرآن را بهترین و کارآمدترین شیوه تفسیری قرآن معرفی کرده (ر.ک: همان، ص ۶۱) و در تفسیر آیات، به‌وفور و در حد امکان به خود قرآن استناد نموده است (برای نمونه در تفسیر آیه ۷ سوره حمد به بیش از نود آیه قرآن استناد کرده است؛ ر.ک: همان، ص ۵۱۵-۵۴۶)، می‌توان او را پیرو نظریه سوم شمرد و براساس آن، مکتب تفسیری او را «اجتهادی قرآن‌به‌قرآن» دانست.

وی در پیش‌گفتار *تسنیم* نیز چنین آورده است:

بهترین و کارآمدترین شیوه تفسیری قرآن، که شیوه تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام نیز هست، روش خاصی است که به «تفسیر قرآن‌به‌قرآن» موسوم شده است. در این روش، هر آیه از قرآن کریم با تدبر در سایر آیات قرآنی و بهره‌گیری از آنها باز و شکوفا می‌شود. تبیین آیات فرعی به وسیله آیات اصلی و محوری و استناد و استدلال به آیات قوی‌تر در تفسیر، بر این اساس است که برخی از آیات قرآن همه مواد لازم را برای پی‌ریزی یک بنیان مرصوص معرفتی در خود دارد و برخی از آیات آن، تنها عهده‌دار بخشی از مواد چنین بنایی است. آیات دسته دوم با استمداد از آیات گروه اول تبیین و تفسیر می‌شود (ر.ک: همان، ص ۶۱).

در تفسیر موضوعی وی نیز مضمون این بیان دیده می‌شود (ر.ک: جوادی *آملی*، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۴۴ و ۳۹۵). نکته مهم درباره این مکتب تفسیری آن است که در پیدایش و رواج مکتب تفسیری اجتهادی قرآن‌به‌قرآن به هر دو معنا در سده اخیر در حوزه علمیه قم، تردیدی نیست؛ اما این مکتب را به صورت‌های مختلف می‌توان معرفی کرد و در کلام مفسران و تفسیرنویسان این سده نیز مختلف معرفی شده است و در این مقاله مجال بررسی و ارزیابی تفصیلی این مکتب نیست. روش تفسیر قرآن‌به‌قرآن و اینکه آیه‌ای به کمک آیه دیگر تفسیر و

تبیین شود، سابقهٔ دیرینه دارد؛ هم در تفاسیر نقل شده از معصومین علیهم‌السلام چنین روشی دیده می‌شود و هم در تفاسیر صحابه و تابعان و هم در تفاسیر مفسران بعد از آنان از قرون نخستین تا کنون سابقه دارد و آنچه در سدهٔ اخیر در حوزهٔ علمیهٔ قم دربارهٔ این مکتب ابراز و بر تحقق آن کوشش شده، سه مطلب است: ۱. تأکید بر استفادهٔ حداکثری از قرآن در تفسیر قرآن و ترویج روش تفسیر قرآن به قرآن؛ ۲. نفی توقف اعتبار مطلق تفسیر بر وجود روایات؛ به این معنا که چنین نیست که اعتبار هر تفسیری منوط به وجود روایت باشد؛ ۳. نفی نیاز به روایات در تفسیر مطلقاً؛ به این معنا که تمام آیات قرآن را بدون روایت می‌توان تفسیر کرد و در تفسیر هیچ آیه‌ای، حتی آیات متشابه، به روایت نیازی نیست.

روش تفسیر قرآن به قرآن و استفادهٔ حداکثری از قرآن در تفسیر، روشی صحیح، بلکه روشی ممتاز است و چنانچه با رعایت قواعد تفسیر انجام شود، می‌تواند منشأ فواید مهم و قابل اعتنایی در تفسیر باشد که با روش‌های تفسیری دیگر حاصل نمی‌شود و ترویج آن و تأکید بر آن در این سده را می‌توان یکی از برکات حوزهٔ علمیهٔ قم در این سده دانست؛ اما اگر ضابطه‌مند نباشد و قواعد تفسیر در آن رعایت نشود، در معرض دو آسیب است: یکی استفادهٔ افراطی و نادرست از قرآن و دیگری غفلت از منابع دیگر تفسیر.

۲-۳. مکتب تفسیری اجتهادی روایی

مقصود از مکتب تفسیری اجتهادی روایی، نظریه و روش گروهی از مفسران دربارهٔ چگونه تفسیر کردن قرآن است که اجتهاد در تفسیر قرآن را جایز، بلکه نیکو می‌دانند، ولی معتقدند که مهم‌ترین منبع اجتهاد در تفسیر قرآن، روایات نقل شده از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت آن حضرت علیهم‌السلام یا صحابه و تابعان است و از این رو در تفسیری که برای قرآن نوشته‌اند، بیش از هر چیز از روایات استفاده کرده‌اند (ر.ک: بابایی، ۱۳۹۱ (الف)، ج ۲، ص ۹۲-۱۳۱؛ ۱۳۹۱ (ب)، ج ۳، ص ۱۴-۱۵).

۱-۳-۲. رواج مکتب تفسیری اجتهادی روایی در سدهٔ اخیر

مکتب تفسیری اجتهادی روایی یکی از مکاتب سابقه‌دار و پرطرفدار در تاریخ تفسیر قرآن است (ر.ک: بابایی، ۱۳۹۱ (ب)، ص ۱۴-۱۸۷) که در حوزهٔ علمیهٔ قم در سدهٔ اخیر نیز طرفدارانی داشته و براساس آن، تفسیرهایی اجتهادی روایی در حوزهٔ علمیهٔ قم یا به قلم برخی از دانش‌آموختگان این حوزه تألیف شده است. شماری از مهم‌ترین این تفاسیر عبارت‌اند از:

تفسیر الاثناعشری: تفسیری کامل و شامل کل قرآن به زبان فارسی در چهارده جلد، تألیف حسین بن/حمده حسینی شاه‌عبدالعظیمی، متوفای ۱۳۸۴ق. این تفسیر نخستین شاهد رواج این مکتب در حوزهٔ علمیه در سدهٔ اخیر است؛ زیرا در معرفی مؤلف این اثر گفته‌اند: مؤلف این تفسیر در سال ۱۳۱۸ق در شهر ری تولد یافته و در سال ۱۳۴۹ق به قم آمده است. وی پس از سال‌ها شرکت در درس *آیت‌الله حائری*، به تألیف این تفسیر اقدام

کرده و در تفسیر آیات بین لغت و روایت جمع کرده است. صبغهٔ روایی این تفسیر قوی تر است؛ اما مؤلف به بیان سند و مصادر روایات نپرداخته و به صحت و ضعف آنها نیز اشاره نکرده؛ ولی از نقل اسرائیلیات پرهیز کرده است. تاریخ تألیف این تفسیر، سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۰ ق گزارش شده است (ر.ک: ایازی، ۱۳۸۶، ص ۴۰۷-۴۰۴؛ خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۶۶۳).

تفسیر اهل البیت: تفسیر کل قرآن در ۲۵ جلد به زبان عربی با روش اجتهادی روایی، تألیف شیخ نجاح طائی، متولد سال ۱۳۷۶ ق در شهر کوت عراق و دانش‌آموختهٔ حوزهٔ علمیهٔ قم. این تفسیر نیز یکی دیگر از شواهد رواج این تفسیر در حوزهٔ علمیهٔ قم در سدهٔ اخیر است.

التفسیر الاتری الجامع: تألیف محمدهادی معرفت، که مشتمل بر مقدمه‌ای طولانی در بیان برخی مباحث علوم قرآنی، و تفسیر سورهٔ حمد و سورهٔ بقره با روش اجتهادی روایی در شش جلد است. این تفسیر شاهد دیگری بر رواج مکتب تفسیری اجتهادی روایی در حوزهٔ علمیهٔ قم در سدهٔ اخیر است؛ زیرا مؤلف این تفسیر، گرچه در سال ۱۳۰۹ ش در کربلا متولد شده و بیشتر تحصیلات ایشان در عراق (در کربلا و نجف اشرف) بوده است؛ ولی در سال ۱۳۵۱ ش به شهر قم هجرت کرده و تا پایان عمر (۱۳۸۵)، یعنی حدود ۳۴ سال در قم اقامت داشته و در برخی از دروس خارج قم نیز شرکت کرده است و بیشتر تألیفات ایشان، از جمله **التفسیر الاتری الجامع**، آخرین اثر علمی وی، در حوزهٔ علمیهٔ قم پدید آمده است. یکی از ویژگی‌های این تفسیر، چنان‌که از نامش نیز پیداست، گردآوری روایات و آثار تفسیری فراوان شیعه و اهل تسنن در مباحث مقدماتی و در تفسیر آیات است. مؤلف در مقدمه، ۳۶۷ روایت و اثر، در تفسیر سورهٔ حمد و در ارتباط با آن، ۶۴۶ روایت و اثر، و در تفسیر سورهٔ بقره و در ارتباط با آن، ۸۲۹۲ روایت و اثر از منابع عامه و خاصه آورده است. البته وی به نقل روایات و آثار اکتفا نکرده است؛ چنان‌که در بیان منهج خود گفته است که در تفسیر آیات برای رسیدن به نتیجهٔ مطلوب، سه مرحله را پیموده است: مرحلهٔ نخست، مطالعهٔ آیات با دلالت درونی آنها و با قرائن و شواهدی از آیات دیگر برای آن؛ مرحلهٔ دوم، ملاحظه و بررسی روایات مأثور از پیشینیان (روایات پیامبر ﷺ و عترت پاک آن حضرت ﷺ و صحابه و تابعین)؛ مرحلهٔ سوم، ارزیابی صحیح روایات یادشده براساس اصول نقد صحیح (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۴۸). در عملکرد تفسیری وی نیز دیده می‌شود که برای تفسیر برخی از آیات، با وجود روایات، تکیه بر آیات را در اولویت قرار داده است (برای نمونه، ر.ک: همان، ج ۲، ص ۴۷، ۵۲-۵۴، ۱۲۰، ۳۳۸-۳۳۹؛ و...) و در مجموع، با مطالعهٔ قسمت‌هایی از این تفسیر، اجتهادی‌روایی بودن آن آشکار است.

پرتوی از تفسیر اهل بیت: این تفسیر اثر محمد محمدی ری‌شهری، یکی دیگر از تفسیرهای پدیدآمدهٔ سدهٔ اخیر در حوزهٔ علمیه است که صبغهٔ آن اجتهادی‌روایی است؛ چنان‌که مؤلف در معرفی روش خود در این تفسیر گفته است: در این روش می‌توانیم شاهد پیوندی تکامل‌یافته میان تفسیر اجتهادی و تفسیر روایی باشیم. تفسیری که منبع اصلی آن روایات است؛ اما به منابع دیگر نیز اعتنایی درخور دارد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۸، ج ۱، ص

۱۶۷). تا کنون از این تفسیر دو جلد چاپ و منتشر شده است. جلد اول در بیان مبانی و روش تفسیر، و جلد دوم تفسیر سوره حمد است. جلد سوم آن در تفسیر آیات نخست سوره بقره است که هنوز منتشر نشده است. در میان آثار تفسیری پدیدآمده در حوزه علمیه قم در سده اخیر، استفاده از روایات به صورت روایی محض رواج نداشته است؛ ولی در گروهی از آثار تألیف شده در این سده، از جمله آثاری که در اینجا به عنوان شواهد وجود مکتب تفسیری اجتهادی روایی یاد شدند، استفاده از روایات به صورت روایی اجتهادی یا اجتهادی روایی بوده است (روایی اجتهادی به این صورت است که تفسیر براساس روایات بیان شود؛ ولی به نقل روایات اکتفا نشود. در این سبک، روایات از نظر سند، دلالت و مطابقتش با قرآن و در نظر گرفتن نسبت هر روایت با روایات دیگر به صورت اجتهادی بررسی می‌شوند. اما اجتهادی روایی این است که در زمینه تفسیر آیه قرآن، با استفاده از همه منابع اجتهاد شود؛ ولی مهم‌ترین منبع در اجتهاد، روایات باشد). استفاده از روایات توأم با اجتهاد در این دسته از آثار را می‌توان از امتیازات و نقاط مثبت رویکرد تفسیری حوزه در این سده شمرد؛ ولی با این حال در بیشتر این دسته از آثار تفسیری حوزه، دو کاستی به نظر می‌رسد: یک، استفاده نشدن از منابع دیگر تفسیر در حد امکان؛ دو، ضعف اجتهاد در استفاده از روایات.

۳-۳. مکتب تفسیری اجتهادی نسبتاً جامع

منظور از مکتب تفسیری اجتهادی جامع، نظریه کسانی است که در چگونگی تفسیر قرآن، اجتهاد در تفسیر قرآن را جایز، بلکه لازم می‌دانند و معتقدند که در تفسیر آیات باید در همه مراحل تفسیر از همه منابع تفسیر در حد امکان استفاده شود و شیوه عملی آنان در تفسیر نیز این است که در همه مراحل تفسیر از همه منابع معتبر در حد امکان استفاده می‌کنند و خود را به منبع خاصی محدود نمی‌کنند. در میان آثار تفسیری، اثری را که به طور کامل بر پایه این نظریه و مطابق با این روش تألیف شده باشد، سراغ نداریم (شاید بتوان تفسیر آیه تطهیر در کتاب **پرسیمان عصمت**، تألیف نگارنده را نمونه‌ای از تفسیر اجتهادی جامع دانست)؛ ولی آثاری وجود دارند که مؤلفان آنها در چگونگی تفسیر قرآن بر استفاده بیشتر از منبع خاصی تأکید نکرده‌اند و در تفسیری که نوشته‌اند، از همه منابع معتبر به مقداری که به نظرشان رسیده است یا به مقداری که لازم دانسته‌اند، استفاده کرده‌اند. این دسته آثار را می‌توان تفاسیر اجتهادی نسبتاً جامع نامید و از نظریه و روش تفسیری پدیدآورندگان آنها با عنوان «مکتب تفسیری اجتهادی نسبتاً جامع» یاد کرد. به نظر می‌رسد که **التبیین فی تفسیر القرآن** شیخ طوسی و **مجمع البیان امین الاسلام** طبرسی دو نمونه از این دسته آثار باشند.

۳-۳-۱. رواج مکتب تفسیری اجتهادی نسبتاً جامع در سده اخیر

با نگاهی به آثار تفسیری تألیف شده در حوزه علمیه قم در سده اخیر و مطالعه در مقدمه آنها و ملاحظه روش تفسیری به کاررفته در آنها معلوم می‌شود که در میان آن آثار، تفاسیری هستند که مؤلفان آنها در زمینه چگونگی

تفسیر قرآن بر استفاده بیشتر از منبع خاصی تأکید نکرده‌اند و در تفسیری که نوشته‌اند، از همه منابع معتبر به مقداری که به نظرشان رسیده است یا به مقداری که لازم دانسته‌اند، استفاده کرده‌اند و این تفاسیر شاهد رواج این مکتب در این سده‌اند. به نظر می‌رسد که **تفسیر نمونه** نمونه بارزی از این قسم تفاسیر باشد؛ زیرا هم در مقدمه آن تأکید بر استفاده بیشتر از منبع خاصی دیده نمی‌شود و هم در تفسیر آیات، از همه منابع (البته به مقداری که به نظر مؤلف یا مؤلفان آن رسیده یا لازم دانسته‌اند)، استفاده شده است (ر.ک: مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۶۵، ۶۸-۶۷، ۷۰، ۸۳؛ ج ۶ ص ۲۰۰-۲۰۱؛ برای دیدن موارد استفاده از روایات، ر.ک: همان، ج ۱، ص ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۴۷، ۴۸، ۶۴؛ برای دیدن موارد استفاده از ادبیات، ر.ک: همان، ص ۶۶، ۶۷، ۷۰، ۷۴، ۷۸؛ برای دیدن موارد استفاده از یافته‌های عقلی، ر.ک: همان، ص ۶۸ ج ۲۲، ص ۲۴۴؛ برای دیدن موارد استفاده از یافته‌های علوم تجربی، ر.ک: همان، ج ۶ ص ۲۰۰-۲۰۳؛ ج ۲۵، ص ۲۸۸؛ ج ۲۶، ص ۱۷۱). از متن تفسیر نیز گرایش به روش تفسیری خاص یا ترجیح روشی بر روش دیگر برداشت نمی‌شود.

حدس زده می‌شود که از آثار تفسیری تألیف شده در این سده، **تفسیر القرآن الکریم**، اثر سیدمصطفی خمینی، **تفسیر روشن**، اثر میرزا حسن مصطفوی، **تفسیر اطیب البیان**، اثر سید عبدالحسین طیب، **احسن الحدیث**، اثر سیدعلی اکبر قرشی، **تفسیر کوثر**، اثر یعقوب جعفری، **مناهج البیان فی تفسیر القرآن**، اثر محمدباقر ملکی میانجی، **تفسیر البصائر**، اثر یعسوب الدین رستگار جویباری، و... نیز از این قسم تفاسیر (تفاسیر اجتهادی نسبتاً جامع) باشند که البته نیازمند بررسی بیشتر است و در این مقاله مجال آن نیست. به‌رحال این تفاسیر نیز از قلمرو سه مکتب تفسیری رایج این سده، که معرفی شدند، خارج نیستند و از آثار تفسیری یکی از آن مکاتب‌اند. تفاسیر دیگری با استفاده از تفاسیر اجتهادی پیشین به صورت یا به سبک تفسیر موضوعی (مانند **پیام قرآن** آیت‌الله مکارم شیرازی، **منشور جاوید** آیت‌الله سبحانی و **معارف قرآن** آیت‌الله مصباح یزدی) یا با سبک استخراج پیام‌ها و نکات کاربردی قرآن (مانند **تفسیر راهنما**)، تألیف جمعی از محققان و اکبر هاشمی رفسنجانی، و **تفسیر نور**، اثر محسن قراقرتی) یا به سبک ترتیب نزول (مانند **تفسیر همگام با وحی**، اثر عبدالکریم بهجت‌پور) نوشته شده‌اند که آنها را نیز می‌توان تابعی از تفاسیر اجتهادی نسبتاً جامع دانست.

نتیجه‌گیری

از آنچه در این مقاله بیان شد، نتیجه می‌گیریم که حوزه علمیه قم در سده اخیر رویکرد اجتهادی به تفسیر قرآن داشته است و رایج‌ترین مکاتب تفسیری در این سده، مکتب تفسیری اجتهادی قرآن‌به‌قرآن، مکتب تفسیری اجتهادی‌روایی و مکتب تفسیری اجتهادی نسبتاً جامع بوده است. رواج رویکرد اجتهادی به تفسیر قرآن، استفاده حداکثری از قرآن در تفسیر آیات در مکتب تفسیری اجتهادی قرآن‌به‌قرآن، بیشترین استفاده از روایات در تفسیر قرآن در مکتب تفسیری اجتهادی‌روایی یا روایی‌اجتهادی، و محدود نشدن منابع تفسیر به منبعی خاص در مکتب تفسیری اجتهادی نسبتاً جامع را می‌توان از امتیازات و نقاط قوت رویکرد تفسیری حوزه در این سده شمرد؛ ولی

مطرح شدن نظریه قرآن‌بستگی در تفسیر و نیاز نبودن به غیر قرآن از جمله روایات در تفسیر هیچ آیه‌ای از قرآن، حتی آیات متشابه، از سوی برخی طرفداران مکتب تفسیری اجتهادی قرآن‌به‌قرآن به صورت افراطی، از خطاهای تفسیری رخ داده در حوزه در این سده است. همچنین به نظر می‌رسد که عدم اهتمام کافی به منابع غیرقرآنی تفسیر در مکتب تفسیری اجتهادی قرآن‌به‌قرآن، عدم اهتمام کافی به منابع غیرروایی تفسیر در مکتب تفسیری اجتهادی‌روایی یا روایی‌اجتهادی، در حد امکان استفاده نشدن از همه منابع تفسیر در مکتب تفسیری اجتهادی نسبتاً جامع، و ضعف اجتهاد در بسیاری از تفاسیر پدیدآمده در این سده، از کاستی‌های دیگر رویکرد تفسیری حوزه در این سده باشد.

منابع


- ابن فارس، احمد، ۱۳۸۷، *ترتیب مقایس اللغه*، تحقیق و ضبط عبدالسلام محمد هارون، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم، ۱۴۰۸ق، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث.
- اسعدی، محمد و همکاران، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۲، *آسیب شناسی جریان های تفسیری*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ایازی، سیدمحمدعلی، ۱۳۸۶، *المفسرون حیاتهم و منهجهم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بابایی، علی اکبر و همکاران، ۱۳۷۹، *روش شناسی تفسیر قرآن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- _____، ۱۳۹۹، *تاریخ تفسیر قرآن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بابایی، علی اکبر، ۱۳۸۱، *مکاتب تفسیری*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- _____، ۱۳۸۶، *مکاتب تفسیری*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- _____، ۱۳۹۰، *پرسیمان عصمت، شرحی بر آیه تطهیر*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- _____، ۱۳۹۱ الف، *بررسی مکاتب و روش های تفسیری*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- _____، ۱۳۹۱ ب، *مکاتب تفسیری*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- _____، ۱۳۹۷، *قواعد تفسیر قرآن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جوادی آملی، عبدالله، بی تا، *سیره تفسیری علامه طباطبائی، شناخت نامه علامه طباطبائی*، قم، آثار علامه طباطبائی.
- _____، ۱۳۷۲، *تفسیر موضوعی قرآن کریم (قرآن در قرآن)*، تهران، رجا.
- _____، ۱۳۸۰، *تسنیم تفسیر قرآن کریم*، قم، اسراء.
- خرمشاهی، بهاءالدین، ۱۳۷۷، *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*، تهران، دوستان و ناهید.
- خوئی، سیدابوالقاسم، ۱۴۰۸ق، *البيان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالزهراء.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، *لغتنامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بی تا، *المفردات فی غریب القرآن*، تهران، المکتبة المرتضویة.
- ساروخانی، باقر، ۱۳۸۰، *دایره المعارف علوم اجتماعی*، چ سوم، بی جا، کیهان.
- صادقی، محمد، ۱۳۷۶، «گفتگو با استاد دکتر محمد صادقی»، *پژوهش های قرآنی*، ش ۹، ص ۲۸۴-۳۰۶.
- _____، ۱۴۰۶ق، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة*، قم، مطبعة امیر.
- صفی پور، عبدالکریم، بی تا، *منتهی الارب*، بی جا، کتابخانه سنایی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۰ش، *قرآن در اسلام*، طهران، دارالکتب الاسلامیة.
- _____، بی تا، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن، بی تا، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، مکتبة العلمیة الاسلامیة.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرين*، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- علوی مهر، حسین، ۱۳۸۴ش، *آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، بی تا، *القاموس المحیط*، بیروت، دارالمعرفة.
- فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۹۸، *پرتوی از تفسیر اهل بیت*، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی و مؤسسه دارالحديث.
- معرفت، محمدهادی، ۱۳۸۷، *التفسیر الاثری الجامع*، قم، مؤسسه التمهید.
- معین، محمد، ۱۳۷۱، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیر کبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامیة.

نوع مقاله: پژوهشی

سیر تطور دانش و نگارش‌های علوم قرآنی حوزه علمیّه قم در سده اخیر*

روح‌الله شهیدی / استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران

shahidi@ut.ac.ir

 orcid.org/0000-0002-2951-2291

دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۲

چکیده

علوم قرآن در حوزه علمیّه قم از قریب دهه ۳۰ شمسی مد نظر قرار گرفته و تاکنون آثار فراوانی در این زمینه به ثمر رسیده است. مقاله حاضر با گردآوری آثار علوم قرآنی از مراجع کتاب‌شناختی قرآنی، وبگاه‌ها و بانک‌های اطلاعاتی درصدد یافتن شاخه‌های علوم قرآن مورد اهتمام حوزویان، شمار آثار در هر شاخه و نیز تحلیل و بررسی تطور رخ داده در آن شاخه و زمینه‌ها و عوامل پدیدایی آنهاست. رهگیری نگارش‌های حوزیان قم در علوم قرآن نشان از افزایش کمی قابل توجه از دهه‌های به دهه دیگر دارد. علاوه بر آن، تنوع موضوعات پژوهشی قرآن‌پژوهان حوزه علمیّه قم نیز به مرور زمان افزوده شده است. درونمایه این آثار در دهه ۳۰ و ۴۰ شمسی به موضوعات کم‌شماری همچون «وحی» و «تحریف» محدود بود؛ ولی مقارن با انقلاب اسلامی و محوریت یافتن حوزه علمیّه قم، تأسیس پژوهشگاه‌ها و مراکز تخصصی علوم قرآن، تأسیس و توسعه رشته «علوم قرآن و حدیث» و افزایش پژوهش‌های قرآنی و به واسطه بهره جستن عالمان حوزه از میراث غنی تفسیر معاصر امامیه، واکاوی دقیق منابع تفسیری و به ویژه روایات تفسیری، بهره جستن از علوم جدید زبان‌شناختی و علوم انسانی، بازسازی و بازخوانی دیدگاه‌های سنتی و رسمی در پرتو پاسخ‌گویی به شبهات و تنقیح قواعد و مبانی کلی و درنگ در راهکارهای نظریه‌پردازی، به تدریج درونمایه نگاشته‌ها از حالت محدود پیشین بیرون آمد و با دربر گرفتن شاخه‌های گوناگون علوم قرآن توسعه یافت و به سوی هویت بخشیدن به علوم قرآن با رهیافتی شیعی و استقلال اندیشه قرآنی امامیه پیش رفت.

کلیدواژه‌ها: علوم قرآن، حوزه علمیّه قم، نگارش‌های علوم قرآن، اندیشه قرآنی امامیه، تطور علوم قرآن.

«علوم قرآن» را به شکل‌های گوناگون تعریف کرده‌اند؛ مانند:

دانش‌هایی که مباحث کلی شناخت قرآن را تبیین کند و پرسش‌های گونه‌گون متعلق به قرآن و چگونگی آن را پاسخ گوید، که به گونه‌ای می‌توان از آنها به «پیش‌نیاز تفسیر و شناخت قرآن» یاد کرد (مهردی‌راد، ۱۳۸۴، ص ۸).

دانش‌هایی است که مبانی، ابزارها و راهبردهای فهم قرآن کریم را تسهیل می‌نماید (سعیدی روشن، ۱۳۷۹، ص ۱۶).

مباحثی درباره قرآن کریم - غیر از معنا و تفسیر آیات آن - که بر قرآن نگاهی بیرونی دارد و از مباحث پیشاتفسیری، چون وحی، تاریخ نزول، تاریخ جمع قرآن، قرائات، اعجاز و تحریف‌ناپذیری و امثال آن تشکیل شده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۹).

مجموعه‌ای از دانش‌های بیرونی که برای شناخت ماهیت، تحولات تاریخی، مبانی فهم و تفسیر و فعالیت‌ها و مطالعات انجام شده درباره این کتاب به کار می‌آیند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۷۰).

دانشی است که موضوع آن قرآن کریم است و این کتاب را از جهات مختلف، همچون کیفیت نزول، قرائت، پیوند با حوادث عصر نزول، احکام و تشابه، اعجاز و مانند آن بررسی می‌کند (باقری، ۱۳۹۹، ص ۲۸).

به هر روی می‌توان گفت: در تعاریف مذکور، مباحث علوم قرآن از مباحث معارف قرآنی و تفسیر و معنای آیه یا آیات مشخص متمایز گردیده است.

مباحث و مسائل علوم قرآن هم به شکل‌های گوناگونی دسته‌بندی شده است (ر.ک. فتح الهی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۱ به بعد؛ باقری، ۱۳۹۹، ص ۵۴ به بعد). تقسیم‌بندی ذیل از جامع‌ترین آنهاست (باقری، ۱۳۹۹، ص ۶۸-۶۷):

(الف) مباحث مقدماتی علوم قرآن (شامل: تعریف علوم قرآن، روش علوم قرآن، تاریخچه علوم قرآن، فواید شناخت علوم قرآن و ارتباط علوم قرآن با دیگر علوم)؛

(ب) مباحث مربوط به شناخت ماهیت، ویژگی‌ها و اوصاف قرآن (شامل: وحی و نزول، وحیانی بودن الفاظ قرآن، اعجاز، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، تناسب آیات و سوره، جامعیت قرآن، عناوین قرآن، وحدت موضوعی سوره‌ها، تحریف‌ناپذیری، زبان قرآن)؛

(ج) تاریخ قرآن (شامل: کتابت قرآن، مصاحف صحابه، تدوین، رسم‌الخط قرآن، شکل و نقطه)؛

(د) مباحث مربوط به الفاظ قرآن (شامل: قرائات، تجوید، آداب قرائت، غریب القرآن، وجوه و نظائر، واژگان دخیل، فواصل، تعداد سوره‌ها، آیات، کلمات و حروف، دسته‌بندی سوره‌ها، مبهمات القرآن، مجمل و مبین، عام و خاص، مترادف، مشترک، حقیقت و مجاز)؛

(ه) مباحث مربوط به تفسیر قرآن (شامل: مفهوم‌شناسی، روش‌شناسی تفسیر «مبانی تفسیر، روش تفسیر، قواعد و منابع و ابزارهای تفسیر و شرایط مفسر»، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، مکاتب و جریان‌های تفسیری، تاریخ تفسیر)؛

(و) مباحث مربوط به ترجمه قرآن (امکان و روایی ترجمه قرآن، قواعد ترجمه قرآن، آسیب‌های ترجمه قرآن و تاریخ ترجمه قرآن).

اندیشوران و دانش‌آموختگان حوزه علمیه قم به مقتضای رسالت خویش (یعنی تفقه در دین و علوم دینی) در زمینه علوم قرآن هم به ژرف‌اندیشی و اثرآفرینی دست زده‌اند. مقاله حاضر بر آن است در ساختاری منسجم و تاریخ‌محور، پویه‌های علوم قرآن ایشان را در سده اخیر (۱۳۰۰-۱۴۰۰) بکاود و درباره درونمایه و چگونگی و رویکردهای آثار دانشیان حوزه علمیه قم، فراز و فرود آن در گذر زمان و زمینه‌های پیدایی آنها سخن بگوید.

در این زمینه چند پیش‌فرض مطرح است:

یکم. بجز مباحث تفسیری و درون‌قرآنی، دیگر مباحث مربوط به قرآن، مباحث علوم قرآن انگاشته شده است. دوم. هر پژوهشگری را که سالیانی در حوزه علمیه قم تحصیل کرده و در مؤسسات آموزشی و پژوهشی پیرامون این حوزه آموخته و پژوهیده و دانشیانی که از دیگر حوزه‌های شیعی (همچون حوزه‌های عراق و لبنان) به قم آمده و در کنف حوزه علمیه قم به افاده و استفاده پرداخته‌اند، از تبار حوزه علمیه قم به شمار آمده‌اند. سوم. ملاک برای نام‌بردن کتاب‌ها در شمار پژوهش‌های حوزه قم، مشارکت در نگارش کتاب یا نظارت بر نگارش و گردآوری درونمایه آن بوده است و نه لزوماً نوشتن تمام محتوای اثر از سوی ایشان.

با این پیش‌فرض‌ها، در منابع کتابخانه تخصصی تفسیر و علوم قرآن وابسته به دفتر *آیت‌الله العظمی سیستانی*؛ کتابخانه شخصی *استاد محمدعلی مهدوی راد*؛ بانک‌های اطلاعاتی کتابخانه ملی؛ مؤسسه خانه کتاب و وبگاه‌های مراکزی همچون مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع؛ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی؛ انتشارات بین‌المللی المصطفی؛ کتاب‌هایی همچون *دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی*، از بهاء‌الدین خرمشاهی؛ *دانشنامه قرآن‌پژوهان ایران*، به اهتمام سعید بهمنی؛ *تساختمانم چهل شخصیت قرآنی معاصر*، به اهتمام مصطفی عباسی مقدم و محمدعلی خسروی و *نقش شیعه در گسترش علوم قرآن*، به کوشش محمدتقی سبحانی و محمدعلی رضایی اصفهانی جست‌وجو گردید و کتاب‌هایی را که در دایره علوم قرآن قرار می‌گرفت، برگزیده شد.

سپس با مبنا قراردادن دسته‌بندی پیش‌گفته، به موضوع‌بندی آنها اقدام شد. لازم به ذکر است که به اقتضای روش استقرایی پژوهش، در این دسته‌بندی دخل و تصرف‌هایی صورت پذیرفت تا نمایی جامع و کامل از نگاه‌های دانشوران حوزه علمیه قم در سده اخیر به دست آید. آن‌گاه نگاه‌ها به ترتیب تاریخی و بر پایه تاریخ نخستین چاپ کتاب یاد شد و در مقدمات و بینابین مباحث درباره آثار شاخص و نوآور و زمینه‌ها و بستر پیدایی نگاه‌ها توضیح داده شد.

پیشینه

با مراجعه به پیشینه بحث، نوشته‌ای جداگانه با این موضوع و بازه تاریخی یافت نشد. در این میان، می‌توان دو نگاه‌ها را تا حدی با این مقاله هم‌افق دانست:

نخست. *دانشنامه قرآن‌پژوهان ایران* که در سال ۱۳۸۶ منتشر شده است و نگاه‌های پس از این سال تا

کنون را در خود ندارد. همچنین مبنای ارائه درون‌مایه کتاب بر اساس نام کتاب‌هاست و بنا بر طبیعت دانشنامه‌ها، سیر و تطور تاریخی و موضوعی کتاب‌ها چندان مد نظر نیست.

دوم. **نقش شیعه در گسترش علوم قرآن**، نشر یافته در سال ۱۴۰۰ که بیشتر حجم این کتاب علوم قرآن در دوران کهن را می‌کاود و به دانشجویان حوزه علمیه قم اختصاصی ندارد. تنها در بخش «نوآوری‌های قرآنی شیعه در عصر حاضر» با نگاهی گزینشی پژوهش‌های نوآورانه برخی از قرآن‌پژوهان حوزوی را از نظر می‌گذراند، ولی با توجه به موضوع خود، درصدد ارائه سیر تاریخی، تطورها و زمینه‌های آن نیست (جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۰، ص ۳۹۵-۴۲۹).

ذکر این نکته بجاست که پژوهش حاضر با دشواری‌هایی رو به رو بود:

نخست. نبود بانک جامع اطلاعاتی از کتاب‌های علوم قرآن در ایران که نویسنده را به سرک کشیدن در جایگاه‌ها و مظان گوناگون و نه چندان کافی و وافی کشانید که این مغفول ماندن برخی از کتاب‌ها و پژوهش‌ها را محتمل می‌سازد.

دوم. پایگاه داده‌ای جامعی از دانش‌آموختگان و فضایی حوزه علمیه و آثار ایشان وجود ندارد و با توجه به فراوانی و گستردگی ایشان در مناطق گوناگون، باز هم احتمال نادیده‌ماندن برخی از آنها هست.

با این حال نگارنده کوشیده است تا با استقرای نسبی نگاشته‌ها و نمایاندن آثار شاخص و اثرگذار پژوهشیان حوزه، تصویری گویا از تاریخ و تطور علوم قرآن در این حوزه ترسیم کند.

سوم. تاریخ نخستین چاپ کتاب، ملاک تاریخ‌گذاری آن بوده است و این لزوماً تاریخ واقعی پدیدآیی کتاب را نمی‌نمایاند. چه‌بسا کتابی برآمده از پایان‌نامه ارشد یا رساله دکتری نویسنده بوده که یک یا دو دهه پیش نگاشته شده و بعدها به زور طبع آراسته گردیده، یا پژوهشی تمام و کمال، مدت‌ها در فراز و فرودهای بازار نشر گرفتار آمده و میان نگارش و چاپ آن فاصله افتاده باشد.

اکنون بر پایه آثار و نگاشته‌های چاپ شده، ۲۳ شاخه از شاخه‌های مطالعات علوم قرآن را که دانش‌آموختگان حوزه علمیه قم در سده اخیر نسبت به آن اهتمام داشته‌اند، همراه با سیر تطور آنها از نظر می‌گذرانیم:

۱. مباحث عام علوم قرآن

نگاشته‌های مربوط به این مطالعات بر یک موضوع خاص از موضوعات شناخته شده در علوم قرآن متمرکز نیست، بلکه چند موضوع از موضوعات علوم قرآن را دربر دارد. اینها خود به شکل‌های گوناگونی ظهور یافته‌اند: گاه مؤلفان با بهره‌جستن از مبنای تفکر امامیه درباره موضوعات قرآنی، نگاشته‌ای مستقل رقم زده‌اند و رهیافتی شیعی به این علوم بخشیده‌اند. گاه کوشیده‌اند کتاب‌های علوم قرآن استاندارد در جهان اسلام را با ترجمه، به جامعه علمی معرفی کنند یا با کاویدن میراث تفسیری اسلامی، داده‌های مربوط به علوم قرآن را استخراج کنند یا با جست‌وجو در خزائن نسخه‌های خطی، رساله‌های مغفول علوم قرآن از دانشمندان شیعه را احیا و درباره آنها تحقیق کنند.

مراجعه به میراث روایی، به‌مثابه یکی از مهم‌ترین عناصر اندیشه امامیه و سامان دادن مباحث علوم قرآن بر پایه آن یکی دیگر از پویه‌های قرآن‌پژوهان حوزه علمیه بوده است. در نهایت، باید به رویکرد دانشنامه‌نگارانه ایشان اشاره کرد که به دنبال ارائه تصویری عام از دیدگاه‌های رایج در شاخه‌های گوناگون علوم قرآن است.

۱-۱. تألیف‌ها

۱-۱-۱. دهه ۵۰

۱. علامه سیدمحمدحسین طباطبائی، *قرآن در اسلام* (۱۳۵۳)؛ ایشان با نگارش این کتاب از پیشگامان این‌گونه آثار به شمار می‌آید که در ضمن کتاب، مباحث علوم قرآن، همچون وحی و نزول، محکم و متشابه، اسباب نزول، مکی و مدنی و غیر آن را به بحث گذارده است.

۲. محمد فاضل لنکرانی، *مدخل التفسیر* (۱۳۵۴)؛ این کتاب به موضوعاتی همچون اعجاز، قرائات و عدم تحریف پرداخته است.

۳. سیدعلی علامه فانی اصفهانی، *آراء حول القرآن* (۱۳۵۷)؛

۴. محمدهادی معرفت، *التمهید فی علوم القرآن*، ج ۱-۳ (۱۳۵۸)؛

۵. محمدعلی گرامی، *درباره شناخت قرآن* (۱۳۵۹)؛

۱-۱-۲. دهه ۶۰

۵. شهید سیدمحمدباقر حکیم، *علوم القرآن* (۱۳۶۱)؛ ایشان با تکمیل درس‌های استاد خویش شهید سیدمحمدباقر صدر، این کتاب را نگاشت.

۶. مرتضی حائری یزدی و مهدی حائری تهرانی، *علوم قرآنی یا تفسیر موضوعی* (۱۳۶۳)؛

۷. محمد مظفری، *دانشتنی‌هایی از قرآن* (۱۳۶۸).

۱-۱-۳. دهه ۷۰

۸. یعقوب جعفری سیری در *علوم قرآن* (۱۳۷۳)؛

۹. سیدعلی اکبر قرشی، *نگاهی به قرآن* (۱۳۷۴).

۱۰. محمدهادی معرفت، *التمهید فی علوم القرآن*، ج ۴-۶ (۱۳۷۰-۱۳۷۴)؛ این کتاب یکی از پردامنه‌ترین و گسترده‌ترین کتاب‌های علوم قرآن شیعه در شش جلد است. مؤسسه «تمهید» با افزودن کتاب‌های *تسهات و ردود، صیانه القرآن من التحریف و التفسیر و المفسرون* (ج ۲) در سال ۱۳۸۸ این کتاب را در ده جلد به چاپ رسانید. با توجه به حجم بالای مطالب کتاب و برای ارائه آن در دوره‌های آموزشی، گزیده‌هایی از این با عنوان *تلخیص التمهید* (۱۳۷۴) و *مختصر التمهید فی علوم القرآن* (۱۳۷۶) نیز فراهم آمد و برآیند پژوهش‌های آن در کتابی تک جلدی با عنوان *علوم قرآنی* (۱۳۷۸) به زبان فارسی نگاشته شد.

۱۱. علامه سید مرتضی عسکری، مجموعه سه جلدی *القرآن الکریم و روایات المدرستین* (۱۳۷۴/۱۳۷۵/۱۳۷۸)؛ دیگر اثر تحقیقی و نوآورانه‌ای است که برخی از مباحث علوم قرآن، همچون نزول، جمع و تدوین، قرائات و تحریف ناپذیری را به دقت کاویده و کوشیده است تا ایستار اصیل مدرسه اهل بیت علیهم‌السلام را تبیین و از آن دفاع کند.
۱۲. جواد محدثی *آشنایی با علوم قرآنی* (۱۳۷۵)؛ وی این کتاب برای جوانان نگاشت و در عمومی سازی این دانش کوشید.
- آثار پیش گفته با آمیزه‌های از رویکردهای پژوهشی و آموزشی نوشته شده‌اند. اما از نیمه دوم دهه ۷۰ نگارش در سنامه‌های علوم قرآن شتاب گرفت و به وجه غالب آثار این روزگار تبدیل شد.
۱۳. مهدی احدی *نژاد، علوم قرآنی* (۱۳۷۵)؛
۱۴. محمدعلی گرامی، *درس‌هایی از علوم قرآن* (۱۳۷۶)؛
۱۵. حبیب‌الله احمدی، *پژوهشی در علوم قرآن* (۱۳۷۶)؛
۱۶. علی غضنفری، *بیان روان در علوم قرآن* (۱۳۷۶)؛
۱۷. حبیب‌الله طاهری، *درس‌هایی از علوم قرآنی*، ج ۱ و ج ۲ (۱۳۷۷) و ج ۳ (۱۳۸۲)؛
۱۸. حسین جوان آراسته، *درسنامه علوم قرآنی* (۱۳۷۷)؛
۱۹. محمدباقر سعیدی روشن، *علوم قرآن* (۱۳۷۷)؛
۲۰. محمدجواد اسکندرلو، *علوم قرآنی* (۱۳۷۹)؛
۲۱. محمد اسعدی، *آشنایی با دانش‌های قرآنی* (۱۳۷۹)؛
۲۲. علی نقی خدایاری، *نگاهی به علوم قرآنی* (۱۳۷۷)؛ این کتاب ترجمه کتاب *نفحات من علوم القرآن*، از محمدباقر ملکی میانجی است.
۲۳. سیدمحمدعلی ایازی، *قرآن اثری جاویدان: گامی کوتاه در شناخت قرآن* (۱۳۷۷)؛
۲۴. محمدعلی لسانی فشارکی، *علوم قرآنی* (۱۳۷۸)؛ این کتاب ترجمه *علوم القرآن*، شهیدمحمدباقر حکیم است.
- ۱-۱-۴. دهه ۸۰
۲۵. استاد محمدنقی مصباح یزدی، *قرآن‌شناسی*، ج ۱ (۱۳۸۰) و ج ۲ (۱۳۸۶)، تحقیق و نگارش و همکاری محمود رجبی، حمید آریان و غلامعلی عزیزی کیا، از آثار پژوهشی شاخص در این دهه است که موضوعات و دیدگاه‌های گوناگونی در زمینه اعجاز، تحریف ناپذیری، نسخ، محکم و مشابه، نزول و غیر آن تحقیق و ارزیابی کرده است.
۲۶. عطاءالله اشرفی اصفهانی، *برهان قرآن* (۱۳۸۰)؛
۲۷. مهدی احدی *نژاد، خورشید قرآن* (۱۳۸۰)؛

۲۸. سیدمحمدعلی ایازی، *قرآن اثری جاودان* (۱۳۸۱):
۲۹. محمدرحمن جواهری، *پرسیمان قرآنی* (۱۳۸۱): نگارنده اثر بر آن است تا با بهره‌جستن از الگوی پرسش و پاسخ، موضوعات گوناگون علوم قرآن را به مخاطب عام و غیر متخصص انتقال دهد.
۳۰. ذبیح‌الله علیزاده، *درس‌هایی در علم قرآن* (۱۳۸۰):
۳۱. حسین جوان آراسته و قدرت‌الله فرقانی، *علوم قرآنی* (۱۳۸۲):
۳۲. خلیل عصامی، *ترجمه دروس فی علوم القرآن* (۱۳۸۳)، این کتاب ترجمه *علوم قرآنی* از حسین جوان آراسته است که به عربی برگردانده شده است.
۳۳. سیدهادی حسن، *علوم قرآن (اعلی تعلیمی نصاب)* (۱۳۸۳): این کتاب ترجمه *علوم قرآنی*، از حسین آراسته جوان است که به زبان اردو ترجمه شده است.
۳۴. محمدعلی تسخیری، *محاضرات فی علوم القرآن* (۱۳۸۲):
۳۵. سیدجواد علم‌الهدی، *درس‌هایی از علوم قرآن* (۱۳۸۷):
۳۶. مؤلفان گروه تفسیر و علوم قرآن جامعه الزهراء، *به سوی روشنائی: دروس علوم قرآنی* (۱۳۸۸):
۳۷. محمداقبر سعیدی روشن، *آشنایی با علوم قرآن* (۱۳۸۸):
۳۸. محمدعلی تسخیری، *حول القرآن* (۱۳۸۹): این کتاب را تحسین بدری گردآوری و تنظیم کرده است.
- ۱-۱- دهه ۹۰
- در دهه ۹۰ رویکرد آموزشی همچنان بر نگاشته‌های علوم قرآن غلبه دارد. آثار شاخص در این زمینه عبارت‌اند از:
۳۹. محمدرضا ابراهیم‌نژاد، *علوم قرآن* (۱۳۹۰):
۴۰. سیدحسین موسوی صافی، *دروس موجزة فی علوم القرآن* (۱۳۹۰):
۴۱. سیدمحمد خامنه‌ای، *قرآن و حقایق پیرامون آن*، به ضمیمه *نگاهی به تفسیر ملاصدرا* (۱۳۹۱):
۴۲. محمدجواد اسکندرلو، *اعجاز قرآن و مصونیت از تحریف: درسنامه علوم قرآن ۲*، مقطع کارشناسی (۱۳۹۲):
۴۳. سیدریاض حکیم، *علوم القرآن: دروس منهجیة* (۱۳۹۳):
۴۴. محمدهادی یوسفی غروی، *علوم قرآنی* (۱۳۹۳):
۴۵. صدیق حسین، *علوم قرآن: مقدماتی* (۱۳۹۳):
۴۶. رضا باقی‌زاده، *هشتصد نکته درباره قرآن* (۱۳۹۴):
۴۷. سیدریاض حکیم، *الوجیز فی علوم القرآن* (۱۳۹۵):
۴۸. سید نذیر الحسنی، *دروس فی علوم القرآن* (۱۳۹۵):
۴۹. گروهی از بانوان استاد جامعه الزهراء، *درسنامه علوم قرآن جامعه الزهراء* (۱۳۹۶):

۵۰. فتح‌الله نجارزادگان، محمدعلی مهدوی‌راد و مجید معارف، *علوم قرآنی: وحی، اعجاز، تحریف‌ناپذیری* (۱۳۹۶)؛ این کتاب درسنامهٔ مقطع کارشناسی ارشد «رشتهٔ علوم قرآن و حدیث» است.
۵۱. کامران اویسی، *مباحثی از تاریخ و علوم قرآن* (۱۳۹۷)؛
۵۲. محمدباقر سعیدی روشن، *علوم قرآنی ۱: وحی و نزول* (۱۳۹۸)، درسنامه‌های علوم قرآن، کارشناسی رشتهٔ علوم قرآن و حدیث؛
۵۳. فتح‌الله نجارزادگان، *علوم قرآنی ۲: همانندسازی و تحریف‌ناپذیری قرآن* (۱۳۹۸)، درسنامه‌های علوم قرآن، کارشناسی رشتهٔ علوم قرآن و حدیث؛
۵۴. محمد اسعدی، *علوم قرآنی ۳: مکی و مدنی، اسباب نزول، محکم و متشابه، نسخ* (۱۳۹۸)، درسنامه‌های علوم قرآن، کارشناسی رشتهٔ علوم قرآن و حدیث؛
۵۵. علی‌اکبر بابایی، *علوم قرآنی ۴: دلالت‌های قرآن کریم* (۱۳۹۸)، درسنامه‌های علوم قرآن کارشناسی رشتهٔ علوم قرآن و حدیث؛
۵۶. محمدباقر ملکی میانجی، *نفحات من علوم القرآن* (۱۳۹۳)؛ این کتاب از کتاب‌های پژوهش‌بنیاد در این دهه به شمار می‌رود که کار گردآوری و تنظیم آن را سید فاضل رضوی و تحقیق آن را مرتضی اعدادی خراسانی به عهده داشته و بیشتر درون‌مایهٔ آن را از تفسیر *مناهج البیان فی تفسیر القرآن* برگرفته است. کتاب دربردارندهٔ دیدگاه‌های نویسنده دربارهٔ نزول، محکم و متشابه، روش‌های تفسیری و میزان اعتبار روش تفسیر «قرآن به قرآن» و غیر آن است.
۵۷. زین‌العابدین قربانی، *پژوهشی نو دربارهٔ قرآن و علوم قرآنی*، ج ۱ (۱۳۹۴)؛
۵۸. گروهی از مترجمان، *ترجمهٔ التمهید فی علوم القرآن* (۱۳۹۳-۱۳۹۴ و ۱۳۹۶)، از آیت‌الله محمدهادی معرفت؛ این کتاب در ده جلد به چاپ رسیده است.
۵۹. یوسف تازه‌گون، *ترجمه علوم قرآنی* (۱۳۹۳)، از آیت‌الله محمدهادی معرفت که به زبان ترکی استانبولی به چاپ رسیده است.
۶۰. سلیمان بای جی، *درسنامه علوم قرآن* (۱۳۹۴)؛ این کتاب اثر حسین جوان آراسته است که به زبان چینی بازگردانده شده است.
- ۱-۲. ترجمه‌ها
- دانش‌آموختگان حوزهٔ علمیه افزون بر تألیف کتاب‌های مستقل، کوشیده‌اند تا کتاب‌های علوم قرآن نگاشته شده در جهان اسلام را نیز به پارسی برگردانند.
- ۱-۲-۱. دههٔ ۷۰
۱. سیدمهدی حائری قزوینی، *ترجمهٔ الإیقان فی علوم القرآن* (۱۳۷۶)، از جلال‌الدین سیوطی که در دو جلد ارائه شده است.

۲. مرتضی کریمی‌نیا، *معنای متن: پژوهشی در علوم قرآن* (۱۳۸۰)، این کتاب ترجمه فارسی مفهوم النص از نصر حامد ابوزید است.

۳. سید محمود طیب‌حسینی، *ترجمه الإیتقان فی علوم القرآن (۱)* (۱۳۸۴)؛

۴. سید محمود طیب‌حسینی، *ترجمه الإیتقان فی علوم القرآن (۲)* (۱۳۸۵)؛ به علت آنکه برخی از بخش‌های کتاب *الإیتقان فی علوم القرآن*، از جلال‌الدین سیوطی در شمار منابع اصلی درس «علوم قرآن» در رشته «علوم قرآن و حدیث» به شمار می‌آید، مترجم آن مباحث را در این بخش‌ها عرضه کرده است.

۱-۳. استخراج و سامان‌دهی داده‌های علوم قرآن از تفاسیر

متقدمان مباحث علوم قرآن را بیشتر به‌مثابه مقدمات تفسیر می‌نگریستند و می‌کوشیدند تا این مباحث را به مناسبت، در دل تفاسیر خویش بیاورند. از این‌رو، بخشی از میراث علوم قرآن مسلمانان به جای آنکه در چارچوب آثاری مستقل خودنمایی کند، میان تفاسیر نهفته و با داده‌های تفسیری در هم آمیخته است. دانشوران حوزه با تفتن بدین نکته کوشیده‌اند تا داده‌های علوم قرآن را از بین تفاسیر مهم فریقین سامان دهند.

۵. پژوهشگران دفتر تبلیغات اسلامی، *علوم القرآن عند المفسرین* (۱۳۸۶)، ج ۱: *کلیات حول القرآن، نزول القرآن، جمع القرآن، سلامة القرآن؛ ج ۲: القراءات، حدیث الأحرف السبعة، التلاوة، إعجاز القرآن، النسخ و المنسوخ؛ ج ۳: المحکم و المتشابه، التفسیر و المفسرون.*

۱-۴. بازخوانی اندیشه‌های قرآنی اندیشوران

۱-۴-۱. کتاب‌های مستخرج از آثار اندیشوران حوزه

بخشی از کتاب‌های عام علوم قرآن در زمینه استخراج و تنظیم داده‌های علوم قرآن از تفسیر و آثار اندیشوران حوزوی پدید آمده است؛ مانند:

۶. سیدحمیدرضا محمودزاده حسینی، *معرفة القرآن فی تفسیر المیزان* (۱۳۷۴)؛

۷. عباس عزیزی، *سیمای قرآن در آثار استاد علامه آیت‌الله حسن زاده آملی* (۱۳۷۸)؛

۸. محمدباقر ملکیان، *علوم قرآن در تفسیر المیزان و آثار علامه طباطبائی* (۱۳۸۲)؛

۹. محمدجواد اسکندری، *علوم قرآن در تفسیر نمونه* (۱۳۹۶).

برخی دیگر از این آثار از جنبه توصیفی در آثار پیش‌گفته فراتر رفته و رنگ و بویی اندیشه‌شناسانه به خویش گرفته است؛ مانند:

۱۰. مسعود صادقی، قرآن پژوهی مطهر (۱۳۸۷):

۱۱. جمعی از مؤلفان، اندیشه‌های قرآنی شهید مطهری (۱۳۸۷):

۱۲. علی نصیری، معرفت قرآنی: یادنگار آیت‌الله محمد‌هادی معرفت (۱۳۸۷):

۱۳. امیررضا اشرفی، علوم قرآنی از دیدگاه علامه بلاغی (۱۳۹۱):

۱۴. فرج‌الله میرعرب، علوم قرآن در اندیشه امام خمینی * (۱۳۹۵):

۱۵. جمعی از نویسندگان، نگاهی دوباره: بازخوانی اندیشه‌های قرآنی شهید آیت‌الله دکتر بهشتی (۱۳۹۵):

۱۶. علی امین‌رستمی، تسبیح و قرآن: قرآن در منظر و عملکرد شیعیان امامی (۱۳۹۶):

این آثار که در دهه ۹۰ به نگارش درآمده، به گونه‌ای عام، ایستار قرآن پژوهان امامیه را درباره موضوعات گوناگون در پیوند با قرآن کاویده و عرضه داشته است.

۳-۱-۲. مقالات، همایش‌ها و گفت‌وگوها

اندیشه‌شناسی اندیشوران حوزه گاه از مقالات همایش‌ها یا گفت‌وگوها برآمده است. در این زمینه می‌توان از این آثار یاد کرد:

۱۷. جمعی از محققین، مجموعه مقالات فارسی قرآنی کنگره بین‌المللی علامه بلاغی (۱۳۸۶):

۱۸. مرکز مطالعات اقتصادی دانشگاه مفید، مرکز مطالعات قرآن، مجموعه مقالات همایش بررسی

اندیشه‌های قرآنی و اقتصادی آیت‌الله سید محمود طالقانی (۱۳۸۹):

۱۹. سیدرضا حسینی امین، مجموعه مقالات نخستین همایش بیداری قرآنی در تاریخ معاصر: با محوریت

اندیشه و آثار علامه مجاهد آیت‌الله العظمی دکتر محمد صادقی (۱۳۹۲):

۲۰. سیدرضا حسینی امین، دومین همایش بیداری قرآنی در تاریخ معاصر: با محوریت اندیشه و آثار علامه

مجاهد آیت‌الله العظمی دکتر محمد صادقی صاحب تفسیر الفرقان (۱۳۹۳):

۲۱. مجید رضایی دوانی، معرفت قرآنی (مجموعه مقالات): بزرگداشت آیت‌الله محمد‌هادی معرفت (۱۳۹۵):

۲۲. سعید بهمنی، پژوهش‌های نوآمد قرآنی در گفت‌وگوی علمی با علامه محمد‌هادی معرفت (۱۳۹۶).

۱-۵. گردآوری و سامان‌دهی مقالات قرآنی

۱-۵-۱. مجموعه مقالات همایش‌ها

از همایش‌های تحقیقاتی علوم و مفاهیم قرآن در اواخر دهه ۶۰ و نیمه نخست دهه ۷۰ که به همت «دارالقرآن» آیت‌الله گلپایگانی در قم برگزار گردید، می‌توان به‌مثابه یکی از نخستین تلاش‌ها در این زمینه یاد کرد که مجموعه‌ای پنج جلدی از خود به یادگار نهاده است:

۲۳. دارالقرآن الکریم، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات اولین کنفرانس تحقیقاتی علوم و مفاهیم قرآن کریم (۱۳۶۸)؛
۲۴. دارالقرآن الکریم، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات دومین کنفرانس تحقیقاتی علوم و مفاهیم قرآن کریم (۱۳۶۸)؛
۲۵. دارالقرآن الکریم، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات سومین کنفرانس تحقیقاتی علوم و مفاهیم قرآن کریم (۱۳۷۰)؛
۲۶. دارالقرآن الکریم، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات چهارمین کنفرانس تحقیقاتی علوم و مفاهیم قرآن کریم (۱۳۷۳)؛
۲۷. دارالقرآن الکریم، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات پنجمین کنفرانس تحقیقاتی علوم و مفاهیم قرآن کریم (۱۳۷۵).

۲-۱. مجموعه مقالات شخصی قرآن پژوهان

- با گذر زمان، برخی حوزویان پس از سال‌ها قلم‌زدن در عرصه‌های گوناگون قرآن‌پژوهی و نگارش مقاله، بر آن شدند تا مجموعه مقالات خویش را در قالبی منسجم ارائه دهند؛ مانند:
۲۸. ابوالفضل شکوری، گذری بر کرائه قرآن (۱۳۸۴)؛
۲۹. محمدعلی کوشا، از دولت قرآن (۱۳۸۹)؛
۳۰. سیدرضا مؤدب، مقالات قرآنی و حدیثی (۱۳۹۱).

۳-۱. مجموعه مقالات گروهی قرآن پژوهان

- گاهی هم بر محور قرآن و قرآن‌پژوهی، مجموعه مقالاتی از نویسندگان گوناگون گرد هم آمده است؛ مانند:
۳۱. محمدجواد صاحبی، شناختنامه قرآن: مقالاتی در شناخت قرآن کریم (۱۳۹۱).

۶-۱. احیا و تحقیق نسخه‌های خطی علوم قرآنی امامیه

با نگاهی به فهرست‌ها و منابع کتابشناختی، در وهله اول چنین به نظر می‌آید که عالمان امامیه جز در دو سده اخیر، اهتمام چندانی به مباحث علوم قرآن نداشته‌اند. اما مراجعه به فهرست نسخه‌های خطی این تصور را از میان می‌برد و از میراث قرآنی پرباری پرده برمی‌دارد که در گوشه مخازن نسخه‌های خطی به دست فراموشی سپرده شده است. این نکته «کتابخانه تخصصی تفسیر و علوم قرآنی» وابسته به دفتر آیت‌الله سیستانی را از دهه ۸۰ بر آن داشت که در بخشی از مجموعه ۷ جلدی *تراث الشیعه القرآنی* (۱۳۸۴-۱۴۰۰)، نسخه‌های خطی رساله‌های علوم قرآنی را به زبان عربی احیا و تحقیق کند. البته این آمار مجلداتی است که به چاپ رسیده، وگرنه شمار بخش‌هایی از این مجموعه که آماده و نهایی است، به ۲۵ جلد خواهد رسید.

همچنین رساله‌هایی به زبان فارسی نیز در *میراث قرآنی شیبعه* (۱۳۸۷) تحقیق می‌شوند که تا کنون یک جلد آن به چاپ رسیده است. این آمار نیز مختص مجلداتی است که به چاپ رسیده، و گرنه شمار بخش‌هایی از این مجموعه که آماده و نهایی است، به ۲۵ جلد خواهد رسید.

۱-۷. علوم قرآن روایت‌بنیاد

در دهه ۹۰، برخی از نگاشته‌های اندیشوران حوزه علمیه قم در جهت هویت‌بخشی به علوم قرآن امامیه، گامی فراتر نهاده و با مبنا قرار دادن روایات اهل‌بیت^{علیهم‌السلام}، کوشیده‌اند محدوده روایات درخصوص این موضوعات را ترسیم کنند:

۳۲. محمد محمدی ری‌شهری، با همکاری جمعی از پژوهشگران، *شناختنامه قرآن بر پایه قرآن و حدیث* (۱۳۹۱)، در چهار جلد؛

۳۳. فرج‌الله میرعرب، *علوم قرآن در احادیث اهل‌بیت^{علیهم‌السلام}* (۱۳۹۴)؛

۳۴. عبدالهادی مسعودی، *قرآن در روایات* (۱۳۹۶)؛

۳۵. محمدهادی یعقوب‌نژاد، *کارنامه اهل‌بیت^{علیهم‌السلام} در قرآن‌شناسی* (۱۳۹۸).

۱-۸. دانشنامه و فرهنگ‌نگاری

۱-۸-۱. دهه ۹۰

۳۶. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، *فرهنگ‌نامه علوم قرآنی* (۱۳۹۴)؛

۳۷. علی اکبر رشاد، *دانشنامه علوم قرآن* (۱۳۹۶)؛ این کتاب در چهار جلد، زیر نظر علی‌اکبر رشاد به چاپ رسیده است.

۳۸. سید محمود طبیب‌حسینی، علی خراسانی، محمد اکبری‌کارمزدی، علی مدبر (اسلامی)، *دانشنامه علوم قرآنی* (۱۳۹۷).

۲. مباحث وحی‌شناسانه

این مطالعات در نخستین گام‌های خود، بازنمایی از مباحث مشهور و مرسوم وحی در فضای اسلامی است؛ اما اندک اندک با مطرح شدن دیدگاه روشنفکران ایرانی و مسلمان و همچنین دیدگاه‌های متفاوت غربیان در این باره به وادی ژرف‌کاوی درباره ماهیت و سرشت کلامی وحی قرآنی و دفع شبهاتی همچون «تجربه دینی یا رؤیا بودن وحی» وارد شد.

۲-۱. دهه ۳۰

۱. علامه سیدمحمدحسین طباطبائی، *وحی یا شعور مرموز* (۱۳۳۶)؛ وی با نگارش این کتاب، از نویسندگان پیشگام در این زمینه به شمار می‌آید.

۲-۲. دهه ۶۰

۲. علامه سیدمحمدحسین طباطبائی، *مباحثی در وحی و قرآن* (۱۳۶۰)؛ این کتاب با بازگردان بخش‌هایی از تفسیر *المیزان* پدید آمد.

۲-۳. دهه ۷۰

۳. محمدباقر سعیدی روشن، *تحلیل وحی از دیدگاه اسلام و مسیحیت* (۱۳۷۵)؛

۴. محمدباقر سعیدی روشن، *وحی‌شناسی* (۱۳۷۸)؛ وی این دو کتاب را در بازشناسی ماهیت وحی نگاشت.

۵. ابراهیم امینی، *وحی در ادیان آسمانی* (۱۳۷۵).

۲-۴. دهه ۸۰

بیشتر آثاری که در این دهه با موضوع وحی نوشته شده، رنگ و بوی پاسخ به شبهات دارد:

۶. علیرضا قائمی‌نیا، *وحی و افعال گفتاری: نظریه وحی گفتاری* (۱۳۸۱)؛ وی در این کتاب به نقد دیدگاه‌های رایج در تحلیل ماهیت وحی و به ویژه نظریه «تجربه دینی» پرداخت و با الهام از نظریه «افعال گفتاری» آستین کوشید تا سرشت زبانی وحی را به اثبات رساند و از این رهگذر به ارزیابی دیدگاه‌های رایج درباره ماهیت وحی و به‌ویژه نقد دیدگاه عبدالکریم سروش در *بسط تجربه نبوی* بپردازد.

۷. حسن یوسفیان و احمدحسین شریفی در *عقل و وحی* (۱۳۸۲)؛ مسئله «تعارض عقل و وحی» را کاویده‌اند.

۸. محمدمهدی علیمردادی، *در ساحل وحی: بررسی تسببه‌هایی درباره وحی* (۱۳۸۵)؛

۹. در سال ۱۳۸۶ عبدالکریم سروش در گفت‌وگو با «راديو هلند» قرآن را کلام حضرت محمد ﷺ دانست. او در دهه ۹۰ طی مقالاتی که در کتاب *کلام محمد: رؤیای محمد* گرد آمد، زبان وحی را زبان رؤیا و متفاوت از فضای بیداری دانست که نیاز به تعبیر و خواب‌گزار دارد. این گفت‌وگو با واکنش‌های متعددی از سوی مراجع تقلید و اندیشوران حوزه مواجه شد. مجموعه این نقدها در کتاب ذیل در پاسخ به عبدالکریم سروش (۱۳۸۸) گرد آمده است:

۱۰. حمزه عندلیب، *سروش وحی* (۱۳۸۸)؛

کتاب‌های ذیل نیز با هدف فوق نگاشته شده است:

۱۱. اسدالله اصالت، *وحی در ادیان آسمانی؛ پاسخ به برخی قرائت‌های انحرافی از وحی* (۱۳۸۸)؛

۱۲. سید محمدحسن حسینی طهرانی، *افق وحی: نقد نظریه دکتر عبدالکریم سروش درباره وحی* (۱۳۸۸). در این دهه، برخی دیگر از کتاب‌ها نیز بی‌آنکه رویکرد شبهه‌پژوهی بارزی داشته باشند، نوشته شده‌اند؛ مانند:

۱۳. محمود عبداللهی، *وحی در قرآن* (۱۳۸۵)؛

۱۴. مصطفی کریمی، *علوم قرآن ۲ (وحی‌شناسی)* (۱۳۸۷)؛

۱۵. اسماعیل دانش، بررسی تطبیقی حقیقت وحی در اسلام و مسیحیت (۱۳۸۷)؛
 ۱۶. سیدمحمدحسن جواهری، جستاری در وحی (۱۳۸۸).

۲۵. دهه ۹۰

- در این دهه پاسخ مستقیم یا غیر مستقیم به شبهات روشنفکران ایرانی، همچون عبدالکریم سروش یا مسلمانانی همچون نومعتزلیان، درون مایه اصلی کتاب‌هایی مرتبط با وحی را تشکیل می‌داد؛ مانند:
۱۷. شیرعلی شجاع، نقد نظریه تجربه دینی با تأکید بر قرآن (۱۳۹۰)؛
 ۱۸. علی کاظمی، آیات و حیانی، پندار شیطنانی: نقدی بر انگاره دخالت شیطان در وحی (۱۳۹۰)؛
 ۱۹. علی نصیری، قرآن؛ گفتار الهی: نقد شبهات دکتر سروش در زمینه وحی الهی (۱۳۹۰)؛
 ۲۰. حیدر حب‌الله، الوحی و الظاهرة القرآنیة (۱۳۹۰)؛ این کتاب مجموعه مقالاتی است که بیشتر آنها در نقد دیدگاه‌های عبدالکریم سروش نوشته شده و به اهتمام مؤلف جمع‌آوری گردیده است.
۲۱. علی ربانی گلپایگانی، وحی‌شناسی: بررسی دیدگاه‌های قدیم و جدید درباره ماهیت و ویژگی‌های وحی (۱۳۹۱)؛
 ۲۲. محمد عرب‌صالحی، مسئله وحی با نگاهی به مکاتبات آیت‌الله سبحانی و دکتر سروش (۱۳۹۱)؛
 ۲۳. جواد گلی، نقد و بررسی وحی قرآنی در نگاه نومعتزله (با تأکید بر دیدگاه نصر حامد ابوزید) (۱۳۹۲)؛
 ۲۴. حسین علوی‌مهر، مسئله وحی و پاسخ به شبهات آن (۱۳۹۲)؛
 ۲۵. عبدالله حیدری (جعفری)، وحی از محضر بزرگان (۱۳۹۲)؛ این کتاب رهیافت‌هایی به وحی از منظر علامه طباطبائی، شهید مطهری، علامه جعفری، آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله سبحانی است.
۲۶. صغری بیگم طهماسبی یزدآبادی، کلام و حیانی: تحلیل تطورات آراء متکلمان مسلمان پیرامون وحیانی بودن محتوای قرآن (۱۳۹۵)؛
 ۲۷. ابراهیم کلانتری، وحی قرآنی: چیستی، حقیقت و چگونگی نزول وحی، دیدگاه‌ها، نقد و نظر (۱۳۹۶)؛
 ۲۸. ابوالفضل ساجدی و حامد ساجدی، رؤیایانگاری وحی (۱۳۹۶)؛
 ۲۹. لطف‌الله خراسانی، وحی‌انیت الفاظ قرآن (۱۳۹۸).

۳. مباحث نزول

تألیفات مستقل در این باره چندان دیرپا و کهن نیست و نوع آنها در خدمت سبک‌های نوآمد تفسیری همچون «تفسیر تنزیلی» و «تفسیر ساختاری» است که در حوزه علمیه مطرح گردیده است. در این سبک‌ها مسائلی همانند ترتیب نزول سوره‌ها یا اثبات نزول یکباره سوره- که یکی از لوازم و مقدمات مهم وحدت غرض سوره‌هاست- اهمیت دارد. بر این اساس عبدالکریم بهجت‌پور در *شناختنامه تنزیلی سوره‌های قرآن کریم* (۱۳۹۴) از سوره‌های قرآن به ترتیب نزول گزارشی ارائه داده است.

۴. مباحث تحریف ناپذیری

«تحریف ناپذیری» از موضوعاتی است که از دیرباز ذهن اندیشوران امامیه را به خود مشغول داشته است، به‌ویژه آنکه مخالفان شیعیان را متهم می‌کردند که به تحریف قرآن باور دارند و در این میان برخی کتاب‌های حدیثی متقدم و برخی از نگاه‌های محدثان متأخر همچون *فصل الخطاب* محدث نوری بدین مسئله دامن می‌زد. این دغدغه در میان عالمان حوزه علمیه قم نیز وجود داشته و آثاری درباره آن پدید آورده‌اند.

۴-۱. دهه ۳۰

۱. حاج میرزامهدی بروجردی، *برهان روشن (البرهان علی عدم تحریف القرآن)* (۱۳۳۴).

۴-۲. دهه ۶۰

۲. رسول جعفریان، *اُكذوبة تحريف القرآن بين الشيعة و السنة* (۱۳۶۴).

۴-۳. دهه ۷۰

در این دهه کتاب‌های مهم و اثرگذاری با موضوع «تحریف ناپذیری» پا به عرصه وجود نهاد. چنین می‌نماید که تقابل فکر سلفی و وهابی با اندیشه شیعی، رديه‌ها و نقدهای ایشان بر امامیه و پافشاری آنان بر اعتقاد شیعه به تحریف و تشدید تقابل میدانی و رویاروی سلفیان با شیعیان در ایام حج، در نشر بیشتر این کتاب‌ها اثرگذار بوده است. کتاب‌های این دهه بیشتر با این رویکرد نگاشته شده است.

۳. آیت‌الله محمدهادی معرفت، *صيانة القرآن من التحريف* (۱۳۷۱):

۴. علی نصیری، *تحريف ناپذیری قرآن* (۱۳۷۹)؛ این کتاب ترجمه کتاب *صيانة القرآن من التحريف* آیت‌الله محمدهادی معرفت است.

۵. عبدالعلی محمدی شاهرودی، *قرآن هرگز تحريف نشده* (۱۳۷۱)؛ این کتاب ترجمه *فصل الخطاب فی عدم تحريف کتاب رب الارباب* به همراه تعلیقات علامه شعرانی به قلم آیت‌الله حسن حسن‌زاده آملی است.

۶. رسول جعفریان، *القرآن و دعاوی التحريف* (۱۳۷۳)؛ این کتاب همان *اُكذوبة تحريف القرآن بين الشيعة و السنة* است که با نامی دیگر منتشر شده است.

۷. سیدعلی حسینی میلانی، *التحقيق فی نفی التحريف* (۱۳۷۵):

۸. فتح‌الله نجارزادگان، *سلامة القرآن من التحريف و تفنيد الافتراءات علی الشيعة الاثني عشرية* (۱۳۷۸)؛

این کتاب نقدی بر بخش‌هایی از کتاب *أصول مذهب الشيعة الإمامية الاثني عشرية*، اثر ناصر بن عبدالله القفاری است که یکی از گسترده‌ترین و پردامنه‌ترین پژوهش‌ها در زمینه تحریف ناپذیری قرآن به شمار می‌رود.

۴-۴. دهه ۸۰

گروهی از نویسندگان در «مجمع جهانی اهل بیت (ع)» در پاسخ به شبهات مخالفان علیه شیعه، دست به تألیف زدند.

- در این زمینه قبلاً به کتاب *صیانة القرآن الکریم من التحریف* (۱۳۸۰)، از آیت‌الله محمدهادی معرفت اشاره شد. در این زمینه در دهه مذکور، کتاب‌های دیگری نیز به چاپ رسید؛ از جمله:
۹. سیدعبدالرحیم موسوی، *أسطورة تحریف القرآن* (۱۳۸۰)؛
 ۱۰. آیت‌الله عبدالله جوادی آملی، *نزهت قرآن از تحریف* (۱۳۸۳)؛
 ۱۱. فتح‌الله نجارزادگان، *تحریف ناپذیری قرآن* (۱۳۸۴)؛
 ۱۲. سیدحسن طاهری خرم‌آبادی، *تحریف القرآن: اسطورة أم واقع* (۱۳۸۵)، تعریب تحسین البدری؛
 ۱۳. سیدکمال حیدری، *صیانة القرآن من التحریف* (۱۳۸۹)؛
 ۱۴. محمود شریفی، *افسانه تحریف قرآن* (۱۳۸۲)؛ این کتاب ترجمه *أكذوبة تحریف القرآن عند الشیعة و السنة*، از رسول جعفریان است.

۴۰۵. دهه ۹۰

۱۵. محمدهادی مفتاح، *بررسی نظریه تحریف قرآن* (۱۳۹۰)؛
۱۶. جعفر انواری، *انگاره تحریف قرآن* (۱۳۹۰)؛
۱۷. کاظم استادی، مقاله «ارتباط اختلاف قرائت با تحریف قرآن» (۱۳۹۴)؛
۱۸. سیدعلی حسینی میلانی، *تحریف قرآن: بررسی و نقد* (۱۳۹۴)؛
۱۹. پژوهشگران پژوهشکده حج و زیارت، *موسوعه رد شبهات ۲ (قرآن)* (۱۳۹۵)؛
۲۰. محمدجواد فاضل لنکرانی، *باز پژوهی تحریف ناپذیری قرآن* (۱۳۹۶)؛
۲۱. حیدر مسجدی، *قراءة جدیدة لروایات التحریف* (۱۳۹۸)؛ این کتاب کوشیده است با رویکردی فقه الحدیثی روایات تحریف‌نما را بکاود.

ترجمه پژوهش‌های ده‌های پیشین از دیگر پویه‌ها در دهه ۹۰ است؛ مانند:

۲۲. مجموع مترجمان، *قرآن و مصونیت از تحریف* (۱۳۹۲)؛ این کتاب ترجمه فارسی کتاب سیدکمال حیدری با عنوان *صیانة القرآن من التحریف* است.
۲۳. عارف حسین مبارک، *تحریف قرآن کی بطلان کا تحلیلی جائزه* (۱۳۹۳)؛ این کتاب ترجمه کتاب آیت‌الله محمدهادی معرفت با عنوان *صیانة القرآن من التحریف* به اردو است.

۵. مباحث اعجاز

برخی از این نگاشته‌ها اعجاز قرآن، وجوه و مسائل مرتبط با آن را به صورت عام و مجموعی نگریسته‌اند و برخی هم یکی از وجوه اعجاز قرآن را در مقابل داشته‌اند. از این رو کتاب‌های دسته نخست را مستقل از دسته دوم بررسی خواهیم کرد.

چنان که خواهد آمد، در میان کتاب‌هایی که وجهی خاص از وجوه اعجاز قرآن را بررسی کرده‌اند، اعجاز علمی بیشترین سهم را به خود اختصاص داده و این از آن روست که در دوران معاصر مسئله «علم و دین» نشان‌دادن هماهنگی و همپایی دین با علم و پیش دید نهادن وجهی از دین که برای مردمان زمانه ملموس باشد، در ذهن قرآن‌پژوهان بوده است.

۵-۱. اعجاز عام

۵-۱-۱. دهه ۴۰

۱. آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، *قرآن و آخرین پیامبر* (۱۳۴۹)؛ ایشان در این کتاب ابعاد گوناگون اعجاز قرآن را بررسی کرده است.

۲. آیت‌الله جعفر سبحانی، *مرزهای اعجاز* (۱۳۴۹)؛ این کتاب ترجمه بخش «اعجاز» کتاب *البیان فی تفسیر القرآن* مرحوم آیت‌الله سیدابوالقاسم خوئی است که توسط ایشان به چاپ رسیده است.

۵-۱-۲. دهه ۶۰

۳. علیرضا میرزاحمد، *اعجاز قرآن* (۱۳۶۲)؛ این کتاب با بهره‌جستن از نوشته‌ها و مباحث علامه سیدمحمدحسین طباطبائی نگارش یافته است.

۵-۱-۳. دهه ۷۰

۴. حبیب‌الله احمدی، *زیباترین سخن* (۱۳۷۶)؛

۵. سعید رضایی، *اعجاز نور (اعجاز قرآن)* (۱۳۷۸)؛

۶. حسن عرفان، *اعجاز در قرآن کریم* (۱۳۷۹)؛

۷. محمدباقر سعیدی روشن، *معجزه‌شناسی* (۱۳۷۹).

۵-۱-۴. دهه ۸۰

۸. مهدی عبداللهی، *معجزات در قرآن* (۱۳۸۱)؛

۹. سیدکمال حیدری، *الاعجاز بین النظرية و التطبيق* (۱۳۸۲)؛

۱۰. سیدرضا مؤدب، *اعجاز قرآن در نظر اهل عصمت* و *بیست نفر از علمای بزرگ اسلام* (۱۳۸۶)؛

در این دهه درنامه‌هایی در موضوع «اعجاز» منتشر شد؛ مانند:

۱۱. محمود رجبی، *درنامه اعجاز قرآن* (۱۳۸۲)؛ این کتاب توسط حسن صادقی تنظیم شده است.

۱۲. محمدمامین احمدی، *تناقض‌نما یا غیب‌نمون: نگرشی نو به معجزه* (۱۳۸۹)؛ این کتاب با رویکردی

تطبیقی میان متفکران اسلامی و غربی، ابعاد گوناگون اعجاز و شبهات پیرامونی آن را بررسی کرده است.

۱۳. روح الله رضوانی، *مبانی کلامی اعجاز قرآن* (۱۳۹۲):

۱۴. آیت‌الله عبدالله جوادی آملی، *حقیقت و تأثیر اعجاز* (۱۳۹۴)؛ این کتاب توسط عباس فتحیه و جعفر آریانی تدوین شده است.

۱۵. حسین اوسطی، *پیامبران و اعجاز قرآن* (۱۳۹۵):

۱۶. آیت‌الله جعفر سبحانی، *الإعجاز القرآنی؛ أركانہ و سواہدہ* (۱۳۹۹):

۱۷. علیرضا سبحانی، *برهان نبوت: پژوهشی فراگیر پیرامون معجزه* (۱۳۹۹):

۱۸. محمدباقر شریعتی، *قرآن در نگاه عقل و علم* (۱۳۹۹):

۱۹. محمدعلی محمدی، *اعجاز قرآن با گرایش شبیه‌پژوهی*، ج ۱ (مفاهیم و کلیات)، ج ۲ (مدعیان هم‌اوردی

با قرآن از زمان نزول تا قرن دوم) (۱۳۹۴): این مجموعه دو جلدی رویکردی شبیه‌پژوهانه به اعجاز دارد.

۲۰. سیدمحمدحسن جواهری، *پاسخ به شبهات اعجاز و تحدی* (۱۳۹۷):

۲۱. حسن صادقی، *در سنامه اعجاز قرآن در اندیشه و آثار آیت‌الله جوادی آملی* (۱۳۹۷):

۲۲. فتح‌الله نجارزادگان، *تحلیل همانندناپذیری قرآن از دیدگاه قرآن و سنت* (۱۳۹۷):

۲۳. سیدرضا مؤدب، *اعجاز القرآن* (۱۳۹۷):

۲۴. حبیب‌الله احمدی، *زیباترین سخن* (۱۳۹۳).

۵-۲. اعجاز علمی

عالمان حوزه در میان وجوه گوناگون اعجاز قرآن، به اعجاز علمی پیش و بیش از همه پرداخته‌اند. در این زمینه می‌توان به این آثار اشاره کرد:

۲۵. عبدالرضا حجازی، *رسالت قرآن در عصر فضا* (۱۳۴۹).

۲۶. آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، *قرآن و هیپنوتیزم و تله پاتی* (۱۳۶۳):

۲۷. لطیف راشدی، *نگرشی به علوم طبیعی در قرآن* (۱۳۷۷).

بسامد کتاب‌ها با محوریت «اعجاز» و «اشارات علمی قرآن» در این دهه بیشتر است. این موضوع از کتاب‌هایی که در این دهه منتشر شد، هویداست؛ مانند:

۲۸. آیت‌الله دکتر محمد صادقی تهرانی، *ستارگان از دیدگاه قرآن* (۱۳۸۰):

۲۹. محمدعلی رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۱ (علوم کیهان‌شناسی و ریاضیات)، ج ۲ (علوم زیست‌شناسی و پزشکی) (۱۳۸۰)؛
۳۰. سیدرضا نیازمند و حسن پویا، تفسیر قرآن کریم و علوم جدید (۱۳۸۰)؛
۳۱. محمدعلی رضایی اصفهانی، اشارات علمی اعجاز آمیز قرآن (کیهان‌شناخت - زیست‌شناخت - پزشکی) (۱۳۸۳)؛
۳۲. لطیف راشدی، طبقه‌بندی آیات قرآن درباره علوم طبیعی و تجربی (۱۳۸۴)؛ این همان کتاب نگرشی به علوم طبیعی در قرآن است که با عنوانی جدید به چاپ رسیده است.
۳۳. محمدعلی پرهیز، شگفتی‌ها و اعجاز قرآن از نظر علمی (۱۳۸۵)؛
۳۴. سیدحسین موسوی زنجانی، قرآن معجزه ریاضی جاویدان (۱۳۸۵)؛ موضوع محوری این کتاب کشف رابطه ریاضی بین سوره‌های قرآن با استفاده از علم عدد است و در ارتباط با رد نظر آیت‌الله معرفت مبنی بر عدم ارتباط بین سوره‌های مجاور در قرآن به نگارش درآمده است.
۳۵. محمدحسن رستمی، سیمای طبیعت در قرآن (۱۳۸۵)؛
۳۶. عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، جنین‌شناسی قرآن و مسلمان شدن چند پروفیسور جنین‌شناس (۱۳۸۷)؛
۳۷. حسن‌رضا رضایی، جهان‌شناسی در قرآن (۱۳۸۸)؛
- محمدعلی رضایی اصفهانی که خود در این دهه کتاب‌های درخور توجهی با موضوع «اعجاز» و «اشارات علمی قرآن» دارد، نگاشته‌هایی را راهبری کرده است تا نوجوانان را با جنبه‌های علمی قرآن آشنا کند؛ مانند:
۳۸. سید مرتضی علوی، قرآن و ریاضیات (۱۳۸۶)؛
۳۹. حسن‌رضا رضایی، شگفتی‌های پزشکی در قرآن (۱۳۸۷).
- ۲-۴. دهه ۹۰
- در این دهه محمدعلی رضایی اصفهانی با نگارش و نظارت بر مجموعه‌های گوناگون، نقش پررنگی در ادبیات اعجاز علمی برعهده داشت. در ذیل، به این آثار اشاره می‌شود:
۴۰. محمدعلی رضایی اصفهانی، نظارت بر مجموعه مقالات اعجاز علمی و نظریه پردازی (۱۳۹۶)؛
۴۱. محمدعلی رضایی اصفهانی، مجموعه مقالات قرآن و علوم انسانی: اعجاز علمی با رویکرد علوم انسانی (۱۳۹۶)؛
۴۲. محمدعلی رضایی اصفهانی، درسنامه علوم قرآن ۲: (اعجاز قرآن در علوم طبیعی و انسانی) (۱۳۹۷).
- دیگر نگاشته‌های این دوره عبارت‌اند از:
۴۳. هاشم هاشم‌زاده هریسی، اعجاز علمی قرآن (۱۳۹۲)؛
۴۴. سیدعیسی مسترحمی، نجوم‌شناسی در قرآن (۱۳۹۵)؛

۴۵. بلدار شهر، ترجمه اعجاز علمی در قرآن (۱۳۹۳)، اثر عبدالدائم کحیل که به آلبانیایی برگردان شده است.

۵۳. اعجاز اخبار غیبی

۴۶. جعفر صبوری قمی، خبرهای غیبی در قرآن (۱۳۵۷)؛ این کتاب از معدود کتاب‌ها با این موضوع است که در در دهه ۵۰ به چاپ رسید.

۵۴. اعجاز بیانی

با آنکه «اعجاز ادبی» از مهم‌ترین ابعاد اعجاز قرآن است، اما به صورت مستقل و مجزا مد نظر قرار نگرفته است. از جمله کتاب‌هایی که در این زمینه به چاپ رسید، عبارت است از:

۴۷. رضا بابایی، نگاهی به اعجاز بیانی قرآن (۱۳۸۵)؛

۴۹. محمدباقر معرفت، درسنامه‌های اعجاز بیانی قرآن (۱۳۹۶)؛

۵۰. کیومرث بهزادیان، الاعجاز الأدبی فی القرآن الکریم (۱۳۹۹).

۵۵. اعجاز هماهنگی و عدم تعارض

انتشار این گونه تألیفات به دهه ۹۰ بازمی‌گردد؛ مانند:

۵۱. اسمعیل سلطانی بیرامی، اعجاز قرآن در پیراستگی از اختلاف و نقد شبهات (۱۳۹۶)؛

۵۲. سیدعلی هاشمی، اعجاز هماهنگی آیات قرآن کریم (۱۳۹۷).

۵۶. اعجاز تأثیری

۵۳. سیدمحمدحسن جواهری، اعجاز بیانی و تأثیری قرآن کریم (۱۳۹۸)؛ ایشان در دهه ۹۰ این کتاب را در زمینه جذابیت و اثرگذاری خارق‌العاده قرآن نوشت.

۶. مباحث محکم و متشابه

واژه «متشابه» در علوم قرآن، مشترک لفظی است. در اینجا مراد از آن، عباراتی از قرآن کریم است که معنای واحد و روشنی نداشته و احتمالات مختلفی برای آن متصور است که با مراجعه به آیات دیگر و سایر قراین، می‌توان معنای صحیح آن را کشف کرد. «متشابه» در این کاربرد، مقابل «محکم» است. کاربرد دیگرش در آن دسته از مضامین قرآنی است که در دو یا چند جای قرآن با ساختار واحد یا مشابه تکرار شده است (ر.ک. جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴، ص ۴۱۸۵).

از موضوعات کهن علوم قرآن «محکم و متشابه» است که درباره چپستی، مصادیق، سنخ فهم‌کنندگان و نحوه تفسیر آنها اختلاف‌هایی وجود دارد و در دوران معاصر مفسران و قرآن‌پژوهان شیعی همچون علامه طباطبائی، شهید محمدباقر صدر و آیت‌الله معرفت درباره آن دیدگاه‌هایی ارائه کرده‌اند. لزوم پرداختن به پرسش‌ها و ارزیابی

دیدگاه‌های پیش‌گفته با رهیافتی شیعی، پژوهش‌های جامع و مستقلی را می‌طلبد و از این‌رو پژوهش‌های مستقلی در این زمینه از دهه ۹۰ مجال نشر یافت؛ مانند:

۱. محمد اسعدی و سید محمود طیب حسینی، *پژوهشی در محکم و متشابیه* (۱۳۹۰).
۲. عبدالرسول غفاری، *المحکم و المتشابیه* (۱۳۹۰):
۳. صغری شریفی مهناش، *بررسی آیات متشابیه بر اساس روش تفسیری المیزان* (۱۳۹۷).

۷. مباحث ناسخ و منسوخ

نگاشته‌ها در این زمینه انگشت‌شمار است و بیشتر بر محور چیسیتی ناسخ و منسوخ و به‌ویژه مصادیق عینی آن است؛ از جمله:

۱. عزت‌الله مولایی‌نیا، *نسخ در قرآن: نقد تفکر انکار نسخ در قرآن* (۱۳۷۸):
۲. عبدالرسول غفاری، *النسخ بین المفسرین والأصولیین* (۱۳۸۹):
۳. سید عبدالرسول حسینی‌زاده، *بررسی تطبیقی نسخ در قرآن کریم* (۱۳۹۰).

۸. مباحث ظاهر و باطن قرآن

اصل ظاهر و باطن داشتن قرآن موضوعی پذیرفته‌شده و مسلم است؛ اما گستره آیات دارای بطن، چگونگی دستیابی به معانی باطنی و ملاک و معیار قضاوت درباره معانی باطنی از جمله مسائلی است که عالمان مسلمان چندان اتفاق و همداستانی بر آن ندارند. در این میان، پررنگ‌بودن تبیین بطون آیات در میراث روایی امامیه و شبهات مخالفان شیعه بر تبیین‌های باطنی آیات در این میراث و اختلاف دیدگاه‌ها درباره اعتبار یا عدم اعتبار میراث‌هایی از این دست، موضوع بطن قرآن را به چالشی درخور پژوهش تبدیل کرده است. پژوهش‌های مستقل در این زمینه از دهه ۹۰ تا ۹۰ عبارت است از:

۱. سیدحیدر طباطبائی، *پژوهشی تطبیقی در بطون قرآن* (۱۳۷۸):
۲. سیدحیدر طباطبائی، *بطن قرآن از دیدگاه شیعه و اهل سنت* (۱۳۸۵):
۳. سیدمحمدحسین میری، *از ژرفای دریا: تحلیلی بر سطوح معنایی و باطنی قرآن* (۱۳۹۷).

۹. مباحث جامعیت و جاودانگی قرآن

آیا قرآن دربردارنده تمام علوم و معارف است یا تنها آموزه‌هایی را دربر دارد که در راستای هدایت انسان ضروری است؟ آیا تمام مسائل دنیوی و اخروی انسان در همه دوران‌ها و اعصار در قلمرو قرآن جای می‌گیرد؟ اینها پرسش‌هایی است که در دوران معاصر با مطرح‌شدن مباحثی همچون «انتظار بشر از دین» و همچنین «توانایی دین در پاسخگویی به مسائل و شبهات نو» اهمیتی افزون یافته و ذهن نویسندگان حوزه را نیز به خود مشغول داشته است.

۷۰. دهه ۹-۱

۱. سیدمحمدعلی ایازی، جامعیت قرآن: پژوهشی استنادی و تحلیلی از مسئله جامعیت و قلمرو آن (۱۳۷۸):

۸۰. دهه ۹-۲

۲. مصطفی کریمی، قرآن و قلمروشناسی دین (۱۳۸۳):

۳. ابراهیم کلانتری، قرآن و چگونگی پاسخگویی به نیازهای زمان (۱۳۸۶).

۹۰. دهه ۹-۳

۴. مصطفی کریمی، جامعیت قرآن: پژوهشی در قلمرو موضوعی قرآن (۱۳۹۰):

۵. علی محمد یزدی، قلمرو موضوعات قرآنی (۱۳۹۶):

۶. محمد حاجی ابوالقاسم، فراعصری بودن قرآن (۱۳۹۷):

۷. محمدعلی جاودان، راز ماندگاری قرآن (۱۳۹۸).

۱۰. مباحث تناسب آیات

نگاه به قرآن به مثابه مجموعه‌ای که آیات آن به هم پیوسته، منسجم و درهم تنیده است، از یکسو به هدفی کلامی (یعنی اثبات اعجاز قرآن و همنوایی و عدم تعارض اجزای آن) یاری می‌رساند و از دیگر سو با اهمیت یافتن نقش هدف و غرض سوره در تفسیر معاصر، می‌تواند به گونه‌ای تطبیقی و عملی نشان دهد که چگونه آیات گوناگون سوره در اثبات و تأیید این غرض دست در دست هم می‌نهند.

۷۰. دهه ۱۰-۱

۱. عزت‌الله مولائی‌نیا، تناسب آیات (۱۳۷۳): این کتاب ترجمه بخشی از مبحث «اعجاز» التمهید، اثر آیت‌الله محمدهادی معرفت است.

۸۰. دهه ۱۰-۲

۲. محمدعلی ایازی، چهره پیوسته قرآن (۱۳۸۰): این کتاب را می‌توان را می‌توان نخستین اثر مستقل و جامع در زمینه «تناسب آیات» قلمداد کرد.

۳. محمد خامه‌گر، ساختار هندسی سوره‌های قرآن: پیش‌درآمدی بر روش‌های نوین ترجمه و تفسیر قرآن کریم (۱۳۸۰): این کتاب با دستمایه قرار دادن مسئله «تناسب آیات» کوشید تا نشان دهد آیات در هر سوره بر محوری واحد به گونه‌ای منظم و هندسی سامان یافته است.

۹۰. دهه ۱۰-۳

مسئله وجود یا عدم محور وحدت در سوره‌ها و نشان دادن قواعد کشف غرض، فواید و نشان دادن نمونه‌های عینی،

حلقه مشترک پژوهش‌ها در این دهه بوده است؛ مانند:

۴. سیدعلی اکبر حسینی، *نظریه وحدت موضوعی سوره‌های قرآن: نگارش‌ها و چالش‌ها* (۱۳۹۳)؛

۵. محمد خامه‌گر، *اصول و قواعد کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن* (۱۳۹۶)؛

۶. حامد معرفت، *سیمای منسجم سوره‌های قرآن: نظریه غرض‌محوری در انسجام سوره‌های قرآن* (۱۳۹۸).

۱۱. مباحث زبان قرآن

«زبان دین» یا به دیگر سخن، زبان متون دینی از مباحث نو در فلسفه دین است که درباره قرآن نیز مطرح شده است. پرسش این است آموزه‌های قرآن در چه قالبی و به تناسب چه مخاطبی القا شده است؟ آیا همه بیان‌های قرآن ناظر به واقع است؟ آیا در قرآن بیان‌های رمزی و نمادین وجود دارد؟ قرآن زبانی ویژه دارد یا آمیزه‌ای از زبان‌های گوناگون است؟ حوزه علمیه قم در برابر پرسش‌هایی از این دست، کنشگری داشته و نگاه‌هایی را پدید آورده است.

۱۱-۱. دهه ۸۰

۱. محمدباقر سعیدی روشن، *تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن* (۱۳۸۳)؛

۲. ابوالفضل ساجدی، *زبان دین و قرآن* (۱۳۸۳).

۱۱-۲. دهه ۹۰

این دو محقق اثر دیگری نیز در دهه ۹۰ پدید آوردند:

۳. ابوالفضل ساجدی، *زبان قرآن بانگاهی به چالش‌های کلامی* (۱۳۹۱)؛

۴. محمدباقر سعیدی روشن، *معنا، واقع و صدق در گزاره‌های دینی* (۱۳۹۷)؛

۵. کنان چامورجو، *ترجمه تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن* (۱۳۹۳)؛ این کتاب اثر محمدباقر سعیدی روشن به ترکی استانبولی است.

۶. محمدعلی رضایی اصفهانی، *منطق تفسیر قرآن (۴): مباحث جدید دانش تفسیر (زبان قرآن، هرمنوتیک، فرهنگ زمانه)* (۱۳۹۲)؛

۷. علی محمد یزدی، *روش بیان قرآن* (۱۳۹۲)؛

۸. حمید آریان، *درآمدی بر زبان قرآن* (۱۳۹۵)؛ در این کتاب زبان قرآن به معنای فلسفه دینی آن مورد بحث قرار گرفته است. اصل این کتاب پایان‌نامه نگارنده بوده که به سال ۱۳۷۷ از آن دفاع شده است.

۹. محمدحسین ایران‌دوست، *زبان وحی* (۱۳۹۶).

یکی از مسائل فرعی مربوط به زبان قرآن - البته نه به معنای فلسفه دینی آن، بلکه به معنای زبان گویش قرآن که عربی است - آن است که چرا زنان در خطابات قرآن دیده نمی‌شوند؟ آیا این نشان از فرودستی زن دارد یا اقتضای ساختار زبان عربی است؟

۱۰. مجید دهقان، جنسیت و زبان قرآن (۱۳۹۴)؛ ایشان در این اثر چالش مزبور را پی جسته است.

۱۱. محمد طاهری، زبان قرآن در اندیشه علامه طباطبائی با رویکرد انتقادی به دیدگاه نومعتزله (۱۳۹۷)؛

ایشان با محوریت دادن به دیدگاه مفسران شیعه، به چالش‌های موضوع زبان قرآن پرداخته است.

۱۲. مباحث شیوه‌های بیان آموزه‌ها در قرآن

قرآن گاه برای روشن ساختن تعالیم و آموزه‌های خود از برخی قالب‌های بیانی بهره برده است. قصص، امثال و سوگندهای قرآنی از بارزترین مصادیق این قالب‌هاست که از قدیم مد نظر عالمان علوم قرآن بوده، ولی با مطرح شدن مسائلی همچون اهداف آنان در بافت سوره‌های قرآنی، اجمال موجود در معنا یا جزئیاتشان، ارتباط آنها با فرهنگ عرب عصر نزول، واقعی یا نمادین بودن آنها و غیر آن توجهی دوباره را به خویش جلب کرده‌اند. اندیشوران حوزه با توجه به پیشینه کهن و گاه چالش‌های معاصر، نگاشته‌هایی را در این زمینه پدید آورده‌اند.

۱۲-۱. قصص قرآن

۱۲-۱-۱. دهه ۷۰

۱. محمدتقی ملبویی، تحلیلی نواز قصص قرآن (۱۳۷۶)؛

۲. سیدابوالقاسم حسینی (ژرفا)، مبانی هنری قصه‌های قرآن (۱۳۷۷)؛

۳. سیدمحمدباقر حکیم، القصص القرآنی (۱۳۷۷)؛

۱۲-۱-۲. دهه ۸۰

۴. عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن (۱۳۸۰)؛

۵. صالح قنادی، قصه‌های قرآن (۱۳۸۱)؛

۶. آیت‌الله جعفر سبحانی، القصص القرآنیة: دراسة و معطیات و أهداف (۱۳۸۵)؛

۷. حسن خرقانی، قصه در قرآن (۱۳۸۷)؛ این کتاب ترجمه فصل پنجم کتاب تشبیهات و ردود، اثر آیت‌الله

محمدهادی معرفت است.

۸. محمد شریفانی، تحلیل قصص: رویکرد تحلیلی به قصه‌های قرآن (۱۳۸۸).

۱۲-۱-۳. دهه ۹۰

۹. علی معموری، تحلیل ساختار روایت در قرآن: بررسی منطق توالی بی‌رفت‌ها (۱۳۹۲)؛

۱۰. محمدعلی بهشتی‌منش، روش داستان‌گویی در قرآن کریم (۱۳۹۳)؛ این کتاب ترجمه کتاب منهج

القصه فی القرآن الکریم، اثر محمد شدید است.

۱۱. سیدابوالقاسم حسینی (ژرفا)، گونه‌شناسی قصه‌های قرآنی: واقع‌نما، نمادین و اسطوره‌ای (۱۳۹۴).

۱۲-۲. امثال قرآن

۱۲-۲-۱. دهه ۷۰

۱۲. آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، *مثال‌های زیبای قرآن* (۱۳۷۸)، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی؛

۱۳. آیت‌الله جعفر سبحانی، *الأمثال فی القرآن* (۱۳۷۸)؛

۱۲-۲-۲. دهه ۸۰

۱۴. محمدحسن مکارم، *امثال القرآن (مثل‌های تربیتی-اجتماعی)* (۱۳۸۱)؛

۱۵. آیت‌الله جعفر سبحانی، *مثل‌های آموزنده قرآن در تبیین پنجاه و هفت مثل قرآنی* (۱۳۸۶).

۱۲-۳. سوگندهای قرآن

۱۶. ابوالقاسم رزاقی، *سوگندهای قرآن* (۱۳۶۱)، با مقدمه آیت‌الله جعفر سبحانی؛

۱۷. آیت‌الله جعفر سبحانی، *الأقسام فی القرآن: دراسة مبسوطه حول الأقسام الواردة فی القرآن الکریم* (۱۳۷۸)؛

۱۸. محمد فاکر میبیدی، *تحلیلی بر سوگندهای قرآن* (۱۳۸۰)؛

۱۹. آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، *سوگندهای پر بار قرآن* (۱۳۸۶)، گردآوری و تحقیق ابوالقاسم علیان نژادی.

۱۲-۴. دعا‌های قرآن

۲۰. حسین وائقی، *دعاهای قرآن* (۱۳۷۷)؛ این تک نگاری تنها اثر یافته‌شده در این موضوع است که صرفاً به

گردآوری دعا‌های یادشده در قرآن پرداخته است و نمی‌توان آن را سرچشمه گرفته از دغدغه‌ای عام‌البلوی دانست.

۱۳. مباحث شناخت آیات و سوره و فضایل و خواص آنها

موضوع این کتاب‌ها دو سویه متفاوت دارد. این قضاوت بر اساس درونمایه کتاب‌هایی است که در پی می‌آید، و گرنه

کتاب‌های *فضائل القرآن* در سده‌های نخستین، محتوایی فراتر از فضایل و ویژگی‌ها و خواص قرآن داشت و به

دیگر موضوعات علوم قرآن هم وارد می‌شد (ر.ک. مهدوی‌راد، ۱۳۸۴، ص ۳۰).

از یک‌سو، هر مسلمان پیش از مواجهه با قرآن بجاست به گونه‌ای عمومی با ساختار و اجزای آن آشنا شود.

دیگر آنکه در سنت اسلامی برای قرائت قرآن ثواب‌هایی یادشده و از خواص آن در چاره‌جویی رنج‌های جسمانی

و روحانی سخن به میان آمده و این نکته در کنار تجربه‌های عینی و زیسته مؤمنان، موضوع خواص و فضایل

آیات و سوره را به موضوعی مردم‌پسند تبدیل ساخته است. از دیگر سو، موضوع‌شناسی یکی از مباحث تفسیری

مد نظر در دوره معاصر است و مفسران در آغاز تفسیر سوره‌ها، بخشی را بدان اختصاص داده‌اند. رصد کتاب‌های

حوزیان نشان می‌دهد که در کنار پرداختن به وجه عمومی و عامه‌پسند موضوع، سویه پژوهشی و تخصصی آن

هم مد نظر بوده است.

۱. محمدحسین شریفی، *شناخت نام‌های قرآن* (۱۳۶۲):

۲. آیت‌الله سیدمحمدباقر موحد ابطحی، *جامع الأخبار والآثار عن النبی و الأئمة الأطهار* (۱۳۶۹): ایشان در این موسوعه سه جلدی فضایل و خصایص قرآن را از منابع و مصادر حدیثی شیعی گردآوری و تبویب کرده است.

۳. سیدهاشم ناجی موسوی جزائری، *آثار الأعمال الصالحة فی دار الدنيا؛ الباب الأول: آثار القرآن و خواص السور و الآیات* (۱۳۷۱):

۴. هاشم هاشم‌زاده هریسی، *شناخت سوره‌های قرآن* (۱۳۷۳):

۵. رضا بنزاز بنابی، *ثواب قرائت سوره‌های قرآن* (۱۳۷۷):

۶. احمد قاضی زاهدی، *آشنایی با سوره‌های قرآن* (۱۳۷۷):

۷. جواد محدثی، *آشنایی با سوره‌ها* (۱۳۷۷).

۸. محمدحسین نورمحمدی، *فضایل قرآن: مجموعه خواص تمام سوره‌ها و توسلات مجرب قرآنی* (۱۳۸۱):

۹. علی ابراهیمی، *أطيب البیان لمعالم سور القرآن: ۸۲۰ سؤال و جواب فی مفاهیم السور القصار مع فضائلها و خواصها* (۱۳۸۳):

۱۰. سیدجواد رضوی، *فضایل قرآن: فضایل و خواص سوره‌ها و بعضی آیات و ختومات قرآن* (۱۳۸۴):

۱۱. سیدعلی لواسانی، *تسکوفه‌های سور قرآن در فضائل و خواص سوره‌های قرآن* (۱۳۸۵):

۱۲. غلامرضا ملکی وادقانی، *قرآن؛ دریای بی‌پایان* (۱۳۸۷):

۱۳. محمدحسین ابراهیمی، *فضیلت قرائت سوره‌ها و آیات قرآن* (۱۳۸۸):

۱۴. علی اکبر دیلمی، *انس با قرآن: آشنایی با قرآن و وسوره‌ها، حکایات و احادیث، معما و فضیلت ختم سوره‌ها* (۱۳۸۹).

چنان که مشاهده می‌شود، نگاشته‌های پیش‌گفته بیشتر با رویکردی عمومی و تبلیغی نوشته شده است.

۱۵. عبدالله صالحی نجف‌آبادی، *موسوعه فضائل القرآن و خواص سوره و آیات* (۱۳۸۶): ایشان با بهره‌جستن

از روایات موجود در مصادر حدیثی شیعه و اهل سنت، این کتاب حدیثی سه جلدی را گرد آورده است.

۱۶. محمد تقدیمی صابری، *سوره‌های قرآن: درونمایه‌ها و محورها* (۱۳۸۶): ایشان مباحث آیت‌الله محمدتقی

مدرسی را درباره «اهداف و درونمایه‌های سوره‌ها محور قرار داد و آن را با عنوان مزبور ترجمه کرد. این اثر به لحاظ برگرفته شدن از متنی علمی و تخصصی، رویکردی پژوهشی دارد.

۱۷. ولی فاطمی، پرتوی از فضایل قرآن و اذکار مأثورہ (۱۳۹۰). ایشان در ادامه تألیف‌های مذکور، رهیافت عمومی به این مباحث را استمرار بخشید.

۱۴. مباحث اسباب نزول

۱۴-۱. دهه ۷۰

۱. محمدباقر سعیدی روشن، اسباب نزول (۱۳۷۶)؛

۱۴-۲. دهه ۸۰

۲. محمدجعفر امامی، شأن نزول آیات قرآن: برگرفته از تفسیر نمونه (۱۳۸۵)؛ ایشان بر اساس تفسیر نمونه از آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی این کتاب را نگاشته است.

۳. حسن محسن حیدر، اسباب النزول القرآنی: تاریخ و حقائق (۱۳۸۵).

۱۵. مباحث قرائت

موضوع قرائت از قالب‌های ثابت و مهم کتاب‌های علوم قرآن است و در کتاب‌های عام علوم قرآن دانشوران حوزه همچون التمهید مباحثی درازدامن را به خود اختصاص داده است. در کنار پژوهش‌های مهمی که در دل موسوعه‌های علوم قرآن وجود دارد، آثار مستقلی نیز در موضوع قرائت با موضوعات خاصی همچون روایت نزول قرآن بر هفت حرف و ارتباط آن با قرائت‌های هفت‌گانه، قاریان و قرائت‌های هفت‌گانه و پیوند مصحف عثمانی با قرائت‌های هم‌روزگار خود یافت می‌شود.

۱۵-۱. دهه ۸۰

۱. سید رضا مؤدب، نزول قرآن و رؤیای هفت حرف (۱۳۷۸).

۱۵-۲. دهه ۹۰

۲. محمدجواد سعیدی، پرسمان قرائت (۱۳۸۵)؛ ایشان در قالب پرسش و پاسخ و با بیانی ساده کوشیده است تا به پرسش‌ها و شبهات درباره مقوله قرائت پاسخ دهد.

در این دهه آثار جامع‌تر و تخصصی‌تری در این زمینه پدید آمد؛ مانند:

۳. عبدالرسول غفاری، القراءات و الأحرف السبعة (۱۳۹۲)؛

۴. محمدصادق یوسفی مقدم، علم قرائت (۱۴۰۰)؛ این اثر یکی از نوآمدترین پژوهش‌ها در این زمینه است که

به تفصیل از مباحث گوناگونی همچون فواید قرائت، پیشینه و تطور قرائت، حدیث سبعة أحرف و ملاک و شرایط قرائت صحیح سخن گفته است.

۱۶. مباحث رسم المصحف

این دانش با توجه به اینکه چندان در فضای علمی ایران و شیعه، چالش برانگیز نبوده، توجه چندانی را نیز به خود جلب نکرده است. از عالمان حوزه در این زمینه دو اثر یافت شد:

۱. یعقوب جعفری، *رسم الخط مصحف* (۱۳۷۶)؛ این اثر ترجمه کتاب *غانم قدوری حمد* با عنوان *رسم المصحف دراسته لغویه تاریخیه* است.

۲. محمدعلی کوشا، *نقد رسم الخط عثمان طه از قرآن* (۱۳۹۷).

۱۷. مباحث تاریخ قرآن

نگریستن به مسیر قرآن، در مسیر تاریخ نزول تا ثبت در مصاحف، قرائت و مانند آن از موضوعات تاریخ قرآن است و در حوزه علمیه قم بدان توجه شده است. نگاشته‌های نخستین در این زمینه رویکردی عام و جامع به مباحث این دانش داشت. اما به تدریج رویکرد شبهه‌پژوهی بر آن غلبه کرد. بدین‌روی مباحثی همچون جمع و تدوین قرآن در صدر اسلام یا مصاحفی همچون *مصحف امام علی* یا *مصحف فاطمه* - که با شبهه باور شیعه به قرآنی دیگر غیر از قرآن مرسوم در پیوند است - برجسته می‌شود.

۱۷-۱. دهه ۵۰

۱. سیدابوالفضل میرمحمدی، *بحوث فی تاریخ القرآن و علومه* (۱۳۵۸)؛

۱۷-۲. دهه ۶۰

۲. ابوالفضل میرمحمدی زرنندی، *تاریخ و علوم قرآن* (۱۳۶۳)؛

۳. علی حجتی کرمانی، *تاریخ و علوم قرآنی* (۱۳۶۳)؛

۴. سیدجعفر مرتضی عاملی، *حقائق هامه حول القرآن* (۱۳۶۸)؛ وی بسیاری از مسائل تاریخ قرآن را جست‌وجوگرانه و با زاویه نگاه شیعی در این کتاب مطرح کرد.

۱۷-۳. دهه ۷۰

۵. سیدحسن اسلامی، *حقایقی مهم پیرامون قرآن کریم* (۱۳۷۱)؛ این کتاب ترجمه *حقائق هامه حول القرآن*، اثر سیدجعفر مرتضی عاملی است.

۶. آیت‌الله محمدهادی معرفت، *تاریخ قرآن* (۱۳۷۵)؛ این کتاب ترجمه *تاریخ القرآن از موسوعه التمهید* است که در این دهه به عنوان کتاب درسی دانشگاهی از سوی انتشارات سمت نشر یافت.

۷. علی کورانی، *تدوین القرآن* (۱۳۷۶)؛

۸. سید محمود عظیمی، *تدوین قرآن* (۱۳۷۹)؛ این کتاب *تدوین القرآن*، اثر علی کورانی است.

۹. سیدمحمدعلی ایازی، *کاوشی در تاریخ جمع قرآن: تحقیقی پیرامون توقیفیت سوره‌های قرآن کریم* (۱۳۷۸).

۱۰. محمدحسین محمدی، *تاریخ قرآن* (۱۳۸۵):

۱۱. علی امیرخانی، *تاریخ تدوین قرآن* (۱۳۸۹).

در این دهه علاوه بر توجه به موضوعات عامی مانند آنچه ذکر شد، موضوع «مصاحف» نیز اهمیت یافت، به ویژه آنکه این مسئله با موضوع «تحریف ناپذیری قرآن» نیز در پیوند است.

۱۲. سیدمحمدعلی ایازی، *مصحف امام علی* (۱۳۸۰):

۱۳. عبدالله امینی پور، *مصحف امام علی* (۱۳۸۰):

۱۴. عبدالله امینی پور، *مصحف فاطمی* (۱۳۸۰):

۱۵. علی کورانی، *قرآن علی* (۱۳۸۹)، ترجمه نرگس بهشتی و بشری کورانی.

۱۶. محمدعلی مهدوی راد، *پژوهش‌گونه‌ای درباره مصحف فاطمه* (۱۳۹۰):

۱۷. جعفر انواری، *قرآن در آینه تاریخ* (۱۳۹۶).

۱۸. مباحث زبان‌شناختی قرآن

بررسی معنای واژه‌های قرآنی و مفاهیم برآمده از ترکیب‌ها و جملات آن، از نخستین گام‌ها در مسیر فهم آیات است و مفسران مسلمان با بهره‌گرفتن از آموزه‌های دانش لغت، صرف، نحو، بلاغت و مانند آن، این بررسی را تحقق بخشیده‌اند و گاه هم در آثاری مستقل کاربست این علوم در آیات را به صورت عام یا در موضوعی از موضوعات نشان داده‌اند. مروری بر آثار قرآن‌پژوهان حوزه در این باره نشان می‌دهد که بخشی از آنها به ترجمه آثار پیشینیان و بخشی هم به تطبیق دانش‌های زبانی سنتی بر آیات قرآن اختصاص یافته است.

اما در کنار اینها و به‌ویژه در دهه‌های اخیر، گاه پژوهش‌ها از مرحله تطبیق و جزئی‌نگری فراتر رفته و به اصول، ضوابط و قواعد حاکم بر این دست مطالعات پرداخته است؛ مانند: اصول و ضوابط عام و خاص واژه‌پژوهی، نگارش فرهنگنامه در زمینه‌های مغفول واژه‌پژوهی، همچون وجوه و نظائر یا باریک‌نگری درباره ظرفیت روایات تفسیری در مطالعات زبانی که از جهش‌های درخور توجه در این ساحت است.

از دیگر سو ترجمه کتاب‌های زبان‌شناسی غربی در جهان اسلام و ایران و اهتمام برخی دانشوران حوزه به فراگیری گسترده این دانش‌ها، موجب شد سدّ بسنده‌کردن به دانش‌های زبانی سنتی بشکند و به بهره‌جویی از معناشناسی و نشانه‌شناسی عنایتی تمام شود.

۱۸-۱. واژه‌شناسی قرآن

کتاب‌هایی که دانش‌آموختگان حوزه درباره شیوه معناشناسی واژگان قرآنی و شناخت منابع آن نوشته‌اند به تفکیک دهه نگارش به شرح ذیل است:

۱۸۱-۱. دهه ۷۰

۱. سیدرضا مؤدب، *مفردات قرآن: پژوهشی در واژه‌شناسی قرآن* (۱۳۷۸).

۱۸۱-۲. دهه ۸۰

۲. سید محمود طیب‌حسینی، *چندمعنایی در قرآن کریم: درآمدی بر توسعه در دلالت‌های قرآنی* (۱۳۸۸): ایشان در این کتاب سوبه‌های مختلف یکی از مبانی مهم در معناشناسی واژه‌های قرآنی را کاوش کرده است.

۱۸۱-۳. دهه ۹۰

۳. سید محمود طیب‌حسینی، *درآمدی بر دانش مفردات قرآن* (۱۳۹۰):

۴. دفتر تدوین متون درسی حوزه علمیه، *درآمدی بر لغت‌شناسی* (۱۳۹۴):

۵. محمدعلی مروجی طیبی، *درآمدی بر مفردشناسی روشمند آیات قرآن* (۱۳۹۵):

۶. سید محمود طیب‌حسینی، *مفردات قرآن* (۱۳۹۷):

همچنین دغدغه‌مندی درباره بنیادهای واژه‌کاوی قرآنی را می‌توان در آثار ذیل نگریست:

۷. سیدحسن خمینی، *گوهر معنا: بررسی قاعده وضع الفاظ برای ارواح معانی* (۱۳۹۰)، به کوشش

سید محمدحسن منبر و سید محمود صادقی؛

۸. حامد شیواپور، *نظریه روح معنا در تفسیر قرآن* (۱۳۹۴).

۱۸۲. وجوه و نظائر

افزون بر مباحث کلی و عام پیشین، برخی از اقسام ویژه واژگان قرآنی همچون وجوه و نظائر و الفاظ مترادف و مشابه نیز نگاشته‌هایی را به خویش اختصاص داده که در ذیل بدان اشاره شده است.

«وجوه» و «نظائر» واژگانی است که با هیأت و اعرابی خاص در آیات قرآن به کار رفته، ولی معانی متفاوتی دارد.

۱۸۲-۱. دهه ۹۰

۹. عباس کوثری، *فرهنگنامه تحلیلی وجوه و نظائر در قرآن* (۱۳۹۴): ایشان در دو جلد به گونه‌ای جامع و گسترده، مبانی نظری وجوه و نظائر را کاویده و آنها را در قرآن به صورت عینی و عملی یافته است.

۱۸۳. واژگان مترادف و مشابه

گاه دو یا چند واژه قرآنی معنایی هم‌افق و نزدیک به هم دارند که از آنها به «مترادف» یا «مشابه» یاد می‌کنند.

۱۸۳-۱. دهه ۹۰

۱۰. سیدعلی میرلوحی، *ترادف در قرآن کریم* (۱۳۹۳): ایشان در این کتاب به تفصیل از بنیادهای نظری آن،

همچون تعریف «ترادف»، انواع و اسباب ترادف و دیدگاه‌های مختلف درباره وجود ترادف در قرآن سخن گفته و نمونه‌های عینی زیادی را ذکر کرده است.

۱۱. جمعی از محققان پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، *فرهنگنامه تحلیل واژگان مشابه در قرآن (۱۳۹۷)*؛ ایشان در سه جلد پژوهش در این باره را به لحاظ استقرای واژگان مشابه، به کمال رسانیدند.

۱۸۴. دیگر مباحث زبان‌شناختی قرآن

این آثار را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: در دسته‌ای از آنها معناشناسی تعبیر قرآنی بر پایه علوم ادبی کهن و مرسوم در فضای علمی اسلامی همچون نحو، معانی، بیان و بدیع صورت می‌گیرد و در برخی دیگر، پژوهشگران می‌کوشند با بهره جستن از مطالعات نوین زبان‌شناسی، معناشناسی، نشانه‌شناسی و کاربردشناسی، به معنایی جملات قرآنی بپردازند.

۱۸۵. مباحث سنتی

۱۲. سیدعلی میرلوحی، *ترجمه بدیع القرآن (۱۳۶۸)*، اثر ابن ابی‌الاصبع؛

۱۳. ترجمه و تحقیق الجمان فی تشبیہات القرآن (۱۳۷۴)، اثر ابن ناکیا بغدادی؛

۱۴. عزت‌الله مولائی‌نیا، *اسالیب بیانی قرآن (۱۳۸۳)*؛ ایشان این پژوهش را درباره جمله‌های معترضه در قرآن کریم سامان داده است.

۱۵. علی غضنفری، *التکرار فی القرآن (۱۳۹۳)*؛

۱۶. سیدعلی هاشمی، *قرینه مقابله و فن احتیابک در قرآن (۱۳۹۵)*؛

۱۷. حمید الهی‌دوست، *تضمین در قرآن از نگاه مفسران (۱۳۹۷)*؛

۱۸. سیدمحمود طیب‌حسینی، *الأدوات النحویة و دورها فی تفسیر القرآن المجید (۱۳۹۸)*، تدوین اقدس رحیمی.

۱۸۶. مباحث جدید

مطالعاتی از این دست در دهه ۹۰ دستیاب است و در این میان، آثار علیرضا قائمی‌نیا بیشترین سهم را به خود اختصاص می‌دهد؛ مانند:

۱۹. علیرضا قائمی‌نیا، *معناشناسی شناختی قرآن (۱۳۹۰)*؛

۲۰. علیرضا قائمی‌نیا، *بیولوژی نص: نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن (۱۳۹۰)*؛

۲۱. علیرضا قائمی‌نیا، *استعاره‌های مفهومی و فضاهای قرآن (۱۳۹۷)*؛

۲۲. علیرضا قائمی‌نیا، *معنی‌شناسی ۱ (۱۳۹۸)*؛

۲۳. علیرضا قائمی‌نیا، *معنی‌شناسی ۲ (۱۳۹۹)*.

قابل ذکر است که پژوهش‌های ایشان به ارائه نظریه «عجاز شناختی قرآن» هم انجامید. در این نظریه با

استفاده از تحلیل‌های زبان‌شناسی شناختی نشان داده می‌شود که مفهوم‌سازی‌های قرآن و پردازش اطلاعات آن از موقعیت‌های گوناگون، بی‌نظیر است.

از دیگر آثار در این زمینه می‌توان از کتاب‌های ذیل نام برد:

۲۴. محمد رکعی و شعبان نصرتی، *میدان‌های معنایی در کاربست قرآنی* (۱۳۹۶):

۲۵. محمد رکعی و شعبان نصرتی، *معنائشناسی شناختی در کاربست متون وحیانی* (۱۳۹۹):

۲۶. مهدی حبیب‌اللهی، *کاربردشناسی جمله‌های مشابه در قرآن کریم* (۱۳۹۷).

۱۹. مباحث پیراتفسیری

هرچند غایت تمام نگاه‌شده‌های علوم قرآن به گونه‌ای با مقوله فهم و تفسیر قرآن در پیوند است، اما به هر روی برخی از آنها ارتباط مستقیم و بی‌واسطه‌تری با تفسیر قرآن دارند. می‌توان کتاب‌های مرتبط با چیستی، مبانی، قواعد، ابزارها و منابع تفسیر، روش‌ها و گرایش‌ها، مکاتب و جریان‌های تفسیر و سرگذشت تفسیر را در شمار این نگاه‌شده‌ها آورد. چون همه اینها درباره تفسیر شکل گرفته، عنوان «پیراتفسیری» را بر آن نهاده‌ایم.

توجه به بنیادها و پس‌پرده‌های تفسیر از مطالعات نوآمد در جهان اسلام و ایران است و حوزه علمیه قم هم از این قاعده مستثنا نیست. در این میان، منطق فهم قرآن بیشترین توجه را به خود جلب کرده است. طرح مباحث تفسیرگرایی تاوولی (هرمنوتیک) در فضای علمی ایران از سوی روشنفکران دینی و ترجمه نگاه‌شده‌های غربی شبهاتی را در اعتبار تفسیر اسلامی به وجود آورد و این موجب ژرف‌کاوی عالمان حوزوی در مبانی و منطق تفسیر متون شد.

افزون بر این، توجه تخصصی حوزه به مباحث قرآنی و تفسیری، تأسیس نهادها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی و مقتضیات و نیازهای آنها، ظهور مفسران روشمند و اثرگذار در حوزه علمیه قم و دیگر مراکز علمی امامیه موجب گردید تا اندیشوران بکوشند با بهره‌جویی از میراث غنی تفسیری و اصول استنباطی حوزه، بحث‌ها را از حالت تطبیقی و جزئی به سمت مبنایی ببرند و با باریک‌اندیشی در این عرصه، راه را برای فهم دقیق‌تر قرآن باز کنند.

اندیشه توسعه و تدقیق فرایند تفسیر، ایشان را به درنگ در منابع و ابزارهای تفسیر و تأمل در راهکارهای کارآمد ساختن منابع و ابزارهای کهن و ارائه ابزارهای نوین نیز کشانید و در این راه، افزون بر تبیین کاربرد علوم مرسوم همچون صرف، نحو، بلاغت، اصول فقه و غیر آن، به پژوهش‌هایی درباره میراث روایی شیعه واداشت و از رهگذر تلاش‌هایی همانند گونه‌شناسی روایات یا استخراج قواعد تفسیری، کارآمدی آنها را در فرایند تفسیر بیش از پیش نشان دهند. بررسی نقش علوم بشری و به‌ویژه علوم انسانی در تفسیر قرآن از دیگر اقداماتی است که قرآن‌پژوهان حوزه برای تحول آفرینی در روند فهم کتاب الهی بدان دست یازیدند.

روش‌ها و گرایش‌های تفسیری از موضوعات پربسامد در میان کتاب‌های پیراتفسیری در حوزه علمیه است. گذشته از توجه عام به این مسئله که برآمده از نیازهای مراکز و مؤسسات تخصصی و دانشگاه‌هاست، روش‌ها و

گرایش‌هایی هم به صورت ویژه مورد اهتمام قرار گرفته و در این میان باز هم روایت و تفسیر بر پایه آن شمار قابل توجهی را به خود اختصاص داده که در کنار فعالیت‌هایی همچون علوم قرآن روایت‌بنیاد و اهتمام به جوانب گوناگون روایت به‌مثابه منبع سنت، نشان از حرکت حوزه به سوی ریشه‌های اصیل و دادن هویت و تشخیص شیعی به دانش‌های قرآنی دارد.

افزون بر این، پرتنگ شدن مقوله تفسیر موضوعی، بدین معنا که موضوع و مسئله‌ای از واقعیت‌ها و چالش‌های زمانه، گزینش شود و از قرآن برای آن چاره‌جویی گردد، نشان می‌دهد که روحانیان به سبب درگیری عملی با میدان جامعه و دست‌اندازهای حکمرانی اسلامی، به تنقیح راهکارهای نظریه‌پردازی و پاسخ به پرسش‌ها و شبهات زمانه روی آورده‌اند.

همچنین باید از سبک‌های تفسیری نوینی همچون «تفسیر تنزیلی» و «تفسیر ساختاری» قرآن یاد کرد. «تفسیر تنزیلی» با دنبال کردن سیر تاریخی نزول و تفسیر قرآن همگام با آن، می‌کوشد تا نشان دهد چگونه قرآن گام به گام جامعه هدف خویش را دچار تحوّل فرهنگی کرد و به دیگر سخن، بر آن است تا مهندسی فرهنگی قرآن را آشکار سازد. «تفسیر ساختاری» هم با ارائه منظم و بسامان معارف قرآن بر محور غرض سوره، برنمودن انسجام معارف قرآنی و ارائه دقیق و منطقی آن به نسل نواندیش و باریک‌بین معاصر را در سر دارد (برای بررسی بیشتر، ر.ک. بهجت‌پور، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۵ به بعد).

نگریستن به تفسیر اسلامی در قالب مکاتب و جریان‌های تفسیری از دیگر پژوهش‌های پیرائتفسیری است که افزون بر اقتضائات تخصصی شدن علوم قرآن به نیاز مقاطع ارشد و دکتری رشته «علوم قرآن و حدیث» و گرایش‌های آن، به منابع درسی و کمک درسی بازمی‌گردد.

در نهایت، باید کتاب‌های تاریخ تفسیر را یاد کرد که در کنار ارائه سیر تفاسیر قرآنی، چهره راستین تفسیرنگاری امامیه را آشکار می‌سازند و شبهات و افتراهای مخالفان بر آن را نیز می‌زدایند.

۱۹۱. کلیات و مفاهیم

مفهوم‌شناسی تفسیر، تأویل، تفاوت‌های آن و مباحثی مانند آن بخشی از مسائل این گستره را دربر می‌گیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که دانش‌آموختگان حوزه این بحث را فرو ننهادند. البته کتاب‌های مستقل در این باره بیشتر به مفهوم چالش‌برانگیز «تأویل» و چگونگی آن اختصاص یافته است؛ زیرا در جهان اسلام، «تأویل» از ویژگی‌های بارز روش تفسیر امامیه دانسته شده و در مراجعه به میراث روایی و تفسیری ایشان، وجهه تأویلی بسیار رخ می‌نماید.

۱۹۱-۱. دهه ۸۰

۲. آیت‌الله محمدهادی معرفت، *التأویل فی مختلف المذاهب و الآراء* (۱۳۸۴):

۳. مهدی رضوانی، *تأویل قرآن از دیدگاه امام خمینی و مقایسه آن با دیدگاه سید حیدر آملی* (۱۳۸۹):

۴. حسن طارمی‌راد و رضا سلیمان حشمت، *درباره تأویل* (۱۳۹۰):

۵. حسن خرقانی، *تأویل قرآن در رویکردها و اندیشه‌ها* (۱۳۹۴): این کتاب ترجمه کتاب آیت‌الله محمدهادی

معرفت است.

۱۹-۲. منطق فهم و تفسیر

برخی دیگر از این نگاشته‌ها به سیر منطقی رسیدن به مراد متن، مبانی، قواعد و منابع و ابزارهای کارآمد در فرایند تفسیر می‌پردازد. حوزیان در این زمینه نگاشته‌های گوناگونی قلمی کرده‌اند که به تفکیک موضوع بدان اشاره خواهد شد:

۱۹-۲-۱. روش تفسیر عام

۶. شهید محمدحسین بهشتی، *روش برداشت از قرآن* (۱۳۶۱):

۷. ولی‌الله نقی‌پورفر، *پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن* (۱۳۷۱):

۸. محمد مجتهد شبستری، *هرمنوتیک، کتاب و سنت* (۱۳۷۵): او و همگانش (مانند عبدالکریم سروش در *قبض و بسط تئوریک شریعت*) با اثرپذیری از تفسیرگرایی تأویلی فلسفی رایج در غرب، مدعی شدند که فهم قرآن و متون دینی به معرفت‌های پیشین، انتظارها و پرسش‌های مفسران وابسته است و از این رو فهم متون دینی با تغییر در این عوامل، تغییر می‌یابد و چنین است که معنای متون مذکور هیچ‌گاه تمامه روشن نمی‌گردد و دین قرائت‌های مختلف می‌یابد. این مدعا دغدغه‌مندان حوزوی را به تکاپو واداشت تا ایستار صحیح و مطابق با مبانی اسلامی را مشخص کنند.

۹. محمد دشتی، *روش برداشت از قرآن* (۱۳۷۸): وی این کتاب را برای جوانان و نوجوانان نوشت.

۱۰. علی‌اکبر بابایی، غلامعلی عزیزی‌کیا و مجتبی روحانی‌راد و زیر نظر محمود رجبی، *درسنامه مهم و*

کلاسیک روش شناسی تفسیر قرآن (۱۳۷۹).

در این دودهنه تفسیرگرایی تأویلی و چالش‌های برآمده از آن در برابر تفسیر متون دینی یکی از مسائل مد نظر اندیشوران حوزه بود و دغدغه اصلی کتاب‌هایی ذیل گردید:

۱۱. آیت‌الله جعفر سبحانی، *هرمنوتیک* (۱۳۸۱):

۱۲. آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی، *تعدد قرائت‌ها* (۱۳۸۲):

۱۳. ماجد خاقانی، *تعدد القراءات* (۱۳۸۳): این اثر ترجمه عربی کتاب *تعدد قرائت‌ها*، از آیت‌الله محمدتقی

مصباح یزدی است.

۱۴. غلام‌رسول حمیدی، هرمنوتیک و تفسیر: نگاهی تطبیقی به دیدگاه شلایر ماخر و علامه طباطبائی (۱۳۸۸):
۱۵. احمد واعظی، نظریه تفسیر متن (۱۳۹۰):
۱۶. علی پیریمی، هرمنوتیک و تأثیر آن بر فهم متون (۱۳۹۲):
۱۷. علی فتحی، معیارپذیری تفسیر قرآن؛ رهیافت‌ها و چالش‌ها (۱۳۹۶):
۱۸. علی‌اوسط باقری، نقش پیش‌دانش‌ها و علایق مفسر در تفسیر قرآن (۱۳۹۹):
در کنار اینها، کتاب‌هایی به صورت عام روش تفسیر و مباحث مربوط بدان را پی‌جستند؛ مانند:
۱۹. علی صفایی حائری، روش برداشت از قرآن (۱۳۸۲):
۲۰. محمود رجبی، روش تفسیر قرآن (۱۳۸۳):
۲۱. محمود رجبی، منطق فهم قرآن (۱۳۸۵):
۲۲. سیدکمال حیدری، منطق فهم قرآن: الأسس المنهجية للتفسير والتأويل في ضوء آية الكرسي (۱۳۹۰):
۲۳. سیدکمال حیدری، مدخل إلى النظام المعرفی لآلية فهم القرآن (۱۳۹۱):
۲۴. محمدعلی سلطانی، درآمدی بر سامانه معرفتی قرآن (۱۳۹۴): این کتاب ترجمه فارسی کتاب مدخل إلى النظام المعرفی لآلية فهم القرآن، از سیدکمال حیدری است.
۲۵. محمد مصطفوی، إمكانيات التفسير و إشكالياته في البحث عن المعنى (۱۳۹۱):
۲۶. مجید حیدری‌فر، مهندسی فهم و تفسیر قرآن (۱۳۹۱):
۲۷. محمدعلی رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن ۳ (روش تحقیق در تفسیر و علوم قرآن) (۱۳۹۲):
۲۸. میکائیل کورل، روش‌شناسی تفسیر قرآن (۱۳۹۳): این کتاب ترجمه ترکی استانبولی کتاب درسنامه مهم و کلاسیک روش‌شناسی تفسیر قرآن، اثر علی‌اکبر بابایی، غلامعلی عزیزکیا و مجتبی روحانی‌راد و زیر نظر محمود رجبی است.
۲۹. محمدتقی اکبرنژاد، منطق تفسیر متن (۱۳۹۵):
۳۰. علی نصیری، روش‌شناسی تفسیر قرآن (۱۳۹۵):
۳۱. احمد آکوچکیان، رویکرد به تفسیر پیشرفت شناخت قرآن کریم (۱۳۹۸): این کتاب مجموعه گفت‌وگوها با برخی صاحب‌نظران در حوزه روش تفسیر است.
- ۲-۱۹. روش تفسیر بر محور اندیشه مفسران و قرآن‌پژوهان
در این‌گونه کتاب‌ها، نویسنده با برگزیدن یکی از مفسران و عالمان شاخص، فرایند تفسیر را از منظر او می‌کاود.
۳۲. صاحبعلی محبی، الأناظر التفسیریة للشیخ الأعظم (۱۳۷۶):
۳۳. محمدعلی مهدوی‌راد، آفاق تفسیر: مقالات و مقولاتی در تفسیر پژوهی (۱۳۸۱): بخش قابل توجهی از این کتاب به روش‌شناسی تفسیر معصومان علیهم‌السلام و مفسرانی همچون امام خمینی علیه‌السلام و قرطبی اختصاص دارد.

۳۴. آیت‌الله عبدالله جوادی آملی، شمس الوحی تبریزی: سیره علمی علامه طباطبائی (۱۳۸۶)، تنظیم و تحقیق علیرضا روغنی موفق؛
۳۵. محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، بازخوانی روشی نو در تفسیر قرآن: گزارش همایش بزرگداشت تفسیر راهنما (۱۳۸۶)؛
۳۶. علی نصیری، مکتب تفسیری صدر المتألهین (۱۳۸۶)؛
۳۷. محمدتقی دیاری بیدگلی، اندیشه‌ها و آراء تفسیری امام خمینی * (۱۳۸۸)؛
۳۸. چکیده مقالات همایش ملی بررسی آراء تفسیری علامه محمدهادی معرفت (۱۳۹۶)، به کوشش عیسی عیسی‌زاده و جلال عراقی؛
۳۹. مسعود تاج‌آبادی، المنار در آینه المیزان: تحلیل و بررسی نقدهای علامه طباطبائی * بر تفسیر المنار (۱۳۹۳).
- ۱۹۲-۳. مبانی تفسیر
- این نگاه‌ها از اصول موضوعه و باورهای بنیادینی سخن می‌گوید که تفسیر قرآن بر آن استوار است. کتاب‌های مستقل و باعنوان مبانی را می‌توان از دهه ۷۰ مشاهده کرد.
۴۰. مهدی هادوی تهرانی، مبانی کلامی اجتهاد در برداشت از قرآن کریم (۱۳۷۷)؛
۴۱. سیدکمال حیدری، اصول التفسیر و التأویل: مقارنه منهجیه بین آراء الطباطبائی و أبرز المفسرین (۱۳۸۴)؛
۴۲. سیدرضا مؤدب، مبانی تفسیر قرآن (۱۳۸۶)؛
۴۳. فتح‌الله نجارزادگان، بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن در دیدگاه فریقین (۱۳۸۸)؛
۴۴. محمدتقی کرامتی، تأثیر مبانی فلسفی در تفسیر صدر المتألهین (۱۳۸۵)؛
۴۵. سید محمدرضا صفوی، بازخوانی مبانی تفسیر قرآن (۱۳۹۲)؛
۴۶. محمدعلی سلطانی، اصول تفسیر و تأویل قرآن (۱۳۹۳)، این کتاب اثر مربوط به سیدکمال حیدری با نام اصول التفسیر و التأویل: مقارنه منهجیه بین آراء الطباطبائی و أبرز المفسرین است که به فارسی ترجمه شده است.
۴۷. آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، مبانی تفسیر قرآن: مجموعه بحث‌های تفسیری حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی (۱۳۹۵)، به کوشش ابوالقاسم علیان‌نژادی؛
۴۸. احمد قدسی، مبانی و قواعد استنباط از قرآن و حدیث (۱۳۹۶)؛
۴۹. علی فتحی، اصول و مقدمات تفسیر (۱۳۹۸)؛ این کتاب برخی از قواعد تفسیری را نیز دربر دارد. قابل ذکر است که در دهه ۹۰ برخی از نویسندگان کتاب‌هایی با محوریت مبانی کلامی امامیه و دانشیان آن در تفسیر نوشتند؛ مانند:
۵۰. علی راد، مبانی کلامی امامیه در تفسیر: با رویکرد نقادانه به آراء ذهبی، عسّال و رومی (۱۳۹۰)؛

۵۱. محمد سلطانی، *مبانی کلامی تفسیر قرآن بر محور آثار شیخ طوسی* (۱۳۹۴).

۵۲. شمس‌الله معلم‌کلایی، *روش‌شناسی تفسیر من وحی القرآن: اصول و قواعد تفسیر* (۱۳۹۱)؛ ایشان

مبانی و قواعد تفسیری را در یکی از تفاسیر شاخص امامیه در دوران معاصر تحقیق کرده است.

۵۳. امیررضا اشراقی، *مبانی تفسیری علامه طباطبائی در میزان؛ مبانی مرتبط با متن قرآن* (۱۳۹۸).

۱۹-۲-۴. قواعد تفسیر

در نگاه‌های قواعد تفسیری، دستورالعمل‌های کلی برای تفسیر قرآن ذکر می‌شود که مبتنی بر مبانی عقلی، نقلی و عقلائی است و به ضابطه‌مندی تفسیر و دوری آن از خطا می‌انجامد. کتاب‌های حوزویان را در این زمینه می‌توان به دو دسته عام و خاص تقسیم کرد:

۱۹-۲-۴-۱. قواعد تفسیر عام

در این آثار قواعد تفسیری لازم در روند تفسیر به صورت کلی و بدون تأکید بر قاعده‌ای ویژه بررسی می‌گردد. نگاه‌ها با این عنوان را می‌توان از دهه ۸۰ ردیابی کرد؛ مانند:

۵۴. محمد فاکر میبیدی، *قواعد التفسیر لدی الشیعه و السنه* (۱۳۸۵)؛

۵۵. علی‌اکبر سیفی مازندرانی، *دروس فی القواعد التفسیریة* (۱۳۸۵)، در دو جلد.

۵۵. محمدعلی رضایی اصفهانی، *منطق تفسیر قرآن ۱: مبانی و قواعد تفسیر قرآن* (۱۳۹۳)؛

۵۶. محمدعلی رضایی اصفهانی، *درسنامه مبانی و قواعد تفسیر* (۱۳۹۳)؛ این کتاب خلاصه *منطق تفسیر*

قرآن ۱: مبانی و قواعد تفسیر قرآن است.

۵۷. احمد ازرقی و هاشم عبدالنبی ابوخمسین، *منطق تفسیر القرآن ۱: اصول و قواعد التفسیر* (۱۳۹۳)؛ این

کتاب ترجمه عربی *درسنامه مبانی و قواعد تفسیر*، اثر محمدعلی رضایی اصفهانی است.

۵۸. محمود حسین‌زاده خراسانی، *قواعد تفسیر* (۱۳۹۳)؛

۵۹. علی‌اکبر بابایی، *قواعد تفسیر قرآن* (۱۳۹۵).

۱۹-۲-۴-۲. قواعد تفسیر خاص

۶۰. محمد اسعدی، *لایه‌ها و سایه‌های معنایی* (۱۳۸۵)؛ وی کوشیده است تا قاعده «معناشناسی مستقل فرازهای قرآنی» را در پرتو روایات تفسیری بکاود.

۶۱. عباس کوثری، *نقش سیاق در تفسیر قرآن و فقه* (۱۳۹۲)؛

۶۲. علی راد، *غور قرآن: از نظریه تا تفسیر* (۱۳۹۵)؛ در این کتاب عبارات تام قرآنی بررسی شده که در

موضوع خود، در مجموع محکمت قرآنی، از برجستگی خاص بیانی و محتوایی برخوردار بوده و در تبیین موضوع و پاسخگویی به مسائل آن، منحصر به فرد و کارآمد است.

۱۹۲-۵. مباحث منابع و ابزارهای تفسیر

۱۹۲-۵-۱. منابع تفسیر

منابع تفسیر داده‌های عقلی، نقلی یا تجربی هستند که از آنها به‌مثابه دلیل و مستند فهم مقصود از آیه، بهره برده می‌شود. بیشتر نگاه‌های قرآن‌پژوهان حوزه بر محور سنت و حدیث و آسیب‌های بهره‌گیری از این منبع شکل گرفته است.

۶۳ علی نصیری، *رابطه متقابل کتاب و سنت* (۱۳۸۶):

۶۴ *گفتمان نقش حدیث در تفسیر: مجموعه سخنرانی‌ها و میزگردهای همایش نقش حدیث در تفسیر*

قرآن (۱۳۸۶)، به کوشش غلامعلی عزیزی کیا؛

۶۵ علی‌احمد ناصح، *اعتبار و کاربرد روایات تفسیری* (۱۳۸۷):

۶۶ محمدتقی دیاری بیدگلی، *اسرائیلیات در تفاسیر قرآن* (۱۳۸۳):

۶۷ مسعود صلواتی‌زاده، *نردبان سقوط: اسرائیلیات رد پای یهود در تفسیر و حدیث* (۱۳۸۸):

۶۸ علی‌راد، *گونه‌شناسی احادیث قرآنی امامیه از نظریه تا تطبیق* (۱۳۹۷):

۶۹ نیکزاد عیسی‌زاده، *مبانی فهم روایات تفسیری در المیزان* (۱۳۹۸):

۷۰ سیف‌الله مدبر چهاربرجی، *اسرائیلیات: تحریف‌ها و تخریب‌های یهود* (۱۳۹۳):

۷۱ سیدابوالفضل موسوی‌زاده، *نقش عقل در تفسیر قرآن* (۱۳۹۷):

۷۲ محمدعلی مهدوی‌راد، *آفاق سنت* (۱۴۰۰): نگارنده در این کتاب به تبیین ابعاد و نقش‌آفرینی سنت در

تفسیر قرآن پرداخته است.

۱۹۲-۵-۲. ابزارهای تفسیر

موضوع این نگاه‌ها دانش‌ها و فنونی است که برای بهره‌گیری از منابع و به‌کارگیری قواعد تفسیری بایسته‌اند. بخشی از نگاه‌های حوزویان در دهه ۸۰ و ۹۰ بر محور علوم ادبی، نقش‌آفرینی آنها در تفسیر و اثرگذاری متقابل قرآن بر پیدایی و تطورشان سامان یافته است؛ مانند:

۷۳ عبدالله موحدی محب، *تأثیر قرآن بر پیدایش علوم ادبی* (۱۳۸۹):

۷۴ علی محمد میرجلیلی، *تأثیر قرآن در پیدایش و پیشرفت علوم ادبی* (۱۳۸۹):

۷۵ محمد فلاحی قمی، *تأثیر علوم ادبی در فهم قرآن* (۱۳۸۹):

۷۶ جواد آسه، *نقش علم نحو در تفسیر قرآن کریم* (۱۳۹۲):

۷۷ احمد طاهری‌نیا، *نقش علوم ادبی در تفسیر قرآن* (۱۳۹۳):

۷۸ محمد تقیب‌زاده، *درسنامه کاربرد علوم بلاغی در تفسیر* (۱۳۹۸):

نقش آفرینی اصول فقه و علم رجال در فرایند تفسیر را می‌توان در کتاب‌های ذیل مشاهده کرد:

۷۹. علی‌اکبر کلاتری، *نقش دانش رجال در تفسیر و علوم قرآنی* (۱۳۸۴)؛

۸۰. حسن صادقی، *درآمدی بر نقش دانش اصول فقه در تفسیر قرآن* (۱۳۹۱)؛

در دهه ۹۰، محمدعلی رضایی اصفهانی با اثرگذاری بر نگاه‌های مختلف به مقوله «پیوند فهم قرآن با علوم تجربی و انسانی» روی آورد. او در این زمینه این اثر را پدید آورد:

۸۱. محمدعلی رضایی اصفهانی، *منطق تفسیر قرآن (۵): قرآن و علوم طبیعی و انسانی* (۱۳۹۲)؛

او با همکاری گروهی از پژوهشگران، مجموعه‌ای از آثار را به جامعه علمی عرضه داشت؛ مانند:

۸۲. محمدعلی رضایی اصفهانی، *مجموعه مقالات روش‌شناسی قرآن و علوم انسانی: روش‌ها، قواعد،*

ضوابط (۱۳۹۶)، با همکاری گروهی از پژوهشگران؛

۸۳. محمدعلی رضایی اصفهانی، *مجموعه مقالات روش‌شناسی قرآن و علوم انسانی: کلیات، مبانی،*

اهداف (۱۳۹۶)، با همکاری گروهی از پژوهشگران؛

۸۴. محمدعلی رضایی اصفهانی، *مجموعه مقالات قرآن و اخلاق* (۱۳۹۶)، با همکاری گروهی از پژوهشگران؛

۸۵. محمدعلی رضایی اصفهانی، *مجموعه مقالات قرآن و تربیت* (۱۳۹۶)، با همکاری گروهی از پژوهشگران؛

۸۶. محمدعلی رضایی اصفهانی، *مجموعه مقالات قرآن و جامعه‌شناسی: مباحث نظری* (۱۳۹۶)، با همکاری

گروهی از پژوهشگران؛

۸۷. محمدعلی رضایی اصفهانی، *مجموعه مقالات قرآن و سیاست: اندیشه‌ها و موضوعات* (۱۳۹۶)، با

همکاری گروهی از پژوهشگران؛

۸۸. محمدعلی رضایی اصفهانی، *مجموعه مقالات قرآن و سیاست: مباحث نظری* (۱۳۹۶)، با همکاری

گروهی از پژوهشگران؛

۸۹. محمدعلی رضایی اصفهانی، *مجموعه مقالات قرآن و علوم انسانی: قرآن و الگوی پیشرفت* (۱۳۹۶)، با

همکاری گروهی از پژوهشگران؛

۹۰. محمدعلی رضایی اصفهانی، *مجموعه مقالات قرآن و علوم انسانی: مباحث نظری قرآن و علوم*

(۱۳۹۶)، با همکاری گروهی از پژوهشگران؛

۹۱. محمدعلی رضایی اصفهانی، *مجموعه مقالات قرآن و علوم انسانی: مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و*

علوم و مستشرقان (۱۳۹۶)، با همکاری گروهی از پژوهشگران؛

۹۲. محمدعلی رضایی اصفهانی، *مجموعه مقالات قرآن و علوم دیگر (اقتصاد، تاریخ، محیط زیست و هنر)*

(۱۳۹۶)، با همکاری گروهی از پژوهشگران؛

۹۳. محمدعلی رضایی اصفهانی، مجموعه مقالات قرآن و مدیریت: نظریه‌های سازمان و مدیریت از منظر قرآن کریم (۱۳۹۶)، با همکاری گروهی از پژوهشگران؛
۹۴. محمدعلی رضایی اصفهانی، مجموعه مقالات قرآن و مدیریت: وظایف سازمان و مدیریت از منظر قرآن کریم (۱۳۹۶)، با همکاری گروهی از پژوهشگران؛
۹۵. محمدعلی رضایی اصفهانی، درآمدی بر روش‌شناسی مطالعات قرآن و علوم انسانی (۱۳۹۶)، با همکاری گروهی از پژوهشگران.
۱۹۳. مباحث، روش‌ها، گرایش‌ها و سبک‌های تفسیری
- بخشی از این آثار به گونه‌ای عام و کلی چندین روش یا گرایش را بررسی کرده و برخی دیگر روش یا گرایشی خاص را موضوع خویش ساخته است.
- ۱۹۳-۱. مباحث، روش‌ها و گرایش‌ها و سبک‌های تفسیری عام
۹۶. عباسعلی عمید زنجانی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن (۱۳۶۹)؛
۹۷. عمران ضیائی‌نیا، روش‌های تفسیری (۱۳۸۲)؛
۹۸. آیت‌الله جعفر سبحانی، المناهج التفسیریة (۱۳۸۳)؛
۹۹. گروهی از پژوهشگران، دراسات فی تفسیر النصّ القرآنی، ج ۱ (أبحاث فی المناهج التفسیریة) (۱۳۸۶)؛
۱۰۰. محمدعلی رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن ۲ (روش‌ها و گرایش‌های تفسیری) (۱۳۸۸)؛
۱۰۱. گروهی از نویسندگان (از جمله: حسن طارمی راد و محمدعلی مهدوی راد)، تفسیر قرآن: تاریخچه، اصول، روش‌ها (۱۳۸۸)؛
۱۰۲. محمدعلی اسدی‌نسب، المناهج التفسیریة عند الشیعة و السنة (۱۳۸۹)؛
۱۰۳. سیدرضا مؤدب، روش‌های تفسیر قرآن (۱۳۹۰)؛
۱۰۴. محمدعلی رضایی اصفهانی، دروس فی المناهج و الاتجاهات التفسیریة للقرآن (۱۳۹۰)؛
۱۰۵. محمدعلی رضایی اصفهانی، درسنامه روش‌های تفسیر قرآن (سطح یک) (۱۳۹۲)؛
۱۰۶. سید محمود طیب‌حسینی، علی خراسانی، محمد اکبری کارمزدی و علی مدبر (اسلامی)، تفسیرشناسی: مبانی، منابع، قواعد، روش‌ها و گرایش‌ها (۱۳۹۶)؛
۱۰۷. رئیس اعظم شاهد، قرآن‌پژوهی در شبه قاره هند (۱۳۹۷)؛ این کتاب بیشتر روش‌ها و گرایش‌های تفسیری در شبه قاره را مد نظر قرار داده است.
۱۰۸. سیدرضا مؤدب و محمدرضا عزنی فردوئی، روش‌های تفسیری (۱۳۹۸)؛
- آثار مزبور متعلق به دهه ۹۰ بوده که بیشترین تمرکز خود را بر مقوله «روش‌ها و گرایش‌های تفسیری» نهاده‌اند.

۲-۱۹۳. تفسیر روایی

نگارش‌های مستقل حوزویان در این زمینه از دهه ۷۰ قابل رهگیری است.

۱۰۹. محمدعلی مهدوی راد، *المنهج الأثری فی تفسیر القرآن الکریم: حقیقت و مصادره و تطبیقاته* (۱۳۷۳):
۱۱۰. حسین تقوی دهقان، *روش‌شناسی اهل‌بیت در تفسیر، تأویل و تطبیق قرآن* (۱۳۸۱):
۱۱۱. محمد مرادی، *امام علی و قرآن: پژوهشی در تفسیر و روش‌های آن در اندیشه امام علی* (۱۳۸۲):
در دهه ۹۰ این نگاه‌ها گسترش کمی و کیفی قابل توجهی یافت.
۱۱۲. آیت‌الله محمد محمدی ری‌شهری، *درآمدی بر تفسیر جامع روایی* (۱۳۹۰):
۱۱۳. عبدالهادی مسعودی، *تفسیر روایی جامع*، ج ۱ (مبانی، منابع، روش)؛ ج ۲ (آسیب‌شناسی) (۱۳۹۵):
این کتاب‌ها ابعاد گوناگون این روش تفسیری را کاوید و کوشید با قراردادن روایات در روندی جامع و منطقی، به فهم برآمده از روایات چارچوب و شاکله‌ای منسجم و منطقی بدهد.
۱۱۴. آیت‌الله محمد محمدی ری‌شهری، با همکاری عبدالهادی مسعودی *پرتوی از تفسیر اهل‌بیت* (۱۳۹۸)،
بهره جستن از رهیافت موضوعی در روایات از زاویه نگاه‌های جدیدی است که در این دهه و در کتاب‌های ذیل
پیگیری شد:

۱۱۵. مهدی کمانی نجف‌آبادی، *تفسیر موضوعی روایی: چیستی، مبانی و روش* (۱۳۹۷):

۱۱۶. قیس بن بهجت العطار، *التأویل الموضوعی للقرآن الکریم فی ضوء الأحادیث* (۱۳۹۹):

۱۱۷. محمد فاکر میبیدی، *مبانی تفسیر روایی* (۱۳۹۳).

۳-۱۹۳. تفسیر قرآن به قرآن

توجه مستقل به این روش در دهه ۹۰ قابل مشاهده است.

۱۱۸. علی مدبر (اسلامی)، *تفسیر قرآن با قرآن در آینه روایات*، ج ۱ (مبانی، زمینه‌ها، ادله، گونه‌ها، فرایند، قواعد و آثار)؛ ج ۲ (جایگاه روایات در فرایند تفسیر قرآن با قرآن) (۱۳۹۷):
۱۱۹. محمد بهرامی، *مبانی تفسیر قرآن به قرآن* (۱۳۹۸).

۴-۱۹۳. تفسیر علمی

۱۲۰. محمدعلی رضایی اصفهانی، *درآمدی بر تفسیر علمی* (۱۳۷۵):

۱۲۱. ناصر رفیعی محمدی، *تفسیر علمی قرآن (بررسی سیر تدوین و تطور)* (۱۳۸۰):

۱۲۲. محسن عباس‌زاده، محمدعلی رضایی اصفهانی، محمدحسن رستمی، حمید فغفور مغربی و عبدالله غلامی،

روش‌شناسی تفسیر علمی قرآن کریم: مبانی و اصول (۱۳۸۹):

۱۲۳. جمعی از نویسندگان، زیر نظر محمدعلی رضایی اصفهانی، *مجموعه مقالات قرآن و علوم انسانی:*

روش‌شناسی تفسیرهای علمی (۱۳۹۶):

۱۹۳-۵. تفسیر عرفانی

کتاب‌های دانش‌آموختگان حوزه در این زمینه در دهه ۹۰ ظهور یافته است؛ مانند:

۱۲۴. حبیب‌الله بابایی، تأویل عرفانی، تفسیر باطنی (۱۳۹۴)؛

۱۲۵. محمدجواد رودگر، مبانی و قواعد تفسیر عرفانی (۱۳۹۷)؛

۱۲۶. حسین مظفری، تأویل عرفانی: بررسی مبانی و ضوابط و روش‌های تأویل عرفانی قرآن کریم با

تأکید بر آثار ملاصدرا و عارفان مسلمان (۱۳۹۸).

۱۹۳-۶. تفسیر فقهی

۱۲۷. سیف‌الله صرامی، جایگاه قرآن در استنباط احکام (۱۳۷۸)؛

۱۲۸. سیدمحمدعلی ایازی، فقه پژوهی قرآنی: درآمدی بر مبانی نظری آیات الاحکام (۱۳۸۰)؛

۱۲۹. محمدعلی مهدوی‌راد، علی‌اصغر ناصحیان، محسن نورایی، علی راد و جهانگیر فیض‌آبادی، تفاسیر

فقهی: تاریخ، تطور و نمونه‌ها (۱۳۹۰)؛

۱۳۰. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، سیدجعفر صادقی فدکی، بازپژوهی ملاک‌های توسعه آیات الاحکام قرآن

کریم؛ نگرشی نو به آیات الاحکام و مباحث فقهی در قرآن (۱۳۹۴)؛

۱۳۱. خالد غفوری، مدخل عام لدراسة فقه القرآن المقارن (۱۳۹۴).

۱۹۳-۷. تفسیر تربیتی

۱۳۲. هاشم عبدالنبی ابوخمیسین، التفسیر التربوی للقرآن الکریم (المبانی والاتجاهات) (۱۳۹۲).

۱۹۳-۸. تفسیر سیاسی

۱۳۳. علیرضا رستمی، تأثیر جریان‌های سیاسی بر تفسیر و مفسران (۱۳۸۸)؛

۱۳۴. یوسف خان محمدی، تفسیر سیاسی قرآن در ایران معاصر (۱۳۹۲)؛

۱۳۵. ابوالحسن حسینی، مبانی معرفتی تفسیر سیاسی قرآن (۱۲۹۳).

۱۹۳-۹. تفسیر عصری

۱۳۶. سیدمحمدعلی ایازی، قرآن و تفسیر عصری (۱۳۷۸).

۱۹۳-۱۰. تفسیر اجتماعی

۱۳۷. صادق گلستانی، روش‌شناسی تفسیر اجتماعی المیزان (۱۳۹۸).

۱۹۳-۱۱. تفسیر تطبیقی

۱۳۸. فتح‌الله نجارزادگان، تفسیر تطبیقی (بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن و معارفی از آیات در دیدگاه

فریقین) (۱۳۸۲)؛

۱۳۹. عبدالکریم بهجت‌پور، تفسیر فریقین: تاریخ، مبانی، اصول، منابع (۱۳۹۱).

۱۲-۱۹۳. تفسیر تنزیلی

۱۴۰. عبدالکریم بهجت‌پور، تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)، مبانی، اصول، قواعد و فواید (۱۳۹۲)؛ ایشان در جهت تفسیر قرآن به ترتیب نزول سوره‌ها، در اوایل دهه ۹۰ دست به این تألیف زد و بعدها بر پایه مبانی مطرح در این کتاب، تفسیر خویش را پدید آورد.

۱۴۱. عبدالکریم بهجت‌پور، همگام با وحی (۱۳۹۰-۱۳۹۷).

۱۳-۱۹۳. تفسیر ساختاری

در روش «تفسیر ساختاری» محتوای سوره با توجه به غرض و پیام اصلی آن شاکله‌بندی شده، به فصول و مقاصد فرعی تقسیم بندی می‌شود. مبانی این سبک تفسیری را می‌توان در این کتاب ذیل مشاهده کرد:

۱۴۲. محمد خامه‌گر، تفسیر ساختاری قرآن کریم (۱۳۹۷)؛

۱۴۳. محسن اراکی تفسیر ساختاری قرآن کریم (۱۳۹۹).

۱۴-۱۹۳. تفسیر موضوعی

یکی از گونه‌های تفسیر موضوعی استخراج نظریه و دیدگاه قرآن درباره مسائل و چالش‌های مطرح در گستره زندگی بشر است. این سبک از تفسیر موضوعی که از سوی شهید آیت‌الله محمدباقر صدر مطرح گردیده، در دهه ۹۰ استقبال و توجه حوزویان را به دنبال داشت.

۱۴۴. سعید بهمنی، منطق پاسخ‌دهی قرآن: ساخت و اجرای مدل تحلیل داده‌ها، فرضیه‌سازی و

نظریه‌پردازی درباره روش‌شناسی قرآن کریم (۱۳۹۴)؛

۱۴۵. محسن اراکی، نظریه‌پردازی قرآن بنیان: رهیافت‌های توسعه روش نظریه‌پردازی قرآن بنیان

سیدمحمدباقر صدر (۱۳۹۷).

در همین زمانه محمدعلی رضایی اصفهانی با هدف روشمند کردن تعامل دانش قرآنی با علوم جدید درباره یک مسئله یا موضوع، «تفسیر موضوعی میان‌رشته‌ای» را پیشنهاد کرد. کتاب ذیل در این زمینه پدید آمده است:

۱۴۶. محمدعلی رضایی اصفهانی، به کوشش عبدالحسین شورجه، کرسی نظریه‌پردازی تفسیر موضوعی

میان‌رشته‌ای قرآن کریم (۱۳۹۷)؛

۱۵-۱۹۳. تفسیر به رأی

«تفسیر به رأی» از شیوه‌های تفسیری نکوهیده در اندیشه اسلامی است که درباره چپستی و گستره آن اختلاف دیدگاه‌هایی وجود دارد. آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی در دهه ۶۰ کتاب در این باره نگاشت:

۱۴۷. آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، تفسیر به رأی (۱۳۶۷).

۱۹۴. مباحث مکاتب و جریان‌های تفسیری

بررسی مکاتب و جریان‌های تفسیری از مطالعات نوپدید در علوم قرآن است و از دهه ۸۰ در میان قرآن‌پژوهان حوزه رواج یافته است. کتاب‌های ذیل در این زمینه نگارش شده است:

۱۴۸. علی‌اکبر بابایی، مکاتب تفسیری، ج ۱: مفسران نخستین، مکتب روایی محض، تفاسیر روایی

محض (۱۳۸۵) و مکاتب تفسیری، ج ۲: مکاتب تفسیری: نقد مکتب و تفسیرهای باطنی محض مکتب تفسیری اجتهادی و اقسام آن، نقد مکتب و تفسیرهای اجتهادی قرآن به قرآن (۱۳۸۷): وی از پیشگامان نگارش در زمینه مکاتب تفسیری به شمار می‌رود.

۱۴۹. فتح‌الله نجارزادگان، رهیافتی به مکاتب تفسیری (۱۳۸۷):

۱۵۰. محمد اسعدی، آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری (۱۳۸۹):

در دهه ۹۰ مجلدات دیگر کتاب‌های مکاتب و جریان‌های تفسیری و پژوهش‌های برآمده از آنها ظهور یافت؛ مانند:

۱۵۱. علی‌اکبر بابایی، بررسی مکاتب و روش‌های تفسیری (۱۳۹۱):

۱۵۲. علی‌اکبر بابایی، مکاتب تفسیری، ج ۳ (مکاتب تفسیری: بررسی و نقد مکتب و تفسیرهای اجتهادی

روایی، بررسی و نقد مکتب و تفسیرهای اجتهادی ادبی و...) (۱۳۹۲):

۱۵۳. کنان چامورجو، مکاتب تفسیری ۱ و ۲ (۱۳۹۳): این کتاب نگارش علی‌اکبر بابایی است که به زبان

ترکی استانبولی ترجمه شده است.

۱۵۴. جمعی از نویسندگان، به کوشش محمد اسعدی، آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، ج ۲ (۱۳۹۳):

۱۵۵. محمد اسعدی، جریان‌شناسی تفسیر معتزلی (۱۳۹۶):

۱۵۶. محمد اسعدی، جریان‌شناسی تفسیر اجتماعی عقلی (۱۳۹۷):

۱۵۷. محمد اسعدی، جریان‌شناسی تفسیر روایی (۱۳۹۷):

۱۵۸. محمد اسعدی، جریان‌شناسی تفسیر قرآن‌گرا (۱۳۹۷):

۱۵۹. علی فتحی، جریان‌شناسی تفسیر سلفی (۱۳۹۷):

۱۶۰. جمعی از نویسندگان در انجمن قرآن‌پژوهی حوزه، جریان‌شناسی تفاسیر در دوران معاصر (اواخر قرن

۱۴ و اوایل قرن ۱۵) (۱۳۹۴):

در این دهه نقد جریان ظاهرگرا و قرآن‌بسنده هم تألیفاتی مستقل را به خویش اختصاص داد؛ مانند:

۱۶۱. محمدحسن محمدی مظفر، ظاهرگرایی در فهم قرآن: درآمدی بر مبانی و روش‌های جریان‌های

ظاهرگرا (۱۳۹۲):

۱۶۲. سید محمدتقی حسینی ورجانی، بررسی و نقد آراء سید مصطفی حسینی طباطبائی (فهم قرآن و

شیوه تفسیری موحدان سلفی از ادعا تا عمل) (۱۳۹۳):

۱۶۳. محمدباقر فرضی، نقد و بررسی ظاهرگرایی در فهم قرآن (۱۳۹۸):

۱۹۵. مباحث تاریخ تفسیر

از دیگر شاخه‌های مطالعات پیرائتفسیری می‌توان از بررسی تاریخی تحولات رخ داده در تفسیر و شناخت منابع و مصادر تفسیری یاد کرد. این‌گونه مطالعات در میان قرآن‌پژوهان حوزه مطمح نظر بسیار واقع شده و به تألیف کتاب‌های قابل توجه و پربرگی انجامیده است؛ از جمله:

۱۶۴. سیدعلی علامه فانی اصفهانی، *عبدالله بن عباس: علمه و تفسیره و منطقه و ورعه و علة اتهامه*

بالاختلاس (۱۳۵۶)؛ نگارنده در این کتاب به معرفی شخصیت تفسیری ابن عباس پرداخته است.

۱۶۵. آیت‌الله محمدهادی معرفت، *التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب* (۱۳۷۶)؛ این کتاب مهم و اثرگذار

با هدف نقد *التفسیر و المفسرون* محمد حسین ذهبی نگاشته شد.

۱۶۶. علی خیاط و علی نصیری، *تفسیر و مفسران* (۱۳۷۹-۱۳۸۰)؛ این کتاب ترجمه فارسی *التفسیر و*

المفسرون فی ثوبه القشيب آیت‌الله محمدهادی معرفت است.

۱۶۷. عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، *طبقات مفسران شیعیه* (۱۳۷۱-۱۳۷۶)؛ این کتاب در مجموعه‌ای پنج

جلدی به چاپ رسیده است.

۱۶۸. سیدمحمدعلی ایازی، *آشنایی با تفاسیر* (۱۳۷۱)؛

۱۶۹. سیدمحمدعلی ایازی، *المفسرون: حیاتهم و منهجهم* (۱۳۷۶)؛ این کتاب با افزوده‌هایی در سال ۱۳۸۶

در سه جلد به چاپ رسید.

۱۷۰. رضا استادی، *آشنایی با تفاسیر قرآن مجید و مفسران* (۱۳۷۷)؛

۱۷۱. سیدمحمدعلی ایازی، *شناختنامه تفاسیر* (۱۳۸۰)؛

۱۷۲. سیدمحمدعلی ایازی، *سیر تطور تفاسیر شیعیه* (۱۳۸۱)؛

۱۷۳. حسین علوی‌مهر، *آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران* (۱۳۸۴)؛

۱۷۴. سیدمحمد شاهدهی رضوی، *التیسیر فی التفسیر و المفسرین* (۱۳۸۵)؛ این کتاب تلخیص *التفسیر و*

المفسرون اثر آیت‌الله معرفت است.

۱۷۵. گروهی از نویسندگان، *نقد آراء الذهبی فی کتاب «التفسیر و المفسرون»* (۱۳۸۶)، تعریب قاسم بیضانی؛

۱۷۶. علی اکبر بابایی، *تاریخ تفسیر قرآن*، جلد اول: *از عصر رسالت تا عصر غیبت صغری* (۱۳۸۷)؛

۱۷۷. محمدجواد صاحبی، *شناختنامه تفاسیر* (۱۳۹۲)؛

۱۷۸. جعفر خزاعی، *المدخل الی تاریخ التفسیر و المفسرین* (۱۳۹۲)؛ این کتاب اثر حسین علوی‌مهر با عنوان

تاریخ تفسیر و مفسران است که به عربی ترجمه شده است.

۱۷۹. سیدبهداد علی زبیدی، *تاریخ تفسیر و مفسرین* (۱۳۹۶)؛ این کتاب ترجمه اردوی نگاشته حسین

علوی‌مهر با *تاریخ تفسیر و مفسران* است.

۱۸۰. محمود ابونزایی، معرفی توصیفی تفاسیر روایی معروف شیعه (۱۳۹۳)؛
 ۱۸۱. سیدعلی میلانی، التفسیر و المفسرون عند الشیعۀ و السنه، ج ۱ (۱۳۹۶)؛
 ۱۸۲. رضا استادی، آشنایی با تفاسیر به ضمیمه مسئله عدم تحریف قرآن و چند بحث قرآنی (۱۳۹۷)؛
 ۱۸۳. علی اکبر بابایی و همکاران، تاریخ تفسیر قرآن، ج ۲: معرفی تفاسیر، مفسران، تطورات تفسیری قرن‌های چهارم، پنجم و نهم هجری (۱۳۹۹).

۲۰. مباحث ترجمه قرآن

ترجمه‌های پرشمار قرآن به زبان فارسی، در کنار تأسیس مراکزی همچون «مرکز ترجمه قرآن به زبان‌های خارجی» در حوزه، خواه ناخواه قلم‌زدن درباره اصول و ضوابط ترجمه قرآن یا معرفی و نقد ترجمه‌های قرآن را ضروری می‌ساخت. دانش‌آموختگان حوزه از اواخر دهه ۷۰ آغاز کرده‌اند و در این زمینه می‌توان به این اثر اشاره کرد:

۱. هادی حجت، عیار نقد بر ترجمان وحی (۱۳۷۹)؛
 ۲. هادی حجت، ترجمان نور: طرحی نو در آموزش ترجمه قرآن کریم (۱۳۸۰)؛
 ۳. محمدعلی کوشا، ترجمه‌های ممتاز قرآن در ترازوی نقد (۱۳۸۲)؛
 ۴. محمدعلی رضایی اصفهانی، منطق ترجمه قرآن (۱۳۸۶)؛
 ۵. سیدمحمدحسن جواهری، درسنامه ترجمه: اصول، مبانی و فرایند ترجمه قرآن (۱۳۸۸)؛
 ۶. محمدعلی کوشا، پژوهشی در ترجمه‌های برتر قرآن کریم (۱۳۸۹)؛
 ۷. مرتضی کریمی‌نیا، ساخت‌های زبان فارسی و مسئله ترجمه قرآن (۱۳۸۹)؛
- این روند در دهه ۹۰ با کتاب‌هایی که در پی می‌آید، استمرار یافت:
۸. سید محمدحسن جواهری، روش‌شناسی ترجمه قرآن کریم (۱۳۹۱)؛
 ۹. سیدمحمدرضا صفوی، نقدآموزی ترجمه‌های قرآن (۱۳۹۱)؛
 ۱۰. سیدمحمدرضا صفوی، راهنمای ترجمه قرآن (۱۳۹۵)؛
 ۱۱. محمدعلی رضایی اصفهانی، آشنایی با اصول و روش‌های ترجمه قرآن (خلاصه کتاب منطق ترجمه) (۱۳۹۱)؛
 ۱۲. محمد تقی، آشنایی با سیر ترجمه‌های قرآن در جهان (۱۳۹۸).

۲۱. مباحث شبهات قرآنی

دفاع از کیان دین و مذهب همواره از رسالت‌های حوزه علمیه بوده است. مروری بر موضوعات و کتاب‌هایی که تا کنون یاد شد، گواهی بر این مطلب است. به مثل دیدیم که برخی از تألیفات حوزویان درباره وحی، برای پاسخ به

شبهات دگراندیشان بود یا یکی از مهم‌ترین سویه‌های کتاب‌های تحریف‌ناپذیری مقابله با اتهامات مخالفان به شیعه بود یا بهری از آثار اعجاز قرآن، رویارویی با شبهاتی همچون عدم انسجام معارف قرآن یا حتی شبهات درخصوص معجزه بودن قرآن را در سر داشت.

همچنین برخی از آثار مرتبط با زبان قرآن یا قصص قرآن، بخشی از رسالت خویش را پاسخگویی به شبهاتی همچون واقع‌نما نبودن بیان‌های قرآن یا اثرپذیری آن از فرهنگ عربی و مانند آن می‌دانستند. در کتاب‌های پیرانفسیری هم دیدیم که شبهات برآمده از تفسیرگرایی تأویلی فلسفی و نگاه‌های روشنفکران معاصر، دانشیان حوزه را به‌جد دلمشغول ساخت و آن‌سان که پس از این خواهیم دید، مطالعات قرآنی خاورشناسان هم در حوزه علمیه مد نظر قرار گرفت و رویکرد متفاوت و برون‌دینی ایشان به قرآن را به‌بوته ارزیابی نهاد.

افزون بر اینها، در دوران معاصر کتاب‌هایی در نقد قرآن نگاشته شد و در فضای مجازی به گسترده‌گی انتشار یافت؛ مانند: *بازشناسی قرآن*، از مسعود انصاری و *نقد قرآن سه‌ها*، از منوچهر صادقی یا در آثاری همچون *آیات شیطانی* از سلمان رشدی، مطالبی موهون نسبت به قرآن و پیامبر القا گردید. شبهات فراوانی هم درباره قرآن در آثار و کتاب‌های دگراندیشان و فضای مجازی پراکنده گردید. همه اینها روحانیان را بر آن داشت که در کتاب‌ها، شبهات پیش‌گفته را پاسخ گویند. در این زمینه بخشی از نگاه‌های علوم قرآن ایشان به صورت عام و کلی به شبهات گوناگون می‌پردازد و بر موضوع و شبهه معینی تکیه ندارد و برخی دیگر بر محور شبهه‌ای خاص پدید آمده است.

۲۱-۱. پاسخ به شبهات عام

۱. *آیت‌الله محمد صادقی تهرانی، آیات رحمانی* (۱۳۶۸)؛ این کتاب *نقد آیات شیطانی سلمان رشدی* است.
 ۲. عباسعلی براتی، زیر نظر *آیت‌الله جعفر سبحانی، نقد بازشناسی قرآن* (۱۳۶۹)؛ این کتاب *بازشناسی قرآن*، از مسعود انصاری با نام مستعار «دکتر روشنگر» را نقد کرده است.
 ۳. سیدمحمدرضا حسینی جلالی، *دفاع عن القرآن الکریم الجامع للمسلمین علی کلمة التوحید* (۱۳۷۹)؛
 ۴. سیدریاض حکیم، *شبهات حول القرآن* (۱۳۷۹)؛
 ۵. *آیت‌الله محمدهادی معرفت، نقد شبهات پیرامون قرآن کریم* (۱۳۸۵)؛ این کتاب ترجمه فارسی شبهات و ردود از موسوعه علوم قرآن *التمهید* است که به همت گروهی از مترجمان برگردان شده است.
 ۶. *دفاعا عن القرآن الکریم* (۱۳۸۴)؛ محمدجواد فاضل لنکرانی.
- در دهه ۹۰، کتاب *نقد قرآن سه‌ها* مد نظر و ارزیابی اندیشوران حوزه و مراجع تقلید قرار گرفت و این آثار درباره آن نوشته شده است:
۷. *آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، توطئه جدید: پاسخ به شبهات قرآنی* (۱۳۹۵)؛

۸. آیت‌الله جعفر سبحانی، قرآن آفتابی که غروب ندارد (نقد گفته‌های دکتر سها در فضای مجازی) (۱۳۹۹)؛

۹. حسین رضایی، عرصهٔ سیمرغ: پاسخی قاطع به شبّهات کتاب نقد قرآن سها (۱۳۹۸)؛

افزون بر موارد بالا با نظارت محمدعلی رضایی اصفهانی یک مجموعه دوازده جلدی برای جوانان نگاشته شد:

۱۰. جمعی از پژوهشگران، با نظارت محمدعلی رضایی اصفهانی، پرسش‌های قرآنی جوانان (۱۳۹۲)؛ جلد

دهم، یازدهم و دوازدهم این کتاب به شبّهات جدید، شبّهات معاصر و شبّهات روزآمد پرداخته است.

۱۱. محمدعلی کوشا، پاسخ به ۱۸۰ شبّه اینترنتی (۱۳۹۰)؛

۱۲. محمد عرب صالحی، مقالات جریان شناسی و نقد اعتزال نو با عنوان چالش با ابوزید (۱۳۹۳)؛ جلد

چهارم این کتاب اشکالات و شبّهات برخاسته از اندیشه‌های نصر حامد ابوزید را در بوتهٔ نقد نهاده است.

۲۱-۲. پاسخ به شبّهات خاص

با ورود پژوهش‌های خاورشناسان به جهان اسلام، مطرح‌شدن شیوه‌های نقادی متن غربی در فضای اندیشگانی اسلامی و اثرپذیری برخی روشنفکران مسلمان از آنها، شبّهاتی مطرح گردید؛ همچون: اثرپذیری قرآن از فرهنگ عرب عصر نزول، اقتباس قرآن از کتاب‌های پیش از خود، و وجود تعارض در قرآن. بررسی آثار عالمان حوزه نشان می‌دهد که ایشان در پاسخ به شبّهات پیش‌گفته، کنشگر بوده‌اند.

۲۱-۲.۱. شبّهٔ اثرپذیری قرآن از فرهنگ زمانه

۲۱-۲.۱-۱. دههٔ ۸۰

۱۳. سیدمحمدعلی ایازی، قرآن و فرهنگ زمانه (۱۳۸۰)؛

۱۴. حسن رضا رضایی، بررسی شبّهات قرآن و فرهنگ زمانه (۱۳۸۳)؛

۲۱-۲.۱-۲. دههٔ ۹۰

۱۵. حسن حکیم‌باشی بخشی، قرآن و فرهنگ زمانه (۱۳۹۰)؛ این کتاب ترجمه بخشی از کتاب التمهید آیت‌الله معرفت درباره شبّهات و ردود است.

۱۶. حسین فقیه، قرآن و فرهنگ عصر نزول (۱۳۹۱)؛

۱۷. سعید مسعودی، قرآن و فرهنگ زمانه (۱۳۹۲)؛

۱۸. حیدرعلی رستمی، پژوهشی در نسبت میان قرآن و فرهنگ زمانه (۱۳۹۲).

۲۱-۲.۲. شبّهٔ اقتباس قرآن از دیگر مصادر

۱۹. فرج‌الله میرعرب، بررسی ادعای اقتباس قرآن از عهدین (۱۳۹۹).

۲-۲۱. شبهه وجود ناسازگاری

۲۰. پژوهشکده باقرالعلوم، *ناسازگاری در قرآن: توهم یا واقعیت* (۱۳۹۱)؛

۲۱. حسین طوسی، *سلامت قرآن از تناقض* (۱۳۹۲).

۲۲. مباحث خاورشناسی و خاورشناسان

خاورشناسان بدون داشتن رهیافت دینی و به دور از پیش‌فرض‌های عالمان اسلامی، به مطالعه اسلام و قرآن می‌پردازند و طبیعتاً نحوه پردازش موضوعات قرآنی و نتیجه‌گیری‌های آنها با پژوهش‌های باورمندان به اسلام متفاوت است. بررسی آثار دانش‌آموختگان حوزه نشان می‌دهد که ایشان در ترجمه، توصیف دقیق و معرفی آثار و اندیشه‌های خاورشناسان سهیم بوده‌اند و از این طریق در جلوگیری از برداشت‌های نادرست و توجه‌دادن به لوازم گاه چالش برانگیز آثار مستشرقان، نقش آفرینی کرده‌اند.

البته ایشان به این بسنده نکرده‌اند و با ارزیابی و نقد دیدگاه‌های خاورشناسان اثرگذار، رسالت خویش را در جهت دفاع از دین و پشتیبانی از رویکرد باورمندان به دین ایفا کرده‌اند. در یک نگاه کلی، این‌گونه آثار را می‌توان به آثار «تألیفی» و «ترجمه» تقسیم کرد:

۲۲-۱. تألیفات

سرآغاز نگارش این کتاب‌ها به دهه ۸۰ بازمی‌گردد.

۱. مرتضی کریمی‌نیا، *کتابشناسی مطالعات قرآنی به زبان‌های اروپایی* (۱۳۸۰)؛

۲. مرتضی کریمی‌نیا، *مطالعات قرآنی در غرب* (۱۳۸۰)؛

۳. محمدحسن زمانی، *مستشرقان و قرآن: نقد و بررسی آراء مستشرقان درباره قرآن* (۱۳۸۵)؛

۴. محمدجواد اسکندرلو، *مستشرقان و تاریخ‌گذاری قرآن: پژوهشی در تاریخ‌گذاری قرآن از منظر خاورشناسان* (۱۳۸۷).

در دهه ۹۰ شمار این‌گونه تألیفات رو به فزونی نهاد؛ مانند:

۵. احمد سعدی، *القراءة الأروکونیة للقرآن: دراسة نقدیه* (۱۳۹۱)؛

۶. سیدعلی حسن مطر هاشمی، *قراءة نقدیه فی تاریخ القرآن للمستشرق ثیودور نولدکه* (۱۳۹۳)؛

۷. حسین علوی‌مهر و حسن رضایی هفتادار، *ارزیابی دیدگاه‌های خاورشناسان در تاریخ تفسیر و*

مفسران (۱۳۹۴)؛

۸. سیدمجید پورطباطبائی، *مطالعات محوری قرآن پژوهی خاورشناسان* (۱۳۹۵)؛

۹. حسن علی شحادی، *حقیقة الوحی القرآنی: دراسة نقدیه فی نظریات المستشرقین* (۱۳۹۶)؛

۱۰. جمعی از نویسندگان، *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی قرآن و مستشرقان* (۱۳۹۷)؛

۱۱. سیدمحمد پورطباطبائی، *خطاهای قرآن پژوهی جان ونزبرو* (۱۳۹۸):
۱۲. علی راد، *تفسیر امامیه در پژوهش‌های خاورشناسان؛ تحلیل و نقد* (۱۳۹۸):
۱۳. ریاض عبدالحلیم الباهلی، *القرآن والمستشرقون* (۱۳۹۹):
۱۴. سیدحامد عزیزاده موسوی، *رابطه قرآن و کتاب مقدس: بررسی دیدگاه آنجلیکا نیورث* (۱۳۹۹).

۲۲-۲. ترجمه‌ها

دانش‌آموختگان حوزه علمی قم از رهگذر ترجمه، در معرفی دیدگاه‌های مستشرقان به جامعه علمی ایران نقش‌آفرین بوده‌اند. ترجمه‌های ذیل در شمار این آثار است:

۱۵. محمدحسن محمدی مظفر، *ادبیات قرآن* (۱۳۸۷): این کتاب نگارش مستنصر میر است.
۱۶. مرتضی کریمی‌نیا، *زبان قرآن، تفسیر قرآن* (۱۳۹۱)، ترجمه مقالاتی از جان ونزبرو، اندرو ریپین، هربرت برگ، هارالد موتسکی، اری ربین، فرانسوا دیلوا و جیمز بلمی؛
۱۷. مرتضی کریمی‌نیا و آلاء وحیدنیا، *عصر اموی: مقدمه‌ای در باب کهن‌ترین مصاحف* (۱۳۹۴). این کتاب از فرانسوا دروش است.

۱۸. جمعی از پژوهشگران، به کوشش و ویرایش سیدمحمدعلی طباطبائی، *قرآن‌شناسی امامیه در پژوهش‌های غربی* (۱۳۹۵)؛ این کتاب مشتمل بر ترجمه ده مقاله برگزیده از سرشناس‌ترین قرآن‌پژوهان و شیعه‌شناسان در زمینه نوع نگاه شیعه امامیه به قرآن است که بین سال‌های ۱۹۱۳ تا ۲۰۰۷ به یکی از زبان‌های انگلیسی، آلمانی، فرانسوی یا عبری منتشر شده است.

۲۳. مباحث تاریخ و فلسفه علوم قرآنی

نگاه تاریخی به سیر تحول و تطور علوم قرآن و همچنین نگرستن به چیستی و چگونگی این دانش و مقولاتی همچون تعریف، موضوع، هدف، مسائل، شاخه‌ها و روش تحقیق آن با عناوینی همچون «تاریخ علم» و «فلسفه علم» شناخته می‌شود و از رهیافت‌های پژوهشی نو به شمار می‌رود. دانش‌آموختگان حوزه علمی قم در پدید آوردن آثاری با این نگاه در فضای علمی ایران پیشگام بوده و بیشترین آثار را پدید آورده‌اند.

۱. محمدعلی مهدوی‌راد، *سیر نگارش‌های علوم قرآنی* (۱۳۷۹):
۲. محمدتقی دیاری بیدگلی، *درآمدی بر تاریخ علوم قرآنی* (۱۳۸۵):
۳. علی‌اوسط باقری، *فلسفه و تاریخچه دانش علوم قرآنی همراه با برخی مباحث علوم قرآنی* (۱۳۹۹):
۴. محمدعلی رضایی اصفهانی و سیدعیسی مسترحمی، *منبع‌شناخت شخصیت‌ها و فعالیت‌های معاصر میان‌رشته‌ای قرآن و علوم* (۱۳۹۶):

۵. محمدعلی رضایی اصفهانی، *دیدگاه متفکران معاصر قرآنی: جریان‌ها و نظریه‌ها* (۱۳۹۶):

۶. جمعی از نویسندگان، زیر نظر محمدعلی رضایی اصفهانی، مجموعه مقالات قرآن و علوم انسانی: جریان‌شناسی و شخصیت‌ها (۱۳۹۶)؛

۷. گروهی از نویسندگان، به اهتمام محمد فاکر میبیدی، جستارهایی پیرامون جریان‌شناسی علوم قرآن در دوره معاصر (۱۳۹۹)؛

۸. محمدحسن احمدی، روش‌شناسی تاریخی در علوم قرآن و حدیث (۱۳۹۳).

نتیجه‌گیری

مطالعات علوم قرآنی و بالطبع نگاه‌های دانش‌آموختگان حوزه علمی قم در این زمینه از دهه ۳۰ به بعد و دهه به دهه رشد کمی و کیفی یافته است. پیش از دهه ۶۰ شمسی تنها ۱۴ عنوان کتاب در موضوعاتی همچون وحی، اعجاز و تاریخ قرآن نشر یافت بود. بیشتر این آثار در فرجامین سال‌های دهه ۵۰ و مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی نشر یافته‌اند.

با پیروزی انقلاب اسلامی، اقبال عمومی به موضوعات دینی و قرآنی، در کانون توجه قرار گرفتن حوزه علمی و احیای رشته «علوم قرآن و حدیث» در مراکز علمی ایران، شمار این عناوین دو برابر شد و موضوعات تنوع بیشتری یافت و به موضوعات نوینی همچون روش تفسیر، تاریخ تفسیر و روش‌ها و گرایش‌های تفسیر توجه شد. انتشار کتاب‌هایی همچون آیات شیطنی سلمان رشدی و بازشناسی قرآن مسعود انصاری هم واکنش‌های مکتوب حوزیان را در این دوران برانگیخت.

در دهه ۷۰ کمیت کتاب‌های علوم قرآن حوزویان چهار برابر شد. علت این افزایش را می‌توان انباشت تجربه‌های علمی و داده‌های نگاه‌شده دهه پیشین، گسترش رشته علوم قرآن و حدیث، فعالیت جدی قرآن‌پژوهان شاخص و برجسته‌ای همچون آیت‌الله معرفت، آیت‌الله مصباح یزدی و علامه سیدمرتضی عسکری و تأسیس پژوهشگاه‌های تخصصی در حوزه علمی دانست.

ظهور موسوعه علوم قرآن مهم و اثرگذار التمهید از آیت‌الله معرفت و کتاب محققانه‌ای همچون القرآن و روایات المدرستین علامه عسکری از آثار قابل توجه در این دوران است. در کنار این رهیافت پژوهشی، تألیف درسنامه‌های علوم قرآن شتاب گرفت که این از اقتضات توسعه رشته علوم قرآن است.

در این دهه تقابل تفکر شیعی با هجمله‌های سلفیان را در افزایش نگارش کتاب‌های تحریف‌ناپذیری و محوریت نقد کتاب‌هایی همچون أصول مذهب الشیعه الإمامیه الاثنی عشریه، از ناصر بن عبد الله بن علی القفاری می‌توان مشاهده کرد؛ همچنان که یکی از اساسی‌ترین موضوعات کتاب القرآن و روایات المدرستین از علامه عسکری نیز روایات شیعه و روشن ساختن تفکر راستین و اصیل مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در برابر مکتب خلفاست.

شمار کتاب‌ها درباره تاریخ قرآن در این دوران افزایش یافت. با توجه به سنخ کتاب‌هایی همچون حقائق هامه حول القرآن از علامه جعفر مرتضی عاملی یا تاریخ قرآن آیت‌الله معرفت، چنین به نظر می‌رسد که در ذهن

عالمان حوزه این بوده که مباحث تاریخ قرآن را از چنبرهٔ فکر استشراقی و سنی برهاند و با رهیافت و دیدگاه شیعی تاریخ قرآن را بنگارند.

از نقاط عطف دیگر این زمانه رشد کمی و کیفی نگاه‌های پیرائفسیری همچون روش تفسیر یا روش‌ها و گرایش‌های تفسیری (روایی، علمی، فقهی و عصری) است. برای نمونه، می‌توان از کتاب درسی و جامع روش تفسیر، از بابایی، عزیزی‌کیا و روحانی‌راد و با نظارت محمود رجبی یاد کرد که کتابی با رویکردی کاملاً شیعی و برآمده از تجربیات تفسیر مفسران بزرگ امامیه است و در دهه‌های بعد به منبعی مبنایی و درسی در رشته علوم قرآن و حدیث و گرایش‌های آن تبدیل گشت.

نگارش‌های تاریخ تفسیر هم رویکردی کاملاً شیعی دارد. برای نمونه، کتاب اثرگذار *التفسیر و المفسرون*، از آیت‌الله معرفت در نقد *التفسیر و المفسرون* ذهنی و دفاع از شیعه نگاشته شد؛ یا *طبقات مفسران شیعه*، از عقیقی بخشایشی، مفسران شیعی را در طول تاریخ، محور توجه قرار داد. نگارش کتاب *هرمنوتیک، کتاب و سنت*، از محمد مجتهد شبستری در اواسط این دهه، مباحثات و نقدهایی را در قالب مقالات برانگیخت و در دههٔ بعد در شاکلهٔ کتاب‌هایی خودنمایی کرد. گفتارهای عبدالکریم سروش دربارهٔ وحی و کتاب *بسط تجربه نبوی* او در نیمهٔ دوم دههٔ ۷۰، به تألیف کتاب‌هایی مستقل در این باره در دههٔ ۸۰ انجامید. نگاه درجه دو و تاریخی به علوم قرآن در کتاب *سیر نگارش‌های علوم قرآنی*، از مهدوی‌راد هم از موضوعات بدیع و نو در این دوران است.

دههٔ ۸۰ رشد بیش از دوبرابری تعداد نگاه‌های قرآنی را به همراه داشت. در این دهه رویکرد پژوهشی به علوم قرآن با نگارش کتاب‌هایی همچون *قرآن‌شناسی آیت‌الله مصباح یزدی* استمرار یافت و نگارش درسنامه‌های علوم قرآن به قوت خویش باقی ماند. به نظر می‌رسد تفکر قرآنی شیعه در این دوران به رشد و بلوغ نسبی رسید، به گونه‌ای که حوزویان به سراغ روش‌شناسی قرآن‌پژوهان و مفسرانی همچون *علامه طباطبائی*، *امام خمینی*، *آیت‌الله معرفت* و مانند ایشان رفتند و کتاب‌ها و مجموعه مقالاتی را در این باره نگاشتند.

کار بدیع اجیا و تحقیق میراث کهن علوم قرآن شیعه در *تراث الشیعه القرآنی و میراث قرآنی شیعه* را هم باید در جهت نشان دادن اصالت و ریشه‌داری این مباحث در میان شیعه ارزیابی کرد. همچنین مسئلهٔ تناسب آیات در سوره‌ها و گردآمدن آنها بر گرد غرض سوره، به‌مثابه موضوعی مهم و اثرگذار در تفسیر، تألیفاتی را به خویش دید. در تاریخ قرآن هم محوریت بر بحث مصاحف منسوب به شیعه همچون *مصحف علوی* و *مصحف فاطمی* قرار گرفت و این دنبالهٔ تقابل‌های شیعه با افتراءات و مدعیات سلفیان بر تفاوت قرآن امامیه با قرآن رسمی است.

توجه به جنبه‌های گوناگون اعجاز علمی کتاب‌های متعددی را در این دوران به خود دید. در زمینه فهم مفردات قرآن در دههٔ ۷۰ در کتابی به صورت کلی دربارهٔ روش و منابع شناخت آن سخن به میان آمد. قاعدهٔ «چندمعنایی در قرآن» موضوع بحث قرار گرفت. گرانبار شدن میراث پیرائفسیری همچون دههٔ ۷۰ و با شدتی بیشتر ادامه پیدا کرد. پرداختن به مقولهٔ «تأویل» با هدف موجه‌سازی یکی از وجوه مهم میراث تفسیری و روایی امامیه، بخشی از این روند است. کتاب‌های عام روش تفسیر هم شمار قابل توجهی را به خود اختصاص داد.

نگارش کتاب‌های مستقل مبانی و همچنین قواعد تفسیری، هم با دیدگاه شیعی و هم تطبیقی میان شیعه و اهل سنت، نخستین بار در این دهه شروع شد که نشان از تخصصی‌شدن و تدقیق مباحث تفسیری در حوزه علمیه و فراتر رفتن از مباحث جزئی و مصداقی به سمت تنقیح مبانی و قواعد تفسیر امامیه است. البته نیاز مراکز آموزشی و تخصصی به منابع درسی نیز در پیدایش این آثار بی‌اثر نبود. به منابع و ابزارهای تفسیری هم نخستین بار در این دهه عنایتی تام شد و در این میان «حدیث» و «سنت» و کارایی آن در تفسیر بحثی پربسامد است و گویا تعیین‌یافتن تفسیر امامیه و ظهور اندیشه‌های قرآن‌بسنده و مخالف با کارامدی حدیث، دانش‌آموختگان حوزه را به سمت بررسی جوانب گوناگون به‌کارگیری حدیث در تفسیر کشانید. شمار فراوان آثار درباره روش تفسیر روایی، نسبت به دهه هفتاد، نشان از حرکت به سوی روایت معصومان علیهم‌السلام، به‌مثابه عنصری هویت‌ساز برای اندیشه شیعی دارد.

روش‌ها و گرایش‌های تفسیری به صورت عام و گونه‌های خاصی همچون تفسیر علمی و فقهی هم افزایش کمی داشت. اما نخستین پردازش قاعده‌گون به تفسیر تطبیقی و بین‌المذاهبی را در این دوران می‌یابیم که هم از نگاهی تقریبی حکایت دارد و هم از این پیش‌فرض عالمان امامی حوزه علمیه که تفسیر شیعه چنان تناور و دارای میناست که می‌تواند در برابر میراث تفسیری کهن اهل سنت قد علم کند و حتی بر آن رجحان یابد.

سرآغاز تألیف درباره مکاتب و جریان‌های تفسیری در دهه هشتاد رقم خورد و این حاصل پژوهش‌ها و موسوعه‌های مفصل تاریخ تفسیر در دهه ۷۰ و نگارش کتاب‌های روش‌ها و گرایش‌های تفسیر و کلان طرح‌های پژوهشی در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه بود. در نتیجه کتاب‌هایی همچون **مکاتب تفسیری علی‌اکبر بابایی** و **اسب‌شناسی جریان‌های تفسیری** به اهتمام محمد اسعدی پدید آمد. تاریخ تفسیر نیز از زاویه نگاه شیعی با نگارش کتاب‌هایی درباره تاریخ تفسیر شیعه، تلخیص کتاب‌هایی همچون **التفسیر و المفسرون آیت‌الله معرفت** و مانند آن، با حدت بیشتری ادامه یافت.

نکته مهم آنکه رصد شبهات دگراندیشان، خاورشناسان و پرسش‌های برخاسته از مبانی فلسفه غرب در آفرینش آثار حوزیان بسیار اثرگذار بود. در کنار چالش‌های «هرمنوتیک» و شبهات فراوی «وحی»، باید از مقولاتی مانند «انتظار بشر از دین» و «زبان دین» و «مطالعات استشرافی» هم یاد کرد. چنین است که آثار فراوانی به صورت مستقیم درباره نظریه **عبدالکریم سروش** درباره وحی پا به میدان نهاد و کتاب‌هایی درباره تفسیرگرایی تأویلی و خوانش‌های مختلف از دین پدید آمد. کتاب‌هایی در باب جامعیت قرآن و قلمرو دین در پاسخ به پرسش انتظار بشر از دین پدید آمد و برای نخستین بار، آثاری با عنوان «زبان قرآن» و زیرشاخه‌های آن، همچون «قرآن و فرهنگ زمانه» پا به عرصه وجود نهاد و شاخه‌ای به شاخه‌های علوم قرآن افزود.

در دهه‌های پیشین سخنی از مطالعات قرآنی خاورشناسان نبود. اینجا بود که درباره قرآن و مستشرقان آثاری نوشته شد و موضوعی دیگر به میراث علوم قرآن حوزه علمیه ملحق گردید. پدیداری ترجمه‌های بسیار قرآن در این سال‌ها، تأسیس «مرکز ترجمه قرآن به زبان‌های خارجی» و نشر مجله **ترجمان وحی** به بحث ترجمه قرآن دامن

زد و به تألیف کتاب‌های فراوانی دربارهٔ اصول ترجمه و نقد ترجمه‌های قرآن انجامید و میراث قابل‌معتناهایی را بر جای نهاد.

دههٔ ۹۰ بیشترین شمار کتاب‌های علوم قرآن را نسبت به دهه‌های دیگر داشت. در کتاب‌های عام علوم قرآن که بسیار هم پربسامد است، درسنامه‌ها حضوری پررنگ دارد که نشان از گسترش مراکز آموزشی و توسعهٔ رشتهٔ علوم قرآن و حدیث دارد. دغدغه‌های شبهه‌اندیشانه‌ای که در دههٔ ۸۰ به آنها اشاره شد، در این زمانه نیز وجود دارد. چنین است که کتاب‌هایی درخصوص چیستی وحی، زبان قرآن و فروع آن، همچون واقع‌نمایی قصص قرآنی یا رابطهٔ قرآن و فرهنگ زمانه، جامعیت قرآن، خاورشناسان و قرآن (تألیف و ترجمه) و تحریف در دفاع از ساحت قرآن و پاسخ به شبهات نگاشته شد. همچنین به مناسبت انتشار گستردهٔ کتاب *نقد قرآن*، از سها در فضای مجازی، مراجع تقلید شیعه کتاب‌هایی در نقد آن نگاشتند.

قابل ذکر است که در مطالعات مربوط به مستشرقان، میل به ترجمه و گزارش آثار ایشان در زمینهٔ زبان و تفسیر قرآن، مصاحف و قرآن‌شناسی امامیه افزون‌تر شده است. در تألیفات نیز نقد و بررسی آراء ایشان درخصوص قرآن‌پژوهی امامیه وارد گود شد. به دیگر سخن، افزون بر ارزیابی دیدگاه‌های خاورشناسان و چالش‌های اینان با اندیشهٔ اسلامی به صورت عام، به گونه‌ای خاص به گزارش و نقد انگاره‌های ایشان دربارهٔ اندیشهٔ امامیه هم پرداخته شد که تخصصی‌شدن مباحث استشراقی و تلاش برای استوارساختن نظریه‌های قرآنی شیعه را نشان می‌دهد.

مباحث در پیوند با تفسیرگرایی تأویلی نیز مانند دورهٔ قبل به‌جد پیگیری شد، با این تفاوت که از مرحلهٔ پاسخ به شبهات گذر کرد و به مرحلهٔ نظریه‌پردازی و پاسخ مستقل و برخاسته از مبانی اصیل اسلامی و شیعی وارد شد و در کنار روش تفسیرهای معهود و مدرسی مانند دههٔ ۸۰، نگاه‌شده‌هایی همچون نظریهٔ تفسیر متن، تفسیرگرایی تأویلی و تأثیر آن بر فهم متون یا معیارپذیری تفسیر قرآن رهیافت‌ها و چالش‌ها ظهور کرد. باید بر این عناوین، کتاب‌های دفع شبههٔ اقتباس قرآن از مصادر دیگر و شبههٔ ناسازگاری را هم افزود که برآمده از مطالعات خاورشناسان و برخی روشنفکران اسلامی است.

بسامد فراوان کتاب‌های اعجاز قرآن را در همین زمینه باید تلقی کرد که به بازخوانی و بازسازی مباحث کهن اعجاز قرآن و ارائهٔ وجوهی نو، همچون نظم متقارن معکوس و اعجاز شناختی انجامیده و حتی دربارهٔ وجوهی همچون هماهنگی و تعارض، تألیفاتی نو و بی‌سابقه به خود دیده است که در کنار کتاب‌هایی با موضوع پاسخ به شبههٔ «ناسازگاری در قرآن»، نشان از توجه به مقولهٔ انسجام قرآن دارد.

جالب آنکه در زمینهٔ تناسب قرآن هم کتاب‌هایی دربارهٔ غرض سوره‌ها، به‌مثابه محور انسجام آیات، نگاشته شده و همه نشان از برجسته بودن ماجرای درهم تنیدگی قرآن در چشم محققان حوزه دارد. در زمینهٔ تاریخ قرآن همچون دههٔ گذشته، تمرکز بر موضوع مصحف‌های قرآن و در جهت رصد شبهات اهل سنت بر شیعه است. روند تاریخ تفسیرنگاری همچون دورهٔ پیش و بی‌فراز و فرود استمرار داشت.

در دهه ۹۰ نگاه‌هایی درباره ترجمه‌های قرآن با شماری تقریباً مساوی با دهه ۸۰ نشر یافت، با این تفاوت که بیشتر بر قواعد و روش‌های کلی ترجمه تأکید دارد و از بحث‌های مصداقی صرف فاصله گرفته است. شمار کتاب‌های فلسفه و تاریخ قرآن هم فزونی یافت و کتابی مستقل با عنوان *فلسفه و تاریخچه علوم قرآن* از سوی *علی‌اوسط باقری* نوشته شد. این در حالی است که نوشته‌های دهه‌های پیشین به قرآن‌پژوهان پیشامعاصر می‌پردازد. در این مقطع بر شناخت قرآن‌پژوهان معاصر و اندیشه‌های آنها تأکید شد و نگاه‌های مستقل درباره *روش‌شناسی تاریخی در علوم قرآن و حدیث* توسط محمدحسن احمدی نوشته شد.

در گونه مکاتب و جریان‌های تفسیری، جهش دهه ۸۰ ادامه یافت؛ بدین معنا که مجلدات پسین کتاب‌های *مکاتب تفسیری علی‌اکبر بابایی* و *آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری* توسط پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به بازار نشر عرضه شد و از دل کلان‌طرح آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، چندین کتاب با محوریت معرفی و نقد جریان‌های تفسیری قرآن‌گرا، روایی، علمی و مانند آن به صورت مستقل پدید آمد. در کنار اینها کتاب‌هایی هم در نقد جریان ظاهرگرا، قرآن‌گرا و بررسی جریان‌های تفسیری معاصر پدید آمد. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری عام هم با روندی همچون روند دهه پیش و با رنگ و بوی درسنامه‌ای به نگارش درآمد.

اما گذشته از اینها که کمابیش در جهت فعالیت‌های دهه ۸۰ و با دغدغه‌ها و مسائلی مشابه بود، باید از چندین نقطه عطف یاد کرد:

نخستین آنها افزایش درخور توجه مطالعات زبان‌شناختی درخصوص قرآن است. در زمینه مفردات قرآن کتاب‌هایی نگاه‌شده شد که به صورت جامع، روش و قواعد عمومی شناخت مفردات قرآنی را می‌کاود و نیز آثاری که قواعد اثرگذار در فهم واژگان قرآن (مانند روح و گوهر معنا) را از نظر می‌گذرانند. جست‌وجو از سبک و شیوه واژه‌پژوهی در روایات معصومان علیهم‌السلام از موضوعات پژوهشی جالب در این دوران است.

پی‌جویی واژه‌پژوهی قرآن از سوی برخی پژوهشگران و طرح‌های پژوهشی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی به پدیداری دو فرهنگنامه گسترده درباره وجوه و نظائر و واژگان مشابه قرآنی انجامید. رواج یافتن علم زبان‌شناسی جدید و دانش‌هایی همچون معناشناسی، نشانه‌شناسی و کاربردشناسی و مطالعات گسترده برخی از دانشوران حوزه در این زمینه، در دهه ۹۰ به پیدایش کتاب‌های زبان‌شناسی با رویکرد قرآنی منجر شد که در دهه قبل، پیشینه‌ای جدی نیافته بود. البته این به معنای غفلت ایشان از علوم زبان‌شناختی سنتی اسلامی نیست و درباره نقش‌آفرینی علوم ادبی و اصول فقه در تفسیر هم کارهای درخوری در این دهه انجام گرفت.

نکته مهم دیگر تمرکز گسترده بر مباحث مرتبط با روایت در این زمانه است. برای نمونه، سرآغاز نگارش کتاب‌های علوم قرآن بر پایه روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام دهه ۹۰ است. در منابع تفسیری پژوهش‌های مستقلی برای گونه‌شناسی روایات تفسیری، روش فهم روایات تفسیری یا نقش‌آفرینی روایات در تنقیح قواعد تفسیری نگاه‌شده شد

و افزون بر اینها، درباره استوارسازی و ضابطه‌مند کردن روند تفسیر روایی و انسجام‌بخشی به تفسیر روایی آثار مهمی نگاشته شد.

می‌توان گفت: دانشوران حوزه در این دوران، در مسیر تعیین مرزهای دقیق اندیشه قرآنی شیعه، به اصلی مهم و کهن (یعنی سنت و حدیث) رجوع کردند و با نظر به شبهات و آسیب‌های متوجه میراث روایی امامیه، نقش معصومان علیهم‌السلام به‌منزله معلمان تفسیر و جایگاه و مرتبه هر یک از روایات تفسیری، کوشیدند که دور از بسته ذهنی، ایستایی و اخبارگرایی افراطی، کارایی و کارآمدی امروزین این تراث جاویدان را نشان دهند.

در کنار حرکت به سوی ریشه‌ها و اصالت‌ها، دانش‌آموختگان حوزه درهای اندیشه را به دانش‌ها و روش‌های علمی نوینی همچون علم زبان‌شناسی گشودند تا از این رهگذر مطالعات زبان‌شناختی سنتی را به روش‌های پیشرفته مجهز سازند و فهم دقیق‌تر قرآن را رقم زنند. تلاش برای نظریه‌پردازی در باب پیوند میان علوم انسانی و علوم تجربی با تفسیر قرآن را هم باید در همین مسیر دانست که آثار فراوانی را در این دهه رقم زد.

در روش‌ها و گرایش‌های تفسیری خاص، در تفسیر روایی، فعالیت‌های اثرگذاری صورت پذیرفته است. در کنار این، دو کتاب درخصوص «تفسیر قرآن به قرآن» نگاشته شده و جوانب گوناگون آن سنجیده شده است. بهره‌گیری مفسران شاخص حوزه، همچون علامه طباطبائی، لزوم تفکیک این روش از روش «قرآن‌سندگی»، و تعیین جایگاه روایت در روند تفسیر قرآن به قرآن از انگیزه‌های نگارش این کتاب‌هاست.

نگارش در زمینه تفسیر و تأویل عرفانی و باطنی هم در میان حوزویان در دهه ۹۰ آغاز شد. پیدایش کتاب‌هایی درباره «تفسیر ساختاری» و «تفسیر تنزیلی» نخستین بار در این دهه انجام گرفت. «تفسیر ساختاری» حاصل نگاه غرض‌محور به سوره‌هاست.

در دهه ۸۰ محمد خامه‌گر با ساختار هندسی سوره‌های قرآن، گام‌های نخستین را در این راه برداشت. اما در دهه ۹۰ نگاه انسجام‌گرایانه به قرآن رواج یافت. با توجه به پیشینه مذکور و رواج نگاه پیوستاری به قرآن، ظهور تفاسیر ساختاری چندان شگفت نیست. تفسیر به ترتیب نزول یا تفسیر تنزیلی برخاسته از دغدغه‌ای فرهنگی است که با هدف کشف روش قرآن در مهندسی فرهنگی جامعه عصر نزول، به‌مثابه جامعه و الگوی تحول و مهندسی فرهنگی پدید آمده است.

از دیگر تألیفات پرسامد در این زمانه نوشته‌هایی درباره «تفسیر موضوعی» است. برخی کتاب‌ها همچون *روش تحقیق موضوعی در قرآن* با هدف آشنایی افراد با قرآن و تدبّر در آن نوشته شده است. اما برخی دیگر همچون *منطق پاسخ‌دهی قرآن* یا *نظریه‌پردازی قرآن‌بنیان* می‌کوشد تا نشان دهد چگونه می‌توان موضوعات و مسائل روز را به قرآن عرضه کرد و در روندی ضابطه‌مند پاسخ قرآن را بدان یافت. گویا درگیر بودن دین‌پژوهان حوزه با مسائل گوناگون فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آنها را به سمت روش‌داشت اصول نظریه‌پردازی قرآنی کشانده است.

۳	۱	۱	۱	—	—	—	—	—	ظاهر و باطن
۷	۴	۲	۱	—	—	—	—	—	جامعیت و جاودانگی
۶	۳	۲	۱	—	—	—	—	—	تناسب آیات
۱۱	۹	۲	—	—	—	—	—	—	زبان قرآن
۱۱	۳	۵	۳	—	—	—	—	—	شیوه‌های بیان آموزه‌ها / قصص
۴	—	۲	۲	—	—	—	—	—	شیوه‌های بیان آموزه‌ها / امثال
۴	—	۲	۱	۱	—	—	—	—	شیوه‌های بیان آموزه‌ها / سوگندها
۱	—	—	۱	—	—	—	—	—	شیوه‌های بیان آموزه‌ها / دعاها
۱۵	۱	۹	۵	۲	—	—	—	—	شناخت آیات و سور و فضایل و خواص آنها
۳	—	۲	۱	—	—	—	—	—	اسباب نزول
۳	۱	۱	۱	—	—	—	—	—	قرائت
۲	۱	—	۱	—	—	—	—	—	رسم المصحف
۱۷	۲	۶	۵	۳	۱	—	—	—	تاریخ قرآن
۸	۶	۱	۱	—	—	—	—	—	مطالعات زبان‌شناختی / واژه‌شناسی عام
۱	۱	—	—	—	—	—	—	—	مطالعات زبان‌شناختی / وجوه و نظائر
۲	۲	—	—	—	—	—	—	—	مطالعات زبان‌شناختی / واژگان مترادف و مشابه
۷	۴	۱	۱	۱	—	—	—	—	دیگر مطالعات زبان‌شناختی / سستی
۸	۸	—	—	—	—	—	—	—	دیگر مطالعات زبان‌شناختی / جدید
۵	۲	۳	—	—	—	—	—	—	پیراتفسیری / کلیات و مفاهیم
۲۵	۱۳	۷	۴	۱	—	—	—	—	پیراتفسیری / منطق فهم / روش تفسیر عام
۷	۲	۵	—	—	—	—	—	—	پیراتفسیری / منطق فهم / روش تفسیر بر محور اندیشه مفسران و قرآن‌پژوهان
۱۴	۹	۴	۱	—	—	—	—	—	پیراتفسیری / منطق فهم / مبانی تفسیر
۷	۵	۲	—	—	—	—	—	—	پیراتفسیری / منطق فهم / قواعد تفسیر / عام
۳	۲	۱	—	—	—	—	—	—	پیراتفسیری / منطق فهم / قواعد تفسیر / خاص
۱۰	۵	۵	—	—	—	—	—	—	پیراتفسیری / منطق فهم / منابع تفسیر
۲۳	۱۹	۴	—	—	—	—	—	—	پیراتفسیری / منطق فهم / ابزارهای تفسیر
۱۳	۶	۶	—	۱	—	—	—	—	پیراتفسیری / روش‌های و گرایش‌های تفسیری عام
۹	۶	۲	۱	—	—	—	—	—	پیراتفسیری / روش‌های و گرایش‌های تفسیری خاص / تفسیر روایی
۲	۲	—	—	—	—	—	—	—	پیراتفسیری / روش‌ها و گرایش‌های تفسیری خاص / تفسیر قرآن به قرآن
۴	۱	۲	۱	—	—	—	—	—	پیراتفسیری / روش‌ها و گرایش‌های تفسیری خاص / تفسیر علمی
۳	۳	—	—	—	—	—	—	—	پیراتفسیری / روش‌ها و گرایش‌های تفسیری خاص / تفسیر عرفانی
۵	۳	۱	۱	—	—	—	—	—	پیراتفسیری / روش‌ها و گرایش‌های تفسیری خاص / تفسیر فقهی

۱	۱	—	—	—	—	—	—	—	پیراتفسیری / روش‌ها و گرایش‌های تفسیری خاص / تفسیر تربیتی
۳	۲	۱	—	—	—	—	—	—	پیراتفسیری / روش‌ها و گرایش‌های تفسیری خاص / تفسیر سیاسی
۱	—	—	۱	—	—	—	—	—	پیراتفسیری / روش‌ها و گرایش‌های تفسیری خاص / تفسیر عصری
۱	۱	—	—	—	—	—	—	—	پیراتفسیری / روش‌ها و گرایش‌ها تفسیری خاص / تفسیر اجتماعی
۲	۱	۱	—	—	—	—	—	—	پیراتفسیری / روش‌ها و گرایش‌های تفسیری خاص / تفسیر تطبیقی
۱	۱	—	—	—	—	—	—	—	پیراتفسیری / روش‌ها و گرایش‌ها تفسیری خاص / تفسیر تنزیلی
۲	۲	—	—	—	—	—	—	—	پیراتفسیری / روش‌ها و گرایش‌های تفسیری خاص / تفسیر ساختاری
۳	۳	—	—	—	—	—	—	—	پیراتفسیری / روش‌ها و گرایش‌های تفسیری خاص / تفسیر موضوعی
۱	—	—	—	۱	—	—	—	—	پیراتفسیری / روش‌ها و گرایش‌های تفسیری خاص / تفسیر به رأی
۱۷	۱۳	۴	—	—	—	—	—	—	پیراتفسیری / مکاتب و جریان‌های تفسیری
۲۰	۷	۶	۶	—	۱	—	—	—	پیراتفسیری / تاریخ تفسیر
۱۲	۵	۶	۱	—	—	—	—	—	ترجمه قرآن
۱۲	۶	۲	۲	۲	—	—	—	—	پاسخ به شبهات عام
۶	۴	۲	—	—	—	—	—	—	پاسخ به شبهات خاص / تأثیر از فرهنگ زمانه
۱	۱	—	—	—	—	—	—	—	پاسخ به شبهات خاص / اقتباس
۲	۲	—	—	—	—	—	—	—	پاسخ به شبهات خاص / ناسازگاری
۱۴	۱۰	۴	—	—	—	—	—	—	خاورشناسی و خاورشناسان / تألیف
۴	۳	۱	—	—	—	—	—	—	خاورشناسی و خاورشناسان / ترجمه
۸	۶	۱	۱	—	—	—	—	—	تاریخ و فلسفه علوم قرآن
۵۹۰	۲۸۱	۱۹۰	۸۵	۲۲	۸	۳	۱	۰	جمع موضوعات در هر دهه

ضمیمه (۲): ناشران فعال در نشر کتاب‌های علوم قرآن حوزه علمیه

تعداد عناوین منتشره	شهر	ناشر
۹۴	قم	نشر بین‌المللی المصطفی
۴۸	قم	پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۳۷	قم	بوستان کتاب قم
۳۶	قم	پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
۳۳	قم	مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
۱۴	تهران	پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۱۱	قم	تمهید
۱۱	تهران	سمت
۱۱	قم	انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین
۱۱	قم	دارالحدیث
۱۰	تهران	اسوه
۱۰	قم	مؤسسه امام صادق
۱۰	رشت	کتاب مبین


منابع

- باقری، علی‌اوسط، ۱۳۹۹، *فلسفه و تاریخچه دانش علوم قرآن: همراه با برخی مباحث علوم قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی * و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بهجت‌پور، عبدالکریم، ۱۳۹۰، *همگام با وحی: تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)*، قم، تمهید.
- بهمنی، سعید، ۱۳۸۶، *دانش نامه قرآن پژوهان ایران*، قم، بوستان کتاب.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۵، *علوم القرآن عند المفسرین*، قم، مکتب الإعلام الإسلامی.
- _____، ۱۳۸۵، *فلسفه‌های مضاف*، تحقیق عبدالحسین خسروپناه، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- _____، ۱۳۹۴، *فرهنگ نامه علوم قرآنی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- _____، ۱۴۰۰، *نقش شیعه در گسترش علوم قرآن*، به کوشش محمدتقی سبحانی و محمدعلی رضایی اصفهانی، قم، امام علی *.
- سعیدی روشن، محمداقبر، ۱۳۷۹، *علوم قرآنی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *.
- فتح الهی، ابراهیم، ۱۳۸۸، *متدولوژی علوم قرآنی*، تهران، دانشگاه امام صادق *.
- مهدوی راد، محمدعلی، ۱۳۸۴، *سیر نگارش‌های علوم قرآنی*، تهران، هستی نما.

نوع مقاله: پژوهشی

حجم آثار علمی اثرگذار حوزه علمیه قم در زمینه علوم قرآن در سده اخیر*

علی اوسط باقری / استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی*

bagheri@qabas.net  orcid.org/0009_0003_0627_6294

دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۴ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۷

چکیده

«علوم قرآن» دانشی است که عوارض ذاتی و اختصاصی قرآن را بررسی می‌کند. در این مقاله آثار علمی اثرگذار حوزه علمیه قم در زمینه علوم قرآن در سده چهاردهم شمسی با روش توصیفی - تحلیلی معرفی و بررسی شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اندیشمندان و دانشوران حوزه علمیه قم در سده اخیر، به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی ایران، پژوهش‌های شایان توجهی را در موضوعات و مباحث علوم قرآن رقم زده‌اند. این آثار را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: ۱. تحقیقات اندیشمندان دانش‌های اصول، فقه و کلام در ارتباط با مسائل مرتبط با علوم قرآن؛ ۲. مباحث علوم قرآنی موجود در مقدمه برخی از تفاسیر یا در لابه‌لای مطالب تفسیری آنها، مانند مقدمه تفسیر المیزان و مقدمه تفسیر تسنیم و نیز برخی مطالب درون این دو تفسیر؛ ۳. کتاب‌های مستقل مشتمل بر مباحث اساسی یا مهم علوم قرآن. از این دسته، کتاب‌های قرآن در اسلام، التمهید فی علوم القرآن، قرآن‌شناسی، مدخل التفسیر، تاریخ و علوم قرآن، آراء حول القرآن و القرآن الکریم و روایات المدرستین را باید یاد کرد؛ ۴. تک‌نگاری‌های خاص یا موضوعی در زمینه علوم قرآن. کتاب‌های المفسرون حیاتهم و منهجهم، روش‌شناسی تفسیر قرآن، مکاتب تفسیری، تاریخ تفسیر قرآن، آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری را در این دسته می‌توان قرار داد.

کلیدواژه‌ها: کتاب‌های مستقل علوم قرآن، تک‌نگاری‌های علوم قرآن، مکاتب تفسیری، جریان‌های تفسیری، موضوعات علوم قرآن، آثار اثرگذار علوم قرآنی، حوزه علمیه قم، سده چهاردهم.

علوم قرآن در اصطلاح عامش شامل تمام علوم است که به‌گونه‌ای با قرآن ارتباط دارند؛ چه علمی که در خدمت قرآن باشند و برای شناخت کیفیت خواندن و فهم آن به‌کار آیند، مانند علم نحو، چه علمی که از قرآن به‌دست آیند، مثل انسان‌شناسی قرآنی، و چه مباحثی که درباره قرآن شریف باشند، مانند مبحث اعجاز قرآن (ر.ک: باقری، ۱۳۹۹، ص ۲۵-۲۷). طبق این اصطلاح، تفسیر هم بخشی از علوم قرآن است؛ ولی این اصطلاح مربوط به قرون گذشته خیلی دور است و اکنون کاربردی ندارد.

اما «علوم قرآن» در اصطلاح خاص، نام دانشی است که موضوع آن قرآن کریم است و این کتاب الهی را از جهات مختلف، همچون کیفیت نزول، قرائت، پیوند با حوادث عصر نزول، احکام و تشابه، اعجاز و جهات دیگرش بررسی می‌کند (همان، ص ۲۷). برخی پژوهشگران نیز در تعریف این دانش نوشته‌اند: «علوم قرآن علمی هستند که درباره حالات و عوارض ذاتی و اختصاصی قرآن کریم بحث می‌کند و موضوع تمامی آنها قرآن است» (صالحی کرمانی، ۱۳۶۹ش، ص ۱۸، برای توضیح آن ر.ک: باقری، ۱۳۹۹ش، ص ۲۹). طبق این اصطلاح، علوم قرآن شامل تفسیر نمی‌شود؛ بلکه مقدمه تفسیر است. مراد ما از علوم قرآن در این مقاله، همین اصطلاح خاص آن است.

بر دانش علوم قرآن فواید بسیاری مترتب است که ضرورت پرداختن به آن را روشن می‌کند. اثبات الهی بودن قرآن کریم، اصالت متن موجود قرآن، شناخت ساخت و بافت قرآن، و توانایی دفاع از ساحت آن، از جمله مهم‌ترین آنهاست. این دانش نقشی کلیدی در تفسیر قرآن دارد؛ زیرا مباحث مهمی درباره تفسیر قرآن، از جمله مبانی و روش تفسیر، در این دانش بررسی می‌شود (ر.ک: باقری، همان، ص ۸۰-۸۴).

از آنجاکه قرآن نخستین منبع تعالیم و معارف دین اسلام است، از آغاز طلوع اسلام تا کنون در کانون توجه و موضوع بحث و بررسی دانشمندان اسلامی بوده است. حوزه‌های علمیه شیعه بر همین اساس در دوره‌های مختلف، افزون بر پرداختن به مباحث فقهی، کلامی، فلسفی و... به دانش علوم قرآن به‌عنوان مقدمه تفسیر نیز همواره اهتمام ورزیده‌اند. این اهتمام در سده اخیر (۱۳۰۰-۱۳۹۹) از حیات پرشکوه حوزه علمیه قم، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران، به‌وضوح مشهود است.

این مقاله به شیوه مطالعه اسنادی و با روش توصیفی - تحلیلی تلاش‌های دانشوران حوزه علمیه قم در سده اخیر را در زمینه علوم قرآن بازشناسی کرده، با توجه به موقعیت این آثار در جریان کلی دانش علوم قرآن در برهه زمانی یادشده، وجه اثرگذاری آنها را با استناد به دلایل و قرائنی، تا حد ممکن بازنمایی و معرفی می‌کند. به‌دلیل ضیق مجال و محدودیت‌هایی که نگارنده از جهت قالب کار به‌عنوان مقاله با آن روبه‌روست، چاره‌ای جز گزینش و پرداختن به مهم‌ترین این‌گونه آثار ندارد.

معیارهای اثرگذار بودن

اثرگذاری یک اثر یا کتاب علمی در حوزه دانشی مربوط به آن، وجوه گوناگون و نموده‌های متنوعی دارد:

۱. گاه یک اثر به دلیل اشمال بر یک نظریه، روند یک علم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از باب تشبیه، اگر کسی در دانش اصول طرحی نو دراندازد و آن طرح به قدری قوی باشد که ساختار دانش اصول تحت تأثیر آن تغییر یابد و در پی آن، مباحث اصول در ساختاری نو طرح شود، این بارزترین شاهد بر اثرگذاری آن نظریه است. همین وضع در علوم قرآن نیز کاملاً متصور است؛

۲. گاه وجه تأثیرگذاری یک اثر، مرجع واقع شدن آن و مراجعات علمی یا ارجاعات علمی متعدد به آن است؛

۳. گاه جهت اثرگذاری، مینا قرار گرفتن مطالب و آرای موجود در یک اثر علمی برای آثار علمی دیگر است؛

۴. اگر اثری در بازه‌ای قابل توجه از زمان در مراکز علمی متن درسی قرار گیرد، این وضع نیز نشانه اثرگذاری آن است؛

۵. گاه اثرگذاری یک پژوهش به این نحو است که نظریه یا نظریه‌های موجود در آن، در میان متوسطین بهترین نظریه‌ها تلقی می‌شود و افراد متوسط بدون دقت در درستی و نادرستی کلام و نظریه فرد، آن را تکرار می‌کنند؛

۶. اگر اثری از حیث زمانی گوی سبقت از دیگر آثار ربوده باشد و اولین اثر پژوهشی در یک زمینه باشد، حتی اگر از نظر کیفیت تحقیق هم متوسط باشد، نوعاً پژوهشی تأثیرگذار محسوب می‌شود؛ چراکه باب پژوهش را برای دیگران گشوده است؛

۷. اگر اثری به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه شود و انتشار یابد، این هم نشانه اثرگذاری آن است؛

۸. اگر اثری به صورت مکرر در تعداد نسخه‌های قابل توجه تجدید چاپ شود، آن را هم می‌توان از نشانه‌های اثرگذاری آن شمرد؛

۹. اگر درباره اثری همایش‌ها و نشست‌های علمی مختلف و مکرر در جهت بزرگداشت و تجلیل، شناخت ابعاد یا تفسیر و فواید آن برگزار شود، این هم قرینه دیگری بر اهمیت و تأثیرگذاری آن است. آثاری که در این مقاله معرفی می‌شوند، وجوه اثرگذاری‌شان به موارد یادشده برمی‌گردد که در ضمن معرفی آنها بدان اشاره خواهد شد.

پیشینه پژوهش

در تعدادی از آثاری که به تاریخچه علوم قرآن پرداخته‌اند، برخی از آثار علوم قرآنی سده اخیر حوزه نیز معرفی شده‌اند. از جمله در کتاب *فلسفه و تاریخچه دانش علوم قرآن* (باقری، ۱۳۹۹، ص ۱۵۰-۱۵۳)، آثاری چون *التمهید فی علوم القرآن*، اثر استاد معرفت، و *قرآن‌شناسی*، اثر استاد مصباح، معرفی شده‌اند. همچنین در کتاب *معرفت قرآنی* (نصیری، ۱۳۸۷، ص ۱۸۰-۲۰۲ و ۴۶۷-۴۶۱)، برخی کتاب‌های علوم قرآنی اثرگذار استاد معرفت معرفی شده‌اند؛ ولی هیچ مقاله یا کتابی با هدف معرفی تمام آثار اثرگذار علوم قرآنی سده اخیر یافت نشد. از این رو معرفی این آثار در یک پژوهش مستقل به صورت کامل و جامع، لازم و مفید می‌نماید.

روش و ساختار پژوهش

این مقاله به شیوه مطالعه اسنادی و روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده و مطالب آن به لحاظ ساختاری در چهار محور سامان یافته است: ۱. مباحث علوم قرآنی اثرگذار مندرج در کتاب‌های اصولی، کلامی و فقهی؛ ۲. مباحث علوم قرآنی اثرگذار مندرج در مقدمه تفاسیر؛ ۳. مباحث علوم قرآنی اثرگذار مندرج در کتاب‌های مستقل علوم قرآنی؛ ۴. مباحث علوم قرآنی اثرگذار مندرج در تک‌نگاری‌های موضوعی علوم قرآنی. در هر مورد کوشیده‌ایم که وجه اثرگذاری آن را با برخی شواهد و قرائن موجود یا در دسترس، یا براساس حدس و تحلیل، اجمالاً روشن کنیم.

۱. مباحث علوم قرآنی اثرگذار مندرج در کتب اصولی و فقهی و کلامی

۱-۱. مباحث علوم قرآن در کتاب‌های اصولی

مباحث الفاظ دانش اصول، درحقیقت قواعدی برای فهم متن است و در فهم هر متنی، از جمله آیات و روایات، کاربرد دارد. برای نمونه، قاعده «تقیید مطلق با مقید» در فهم مطلقات و مقیدات قرآن و روایات، چه در مباحث فقهی و چه در مباحث غیرفقهی کارایی دارد. در کتاب‌های اصول فقه، به صورت خاص در مواردی به موضوعات علوم قرآنی پرداخته شده است. در میان کتب اصولی متعلق به حوزه علمی قم در سده اخیر، برخی اثرگذار به شمار می‌آیند.

آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی، که حوزه علمی قم به دست او بازتأسیس شد، در کتاب اصولی خود، «تخصیص کتاب به خبر واحد» (حائری یزدی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۲۸-۲۲۹) و «حجیت ظواهر قرآن» را بررسی کرده است (همان، ص ۳۶۳-۳۶۸). همچنین آیت‌الله سیدحسین بروجردی در کتاب اصولی‌اش به «حجیت ظواهر قرآن» (بروجردی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۷۶-۴۸۲) و «شبهه تحریف قرآن» پرداخته است (همان، ص ۴۸۲-۴۸۶). امام خمینی رحمته سخن اخباریان در باب عدم حجیت ظواهر قرآن را بیان و نقد کرده است (موسوی خمینی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۴۱۷-۴۱۸). آیت‌الله مکارم شیرازی امکان وقوع مشترک لفظی در قرآن را مدلل (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۱۴۸-۱۴۹) و مراد از معانی بطنی قرآن را بیان نموده است (همان، ص ۱۵۱-۱۵۴). آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی نیز مراد از «بطن قرآن» را بازگشوده است (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۱ش، ج ۲، ص ۳۳۸-۳۴۷).

این اثرگذاری، از قبیل مبنا قرار گرفتن آرای موجود در یک اثر برای آثار دیگر است. تحقیقات دانشمندان اصول فقه در زمینه‌های مرتبط با علوم قرآن، نوعاً یکی از منابع مهم دانش علوم قرآن است و قواعد تفسیر قرآن که در روش‌شناسی تفسیر قرآن مطرح می‌شود، در موارد بسیاری، علاوه بر پژوهش‌های مفسران و دانشمندان علوم قرآن، مبتنی بر تحقیقات دانشمندان علم اصول در مباحث الفاظ است.

بخش مهمی از قواعد تفسیر قرآن که یکی از مباحث مهم دانش علوم قرآن به شمار می‌رود، مبتنی بر تحقیقات دانشمندان علم اصول است. همچنین برخی از این نوع مباحث در تعیین و تنقیح تعدادی از مبانی تفسیر قرآن نقش

مهمی ایفا می‌کنند. از آنجاکه این بحث‌ها در آثار فقهای معاصر با شأن مرجعیت مطرح شده‌اند، در زدودن شبهه اعتقاد شیعه به تحریف قرآن و بازنمایی جایگاه قرآن در میان شیعه، اثرگذاری دارند.

۱-۲. مبحث قرائت قرآن در کتاب‌های فقهی

یکی از مباحث دانش علوم قرآن، بحث قرائت قرآن است که در دانش فقه هم بدان پرداخته می‌شود. فقهای عظام به تناسب بحث درباره قرائت نماز، که از واجبات نماز است، کم‌وبیش در باب تواتر قرائت و برخی جوانب دیگر قرائت قرآن سخن گفته‌اند. برای نمونه، در سده اخیر آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری، آیت‌الله بنی‌فضل و آیت‌الله اشتهاردی در مبحث قرائت نماز به برخی مباحث مرتبط با قرائت قرآن پرداخته‌اند (حائری یزدی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰۳-۲۰۶؛ بنی‌فضل، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۵۵-۴۶۲؛ اشتهاردی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۸۵-۲۰۱). با توجه به دقت‌سنجی‌های فقیهانه، این‌گونه آثار نوعاً یکی از منابع مهم در مبحث قرائت قرآن و به صورت غیرمستقیم در مبحث خاص قرائت در علوم قرآن، اثرگذارند.

۱-۳. مباحث علوم قرآن در آثار کلامی

در کتاب‌های کلامی، دیدگاه متکلمان درباره قرآن شریف بیان می‌شود که بخشی از آن جزء مباحث دانش علوم قرآن نیز شمرده می‌شود. از آنجاکه قرآن معجزه پیامبر اسلام ﷺ است، در مبحث نبوت خاصه به تفصیل درباره وجوه اعجاز قرآن سخن گفته می‌شود. برخی مباحث زبان‌شناختی در باب قرآن، تحریف‌ناپذیری قرآن، کیفیت نزول قرآن، حقیقت و انواع وحی، و جمع قرآن، در کتاب‌های کلامی بررسی شده است (برای نمونه ر. ک: شیخ صدوق، ۱۴۱۴ق، ص ۸۹-۸۱؛ طوسی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۶۸-۲۶۳ و ص ۲۶۹-۲۹۳).

آیت‌الله جعفر سبحانی در *الالهیات علی هندی الکتاب و السنه و العقل*، وحی و اقسام آن را بیان کرده و به بررسی دیدگاه‌های مختلف درباره حقیقت وحی پرداخته است و به تفصیل در باب اعجاز قرآن سخن گفته و ابعاد مختلف اعجاز آن را بررسی کرده است؛ از جمله «ویژگی‌های بیانی قرآن» را بازگشوده و «انتقان قوانین قرآن» را با ذکر نمونه‌های متنوع روشن ساخته است؛ همچنین به بررسی خبرهای غیبی قرآن پرداخته و نیز دیدگاه صرفه در اعجاز قرآن را بیان و به تفصیل نقد و بررسی کرده است (جعفر سبحانی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۶۷-۱۱۴، ۱۲۳-۱۲۵، ۲۳۰-۴۳۷). این اثر نیز به جهت اینکه کتاب درسی طلاب علوم دینی در مقاطع سطح دو و سه تحصیلی حوزه قرار گرفته است، در همان بخش مرتبط با علوم قرآن اثرگذار محسوب می‌شود.

استاد شهید مرتضی مطهری در مباحث مربوط به نبوت، به بررسی «ارزش اعجاز و کاربرد آن از نظر قرآن»، «جنبه‌های اعجاز قرآن» از نظر الفاظ و معانی قرآن، فصاحت و بلاغت قرآن، اعجاز قرآن از جنبه «علمی و فکری»، «آهنگ‌پذیری قرآن»، برخی جوانب مرتبط با زبان قرآن، از جمله «سبک بیان» و «تشبیهات قرآن»، و نیز «اعجاز قرآن از نظر بیان توحید و معارف ربوبی» پرداخته است (مطهری، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۱۹۵-۲۲۵؛ همان، ج ۴،

ص ۴۵۴-۴۵۵؛ ۴۶۹-۴۷۵، ۴۹۷-۴۹۹). آثار استاد مطهری به دلیل غنای محتوایی و بیان ساده و روان، از آثار تأثیرگذار در میان افشار مختلف، از جمله دانشجویان و طلاب علوم دینی است. استاد بخشی از مباحث یادشده در کتاب *وحی و نبوت* را «در جلسات بحث و انتقاد انجمن اسلامی پزشکان» (همان، ج ۴، ص ۷) ایراد کرده است که اصل آن هم قرینه‌ای بر تأثیرگذاری آن مباحث به دلیل استقبال آن از سوی قشر فرهیخته‌ای از جامعه است.

۲. مباحث علوم قرآنی اثرگذار مندرج در مقدمه و متون تفاسیر

بعضی مفسران پیش از آغاز تفسیر آیات قرآن، برخی از مهم‌ترین مباحث علوم قرآن را در مقدمه تفسیر خویش آورده‌اند (برای نمونه، ر.ک: طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳-۲۱؛ طبرسی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۷۷-۸۶). همچنین از آنجاکه خاستگاه تعدادی از مباحث علوم قرآن، مانند نسخ، محکم و متشابه، و اعجاز، خود قرآن است و در قرآن شریف آیاتی درباره آنها وجود دارد، مفسران قرآن به مناسبت تفسیر آن آیات، کم‌وبیش به بحث درباره مباحث یادشده پرداخته‌اند. در سده اخیر، هم در مقدمات و هم در متون تفاسیر به برخی مباحث علوم قرآن پرداخته شده است که تأثیرگذار بوده‌اند. در ادامه به تعدادی از مهم‌ترین آثار تأثیرگذار از این دست اشاره می‌شود.

۱. علامه طباطبائی در مقدمه *تفسیر المیزان* در مقام تعریف تفسیر، به اختصار به تاریخ تفسیر نیز پرداخته و ویژگی‌های تفسیر در عصر صحابه و تابعان را بیان کرده است؛ همچنین عوامل اختلاف روش‌های مفسران در تفسیر قرآن را به بحث گذاشته و روش محدثان، متکلمان، فلاسفه و متصوفه در تفسیر آیات قرآن و «روش تفسیر علمی قرآن» را نقد و بررسی کرده است. وی همچنین روش تفسیر معصومان علیهم‌السلام در تفسیر را شناسانده و سبب اختلاف مفسران در تفسیر قرآن را ریشه‌یابی کرده و به بررسی وجوه دخالت بحث‌های پیشین نظری در فهم حقایق قرآن پرداخته است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴-۱۲).

این مقدمه کوتاه مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که برخی به شرح آن همت گماشته‌اند (لسانی فشارکی، ۱۳۶۰) تعریف علامه در مقدمه یادشده، یکی از تعاریفی است که محققان بدان اهتمام ورزیده‌اند (برای نمونه، ر.ک: بابایی و دیگران، ۱۳۸۱الف، ص ۱۸؛ محمود رجیبی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۱-۱۲) و برخی آن را کامل‌ترین تعریف دانسته‌اند که تمام مراحل تفسیر را دربرمی‌گیرد (باقری، ۱۳۹۹).

۲. علامه طباطبائی در *مطالوی تفسیر المیزان* به مباحث متعددی از علوم قرآن پرداخته است که برخی از آنها مورد توجه بلیغ در آثار پژوهشگران علوم قرآن قرار گرفته‌اند (برای نمونه، ر.ک: ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۷۲، ۱۵۱، ۱۵۵، ۲۷۰، ۲۸۵؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۸ش، ج ۱، ص ۴۰، ۴۴، ۴۵، ۵۲، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۲۳) و این نشان از تأثیرگذاری این مباحث دارد. برخی از این مباحث عبارت‌اند از: الف) «اعجاز قرآن» ذیل آیه ۲۳ بقره (همان، ص ۵۸-۷۳؛ ب) «نسخ در قرآن» ذیل آیه ۱۰۶ بقره (همان، ص ۲۵۰-۲۵۳؛ ج) «محکم و متشابه»، «تأویل» و «بطن قرآن» ذیل آیه ۷ آل عمران (همان، ج ۳، ص ۱۹-۲۹؛ د) «تفسیر قرآن» شامل «تفسیر به رأی»، «حدیث ضرب القرآن بالقرآن»، «فهم‌پذیری قرآن»، «نقش معصومان علیهم‌السلام در فهم و تفسیر قرآن» و «تفسیر

قرآن به قرآن» ذیل آیه ۷ آل‌عمران (همان، ص ۷۵-۸۷)؛ ه) «مصونیت قرآن از تحریف» ذیل آیه ۹ سوره حجر، که مشتمل بر هفت فصل است.

این مباحث به قدری اهمیت یافته‌اند که برخی درصدد استخراج آنها از *المیزان* و ارائه مستقل آن برآمده‌اند (از جمله: الهی، ۱۳۸۹؛ ملکیان، ۱۳۸۸)؛ چنان‌که گروهی از پژوهشگران که به گردآوری مباحث علوم قرآنی مندرج در مقدمات تفاسیر پرداخته‌اند، از متن *تفسیر المیزان* تنها مباحث علوم قرآن را استخراج کرده و در کتابی مرجع گرد آورده‌اند (ر. ک: مرکز الثقافه و المعارف القرآنیة، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۶).

۳. آیت‌الله جوادی آملی در مقدمه *تفسیر تسنیم* تحت عنوان «پیشگفتار مفسر»، در ده فصل برخی مباحث علوم قرآن را به دلیل ارتباط وثیق آنها با تفسیر قرآن، مطرح و بررسی کرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۱-۲۵۴). به نظر می‌رسد که این بخش از *تسنیم* را می‌توان از مباحث اثرگذار علوم قرآن دانست که در ذیل عناوین آنها را برمی‌شماریم:

۱. «زبان قرآن کریم»، که نویسنده ویژگی «جهانی بودن زبان قرآن» را تحت عنوان «زبان جهانی فطرت» بازگشوده است؛

۲. «ویژگی‌های تفسیر قرآن»، که در آن «امکان و ضرورت تفسیر قرآن» اثبات و به «منابع تفسیر قرآن» اشاره شده است و بر این اساس، از سه گونه تفسیر با عناوین تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر قرآن به سنت و تفسیر قرآن به عقل یاد شده است؛

۳. «تفسیر قرآن به قرآن»؛ در این فصل، «حجیت تفسیر قرآن به قرآن» اثبات و «استقلال قرآن در حجیت و تبیین معارف» تبیین شده است. همچنین «منهج تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام» بیان و «شبهات استقلال قرآن در حجیت و تفهیم» بررسی و «حجیت و اعتبار سنت و سیرت معصومین علیهم‌السلام» اثبات گردیده است؛ سپس انحاء گوناگون تفسیر قرآن به قرآن بیان و همسویی «همه معارف قرآنی در همه مراحل باطنی» بررسی شده است؛

۴. «تفسیر قرآن به سنت»؛ در این فصل، نسبت «تفسیر قرآن به سنت» با «تفسیر قرآن به قرآن» و «ویژگی‌های سنت قطعی» و پیوستگی قرآن و عترت و «مراحل» فهم معارف دین بیان شده است؛

۵. «تفسیر قرآن به عقل»، که شرایط معلومات و دریافت‌های عقلی را به‌عنوان منبع تفسیر بررسی کرده است؛

۶. «تفسیر به رأی»؛ در این فصل، مفهوم و «صورت‌های ممنوع تفسیر به رأی» و نظر برخی مفسران درباره آن، بیان و نیاز تفسیر متن دینی به معرفت خارج از دین بررسی شده است. تعریف دین، «معیار "دینی بودن"» یک مطلب، امکان «تفسیر ثابت» از قرآن «با داشتن پیش‌فهم‌ها و پیش‌فرض‌ها»، «ویژگی تفسیر متون مقدس» و «تأثیر "انتظار از متن" در تفسیر آن»، دیگر مباحث این فصل است.

۷. «جایگاه آرای مفسران و شأن نزول در تفسیر»، که در آن، بیانات وارده در شأن و سبب نزول آیات قرآن به سه دسته تقسیم و نقش هر کدام در تفسیر بررسی شده است.

۸. «شأن نزول، فضای نزول و جوّ نزول قرآن»، که در آن به بیان تفاوت‌های این سه اصطلاح و نقش هر یک از آنها در تفسیر پرداخته شده است.

۹. «شبهات نوظهور و فهم قرآن»، که به بررسی نقش زمینه‌سازی «سؤالات و شبهات نوپدید» در دریافت معرفت دینی اختصاص دارد؛

۱۰. «اوصاف قرآن در نگاه اهل‌بیت (ع)»، که به بیان سیزده وصف برای قرآن در کلام اهل‌بیت (ع) می‌پردازد. علاوه بر اینها، آیت‌الله جوادی آملی در متن *تفسیر تسنیم* ذیل آیات متناسب، به برخی مباحث اساسی علوم قرآن پرداخته است که به سه مورد اجمالاً اشاره می‌شود:

۱۱. در تفسیر آیه ۲۳ بقره با عنوان «تحدی و اعجاز قرآن»، برخی از جوانب مبحث اعجاز قرآن را بررسی کرده است (همان، ج ۲، ص ۴۲۱-۴۴۳)؛

۱۲. در تفسیر آیه ۱۰۶ بقره جوانب متعدد مرتبط با مبحث «نسخ در قرآن» را به تفصیل بررسی کرده است (همان، ج ۶، ص ۱۰۹-۸۶)؛

۱۳. در تفسیر آیه ۷ سوره آل عمران مباحث متعدد مربوط به «محکم و متشابه» و «تأویل قرآن» را به تفصیل بررسی کرده است (همان، ج ۱۳، ص ۱۰۶-۱۹۹).

مباحثی که در *تفسیر تسنیم* آمده، حاصل تدریس ایشان در جمع تعداد زیادی از فضایی سخت‌کوش حوزه بوده و مورد مذاقه‌های جدی قرار گرفته است؛ لذا به‌نوبه خود درخور توجه شایان است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۵، ۲۶).

علاوه بر اتقان، ویژگی دیگر مباحث علوم قرآنی استاد جوادی آملی، پرداختن به مسائل نوپدید و روزآمدسازی این‌گونه مباحث است. ارجاع بسیار به آثار استاد و پژوهش درباره دیدگاه‌ها و نظرات علوم قرآنی ایشان در قالب مقالات و پایان‌نامه‌های تحصیلی متعدد، از جمله شواهد تأثیرگذاری آنها در حوزه تفسیر و علوم قرآن است (برای نمونه، ر.ک: حکیمی رکن‌آبادی، ۱۳۹۳ش؛ مقدس و کارخانه، ۱۴۰۰ش؛ مروتی و پورمحمدی، ۱۴۰۰ش؛ داوری و آقایی، ۱۳۹۴).

۴. آیت‌الله محمدهادی معرفت نیز در مقدمه *التفسیر الاتری الجامع* به برخی مباحث علوم قرآن پرداخته است. تاریخ قرآن، اسامی قرآن، حجیت ظواهر قرآن و صیانت قرآن از تحریف، از جمله این مباحث است (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۳-۱۸۰). بیشتر مباحثی که در مقدمه کتاب یادشده آمده، در *التمهید فی علوم القرآن* وی به صورت گسترده بحث شده است که هنگام معرفی کتاب‌های مستقل، به تفصیل به آن خواهیم پرداخت. استاد معرفت ذیل عنوان «التفسیر و التأویل (الظهر و البطن)» مباحث متنوعی در باب تأویل قرآن ذکر کرده است که انواع تأویل آیات و ضابطه تشخیص تأویل‌های صحیح، از مهم‌ترین آنهاست (همان، ج ۱، ص ۲۹-۵۵). این موضوع در زمان حیات ایشان و پس از انتشار مجلد نخست تفسیر اثری، در نشست‌های سوی پژوهشگاه فرهنگ

و اندیشه اسلامی نقد و بررسی شد (نصیری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۹) که نشان دهنده تأثیرگذاری آن در مجامع علمی است.

۳. کتابهای مستقل علوم قرآنی اثرگذار

از سده نخست تا به امروز، کتابهای بسیاری در زمینه بررسی مباحث علوم قرآن به منصفه ظهور رسیده است. بیشتر این آثار بخشی از مباحث مهم علوم قرآن و برخی از آنها همه مباحث را دربردارند. در سده اخیر نیز کتابهای مستقلی در حوزه در زمینه علوم قرآنی توسط علما و فضایی حوزه علمیة قم تألیف شده است که به معرفی آنها می پردازیم. این کتابها دو گونه اند: برخی از پژوهشگران درصد برآمده اند که مباحث متنوعی از علوم قرآن را بررسی کنند؛ اما برخی دیگر کوشیده اند مباحث مهم علوم قرآن را به بحث بگذارند.

۳-۱. قرآن در اسلام

این کتاب به خامه علامه سیدمحمدحسین طباطبائی در پنج بخش تنظیم شده و طی آن مباحث مختلفی از علوم قرآن را به اجمال مورد بررسی قرار گرفته است؛ از جمله: جاودانگی و جامعیت قرآن؛ استقلال دلالتی قرآن؛ روش تفسیر قرآن؛ وحی و نزول قرآن؛ جمع و تدوین قرآن؛ قرائات؛ باطن و تأویل قرآن؛ تاریخ تفسیر؛ خط و اعراب قرآن؛ اسامی سوره های قرآن؛ اسباب نزول قرآن؛ و تحریف ناپذیری قرآن.

همان گونه که قبلاً متذکر شدیم، مباحث علوم قرآنی مطرح شده توسط علامه طباطبائی، از جمله این اثر، معمولاً مشتمل بر نکات بدیع و نوآورانه اند و از این جهت مؤثر هستند. علاوه بر این نکته، اثر ذکر شده، در برهه ای که هنوز کتابهای متنوع علوم قرآن در حوزه نگارش نیافته بود و دانش علوم قرآن و تفسیر هنوز در گستره فعلی مورد توجه نبود، در برخی مراکز علمی به عنوان کتاب درسی تدریس می شد و بنابراین در شمار آثار اثرگذار است.

۳-۲. التمهید فی علوم القرآن

این کتاب حاصل تحقیقات و مطالعات طولانی آیت الله محمدهادی معرفت است که ابتدا در شش جلد منتشر شد (ناشر: مرکز مدیریت حوزه علمیة قم و سپس مرکز انتشارات جامعه مدرسین)؛ ولی اندکی پیش از درگذشت مؤلف، با اعمال جدیدترین نظرات ایشان و افزودن برخی مطالب و نیز الحاق کتابهای *صیانة القرآن عن التحریف و شبهات و ردود* و کتاب *دولجلی التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب*، که قبلاً همگی به صورت مستقل چاپ شده بودند، در ده جلد انتشار یافت. این کتاب خلاً نبود کتاب علوم قرآنی جامع را در شیعه تا حد زیادی پر کرده است. هنگامی که هنوز *التمهید* در قالب شش جلدی منتشر می شد، خود استاد معرفت آن را در دو جلد خلاصه کرد و آن را *تلخیص التمهید* نام نهاد. ایشان در اقدام دیگری *التمهید* شش جلدی و کتاب *صیانة القرآن عن التحریف* را تلخیص و به فارسی بازنویسی کرد که با عنوان *علوم قرآنی* منتشر شده است. این کتاب تفاوت هایی با *التمهید* شش جلدی دارد و در مقایسه با آن، دیدگاه های جدید ایشان را بازتاب می دهد.

استاد همچنین به درخواست سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، کتابی تحت عنوان **تاریخ قرآن** به‌رشتهٔ تحریر درآورد که درواقع محتوای آن برگرفته از دو مجلد نخست **التمهید** همراه با برخی اضافات است.

۳-۳. نگاهی به مجلدات ده‌گانهٔ التمهید

استاد معرفت در مقدمهٔ مجلد نخست **التمهید**، پس از بیان مختصر برخی از ویژگی‌های قرآن تحت عنوان «القرآن و اسمائه»، به‌اختصار اسامی قرآن را بررسی کرده است؛ سپس به تعریف علوم‌القرآن پرداخته و در ادامه، تحت عنوان «تاریخ علوم القرآن»، مهم‌ترین نگارش‌های علوم قرآنی را به‌ترتیب تاریخی، به‌اختصار معرفی کرده است.

پس از پایان مقدمه، با تفصیل بیشتر به تعریف علوم‌القرآن و تفاوت آن با معارف قرآن پرداخته و نقش آن را در دستیابی به آموزه‌های قرآن بازگشوده است؛ سپس تحت عنوان «صیغة القرآن صناعة الوحي»، وحیانی بودن الفاظ قرآن را اثبات کرده و در ادامه به ساختار گفتاری - نه نوشتاری - قرآن پرداخته و ویژگی‌های خطاب‌های قرآنی را بیان کرده و پس از آن به بررسی زبان قرآن پرداخته است. سه موضوع «وحی»، «نزول قرآن» و «تاریخ قرآن»، دیگر مباحث مجلد نخست **التمهید** است.

مجلد دوم **التمهید** مشتمل بر دو بحث «قرائات» و «نسخ» است. ایشان در قرائات، همچون استادشان آیت‌الله خویی، با استدلال قرائات سبع را متواتر ندانسته، بیشتر آنها را حاصل اجتهاد قاریان می‌داند و در بحث نسخ به جوانب گوناگون آن پرداخته و به شبهات موجود دربارهٔ آن پاسخ گفته است. ایشان در چاپ ده‌جلدی **التمهید**، علاوه بر نسخ مشروط - که قبلاً طرح کرده بود - نوع دیگری به‌اسم «نسخ تمهیدی» نیز بر اقسام نسخ افزوده است.

مجلد سوم **التمهید** درخصوص بحث محکم و متشابه در قرآن است که مؤلف در آن معنای محکم و متشابه، حکمت وجود آیات متشابه، حقیقت تأویل، امکان علم به تأویل قرآن برای غیر خدا، مذاهبی که موجب تشابه عَرَضی برخی آیات شده‌اند را معرفی می‌کند (همان، ج ۳، ص ۴۲-۷۰) و سپس به تفصیل به بازگشودن معنای صحیح آیات متشابه می‌پردازد و در ادامه، «بدا» را از منظر قرآن و روایات بررسی می‌کند و در پایان، آیاتی را که ظاهر آنها منافی عصمت پیامبران است، تحت عنوان «تنزیه الانبیاء» تفسیر کرده، طهارت دامان پیامبران الهی از گناه و خطا را به‌اثبات می‌رساند.

مجلدات چهارم تا ششم به اعجاز قرآن اختصاص دارند. مؤلف پس از تعریف اعجاز، بیان انواع معجزه‌ها و ویژگی قرآن در این جهت، ضرورت معجزه را بررسی کرده (همان، ج ۴، ص ۲۳-۳۰)، سپس مراحل تحدی قرآن را ذکر می‌کند (همان، ص ۳۱-۳۵) و پس از اشاره به دیدگاه‌های مختلف در وجه اعجاز قرآن (همان، ص ۳۵-۳۷)، به بررسی قول به «صرفه» در اعجاز قرآن می‌پردازد (همان، ص ۱۳۷-۱۷۶). ایشان در جلد پنجم، «اعجاز بیانی» قرآن را در دوازده گفتار و در جلد ششم «اعجاز علمی» و «اعجاز شرعی» قرآن را بررسی کرده است.

جلد هفتم **التمهید** به بیان و بررسی و نقد و رد شبهاتی اختصاص دارد که از سوی مستشرقان و غیر آنها دربارهٔ

قرآن مطرح شده است. مؤلف در این جلد، مقولاتی مانند ارتباط قرآن و فرهنگ عصر نزول و اثرپذیری قرآن از فرهنگ نزول را نقد کرده و پاسخ گفته‌اند؛ همچنین شبهه اختلاف در قرآن را بررسی و هماهنگی آنها را اثبات کرده‌اند و به ادعای مخالفت قرآن با علم یا وجود خطای تاریخی در قرآن پاسخ گفته و در پایان، شبهات مرتبط با داستان‌های قرآن را بررسی کرده‌اند.

در جلد هشتم **التمهید** با عنوان «صیانة القرآن من التحریف»، با ادله مختلف عقلی و نقلی، مصونیت قرآن از تحریف اثبات شده و مستندات قائلان به تحریف مورد نقد و بررسی قرار گرفته است (این جلد توسط آقای محمد شهرابی ترجمه و تلخیص شده و با تقریظ استاد بر آن، در سال ۱۳۷۶ در قالب کتابی مستقل از سوی مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی انتشار یافته است. همچنین کتاب یادشده توسط حجت‌الاسلام علی نصیری با تأیید و نظارت خود استاد به فارسی ترجمه شد و در سال ۱۳۷۹ از سوی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) با عنوان «تحریف‌ناپذیری قرآن» انتشار یافت).

دو جلد پایانی **التمهید** به بررسی تاریخ تفسیر و شناساندن روش‌ها و گرایش‌های مختلف تفسیری و تفاسیر شیعه و اهل سنت اختصاص یافته است. ساختار بحث استاد در این دو مجلد، همان ساختار کتاب **تفسیر و مفسران** ذهبی است و نوعی پاسخ به او در کم‌توجهی و نادیده گرفتن تفاسیر شیعه و نقش اهل‌بیت علیهم‌السلام در زمینه تفسیر است. موسوعه **التمهید** آیت‌الله معرفت حقیقتاً خلأ نبود نسبتاً جامع علوم قرآنی شیعه را در کتابخانه این دانش جبران کرد. برخی بزرگان معاصر پر کردن خلأهای تحقیقی را شیوه استاد معرفت برشمرده‌اند (همان، ص ۴۸، سخنرانی آیت‌الله سبحانی). واقعیت آن است که دیدگاه‌های استاد معرفت در زمینه مباحث متنوع علوم قرآن در حوزه و دانشگاه به‌جد مطرح است. نگارش پایان‌نامه‌ها و مقالات متعدد در باب نظریه‌های ایشان، که بخشی از آنها در کتاب **معرفت قرآنی** (در پنج جلد، نصیری، ۱۳۸۷) نمود یافته، تدریس برخی کتاب‌های وی در مجامع علمی حوزوی و غیرحوزوی، از جمله تدریس **تلخیص التمهید** در برخی پایه‌های درسی حوزه علمیة قم، همگی نشانگر تأثیرگذاری آثار ایشان است؛ تاجایی که برخی فضلا درباره آن نوشته‌اند: موسوعه **التمهید** «چندان اعتبار علمی در رشته علوم قرآنی یافت که به‌رغم سنت رایج، در زمان حیات مؤلف آن از منابع پرجای گردید» (نصیری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۹).

۳-۴. قرآن‌شناسی

این کتاب تقریر بخشی از درس‌گفتارهای تفسیر موضوعی استاد محمدمتقی مصباح یزدی طی چند دوره تدریس در مدرسۀ حقانی و مؤسسه در راه حق است (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۶) که در دو مجلد توسط برخی از محققین نگارش و تدوین شده است. در مجلد نخست طی چهار فصل، «اوصاف و عناوین قرآن»، «نزول قرآن»، «دلایل از سوی خدا بودن قرآن» و «تحریف‌ناپذیری قرآن» با تکیه بر آیات قرآن و در مورد اخیر همچنین از دید روایات بررسی شده‌اند. در مجلد دوم، به بررسی «اهداف قرآن»، «امکان و جواز فهم قرآن»، «شرایط و موانع روحی

و معنوی بهره‌مندی از قرآن»، «شرایط علمی تفسیر قرآن»، «روش تفسیر قرآن»، «محکم و متشابه»، «نسخ»، «تأویل و تفسیر»، «بطن قرآن»، «جهانی بودن و جاودانگی و جامعیت قرآن» با تکیه بر ادله عقلی، نقلی و اصول عقلایی پرداخته شده است.

کتاب اساساً در پی بررسی تمام مباحث علوم قرآن نبوده؛ بلکه درصد شناخت قرآن از خود قرآن به روش تفسیر موضوعی است و لذا به بحث‌های لازم و مرتبط بسنده کرده است.

بررسی جامع و کامل آیات مرتبط به مباحث مطرح‌شده در کتاب و رویکرد نوآورانه و تکرار نکردن آنچه پیشینان گفته‌اند، از ویژگی‌های بارز این اثر ارزشمند است. برخی مباحث این کتاب کاملاً بدیع است؛ برای نمونه، دسته‌بندی و بررسی اوصاف و عناوینی که قرآن خود را با آنها شناسانده و روشن کردن وجه اطلاق هر کدام از آنها بر قرآن شریف (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۹۱-۳۳)، مبحثی کاملاً نو و ابتکاری است. همچنین این کتاب متن درسی مقطع کارشناسی در برخی مراکز علمی، از جمله مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام است.

۳-۵. مدخل التفسیر

این کتاب برآمده از درس‌های آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی در باب برخی مباحث علوم قرآن با عنوان «مدخل تفسیر» است (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶ق، ص ۱۳). مؤلف بعد از بیان «حقیقت معجزه» به «اعجاز قرآن» پرداخته و جوانب مختلف آن، از جمله «تحدی»، «وجوه اعجاز قرآن» و «شبهات پیرامون اعجاز قرآن» را به تفصیل بررسی کرده و پاسخ به تحدی قرآن از سوی پیشینیان و پسینیان را مورد نقد و بررسی قرار داده است. وی در مبحث «قاریان و قرائات» به دیدگاه‌های مختلف درباره «تواتر قرائت‌های هفت‌گانه» «اعتبار قرائات» و «جواز قرائت نماز به قرائت‌های مختلف» پرداخته و ذیل عنوان «اصول التفسیر»، حجیت ظواهر قرآن، اعتبار قول معصومین علیهم السلام در تفسیر و قرینیت دریافت‌های عقلی را در تفسیر بررسی کرده است و در بحث «عدم تحریف قرآن»، پس از بیان معنای تحریف و اقسام آن، «دله عدم تحریف قرآن» را به تفصیل بیان نموده و در پایان «شبهات قاتلان به تحریف» را بیان و نقد کرده است.

نگارش مقالات متعدد درباره دیدگاه‌های علوم قرآنی آیت‌الله فاضل در این کتاب، نشان‌دهنده اثرگذار بودن آن در مجامع علمی است (برای نمونه ر. ک: نجارزادگان، ۱۳۹۸؛ جزائری، امینی تهرانی و خادم زاده یگانه، ۱۳۹۸).

۳-۶. تاریخ و علوم قرآن

مؤلف اثر، آیت‌الله سیدابوالفضل میرمحمدی زرنندی است. وی تحت عنوان «قرآن و کیفیت نزول آن»، مباحث مربوط به نزول قرآن و تاریخ آن را از حیثیت الفاظ گرفته تا کتابت و قرائت و جمع قرآن، بررسی کرده است؛ سپس به مباحث «اعجاز قرآن»، «ناسخ و منسوخ»، «محکم و متشابه»، «عدم تحریف قرآن» و «مکی و مدنی» پرداخته است. این کتاب که به فارسی نگارش یافته، توسط نویسنده با عنوان «بحوث فی تاریخ القرآن و علومه» به

عربی نیز ترجمه شده است (میرمحمدی زرنندی، ۱۴۲۰ق، ص ۴). اصل نگارش کتاب در سال ۱۳۵۸ شمسی به پایان رسیده است و در نخستین دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی که هنوز آثار علوم قرآنی چندان گسترش نداشت، این اثر در برخی مراکز به عنوان کتاب درسی استفاده می شد و در مقاطعی منبع امتحان ورودی مقطع دکتری در برخی از دانشگاه‌ها بود. همچنین نویسنده که سال‌ها رئیس دانشکده الهیات دانشگاه تهران بوده، مطالب کتاب را در کلاس‌های درس آن دانشکده تدریس و بحث کرده است. مرحوم آیت الله معرفت کتاب *بحوث فی تاریخ القرآن و علومه* را از جمله «آثار برجسته عصر اخیر» برشمرده است (معرفت، ۱۳۸۲، ص ۳). این اوصاف و وضعیت را می توان دال بر اثرگذاری این کتاب دانست.

۳-۷. آراء حول القرآن

این کتاب به خامه آیت الله سیدعلی علامه فانی در هشت امر سامان یافته و نویسنده در هر بحث دیدگاه‌های مختلف را مورد توجه قرار داده و با بررسی‌های موشکافانه به بیان و اثبات نظر خود پرداخته است. نویسنده به ترتیب «حجیت ظواهر قرآن»، «هدف نزول قرآن و لزوم تدبیر در آن و اقتضائاتش»، «تفسیر قرآن و تفاوت آن با تأویل»، «مراحل تفسیر و علوم مورد نیاز برای تفسیر»، «قرائات قرآن و جوانب متعدد مربوط به آن»، «بحث تحریف و تغییر در قرآن»، «امکان تخصیص قرآن با خبر واحد»، «امکان نسخ قرآن با خبر واحد»، و بالاخره «کیفیت نزول قرآن» را بیان و بررسی کرده است.

مرحوم فانی از اساتید آیت الله معرفت بود و استاد معرفت در معرفی ایشان می گوید: آقای فانی محقق ژرف‌نگر و توانمند بود و در تربیت علمی شاگردان سعی فراوان داشت. علاوه بر جلسات روزانه، روزهای پنج‌شنبه و جمعه... از اول صبح تا ظهر خدمت ایشان حضور یافته و به گفت‌وگو و بحث پیرامون مسائل می‌پرداختیم. از این جلسات مایه‌های علمی فراوانی به دست آوردیم (نصیری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۷۶). این قضاوت، علمیت بالا و اجتهادی بودن نفس این اثر، قابلیت و مایه‌های اثرگذاری را به خوبی نشان می‌دهد.

۳-۸. القرآن الکریم و روایات المدرستین

استاد مرتضی عسکری این کتاب را در سه مجلد و به انگیزه رفع شبهات از شیعه درباره قرآن و نیز پاسخ به شبهات مستشرقان در باب نص قرآنی به رشته تحریر درآورده است (عسکری، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۹-۱۰). در این اثر، کتاب *فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب*، نوشته محدث نوری، و کتاب *النسبة و القرآن الکریم*، به قلم احسان الهی ظهیر، به تفصیل نقد شده است (همان، ص ۱۱).

روایاتی که در این کتاب بررسی شده، عبارت‌اند از: ۱. روایات جمع قرآن؛ ۲. روایات زیاده و نقصان در قرآن؛ ۳. روایات نسخ و انسا در قرآن؛ ۴. روایات اختلاف مصاحف؛ ۵. روایات اختلاف قرائت‌های قرآن یا قرائت‌های قرآن؛ ۶. روایات نزول قرآن بر هفت حرف (همان، ص ۱۱).

نویسنده در مجلد نخست در سه بحث مقدماتی، به ویژگی‌های جامعه عرب جاهلی عصر نزول قرآن اشاره می‌کند؛ سپس به تاریخ قرآن در عصر نزول در مکه و مدینه و در نهایت به معنای اصطلاحات وحی و نزول، قرآن، کتاب و مصحف، سوره و آیه، تلاوت و قرائت، جامع و حافظ، و نسخ و امثال آن می‌پردازد و در مجلد دوم کتاب به بررسی روایات مکتب خلفا درباره قرآن وارد می‌شود (همان، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۹). در شش بحث نخست، روایات مختلف از روایات دال بر وقوع تحریف در قرآن تا روایات نزول قرآن بر هفت حرف، قرائت‌های بر ساخته و قاریان آنها، و نسخ و انسا در قرآن را بررسی کرده است. وی سپس ویژگی‌های جامعه اسلامی را در خلافت/ابوبکر و عمر، عثمان، علی بن ابی طالب علیه السلام، و در عصر خلافت بنی امیه و بنی عباس را بررسی کرده است؛ و در بحث هشتم، دیدگاه مستشرقان درباره قرآن و کتاب **فصل الخطاب** محدث نوری را مورد بررسی قرار داده است (همان، ص ۱۵).

ایشان مجلد سوم را به بررسی روایاتی که در مکتب اهل بیت علیهم السلام درباره قرآن نقل شده‌اند، اختصاص داده است (همان، ص ۹). از آنجاکه *احسان الهی* ظهیر روایات مکتب اهل بیت علیهم السلام درباره قرآن را از کتاب **فصل الخطاب** محدث نوری نقل کرده و طبق آنها تحریف قرآن را به شیعه نسبت داده، این مجلد در نقد کتاب *احسان الهی* ظهیر است (همان، ص ۱۳، ۱۴).

آثار مرحوم علامه عسکری، از جمله کتاب یادشده، تأثیر فراوانی در تحکیم مبانی شیعه و رفع شبهه‌ها و اتهام‌زدایی از شیعه داشته است. تأثیر کتاب‌های ایشان بر افکار مخالفان شیعه در آفریقا و شرق آسیا، از جمله در زمینه قرآن، معروف است. آیت‌الله *رضا استادی* با بیان اینکه در نوع کتاب‌های تألیف‌شده در زمینه رد اتهام تحریف به شیعه، بیشتر این اتهام را به صورت کلی پاسخ داده‌اند، نوشته‌اند که کتاب **القرآن الکریم و روایات المدرستین** تنها کتاب معروفی است که روایات مزبور را به صورت جزئی و تک‌به‌تک بررسی کرده است و «این خصوصیت، باعث شده که این کتاب گران‌قدر، بر دیگر کتاب‌ها و رساله‌ها برتری پیدا کند» (استادی، ۱۳۸۳، ص ۲۸).

۴. تک‌نگاری‌های خاص یا موضوعی علوم قرآنی اثرگذار

در سده اخیر و عمدتاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کتاب‌های بسیاری در باب یک مبحث خاص از مباحث علوم قرآن نگارش یافته است که در این محور برخی از مهم‌ترین آنها معرفی می‌شود.

۴-۱. المفسرون حیاتهم و منهجهم

سید محمدعلی *ایازی* در این کتاب بیش از صد تفسیر قرآن را به ترتیب حروف الفبا معرفی کرده است. ایشان در ابتدای کتاب، به تعریف مصطلحات متعدد مرتبط با روش‌های تفسیری، انواع تفسیر، گرایش‌های تفسیری و... می‌پردازد. وی در معرفی هر تفسیر، پس از ذکر مشخصات شناسنامه‌ای مؤلف آن و اشاره‌ای مختصر به زندگی وی، «مهم‌ترین آثار و تألیف‌های» او را ذکر می‌کند؛ سپس تفسیر مورد نظر را به صورت کلی معرفی و بعد «روش مفسر» را در آن تفسیر بیان کرده، بررسی‌های صورت‌گرفته در خصوص تفسیر مورد بحث را ذکر می‌کند.

این کتاب در زمینه معرفی تفاسیر و آثار مفسران نسبت به کتاب‌های دیگر به صورت تفصیلی تر عمل کرده و منبعی قابل اعتماد برای شناخت تفاسیر است. آیت‌الله معرفت در مقدمه‌ای بر کتاب، آن را ستوده و نوشته است: «مما یعجبنی من کتابه هذا هو شموله و احتواؤه علی خصوصیات من مؤلفین و مؤلفاتهم ما يجعل المراجع علی بصیرة تامة من الکتب و مؤلفیها فی ساحة التفسیر، و یبین منهج المؤلف و مذهبه و أسلوبه المتخذ فی تفسیره و ما إلى ذلك من خصوصیات تفید المراجع فائدة کبیرة فی الرجوع الی مثل تلك التفسیر» (ایازی، ۱۳۶۳، ص ۱۴). این تمجید را می‌توان نشان اثرگذار بودن آن شمرد.

۲-۴. روش‌شناسی تفسیر قرآن

کتاب توسط سه تن از قرآن‌پژوهان معاصر، علی‌اکبر بابایی، غلامعلی عزیزی‌کیا و مجتبی روحانی‌راد، زیر نظر استاد محمود رجبی در پنج فصل به سامان رسیده است. در فصل نخست، دو اصطلاح «تفسیر» و «تأویل» تعریف و تفاوت آن دو بررسی شده و در زمینه «علل نیازمندی به تفسیر» و «امکان و جواز تفسیر» سخن رفته است.

فصل دوم به «قواعد تفسیر» اختصاص یافته و هفت قاعده مورد نیاز در هنگام تفسیر آیات بیان و بررسی شده است. فصل سوم به «منابع تفسیر» پرداخته و منبعیت قرآن، روایات معصومان علیهم‌السلام، منابع لغوی، منابع تاریخی، عقل و دستاوردهای تجربی را در تفسیر بررسی کرده است. در فصل چهارم به بحث درباره «علوم مورد نیاز مفسران» و دلایل نیازمندی به این علوم پرداخته شده و فصل پنجم به «شرایط مفسر» اختصاص یافته است.

این کتاب یکی از کتاب‌های نظام‌مند در زمینه روش‌شناسی تفسیر قرآن است و علاوه بر اینکه از منابع مبحث روش تفسیر قرآن در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری است، در برخی مراکز علمی از منابع آزمون ورودی به مقطع ارشد نیز می‌باشد.

کتاب به دلیل اهمیت و اتقان مطالبش با «تحریری نوین به همراه تهذیب، تصحیح و تکمیل»، با عنوان **روش تفسیر قرآن** در قالب متن درسی برای دانشجویان رشته‌های علوم قرآنی و حدیث در مقاطع کارشناسی بازنویسی شده است (همان، ص ۴) و در برخی مراکز علمی در مقطع کارشناسی و گاهی در مقطع ارشد تدریس می‌شود.

برخی از دانشوران این کتاب را «مناسب‌ترین» اثر در بررسی اصول تفسیر دانسته (جواهری، ۱۳۸۸، ص ۷۷) و برخی نیز از آن به عنوان یکی از آثار قابل توجه امامیه در باب قواعد تفسیر یاد کرده‌اند (فاکر میبیدی، ۱۳۸۵، ص ۴۷). این شأن و شرایط و توصیفات، دال بر اثرگذاری این کتاب در مراکز عالی آموزشی و پژوهشی است.

البته استاد علی‌اکبر بابایی، مؤلف فصل دوم کتاب **روش‌شناسی تفسیر قرآن**، با تکمیل و تنقیح مطالب این فصل، آن را در قالب کتابی جدید با عنوان **قواعد تفسیر قرآن** در سالیان اخیر منتشر کرده است. ایشان با التفات به وجود برخی کاستی‌ها و خلأها در مطالب آن، بار دیگر محتوای آن فصل را با تأمل و دقت بازنگری کرده و با تکثیر قواعد و تفریع قواعدی جدید از قواعد کلی بیان شده در هر فصل، تقویت برخی استدلال‌ها و بیان مثال‌هایی جدید از تفسیر آیات، در رفع نقایص و تکمیل آن کوشیده است (همان، ص ۴).

۴-۳. مکاتب تفسیری

این کتاب تا کنون در سه مجلد توسط علی‌اکبر بابایی و با همکاری سیدیحیی میرجعفری، محسن سبزواری و غلامعلی عزیزی‌کیا سامان یافته است. جلد اول دو بخش دارد: بخش اول شامل مفهوم‌شناسی، دسته‌بندی مفسران و تفاسیر، جایگاه اهل‌بیت^{علیهم‌السلام} در تفسیر قرآن و کتاب‌های تفسیری منسوب به ایشان، مکتب تفسیری معصومان^{علیهم‌السلام} و مکتب تفسیری مفسران صحابه و مفسران تابعی است. بخش دوم به بررسی «مکتب روایی محض» اختصاص دارد. در جلد دوم به ترتیب «مکتب و تفسیرهای باطنی محض»، «مکتب اجتهادی و اقسام آن» و «مکتب و تفسیرهای اجتهادی قرآن به قرآن» بررسی شده است. جلد سوم کتاب نیز به ترتیب «مکتب تفسیری اجتهادی روایی»، «مکتب تفسیری اجتهادی ادبی» و «مکتب تفسیری اجتهادی علمی» را بررسی کرده است.

این کتاب از منابع مهم در شناخت روش‌ها و مکاتب تفسیری در مراکز آموزش عالی ایران است و از سوی سازمان سمت «برای دانشجویان رشته‌های علوم قرآنی برای درس "روش‌های تفسیری" تدوین شده است» (بابایی، ۱۳۸۱ب، ج ۱، ص ۴).

مؤلف در اقدامی دیگر «با بازنگری محتوای مکاتب تفسیری و حذف و اضافات و تنقیح و ویرایش مطالب»، مجلدات سه‌گانه کتاب را با افزودن برخی مکاتب جدید تفسیری «بازنگاری و به‌صورت متن آموزشی» برای «مقطع کارشناسی ارشد و دکتری» در دو مجلد سامان دادند (بابایی، ۱۳۹۱الف، ج ۱، ص ۲).

اهمیت و اثرگذاری اصلی این کتاب به جایگاه آن در نظام آموزش عالی کشور بر می‌گردد. همچنین برگزاری نشست نقد و بررسی کتاب در خبرگزاری قرآنی ایکننا (ر. ک: یعقوبیان و احتشامی‌نیا ۱۳۸۸) و نیز نشست علمی نقد آن از سوی انجمن قرآن‌پژوهی حوزه علمی قم (سایت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه) از نشانه‌های دیگر اثرگذاری این کتاب در مجامع علمی است.

۴-۴. تاریخ تفسیر قرآن

این کتاب در دو جلد توسط استاد علی‌اکبر بابایی تألیف شده است. جلد اول به تاریخ تفسیر از عصر رسالت تا پایان عصر غیبت صغری (۳۲۹ق) می‌پردازد و جلد دوم به معرفی تفاسیر، مفسران و تطورات تفسیری قرون چهارم، پنجم و ششم هجری قمری اختصاص دارد و البته به‌طور ضمنی به ویژگی‌های کتاب‌های تفسیری، وضعیت تفسیر در دوره‌های مختلف، تطورات مکاتب و روش‌های مختلف تفسیری نیز اشاراتی دارد.

کتاب از آثار مهم در زمینه شناخت تفاسیر و مفسران است و «به‌عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته‌های الهیات، گرایش علوم قرآن و حدیث، در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد» لحاظ شده است (بابایی و دیگران، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۱). اعتبار آکادمیک و مرجع و منبع بودن آن، وجه اصلی اثرگذاری کتاب است. همچنین برگزاری نشست علمی در نقد و بررسی این کتاب با حضور برخی اساتید حوزه علمی قم می‌تواند از شواهد دیگر اثرگذاری آن در مجامع علمی باشد (ر. ک: سایت خبرگزاری رسا).

هـ-۴. آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری

این کتاب در دو مجلد فراهم آمده و حاصل «پژوهشی گروهی» است که «به بررسی، تجزیه و تحلیل آن دسته از رویکردهای تفسیری می‌پردازد که در گذر زمان و تحت تأثیر شرایط و زمینه‌های قابل تحقیق، به روندی اثرگذار در حوزه اندیشه‌های دینی تبدیل شده است» (اسعدی و همکاران، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲). پرسش درباره پیشینه‌ها و زمینه‌های هر جریان و مؤلفه‌های آن، و آسیب‌های مبنایی و روشی و پیامدهای آن (آسیب‌های غایی)، سؤال‌های اصلی و محوری این تحقیق در هر بخش هستند. کتاب «در راستای پاسخ تفصیلی به پرسش‌های یادشده، سه هدف زیر را دنبال می‌کند: ۱. بازشناسی آسیب‌پذیری‌ها و آفت‌آفرینی‌های جریان‌های مهم تفسیری؛ ۲. بررسی و تحلیل آسیب‌ها و علل و عوامل و ریشه‌های آن؛ ۳. فراهم‌سازی بستر مناسب برای روش‌های کارآمد، صحیح و جامع در فهم و تفسیر» (همان).

مجلد نخست کتاب دارای هفت بخش به ترتیب زیر است: ۱. منطق تفسیر قرآن؛ ۲. جریان روایت‌گرو؛ ۳. جریان سلفیگری؛ ۴. جریان باطنی؛ ۵. جریان صوفی عرفانی؛ ۶. جریان قرآن‌گرایی افراطی؛ ۷. جریان تفسیر علمی. مجلد دوم کتاب با بخش هشتم آغاز می‌شود و تا بخش شانزدهم با این ترتیب ادامه می‌یابد: ۸. جریان تفسیر معتزلی؛ ۹. جریان تفسیر اشعری؛ ۱۰. جریان تفسیر فقهی؛ ۱۱. جریان تفسیر ادبی سنتی؛ ۱۲. جریان تفسیر ادبی معاصر؛ ۱۳. جریان‌شناسی تفسیر فلسفی؛ ۱۴. جریان تفسیر اجتماعی عقلی؛ ۱۵. جریان روشنفکری التقاطی ایران در تفسیر قرآن؛ ۱۶. جریان هرمنوتیک در تفسیر قرآن.

این کتاب که بسیاری از اساتید و پژوهشگران حوزوی قم در طراحی، اجرا، نظارت و ارزیابی آن نقش داشته‌اند (اسعدی و همکاران، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳-۴)، از آثار مهم در زمینه شناخت آسیب‌های جریان‌های تفسیری است و به‌عنوان منبع اصلی درس «روش‌ها و مکاتب تفسیری» در سطوح تحصیلات تکمیلی آموزش عالی تعریف شده است (همان، ص ۴). بنابراین اعتبار آکادمیک آن دلیل بر اثرگذاری آن می‌باشد. به‌علاوه، معرفی و نقد این اثر از سوی برخی پژوهشگران حوزه تفسیر و علوم قرآن با فاصله اندکی از انتشار آن، خود نشان دیگری از تأثیرگذاری آن است (ر. ک: جلیلی، ۱۳۹۰؛ ولایتی، ۱۳۹۵).

نتیجه‌گیری

در سده اخیر، به‌ویژه بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، حوزه علمیة قم در زمینه علوم قرآن فعالیت شایان توجهی داشته است. دانشمندان اصول فقه علاوه بر تبیین و تنقیح اصول عقلائی فهم متن، به برخی مباحث علوم قرآن، به‌ویژه قرائات قرآن، تحریف‌ناپذیری قرآن و بطن قرآن، اهتمام ورزیده‌اند. در کتاب‌های کلامی سده اخیر نیز برخی مباحث علوم قرآنی، به‌ویژه مباحث مرتبط با اعجاز قرآن، بررسی شده است. در کتاب‌های فقهی نیز به تناسب بحث قرائت نماز، برخی جوانب مبحث قرائات قرآن مورد توجه قرار گرفته است.

مفسران قرآن کریم نیز در سدهٔ اخیر در مقدمهٔ تفاسیر یا مطاوی تفسیر به برخی مباحث علوم قرآن پرداخته‌اند که برخی از آنها ده فصل را شامل می‌شود.

کتاب‌های مستقل متعددی نیز در موضوعات متنوع علوم قرآنی به‌منصهٔ ظهور رسیده‌اند که برخی از آنها تلاش کرده‌اند همهٔ موضوعات علوم قرآن را در خود جای دهند (کتاب‌های جامع)؛ برخی چندین موضوع علوم قرآن را شامل می‌شوند (کتاب‌های نسبتاً جامع) و برخی یک موضوع علوم قرآنی را بررسی کرده‌اند (تک‌نگاری‌ها). بدین‌سان روشن می‌شود که علوم قرآن یکی از زمینه‌های تحقیق و بررسی در سدهٔ اخیر در حوزهٔ علمیهٔ قم بوده است و حوزیان در سطوح مختلف، اهتمام شایسته‌ای به مباحث این حوزهٔ اندیشه‌ورزی داشته‌اند.

منابع

- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمدبن علی، ۴۱۴ق، *الاعتقادات*، چ دوم، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید. استادی، رضا، ۱۳۸۳، *آشنایی با تفاسیر*، چ ۲، قم، قدس.
- اسعدی، محمد و دیگران، ۱۳۸۹، *آسیب شناسی جریان های تفسیری*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. اشتهازادی، علی بناه، ۱۴۱۷ق، *مدارک العروة*، تهران، دار الاسوه.
- الهی، عباس، ۱۳۸۹، *علوم قرآنی در تفسیر المیزان*، قم، نشر زائر.
- ایازی، سیدمحمدعلی، ۱۳۷۳، *المفسرون حیاتهم و منهجهم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بابایی، علی اکبر و دیگران، ۱۳۹۹، *تاریخ تفسیر قرآن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❖.
- بابایی، علی اکبر، ۱۳۹۱الف، *بررسی مکاتب و روش های تفسیری*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- _____، ۱۳۸۱ب، *مکاتب تفسیری*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- باقری، علی اوسط، ۱۳۹۹، *نقش پیش دانسته ها و علایق مفسر در تفسیر قرآن*، چ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بروجردی، سیدحسین، ۱۴۱۵ق، *نهایة الأصول*، تهران، تفکر.
- جزائری، سیدحمید و همکاران، ۱۳۹۸، «بررسی تطبیقی شکل گیری مصحف از منظر آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله معرفت»، *مطالعات قرآنی*، ش ۱۳، ص ۳۵-۶۲.
- جلیلی، سیدهدایت، ۱۳۹۰، *تقدی بر کتاب «آسیب شناسی جریان های تفسیری»*، *آینه پژوهش*، ش ۱۲۷، ص ۲۴-۲۹.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶، *تسنیم*، چ ششم، قم، اسراء.
- جواهری، محمدحسن، ۱۳۸۸، *درس نامه*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حائری یزدی، عبدالکریم، ۱۴۰۴ق، *کتاب الصلاة*، قم، حوزه علمیه قم.
- حکیمی رکن آبادی، ابوالفضل، ۱۳۹۳، *بررسی دیدگاه های آیت الله جوادی آملی در علوم قرآنی*، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد.
- موسوی خمینی، سیدروح الله، ۱۴۲۳ق، *تهذیب الأصول*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ❖.
- داوری، احد و سعیده آقایی اقدم و حمیده شفیعی، ۱۳۹۴، «عجاز علمی قرآن در اندیشه آیت الله جوادی آملی»، *معارض*، ش ۱، ص ۱۱۳-۱۳۳.
- رجبی، محمود، ۱۳۸۳، *روش تفسیر قرآن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سبحانی، جعفر، ۱۴۲۶ق، *الالهیات علی هدی الكتاب و السنة و العقل*، چ ششم، قم، مؤسسه الامام الصادق ❖.
- صالحی کرمانی، محمدرضا، ۱۳۶۹، *درآمدی بر علوم قرآنی*، تهران، جهاد دانشگاهی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمية.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۵، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصرخسرو.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۰۶ق، *الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد*، بیروت، دار الاضواء.
- _____، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عسکری، سیدمرتضی، ۱۳۷۸، *القرآن الکریم و روایات المدرستین الكتاب الثالث مناقشة ما زعمه الاستاذ احسان الیهی ظهیر «الف حدیث شیعی فی تحریف القرآن» و بیان زیف ما ادعاه*، دانشکده اصول دین.
- علامه فانی، سیدعلی، ۱۴۱۱ق، *آراء حول القرآن*، بیروت، الهادی.
- فاضل لنکرانی، محمد، ۱۳۸۱، *اصول فقه شیعه*، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار ❖.
- _____، ۱۳۹۶ق، *مدخل التفسیر*، طهران، مطبعة الحیدری.
- فاکر میبیدی، محمد، ۱۳۸۵، *قواعد التفسیر لمدی الشیعة و السنة*، تهران، المجمع العالمی للتقرب بین المذاهب الإسلامية.
- لسانی فشارکی، محمدعلی، ۱۳۶۰، *شرح فشردهای بر مقدمه تفسیر المیزان*، تهران، نهضت زنان مسلمان.
- مرکز الثقافه و المعارف القرآنیة، ۱۳۷۴، *علوم القرآن عند المفسرین*، قم، مکتب الإعلام الإسلامی.

مروتی، سهراب و سیده راضیه پورمحمدی، ۱۴۰۰، «بازشناسی معنای «تأویل» بر اساس آیه ۷ سوره آل عمران با رویکرد تحلیلی بر نظرات آیت‌الله جوادی آملی»، *پژوهش‌نامه تأویلات قرآنی*، ش ۶، ص ۷۷-۹۰.

مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۸، *قرآن‌شناسی*، تحقیق محمود رجبی، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی و پژوهشی امام خمینی *.

مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲، *مجموعه آثار*، چ هشتم، تهران، صدرا.

معرفت، محمدهادی، ۱۴۲۹ق، *التفسیر الاتری الجامع*، قم، مؤسسه التمهید.

_____، ۱۴۱۵ق، *التمهید فی علوم القرآن*، چ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم.

_____، ۱۴۲۸ق، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، مؤسسه التمهید.

_____، ۱۳۸۲، *تاریخ قرآن*، تهران، سمت.

مقدس، حسین و جواد کارخانه، ۱۴۰۰، «بررسی و تحلیل ویژگی‌های اعجاز در پرتو اندیشه‌های قرآنی علامه جوادی آملی»، *مطالعات قرآنی*، ش ۴۷، ص ۵۳۷-۵۶۴.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۸ق، *انوار الاصول*، چ دوم، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب *.

ملکیان، محمدباقر، ۱۳۸۸، *علوم قرآن در تفسیر المیزان و آثار علامه طباطبائی*، تهران، اسوه.

میرمحمدی زرندی، سیدابوالفضل، ۱۴۲۰ق، *بحوث فی تاریخ القرآن و علومه*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.

نجاززادگان، فتح الله و فاطمه نجاززادگان، ۱۳۹۸، «ارزیابی ادعای آلوسی در باب نسبت تحریف قرآن به شیعه از منظر آیت‌الله فاضل لنکرانی»،

مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، ش ۱۳، ص ۷-۳۳.

نصیری، علی، ۱۳۸۷، *معرفت قرآنی (یادنگار آیت‌الله محمدهادی معرفت)*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

ولایتی، مریم، ۱۳۹۵، «گذری بر کتاب «اسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری و نقد آن»، *علوم قرآن و حدیث*، ش ۵، ص ۳۳-۴۲.

یعقوبیان، ابراهیم و محسن احتشامی نیا، ۱۳۸۸، «گزارش نشست نقد و بررسی کتاب مکاتب تفسیری»، *کتاب ماه دین*، ش ۱۴۱، ص ۳-۱۷.


<https://rihu.ac.ir/fa/news>

<https://rasanews.ir/fa/news>

نوع مقاله: پژوهشی

حاکمیت دینی در اندیشه و آثار تفسیری عالمان حوزه علمیه قم در سده اخیر*

محمدجواد نوروزی فرانی / استاد گروه علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

Mohamadjavadnoroz@yahoo.com  orcid.org/0000_0003_1443_0266

دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵ - پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

چکیده

این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی اندیشه و رهاورد تفسیری عالمان اسلامی معاصر حوزه علمیه قم (سده چهاردهم شمسی) در موضوع «حاکمیت دینی» را بررسی کرده است. هدف پژوهش حاضر تبیین حاکمیت دینی در اندیشه و آثار تفسیری این اندیشوران و بیان موضع آنان در این باره است. بدین منظور به بازیابی، تحلیل و تبیین دستاوردهای تفسیری این متفکران ذیل شاخص‌های شش‌گانه حاکمیت دینی پرداخته است: ۱. حاکمیت دینی به‌مثابه حاکمیت عدالت و ارزش‌ها؛

۲. پیوستگی دین و سیاست؛ ۳. ضرورت حکومت؛ ۴. مشروعیت حکومت؛ ۵. مردمی بودن حکومت؛ ۶ ساختار حکومت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حاصل اندیشه‌ورزی عالمان اسلامی معاصر حوزه علمیه قم در تفسیر آیات مربوط به حاکمیت دینی، دارای دو وجه ایجابی و سلبی است. در وجه سلبی رهاورد تفسیری این اندیشمندان عبارت است از: مناقشه و نقد و نفی مشروعیت نظام سیاسی و بنیان‌های حاکمیت طاغوتی؛ و در وجه ایجابی دستاورد تفسیری این اندیشوران عبارت است از: تبیین مؤلفه‌های حاکمیت دینی و الهی و تشریح ابعاد آن، به‌ویژه در عصر غیبت معصوم.

کلیدواژه‌ها: حاکمیت دینی، سیاست و حکومت، تفسیر آیات سیاسی قرآن، حوزه علمیه قم، سده چهاردهم.

ورود حوزه علمیه قم در قرن چهاردهم هجری شمسی به عرصه‌های گوناگون حیات اجتماعی با وجود سیطره حاکمیت طاغوتی پهلوی در ایران، بازتاب‌های گوناگونی برای مردم ایران و نیز دانش‌های دینی رایج حوزه‌های علمیه، از جمله فقه و تفسیر قرآن داشت. دگرگونی در دینداری مردم و گسترش مطالعات اسلامی به عرصه سیاست و حکومت را می‌توان از جمله دستاوردهای عام این حرکت حوزه قم برشمرد. در ایران معاصر با اینکه رژیم پهلوی آشکارا درصدد حاکمیت سکولاریسم، بلکه بی‌دینی در جامعه بود، حوزه‌های علمیه به‌رغم فشارهای سیاسی و اجتماعی، در جهت رسالت الهی و دینی خود، در زمینه تقویت بنیان‌های دینی و گسترش دینداری جامعه ایران، بلکه جهان اسلام کوشیدند. راهبرد نظام طاغوتی «حذف دین از کلیه مناسبات سیاسی اجتماعی جامعه» بود؛ اما حوزه علمیه قم و اندیشمندان برجسته آن راهبرد «تحقق حاکمیت دینی» را در ایران و جوامع اسلامی شیعی پی گرفتند. یکی از پیامدهای این راهبرد اساسی، تلاش وافر علمی متفکران معاصر حوزه علمیه قم در بررسی موضوع «حاکمیت دینی» و تبیین ابعاد و کمّ و کیف آن براساس آموزه‌های قرآن و روایات بود. این تلاش را می‌توان در گسترش مطالعات سیاسی دینی و تألیف آثار تفسیری فاخر با رویکرد سیاسی و اجتماعی در سده اخیر مشاهده کرد. مقوله «حاکمیت دینی» علاوه بر اینکه از پایه‌های اساسی اندیشه اسلامی است، اما توجه ویژه به آن در دوره معاصر متأثر از برخی عوامل فکری، سیاسی و اوضاع و احوال فرهنگی جامعه ایران و کشورهای اسلامی بوده است. در ایران معاصر مسئله «حاکمیت دینی»، به‌ویژه پس از نهضت مشروطه به مقوله‌ای مهم و درخور توجه تبدیل شد.

مقاله پیش‌رو ناظر به موضوع «سیاست و حکومت در قرآن» است و آن را از خلال دستاوردهای تفسیری عالمان معاصر حوزه علمیه قم در مقوله «حاکمیت دینی» تحلیل و تبیین کرده است. شیوه مطالعه و گردآوری اطلاعات در این مقاله اسنادی است و از حیث حل مسئله، روش آن «توصیفی - تحلیلی» است؛ یعنی آثار تفسیری اندیشوران معاصر حوزه در مقوله «حاکمیت دینی» ذیل شاخص‌های شش‌گانه‌ای که ذکر خواهد شد، توصیف و تحلیل گردیده است.

تا آنجا که نویسنده اطلاع دارد، مسئله «حاکمیت دینی» از حیث قرآنی و تفسیری در اندیشه عالمان معاصر حوزوی با این نگاه بررسی نشده است، اگرچه اندیشه‌های سیاسی برخی از این عالمان، به صورت مجزا در قالب مقاله یا پایان‌نامه از سوی تعدادی از پژوهشگران واکاوی شده است. بنابراین اثری در بررسی دیدگاه و رهاورد تفسیری اصلی‌ترین متفکران معاصر حوزه علمیه قم در موضوع «حاکمیت دینی» - به‌مثابه یک مجموعه - یافت نشد و بدین‌رویی نیاز از پژوهش‌های جدید در این‌باره نیستیم.

پیش از ورود به محورهای اصلی بحث لازم است برخی از مفاهیم و مقولات پژوهش حاضر تبیین گردد و به شاخص‌های حاکمیت دینی به صورت گذرا اشاره شود.

۱. بررسی مفاهیم

این پژوهش با سه مفهوم اساسی سروکار دارد که فهم مباحث پیش‌رو متوقف بر درک درست آنهاست: ۱. حاکمیت دینی؛ ۲. اندیشه و آثار تفسیری؛ ۳. حوزه علمیة قم.

۱-۱. «حاکمیت دینی»

«حاکمیت» در دانش سیاسی بیانگر اقتدار یک نظام سیاسی در جهت تحقق قواعد و مقررات در عرصه جامعه و استقلال از بیگانه است. در دانش سیاسی و حقوق، «حاکمیت» عبارت از قدرت برتر فرماندهی یا امکان اعمال اراده‌ای فوق اراده‌های دیگر است؛ بدین معنا که در حوزه اقتدارش دارای نیرویی است خودجوش که از نیروی دیگری بر نمی‌خیزد و قدرت دیگری که بتواند با او برابری کند، وجود ندارد (قاضی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۰). «حاکمیت دینی» تدبیر امر جامعه براساس دین است. در منطق قرآن کریم «حاکمیت دینی» در مقابل «حاکمیت طاغوتی» قرار دارد.

طبعاً مسئله حاکمیت به‌گونه‌ای ژرف با فلسفه مشروعیت حکومت ارتباط و بستگی دارد. به دیگر سخن، چگونگی منشأ حاکمیت به‌گونه‌ای است که به حکومت مشروعیت نیز می‌بخشد. در این مفهوم، «حاکمیت» مفهومی سیاسی است که به حاکم در چارچوب حکومت اقتدار و مشروعیت می‌بخشد. بر این اساس حاکمیت ملی و یا با منشأ مردم یکی از مهم‌ترین اصولی است که ریشه در انقلاب فرانسه دارد (ویژه، ۱۳۸۵)؛ چنان که حاکمیت بر مبنای خواست الهی و تحقق ارزش‌های دینی یکی از مهم‌ترین اصول برگرفته از انقلاب اسلامی در ایران است. در جامعه‌ای که دین مبنای رفتار سیاسی قرار گیرد، در تمام ساحت‌های اداره جامعه - اعم از تقنین، اجرا و قضاوت - مرجعیت امر جامعه به دین سپرده می‌شود. نتیجه این امر آن است که دولت دینی نهادهای گوناگون خود را در قبال تحقق جامعیت دین متعهد می‌داند. بر این اساس، هر حکومتی به اتکای حاکمیت خود حکم می‌راند؛ زیرا ارکان و نهادهای حکومتی همه تصمیم‌ها و تدبیرها را از مشروعیت حق حاکمیت آن حکومت و دولت کسب می‌کند (واعظی، ۱۳۸۶، ص ۳۱-۳۲). بر این اساس، حاکمیت دینی به‌مثابه حاکمیت عدالت، انصاف و ارزش‌های الهی بر مجموعه انسان است؛ حاکمیتی که هدف آن آبادانی جسم و جان، عواطف و اخلاق انسانی، دنیا و آخرت بر مبنای ارزش‌های توحیدی است. در عرصه سیاسی هدف چنین حاکمیتی تحقق دولتی به نام «اسلام» است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۳/۶/۴).

۱-۲. «اندیشه و آثار تفسیری»

«اندیشه و آثار تفسیری» به تأملات نظری و علمی در حوزه تفسیر آیات و تألیف و تدوین آنها در قالب کتاب یا مقاله یا مجموعه درس‌گفتارهایی با موضوع «تفسیر قرآن» گفته می‌شود و در این مقاله منظور از «آثار تفسیری» تألیفاتی است که عالمان حوزه قم در قرن اخیر در مسئله حاکمیت دینی و به صورت عام‌تر در مقولات سیاست و حکومت از منظر قرآن به‌عنوان تألیف تفسیری نگاشته و تولید کرده‌اند، خواه به‌مثابه تفسیر هریک از آیات مرتبط با

این موضوع در درون یک اثر کامل تفسیری یا در لابه‌لای تفسیر یک سوره خاص از قرآن و خواه در قالب بررسی موضوعی آیات مرتبط با سیاست و حکومت در قرآن که از آن به «تفسیر موضوعی» یاد می‌شود.

اما مهم‌ترین آثار و تفاسیری که در مسئله «حاکمیت دینی» مد نظر این مقاله قرار گرفته و در این پژوهش از آنها استفاده شده، به شرح ذیل است:

۱. *المیزان فی تفسیر القرآن*، علامه سیدمحمدحسین طباطبائی (م ۱۳۶۰):

۲. *تفسیر نمونه*، آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی و گروهی از فضلاء حوزه علمیه قم؛

۳. *معارف قرآن*، آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی؛

۴. *مفاهیم القرآن*، آیت‌الله جعفر سبحانی؛

۵. *تسنیم در تفسیر قرآن کریم*، آیت‌الله عبدالله جوادی آملی.

۱-۳. «حوزه علمیه قم»

منظور از «حوزه علمیه قم» مؤسسه و نهاد آموزشی و پژوهشی دینی مستقر در شهر قم است که سابقه‌ای بیش از هزار سال دارد که در قرن اخیر از سوی آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی در سال ۱۳۰۰ تجدید حیات شده است. گرچه این بازتأسیس با کودتای رضاخان و سیطره استبداد سلسله پهلوی در ایران مصادف بود، اما با درایت و تدبیر آیت‌الله حائری، نقطه عطفی در وضع و فعالیت حوزه علمیه قم از نظر کمی و کیفی به وجود آمد و این مؤسسه عظیم و وزین علمی بستر تربیت متفکرانی برجسته و تألیف آثاری گرانسنگ در همه موضوعات علوم اسلامی شد.

پس از رحلت آیت‌الله حائری در دوره «فترت» تا ورود آیت‌الله بروجردی به قم، اداره حوزه علمیه قم بر عهده علمای ثلاث (حضرات آیات عظام حجت کوه‌کمری، خوانساری و صدر) قرار گرفت (شمس و دیگران، ۱۳۸۳، ص ۱۰۶) و با مهاجرت آیت‌الله بروجردی به حوزه قم، به تدریج دوران بالندگی حوزه علمیه قم آغاز شد و پس از رحلت آیت‌الله بروجردی با شروع نهضت امام خمینی علیه السلام و پیروزی آن، دوران شکوفایی و محوریت و مرجعیت حوزه علمیه قم برای گسترش علوم اسلامی به اقصا نقاط عالم رقم خورد. منظور از «حوزه علمیه قم» در این مقاله تنها مقطعی از حیات آن است که از زمان بازتأسیس آن در آغاز سده چهاردهم تا به امروز را دربر می‌گیرد که برابر با کل قرن اخیر شمسی است.

۲. شاخص‌های حاکمیت دینی

حاکمیت دینی دارای شاخص‌های ذیل است:

۲-۱. حاکمیت دینی به‌مثابه حاکمیت عدالت و ارزش‌های الهی

حاکمیت دینی در مقابل حاکمیت طاغوتی به دنبال اقامه دین و حاکمیت قسط و عدالت است: «لیقوم الناس بالقسط» (حدید: ۲۵).

۲-۲. پیوستگی دین و سیاست

مؤلفه مهم حاکمیت دینی پیوستگی دین و سیاست است. مطابق این مؤلفه، دین در واقعیت زندگی مردم تأثیرگذار است و هدف بعثت پیامبران دین و دنیا و اداره زندگی مردم و تحقق جامعه‌ای براساس ارزش‌های الهی است: «أَنِ أٰیْمُوا الدِّیْنَ وَ لَاتَتَفَرَّقُوا فِیْهِ» (شوری: ۱۳).

۲-۳. ضرورت حکومت

شاخص دیگر حاکمیت دینی تأکید بر ضرورت تشکیل حکومت و ایجاد نظام سیاسی در جهت اداره جامعه با توجه به سه رکن اساسی آن یعنی «تقنین»، «اجرا» و «قضات» است.

۲-۴. مشروعیت الهی

شاخص دیگر حاکمیت دینی «مشروعیت الهی» است. «مشروعیت» به معنای حقانیت، بیانگر این نکته است که حاکمیت از مبدأ الهی نشئت می‌گیرد و مبتنی بر تحقق قانون الهی و فرمانبرداری از حاکمی است که خداوند او را برای مدیریت جامعه نصب کرده است. بر این اساس خاستگاه و منشأ حاکمیت خداوند است و همه اجزای حاکمیت دینی باید در راستای مشیت و خواست الهی گام بردارند. اسلام مجرای تحقق ولایت الهی است که این امر به پیامبر اکرم ﷺ و پس از او به ائمه اطهار^(ع) و در عصر غیبت به فقها واگذار شده است.

۲-۵. مردمی بودن

شاخص مهم دیگر حاکمیت دینی مردمی بودن حکومت است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۹/۲/۱). تدین و اعتقاد مردم به دین مقتضی شکل‌گیری حکومت دینی در کشور است و خواست مردم مبنای وجود حکومت دینی در کشور بوده و بدون بیعت مردم حاکمی سرکار نخواهد آمد (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۷/۱۲/۴).

۲-۶. ساختار حکومت

یکی دیگر از شاخص‌های حاکمیت دینی ساختار حکومت است. معمولاً ساختار یک نظام سیاسی یا حکومت به مجموعه‌ای به هم پیوسته از فعالیت‌های سیاسی گفته می‌شود که شمار بزرگی از کارگزاران آن نظام یا حکومت با هدف خاصی تعهد کرده‌اند آن را انجام دهند. نوع ساختار حکومت‌ها برحسب نوع عناصر تشکیل‌دهنده عوامل و کارگزاران و اهداف و تعهداتشان متفاوت است. از این رو ساختار حکومت دینی با ساختار حکومت «سکولار» یا «لائیک» یکی نیست.

۳. رهاوردهای تفسیری متفکران معاصر حوزه قم در باب حاکمیت دینی

پیش از این شش شاخص اساسی را برای حاکمیت دینی برشمردیم. اکنون براساس آن شاخص‌ها، با استناد به آثار و تفاسیر قرآنی اندیشوران حوزه علمیة قم در دوره معاصر، به بیان و تحلیل رهاوردهای تفسیری آنان در باب حاکمیت دینی می‌پردازیم:

۳-۱. حاکمیت دینی به‌مثابه حاکمیت عدالت، و ارزش‌های الهی

فلسفه وجود حاکمیت در جوامع، ساماندهی زندگی اجتماعی است. متناسب با ساخت وجودی انسان، کارویژه‌هایی برای حاکمیت دینی تعریف شده است. انسان نیازمند هویت‌یابی جمعی بر پایه دین و ارزش‌های توحیدی یا الگوهای دیگری است که امروزه در قالب ایدئولوژی‌های سیاسی مطرح‌اند (راش، ۱۳۹۵، ص ۱۰۵).

از منظر علامه طباطبائی دین شیوه زندگی است که براساس آن باورها، ملکات نفسانی و رفتارها شکل می‌گیرد (طباطبائی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۲، ص ۳۶۵). «دین» به منای عام، همه ادیان را دربر می‌گیرد (همان، ج ۸، ص ۱۳۴). اما دین واقعی دغدغه درستی مسیر زیستن و سعادت واقعی را دارد (همان، ج ۷، ص ۱۹۲).

پس دین حقیقی از نظر علامه طباطبائی، همان روش پیموده‌شده‌ای است که هدف از آن رسیدن به سعادت حقیقی است. مطابق تعریف یادشده از «دین» می‌توان دریافت که اولاً، واژه «دین» اختصاص به دین حق ندارد، بلکه واقعیتی در زندگی بشر است که می‌تواند حق و یا باطل باشد. ثانیاً، دین امری ضروری در زندگی است؛ زیرا همگان بر یک شیوه خاص زندگی می‌کنند.

دین به‌مثابه یک واقعیت گسترده، بر تمام ابعاد زندگی بشر سایه افکنده است. دین - چه حق و چه باطل - دارای ساختاری است که عرصه‌های گوناگون زندگی را دربر می‌گیرد. از نظر علامه طباطبائی، اسلام مشتمل بر معارف، اخلاق و قوانین عملی شیوه زندگی است. به تعبیر ایشان:

ان لهذا الدین اصلاً فی الکنون و الخلقه و الواقع الحق، یدعو الیه النبی ﷺ و یندب الناس الی الاسلام و الخضوع له و یرسمی اتخاذه سته فی الحیاة، اسلاماً لله تعالی (طباطبائی، ۱۴۳۰ق، ج ۹، ص ۲۴۱).

شاخص مهم «حاکمیت سیاسی»، چه دینی و با درونمایه اسلام و یا غیردینی، اعم از ایدئولوژی‌های مختلف فردگرایی (لیبرالیسم) یا جمع‌گرایی (سوسیالیسم) و یا دیگر ایدئولوژی‌ها، هویت‌یابی سیاسی است. تجلی این امر در سه عرصه اساسی حائز اهمیت است:

۱. مجموعه باورهای شهروندان و اینکه چگونه می‌اندیشند؛ ظهور خارجی این باورها نظریه «حاکمیت سیاسی» است که نظریه «ولایت فقیه» در عصر غیبت نقطه مرکزی آن در جمهوری اسلامی ایران است.

۲. مجموعه قواعد و مقرراتی که با هدف نظم سیاسی در هر جامعه‌ای نشئت‌گرفته از حاکمیت است. با پذیرش زندگی اجتماعی وجود قانون ضرورت می‌یابد. انتخاب این نظام ارزشی در باب ضرورت مقایسه میان مکاتب حقوقی امر مهمی است. یک مسئله مهم مطرح‌نظر مفسران اسلامی مقایسه مکاتب حقوقی، از جمله مکتب «حقوق طبیعی»، مکتب «حقوق اثبات‌گرایانه» و مکتب و نظام حقوقی اسلام است (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۷۸-۷۹).

آیت‌الله مصباح یزدی در باب ضرورت وجود قانون، ارزش‌ها، حقوق و قواعد حقوقی در جامعه معتقد است: بشر موجودی اجتماعی است، هرچند در اجتماعی بودن آن میان فلاسفه اجتماعی و حقوق اختلافات فراوانی بروز کرده است. ایشان از سوی دیگر معتقد است: در زندگی اجتماعی تراحم‌ها و اختلاف‌هایی به وجود می‌آید و لازمه رفع آنها

قانون و تبعیت از نظام ارزشی است (همان، ص ۵۰-۵۳). به اعتقاد ایشان انسان هرچند رشد عقلی پیدا کند، قادر به رفع این اختلافها و تزاخمها نیست. از این رو برای رفع آنها نیازمند دولت و نظام سیاسی است.

۳. سبک زندگی و چگونگی کنشگری شهروندان در عرصه‌های گوناگون حیات، ناشی از حاکمیت قانون و ارزش‌های الهی است که به‌مثابه دیگر شاخص حاکمیت دینی مدنظر قرار می‌گیرد. *آیت‌الله مصباح یزدی* پس از طبقه‌بندی احکام اجتماعی قرآن و اسلام به دو دسته احکام «دستوری» و «توصیفی» و توجه دادن به اینکه احکام دستوری اسلام ریشه در مصالح و مفاسد نفس‌الامری دارد، به تبیین مفهوم «عدالت» به‌مثابه مفهومی اساسی در نظام ارزشی اسلام و به‌مثابه یکی از اهداف حاکمیت دینی پرداخته و ضمن مقایسه مکاتب گوناگون در تبیین مفهوم «عدالت» و اینکه آنچه در باب عدالت اهمیت دارد مصادیق عدالت است، تفاوت بنیادین نظام حاکمیت دینی را با حاکمیت غیردینی و سکولار تبیین نموده است (همان، ص ۴۳-۴۹).

ایشان در این زمینه مبانی حقوق یا ملاک‌های احکام حقوقی را مطرح ساخته و معتقد است: هر فعل اختیاری که از انسان سر می‌زند برای رسیدن به هدفی است. ایشان اهداف را به «ذاتی» و «غیری» طبقه‌بندی کرده و معتقد است: نظام حقوقی نیز که مجموعه احکام و مقررات اجتماعی را تشکیل می‌دهد، دارای هدفی است. در این میان، تأمین سعادت انسان در زندگی اجتماعی هدفی متوسط در جهت نیل به مطلوبیت ذاتی است. از این رو معتقد است: از نظر اسلام سعادت انسان در زندگی این جهان در جهت هدف فراتری، یعنی تقرب به خداوند قرار دارد که غایت نهایی افعال انسانی است. بر این اساس تمایز حاکمیت دینی بر پایه نظام حقوقی معنا می‌یابد. تأمین سعادت در زندگی اجتماعی وسیله‌ای برای رسیدن به کمال حقیقی انسان است که همان قرب الهی باشد.

ایشان معتقد است: «سعادت اجتماعی» مفهومی کلی است و برای تبیین آن باید به سراغ ملاک‌های احکام دین رفت که در این زمینه ایشان ملاک‌های گوناگونی را برمی‌شمارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۶۲-۶۵).

در میان مقوله‌های ارزشی که در حاکمیت دینی مدنظر است، عدالت امری مهم است که در قرآن به‌منزله یکی از اهداف بعثت پیامبران قلمداد شده است (حدید: ۲۵).

علامه طباطبائی عدالت اجتماعی را از مقتضیات اولیه طبیعت انسان می‌داند و رعایت عدل و داد و تساوی حقوق افراد را امری ضروری می‌شمارد، و از اینکه پیوسته جریان اعمال زور و قدرت، تحمیل زبردستان بر زبردستان، له شدن ناتوانان در چنگال توانایان و بندگی و ذلت طبقه ضعیف برای رسیدن طبقه نیرومند به مطامع و مقاصد خودشان در اجتماع انسانی ادامه دارد، رنج می‌برد (طباطبائی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۱۱۷).

از منظر علامه طباطبائی در بحث «عدالت» طبع انسان تمایل دارد که هر چیزی در جای خود باشد. علامه معتقد است: اسلام مصالح عامه را در نظر می‌گیرد و کلیه قوانین (از قبیل احتکار، انفاق و مالکیت) را بر این اساس طراحی کرده است (طباطبائی، ۱۴۳۰ق، ج ۹ ص ۲۵۰-۲۵۱).

یکی از ویژگی‌های مهم دین اسلام «جامعیت» آن است که مقبول متفکران اسلامی قرار گرفته است. از مباحث و موضوعات گوناگونی در قرآن کریم بحث شده که نشان‌دهنده گستردگی مباحث و عمق ولای معارف آن است. یکی از مباحثی که در قرآن کریم به آن اهمیت خاصی داده شده مباحث سیاسی است. از این‌رو مسئله مهم و اساسی «رابطه دین و سیاست» را می‌توان از لابه‌لای معارف قرآن کریم به وضوح دریافت.

«پیوستگی سیاست و دین» مقوله‌ای مهم در قرآن و نگاه مفسران الهی است. استلزام خطابات عمومی قرآن آن است که وظایفی بر عهده جامعه قرار دارد و این از جمله دلایل مهم پیوند دین و حکومت است. دعوت قرآن به جهاد با مشرکان، امر به معروف و نهی از منکر، و لزوم فراهم آوردن سازوکار جنگی از جمله تکالیفی است که بر دوش جامعه گذاشته شده و امت اسلامی مخاطب آن است. لازمه تحقق چنین تکالیفی از سوی جامعه اسلامی تشکیل قدرت و دولت مقتدری است تا این مهم را به انجام رساند.

برخی دیگر از احکام قرآنی مستلزم ایجاد نهادهای ویژه و راهبردهای جزئی سیاسی در قرآن است: موضوعاتی همچون دیات، حدود، قصاص و به‌طور کلی احکام جزایی و قضایی و وجود نهادهایی همچون امر به معروف و نهی از منکر و تشویق به آمادگی نظامی در برابر دشمن و جهاد با کفار و منافقان که همه انکارناپذیرند و مستلزم دخالت در سیاست و ایجاد سازمان و یا وزارتخانه‌هایی برای هر یک از آنهاست.

آیت‌الله مصباح یزدی در تبیین رابطه و نسبت دین و سیاست، مباحث مربوط به زندگی اجتماعی انسان را به دو دسته تقسیم می‌کند: یک دسته پدیده‌هایی که در زندگی اجتماعی و آدمیان واقع می‌شود؛ یعنی از جهت تحقق و وقوع بررسی شده است و کاری به حسن و قبح آن ندارد. دسته دیگر که احکام ارزشی زندگی اجتماعی و بایدها و نبایدها را بیان می‌کند، مسائلی است که ذیل عنوان «حقوق سیاسی» مطرح می‌گردد. از این‌رو تبیین نسبت دین و سیاست نشان می‌دهد که بخش وسیعی از احکام و مسائل قرآن کریم بعد هستی‌شناختی اجتماعی و یا بعد هنجاری آن است (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۱۵-۱۶).

ایشان احکام دستوری و تکلیفی قرآن را که به آن «حقوق سیاسی» نیز می‌توان اطلاق کرد، به سه گروه «احکام الهی و دینی»، «احکام اخلاقی» و «احکام حقوقی» تقسیم می‌کند. «احکام حقوقی» احکامی است که برای تأمین مصالح دنیوی انسان‌ها از سوی مقام صلاحیتدار وضع شده است و دولت‌ها ضامن اجرایی آن به شمار می‌روند. بر این اساس ایشان ضمن نقد نظریه «سکولاریسم» که ناشی از رواج فرهنگ مسیحیت است، اعتقاد دارد: هرچند در مسیحیت تحریف‌شده آموزه‌هایی دال بر جدایی دین از سیاست وجود دارد، اما در ادیان واقعی چنین تفکیکی پذیرفته شده نیست و دین مجموعه‌ای از معارف نظری و احکام عملی است که سه قلمرو «ارتباط انسان با خدا»، «انسان با خود» و «انسان با دیگران» را دربر می‌گیرد و این اساس دین شامل اخلاق و حقوق هم می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۱۸-۲۰).

آیت‌الله مصباح یزدی درباره خاستگاه بایدها و نبایدهای اجتماعی و حقوق دولتها و حاکمیت دینی و تکفل تحقق آن در جامعه معتقد است: این بایدها و نبایدها اموری حقیقی است که از یک سو با مبدأ و از سوی دیگر با معاد ارتباط و پیوستگی دارد. این ارزش‌ها و حقوق به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته‌ای که عقل انسانی به‌طور مستقل قادر به درک آنهاست، و دسته‌ای دیگر که عقل انسانی با تعامل در ارتباط میان فعل و هدف نمی‌تواند آن را درک کند و در این زمینه معتقد است: تنها از راه وحی الهی می‌توان به این امور پی برد (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۴۶-۴۷).

از منظر قرآن کریم، دولت در ذات دیانت نهفته است. آیت‌الله مکارم شیرازی معتقد است: بعثت انبیا برای اقامه قسط و عدل بوده (حدید: ۲۵) و دین برای گسستن زنجیرهای اسارت انسان و تأمین آزادی بشر است (اعراف: ۱۵۷). دین برای نجات مستضعفان از چنگال ستمگران و پایان دادن به دوره سلطه آنهاست (نساء: ۷۵). روشن است که نیل به این هدف‌های بزرگ بدون تشکیل حکومت امکان‌پذیر نیست، و اگر دین از سیاست جدا شود بازوی اجرایی خود را بکلی از دست می‌دهد و اگر سیاست از دین جدا گردد، به عنصری مخرب تبدیل می‌شود.

۳-۳. ضرورت حکومت

علامه طباطبائی حکومت را از جمله اعتبارات ضروری جامعه انسانی برمی‌شمارد که انسان‌ها برای حفظ نظام اجتماعی و پیشگیری از هرج و مرج، چاره‌ای جز پذیرش آن ندارند. ایشان در ذیل آیه «قل اللهم مالک الملک توتی الملک من تشاء و تنزع الملک ممن تشاء...» (آل عمران: ۲۶) می‌گوید: «ملک» (به ضم میم) که عبارت از سلطنت بر افراد باشد، از اعتبارات ضروری است که انسان از آن بی‌نیاز نیست (طباطبائی، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۱۴۵).

آیت‌الله سبحانی در کتاب *مفاهیم القرآن* ضمن تحلیل ضرورت حکومت در جامعه، نظریه «هرج و مرج‌گرایی» (انارشیزم) را نقد کرده، سپس با استناد به سیره پیامبر و آیاتی از قرآن کریم آن را بررسی نموده است (سبحانی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۴۹-۶۵۲).

آیت‌الله مصباح یزدی نیز ضمن نقد دیدگاه هرج و مرج‌گرایان، از ضرورت حکومت و افزون بر آن، ضرورت حکومت دینی بحث کرده است (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۸۰-۱۸۸).

آیت‌الله سبحانی پس از استناد به حدیث «لا ید للناس...»، به آیات مربوط به غدیر خم (نظیر آیه ابلاغ در سوره مائده، آیه ۶۷) استناد جسته، در ادامه پیامدهای ناگوار فقدان رهبر دینی را برشمرده است (سبحانی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۵۳-۶۵۴). مهم‌ترین استناد ضرورت حکومت نزد آیت‌الله سبحانی استناد به سیره پیامبر گرامی ﷺ است (همان، ج ۱، ص ۶۵۴-۶۵۶).

از نظر علامه طباطبائی مهم‌ترین استدلال در ضرورت تشکیل حکومت آن است که نیل انسان به کمال حقیقی و شایسته جز در سایه زندگی اجتماعی ممکن نیست و حس استخدام‌طلبی انسان موجب زندگی اجتماعی می‌گردد. حال برای رفع تعارض‌ها در زندگی اجتماعی نیازمند سازمان روابط اجتماعی و قوه قاهره‌ای به نام «حکومت» است (طباطبائی، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۱۴۵).

علامه در تفسیر آیه «و لولا دفع الله الناس بعضهم بعضا لفسدت الارض» (بقره: ۲۵۱) که پس از داستان طالوت آمده است، می‌نویسد: نوع بشر بدون اجتماع و همکاری به سعادت کامل خود نمی‌رسد. در حقیقت، معنای «دفع و غلبه» معنای عامی است که در همه شئون اجتماعی انسانی سر بیان دارد و حقیقتش عبارت است از اینکه شخص دیگری را به هر کیفیتی که ممکن باشد، وادار سازد موافق اراده او کار کند. نیز باید دانست که فطری بودن غلبه و دفع یک اصل عمومی در همه افراد است، خواه در حقوق مشروع که با عدالت مقرون باشد و خواه در غیر آنها (طباطبائی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۲۹۳-۲۹۴).

به عقیده ایشان براساس همین اصل «دفع و غلبه» است که انسان به تشکیل اصل اجتماع مبادرت می‌کند و سپس در پی این کار، اراده خود را بر دیگران تحمیل می‌نماید؛ یعنی بر آنها حکومت می‌کند (همان، ج ۲، ص ۲۹۴).

از منظر علامه حاکمیت به‌مثابه قدرت برتر برای تسلط بر افراد و جلوگیری از پایمال شدن حق در موارد بروز اختلاف است. پس در چنین وضعیتی قوه قهریه‌ای برای تسلط بر افراد و جلوگیری از تعدی لازم است. حکومت همچنین حافظ مقررات است (طباطبائی، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۱۴۵).

از منظر آیت‌الله مکارم شیرازی یکی از آیاتی که می‌توان برای تشکیل حکومت و دولت به آن استناد کرد آیه ۳۵ سوره «ص» است. در این آیه از قول حضرت سلیمان علیه السلام چنین آمده است: «هَبْ لِي مَلَكًا»؛ یعنی خدایا، به من حکومت عطا کن. داشتن یک حکومت نیرومند با امکانات مادی فراوان و اقتصاد گسترده و تمدن درخشان هرگز منافاتی با مقامات معنوی و ارزش‌های الهی ندارد و این نکته در لابه‌لای داستان ایشان عینیت یافته است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۲۸۹).

۳-۴. مشروعیت الهی

نظریه مفسران شیعی درباره حاکمیت دینی از نظرت تاریخی براساس بنیان نظری بر اندیشه «امامت و ولایت» استوار است. در این نظریه برخورداری از عصمت، علم و نصب خاص مدنظر قرار می‌گیرد و اساس ولایت و از لوازم تفکیک‌ناپذیر آن اعتقاد به عصمت و علم غیب در عصر حضور به شمار می‌رود و ولایت بر انسان‌ها از شئون امامت معصومان علیهم السلام قلمداد می‌گردد.

در نگاه علامه طباطبائی ولیّ امر یا حاکم مهم‌ترین رکن نظریه حاکمیتی به شمار می‌رود. «ولیّ امر» کسی است که سرپرستی امور دینی و دنیوی مسلمانان را بر عهده دارد و متکفل اجرای شریعت در جامعه است. مهم‌ترین عنصر نهاد حاکمیتی در حکومت دینی نهاد «رهبری» است که مرکز تصمیم‌گیری به شمار می‌رود.

پرسش اساسی آن است که در حاکمیت دینی، چه افراد یا نهادهایی مسائل و راه‌حل‌های سیاسی جامعه را تحلیل و ارائه می‌کنند؟ برای این منظور، می‌توان مسئله را از نظر مفسران اسلامی در دو دوره «حضور» و عصر «غیبت» بررسی کرد. از منظر علامه طباطبائی ولایت و حکومت به «حقیقی» و «اعتباری» تقسیم می‌شود و

ولایت تشریحی / اعتباری به پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصومین اختصاص دارد. از منظر علامه طباطبائی ولایت امامان معصومین ناشی از جعل و اعتبار الهی است. بر این اساس علامه به مشروعیت الهی حاکم اعتقاد دارد و معتقد است: امامت و ولایت برآمده از جعل و تشریح الهی است (طباطبائی، ۱۴۳۰ق، ج ۶ ص ۱۲-۱۴). بر این اساس علامه به مشروعیت الهی حاکم اعتقاد دارد و معتقد است: امامت و ولایت برآمده از جعل و تشریح الهی است (همان، ج ۶ ص ۱۲-۱۴).

در باب مشروعیت حکومت، *آیت‌الله سبحانی* معتقد است: چون حاکمیت مستلزم تصرف در نفوس، اموال و تنظیم آزادی‌هاست، نیازمند ولایت است و مراد از «ولایت» تصرف در شئون جامعه در نفس و مال است. ایشان معتقد است: این امر انحصار در خداوند دارد و هرکس برخوردار از حاکمیت است، باید مأذون الهی باشد. در غیر این صورت، طاغوتی است (سبحانی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۲۶-۳۲۷).

آیت‌الله جوادی آملی با استناد به آیه ۱۲۴ سوره «بقره» معتقد است: امامت عطاکردنی است و انسان با تلاش خود نمی‌تواند به آن برسد؛ زیرا نیازمند جعل الهی است. ایشان اعتقاد دارد: عدالت علت تامه دستیابی به ولایت نیست، امامت و ولایت به معنای حکومت ظاهری و رهبری تکوینی است (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۵۶۸-۵۶۹). ایشان در باب «ولایت فقیه» معتقد است: در عصر غیبت امام معصوم و فقدان نایب خاص یا عام وی، نوبت به مردان وارسته و پرهیزگار می‌رسد که هم در تصاحب اصل حکومت محتاطانند و هم در کیفیت بهره‌برداری از آن مطابق توصیه با اخذ حائض در دین رفتار می‌کنند (همان، ج ۶ ص ۵۱۰).

در باب «مشروعیت» نیز *آیت‌الله جوادی آملی* معتقد است: ولایت غیر از وکالت است. امام وکیل مردم نیست تا به رأی و اتفاق مردم نصب یا عزل شود، بلکه خلیفه خداست (همان، ج ۶ ص ۵۳۰).

علامه *طباطبائی* حکومت اسلامی را امری ضروری برمی‌شمارد و معتقد است: پس از پیامبر، جماعتی از مسلمانان معتقد شدند که انتخاب خلیفه‌ای که عهده‌دار مسئولیت حکومت بر جامعه اسلامی است، به عهده خود مسلمانان است. اما عقیده شیعه این است که خلیفه باید از جانب خدا و رسولش معین شود و آنها (مطابق نصوص معتبر) دوازده تن هستند. ولی در زمان غیبت، امر حکومت به دست خود مسلمانان است، و این وظیفه آنهاست که با در نظر گرفتن روش رسول خدا ﷺ که روش امامت بوده است، حاکمی را انتخاب کنند، و این روش غیر از روش پادشاهی و امپراتوری است و در این موقعیت نباید هیچ حکمی از احکام الهی تغییر کند و این وظیفه همه است که در راه حفظ احکام خدا کوشا باشند.

اما درباره حوادث روزمره و پیشامدهای جزئی - همان‌گونه که گفته شد - لازم است حاکم با مشورت مسلمانان درباره آنها تصمیم بگیرد. دلیل مطلب علاوه بر آیاتی که پیش از این در باب ولایت پیامبر ﷺ ذکر شد، این آیه است: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنه» (طباطبائی، ۱۴۳۰ق، ج ۴، ص ۱۲۴-۱۲۵).

علامه طباطبائی با توجه به مسئله «جاودانگی احکام و قوانین اسلام» این پرسش را مطرح می‌کند که چگونه می‌شود که شارع امر به تشکیل حکومت نکرده باشد؟ و در صورتی که این حکومت و ولایت برای پیامبر و امامان معصوم علیهم‌السلام ثابت باشد، برای دوران پس از آنها نیز ثابت است؛ زیرا با رفتن شخص، مقام از بین نمی‌رود. به هرحال، نیاز بشر به زندگی اجتماعی و به حکومت و مدیریت، فطری است، و هرکس که فطرت را نفی کند، اصل اسلام را نفی کرده است.

ایشان سپس به طرح این سؤال پرداخته است که آیا ولایت از آن همه مسلمانان است، یا عدول مسلمانان، یا متعلق است به فقیه و یا...؟ آنگاه خود چنین نظر می‌دهد: «آنچه از نقطه نظر بحث این مقاله می‌توان استنتاج نمود، این است که حکم فطرت بر لزوم وجود مقام ولایت در هر جامعه‌ای بر حفظ مصالح عالی جامعه مبتنی است. اسلام نیز پایه پای فطرت پیش می‌رود.

نتیجه دو مقدمه مزبور این است: فردی که در تقوای دینی و حسن تدبیر و اطلاع بر اوضاع از همه مقدم است برای این مقام متعین است، و در اینکه اولیای حکومت باید زبده‌ترین و برجسته‌ترین افراد جامعه باشند کسی تردید به خود راه نمی‌دهد. آنگاه می‌افزاید: اکنون باید دید آیا جامعه اسلامی در صورتی که وسعت پیدا کرده و دارای منطقه‌های گوناگون و ملیت‌ها و قومیت‌های متنوع باشد - چنان که در این اعصار چنین است - باید تحت یک ولایت و حکومت اداره شود؟ یا به حسب اختلاف مناطق و ملیت‌ها، حکومت‌های گوناگونی تأسیس شود؟ یا باید حکومت‌های مؤتلف و متحدی تشکیل داد که تحت نظر یک حکومت مرکزی یا سازمانی (نظیر سازمان ملل متحد) اداره شوند؟

اینها طرح‌هایی است که در شریعت اسلام، دستوری برای تعیین یکی از آنها وارد نشده است و حَقاً هم نباید وارد شود؛ زیرا شریعت تنها متضمن مواد ثابت دین است و طرز حکومت با تغییر و تبدیل جامعه‌ها به حسب پیشرفت تمدن قابل تغییر است. بنابراین آنچه در این خصوص می‌توان گفت این است که نوع حکومت‌های اسلامی را در هر عصر، با در نظر گرفتن سه ماده ثابت شرع اسلام باید تعیین نمود:

۱. مسلمانان تا آخرین حد ممکن باید در اتحاد و اتفاق بکوشند.

۲. حفظ مصلحت اسلام و مسلمانان برای همه واجب است.

۳. مرز جامعه اسلامی اعتقاد است و بس، نه مرزهای طبیعی یا قراردادی.

مسئله مهم این است که در جامعه اسلامی سیرت و سنت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باید اجرا شود و روش ولایت چندساله آن حضرت معمول گردد؛ زیرا نظر به اینکه اصل مسئله «ولایت» در جامعه اسلامی جنبه ثابت دارد و به همین علت جزو شریعت است، از جهت اصل ثبوت و کیفیت آن، نیازمند حکم خداست و خدای متعال سیرت آن حضرت را به منطوق آیات کثیر قرآنی پسندیده و امضا نموده و به مسلمانان به بیشتر از تبعیت روش رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اذن نداده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۴۱، ص ۸۶-۸۹).

یکی از ابتکارات *آیت‌الله مصباح یزدی* در باب «مشروعیت» آن است که برخلاف بسیاری از متفکران که صرفاً راجع به مشروعیت حکومت سخن می‌گویند، ایشان متعلق مشروعیت را به اعتبار قوای حاکمیتی، به مشروعیت قانون، مشروعیت حاکم و مشروعیت قضا و حکم قاضی طبقه‌بندی می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۸۱-۸۲) و معتقد است: در باب مشروعیت قانون، حقوق واقعیتی نفس‌الامری دارد و قانونگذار کاشف یک سلسله قوانین تکمیلی و واقعی است. ایشان معتقد است: برخلاف «مکتب حقوق طبیعی»، ما نیازمند وضع قانون از سوی شخصی صلاحیت‌دار هستیم.

بر این اساس، ایشان معتقد است: مکتب حقوقی اسلام متمایز از مکتب «حقوق طبیعی» است، و نظام حقوقی یک جامعه در صورتی اعتبار دارد که ناشی از خدا باشد و به خدا منتهی گردد (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۸۰). ایشان نظریه «قرارداد اجتماعی» و «مکتب حقوق طبیعی» را نقد کرده و براساس آموزه‌های قرآن کریم، معتقد به نظریه‌ای مستقل در این باره است و در این زمینه با استناد به آیات مربوط به حضرت شعیب علیه السلام در آیه ۸۵ و ۸۴ سوره «هود» معتقد است: یک سلسله احکام و قواعد اجتماعی وجود دارد که خداوند آنها را وزن می‌کند و در این زمینه اشکالات نظریه «قرارداد اجتماعی» و «حقوق طبیعی» را یادآور می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۸۲-۹۱).

ایشان درباره منشأ اعتبار و مشروعیت حکم قاضی نیز بر این نکته تأکید می‌کند که دلیل اعتبار حکم قاضی، نه انتخاب و خواست مردم و یا تبعیت از قانون طبیعت، بلکه استناد به خواست خداوند است (همان، ص ۹۹-۱۰۲). ایشان سپس در باب مبنای مشروعیت حکومت و دولت به این نکته اشاره می‌کند که نظریه «دموکراسی» که مبتنی بر قرارداد اجتماعی است، از نقطه نظر دیدگاه قرآنی و اسلامی پذیرفته نیست و اشکالات متعددی بر آن وارد است و با استناد به آیاتی همچون «یا داود انا جعلناک خلیفه فی الارض» (ص: ۲۶) و آیه «کان الناس امة واحده» (بقره: ۲۱۳) می‌گوید: منشأ مشروعیت قضا و حکم در اسلام خداوند است.

درباره مرجع قانون‌گذاری نیز بر پایه آموزه‌های قرآنی به این نکته اشاره می‌کند که قوانین دو دسته است: نخست قوانینی که در متن کتاب و سنت معتبر آمده است. این گونه احکام ثابت و تغییرناپذیر هستند و چنین احکامی از ضروریات دین اسلام بوده و انکار آن موجب کفر و ارتداد است.

دوم احکامی که متغیر بوده و جزئی و موقت است که به نام‌های «احکام سلطانیه» یا «احکام حکومتی و ولایی» خوانده می‌شود این احکام در متن کتاب و سنت نیامده است و از حقوق حاکم شرعی قلمداد می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۹-۱۱۰).

آیت‌الله مصباح یزدی در باب مشروعیت حاکم، ویژگی‌های حاکم مشروع برای قانونگذاری را وجود سه شرط اساسی می‌داند:

- نخست. فقاقت که براساس آن مصالح جامعه اسلامی بر پایه تعالیم دین مقدس اسلام طراحی می‌گردد.
- دوم. آگاهی به اوضاع و احوال زمانه که ضامن وضع قوانین متغیر تأمین‌کننده مصالح جامعه است.
- سوم. تقوا و پارسایی (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۱۹۳-۱۹۶).

آیت‌الله مصباح یزدی در باب «مشروعیت حاکم» و شرایط حاکم در قرآن کریم با استناد به آیات ۴۳ تا ۵۳ سوره «یوسف» به این نکته اشاره می‌کند که حاکم اسلامی باید برخوردار از علم و آگاهی باشد و با استناد به آیات مربوط به حضرت لوط علیه السلام بر این نکته تأکید می‌کند که حقانیت ملک‌داری به توانمندی علمی و جسمی بازمی‌گردد. آیات ۲۴۶ و ۲۴۷ سوره «بقره» این دیدگاه مادی‌گرایانه را که فرمانروا باید شخصی ثروتمند باشد، نقد می‌کند. بر این اساس ایشان نتیجه‌گیری می‌کند که حاکم باید سه ویژگی اساسی داشته باشد: نخست. صلاحیت اخلاقی؛ دوم. علم و دانش - که طالبوت در آن نصیبی بیش از دیگران داشت - و سوم. قوت جسمی و نیروی بدنی که برای فرمانده نظامی لازم است (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۱۹۶-۲۰۱).

آیت‌الله مصباح یزدی در جهت مشروعیت قوانین و اینکه چرا قانون باید الهی باشد، ضمن بررسی پاسخ‌های متعدد و ارزیابی آنها پاسخ خود را در این زمینه بیان می‌کند و این مسئله یکی از مباحث مهمی است که مدنظر این متفکر قرار گرفته، درحالی که دیگر مفسران بدان نپرداخته‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۱۶۵-۱۷۸).

مسئله «ضرورت حکومت» نیز یکی از مسائل مطمح‌نظر آیت‌الله مصباح یزدی است. ایشان نخست به ضرورت عقلی نیاز به حکومت پرداخته و با توجه به سه مقدمه (ضرورت زندگی اجتماعی، ضرورت رشد انسان در زندگی اجتماعی، ضرورت ضمانت اجرایی)، لزوم حکومت را استفاده می‌کند؛ اما افزون بر دلیل عقلی با استناد به آیات قرآن کریم و استخراج اهدافی که دین از جامعه خواسته (نظیر لزوم تصدی کارهای بدون متصدی، لزوم تعلیم و تربیت لزوم، ایجاد تعادل بین فعالیت‌های اقتصادی، لزوم دفاع و آمادگی در برابر دشمنان، لزوم رفع اختلاف‌ها و کشمکش‌ها و لزوم وضع احکام و قوانین مقررات جزئی) نتیجه می‌گیرد که از منظر قرآن کریم و دین، حکومت امری ضروری است و با توجه به اهداف یادشده، هفت وظیفه اصلی برای دولت اسلامی برمی‌شمارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۱-۱۹۲).

۳-۵. مردمی بودن

مردمی بودن حکومت شاخص مهم حاکمیت دینی است. در باب جایگاه مردم در حاکمیت دینی، مباحث گوناگونی در میان مفسران قرآن کریم در یک سده اخیر شکل گرفته است. از این منظر، آنچه مهم است این نکته است که از نگاه این مفسران، مردم در مشروعیت‌بخشی به حاکمیت دینی نقشی ندارند؛ اما در تحقق حاکمیت دینی و استمرار و بالندگی آن نقش اساسی دارند. بر این اساس آیت‌الله مصباح یزدی معتقد است: «بیعت» و «شورا» مشروعیت‌آفرین نیست و این دو در تحقق حاکمیت دینی، نقش مقبولیت‌دهی دارند و بیانگر عضویت فرد در جامعه اسلامی هستند.

علاوه بر آن، ایشان در این زمینه نظریه برخی از اندیشمندان اهل سنت مبنی بر مشروعیت حاکم براساس آیات شورا و بیعت را نیز نقد کرده است (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۲۸۶-۲۸۷). از منظر ایشان فواید مشورت پیامبر فراهم ساختن پذیرش همگانی، تأمین همکاری و مشارکت عمومی و آموزش به دیگران است (همان، ص ۳۱۰-۳۱۲).

از این رو یکی از مسائل مهم مسئله حاکمیت دینی تبیین جایگاه مردم در تفاسیر بوده است. مفسران در تحلیل جایگاه مردم، در رویکردی انتقادی به نظریه «دموکراسی»، مسئله «حاکمیت دینی» را با تأکید بر جایگاه مردم طرح کرده‌اند (همان، ص ۲۸۵).

«دموکراسی» به مثابه یکی از دستاوردهای مدنیت غربی به کمک رسانه و تبلیغات غربی، بر افکار مردمان قرن حاضر سایه افکنده است. غرب با فریب، دموکراسی را حکومت مردم بر مردم یا اکثریت تعریف می‌کند. این شعار سیاسی و یا الگوی حاکمیتی به علت برتری صنعتی و رفاه اقتصادی غرب در اندیشه ملل جهان تأثیر گذاشته است. متفکران اسلامی در دو رویکرد ناهمگون در برابر این شعار و باور سیاسی از خود واکنش نشان داده‌اند. برخی درصدد تحمیل پندار دموکراسی غربی بر باورهای سیاسی اجتماعی دین برآمده‌اند و درصدد توجیه دموکراسی در قرآن کریم، به آیات سوره «شوری» و امثال آن تمسک جسته‌اند. از سوی دیگر در مقابل، متفکرانی تلاش کرده‌اند به نقد دموکراسی روی آورند (فرجاد، ۱۳۷۵).

۳-۶. ساختار حکومت

در باب ساختار حکومت، *آیت‌الله سبحانی* ضمن اشاره به مسائل گوناگون، در این باره اشاره می‌کند که در عصر جدید، انتخاب ملت‌ها مبنای تشکیل حکومت به شمار می‌رود. ایشان سپس ضمن نقد نظریه «دموکراسی» به تبیین دیدگاه اسلامی در این زمینه پرداخته، معتقد است: نظام دموکراسی که مبتنی بر اکثریت یا انتخاب ملت است، هیچ توجهی به شرایط حاکم و رئیس جامعه ندارد، در حالی که در نظریه اسلامی حق حاکمیت منحصر در خداوند است و در مقام تحقق، یا حاکم به صورت منصوص معین شده و یا صفات و ضوابط آن در کتاب و سنت بیان گردیده است. ایشان معتقد است: برای مشروعیت حکومت و رهبری آن، خواست و رضایت مردم یا اغلب آنان کافی نیست، مگر اینکه موافق با ضوابط الهی و معیارهای اسلامی در باب حاکم باشد (سبحانی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۸۶-۱۸۷).

وی بر این اساس معتقد است: نمی‌توان حکومت اسلامی را حکومت «مردم بر مردم» یا «دموکراسی» نامید، بلکه حکومت خداوند بر مردم براساس قوانین، ضوابط و حکومت قانون الهی است. افزون بر آن، ایشان معتقد است: چگونگی انتخاب ملت در نظام اسلامی نیز با آنچه در دموکراسی جاری و ساری است، تفاوت دارد؛ زیرا در دیدگاه اسلامی، باید شرایط حاکم مدنظر قرار گیرد (همان، ج ۲، ص ۱۸۷).

علامه طباطبائی نیز به مقایسه حکومت اسلامی با سایر حکومت‌ها پرداخته و دموکراسی‌های کنونی را بی‌جهت در دنیا را بی‌شبهت به حکومت اسلامی دانسته، آن را آماج انتقاد قرار می‌دهد. ایشان می‌نویسد:

چون اساس این دموکراسی‌ها بر بهره‌گیری از تمتعات مادی بنا شده، به ناچار روح استخدام و استثمار در آنها دمیده شده و این روح استخدام و استثمار نمودی از همان روحیه تکبر و گردن‌کنشی انسان است. انسان به حکم این روحیه می‌کوشد تا هر چیز، حتی انسان‌های دیگر را تحت سیطره و نفوذ خود درآورد. این روحیه هر راهی را که به سوی هواهای نفسانی و آرزوها منتهی شود، تجویز می‌کند و این عیناً همان استبداد سلطنتی اعصار و قرون گذشته است که امروز در لباس اجتماع مدنی ظاهر شده است.

مگر نه این است که ما در دنیای امروز هم ناظر ظلم‌ها و تعدیات و زورگویی‌های ملل نیرومند نسبت به ملت‌های ضعیف هستیم و تا آنجا که تاریخ نشان می‌دهد، همیشه دنیا به همین منوال بوده است؟ در دنیای گذشته یک تن به نام فرعون یا قیصر یا کسرا، همه چیز مردم ضعیف را تحت اختیار خود می‌گرفت و هر چه را اراده می‌کرد بر آنها تحمیل می‌نمود و احیاناً در مقام توجیه این عمل خلاف انسانی نیز برآمده و چنین گفته است: این روش لازمه شأن سلطنت و تأمین‌کننده مصالح مملکت و مؤثر در تحکیم اساس دولت است، و اصولاً چنین عقیده داشت که حق سیادت و نبوغ او همین است که دیگران را تحت سیطره و نفوذ خود درآورد و با زبان شمشیر نیز این حق را برای خود تثبیت می‌کرد.

حال اگر در روابط ملل کنونی نیز مطالعه کنید، خواهید دید که چگونه تاریخ در شکل‌های گوناگون تکرار می‌شود. منتها شکل فردی سابق به شکل اجتماعی کنونی مبدل شده، بی‌آنکه روح و واقعیت آن تغییری کرده باشد و باید دانست که روش اسلام صد در صد با این هوسبازی‌ها مخالف است. دلیل این مطلب سیره پیغمبر ﷺ و برنامه آن حضرت در پیروزی‌ها و معاهده‌هاست و از تفاوت‌های دیگر حکومت اسلام با سایر حکومت‌ها این است که تا آنجا که تاریخ نشان می‌دهد، هیچ اجتماعی خالی از اختلافات طبقاتی نیست و همین اختلافات طبقاتی بوده که موجب بروز برخی برتری‌جویی‌ها و خودفروشی‌ها و سرانجام فساد می‌شده، و این اختلافات که ناشی از ثروت و جاه و مقام است، لازمه آن حکومت‌ها و جامعه‌ها بوده است. ولی اجتماع اسلامی، اجتماعی است که هیچ نوع برتری و مزیتی در بین افراد آن دیده نمی‌شود و هیچ فردی مقدم بر دیگری نیست و تنها ملاک برتری همان است که فطرت پاک و قریحه آزاده انسانی نیز به آن گویاست و این همان «تقوا» است که مربوط به خدا بوده و مردم در آن دخالتی ندارند؛ چنان که خداوند می‌فرماید: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکروا ائو و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقیکم» (حجرات: ۱۳).

بنابراین در یک اجتماع اسلامی، فرمانده و فرمانبر، امیر و مأمور، رئیس و مرئوس، آزاد و بنده، زن و مرد، غنی و فقیر، بزرگ و کوچک، همه در صف واحدی قرار دارند و در برابر قانون یکسانند و فاصله طبقاتی بین آنها نیست، و علت مطلب همان سیره و روش زندگی رسول اکرم ﷺ است.

از دیگر تفاوت‌ها این است که قوای اجرایی در اجتماع اسلامی، یک دسته متمایز و مشخص نیست، بلکه اجرای قوانین یک وظیفه عمومی و بر عهده تمام مردم است. همه وظیفه دارند که به خوبی‌ها امر کنند و از بدی‌ها نهی نمایند، و اگر خدمتی به کسی محول شد نباید آن را دلیل امتیاز خود ببیند، باید بداند تفاوت‌های دیگری نیز هست که بر آگاهان پوشیده نیست (طباطبائی، ۱۴۳۰ق، ج ۴، ص ۱۲۳-۱۲۴).

یک مسئله مهم در باب ساختار حکومت از نظر آیت‌الله مصباح یزدی نظریه «تفکیک قوا» است. ایشان معتقد است: در زندگی اجتماعی، شناخت انسان‌ها در یک تراز نیست. از این‌رو نیازمند مجموعه قواعد حقوقی در جامعه هستیم. این قواعد در نظام‌های سیاسی از سوی قوه مقننه وضع می‌شود. در کنار آن به قوه مجریه برای اجرا و سپس نظام قضایی برای حل نزاع‌ها و اختلافات نیاز است. ایشان اعتقاد دارد: درباره تفکیک قوا گفت‌وگوهای فراوانی میان فلاسفه حقوق و دیگر اندیشمندان اجتماعی وجود دارد و وجود این نظریه یکی از شاخص‌های نظام‌های مردم‌سالار (دموکراتیک) به شمار می‌رود.

در گذر تاریخ اسلام، این سه قوه در صدر اسلام در دستان رهبر جامعه اسلامی، یعنی پیامبر گرامی ﷺ و امیرمؤمنان ﷺ بود؛ اما این امر از آن‌رو بود که جامعه گذشته اولاً، جامعه‌ای بسیط بود. ثانیاً، کسی نبود که بهتر از

پیامبر و امام معصوم بتواند این سه کار را بر عهده بگیرد. اما زمانی که جامعه اسلامی بزرگ و بزرگ‌تر شود، طبیعی هست که پیامبر نمی‌تواند در همه نواحی سرزمین اسلام این سه کار را انجام دهد. از این رو باید افرادی را در گوشه و کنار به کار گمارد. امروزه نیز که در عصر غیبت به سر می‌بریم، هرچند ریاست هر سه قوه با ولی فقیه است، اما ضرورتی ندارد که در بالاترین مرحله چنین تفکیکی صورت پذیرد. اما در ذیل آن می‌توان این تفکیک را انجام داد.

ایشان برای «تفکیک قوا» و یا «تمرکز قوا» هریک مزایا و معایبی را برشمرده و در نهایت، مسئله «تفکیک قوا» را از منظر تقسیم وظایف و نحوه پیشگیری از فساد بررسی کرده است (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۵۲-۵۵).
 آیت‌الله مصباح یزدی نظریه «عدم نیاز به حکومت» در مقابل نظریه «ضرورت حکومت» را به تفصیل نقد کرده و ضمن طبقه‌بندی انواع حکومت‌ها، به حکومت «زورمداری» و حکومت «دموکراسی» و نقد آنها پرداخته (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۲۰۲-۲۲۴) و به تفصیل، برترین حکومت را «حکومت اسلامی» برشمرده که مأذون از جانب خداوند است.

بر این اساس در باب ساختار حکومت، مهم‌ترین ویژگی نگرش آیت‌الله مصباح یزدی در این بحث، نقد نظریه «دموکراسی» است که برخی آن را از باب خلافت الهی برمی‌شمارند. ایشان حکومت اسلامی را بهترین شکل حکومت می‌داند و معتقد است: چنین حکومتی مقتضای عقل و آموزه‌های دینی است (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۲۲۷-۲۴۵).

یکی از نوآوری‌های تفسیری آیت‌الله مصباح یزدی در باب «ساختار حکومت» آن است که ایشان طرحی نو برای اداره جامعه و تأمین در جامعه اسلامی ارائه داده است. ایشان ضمن نقد نظریه «دموکراسی»، ساختار حکومت پیشنهادی خود را بر پایه معیار عدالت طراحی نموده و به جای مجلس شورای اسلامی، به مجالس متعدد با تخصص‌های متعدد و به تبع آن، وزارتخانه‌های تخصصی معتقد است و امتیازات این طرح را برشمرده است (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۲۴۶-۲۶۶).

بحث و جمع‌بندی

۱. توجه به مقوله حاکمیت دینی

با توجه به جامعیت اسلام و وجود مسائل گوناگون سیاسی در آیات قرآن کریم، به‌طور طبیعی مباحث مربوط به حاکمیت دینی در تفاسیر مفسران اسلامی معاصر حوزه علمیه قم مدنظر قرار گرفته است. این توجه به‌رغم حاکمیت رژیم طاغوتی و تلاش آن برای گسترش امواج سکولاریسم و جلوگیری از پرداختن به مسائل سیاسی و از جمله حاکمیت دینی بوده است. علاوه بر آن، رویکرد نظام‌مند قرآن کریم به مسائل اجتماعی و سیاسی، عالمان اسلامی را به تبیین نظام‌مند مسائل سیاسی و حاکمیت دینی در قرآن فرامی‌خواند.

دانشوران حوزه علمیه قم در چارچوب وظیفه و رسالت علمی خود، به تفسیر آیات سیاسی همت گمارده‌اند. پرداختن به تفسیر قرآن به‌طور طبیعی، ورود در تبیین مقوله «حاکمیت دینی» است، مگر اینکه مفسری بنا داشته باشد با رویکردی پیش‌داورانه به سراغ این‌گونه آیات قرآنی برود و از آنها تحلیلی غیرسیاسی و یا سکولار عرضه نماید.

۲. بحث علمی درباره حاکمیت دینی

در آثار تفسیری نیمه نخست قرن چهاردهم هجری شمسی، مسائل سیاسی در قالب تفسیر ترتیبی آیات مطمح‌نظر عالمان حوزه بوده است. نمونه بارز این نوع آثار تفسیری *المیزان علامه طباطبائی* است. این کار نشان‌دهنده آن است که مفسران حوزه علمیه قم براساس آمیختگی عمیق مسائل دینی با مقوله سیاست، این مسئله را براساس توصیه قرآن کریم مبنی بر توجه به موضوع اداره جامعه مدنظر قرار داده‌اند. این توجه حاکی از آن است که برغم رفتار غیردینی یک نظام سیاسی (نظام سلطنتی پهلوی)، عالمان دینی به علت آمیختگی عمیق مسائل مربوط به دین با سیاست و حاکمیت دینی، بحث علمی درباره حاکمیت دینی را تحت‌الشعاع فضای سیاسی رها نکرده‌اند.

۳. فراز و نشیب‌ها در توجه به مقوله حاکمیت دینی

از اوایل دهه سوم قرن چهاردهم تا پایان این قرن، شاهد تحولاتی در پرداختن به اندیشه سیاسی و حاکمیت دینی در برنامه و کارنامه اندیشوران حوزه علمیه قم هستیم و روند و کم و کیف پرداختن به مباحث سیاسی در آثار تفسیری آنان در این هفت دهه، گویای وجود فراز و نشیب‌ها و قبض و بسط‌هایی در توجه به مقوله «حاکمیت دینی» به تبع نیازهای جامعه در این‌باره است. این تطورات را می‌توان در چند محور خلاصه کرد:

الف. تحول در نظام تفسیرنویسی

پرداختن به تفسیر آیات سیاسی، به‌ویژه مسئله «حاکمیت سیاسی» از منظر قرآن در دو قالب «تفسیر موضوعی» و «تفسیر ترتیبی» مورد عنایت و اهتمام متفکران معاصر اسلامی در حوزه‌ها، به‌ویژه حوزه علمیه قم واقع شده است. هرچند اصل تفسیر موضوعی در دنیای اسلام قدمت دارد، اما تفسیر موضوعی با محوریت مسائل سیاسی و حاکمیت دینی که با استخراج آیات مرتبط با سیاست، به دسته‌بندی و استنتاج آنها می‌پردازد، مقوله‌ای است که در گذشته کمتر بدان توجه شده است (نصیری، ۱۳۸۴). در قرن اخیر و پس از بازتأسیس حوزه علمیه قم توسط *آیت‌الله حائری یزدی*، زمینه‌ای عام برای ظهور و خلق تفاسیر ناظر به‌اندیشه‌های نوین و مسائل نوپیدا ایجاد شد. ظهور این مسائل نوپیدا که ناشی از ورود مفاهیم و دانش‌های غربی به دنیای اسلام بود، پیامدهای متعددی به دنبال داشت؛ از جمله:

اول. موجب پیدایش و رواج تفاسیر موضوعی در تبیین معارف قرآنی، به‌ویژه مسائل سیاسی در قرن اخیر شد.
دوم. این مفاهیم و مسائل منجر به نوعی التقاط فکری در تحلیل و تفسیر قرآن کریم براساس پیش‌داوری‌ها از سوی برخی گردید (ر.ک: سجادی، ۱۳۷۵).

روند کوشش عالمان حوزه‌های علمیه، به‌ویژه حوزه قم در جهت تألیف تفسیرهای موضوعی در باب سیاست تا پیش از انقلاب اسلامی ایران کمابیش برقرار بود، اما پس از انقلاب اسلامی شیوع و رواج گسترده‌ای یافت. در این زمینه برای نمونه می‌توان به تفسیر موضوعی آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله سبحانی اشاره کرد. توجه به تفسیر موضوعی در چند دهه اخیر را هم باید در ادامه همان روی‌آوری جدی مفسران حوزه علمیة قم به تفسیر موضوعی در اواسط قرن اخیر، قلمداد کرد.

توجه به تفسیر آیات سیاسی با محوریت «حاکمیت دینی» را باید تحولی مهم در تاریخ تفسیر قرن اخیر دانست. قرآن به‌مثابه کتاب هدایت که داعیه پی‌ریزی تمدن عظیم الهی را دارد، نمی‌تواند نسبت به سیاست اجتماعی و سبک زندگی در ابعاد گوناگون آن بی‌تفاوت باشد. بر این اساس موضوعاتی همچون مبارزه با نظام سلطه، آزادی، عدالتخواهی و در یک کلام، «حاکمیت دینی» از جمله مسائلی است که مفسران معاصر حوزه علمیة قم بجد بدان‌ها توجه کرده‌اند.

ب. تحول در نگرش به قرآن و آفرینش فضاها و چشم‌اندازهای جدید

به‌طور کلی، دانش تفسیر قرآن در قرن چهاردهم در حوزه علمیة قم گسترش و پیشرفت چشمگیری در مقایسه با سده‌های پیشین داشته است. نکته مهم در این باره آن است که هرچه از دهه‌های آغازین سده چهارم به دهه‌های اخیر نزدیک می‌شویم، بررسی مسائل مرتبط با سیاست و حاکمیت دینی، ظهور و بروز بیشتری در مباحث تفسیری عالمان حوزه قم یافته و شاهد تنوع و تطور بیشتر موضوعات سیاسی در تفسیر قرآن کریم و انطباق مباحث با تحولات جهانی و نیازهای زمانه در آثار مفسران و عالمان حوزه قم هستیم، به گونه‌ای که تفسیر موضوعی در نیمه دوم این قرن با موضوع «سیاست و حاکمیت دینی» نشان از افزایش چشمگیر آن دارد.

ج. طرح موضوعات روزآمد و موردنیاز در مقوله‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

نکته قابل توجه در نیمه دوم قرن چهاردهم آن است که تفاسیر موضوعی قرآن معطوف به مسائل سیاسی، رواج و گسترش بیشتری یافته و این نشان‌دهنده گام بلند مفسران حوزه علمیه قم در توجه جدی به مقوله مهم «سیاست و حاکمیت دینی» از منظر قرآن کریم بوده است. در این برهه تاریخی، چون مسائل سیاسی در جغرافیای ایران اسلامی به مسئله روز تبدیل شده، این وضع اقتضا داشته است که مفسران اسلامی در حوزه‌های علمیه، به‌ویژه حوزه قم بیشتر به تفسیر موضوعی قرآن در این باب روی آورند و به لحاظ گستره مسائل، عمق‌یابی مسائل و نکات دیگر، مباحثی را مطرح کنند که در نیمه نخست قرن چهاردهم مطرح نشده است.

از سوی دیگر این امر نشان‌دهنده آن است که در یکصد سال اخیر، نیاز اساسی جامعه دینی مسئله «سیاست و حاکمیت دینی» بوده است، به گونه‌ای که رصد و پایش آثار نشر یافته در این زمینه نیز نشان‌دهنده مطالبه عمومی

مردم در مسائل سیاسی و حاکمیتی است؛ آنچنان که علامه طباطبائی، خود به همراه جمعی از نویسندگان و متفکران، پس از رحلت آیت‌الله بروجردی، یکی از آثار مستقل در زمینه مرجعیت و رهبری را به مسئله «حاکمیت دینی در عصر غیبت» اختصاص داد.

همچنین بررسی آثار فردی مفسران حوزه علمیه قم نشان‌دهنده پاسخ‌گویی به این نیاز اجتماعی است. بنابراین می‌توان گفت: توجه عالمان اسلامی در حوزه علمیه قم به تفسیر آیات مرتبط با مسائل سیاسی پایه‌پای تحولات، هم نشانه نگرش نظام‌مند قرآن به مسائل سیاسی و اجتماعی و نیازهای انسان در این زمینه است که مفسران از عهده آن برآمده‌اند و هم دال بر پاسخ‌گویی عالمان حوزه قم به مطالبه عمومی در موضوع «حاکمیت دینی در عصر غیبت» است.

د. تکامل و جامعیت روش‌های تفسیری به لحاظ گستره، فراوانی و فراگیری تعدد مسائل‌ها و باورها یکی از مهم‌ترین دستاوردهای تفسیری عالمان مسلمان حوزوی در باب حاکمیت دینی، گسترش مسائل سیاسی در جامعه بر اثر تألیف و تدوین آثار موضوعی در باب تفسیر آیات سیاسی است. نگاهی به مسائل مدنظر در تفسیر موضوعی آیت‌الله مصباح یزدی حاکی از گستردگی مسائل و پرداختن به شبهات متعددی است که امروزه در باب «حاکمیت دینی» و مسائل سیاسی مطرح است. این در حالی است که در تفاسیر قرآنی پیش از انقلاب به کلیات این مسائل اشاره می‌شد.

نکته قابل توجه دیگر در این باره عمق پیدا کردن مباحث سیاسی در این آثار تفسیری است و این نشان می‌دهد که به موازات نیاز جامعه به مسائل جدید سیاسی و ظهور پرسش‌های جدید از سوی جامعه در این باره، مفسران قرآن در حوزه قم، خود را موظف دیده‌اند که پایه‌پای نیازهای جامعه، قرآن را به سخن درآورند و نیازهای زمانه را پاسخ دهند. این دو موجب تمایز نسبی پرداختن به مقوله «حاکمیت دینی» از سوی عالمان معاصر حوزه علمیه قم در دهه‌های اخیر با دهه‌های نخست قرن چهاردهم شده است و تفاسیر موضوعی در مسائل سیاسی در مقابل تفسیر ترتیبی در دهه‌های نخست نیز به همین امر برمی‌گردد که جلوه اساسی آن را در دو تفسیر موضوعی **معارف قرآن** آیت‌الله مصباح یزدی و **مفاهیم القرآن** آیت‌الله سبحانی شاهدیم.

نتیجه‌گیری

۱. سیاست به‌مثابه دانش چگونگی تدبیر امور جامعه، یکی از موضوعات اساسی در آثار تفسیری متفکران معاصر حوزه قم در قرن اخیر بوده است. در قرآن کریم آیات پرشماری وجود دارد که درباره سیاست سخن می‌گوید. در تفاسیر ترتیبی به‌طورکلی مفسران کوشیده‌اند به شرح و تفسیر این آیات اهتمام داشته باشند؛ اما آنچه ذیل عنوان تفسیر آیات سیاسی یا اجتماعی امروز شناخته می‌شود، پدیده‌ای نسبتاً نوپدید است و نگارش تفسیر موضوعی در مسائل سیاسی و اجتماعی در حوزه علمیه قم بیشتر به نیمه دوم قرن اخیر برمی‌گردد.

۲. بررسی مفهوم و مسائل «حاکمیت دینی» در تفاسیر و آثار تألیفی عالمان معاصر حوزه علمیه قم و تحلیل آنها براساس شاخص‌های شش‌گانه ذکرشده در این مقاله، حاکی از آن است که مفسران حوزه علمیه قم در زمانه حاکمیت طاغوت پهلوی و در دوره حاکمیت نظام جمهوری اسلامی در ایران، به این موضوع اهتمام جدی نشان داده‌اند و هم به اجمال و هم به تفصیل و نیز به دو صورت عمیق و سطحی بدان پرداخته‌اند.

۳. از تحلیل و بررسی آثار تفسیری مفسران معاصر حوزه علمیه قم ذیل شاخص‌های شش‌گانه حاکمیت دینی (یعنی: ۱. حاکمیت دینی به‌مثابه حاکمیت عدالت و ارزش‌ها؛ ۲. پیوستگی دین و سیاست؛ ۳. ضرورت حکومت؛ ۴. مشروعیت حکومت؛ ۵. مردمی بودن حکومت؛ ۶. ساختار حکومت) به‌دست می‌آید که این اندیشمندان در آثار تفسیری خود، از جهت سلبی به مناقشه و نقد و نفی مشروعیت نظام سیاسی و بنیان‌های حاکمیت طاغوتی پرداخته‌اند؛ و از جهت ایجابی به تبیین مؤلفه‌های حاکمیت دینی و الهی دست زده و به تشریح ابعاد این حاکمیت، به‌ویژه در عصر غیبت معصوم علیه السلام پرداخته‌اند.

۴. تأمل در دستاوردهای تفسیری عالمان معاصر حوزه علمیه قم درباره «حاکمیت دینی» در این دوره حاکی از آن است که هرچه به دهه‌های پایانی قرن چهاردهم هجری شمسی نزدیک‌تر می‌شویم، مشاهده می‌کنیم که بر ارتقای کمی و کیفی و تنوع موضوعی این‌گونه آثار و پژوهش‌های تفسیری از ابعاد گوناگون افزوده شده است.

منابع


- بیانات رهبر معظم انقلاب، در: KHAMENEI.IR
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۴۱، «ولایت و زعامت»، در: *بخشی درباره مرجعیت و روحانیت*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، *تسنیم در تفسیر قرآن کریم*، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۳، *تسنیم در تفسیر قرآن کریم*، قم، اسراء.
- راش، مایکل، ۱۳۹۵، *جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، سمت.
- سبحانی، جعفر، ۱۳۸۰، *مفاهیم القرآن*، چ سوم، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- سجادی، سیدابراهیم، ۱۳۷۵، «شکوفایی تفسیر موضوعی در بستر قرن اخیر»، *پژوهش‌های قرآنی*، ش ۷ و ۸، ص ۱۲۸-۱۴۹.
- شمس، سیدمحمدکاظم و دیگران، ۱۳۸۳، *مؤسس حوزه: یادنامه حضرت آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری*، قم، بوستان کتاب.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۳۰، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ نهم، قم، جامعه مدرسین.
- فرجاد، محمد، ۱۳۷۵، «نبایسته‌ها در تفاسیر یک صد ساله اخیر»، *پژوهش‌های قرآنی*، ش ۷ و ۸، ص ۲۰۶-۲۳۱.
- قاضی، ابوالفضل، ۱۳۸۷، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، تهران، دانشگاه تهران.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۷، *حقوق و سیاست در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۹، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- نصیری، علی، ۱۳۸۴، «مبانی کلامی تفسیر موضوعی»، *اندیشه نوین دینی*، ش ۳، ص ۷۳-۱۰۶.
- واعظی، احمد، ۱۳۸۶، *حکومت اسلامی*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- ویژه، محمدرضا، ۱۳۸۵، «مفهوم تازه حاکمیت در حقوق عمومی»، *سیاسی اقتصادی*، ش ۲۳۱ و ۲۳۲، ص ۳۴-۴۷.

نوع مقاله: پژوهشی

مقابله حوزه علمیه قم با جریان‌های انحرافی سده اخیر در عرصه تفسیر و علوم قرآن*

علیرضا عظیمی فر / سطح چهار رشته تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیه قم

azimitafsir@gmail.com

 orcid.org/0009-0005-5138-8898

دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۹ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۹

چکیده

مقابله حوزه علمیه قم به‌عنوان یکی از چند حوزه بزرگ تأثیرگذار جهان تشیع در سده چهاردهم شمسی با جریان‌های انحرافی اعم از التقاطی و غیر التقاطی در عرصه دانش تفسیر و علوم قرآن چگونه بوده است؟ این مقاله با جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات به شیوه اسنادی و با روش توصیفی-تحلیلی به این موضوع و داوری در باره آن می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در سده اخیر سه جریان انحرافی در عرصه تفسیر ظهور کرده‌اند: ۱. جریان علم‌گرا با گرایش اصالت حسی و تجربی (افراد ملی مذهبی و نهضت آزادی) ۲. جریان روشنفکری با گرایش سوسیالیستی و جامعه‌شناختی (بخشی از حسینیه ارشاد و گروه جنبش مسلمانان مبارز) ۳. جریان مارکسیستی شبه اسلامی با گرایش سیاسی مبتنی بر انقلابیگری (گروه‌های مجاهدین خلق و فرقان). در سده اخیر از عالمان حوزه علمیه قم علامه طباطبائی و شاگردان وی، به‌ویژه شهید مطهری و آیت‌الله مصباح یزدی به مقابله جدی با این جریان‌ها برخاستند. عدم اشراف به مقدمات ضروری و مبانی علمی صحیح تفسیر، خودمرجع‌پنداری در قرائت متون دینی و ضدیت با حوزه و روحانیت از دلایل اصلی این انحرافات فکری در تفسیر آیات از سوی این جریان‌ها بوده است.

کلیدواژه‌ها: حوزه علمیه قم، جریان‌های انحرافی، التقاط در تفسیر، جریان روشنفکری، دانش تفسیر، سده چهاردهم، علامه طباطبائی، شهید مطهری، آیت‌الله مصباح یزدی.

قرآن کریم به‌عنوان کتاب الهی همواره نگاه ژرف بین عالمان را با هر عقیده و اندیشه و ایده‌ای به سوی خود جلب و جذب نموده است. یکی از این علوم که رابطه مستقیمی با فهم و درک و کشف مراد گوینده آیات خدای سبحان دارد، دانش تفسیر و علوم وابسته به آن به نام علوم قرآن است. تفسیر دانشی نظری است و در بردارنده عناصری چون مبادی، مبانی، اصول، قواعد، روش، گرایش و منابع است که مفسر با اعتماد و استناد و به کارگیری آنها می‌کوشد تا از معانی ظاهری واژه‌ها پرده برداری کند و مقاصد باطنی آنها را رمزگشایی نماید و در نهایت مفاد و مدلول گزاره‌های آیات کریمه بفهمد و مراد گوینده را به دست آورد و برای جویندگان معارف بلندکلام وحی روشن کند. (بابایی و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۳۲)

مفسران طائفه شیعه امامیه در طول تاریخ همواره با کوشش علمی خستگی‌ناپذیر خود در صدد برآمده‌اند تا تفسیری صحیح و دقیق از آیات و آموزه‌های قرآن کریم و روایات حکایت‌گر سنت نبوی و علوی به اصناف مختلف جامعه اسلامی عرضه دارند. از همین رهگذر در این تاریخ پرفراز و نشیب اسلام و امت اسلامی، عالمان و مفسران راستین دین در برابر کج‌فهمان، به ویژه القاطی‌ها و منحرفان از راه درست به مجاهده و مقابله علمی برخاسته‌اند و در این مجاهده همه خطرها را به جان خریده‌اند.

از عصر رسول اکرم ﷺ تا به امروز بسیاری از اندیشمندان جهان اسلام با جنبش و کوشش علمی و اجتهادی توانسته‌اند رمز و رازهای آموزنده و پیام‌آور نهفته در متن این کتاب آسمانی را کشف و بیان کرده و نشان دهند. (بابایی و گروهی از محققان، ۱۳۹۹، ج ۲) از میان طبقات مفسران اسلامی نقش و جایگاه تفسیرگران و قرآن پژوهان شیعه امامیه و آثاری که در این دانش آفریده‌اند بیان‌گر سهم بزرگ آنان در خدمت به کتاب وحی بوده است. (ر.ک: همان و نیز: عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۷)

بی‌شک پرفروغ‌ترین دوران تحول و تکامل دانش تفسیر در میان مفسران امامیه در سده اخیر و در ایران اسلامی و حوزه علمیه قم صورت بسته است و پیشگام این حرکت و نهضت بزرگ تحول‌آفرین کسی جز علامه سید محمدحسین طباطبائی (۱۲۸۱-۱۳۶۰) و شاگردان او نیستند؛ مفسران بزرگ و شخصیت‌های بزرگواری چون حضرات آیات «جوادی آملی»، «مصباح یزدی»، «سبحانی»، «مکارم شیرازی» و بزرگانی دیگر که در مکتب وی تعلیم دیده و تربیت یافتند. خوشبختانه در راستای تداوم آن حرکت و نهضت بزرگ، نسل تازه‌ای از قرآن پژوهان حوزوی با فکر، نظر و ایده و اندیشه نوین در دامان علمی آن مفسران بلندمرتبه پرورش یافته و راه آنها را دنبال می‌نمایند.

حرکت قرآنی و تفسیری شکل گرفته به دست علامه طباطبائی و پیروان مدرسه او در خدمت به کتاب خدا به‌طور عمده و برجسته در دو عرصه کلان قابل شناسایی و ردیابی و بررسی است: یکی در عرصه کوشش علمی در تفسیر قرآن و علوم آن و پاسخ به شبهات فکری و دیگری در عرصه جهاد علمی برای مواجهه با انحرافات و اعوجاجات در دانش تفسیر و علوم قرآن.

اما در عرصه اول؛ می‌دانیم که انسان موجودی کنجکاو، جست و جوگر و پرسشگر است و به طور طبیعی در هر برهه‌ای از تاریخ حیات بشر عده‌ای در صدد یافتن پاسخ به پرسش‌ها و احیاناً رفع شبهات خود هستند و کتاب خدا، قرآن کریم متقن‌ترین و مطمئن‌ترین متن آسمانی است که پاسخ‌گوی سوالات و حل شبهات ذهنی و فکری بشر است. بر این بنیان، مفسران سده اخیر حوزه علمیه قم با جهاد علمی در صدد بوده‌اند تا با نگاه عمیق‌تر و دقیق‌تر به زوایای ناشناخته و ناگفته از دفترنامه وحی الهی نیازمندی‌های فکری و نظری عموم طبقات جامعه دینی به ویژه نسل جوان و تحصیل کرده را با تکیه بر منطق فهم و کشف از معنا و مفاد آیات شریفه پاسخ دهند. نمونه عینی این عملیات علمی و اجتهادی مفسران سده اخیر را در سبک تفسیری علامه طباطبائی^۱ و شاگردان مدرسه او می‌توان به خوبی مشاهده کرد. علامه در پایان تفسیر هر بخش از آیات در ذیل عناوین مختلف به شرح و بیان دسته‌ای از مباحث و مسائل پرداخته که ناظر به پاسخ به سوالات و حل شبهاتی است که در دوران خود او مورد گفت و گو بوده است (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۸، ۳۷، ۵۳، ۵۸، ۹۱، ۹۳، ۹۷، ۱۰۵، ۱۳۸، ۱۵۷، ۱۷۴، ۱۸۳، ۱۸۴ و...) و از درون مایه این سلسله مباحث سبک تفسیر موضوعی مفسر به روشنی هویدا می‌گردد و در دنباله‌روی از همین سبک است که آثار فاخری از سوی مفسران فرزانه آیت الله مصباح یزدی و آیت الله جوادی آملی آفریده شده است و هم‌اکنون در دسترس جامعه علمی و عموم قرار دارد.

در این سبک تفسیری مفسر با اجتهاد علمی و اعتماد به آموزه‌های برگرفته از متن کتاب خدا می‌کوشد تا جست و جوگران و پرسشگران دغدغه‌مند در ساحت دین و مباحث پیرامونی آن را به یک اقتناع درونی برساند.

اما نسبت به عرصه دوم باید گفت شواهد تاریخی گواه آن است که در درون جامعه دینی ما افراد و جریان‌هایی بوده و هستند که در صددند افکار، ایده‌ها و اندیشه‌های برگرفته از مکاتب نظری دانشمندان غربی در حوزه علوم انسانی را با معنا و مفاد گزاره‌های آیات شریفه همسو و هم صدا نشان دهند و تفسیری از کلام وحی بیان نمایند که آمیخته با هندسه نظام فکری غیر اصیل اسلامی است. مفسران حوزه علمیه قم در قرن اخیر با اتکاء به منطلق علمی در دانش تفسیر به مقابله با این گونه افراد و جریانات فکری برخاسته‌اند و در نقد و رد دیدگاه و برداشت‌های تفسیری افراد جریان‌ساز این حلقه که از آن به خط انحراف یا احیاناً التقاط نام و یاد می‌شود، کوشیده‌اند.

بدین‌سان مواجهه و مقابله عالمانه، محققانه، خردمندانه و هوشیارانه این طبقه از خادمان به دین در دو عرصه یادشده، دستاوردش آن بوده است که اولاً جایگاه و منزلت کتاب خدا به‌عنوان نخستین منبع و مصدر شناخت اسلام در پاسخ و حل مباحث و مسائل دینی نشان داده شود و ثانیاً نسل جوان کنجکاو و علاقه‌مند به آموزه‌ها و پیام‌های قرآن از آسیب‌های فکری و لغزش‌های اعتقادی خط انحراف و التقاط مصون بماند.

بنابراین، بدون شک حوزه علمیه قم در قرن چهاردهم شمسی مرکز تحول و نقطه تکامل علوم اسلامی و از جمله دانش تفسیر بوده است و ظهور مفسران و قرآن‌پژوهان بزرگ در این سده خود دلیل بر مرکزیت داشتن این حوزه عظیم علمی در تحول‌آفرینی و تحول‌زایی به ویژه در دانش تفسیر و علوم قرآن است. یکی از نمادها و

نشانه‌های روشن تحول‌آفرینی حوزه قم در راستای ایفای رسالت مفسران این برهه تاریخی، مواجهه و مقابله مسئولانه آنان با کانون‌های فکری انحرافی و افراد جریان‌ساز التقاطی در زمینه تفسیر قرآن است. اکنون پرسش اساسی این پژوهش آن است که در سده اخیر، چه جبهه‌ها و جریان‌های انحرافی و نامعتدلی در حوزه دانش تفسیر و علوم قرآن شکل گرفتند و مقابله حوزه علمی قم با آن جریان‌ها، چگونه بوده است؟

پیشینه و روش

می‌توان گفت صرف نظر از بازه زمانی سده اخیر که پژوهش حاضر بدان می‌پردازد، در گذشته تاریخی، هم جریان‌های انحرافی در تفسیر وجود داشته و هم کم و بیش جبهه مقابله با آنها به‌عنوان نمونه می‌توان از گروه خواجه که متکی بر تفسیر انحرافی از آیه «ان الحكم الا لله» (انعام: ۵۷) شکل گرفت و تلاش‌های امام علی علیه السلام در مقابله با این نگرش انحرافی تفسیری یاد کرد.

پیشینه عام موضوع: این پیشینه شامل آن دسته از منابع و محتواهای نگارش‌یافته‌ای است که به شکل کلان و عام به جریان‌های انحرافی و نه ضرورتاً جریان‌های انحرافی در تفسیر، در سده اخیر پرداخته‌اند؛ جریان‌هایی که هم منشأ شناختی و ادراکی انحرافی دارند و هم به نوعی نسبتی با دین و جامعه دینی یافته‌اند که به چهار مورد اشاره می‌رود: ۱) آسیب شناسی جامعه دینی (خسروپناه، ۱۳۸۴)؛ نویسنده در این کتاب ضمن پرداختن به جریان‌های انحرافی، انحصار در بهره‌گیری از یک روش در دین پژوهی، جزءنگری به جای نگاه جامع و کلی، مغالطه اشتراک لفظی، تحمیل پیش فرض‌ها و تبیین کارکردگرایانه از دین را از عوامل اساسی تأسیس گروه‌ها و جریان‌های التقاطی و انحرافی برشمرده است. ۲) تفسیر تسنیم (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج اول)؛ مفسر در بخشی از مباحث کتاب به این موضوع پرداخته و تفسیر قرآن مطابق سلیقه شخصی را از مصادیق التقاط و انحراف تفسیری برشمرده است. ۳) اشباح انحراف، (اسحاقیان، ۱۳۹۲)؛ کتاب به بررسی انحرافات تفسیری جریان‌های مدعی مهدویت در تاریخ معاصر پرداخته است. نویسنده در فصل دوم کتاب، توجه توأمان به ظاهر و باطن آیات، برحذر بودن از استنباطات شخصی، توجه به محکم و متشابه، توجه به شأن نزول و جو نزول آیات و در نظر داشتن ملاک‌های تفسیر عالمانه را از عوامل اصلی در پرهیز از انحرافات تفسیری خوانده است.

پیشینه خاص مسئله: این پیشینه منحصرأ به جریان‌ها و تبارشناسی انحراف تفسیری در سده اخیر می‌پردازد که به اهم موارد آن اشاره می‌رود:

۱. ترکیب التقاط و ترور (روزی طلب، ۱۳۹۲)؛ این کتاب در بازنمایی جریان انحرافی فرقان است و توضیح می‌دهد که چگونه گروه فرقان با تفسیر بدعت‌آمیز از قرآن و نهج البلاغه، با بهره‌گیری از احساس وظیفه عمومی در توسعه بخشی قرائت مبارزه‌جویانه از دین می‌کوشد با ادبیات سیاسی - مذهبی و نگاه التقاطی متأثر از مارکسیسم به تجزیه و تحلیل مسائل مذهبی می‌پردازد. آنان در همین سیر خط انحرافی، واژه‌های پر بسامد قرآنی «صالحات» را به کارهای رونیایی و «حسنت» را به کارهای بنیادین برگردان و معنی کردند. ۲. زمینه‌های پیدایش فرقان و فرقان

گونگان، [گفتگو در باره فرقان] (مصباح یزدی، ۱۳۸۹)؛ در این گفتگو استاد مصباح یزدی نیز در پردازش چگونگی شکل‌گیری گروه انحرافی فرقان یادآور می‌شود که آنان به دلیل بینش التقاطی و منحرفانه، با استناد به ضمیر جمع مذکر «کم» در آیاتی با واژه «نساء کم» (مثلاً «نساء کم حرث لکم» (بقره: ۲۲۳) اشتراک در ازدواج و ازدواج جمعی را تجویز می‌کردند و در عین حال اذعان می‌کردند که با ماتریالیسم فلسفی و انکار خدا مخالفتی ندارند! ۳. جریان التقاط در مطالعات تفسیری ایران معاصر (اکبری جدی، ۱۳۹۳)؛ نویسنده ضمن پرداختن به جریان‌های انحرافی تفسیری در یکصد ساله اخیر اموری مانند: پیش‌داوری در خصوص متون دینی بدون مراعات شرایط تفسیر متن، علم‌زدگی و دلبستگی افراطی به دانش جدید، افراط در عقل‌گرایی، نفوذ اندیشه‌های بیگانه و تضعیف شدید باورهای دینی در میان مسلمانان را از عوامل اصلی التقاط و انحراف تفسیری در سده اخیر برشمرده است.

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی، سامان یافته است. آنچه در مقام توصیف، ملاک و مبناست، صحت اسناد و داده‌های تاریخی و اصالت آن است که مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای است و آنچه در تحلیل مورد توجه است، از یک سو درک عقلانی داده‌ها و رویدادها و در کنار آن، ایده‌های نظری برای پردازش صائب و یافتن روابط بین آن داده‌ها و ایده‌های نظری است.

۱. مفاهیم و تعاریف

جا دارد جهت نشانه‌گذاری و تصویر درست مسئله مورد گفت و گو پاره‌ای از کلیدواژه‌های مهم را در آغاز ایضاح و بازتعریف کنیم.

مفهوم جریان و جریان‌شناسی

در گفتمان‌های علوم نظری عصر حاضر یکی از واژه‌های پرکاربرد که به صورت یک اصطلاح رایج درآمد واژه جریان و به وصف مضاف آن جریان‌شناسی است برخی از محققان در تعریف آن نوشته‌اند:

«جریان عبارت است از تشکل، جمعیت و گروه اجتماعی معینی که علاوه بر مبانی فکری از نوعی رفتار اجتماعی برخوردار است و از سه شاخص اساسی برخوردار است: ۱. اجتماعی بودن ۲. دارای تشکل و جمعیت ۳. برخوردار از اندیشه مشخص و رفتار معین (ر.ک: خسروپناه، ۱۳۸۸، ص ۹). در تعریف جریان‌شناسی می‌نویسند: جریان‌شناسی یعنی «شناخت منظومه و گفتمان چگونگی شکل‌گیری، معرفی مؤسسان و چهره‌های علمی و تأثیرگذار و گروه‌های فکری و فرهنگی و سیاسی و اقتصادی» (همان).

برخی از پژوهشگران در تعریف جریان‌شناسی بر این نظرند که جریان‌شناسی عبارت است از: «شناخت زادگاه چگونگی پیشرفت، تحول‌ها و احیاناً نابودی جامعه و گروهی که دارای یک اندیشه مشخص بوده‌اند» (یزدان‌پناه، ۱۳۸۸، ص ۲۵). و بعضی دیگر آن را «روند شکل‌گیری یک ایده و نظر و سیر تطور تاریخی آن با در نظر گرفتن فرازاها و فرودها و آثار آن در اجتماع» می‌دانند. (شعبانی سارائی، ۱۳۸۸، ص ۱۷)

نویسنده بر این گمان است که تعاریف یادشده تا مقداری می‌تواند تصویری از مفهوم جریان و به وصف مضاف جریان‌شناسی را به ما نشان دهد لکن تلقی یک تعریف جامع و کامل از آنها نمی‌رود. از این رو شاید بتوان به شمار تعاریف پیش‌گفته این تعریف را افزود که جریان «یک حرکت و نهضت با رویکردهای مختلف فکری، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در بستر جامعه است که در پی تغییر و تحول و اصلاح و تکامل است» و به طور طبیعی دستاورد و آثار و لوازمی به همراه دارد و رقیب یا رقیبایی در برابر آن ظهور پیدا می‌کنند. اما جریان‌شناسی عبارت است از: «بررسی، تفسیر، تجزیه و تحلیل فرایند تاریخ شکل‌گیری و خاستگاه، «بنیان‌گذار یا بنیان‌گذاران» و «نقش آنان در رشد و توسعه»، «علل و عوامل پیدایش» و «اوج» و «افول» و «دستاوردها و فرآورده‌ها» و «رقیب یا رقیب آن». با دقت نظر در تعریف بالا هفت عنصر در بازشناسی یک جریان فکری دخالت دارند که لازم است پژوهشگران این ساحت از مطالعات با ژرف‌بینی آنها را مورد خوانش صحیح علمی قرار دهند.

مفهوم التقاط

التقاط از جمله کلیدواژه‌های نوظهوری است که به طور روشن بیش از نیم قرن از کاربرد آن در ادبیات اندیشمندان حوزه دین پژوهی معاصر نمی‌گذرد. نخستین بار زنده یاد جلال آل احمد (۱۳۴۸) نویسنده سرشناس، ادیب و داستان‌نویس خوش‌نگار و تیزبین و جریان‌شناس معاصر در آثارش از واژه التقاط نام برد و آن را بی‌هیچ تعریف صریحی، از ویژگی‌های روشنفکران برشمرد (ر.ک: جلال آل احمد، ۱۳۴۱، ص ۱۴۴) و صد البته مراد وی از بیان این ویژگی، نه بار مثبت و ارزشمند آن برای روشنفکران بلکه برعکس بار منفی و ضد اعتبار و ارزش علمی به این طبقه را یادآور می‌شود.

واژه التقاط در لغت عرب به معنای «گرفتن و برداشتن چیزی از زمین است که رها یا گم شده» آمده است. (ر.ک: ابن فارس، ۱۳۸۷، ص ۸۹۱، فیومی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۵۵۷، ابن منظور، ۱۴۰۸ ق، ج ۷، ص ۳۹۲؛ مصطفوی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۲۲۱) این واژه در آیات قرآن کریم هم به همین معنی به کار رفته (ر.ک: یوسف: ۱۰ و قصص: ۸) و در فقه نیز کاربرد دارد. (ر.ک: نجفی، ۱۳۶۷، ج ۳۸، ص ۱۴۵)

در اصطلاح‌نامه دانشوران و متفکران معاصر التقاط درباره اندیشه و تفکری به کار رفته که دربردارنده عناصر پراکنده‌ای از آراء و ایده‌ها و روش‌هایی آمیخته از چند روش یا مکتب است. به عبارت کوتاه‌تر و روان‌تر مفهوم حقیقی التقاط در حوزه گفتمان رایج امروز ما عبارت است از «جمع‌آوری چند عنصر ناساز یا بی‌ارتباط از چند نظریه و ایده و عقیده است که نتیجه تناقض‌گویی آنها به دقت علمی روشن است» بدین‌سان در یونان قدیم به گروهی از فیلسوفان که از هر مکتب فلسفی مطلبی و رأیی را گرفته و از بهم‌آمیختگی آنها مکتب جدیدی بوجود آورده‌اند، التقاطیون گفته شده است (انوری، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۲۸، به تصرف اندک). بنابراین می‌توان گفت: تفکر التقاطی، مسلک و مرامی است که از مکتب‌ها و عقاید و آراء بهم‌آمیخته و نامتجانس گردآمده است. (ر.ک: علی‌بابایی،

راهیابی مفهوم التقاط به ادبیات سیاسی و دینی معاصر

اما نکته حساس و تأمل برانگیز ورود این واژه در فرهنگ زبان و ادبیات سیاسی - اجتماعی معاصر به ویژه از اواسط قرن اخیر است. در این دوره تاریخی مفهوم التقاط درباره شماری از گروهک‌های دارای فکر و عقیده انحرافی به کار برده می‌شود که کوشیده‌اند با برداشتهای ذوقی و سلیقه‌ای بدون پشتوانه بر منطبق علمی صحیح چنان وانمود کنند که گویا اصول فکری و اعتقادی دین را درست کشف و درک کرده‌اند. اینان با چهره‌ای فریب‌کارانه در صدد بر می‌آیند با طرح پاره‌ای مباحث و مسائل اعتقادی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی متناسب با آن دوره تاریخی، افکار توده مردم و به ویژه نسل جوان تحصیل کرده و تشنه معارف قرآن کریم را با کج‌فهمی به انحراف بکشانند.

اولین شخصیت برجسته از عالمان دین در سده اخیر که با تیزبینی خط تفکر التقاط و انحراف را در بستر جامعه عصر خویش شناخت و عمق خطر و آسیب آن را شناساند، آیت الله شهید مرتضی مطهری (۱۳۵۸-۱۲۹۸) است. ایشان از افکار و اندیشه و ایده این جریان انحرافی با نام ماتریالیسم اغفال شده یا منافق یاد می‌کند (ر.ک: مجموعه آثار، مطهری، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۴۵۷ و نیز: مطهری، ۱۳۷۱، ص ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲) و آسیب‌شناسانه به مقابله علمی با آن اقدام می‌ورزد. این شهید در یکی از آثارش درباره این جریان نوظهور التقاطی و انحرافی این گونه نوشته است: «ماتریالیسم در ایران در یکی دو سال اخیر (مراد ایشان سال ۱۳۵۰ شمسی است) به نیرنگ تازه‌ای بس خطرناک‌تر از تحریف شخصیت‌ها دست زده است و آن تحریف آیات قرآن کریم و تفسیرهای مادی محتوای آیات با حفظ پوشش ظاهری الفاظ است این نیرنگ، نیرنگ جدیدی است» (همان).

۲. جریان‌های انحرافی معاصر در دانش تفسیر و مقابله حوزه با آنها

تنوع و تکرر نظریه‌ها و اندیشه‌های افراد جریان‌ساز این طیف فکری در طول صد سال اخیر اقتضاء دارد برای به دست آوردن و رسیدن به منظومه فکری و مجموعه آراء تفسیری آنان رویکردهای مختلف در این جریان‌ها را شناسایی و با تفکیک آنها به بررسی آنها اقدام کنیم.

۲-۱. جریان علم‌گرا با گرایش اصالت حسی و تجربی

رسانس و پس از آن دوره تحولات گسترده و توسعه‌یافته عمیق در پهنه علوم مختلف برگرفته از داده‌ها و یافته‌های تجربی بشر بوده است. بستر این تغییر و تحولات گسترده و پیچیده در جوامع غربی بوده و جوامع اسلامی به جهت روابط و مناسبات سیاسی و اقتصادی با جهان غرب، سخت درگیر این بستر توسعه و پیشرفت قرار می‌گیرند و به این سمت و سو سوق داده می‌شوند. بدین سان عده‌ای از اندیشمندان دغدغه‌مند نسبت به سرنوشت جامعه اسلامی و متعهد به چارچوب‌های دینی، در برخورد با این تغییر و تحولات، در صدد بر می‌آیند تا نگاه تازه و دوباره‌ای به فهم از دین و شریعت با تکیه بر متن کتاب خدا و تفسیر آن داشته باشند. (ر.ک: فکری، ۱۳۹۷؛ عنایت،

بخشی از جامعه روشنفکری ایران که نوعی دغدغه دینی دارند، در همین راستا می‌کوشند تا میان آموزه‌های دینی برگرفته از قرآن کریم و دانش‌های تجربی سازگاری برقرار نمایند و چنان نشان دهند که آنچه پیامبران از طریق وحی برای بشر به ارمغان آورده‌اند، همسو با چیزی است که دانشمندان علوم تجربی بدان رسیده‌اند. از این رو، شماری از این طیف فکری که خود نوعاً دانش‌آموختگان علوم طبیعی هستند، تلاش دارند تا معنا و مفاد و محتوای آیات قرآن را با یافته‌های دانشمندان تجربه‌گرا همسان‌سازی کنند. جریان فکری نهضت آزادی و بنیان‌گذاران آن مهندس مهدی بازرگان (۱۲۸۶-۱۳۷۳) و دکتر بی‌الله سبحانی (۱۲۸۴-۱۳۸۱) از رحمته یافتگان به مباحث تفسیری با این رویکرد محسوب می‌شوند. بازرگان با آفرینش آثار بسیار در قالب کتاب و مقاله، چون «سیر تحول قرآن»، «پا به پای وحی»، «باد و باران در قرآن»، «راه طی شده»، «بعثت» و... کوشید تا این فرضیه را به یک نظریه علمی تبدیل کند که آنچه خداوند متعال در قرآن بیان داشته است با دیدگاه‌ها و فرضیه‌های دانشمندان علوم تجربی ثابت و قابل اثبات و برابر است و تضاد و تناقضی میان دریافت و برداشت مفسر قرآن با داده‌ها و یافته‌های به دست آمده از تجربه علمی بشر نیست. (بازرگان، ۱۳۴۴ و نیز: همو، ۱۳۵۶)

وی در کتاب «راه طی شده» بر این نظر است که راهی را که پیامبر خدا برای تعلیم و تربیت و هدایت بشر رفته‌اند، می‌توان با آنچه دانشمندان علوم تجربی کشف کرده همصدا و همساز دانست (بازرگان، ۱۳۳۸) و البته نویسنده کتاب یادشده به صراحت اذعان دارند که روش علمی او در فهم و تفسیر آیات مبتنی بر دانش تجربی هرگز به این معنا نیست که علم بشری بر وحی تقدم دارد (بازرگان، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۳۴).

در دنباله‌روی از نوع نگرش بازرگان به تفسیر آیات قرآن دوست و یار دیرینه‌اش دکتر بی‌الله سبحانی قرار دارد. او در کتاب پرآوازه‌اش به نام «خلقت انسان» درصد برآمده است تا فرضیه پر صدا و طرفدار مشهور به تکامل چارلز داروین (۱۸۰۹-۱۸۸۲ م) زیست‌شناس شهیر را درباره آفرینش انسان همسو و هم‌نظر با آنچه خداوند متعال در آیات کریمه در مسئله آفرینش بشر فرموده بداند. ایشان در جایی از کتاب نام برده نوشته است: «قرآن درباره سلسله موجودات ذی حیات تصریحات متعددی دارد که علم امروز پس از تلاش‌ها و تجربه‌ها به همان نتیجه رسیده است علم امروز می‌نماید که سلسله جانداران از نظر نسلی به هم پیوسته‌اند و زندگی آنها با ظهور ساده‌ترین اقسام آنها از آب‌های گل آلود و لجن زار اولیه شروع شده و با تنوع و تکاملی که در طول تقریباً دو میلیارد سال پیدا کرده به انسان و انواع گیاهان و جانداران معاصر انسان رسیده است». (سبحانی، ۱۳۷۵، ص ۱۰ و ۱۱)

مواجهه عالمان حوزه قم با این جریان

انصاف علمی اقتضاء می‌کند تا راقم این سطور پیش از تجزیه و تحلیل منتقدانه از مبانی و روش تفسیری جریان روشنفکری مورد گفتگو و مواجهه عالمانه پیشکسوتان روحانیت با آن، نکته‌ای مهم را یادآور شوم و آن پاسخ به این پرسش است که: جریان تفسیری علم‌گرا با رویکرد اصالت تجربی که پیشگام آن در ایران مهندس بازرگان و موافقان او هستند در کدام بستر تاریخی شکل گرفته است؟ این مقاله به یقین مجال آن را ندارد که پاسخی جامع و

کامل از این پرسش، فراروی خوانندگان این پژوهش قرار دهد. اما در یک نگاه اولیه و کلان می‌توان گفت که این جریان تفسیری در بستر و فضایی شکل گرفته که از سوی با روشنفکرانی با گرایش مادی مارکسیستی در جامعه ایران مواجه بوده و از سوی دیگر جامعه دینی و به‌ویژه نسل تحصیل کرده جوان با هجمه‌ای شدید به مبانی و اصول بنیادین دین مقدس اسلام رو به‌رو بوده و با این ادعای واهی طرف بود. که دین در عصر حاضر در برابر علوم تجربی بشری برنامه و سخن درستی ندارد، و کارآمد نیست و آموزه‌های قرآن در نظام زندگی امروز بشر بی‌تأثیر است. جریان مورد گفت‌وگو در برابر این هجمه و نگرش مادی‌گرایانه قد علم کرد و تلاش کرد تا میان دین و علم سازگاری برقرار کند و پاسخی علمی به این هجمه بدهد.

پس در چنین فضا و بستر و شرایط و زمانه‌ای است که عده‌ای از شخصیت‌های علمی متدین، متشرع و متعهد و آشنا با جهان غرب و علوم تجربی در تلاش بر می‌آیند تا از مقام و جایگاه کتاب خدا، قرآن و اصول دین و احکام شریعت دفاع کنند و آموزه‌های وحیانی را در تضاد و تعارض با یافته‌های بشری قلمداد نمایند بلکه همسو نشان دهند.

اما با این اوصاف، نحوه نگرش این طیف و جریان فکری به قرآن و چگونگی برداشت تفسیریشان از آن، زمینه‌ساز پیدایش گرایش خط‌التقاط پس از خودشان می‌شود و این امر واقعیتی است که هرگز نمی‌توان و نباید از آن غفلت یا اغماض کرد. از این رو جا دارد تا مبانی و روش تفسیری آنان مورد بررسی و نقد قرار گیرد.

علامه طباطبائی و حلقه شاگردان وی در برابر این نگرش قد علم می‌کنند و می‌کوشند تا میان دین و علم سازگاری برقرار کنند و پاسخی علمی به آن بدهند. علامه شهید مطهری و حضرات آیات مصباح یزدی، سبحانی، مکارم شیرازی، جوادی آملی و بسیاری از روحانیان محقق با خلق آثاری در صدد پاسخ‌گویی به این دسته سوالات و حل شبهات بر می‌آیند.

از نگاه این اندیشوران اساس اشکال جدی به جریان تفسیری علم‌گرا به مبانی آنان برمی‌گردد. که برای فهم و کشف از گزاره‌های قرآن اتخاذ کرده‌اند. و آن عبارت است از: «به خدمت گرفتن قرآن جهت دست‌یابی به آنچه دانشمندان علوم تجربی فهمیده و کشف کرده‌اند». و نیز «تحمیل و تطبیق نظریه‌ها و فرضیه‌های علمی بر قرآن». بس روشن است که هیچ‌یک از این دو مبنا در رویکرد این جریان تفسیری قابل دفاع نیست؛ زیرا در تلقی اول یافته‌های بشر که از راه تجربه و حدس و آزمایش به دست می‌آید و بر پایه آنها فرضیه‌ها و دیدگاه‌های دانشمندان طراحی می‌شود، همواره قابل تردید، تغییر و حتی بطلان‌پذیر است و با این پیش‌فرض که آنچه از ظاهر معنای واژه و مفاد گزاره‌های قرآن فهمیده می‌شود لازم است به استخدام یافته‌ها و نظریه‌ها علمی درآید. آنگاه لازمه‌اش آن است که بپذیریم آموزه‌های قرآن در هر آن و مکانی قابلیت تردید، تغییر و بطلان دارد و سرنوشت کلام الهی به سرنوشت علوم تجربی گره می‌خورد و در هر عصری دچار افت و خیز و رد و قبول پیدا می‌کند و هیچ‌گاه نمی‌توان به فهم پایدار و استوار از محتوای متن کتاب خدا اعتماد و اطمینان پیدا کرد. از دیگر

سو، تلقی دوم نیز به معنای تفسیر به رأی است که در اخبار متواتر رسیده از پیامبر اکرم ﷺ و حضرات ائمه معصومین ﷺ نهی از آن شده است.

علامه طباطبائی در مقابله با این مبنای تفسیری و این نحوه نگرش به ساحت کلام وحیانی نوشته‌اند: «در این دوران مسلک تازه‌ای در تفسیر پیدا شده است و عده‌ای که خود را مسلمان می‌دانند به دلیل اشتیاق فراوان و جست و جوی زیاد در علوم طبیعی و مانند آن که بنیانش بر حس و تجربه است و نیز در مسائل اجتماعی که پایه‌اش تجربه و آمارگیری است، گرایش به مسئله حس‌گرایی پیدا کرده‌اند یا به سوی فلاسفه مادی و حسی سابق اروپایی گرایش یافته‌اند یا به سمت مذهب اصالت عمل (پراگماتیسم) کشیده شده‌اند... در نتیجه می‌گویند: معارف دینی نمی‌تواند مخالف با علم باشد و علم می‌گوید اصالت وجود تنها از آن ماده و حواس محسوس است پس در دین و معارف آن، هر چه از دایره مادیات بیرون است و حس آن را لمس نمی‌کند مانند عرش، کرسی، لوح و قلم و... باید تأویل برده شود... آنچه در پاسخ به آنان می‌گوییم: تفسیرشان تفسیر نیست بلکه تطبیق است زیرا این افراد معلومات خود را بر قرآن تحمیل کرده‌اند. پس چرا نظریه‌های علمی را اصل مسلم گرفته و تجاوز از آن را جایز نمی‌دانند...» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، با تلخیص و تصرف اندک، ج ۱، ص ۷)

علاوه بر اشکال مبنایی پیش‌گفته، نقد دیگری هم بر مبنای تفسیری علم‌گرایان وارد است و آن، مخالفت شدید آنان با نگرش عقلی در فهم و کشف معنا و مفاد گزاره‌های قرآنی است. در حقیقت جریان تفسیری علم‌گرا و روشنفکران تجربه‌گرا نقش عقل را در دانش تفسیر بر نمی‌تابند و یافته‌های علم تجربی را بر معلومات عقلی مقدم می‌دارند و ترجیح می‌دهند. *بازرگان* در این باره می‌نویسند: «تکیه ما بر طبیعت مشهود و علوم تجربی و عینی بوده (و) پیرامون فلسفه و ذهنیات یا عواطف و احساسات غیرقابل اثبات نمی‌گردیم» (بازرگان، ۱۳۷۴، ص ۱۰ و نیز: ۱۳۶۰، ص ۷).

ایراد بنیادین این مبنا آن است که قرآن کریم دربردارنده معارف بسیار و گسترده‌ای است که نه تنها یافته‌های بشر در دانش‌های تجربی تاکنون به همه آنها دست نیافته است بلکه مقدار ناچیزی از آن را در حوزه امور طبیعی، نظام کیهانی و انسانی کشف کرده است. علاوه بر آن، همه آموزه‌ها و پیام‌های جاودان کلام وحی در انحصار و اختصاص امور طبیعت نیست بلکه بخش قابل توجهی از آن در ارتباط با جهان آخرت و آفریننده آن و هستی آن است که این دسته از آیات فراوان قرآن با داده‌ها و یافته‌های علوم تجربی قابل تفسیر نخواهد بود و در همین جاست که مسئله جایگاه و نقش عقل مصباحی و یا منبعی جهت فهم و درک و کشف معنا و مفاد گزاره‌های قرآن در این بخش از سخن الهی به میان می‌آید.

استاد مصباح یزدی در بحث جهان‌شناسی از دروس معارف قرآن در نقد این نگرش نوشته‌اند: می‌پندارند قرآن مردم را تنها به علوم طبیعی و شناخت طبیعت دعوت می‌کند و می‌خواهد جامعه انسانی از این راه در مسیر ترقی و تکامل علمی و تکنیکی قرار گیرد. اینان مدعی‌اند که روش قیاسی میراث فرهنگ یونانی است و قرآن با آن به

مبارزه برخاسته و روش استقرایی را پیش نهاده است؛ به همین دلیل است که مردم را بیشتر به مطالعه طبیعت تحریض می‌کند و چنین مطالعه‌ای جز با روش تجربی و استقرایی امکان‌پذیر نیست... حقیقت این است که اینان کسانی هستند که پیش از آشنایی راستین با قرآن، ذهنشان از مفاهیم و ارزش‌های غربی پر شده است و آگاهانه یا ناآگاهانه به نام مبارزه با فرهنگ غربی، خود مروج فرهنگ غربی هستند؛ زیرا سال‌هاست که روش فلسفی و قیاسی در غرب منزوی شده و روش غالب در مجامع علمی غرب، فکر تجربی و استقرایی است. اینها نیز تحت تأثیر همین فکر که سوغات روشن‌فکرهای خودباخته یا عوامل فرهنگ استعماری در دهه‌های اخیر است، قرار گرفته‌اند. (مصباح یزدی، ۱۳۶۸، ص ۲۲۷-۲۲۸)

همچنین علامه طباطبائی و آیت الله مصباح روش برداشت‌های تفسیری *بی‌الله* به نفع فرضیه تکامل را در کتاب خلقت انسان مورد بررسی کرده و ضعف‌های روشی آن را نشان داده‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶ ص ۲۵۶-۲۶۱؛ مصباح یزدی، بی‌تا، ص ۳۸-۴۰ و ۵۱ و ۵۷-۵۶ و ۶۰ و ۶۶-۷۱).

۲-۲. جریان روشنفکری با گرایش سوسیالیستی مبتنی بر اصول جامعه‌شناختی

بخش دیگری از جریان التقاطی در تفسیر کلام الهی را در میان طیفی از روشنفکران جست که با رویکرد اجتماعی مبتنی بر اصول جامعه‌شناختی به سراغ متون دینی و تفسیر و برداشت از آنها می‌رود. گروهی از شخصیت‌های برجسته از طیف روشنفکری سده اخیر با ورود به عرصه غیر تخصصی خود که دانش تفسیر و علوم وابسته به آن باشد، کوشیده‌اند تا مفاهیم و آموزه‌های قرآنی را با رویکرد یاد شده کشف و به دست آورند. بی‌شک سخنگو و نماینده رسمی و تأثیرگذار میان این طیف دکتر علی شریعتی (۱۳۱۲-۱۳۵۶) است. او در دوران حیات و فعالیت علمی و مبارزات سیاسی خود در صدد آن بوده تا با شناخت نسبی که از اصول اعتقادی مذهب شیعه داشته است منابع دینی، قرآن و احادیث، را با برداشتی سازگار و همراه با آراء و مبانی جامعه‌شناختی عرضه کند (بروجردی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۷-۱۷۱). حسینیه ارشاد و طیفی که بر محوریت افکار دکتر شریعتی، در برهه‌ای از زمان بر امورات حسینیه سلطه پیدا کردند، از حامیان این جریان بودند.

شریعتی بر این گمان بود که فهم گزاره‌های قرآنی در یک نظام فکری کلان ایدئولوژی دارای اجزای وابسته به هم، قابل دریافت و برداشت است؛ بدین سان لازم است در نخستین مرحله شناخت دین بر اساس منابع دینی به مسئله جهان‌بینی و انسان‌شناسی بر پایه اصل توحید نگرست و آن را زیربنای دین‌شناسی قرار داد و از همین رهگذر است که علوم اسلامی می‌تواند مورد بازخوانی و تفسیر و تحلیل قرار گیرد (شریعتی، بی‌تا، ص ۵۸، ۲۰، شریعتی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۷).

از دیگر تنورسین‌های این جریان فکری و دنباله‌روی خط مشی نظری شریعتی در فهم و کشف گزاره‌های قرآن «محمود سلامتی»، «حبیب الله پیمان»، «حسن دانایان‌فر» و «ابوالحسن بنی‌صدر» هستند. آنان با استناد و استدلال به آیات کریمه و در تفسیری متفاوت از کتاب خدا معتقدند در اسلام مالکیت خصوصی افراد معنا ندارد و

جامعه‌ای را می‌توان توحیدی نام نهاد که افراد آن از هیچ گونه مالکیتی برخوردار نباشند. بلکه همه مردم در یک طبقه قرار گیرند و همه امتیازات طبقاتی از بین رفته باشد. یکی از آنان در این باره نوشته است: «باید دانست که در اسلام قبل از رسیدن به جامعه توحیدی هیچ‌کس این اجازه را به خود راه نمی‌دهد که ادعای مالکیت چیزی را بکند زیرا در قرآن آمده است: «و لله ما فی السموات و ما فی الارض» (سلامتی، ۱۳۵۶، ص ۸۲).

حبیب‌الله پیمان از پیروان این نگرش فکری با استناد به آیات متعددی مانند ۱۰ حدید، ۱۷ مائده، ۷۴ اعراف و آیات دیگر نوشته است: «در قرآن تصریح شده است که خدا آنچه را از نعمت‌ها و مواهب طبیعی در زمین است برای عموم مردم خلق کرده است و آنچه از زمین از سوی انسان به دست می‌آید از آن خداست و منافع آن برای عموم مردم است و هیچ‌کس نمی‌تواند ادعای مالکیت و تملک خصوصی آنها را نماید...» (ر.ک: پیمان، ۱۳۵۷، ص ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۷۵؛ همو: ۱۳۵۶، ص ۸۵ و نیز: شریعتی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۳، ۱۴۴؛ توانایان فر، ۱۳۵۷، ص ۹۱، ۹۶).

آنچه از برداشت تفسیری آیات مورد استناد این افراد به وضوح به دست می‌آید این است که این نوع نگرش به متن آیات کتاب خدا و مفاد و محتوای آنها، یک فهم التقاطی از دین و شریعت مبتنی بر نظریه اقتصادی مکتب سوسیالیزم است.

تقابل فکری اندیشمندان حوزه علمی با این جریان

به این مبنای تفسیری چند اشکال اساسی وارد است که شهید مطهری به پاره‌ای از آنها اشاره کرده است. اشکال اول این است که بی‌شک بنیان اجتهاد علمی عالمان دین بر فهم از کتاب و سنت قرار گرفته است، اما تفکیک میان آن دو به دلایل مختلف، که در این مقال مجال بیان آنها نیست، از جمله حدیث متواتر ثقلین یک خط فکری انحرافی بوده که عده‌ای از مخالفان مذهب امامیه و کج‌اندیشان به اصطلاح روشنفکر دچار آن شده‌اند بدین لحاظ می‌بینیم رویکرد مبنایی شریعتی و موافقان فکری‌اش تفسیر قرآن بدون رجوع به سنت و فهم روایات است. این جریان فکری نگاهی یک‌سویه به فهم و کشف گزاره‌های قرآنی و دین و شریعت با رویکرد جامعه‌شناختی و یا مبارزه پنداری با نظام طبقاتی سرمایه‌داری دارند، در نتیجه در تفسیر و تحلیل آموزه‌ها و پیام‌های قرآنی بی‌توجه به افق روشنائی‌بخش حجم بسیاری از روایات تفسیرگر آیات، به تفسیر آیات کریمه روی آورده‌اند و به جامعیت تفسیری آیات با رویکرد روایی نگریسته‌اند و یا بدان معتقد نبوده‌اند و یا دست کم، اهمیت و ضرورت این کار را نپذیرفته‌اند.

شهید مطهری رحمته‌الله علیه در مواجهه فکری و نظری با این رویکرد در تفسیر قرآن می‌نویسند: «آنان مدعی تفسیر قرآن بر اساس اندیشه‌های امام معصوم رحمته‌الله علیه و بر مبنای آموزش‌ها و اعمال او، نه پیروی از آرای تفسیری او بودند... خلاصه از نظر آنها برای اینکه تفسیر، تفسیر امام باشد دنبال سخن امام رفتن ضرورتی ندارد. باید تفکر، تفکر امام باشد و تفکر آنگاه تفکر امام خواهد بود که فرد از نظر طبقاتی در طبقه امام (طبقه محرومان تاریخ) باشد و عملاً درگیری‌های طبقاتی او را داشته باشد تا مانند او تجربه کند و ببیندش. آیا واقعاً معنای رجوع به ائمه رحمته‌الله علیه در تفسیر آیات همین است؟...» (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۳۴).

اشکال دیگر در برداشت‌های تفسیری رویکرد مورد گفت‌وگو که بن‌مایه نگرش آن بر آراء شریعتی استوار است، تکیه گاه عمده و اصلی خود را بر یافته‌های علمی تجربه‌گرایان می‌بیند و به جایگاه و نقش عقل در فهم کلام وحی چندان اهمیت نمی‌دهد و بر این تصور نادرست است که وقتی سخن از عقل به میان می‌آید تنها عقل فلسفی و برهانی محض مراد است و اندیشه و ایده فلاسفه معیار صحیح در تفسیر کتاب خداست. شریعتی با این برداشت ناقص و ناصحیح گفته و نوشته است: «تمام قرآن توجه به جزئیات و محسوسات است... بنابراین اسلام به مطالعه در محسوسات، مادیات و جزئیات و غفلت از تفکر در کلیات توجه می‌دهد ولی متأسفانه یونان‌زدگی قرن سوم و چهارم جامعه اسلامی موجب شد این طرز تفکر (اسلامی) فراموش شود» (شریعتی، بی‌تا، ج ۳۰، ص ۵۰).

این نوع نگرش به قرآن و فهم و کشف گزاره‌های متعالی و بلند کلام الهی در مسائل نظام طبیعت از سوی شهید مطهری^{۱۱} مورد نقد و نفی قرار گرفته است. وی می‌نویسد: خدمت علوم (تجربی یا بشری) به توحید تنها از راه نظام غایی است نه از راه نظام فاعلی. علوم تا آنجا که در طبیعت پیش رفته به نظم دقیق ساختمان اشیاء و رابطه تشکیلات داخلی اشیاء با یک سلسله هدف‌های پیش رفته، پی‌برده است. هدف قرآن هم از دعوت به مطالعه حسی و تجربی طبیعت در همین حد است و بیش از آن نیست اما این مقدار در بحث توحید مفید نخواهد بود چون در (شناخت) توحید آنچه مهم است توجه کردن به نظام علت و معلول بر پایه علت حقیقی و هستی بخش عالم امکانی است، نه علت‌های مُعَدّه که در عالم مادی و در حوزه علوم مطرح‌اند...» (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۷۷-۷۹).

اشکال دیگر آن است که: شریعتی در آثارش به صراحت بیان کرده‌اند که روش دین‌شناسی او بنیانش بر اصول و مبانی جامعه‌شناختی است و دین از نظرگاه او و موافقانش یک نهاد اجتماعی است نه یک جهان‌بینی که اصول آن مبتنی بر شناخت خداوند متعال به‌عنوان یگانه آفریدگار هستی و صفات جلال و جمال و کمال او... وی در این باره نوشته است: «من دارم جامعه‌شناسی دین می‌گویم و مراد از توحید، توحید در تاریخ و جامعه است نه آنچه در کتاب (خدا) و در حقیقت است. به توحیدی که قرآن و محمد و علی گفته‌اند در اینجا کارمان نیست. هم اکنون برای من توحید در جامعه و در تاریخ مهم است و همیشه هم همین بوده است» (شریعتی، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۲۶۹، و نیز: همان، ۱۳۸۰، ج ۱۰، ص ۲۴).

وی با این نگرش ناصواب واژه «امّی» در آیه ۱۵۷ اعراف را که پیامبر اکرم^{۱۲} بدان وصف و معرفی شده، به‌عنوان وابستگی حضرت به طبقه محروم جامعه تفسیر کرده است و گمان برده که واژه «امّی» به امت و توده مردم منسوب است، در نتیجه «امّی» به کسی گفته می‌شود که از متن جامعه برخاسته است نه قشرها و زبده‌ها و تحصیل کرده‌ها و علماء و روحانیون که زبده‌های جامعه و نگهبانان سنت‌های کهنه هستند و نمی‌توانند حرکت تازه‌ای ایجاد کنند» (شریعتی، ۱۳۹۶، ج ۲۳، ص ۱۷۰، و نیز: همان، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۱۲۸).

این نگاه طبقاتی به جامعه که همواره در طول تاریخ حیات بشر مبارزه میان طبقه غنی و فقیر بوده و منشأ اصلی تضادهای اجتماعی و دینی همین دو قطب بوده‌اند، در منظومه فکری شریعتی و هوادارانش هویدا است.

شهید مطهری به مبارزه با این تفسیر التقاطی از مفاهیم قرآنی بر می‌خیزد و در نقد و رد آن می‌نویسند: «هم چنان که مؤمنان و موحدان و انقلاب‌گران توحیدی همه از طبقه مستضعفین نبودند و پیامبران فطرت‌های آلوده یا کم‌آلوده را از طبقات استضعافگر شکار می‌کردند و آنها را علیه خودشان (توبه) یا علیه طبقه‌شان (انقلاب) بر می‌شورانند، طبقه مستضعفین نیز همه در زمره مؤمنان و انقلاب‌گران توحیدی نبودند. قرآن صحنه‌های مختلفی را می‌آورد که در آن صحنه‌ها گروه‌هایی از مستضعفین را محکوم و داخل در تیپ کافران مشمول عذاب الهی معرفی می‌کند» (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۱۸۵ و نیز: ص ۳۷ و ۳۸).

از جمله برداشتها و تفسیرهای التقاطی در منظومه فکری این عده از جریان روشنفکری، تفسیر واژه «ناس» در آیات قرآن کریم به توده و طبقه مستضعف و پابره‌نه و محروم و درمانده است (شریعتی، ۱۳۹۲، ج ۲۰، ص ۲۴۹ و ۲۵۰ و نیز ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۱۲۸؛ جعفریان، ۱۳۸۳، ص ۵۰۴ و ۵۰۵).

چنانکه پیش‌تر اشاره گردید وابستگان فکری و ایدئولوژی به این جریان همواره کوشیده‌اند تا با استناد و استدلال به آیات کتاب خدا، جامعه را با اصطلاح ساختگی «بی طبقه توحیدی» یاد کنند و نام برند که از امتیازات آن مالکیت اشتراکی اموال و املاک و نفی هر گونه مالکیت و ملکیت خصوصی است.

شهید مطهری در مقام دفاع از مفاهیم ناب قرآنی به تقابل علمی عالمانه با این نحوه برداشت و تفسیر از واژگان کلام وحی پرداخته و نوشته‌اند: «مخاطب اسلام «ناس» است ولی ناس یعنی انسان‌ها، یعنی عموم مردم. هیچ کتاب لغتی و هیچ عرف عرب زبانی ناس را به معنای توده محروم نگرفته و مفهوم طبقه (محروم) در آن ننگ‌نابیده است. قرآن می‌گوید: «و لله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سیلا» (آل عمران: ۹۷). آیا معنا دارد (تا گفته شود مراد از مفهوم ناس در آیه شریفه) توده محروم باشد؟ هم‌چنین از خطابات «یا ایها الناس» که در قرآن فراوان آمده مقصود توده محروم نیست (بلکه) عموم مردم مراد است» (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۱۲۵ و ۱۲۶).

استاد علامه مصباح یزدی از دیگر شاگردان مدرسه تفسیری علامه طباطبائی است که به مبارزه فکری و مقابله نظری با این جریان برخاست. ایشان در درسگفتارهای جامعه و تاریخ در قرآن بارها خطر این جریان التقاطی را گوشزد کرده و به نقد مبانی و دیدگاه‌های آنان برخاسته است (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۶۴).

۲-۳. جریان مارکسیستی شبه‌اسلامی با گرایش سیاسی مبتنی بر انقلابیگری

در نیم قرن گذشته جامعه ایران با تغییرات و تحولات و پدیده‌ها و بحران‌های بزرگ و سرنوشت‌سازی مواجه بوده است و خط سیر این نیمه پر التهاب در دامنه دنیای سیاست با فعالیت‌های تند و گاه مسلحانه به نام انقلابیگری جریان داشته است. در آغاز نیمه دوم قرن چهارم شمسی عده‌ای از نسل جوان به ویژه تحصیل کرده میدان‌دار حرکت‌های سیاسی‌ای شدند که نوعی واکنش انتقادی شدید در برابر فکر و اندیشه سیاسی رهبران گذشته آنان بود. زیرا آنان بر این گمان و پندار بودند که نسل گذشته رهبران آنان با حرکت کُند سیاسی نمی‌توانند انقلابی بزرگ و بنیان‌برانداز در صفحه و صحنه جامعه پدید آورند. این گروه جوانان با چنین نگرش افراطی باور خود را بر مبانی

فکری مکتب مارکسیسم و تئورهای به ظاهر علمی آن نهاده بودند. آنان به‌طور عمده به زوایای انقلابگری دین در ساحت اجتماع می‌نگریستند، از این رو از واژگانی مانند «جهاد»، «شهادت»، «مقاومت»، «نظام توحیدی» و... تفسیرهایی را بیان می‌کردند که به‌طور دقیق بر اصول مارکسیستی منطبق می‌شد. به پندار این گروه مکتب مارکسیسم به مردم می‌آموزد که چگونه انقلاب کنند و بر علیه نظام ستم و ستمگری بشورند و با آن مبارزه کنند. بدین سان دین و مذهب وقتی می‌تواند نقش‌آفرین در سرنوشت جامعه باشد که آموزه‌های آن آمیخته با مسائلی چون «جبر تاریخ» و «نبرد طبقاتی» باشد و از همین رهگذرست که جامعه پیشرفت می‌کند. (جعفریان، ۱۳۸۳، ص ۳۸۲، ۴۹۱)

این عده از جوانان با انگاره‌ها، ایده‌ها و اندیشه‌های التقاطی و انحرافی در پوسته دو سازمان و گروه سیاسی به نام «مجاهدین خلق» و «فرقان» توانستند بخشی از افراد تحصیل کرده دانشگاه‌های را به سمت و سوی خود بکشانند و مبانی مادی‌گرایانه مکتب مارکسیسم را با تفسیر و تحلیل مفاهیم قرآنی و دینی درهم‌آمیزند و آن را با نام اسلام مترقی در تضاد با اسلام ارتجاعی که در مساجد از سوی عالمان دین و روحانیان سرشناس تعلیم داده می‌شد، معرفی نمایند (همان؛ و نیز: بروجردی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۱-۱۸۷، دهقانی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۸-۱۶۲)

نمونه‌هایی از تفاسیر التقاطی جریان سوم از آیات

در اینجا به نمونه‌هایی از تفاسیر التقاطی و انحرافی این جریان در فهم و درک مفاهیم و معانی بلند واژگان قرآن کریم اشاره و بسنده می‌نماییم:

۱) تفسیر واژه «غیب» به مرحله ابتدایی انقلاب

این گروه‌های التقاطی واژه «غیب» در آیه سوم سوره بقره را به معنای «مرحله پنهانی انقلاب» پنداشته و در این باره نوشته‌اند: مفسرین غیب را آنچه که دیدنی نیست اعم از خداوند یا فرشتگان و... دانسته‌اند حال آنکه اولاً؛ خداوند و فرشتگان و... غیب نیستند، ثانیاً؛ با طرح عنوان متقین مسئله ایمان به خدا مطرح شده و گذشته است... پس منظور از غیب معهود و شناخته شده همان مراحل ابتدایی رشد انقلاب توحیدی و زمان انجام تحولات کمی است که به تدریج به تحول کیفی می‌رسد و از مرحله غیب به شهود منتقل می‌شود» (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۳۷).

۲) تفسیر واژه «صلاة» به پیوستگی میان عناصر انقلابی همراه

این جریان لفظ «صلاة» در کتاب وحی را نه به معنای نماز بلکه به مفهوم پیوستگی میان عناصر انقلابی همراه و نمودهای برتر و قوانین حاکم بر آفرینش تصور و تفسیر کرده‌اند و می‌نویسند: «این نشانه تنگ نظری و محدودنگری مفسرین و مترجمین است که کلماتی از قبیل «صلاة» را از معنای عام خود باز داشته و محدود و محصور ساخته، زیرا معنای «صلاة» از نظر لغوی آن نماز نیست، نماز شکل خارجی پیوستگی و ارتباط بین عناصر انقلابی همراه و نمودهای برتر و قوانین حاکم بر آفرینش است. قرآن با انتخاب این کلمه به یکی دیگر از اصول

کلی در همه انقلابات، چه توحیدی و چه غیر توحیدی توجه کرده‌است، منتهی در انقلاب توحیدی این اصول به نحو جالب‌تری خودنمایی می‌کند...» (همان، ص ۳۸).

۳) تفسیر واژه «آخرت» به نظام برتر یعنی نظام عادلانه سوسیالیستی

این جریان در تفسیر عبارت «و بالاخره هم یوقنون» (بقره:۵) نوشته‌اند: «اینان به نظام برتر در مرحله شهادت انقلاب تعین دارند و می‌دانند که موضع‌گیری‌های خاص و این روش انقلابی سرانجام آنان را به هدف خویش که رسیدن به نظام برتر است می‌رساند...» (همان، ص ۳۸).

مقابله حوزه علمیة قم با این جریان

شکی نیست که در سده اخیر گرایش عده‌ای از نسل جوان به‌ویژه تحصیل کرده دانشگاهی به سمت و سوی مکتب مارکسیسم و سوسیالیسم در جامعه ایران آثار منفی شدید و دردآوری به بار آورده است. تفسیر و تحلیل ظهور این پدیده شوم انحرافی و علل و عوامل آن در جای خود لازم و ضروری است لکن آنچه در اینجا قابل بررسی و مناقشه علمی است رویکرد عده‌ای از همین جریان فکری به تفسیر کتاب خدا با نگرش مارکسیستی و سوسیالیستی است که نویسنده این مقاله با اقتباس از برداشت و تعبیر شهید مطهری^۱ از آن به «التقاط و انحراف» یاد می‌کند بدین‌سان به نقد دو مبنای ناصوابشان که منشأ انحراف بینشی این طیف محسوب می‌گردد، به صورت خاص همراه با نقد عالمان حوزوی سده اخیر اشاره می‌کنیم.

۱) نداشتن مبنا و روش علمی در تفسیر کلام الهی و خودمرجع‌پنداری

عموم مفسران جهان اسلام در فهم و کشف معنا و مفاد و محتوای گزاره‌های قرآنی با تکیه بر یک دسته مبانی، اصول، قواعد، روش و منابع تلاش می‌کنند که تا به مراد گوینده آیات یعنی خدای متعال دست یابد؛ اما جریان التقاط و انحراف فاقد هرگونه مبنا و روش در تفسیر کلام الهی است.

شهید مطهری^۲ در مقابله علمی با این طیف، از این نقطه ضعف به‌عنوان سرفصل اصلی انحراف تفسیری آنها یاد می‌کند و در این باره می‌نویسند:

«به این نکته توجه دارم که تدبیر در قرآن حق هر مسلمانی است و در انحصار فرد یا گروهی نیست... (پس هر کسی) حق دارد با توجه به درک مفاهیم لغات و واردبودن به اسلوب زبان عربی و اسلوب خاص قرآن با توجه به شأن نزول آیات و تاریخ صدر اسلام و با توجه به آنچه مسلم است که از ناحیه ائمه اطهار^۳ در تفسیر آیات رسیده است، و با توجه به پیشرفت‌های علوم در آیات قرآن مجید تدبیر نماید...». و ادامه می‌دهد: «شما در مقدمه تفسیر خود از وضع تفاسیر و مفسرین گذشته مطالبی نوشته‌اید که تنها در خطبه و منبر که کسی از کسی مدرک و دلیل نمی‌خواهد باید به کار برده شود. کی و کجا وضع تفسیر و مفسر آنچنان بوده که شما نوشته‌اید؟ آیا تاریخ را با چشم

پوشی از گذشته و خطابه سرایی می‌توان رقم زد؟... شما حتی اطلاع از تاریخ صدر اسلام و شأن نزول آیات را هم لازم نشموده و زحمت یک بررسی مختصر در تاریخ اسلام را هم به خود نداده‌اید و آنگاه به تفسیر قرآن و تدوین ایدئولوژی اسلامی دست زده‌اید...» (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۳۵-۳۴ با تلخیص).

ایشان در نقد معیارها و مبانی تفسیری این جریان می‌نویسند: «شما در تفسیر خود معیار را این قرار داده‌اید که کتاب هر مؤلف را از طریق آشنایی با خواست او و طرز تفکر او می‌توان تفسیر کرد و (می‌گویید که) ما خواست خدا و طرز تفکر خدا را (برای اولین بار) به دست آورده‌ایم که: «اراده خداوند «انقلابی» است و «طرز تفکر» خداوند بر این اساس استوار است که توده‌های ضعیف و محروم شدگان تاریخ بر قدرت‌مندان و اربابان و صاحبان زر و زور چیره شوند و برای تحقق این اراده است که خداوند تشکیل حزب داده است... (پس) تنها با دید انقلابی و بر اساس ایدئولوژی و طرز تفکر خداوند است که می‌توان به قرآن نگریست و حقایق آن را دریافت...» (ر.ک: مطهری، همان، ص ۳۳). وی سپس در نقد این نوع برداشت از کلام خدای متعال با آن مبانی پیش‌ساخته ذهنی و فکری نوشته است: «بدون شک برنامه مبارزه با طواغیت جزء برنامه قرآن است و بدون شک اسلام یک دین انقلابی است ولی آیا همه مسائلی که در قرآن مطرح شده در این جهت و برای این منظور است و قرآن برنامه دیگری جز این برنامه ندارد و در نتیجه همه آیات قرآن و روایاتی که درباره لوح و عرش و ملک و قیامت و نماز و روزه است باید در این زمینه پیاده شود؟ آیا انقلاب قرآن و حزب الله انقلاب شکم است و ریشه اقتصادی دارد یا انقلاب سر است و ریشه در فطرت آدمی دارد؟...» (ر.ک: همان، ص ۳۴).

روشن است که این جریان التقاطی از هرگونه ارجاع به لغت، روایت، تاریخ اسلام، قاعده، اصل و روشی در تفسیر قرآن تهی است و تنها انبوهی از ادعا در فهم و کشف معنای آیات شریفه دارد که از هرگونه پشتوانه علمی معتبر در نزد عموم مفسران و قرآن پژوهان اسلام خالی است.

۲) ضدیت با عالمان راستین دین شناس

چنانکه در تبارشناسی جریان روشنفکری در صد سال اخیر اشاره گردید و آل/احمد در کتاب «**خدمت و خیانت روشنفکران**» بدین مطلب به صراحت پرداخته است، لازم و ضروری است به این نکته حساس و مهم توجه جدی داشت که همواره این جریان فکری در جامعه ایران در برابر جامعه ریشه‌دار، و استوار و تاریخ‌ساز روحانیت بزرگ شیعه، ساز ناسازگاری و تقابل و تضاد نواخته است. ریشه‌یابی این مسئله مهم به لحاظ تاریخی و جامعه‌شناختی به وقت مناسب دیگری نیاز دارد لکن امواج این جنس نگرش را می‌توان دست کم در آثار شریعتی بخوبی جست‌وجو کرد (ر.ک: شریعتی، ۱۳۸۱، ج ۹؛ همو، ۱۳۶۱، ج ۲۲؛ ج ۱؛ ۱۳۵۶؛ همو، بی‌تا، ج ۳۰). جریان مورد گفت‌وگو این تقابل و تضاد را تا به آن اندازه دنبال می‌کنند که منجر به نگاه بدبینانه و

تحقیق‌آمیز به عموم جامعه روحانیت در میان نسل جوان و طبقات تحصیل‌کرده آن عصر و دوران می‌شود (جعفریان، ۱۳۸۳، ص ۴۷۹، ۴۸۲؛ جعفریان ۱۳۷۱، ص ۷۴) و تا آن مرحله پیش می‌روند که درصدد تحقق تز اسلام منه‌ای آخوند و روحانیت در جامعه بر می‌آیند و در پیش‌برد این تز تا حدودی در آن برهه از زمان هم موفق می‌شوند.

پیامد این تلقی بی‌پایه از تاریخ زرین مجاهدات و مبارزات روحانیت و بویژه در صد سال اخیر، بدانجا ختم می‌گردد که جوخه‌هایی از دل این جریان التقاطی و انحرافی به ویژه دو فرقه مجاهدین خلق و فرقان متولد می‌شوند که سرانجام کار آنها ترور و به‌قتل‌رساندن ده‌ها عالم پارسا و پرهیزکار و مجاهد از میان جامعه روحانیت و هزاران جوان و مرد و زن مؤمن و متدین از اقصای و اصناف مختلف جامعه پس از انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری مرجع دینی معاصر حضرت امام راحل علیه‌السلام است.

نتیجه‌گیری

عالمان حوزه علمیه قم در سده چهاردهم شمسی هم با اشخاص و شخصیت‌های جریان ساز و هم با جریان‌های دارای مبانی انحرافی و روش التقاطی در فهم و کشف معنا و مفاد گزاره‌های قرآن مقابله و برخورد فکری و علمی نموده‌اند. در سده اخیر سه جریان تفسیری با رویکردهای مختلف متشکل از شخصیت‌های جریان ساز و طیف‌های فکری همسو با آنان و گروه‌های سیاسی با ایدئولوژی خاص در جامعه ایران ظهور کرده‌اند: ۱. رویکرد جریان علم‌گرا با گرایش اصالت حسی و تجربی، از سوی ملی مذهبی‌ها و به رهبری فکری مهندس مهدی بازرگان و بیدالله سحابی با همسویی جریان نهضت آزادی؛ ۲. جریان روشنفکری با گرایش سوسیالیستی مبتنی بر اصول جامعه‌شناختی با پیشگامی دکتر علی شریعتی و موافقان وی که به طور عمده از طبقه روشنفکر دانشگاهی بوده‌اند؛ ۳. جریان مارکسیست‌های شبه اسلامی با گرایش سیاسی مبتنی بر انقلابیگری با محوریت گروه‌هایی چون سازمان مجاهدین خلق و گروه فرقان.

بزرگان، علما و فضالای حوزه علمیه قم در طی سده اخیر به ویژه از اواخر دهه چهل این سده به مقابله با این سه جریان انحرافی در تفسیر برخاسته و کوشیده‌اند تا با منطق عقلی و علمی و آموزه‌های برگرفته از قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام، مبانی نظری و روش و منطق این جریان‌ها را در حوزه دانش تفسیر با مذاقه به چالش جدی بکشند و پرسش‌های شخصیت‌های جریان ساز و طیف‌های فکری وابسته به آنان را بر پایه مبانی و اصول و قواعد روشمند متقن تفسیری پاسخ دهند و شبهات پیرامونی مربوط به فهم قرآن را حل نمایند.

نقش مفسران بزرگی چون علامه طباطبائی و شاگردان مدرسه وی چون شهید مطهری و حضرات آیات مصباح یزدی، جعفر سبحانی، مکارم شیرازی و جوادی آملی و برخی مفسران و قرآن‌پژوهان دیگر در مواجهه و مقابله علمی با انحرافات فکری و عملی جریان‌های وابسته به جامعه روشنفکری یا گروه‌های سیاسی خاص و برخی اشخاص منحرف، صفحه درخشانی از تاریخ زرین حوزه علمیه قم در قرن اخیر را رقم زده است.

نماد برجسته و روشن این مقابله را می‌توان در عکس‌العمل عوامل جریانات انحرافی در به شهادت رساندن ده‌ها عالم فقیه، مفسر، حدیث‌شناس و خدمتگزار به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در سال‌های پس از انقلاب شکوهمند اسلامی مشاهده نمود.

منابع

- ابن فارس، احمد، ۱۳۸۷، *مقاییس اللغة*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ابن منظور، محمد، ۱۴۰۸ق، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- اسحاقیان، جواد، ۱۳۹۲، *انسیاح انحراف*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت موعود.
- اکبری جدی، صابر، ۱۳۹۳، «جریان النطاق در مطالعات تفسیری ایران معاصر»، *مطالعات تفسیری*، ش ۱۷، ص ۱۲۹-۱۵۶.
- انوری، حسن، بی تا، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران، بی تا.
- آل احمد، جلال، ۱۳۴۱، *در خدمت و خیانت روشنفکران*، تهران، رواق.
- بابایی و دیگران، ۱۳۷۹، *روش‌شناسی تفسیر قرآن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بابایی و گروهی از محققان، ۱۳۹۹، *تاریخ تفسیر قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- بازرگان، مهدی، ۱۳۶۴، *بازگشت به قرآن*، تهران، قلم.
- _____، ۱۳۷۴، *پای به پای وحی*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- _____، ۱۳۵۶، *توحید، طبیعت، تکامل*، تهران، قلم.
- _____، ۱۳۳۸، *راه طی شده*، تهران، سهامی انتشار.
- _____، ۱۳۶۰، *سیر تحول قرآن*، تهران، سهامی انتشار.
- بروجردی، فرزاد، ۱۳۷۸، *روشنفکران ایران و غرب*، ترجمه جمشید شیرازی، تهران، فرزاد.
- پیمان، حبیب الله، ۱۳۵۷، *گل سرخ توحیدی*، تهران، قلم.
- _____، ۱۳۵۶، *مالکیت کار و سرمایه در اسلام*، بی جا، بی چا.
- توانایان فر، حسن، ۱۳۵۷، *اصول اقتصادی اجتماعی اسلام*، تهران، میلاد.
- جعفریان، رسول، ۱۳۸۳، *جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی سیاسی در ایران*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- _____، ۱۳۷۱، *نزاع سنت و تجدد*، بی جا، رؤف.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء.
- خسروینا، عبدالحسین، ۱۳۸۴، *آسیب‌شناسی جامعه دینی*، قم، عارف.
- _____، ۱۳۸۸، *آسیب‌شناسی دین پژوهی معاصر*، تهران، فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- _____، ۱۳۸۸، *جریان‌شناسی فکری ایران معاصر*، قم، مؤسسه فرهنگی حکمت نوین اسلامی.
- دهقانی، مجید، ۱۳۸۶، *روشنفکران دینی و دینداران روشنفکر*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- روزی طلب، محمدحسن، ۱۳۹۲، *ترکیب النطاق و ترور*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سحابی، پدالله، ۱۳۷۵، *خلقت انسان در بیان قرآن*، تهران، سهامی انتشار.
- سلامتی، محمود، ۱۳۵۶، *اصول اعتقادی اسلام؛ مباحث ایدئولوژیک*، مشهد، ستاره اسلام.
- شریعتی، علی، ۱۳۵۶، *مجموعه آثار، با مخاطب‌های آشنا*، تهران، حسینیه ارشاد.
- _____، ۱۳۶۱، *مجموعه آثار*، بی جا، سبز.
- _____، ۱۳۷۸، *مجموعه آثار، حسین وارث آدم*، تهران، قلم.
- _____، ۱۳۸۰، *مجموعه آثار، جهت‌گیری طبقاتی اسلام*، تهران، چاپخش.
- _____، ۱۳۸۱، *مجموعه آثار، تشیح علوی و صفوی*، تهران، چاپخش.
- _____، ۱۳۹۰، *جهت‌گیری طبقاتی اسلام*، چ هشتم، قم، قلم.
- _____، ۱۳۹۲، *مجموعه آثار*، تهران، قلم.
- _____، ۱۳۹۶، *مجموعه آثار*، بی جا، سهامی انتشار.
- _____، بی تا، *فلسفه تعلیم و تربیت*، بی جا، بی تا.
- _____، بی تا، *مجموعه آثار، اسلام‌شناسی (درس‌های دانشگاه مشهد)*، مشهد، شرکت چاپخش.

_____، بی‌تا، *مجموعه آثار*، بی‌جا، قلم.

شعبانی سارائی، رمضان، ۱۳۸۸، *جریان‌شناسی سیاسی و فرهنگی*، قم، مؤسسه آموزشی امام خمینی.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، اسلامی.

طلوعی، محمود، ۱۳۷۷، *فرهنگ جامع سیاسی*، تهران، علمی.

عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، ۱۳۸۷، *طبقات مفسران شیعه*، چ چهارم، قم، نوید اسلام.

علی‌بابایی، غلامرضا، ۱۳۸۲، *فرهنگ سیاسی آرئس*، تهران، آشیان.

عنایت، حمید، ۱۳۹۷، *سیری در اندیشه سیاسی عرب*، چ چهاردهم، تهران، امیرکبیر.

_____، ۱۳۹۸، *اندیشه سیاسی اسلام معاصر*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، چ هفتم، تهران، خوارزمی.

فکری مسعود، ۱۳۹۷، *روشنفکران جهان عرب*، تهران، ترجمان.

فیومی، احمدین محمد، ۱۴۰۵ق، *المصباح المنیر*، قم، دارالهجره.

مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۶۴، *درس گفتارهای جامعه و تاریخ در قرآن*، درس دوازدهم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

_____، ۱۳۸۹، «زمینه‌های پیدایش فرقان و فرقان‌گوناگان»، *یادآور*، ش ۷ و ۸، ص ۱۰-۲۰.

_____، ۱۳۶۸، *معارف قرآن ۱-۳*، چ دوم، قم، مؤسسه در راه حق.

_____، بی‌تا، *سخنی پیرامون خلقت انسان از نظر قرآن*، قم، شفق.

مصطفوی، حسن، بی‌تا، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، چ سوم، بیروت، بی‌جا.

مطهری، مرتضی، ۱۳۷۱، *علل گرایش به مادیگری*، تهران، صدرا.

_____، ۱۳۷۷، *استاد مطهری و روشنفکران*، چ ششم، تهران، صدرا.

_____، ۱۳۷۵، *جامعه و تاریخ*، چ هشتم، تهران، بی‌جا.

_____، ۱۳۹۵، *مجموعه آثار مطهری*، چ بیستم، تهران، صدرا.

نجفی، محمدحسن، ۱۳۶۷، *جواهر الکلام*، چ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.


یزدان‌پناه، سیدیدالله، ۱۳۸۸، *مبانی و اصول عرفان نظری*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

نوع مقاله: پژوهشی

روش‌های تدریس و آموزش تفسیر قرآن در حوزه علمیة قم در سده اخیر*

عباس الهی / استادیار گروه علوم قرآن جامعه المصطفی العالمیه

ABBas_ELahi48@yahoo.com

 orcid.org/0000-0002-4568-4907

دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۰

چکیده

این مقاله به بررسی شیوه‌های تدریس تفسیر قرآن مدرسان حوزه علمیة قم در سده چهاردهم شمسی می‌پردازد و هدفش استفاده از تجارب گذشته برای آموزش بهتر تفسیر قرآن در آینده است. شیوة مطالعه، کتابخانه‌ای و گاهی مشاهدات میدانی، و روش حل مسئله توصیفی - تحلیلی بوده است. یافته‌های بررسی نشان می‌دهد که با توجه به اختلاف سطوح تحصیلی و تفاوت سبک ارائه تفسیر، در سده اخیر سه روش تدریس تفسیر در حوزه علمیة قم رایج بوده است: روش غیرفعال، نیمه‌فعال و فعال. روش غالب تدریس تفسیر در حوزه علمیة قم، روش غیرفعال با شیوة توضیح و سخنرانی بوده است. تدریس تفسیر به روش نیمه‌فعال که با مشارکت دادن بخشی از فراگیران در فرایند آموزش همراه است، در رتبه بعدی قرار دارد. گونه سوم، یعنی روش فعال در آموزش تفسیر، در طول سده کمتر مورد اهتمام مدرسان حوزه علمیة قم بوده و بیشتر در دو دهه پایانی این سده و در مراکز تخصصی به کار گرفته شده است. روش فعال به دو شیوة پرسش و پاسخ و مشارکت دادن فراگیران در بحث و ترغیب به ارائه کنفرانس یا به شیوة حل مسئله توسط فراگیران با راهنمایی استاد اجرا شده است.

کلیدواژه‌ها: شیوه‌های آموزش، روش تدریس تفسیر، حوزه علمیة قم، سده چهاردهم شمسی.

مقدمه

یکی از رشته‌های علمی دایر در حوزه‌های علمیه، رشته تفسیر و علوم قرآن است که از دیرباز مورد عنایت بوده و در سطوح مختلف برگزار می‌شده است. مباحث این رشته، به صورت کلی در سه محور اساسی به طلاب و دانش‌پژوهان تعلیم داده می‌شود:

محور اول، مسائل و موضوعاتی است که پیرامون خود قرآن کریم و مرتبط با شناخت اصل قرآن و اوصاف کلی و ویژگی‌های آن است، که از آن به «علوم قرآن» یاد می‌شود. در این زمینه، طلبه با مباحثی مانند تاریخ قرآن، نزول قرآن، تحریف‌ناپذیری، اعجاز قرآن و مانند اینها آشنا می‌شود.

محور دوم، موضوعاتی است که مربوط به محتوا و فهم متن قرآن است و از آن به «تفسیر قرآن» و نیز «معارف قرآن» یاد می‌شود. مباحث مربوط به اعتقادات، اخلاق، چگونگی و سبک رفتارهای فردی و اجتماعی و مانند اینها از آموزه‌هایی است که با تدبر در آیات و تفسیر آنها به دست می‌آید.

محور سوم، مسائل و موضوعاتی است که به چیستی و چگونگی تفسیر می‌پردازد و در این محور، طلبه به دنبال کسب آگاهی‌هایی درباره مبانی، قواعد و روش تفسیر ترتیبی و موضوعی قرآن و نیز گرایش‌های تفسیری است و از آن می‌توان به «منطق تفسیر قرآن» یاد کرد.

آموزش رشته تفسیر و علوم قرآن، همچون دیگر رشته‌ها و دانش‌ها، نیازمند آگاهی از مهارت‌های یاددهی و یادگیری است. از این رو لازم است اساتید و مدرسانی که به تعلیم و تدریس تفسیر و علوم قرآن می‌پردازند، با انواع مهارت‌ها و روش‌های تدریس در این حوزه آشنایی داشته باشند. بررسی تاریخی نشان می‌دهد، همان‌گونه که علوم مختلف در حال تغییر و تحول‌اند و هر روز روش‌های نوین و اندیشه‌های جدیدتری در آنها پدید می‌آید، در حوزه تدریس تفسیر نیز انتظار این است که اساتید و خبرگان این رشته فنون و روش‌های نو، کاربردی‌تر و مؤثرتر را به کار گیرند یا ابداع و ارائه کنند.

پژوهش حاضر با طرح این سؤال که «روش‌های تدریس تفسیر و علوم قرآن در حوزه علمیه قم در صدساله اخیر چگونه بوده و چه تطوراتی داشته»، در پی آن است که به صورت اجمالی اقسام و گونه‌های مختلف فنون و روش‌هایی را که در عرصه تعلیم و تدریس تفسیر و علوم قرآن کاربرد داشته‌اند، بررسی کند.

پیشینه

به‌رغم جست‌وجوی فراوانی که برای دستیابی به تحقیقات متناسب با این موضوع انجام شد، اثری دال بر بررسی شیوه‌های تدریس تفسیر، چه در صدساله اخیر حوزه علمیه قم و چه قبل از آن، یافت نشد. مقاله‌ای با عنوان «آموزش مفاهیم و تفسیر قرآن با استفاده از تکنولوژی و روان‌شناسی رنگ‌ها» به‌قلم زهره/اخوان مقدم و فاطمه پیرایش مقدم منتشر شده است (اخوان مقدم پیرایش، ۱۳۹۴) که شیوه و راهکاری جدید برای آموزش مفاهیم و محتوای قرآن ارائه می‌کند و به نوع خاصی از شیوه آموزش تفسیر اشاره دارد؛ اما خارج از قلمرو موضوعی این مقاله است.

کتابی هم با عنوان *شیوه‌های تحصیل و تدریس در حوزه‌های علمیه* توسط محمدعلی رضایی اصفهانی (۱۳۷۷) نوشته شده است که به صورت عمومی به روش‌ها و شیوه تدریس دروس حوزه به صورت کلی در همه رشته‌ها پرداخته و به روش‌ها و شیوه‌های تدریس تفسیر در حوزه اختصاص ندارد.

روش تحقیق

نگارنده ابتدا با تتبع فراوان در منابع مختلف متنی، دیجیتالی، صوتی و تصویری، کوشیده است مدرسان مطرح و برجسته تفسیر را در حوزه علمیة قم شناسایی کند و به نمونه‌های مختلفی از تدریس تفسیر آنان دست یابد؛ سپس با مطالعه یا استماع اسناد یافت‌شده، روش‌های مختلف تدریس را از آنها استخراج و سپس دسته‌بندی کند. بر این اساس، مطالعه و گردآوری اطلاعات غالباً کتابخانه‌ای و تا حدی شبه‌میدانی بوده و تحلیل داده‌ها و کشف روابط آنها و استنباط و حل مسئله، به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. روش تدریس

«روش» (Metod) در زبان فارسی به شیوه، طریق، طرز و اسلوب معنا شده است (معین، ۱۳۸۲، مدخل روش). بر این اساس به شکل، شیوه و قالب انجام هر کاری «روش» می‌گویند. با توجه به این معنا، «روش تدریس» نیز عبارت است از شکل و قالب منظم و منطقی ارائه درس به مخاطبان در مقام آموزش.

۱-۲. تفسیر

«تفسیر» مصدر باب تفعیل از ماده «فسر»، جمع آن «تفاسیر»، در لغت به معنای تأویل، تشریح، ترجمان، تعبیر، تلقی، توضیح، شرح، گزارش، نقل، وصف، روشن کردن، توضیح دادن مطلب و کشف کردن آمده است (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۲۴۴). برخی نیز آن را به معنای روشن ساختن و کشف کردن مراد و مقصود از لفظ مشکل دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ص ۵۵). در تعریف اصطلاحی «تفسیر» گفته‌اند: «علم بیحسب فیه عن القرآن من حیث دلالتہ علی مراد الله تعالی بقدر الطاقۃ البشریة»؛ تفسیر، علمی است که در آن به قدر توان بشری درباره احوال قرآن، از آن جهت که بر مراد خداوند متعال دلالت دارد، بحث می‌شود (زرقانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۷۱).

۱-۳. روش تدریس تفسیر

با توجه به آنچه در تعریف واژگان روش و تفسیر گذشت، مراد از روش تدریس تفسیر، شیوه‌ها و اسلوب‌های منظم و منطقی ارائه مطالب تفسیری توسط استاد به فراگیران این دانش است.

۲. انواع روش‌های کلی تدریس

چنان که از مطالعه سیر تاریخی تدریس و تحصیل در حوزه‌های علمیه در سده اخیر برمی‌آید، سبک و شیوه تدریس

دروس - فارغ از موضوع آنها و سطح تحصیلی و سبک ارائه محتوا - انواع مختلفی دارد که در ادامه به اختصار آنها را تشریح می‌کنیم.

۲-۱. انواع روش‌های تدریس براساس سطح تحصیلی فراگیران

تحصیل در نظام فعلی حوزه‌های علمیه شامل سه مرحله است. مرحله اول که مقدمات است، حدود سه سال به طول می‌انجامد. هدف اصلی، آموزش ادبیات عرب شامل دروسی همچون صرف، نحو، معانی، بیان و بلاغت، و همچنین آموزش دروس پایه همچون منطق است. البته مباحث مقدماتی فقه نیز در این دوره عرضه می‌شود. مرحله دوم که به «سطح» یا «سطوح» معروف است، با هدف بالا بردن قدرت فهم متون فقهی و اصولی، آشنایی با مقدمات روش استنباط از آیات و روایات، آشنایی با دروس تفسیر و علوم قرآن، گذراندن یک دوره کامل فقه و اصول و... آموزش داده می‌شود. عالی‌ترین سطح دروس حوزوی، دوره خارج است که با هدف توانمند شدن طلاب در زمینه استنباط مسائل دانش فقه از کتاب، سنت، عقل و اجماع یا استنباط مسائل دیگر دانش‌های اسلامی از منابع آنها برگزار می‌شود. در یکی دو دهه اخیر، علاوه بر تدریس دروس متداول و تخصصی فقه و اصول و فلسفه، رشته‌های تخصصی دیگری شامل کلام، تفسیر، تبلیغ، تاریخ و... نیز در حوزه‌های علمیه دایر شده است. این دوره نیز که متناظر با استعداد و توانمندی افراد متفاوت است، به‌طور معمول دست‌کم شش سال به طول می‌انجامد. با توجه به مقطع و سطح تحصیل در حوزه، شیوه‌های تدریس نیز متفاوت است.

۲-۱-۱. روش تدریس در دوره مقدمات و سطح

نظام آموزشی حوزه در سده اخیر، غالباً متکی بر متن بوده و نخستین و مهم‌ترین کار طلبه، کسب توانایی فهم درست متون درسی است. دوره مقدماتی و سطح با محوریت متون معین طراحی شده است و تألیف شروح متعدد بر کتاب‌های درسی، حاکی از اهتمام حوزه‌ها به متون درسی است. این متون تألیف استادان برجسته حوزه‌ها بوده و غالباً پیچیدگی‌ها و دشواری‌هایی دارد که مدرسان در هنگام درس تبیین می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که ورزیدگی استاد را با همین شرح و رفع ابهامات و دشواری‌ها می‌سنجند؛ چنان‌که برای سنجش رتبه علمی طلبه نیز توانایی او را در توضیح این متون ملاک قرار می‌دهند. حتی گاهی بخشی از درس‌های عمیق خارج فقه و اصول نیز به تبیین نکته‌هایی از همین متون اختصاص می‌یافته است. بنابراین، بیشتر اساتید در دو دوره مقدمات و سطح، از یک روش واحد برای تدریس استفاده می‌کنند که شامل شش مرحله است:

۱. مطالعه کتاب، حواشی و شروح آن قبل از درس؛
۲. روخوانی درس با دقت در رعایت قواعد مربوط به ادبیات عرب؛
۳. بیان دسته‌بندی‌شده مطالب، قبل از ورود به متن؛
۴. تطبیق مطالب با متن کتاب به‌صورت واژه‌به‌واژه و جمله‌به‌جمله؛

۵. بیان مطالبی غیر از متن از حواشی یا نقد بررسی نظریات دیگران یا نظر استاد؛

۶. پاسخ به سؤالات فراگیران قبل، حین و پس از درس.

این شیوه، هرچند با هدف بالا بردن توان هوشی و فهم طلاب از طریق دقت در الفاظ و عبارات کتب درسی که گاهی پیچیده نیز هستند، پی گرفته می‌شود، اما به دلیل استفاده از کتب قدیمی که گاهی بسیار مغلق و در برخی موارد نیز ناقص‌اند، همچنین عدم توجه کافی به ادبیات معاصر عرب، سبب محروم شدن طلاب از شیوه‌های جدید آموزشی می‌شود.

۲-۱-۲. روش تدریس دروس خارج

روش تدریس اساتید در مقطع خارج به سه شکل است:

گاه استاد یک مطلب یا مسئله و تمامی اقوال پیرامون آن را مطرح کرده، دلایل آنها را بررسی می‌کند و در پایان نیز نظر و دلایل خود را ارائه می‌دهد. شیوه بسیاری از اساتید چند دهه اخیر در حوزه علمیة قم تا کنون همین سبک بوده است. در این سبک، فراگیران نقش خاصی در مباحث ندارند و بیشتر، استاد فعال است و همچون یک سخنران عمل می‌کند.

گاهی نیز استاد یک مطلب یا مسئله را مطرح می‌کند و تمامی مطالب مربوط به آن را به کمک شاگردان و با بحث و تبادل نظر طرفینی مورد بررسی قرار می‌دهد. در این شیوه، نقش شاگردان پررنگ است و استاد فقط سخنران نیست؛ بلکه باعث جهت‌دهی به مباحث می‌شود و فراگیران را برای دستیابی به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری یاری می‌دهد.

برخی اساتید نیز به شیوه تلفیقی عمل می‌کنند و درس را در دو جلسه به‌طور متفاوت ارائه می‌دهند. در جلسه اول، استاد تمام مطالب مربوط به یک فرع یا مسئله را به فراگیران ارائه می‌دهد. در این جلسه که استاد محور است، شاگردان چندان نقشی در فرایند درس ندارند؛ اما در جلسه دوم که به‌صورت پرسش و پاسخ بین استاد و شاگردان برگزار می‌شود، شاگردان نقش بیشتری ایفا می‌کنند. این شیوه در یادگیری افراد، به‌خصوص کسانی که استعداد و توانمندی کمتری دارند، بسیار مؤثر است (ر.ک: رضایی اصفهانی، شیوه‌های تحصیل و تدریس در حوزه علمیة قم، ۱۳۷۵).

در شق اول، تدریس به روش غیرفعال است و به شیوه توضیح و سخنرانی عمل می‌شود؛ اما در شق دوم، روش تدریس به‌واقع فعال است و به شیوه مثلاً مذاکره و پرسش و پاسخ عمل می‌شود؛ و شق سوم بینابینی است.

۲-۲. انواع روش‌های تدریس تفسیر براساس نقش دادن به فراگیران

نظر به اینکه میزان مشارکت دادن فراگیران در فرایند آموزش چه اندازه باشد، می‌توان دو گونه و دو روش کلی تدریس فعال و غیرفعال را نام برد و بر همین اساس، روش‌های تدریس تفسیر را نیز بدین ترتیب دسته‌بندی کرد.

معروف‌ترین و عام‌ترین شیوه تدریس غیرفعال، شیوه توضیح و سخنرانی یا درس‌گفتار است که از آن به روش و شیوه سنتی تدریس نیز تعبیر شده است. این روش در دوره‌های مختلف تاریخی و شاخه‌های گوناگون علمی به کار گرفته می‌شد و در سده اخیر نیز بسیار رایج بوده است. در این شیوه، استاد به‌عنوان انتقال‌دهنده اطلاعات، بار و کار اصلی آموزش را بر عهده دارد و شاگردان کمترین نقش را در یادگیری دارند. استاد می‌کوشد تا ذهن فراگیران را با انبوهی از مفاهیم، اصول و اصطلاحات درس انباشته سازد. در این نوع از روش تدریس، برنامه درسی انعطاف‌ناپذیر است و استاد و فراگیر به‌اجبار از محتوای مشخصی استفاده می‌کنند. استاد تصور می‌کند که عامل اصلی تدریس، خود اوست و به‌عنوان گنجینه معلومات در برابر فراگیران ظاهر می‌شود. شاید به همین دلیل به این الگو، روش «معلم‌محور» یا «استادمحور» نیز می‌گویند.

در این روش که سابقه‌ای طولانی در نظام‌های آموزشی دنیا دارد، یادگیری با ارائه مفاهیم به‌طور شفاهی از طرف معلم و استاد و گوش کردن و یادداشت برداشتن از طرف فراگیر و شاگرد صورت می‌گیرد. در این شیوه، مخاطبان فقط شنونده‌اند و در آموزش جایگاهی منفعلانه دارند و یادگیری، از طریق رابطه ذهنی بین استاد و شاگرد ایجاد می‌شود.

به‌طور معمول آموزش تفسیر قرآن در حوزه‌های علمیه از گذشته دور تا کنون به شیوه توضیح و سخنرانی بوده است و طی آن، استاد، یا متنی از متون تفسیری را آموزش می‌دهد؛ به این صورت که بر مدار متن به توضیح و تشریح مطالب می‌پردازد یا عبارات متن تفسیری را مطلب‌به‌مطلب ابتدا شفاهاً یا با کمک وسایل آموزشی (بر روی تخته یا از طریق تصویر بر روی پرده) دسته‌بندی می‌کند و توضیح می‌دهد و سپس آن گفته‌ها را بر متن درسی تطبیق می‌کند. بیشتر تدریس‌های درس تفسیر در دوره سطح، از این الگو تبعیت می‌کنند؛ اما اگر تدریس بر اساس متن معینی نباشد و بلکه خود آیات قرآن محور بحث و بررسی باشند و به‌عبارت‌دیگر، درس آزاد از متن خاصی باشد، همان الگوی توضیح و سخنرانی اجرا می‌شود؛ به این نحو که استاد عمدتاً به‌صورت یک‌طرفه بحث را بر محور یک یا دو یا سه آیه مرتبط با هم متمرکز می‌سازد. ابتدا معانی واژگان را بیان می‌کند و سپس با توضیح نحوی و بلاغی جمله‌های آیه، معنای اولیه آن را در حد مراد استعمالی روشن می‌کند و بعد بر اساس قرائن لفظی و غیرلفظی از طریق استاد به سیاق و آیات دیگر و روایات و اسباب نزول و قرائن عقلی و تاریخی و شواهد تجربی و... به کشف مراد آیه می‌پردازد و معنای نهایی آیه یا آیات را استخراج و ارائه می‌کند. در اینجا، با اینکه متنی محور بحث نیست، بلکه طرح درس تماماً تابع ابتکار و خلاقیت استاد است، شیوه و الگوی تدریس همان شیوه توضیح و سخنرانی و عمدتاً یک‌طرفه است. البته ممکن است شاگردان در خلال درس نکات ایهامی برایشان پیش آید و از استاد توضیح بیشتری بخواهند یا اشکالی به ذهنشان برسد و مطرح کنند و استاد جواب بگوید، اما همه اینها در حاشیه‌اند و فراگیران نقش چندانی جز در حد استماع مطالب استاد و درک و فهم و دریافت آن و احیاناً یادداشت‌برداری ندارند.

بنابراین در این شیوه تدریس تفسیر، انتقال اطلاعات علمی به‌طور مستقیم با استفاده از الگوی سخنرانی به

مخاطبان صورت می‌گیرد و استاد مطالب درسی کتاب یا جزوه درسی یا آنچه خود بر اساس یک طرح ذهنی آماده ساخته است، برای فراگیران توضیح می‌دهد و تمام مطالبی را که باید آموخته شوند، چه مسئله و اصول آن و چه پاسخ مسائل و شرح آن را به آنها عرضه می‌کند.

از یک سو این شیوه تدریس فرصتی به فراگیر می‌دهد تا اطلاعات را به صورت منظم و سازمان یافته دریافت کند. هرچند در این شیوه، استاد با ارائه و تبیین مبسوط مطالب می‌تواند اطلاعات فراوانی را در مدت زمانی کوتاه به مخاطبان انتقال دهد و مجموعه کاملی از حقایق، اصول و مفاهیم را به شیوه‌ای منسجم ارائه دهد، اما به دلیل فعال نبودن دانش‌پژوهان و طولانی شدن فرایند آموزش، موجب کاهش تمرکز و انگیزه در مخاطبان می‌شود. در این شیوه، استاد می‌تواند با بالا و پایین بردن تن صدا، کمک گرفتن از چهره، دست و زبان بدن، در انتقال مفاهیم موفق‌تر عمل کند و آسیب‌های این شیوه را کاهش دهد.

۲-۲-۲. روش فعال به شیوه پرسش و پاسخ

در این شیوه، استاد سعی دارد که مخاطبان را فعالانه در کلاس درس و در فرایند یاددهی و یادگیری سپهیم کند. استاد در این شیوه، یادگیری مؤثر را از طریق تمرین‌ها و فعالیت‌های متنوع به عهده فراگیران می‌گذارد و آنان را در تحقق اهداف یادگیری مفاهیم و مطالب درس دخالت می‌دهد. استاد، راهنما و هدایت‌کننده‌ای است که پایه‌های فراگیر مسیر آموزش را طی می‌کند و به او کمک می‌کند تا درس را به طور عمیق و از روی علاقه یاد بگیرد (صفوی، ۱۳۸۹، ص ۷۰). در شیوه طرح پرسش و جواب‌خواهی، استاد می‌کوشد که فراگیران را کمک کند تا خودشان نقش اصلی در هدایت و آموزش و پرورش را ایفا کنند (بهرنگی و آقایی، ۱۳۸۳).

بر اساس این روش، استاد قبل از اینکه اصل مطلب را بیان کند، یک یا چند پرسش را درباره موضوع درس مطرح می‌کند و طلبه و دانش‌پژوه را در خصوص موضوع و تفکر درباره پاسخ صحیح آن برمی‌انگیزد. این فرایند، فضای ذهنی فراگیر را به طور کامل آماده دریافت اطلاعات می‌کند. در این روش، فراگیران به کمک تفکر و قوای ذهنی خود، مانند کنجکاوی، حدس، مقایسه، نتیجه‌گیری، تصور، تخیل و... می‌توانند پاسخ‌های احتمالی را شناسایی کنند. این شیوه که با فعالیت مخاطبان همراه است، اگر در جای خود و به درستی استفاده شود، تأثیر فراوانی در یادگیری خواهد داشت (بی‌نا، بی‌نا، نقش روش‌های تدریس فعال و کاربردی در فرایند آموزش).

در تدریس تفسیر نیز این روش به طور کامل قابل پیاده‌سازی است. مطابق این روش، استاد با یک یا چند پرسش درباره موضوع درس، یعنی آیه یا آیات مورد تفسیر یا متن تفسیری مورد بحث، طلاب را به تفکر وامی‌دارد تا با تمرکز بر موضوع و کنجکاوی و حدس و مقایسه و نتیجه‌گیری، به پاسخ یا پاسخ‌های احتمالی دست یابند.

۲-۳. انواع شیوه‌های تدریس تفسیر بر اساس نوع کار تفسیری

اگر استاد بخواهد تفسیر یک سوره یا کل قرآن را از ابتدا تا انتها به صورت آیه‌به‌آیه و جزء‌به‌جزء به مخاطبان ارائه و

آموزش دهد، این نوع تفسیر را «تفسیر ترتیبی» می‌گویند. در مقابل، اگر تفسیر و بررسی آیات به ترتیب نباشد و استاد به تدریس تفسیر آیات بر محور یک موضوع بپردازد، به این نوع تفسیر «تفسیر موضوعی» می‌گویند. اکثر قریب به اتفاق اساتید تفسیر در سدهٔ اخیر به هر دو شیوه تدریس کرده‌اند. با توجه به اینکه بخواهیم مراد خدا را در یک آیه یا جمله‌ای از یک آیه یا چند آیهٔ متصل به هم کشف کنیم یا مراد خدا را در یک موضوع به دست آوریم، شیوهٔ تدریس نیز متفاوت خواهد بود.

۲-۳-۱. روش تدریس تفسیر ترتیبی

در شیوهٔ تفسیر ترتیبی، تفسیر کل قرآن یا تفسیر یک سورهٔ خاص یا چند آیهٔ متصل به هم از ابتدا تا انتها و به ترتیب آیات انجام می‌پذیرد. در این روش، بسته به روش و گرایش تفسیری استاد، مطالبی همچون نام سوره، علت نام‌گذاری، تعداد آیات، اهداف، اغراض و مقاصد آیات، محل و شأن نزول آیات، مفهوم‌شناسی واژگان، گزاره‌ها و جملات آیات، ترجمهٔ آیات و نکته‌ها، و پیام‌های مستخرج از آیات ارائه می‌شود. اگر استاد خود مفسر نباشد، می‌کوشد با استفاده از یک یا چند منبع، این مطالب را تحلیل، بررسی و ارائه کند و چنانچه خود مفسر باشد، علاوه بر بیان این مباحث بر اساس نظر خود، به نقد و بررسی اقوال دیگر نیز می‌پردازد.

اما در آموزش تفسیر ترتیبی می‌توان هم به روش فعال و مثلاً به شیوهٔ مذاکره و پرسش و پاسخ عمل کرد، هم می‌توان به روش غیرفعال و شیوهٔ توضیح و سخنرانی عمل کرد. در حوزه، غالباً تدریس تفسیر ترتیبی از نوع دوم است و بعضاً از نوع اول.

۲-۳-۲. روش تدریس تفسیر موضوعی

برای ارائهٔ این سبک از تفسیر، دو روش وجود دارد. در روش اول، موضوعات گوناگون، اعم از اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و...، به وسیلهٔ استاد بررسی و تحلیل می‌شوند؛ سپس به آیات مرتبط با این موضوعات به عنوان شاهد اشاره شده، هر آیه یا هر دسته آیات تبیین می‌شود. در روش دوم، استاد تمام آیاتی را که پیرامون یک موضوع در سراسر قرآن آمده‌اند، گردآوری می‌کند و یک‌به‌یک آنها را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد و در نهایت یک برداشت کلی از آن دسته آیات دربارهٔ موضوع مورد نظر ارائه می‌کند. در این شیوه، تمام تلاش استاد معطوف به کشف و ارائهٔ نظر قرآن دربارهٔ آن موضوع است. برخی مانند آیت‌الله مکارم شیرازی این شیوه را برای دستیابی به حقایق قرآنی بهتر می‌دانند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۱).

آموزش تفسیر موضوعی، هم تابع روش و شیوه‌ای است که استاد در تدریس اتخاذ می‌کند، هم می‌تواند به روش فعال و مثلاً به شیوهٔ مذاکره و پرسش و پاسخ باشد و هم برعکس به روش غیرفعال و به شیوهٔ توضیح و سخنرانی؛ و غلبه نوعاً با دومی است.

۳. جایگاه درس تفسیر در حوزه علمیة قم در سده اخیر

در دو دهه اول سده اخیر، یعنی از سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ شمسی، فعالیت قابل ملاحظه‌ای در حوزه علمیة قم در زمینه تدریس رشته تفسیر قرآن از سوی اساتید گزارش نشده است. از دیرباز در حوزه علمیة قم به دانش فقه و همچنین دستیابی به قوه استنباط احکام از منابع دینی اهتمام زیادی وجود داشته و اصل بر فراگیری فقه و اصول بوده است. در کنار فقه و اصول، علوم دیگر، از جمله تفسیر، به اعتبار سهمی که در معرفت دینی داشتند، در حاشیه و به صورت غیررسمی تدریس می‌شد. از اواسط دهه دوم این سده، با ورود علامه طباطبائی به قم و آغاز تدریس تفسیر و استقبال بسیاری از فضلاء حوزه علمیة قم از آن، به تدریج زمینه و فضای گرایش به تفسیر و تدریس آن قوت گرفت. علاوه بر علامه طباطبائی، شاگردان فاضل ایشان، به ویژه آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله مشکینی، به تدریس تفسیر روی آوردند و برخی دیگر مانند آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله سبحانی هم به نگارش تفسیر پرداختند.

البته پس از انقلاب اسلامی، عالمان و مفسران بزرگی همچون آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله مصباح یزدی و بسیاری از بزرگان دیگر به برگزاری دوره‌ها و کلاس‌های متعدد تفسیر اهتمام ورزیدند و از نیمه دهه شصت، تدریس تفسیر در برنامه رسمی آموزشی حوزه علمیة قم قرار گرفت و در سه دهه اخیر این سده، با تأسیس مراکز تخصصی، از جمله مرکز تخصصی رشته تفسیر و علوم قرآن، این رشته به لحاظ درس و بحث رونق یافت و چگونگی تدریس آن مورد عنایت و توجه قرار گرفت.

۴. روش‌های تدریس تفسیر در حوزه علمیة قم

در سده اخیر، دانشمندان و عالمان فراوانی در حوزه علمیة قم به تدریس تفسیر اشتغال داشته‌اند؛ اما متأسفانه منابع تاریخی موثقی که به شکل مبسوط شرح حال و شیوه فعالیت تدریس تفسیری آنان را بیان کرده باشد، یافت نشد. البته می‌توان حدس زد اساتیدی که صاحب تفسیر مکتوب‌اند و به تدریس تفسیر نیز اشتغال داشته‌اند، در تدریس مباحث تفسیری به احتمال قوی همان سبک و شیوه‌ای را داشته‌اند که در نگارش تفسیر خود از آن بهره برده‌اند؛ چنان‌که در عصر کنونی نیز در مورد بسیاری از اساتید تفسیر در حوزه علمیة قم نیز شاهدیم که شیوه بیان آنان در کلاس درس به شیوه نگارش مطالب تفسیری آنان بسیار نزدیک است. در ادامه، مهم‌ترین دروس تفسیر در حوزه علمیة قم و شیوه تدریس آنها معرفی می‌شود.

۴-۱. تدریس به روش غیرفعال و شیوه سخنرانی و توضیحی

غالب دروس تفسیری در حوزه‌های علمیة قم در سده اخیر به روش غیرفعال و به شیوه سخنرانی یا به شکل استادمحور برگزار شده‌اند. نمونه‌های بارز تدریس تفسیر به این شیوه را به‌جمال ذکر می‌کنیم.

۴-۱-۱. امام خمینی (۱۳۶۸-۱۲۸۱)

بخشی از آرای تفسیری امام خمینی علیه السلام در آثار گوناگون ایشان - اعم از آثاری که به‌قلم خود ایشان نوشته شده‌اند،

مانند تفسیر سوره‌های حمد، توحید، قدر، و مجموعه‌هایی که توسط دیگران تدوین یافته‌اند، مانند کتاب **تفسیر و شواهد قرآنی و قرآن کتاب هدایت** یا کتاب **فهم القرآن** نوشته جواد علی کسار - گردآوری شده است. آنچه دیگران تدوین کرده‌اند، برخی براساس مطالبی است که حضرت امام علیه السلام در تألیفات مختلف خود بیان کرده‌اند و برخی نیز مکتوب بیانات ایشان است. یکی از معروف‌ترین تفاسیر ایشان، تفسیر سوره مبارکه حمد است که در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب از صداوسیما جمهوری اسلامی ایران پخش شد. در این تفسیر که از نوع ترتیبی است و با روش تفسیر اجتهادی و گرایش عرفانی بیان شده، از شیوه تدریس غیرفعال و در قالب توضیح و سخنرانی استفاده شده است.

۲-۱-۴. عبدالله جوادی آملی

آغاز اشتغالات قرآنی آیت‌الله جوادی آملی به اندکی قبل از پیروزی انقلاب در دهه پنجاه بر می‌گردد؛ اما ایشان در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۲ به «تفسیر موضوعی» قرآن پرداخت و از ۱۳۶۳ تا کنون به‌طور پیاپی به تدریس تفسیر ترتیبی با انگیزه رواج دادن درس تفسیر در کنار دروس رایج فقهی، اهتمام داشته است. تدریس استاد جوادی در درس عمومی، اعم از تفسیر فقه و دروس دیگر، نوعاً به روش غیرفعال و به شیوه سخنرانی است. ارائه مباحث تفسیری از سوی ایشان را می‌توان چنین ترسیم کرد: ۱. بیان و شرح مفردات هر آیه؛ شرح برخی واژگان دشوارفهم آیه با استناد به منابع واژه‌پژوهی کهن؛ ۲. بیان تناسب آیات؛ تبیین پیوند آیه مورد بحث با آیه یا آیات پیشین؛ ۳. تبیین سیاق آیه و ارتباط آیات دیگر با آیه مورد بحث و بیان تفسیر آیه؛ ۴. اشارات و لطایف موجود در آیه (ر.ک: مدبر اسلامی، ۱۳۹۶، ص ۲۵).

۳-۱-۴. ناصر مکارم شرازی

آیت‌الله مکارم شیرازی سالیان زیادی را به تفسیر اشتغال داشته‌اند. **تفسیر نمونه** در ۲۷ جلد حاصل کار جمعی ایشان و تعدادی از اندیشمندان حوزه علمیه قم است که تحت اشراف ایشان در طول پانزده سال نوشته شده است. این تفسیر که با هدف قابل فهم بودن برای عموم مردم نگاشته شده، در کنار شرح و بسط آیات قرآن، به مسائل اجتماعی و مطالب علمی می‌پردازد. از این رو تفسیری اجتماعی و درعین حال علمی است.

اثر دیگر ایشان **پیام قرآن** است که به شیوه تفسیر موضوعی و با کمک گروهی از نویسندگان حوزه علمیه قم طی هشت سال و در ده جلد به رشته تحریر درآمده است. در این کتاب، در ابتدای هر موضوعی آیات مرتبط با آن آورده شده، سپس استنباط و استدلال صورت پذیرفته است.

البته از ایشان تدریس به معنای برگزاری کلاس درس اطلاعی در دست نیست. در برنامه شکل‌گیری **تفسیر نمونه**، ایشان به یک کار پژوهشی جمعی دست زدند و هدایت این کار را بر عهده داشتند. این کار ماهیت آموزش تفسیر به معنای رایج، ولو در سطح عالی را نداشته است؛ بلکه به صورت جلسات مذاکره علمی با گروهی از فضلاء

پژوهشگر تشکیل می‌شد و جنبه پژوهشی به‌صورت تیمی داشت که در نهایت پس از بحث و مناقشه، تحقیقات انجام‌شده توسط اعضای گروه و جمع‌بندی نهایی بحث، توسط خود ایشان نگارش می‌شد و به‌صورت کتاب درمی‌آمد. البته ایشان به‌صورت موردی به تفسیر بعضی از سوره‌ها یا بررسی برخی موضوعات از دیدگاه قرآن در مناسبت‌هایی مثل ماه رمضان در محافل و منابر عمومی پرداخته‌اند. این جلسات تفسیری طبق روال رایج، به روش غیرفعال و به شیوه توضیحی و ارائه سخنرانی بوده و حاصل آنها به‌صورت کتاب چاپ شده است. هرچند ایشان در این قسمت نیز برای ارائه مطالب، بیشتر از **تفسیر نمونه** و **پیام قرآن** بهره می‌برند، اما با بهره‌گیری از سایر منابع تفسیری، کلاس درس خود را به شیوه درس خارج اداره می‌کنند. بخشی از مباحث تفسیری ایشان نیز صرفاً به‌صورت ضبط تصویری بوده است، نه لزوماً تدریس زنده، که آنجا هم به همان شیوه سنتی توضیح و سخنرانی، مباحث تفسیری را بیان و ارائه کرده‌اند.

۴-۱-۴. جعفر سبحانی

استاد آیت‌الله جعفر سبحانی از جمله اندیشمندانی است که در حوزه تدریس تفسیر قرآن کریم فعالیت داشته و به هر دو سبک تفسیر موضوعی و تربیتی سالیانی متمدای تدریس کرده‌اند. روش تدریس ایشان نیز سنتی و مثل معمول و اغلب اساتید دروس خارج، غیرفعال بوده است و ایشان به شیوه توضیح و سخنرانی درس تفسیر را ارائه می‌کنند. ایشان در جلسات درس تفسیر تربیتی خود، ابتدا نام سوره را تحلیل و بررسی می‌کنند؛ سپس در مورد شماره آیات مطالبی ارائه می‌دهند. محل نزول سوره از دیگر مطالبی است که ایشان مورد توجه قرار می‌دهند. ایشان پرداختن به اهداف و مقاصد سوره و سپس ورود به تفسیر آیه‌به‌آیه را از دیگر مراحل تدریس تفسیر به‌شکل تربیتی می‌دانند. (ر.ک: فایل تصویری تدریس تفسیر سوره مبارکه تین در مدرسه حجتیه موجود در آرشیو شبکه قرآن سیما).

۴-۱-۵. سیداحمد خاتمی

سیداحمد خاتمی از مدرسان فقه و اصول حوزه علمیة قم نیز سال‌هاست که روزانه به تدریس تفسیر قرآن در مدرسه فیضیه برای عموم طلاب اشتغال دارند. روش تدریس ایشان شبیه تدریس دروس فقه‌پژوهان غیرفعال یا اندک فعال و معمولاً به شیوه توضیح و سخنرانی و استادمحور است. برگزاری کلاس تفسیر قرآن ایشان از سال ۱۳۶۷ شروع شده و تا کنون استمرار داشته است. ایشان به هر دو سبک تفسیر تربیتی و موضوعی تدریس می‌کنند و حاصل مباحث تفسیر موضوعی ایشان در قالب تک‌نگاری‌های مستقلی با عنوان‌های **سیمای نفاق در قرآن**، **مدیریت در قرآن و حدیث**، **ابعاد جنگ در قرآن و حدیث** و **شایعه از نظر قرآن و حدیث** منتشر شده است (ر.ک: پایگاه رسمی جامعه مدرسین حوزه علمیة قم).

۴-۱-۶. ابوالقاسم خزعلی

مرحوم آیت‌الله خزعلی از عالمان حوزه علمیة قم مدتی به تدریس تفسیر قرآن اشتغال داشته‌اند و حاصل این

درس‌های تفسیری در دورهٔ دوجلدی *انوار جاودان در تفسیر قرآن* در شرح و تفسیر سورهٔ حمد و سورهٔ بقره تا آیهٔ ۳۳ در سال ۱۳۹۱ و *نگاهی به قطره‌ای از زلال جویشان حمد* در سال ۱۳۹۳ منتشر شده است. روش تدریس تفسیر ایشان نیز به همان روش رایج سنتی غیرفعال و به شیوهٔ سخنرانی و توضیح بوده است.

۴-۱-۷. علی‌اکبر فیض مشکینی

مرحوم آیت‌الله مشکینی از کسانی بود که در دههٔ پنجاه در حوزهٔ علمیهٔ قم تدریس تفسیر عمومی داشتند و حاصل آن درس‌گفتارها در قالب *تفسیر روان* در هشت جلد به زبان فارسی با قلمی روان برای استفادهٔ همگان، به‌ویژه قشر جوان جامعه، به قلم خودشان بازنویسی و منتشر شده است. ایشان آثار قرآنی دیگری هم دارند که به‌احتمال زیاد برآمده از جلسات درس تفسیرشان باشد؛ مانند *تفسیر مبسوط* «در دو جلد، *بحث قصیر حول نظریهٔ التطور*، *تفسیر سورهٔ صاد* و *تفسیر سورهٔ لقمان* (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی حدیث شیعه <https://hadith.net>). روش تدریس تفسیر ایشان نیز همان روش سنتی غیرفعال و به شیوهٔ سخنرانی و توضیح بوده است.

۴-۲. تدریس به روش نیمه‌فعال و به شیوهٔ نیمه‌مشارکتی

این روش تدریس که از آن به روش نیمه‌مشارکتی و روش فعال پنهان نیز می‌توان یاد کرد، بینابینی است و در میانهٔ دو روش فعال و غیرفعال قرار می‌گیرد؛ نه یک‌طرفه و تماماً استادمحور است و استاد و مدرس در امر آموزش فعال ما یشاء است و شاگرد فقط یا غالباً مستمع؛ و نه آن‌گونه است که با فعالیت و مشارکت حداکثری شاگردان در فرایند آموزش همراه باشد. مجموعه‌ای از دروس تفسیری ارائه‌شده توسط عالمان حوزهٔ علمیهٔ قم در سدهٔ اخیر را می‌توان ذیل این روش دسته‌بندی کرد که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم.

۴-۲-۱. سیدمحمدحسین طباطبائی

علامه سیدمحمدحسین طباطبائی، حکیم، فقیه، عارف و فیلسوف معاصر شیعه و مفسر بزرگ قرآن بود. معروف‌ترین اثر ایشان *تفسیر المیزان* است که ثمره‌ای کم‌نظیر از بیست سال تلاش شبانه‌روزی علامه بوده و دایرةالمعارفی از معارف اسلامی است. علامه طباطبائی تدریس تفسیر را در اواخر دههٔ بیست سدهٔ اخیر در حوزهٔ علمیهٔ قم آغاز کردند که به‌مدت هفت سال (سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۲) به‌طول انجامید و پس از آن از سال ۱۳۳۲ به نگارش این مجموعهٔ ارزشمند اقدام کردند (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آبان ۱۴۰۱). این تفسیر از مهم‌ترین و جامع‌ترین تفسیرهای شیعه در عصر جدید و به‌طور مطلق یکی از چند تفسیر مهم و اساسی در قرن اخیر است.

مرحوم علامه با تاسی از گفتار و روش اهل‌بیت علیهم‌السلام، در اصل تفسیر، روش اجتهادی قرآن‌محور داشت که از آن به تفسیر قرآن‌به‌قرآن یاد می‌شود؛ اما به‌لحاظ روش تدریس تفسیر، اگرچه کلیت کارش به شیوهٔ توضیح و سخنرانی نزدیک بود، اما بر اساس ویژگی‌هایی که بیان خواهد شد، دقیق‌تر آن است که گفته شود تدریس تفسیر ایشان به روش نیمه‌فعال و بینابینی بود.

به‌طور کلی می‌توان برخی از ویژگی‌های برجسته سبک تدریس علامه، از جمله در تفسیر را چنین برشمرد: الف) دادن فرصت تفکر به شاگرد: علامه برای آنکه کلاس را برای شاگرد به محیطی آرام و باصمیمیت تبدیل کند تا ذهن او را به تحرک و پویایی وادارد، در جلسات خود می‌فرمود: «به من استاد نگویید. ما یک عده‌ای هستیم که اینجا جمع شده‌ایم و می‌خواهیم حقایق اسلام را بررسی کنیم و من از آقایان خیلی استفاده می‌کنم». ایشان در برخورد با شاگردان هرگز تحمیل عقیده و تحکم فکر نداشتند؛ بلکه روش ایشان در پاسخگویی به اشکالات و سؤالات این بود که ایشان پاسخ و توضیح خود را مطرح می‌کردند و بعد برای آنکه به شاگرد میدان تفکر داده باشد، نظر خود را یک امر قطعی و حتمی اعلام نمی‌کرد؛ بلکه نوعاً می‌فرمود: «این چیزی است که به نظر ما می‌رسد و شما خودتان ببینید تا چه اندازه منطقی و مورد پذیرش است». جلسهٔ درسی علامه طباطبائی به‌نحوی بود که شاگردان شهادت اشکال کردن بر او را داشتند و اگر شاگردی به درس ایشان انتقادی داشت، علامه با مهربانی و ملاطفت سخن او را گوش می‌داد و با کمال احترام وی را متقاعد می‌کرد.

ب) تدریس آرام و آهسته: ایشان خیلی آرام و آهسته تدریس می‌کرد؛ از پراکنده‌گویی اجتناب داشت؛ ولی در عوض، کم‌گویی و گزیده‌گویی بود و بحث‌ها را با عباراتی کوتاه، اما متین و محکم و مستدل بیان می‌کرد. علامه در تدریس شیوه‌ای نرم و ملایم داشت و به هیچ یک از مطالب درسی خود پایان نمی‌داد، مگر اینکه با بحث خود آن را اشیاع می‌کرد.

ج) استدلال توأم با برهان، نه شعر و داستان.

د) التزام به شیوهٔ منطقی متناسب با موضوع درس: علامه در تدریس مقید بود که حریم علوم و مباحث را حفظ کند و آنها را با هم ممزوج نکند (ر.ک: باقی نصر آبادی، ۱۳۸۲، ص ۱۴ و خسروشاهی، ۱۳۹۲، ص ۲۶). مجموعهٔ این ویژگی‌ها انتساب روش تدریس غیرفعال و سنتی را از کار علامه منتفی می‌سازد و روش تدریس بینابینی و نیمه‌مشارکتی را موجه‌تر می‌نماید.

۲-۴. مرتضی مطهری

استاد شهید مطهری معتقد بود که بازخوانی قرآن و تمام منابع کهن دین یک ضرورت برای جامعهٔ مسلمانان است. از این رو جلسات عمومی تفسیر قرآن را دایر کرد. اثر مهم قرآنی ایشان *آشنایی با قرآن* است که مکتوب همان جلسات تفسیر برخی از سوره‌های قرآن است. غیر از این کتاب، ایشان چندین تحقیق موضوعی دربارهٔ مضامین قرآنی داشتند که از آن میان می‌توان به *انسان در قرآن*، *جهاد در قرآن* و امثال آن اشاره کرد.

هرچند استاد مطهری مطالب تفسیری خود را ظاهراً به شیوهٔ توضیح و سخنرانی، یعنی روش غیرفعال ارائه می‌کرد، اما در پایان اغلب سخنرانی‌های خود، پرسش و پاسخ داشتند که نشان از اهتمام ایشان به فراگیری بهتر مطالب ارائه‌شده توسط مخاطبان دارد. از همین رو نوع تدریس مباحث تفسیری شهید مطهری را ترجیحاً باید به روش نیمه‌مشارکتی و بیابینی دانست.

مرحوم استاد آیت‌الله مصباح یزدی با هدف تربیت نیروهای فکری و عقیدتی و پرورش افراد متعهد و کارآمد برای تشکیل کادر آینده نظام و حکومت اسلامی، تدریس تفسیر و معارف قرآن را از مدرسه حقانی (منتظریه) در اواسط دههٔ چهارم شمسی آغاز کرد. نظر به اینکه ارائهٔ بسیاری از معارف قرآن در قالب تفسیر تربیتی برای طلاب و به‌خصوص عموم مردم امکان‌پذیر نیست، ایشان تلاش داشتند که مباحث تفسیری خود را به شیوهٔ تفسیر موضوعی ارائه دهند. شیوهٔ تدریس ایشان ظاهراً به‌شکل توضیح و سخنرانی بود که نوعاً در دروس خارج ارائه می‌شود؛ اما با توجه به تفکرات و تأملاتی که ایشان ایجاد می‌کردند، باید آن را تدریس به شیوهٔ فعال پنهان شمرد. البته دروس خاصی نیز استاد در تفسیر موضوعی برای تعدادی از شاگردان برجسته داشتند که به روش فعال و شیوهٔ پژوهش‌محور بوده است. طبعاً این نوع تدریس ایشان را باید ذیل تدریس به روش فعال به شیوهٔ پژوهش‌محور قرار داد؛ اما برآیند این دو اقتضا دارد که دست‌کم شیوهٔ تدریس استاد مصباح را بیابینی و نیمه‌فعال و نیمه‌مشارکتی بدانیم.

مرحوم آیت‌الله معرفت در کلاس‌های خود، از جمله کلاس تفسیر، نظرات خویش را به‌بحث می‌گذاشتند و حتی درخصوص نظرانی که قرار بود به‌صورت کتاب منتشر شود، ابتدا دیدگاه خود را در کلاس‌های درس تفسیر و علوم قرآن مطرح می‌کردند و در معرض بحث و نقد در میان طلاب و دانشجویان قرار می‌دادند و با سعهٔ صدر به سخنان و اظهارنظرها و همچنین سؤال‌های طلاب و دانشجویان گوش می‌دادند و بعد پاسخ می‌گفتند. این میدان دادن به دانشجویان و شاگردان برای سخن گفتن و اظهارنظر کردن باعث می‌شد که کلاس‌های درس ایشان تا حد زیادی فعال و پویا باشد. بنابراین می‌توان شیوهٔ تدریس تفسیر استاد معرفت را هم دست‌کم بیابینی، بلکه به روش فعال و شیوهٔ مذاکره نزدیک دانست.

مرحوم علی صفائی حائری روند معمول مطالعات قرآنی در محافل اسلامی، چه به‌صورت دانشگاهی و چه حوزوی را پی‌جویی نمی‌کرد و بیش از آنکه به‌دنبال نوعی آموزش مدرسه‌ای باشد، پیگیر شیوهٔ خاص آموزشی در تمام جوانب حیات یک مسلمان براساس قرآن بود. اکثر مطالب تفسیری که از ایشان به‌چاپ رسیده، سخنرانی‌هایی است که به‌صورت مکتوب درآمده‌اند. ظاهر امر این است که ایشان از روش غیرفعال به شیوهٔ توضیح و سخنرانی در ارائهٔ مباحث و مطالب تفسیری استفاده می‌کردند، اما نوع سخن و بیان ایشان به‌گونه‌ای بود که مخاطب را به تفکر وامی‌داشت؛ هرچند مخاطب پای درس ایشان از نظر ظاهری بیشتر شنونده بود، اما با تلنگرهایی که استاد با بیان خاص خود ایجاد می‌کرد، در روح و فکر شنونده غوغایی برپا می‌کرد و او را به‌صورت فعال در متن بحث قرار می‌داد. از این حیث می‌توان این روش را مایل به روش فعال یا فعال پنهان دانست.

استاد محسن قرآنتی از مفسران و مبلغان برجسته در حوزه معارف دینی است. شیوایی سخن، ارائه مطالب به زبانی ساده و قابل فهم، و استفاده از مثال‌های کاربردی، از شیوه‌های تأثیرگذار و مخاطب‌پسندی است که وی برای انتقال مطالب قرآنی به مخاطبان برگزیده و در این راه توانسته است اثری ارزشمند نظیر *تفسیر نور* را با شیوه‌ای نوین ارائه دهد. ایشان در زمینه ارائه معارف دینی، به‌جای استفاده از منبر و روش سنتی تبلیغ و سخنرانی، بسان معلمان از گنج و تخته‌سیاه بهره برد و به آموزش آنها در قالب کلاس درس روی آورد. در این شیوه، استاد دو حس شنوایی و بینایی را در کلاس درس فعال می‌کرد و بدین ترتیب شرایط درک بهتر را در فراگیران به‌وجود می‌آورد. بخش مهمی از موفقیت استاد قرآنتی، به شیوه تدریس معارف قرآن و مهارت‌های معلمی او مربوط است. ایشان در کلاس‌های خود می‌کوشند با پرسش و پاسخ و ایجاد فضای طرفینی، مخاطبان را فعال و کلاس را پویا سازند و تقریباً شیوه ایشان را باید تا حد زیادی بیابینی و نیمه‌مشارکتی تلقی کرد.

محمدرضا صفوی پژوهشگر مرکز فرهنگ قرآن و دارای تألیفات متعدد قرآن‌پژوهی است. یکی از مهم‌ترین آثار وی که بار اول در سال ۱۳۹۰ به‌چاپ رسیده، کتاب *تفسیر آموزشی قرآن کریم (معانی واژه‌ها و ساختارها)* است. این تفسیر آموزشی که در واقع براساس شکل تدریس ایشان تألیف شده است، در شش مرحله تنظیم شده و در هر مرحله به بعدی از ابعاد آیات یا به روشی از روش‌های تفسیری پرداخته است.

مرحله نخست: در این مرحله، به‌تناسب مخاطبان که آشنایی چندانی با معانی واژه‌ها و چگونگی هیئت کلمات قرآن کریم ندارند یا از تسلط و ورزیدگی لازم برخوردار نیستند، معانی مفردات همراه با تعیین هیئت کلمات و ویژگی‌های آنها بیان می‌شود.

مرحله دوم: در این مرحله، جایگاه هر کلمه در جمله و جایگاه جمله در کلام بیان می‌شود. آموزش در این دو مرحله، دانش‌پژوه را بر دریافت معانی آیات با توجه به مفاهیم واژه‌ها و جایگاه آنها توانمند می‌سازد و افزون بر آن، دانش‌پژوه بر ادبیات (صرف و نحو) تسلط می‌یابد.

مرحله سوم: در این مرحله، استخراج نکته‌ها و پیام‌های آیات با توجه به علوم بلاغی مورد توجه و اهتمام قرار گرفته است. از این‌رو در این مرحله، افزون بر بیان واژگان جدیدی که در مراحل پیشین معانی آنها بیان نشده است و بیان وجه اعرابی کلمات، که در فهم آیات ضرورت دارد، نکاتی از آیات بیان می‌شود که با توجه به علوم بلاغی، قابل استفاده است.

مرحله چهارم و پنجم: با توجه به روش‌های متعددی که در تفسیر قرآن کریم وجود دارد، در این دو مرحله، تفسیر قرآن به قرآن و تفسیر مأثور، که از اساسی‌ترین روش‌های تفسیری‌اند، به‌صورت عملی آموزش داده می‌شود. مرحله چهارم به روش تفسیر قرآن به قرآن (تفسیر یک آیه با توجه و استناد به دیگر آیات) اختصاص یافته است و در

مرحله پنجم، روش تفسیر مآثور به کار گرفته می‌شود. دانش‌پژوه با آموزش مرحله چهارم، شیوه تفسیر قرآن به قرآن را فرامی‌گیرد و با آموزش مرحله پنجم، شیوه تفسیر قرآن به سنت را می‌آموزد.

مرحله ششم: در این مرحله، مباحث مراحل پیشین به کار برده می‌شود؛ ولی رویکرد در این مرحله، اهتمام و توجه به مباحث اجتماعی تربیتی قرآن کریم است.

در مجموع، شیوه کاری ایشان برای تدریس، اگرچه با ابتکاراتی در روش تفسیر همراه است، اما روح کلی آن به روش غیرفعال و با غلبه شیوه سخنرانی و استادمحوری است؛ اما تدابیری که در روش تفسیر اخذ کرده است، فضای کلی آموزش را به سمت تفکر و اشتیاق برای یادگیری و نوعی تدریس فعال پنهان سوق می‌دهد.

۳-۴. تدریس به روش فعال و مشارکتی

این روش، خود به دو شیوه اجرا می‌شود: شیوه مذاکره‌ای یا پرسش و پاسخ؛ و شیوه پژوهش‌محور.

۳-۱-۴. روش فعال به شیوه پرسش و پاسخ یا مذاکره‌ای

این روش در برخی مراکز تخصصی حوزه علمیه قم، از جمله مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، مرکز تخصصی تفسیر حوزه و برخی کلاس‌های جامعه‌المصطفی در دروس تفسیر تربیتی و تفسیر موضوعی در مقاطع ارشد و دکتری و سطح سه و چهار رشته تفسیر و بسیاری از دروس علوم قرآن، توسط برخی اساتید تفسیر ارائه می‌شود. در این روش، استاد با تعریف فعالیت‌های بیرون از کلاس و تعریف فعالیت داخل کلاس برای افراد و مشارکت دادن حداکثری دانش‌پژوهان در فرایند درس و بررسی مطالب به صورت پرسش و پاسخ جمعی و به شکل مذاکره همگانی شاگردان با یکدیگر یا با استاد و البته با هدایت استاد، فرایند آموزش را پیش می‌برند. طبعاً در این فرایند بر اساس یک نقشه پیشینی فنی، جزء به جزء مباحث در قالب یک طرح فعال و تفکر محور برنامه‌ریزی می‌شود و با هدایت و مدیریت استاد به اجرا درمی‌آید.

۳-۲-۴. روش فعال به شیوه پژوهش‌محور

این شیوه در برخی مراکز تخصصی حوزه علمیه قم، از جمله مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام و برخی مراکز حوزوی در تدریس دروس تفسیر موضوعی به کار گرفته می‌شود. برای نمونه، در کلاس مقطع دکتری و سطح چهار تفسیر موضوعی، برخی اساتید رشته به این شیوه عمل می‌کنند. این شیوه تدریس مبتنی بر فعالیت حداکثری دانش‌پژوهان است و شامل مراحل زیر می‌شود: درگیری با مسئله شامل تجزیه آن به چند مورد فرعی و کوچک، شناسایی منابع مرتبط و اعتبارسنجی آنها، مطالعه منابع و جمع‌آوری اطلاعات، طبقه‌بندی اطلاعات، کشف روابط داده‌ها، و بعد تفسیر داده‌ها و استنتاج و استنباط و حل مشکل (پاسخ سؤالات فرعی) و نگارش حاصل پژوهش به عنوان سیاهه اول تحقیق؛ در مرحله بعد، حل مسئله، ارائه کنفرانس علمی در حضور استاد و سایر دانش‌پژوهان همراه با بحث و نقد جدی تمام اجزای ارائه‌شده از سوی دانش‌پژوهان، شنیدن نقدها و اشکالات و

رفتن شاگرد به سمت نگارش مقاله علمی و ارائه آن در کلاس و نقد و ارزیابی جانانه آن توسط استاد و سایر دانش‌پژوهان؛ و بالاخره در مرحله پایانی، بازنویسی و اصلاح و تکمیل مقاله توسط دانش‌پژوه و پایان درس. در این روش، هر دانش‌پژوه همانند استاد از صفر تا صد از درگیری با مسئله تا حل نهایی آن و دفاع از یافته‌ها و استنباط علمی و تخصصی راه‌حل‌ها، خود محور اصلی کار است و استاد کل فرایند را هدایت می‌کند و گره‌ها را می‌گشاید و این باور و اعتماد به نفس را در سیر روشمند و منطقی مراحل کار علمی، از چگونگی شناخت مسئله گرفته تا تجزیه آن، مطالعه و جمع‌آوری اطلاعات، پردازش اطلاعات و چگونگی حل نهایی آن، در روح شاگرد می‌دمد و عملاً کار تدریس را پیش می‌برد.

نتیجه‌گیری

در یک‌صد سال اخیر، مفسران و اساتید فراوانی به تدریس متون تفسیری و ارائه تفسیر ترتیبی یا موضوعی قرآن پرداخته و هر یک شیوه خاصی را در نحوه تدریس و ارائه مطالب خود به کار بسته‌اند. اساتید تفسیر نوعاً متناسب با سطح تحصیلی فراگیران روش خاصی در تدریس را پی می‌گیرند. در دوره مقدمات و سطح، این امر با تکیه بر متن و تدریس، نوعاً غیرفعال و استادمحور است. استاد در تدریس این سطح به توضیح مطالب کتاب به روش سخنرانی می‌پردازد؛ اما در دوره درس خارج تفسیر، استاد با استفاده از منابع مختلف به بیان درس می‌پردازد که گاهی به صورت غیرفعال و به شیوه سخنرانی، و گاهی به روش نیمه‌فعال و به شیوه مشارکت بینابینی (شیوه تلفیقی یا پرسش و پاسخ یا فعالیت‌های دیگر در حد متوسط)، و در برخی موارد نیز به شیوه فعال و با مشارکت حداکثری، به دو شیوه مذاکره‌ای (پرسش‌پاسخی) یا پژوهش‌محور انجام می‌شود. این شیوه‌ها بیشتر استادمحور اند؛ اما گاهی طلاب نیز در کلاس درس کمابیش فعالیت دارند.

در هر سه نوع روش کلی تدریس تفسیر (براساس سطح تحصیلی، براساس نقش مخاطبان و براساس نوع تفسیر)، شیوه غالب تدریس دروس تفسیر در حوزه‌های علمیة در سده اخیر، از نوع اول، یعنی غیرفعال و به شیوه توضیح، تبیین و سخنرانی بوده و هست و تعدادی از دروس تفسیری از گذشته و نیز اکنون به شیوه تلفیقی یا بیابینی است و در دهه اخیر تعدادی از فضلا در بعضی مراکز تخصصی، دروس تفسیر موضوعی را به روش فعال مذاکره‌محور یا پژوهش‌محور ارائه می‌کنند.


شیوه تدریس دروس تفسیر سنتی در سیر صدساله اخیر، تحول کندی به خود دیده؛ اما هیچ‌گاه خالی از تحول نبوده است؛ از جمله در درس‌های آیت‌الله معرفت، شاگردان نقش بیشتری ایفا می‌کردند و به سؤال و نقد مطالب استاد می‌پرداختند؛ یا استاد صفوی قالبی برای تدریس تفسیر پی‌ریزی کرده‌اند که انعطاف‌پذیر است و متناسب با سطح معلومات مخاطبان می‌توان سطح کمی و کیفی تدریس را تغییر داد. البته هر چه به سال‌های آخر سده چهاردهم شمسی نزدیک‌تر شده‌ایم، روش‌های تدریس تفسیر اشکال متنوع‌تری پیدا کرده‌اند و شاهد تحولات بیشتر و اساسی‌تر در روش تدریس تفسیر و رفتن به سمت روش‌های فعال‌تر و مشارکتی‌تر هستیم.

منابع

- ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر للطباعة.
- احدیان، محمد و محرم آقازاده، ۱۳۸۶، *راهنمای روش‌های تدریس برای آموزش و کارآموزی*، تهران، آبیژ.
- اخوان مقدم، زهره و فاطمه پیرایش، ۱۳۹۴، «آموزش مفاهیم و تفسیر قرآن با استفاده از تکنولوژی و روان‌شناسی رنگ‌ها»، *نوآوری‌های آموزشی*، ش ۵۶، سال چهاردهم، ص ۵۹-۳۸.
- آریان، حمید و جمعی از محققان، ۱۳۹۵، *آفرینش انسان در قرآن*، قم، مرتضی.
- آقازاده، محرم، ۱۳۸۸، *راهنمایی روش‌های نوین تدریس*، تهران، آبیژ.
- باغبانی، وحید، ۱۳۹۵، «جریان‌های فهم قرآن کریم در ایران معاصر»، *نقد کتاب قرآن و علوم دینی*، ش ۸، ص ۱۹۳-۲۱۷.
- باقی نصرآبادی، علی، ۱۳۷۹، *رمز موفقیت علامه طباطبائی*، تهران، امام عصر ع.
- بستانی، فواد افرا، ۱۳۷۵، *فرهنگ ابجدی عربی-فارسی*، ترجمه رضا مهیار، چ دوم، تهران، اسلامی.
- بهرنگی، محمدرضا و طیبه آقاری، ۱۳۸۳، «تحول ناشی از نوع جیبک ساو در وضعیت سنتی»، *نوآوری‌های آموزشی*، ش ۱۰، ص ۱۲۹-۱۴۵.
- پایگاه اطلاع رسانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، *مروری بر نقش‌آفرینی حوزه علمی قم در زمینه تفسیر قرآن*، ۸۱۷۸،
<https://irdc.ir/fa/news/8178>
- پایگاه اطلاع‌رسانی حدیث شیعه، <https://hadith.net>
- خانی، احمد، ۱۳۹۲، «روش‌شناسی و گرایش‌های تفسیری امام خمینی»، *حضور*، ش ۸۷، ص ۲۲-۳۹.
- خبرگزاری بین‌المللی قرآن، <https://iqna.ir>
- خزعلی، ابوالقاسم، ۱۳۹۱، *انوار جاودان*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- _____، ۱۳۹۳، *نگاهی به قطره‌ای از زلال حوشان حمد*، تهران، خیمه.
- خسروشاهی، سید هادی، ۱۳۹۲، *خاطرات مستند سیدهادی خسروشاهی درباره علامه سیدمحمدحسین طباطبائی*، تهران، کلبه شروق.
- خورشیدی، عباس، ۱۳۸۹، *روش‌ها و فنون تدریس*، تهران، یسطرون.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۷۷، *نسب‌های تحصیل و تدریس در حوزه‌های علمیه*، قم، بوستان کتاب.
- زرقانی، محمد عبد العظیم، بی‌تا، *مناهل العرفان فی علوم القرآن، دار احیاء التراث العربی*، بی‌جا، بی‌تا.
- صفوی، امان الله، ۱۳۸۹، *روش‌ها، فنون و الگوهای تدریس*، چ پنجم، تهران، سمت.
- صفوی، محمدرضا، ۱۳۹۵، *تفسیر آموزشی قرآن کریم «معانی واژه‌ها و ساختارها»*، چ هشتم، قم، بوستان کتاب.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۸۳، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ نهم، قم، جامعه مدرسین.
- گیج، ن، ل و برلایند، سی، ۱۳۷۲، *روان‌شناسی تربیتی*، ترجمه غلامرضا خوبی نژاد و همکاران، مشهد، حکیم فردوسی.
- مدبر اسلامی، علی، ۱۳۹۶، «مدرسه تفسیری علامه جوادی آملی»، *معارض*، ش ۱، ص ۳۳-۳۵.
- مشکینی اردبیلی، علی، ۱۳۸۸، *تفسیر روان*، قم، الهادی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۹۶، *مسأله حجاب*، چ صد و چهاردهم، تهران، صدرا.
- معین، محمد، ۱۳۸۲، *فرهنگ معین*، چ سوم، تهران، زرین.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶، *پیام قرآن*، چ نهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

نوع مقاله: پژوهشی

مفسران برجسته سده اخیر حوزه علمیه قم؛ علامه سیدمحمدحسین طباطبائی*

امیررضا اشرفی / دانشیار گروه تفسیر و علوم قرآن مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ☞
 Ashrafi@iki.ac.ir  orcid.org/0009-0001-9673-4345

دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۳ - پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳

چکیده

علامه طباطبائی، عالم نام‌آور حوزه علمیه قم، از بزرگ‌ترین اندیشمندان و مفسران جهان اسلام در سده اخیر است. این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی نقش ایشان را در حوزه علمیه قم به‌مثابه مفسری برجسته بررسی کرده است. احیای تفسیر و فرهنگ قرآن و مقابله با فرهنگ‌های مهاجم، پاسخ‌گویی به نیازهای زمان با قرآن، مبارزه با جریان‌های انحرافی در تفسیر، و ترویج و تحکیم «تفسیر قرآن به قرآن» از مهم‌ترین خدمات ارزشمند علامه در حوزه علمیه قم است. روش تفسیری نویسنده در «المیزان فی تفسیر القرآن» ویژگی‌هایی دارد که به نام ایشان در حوزه علمیه قم ثبت و از آنجا در جهان اسلام منتشر شده است. استفاده کم‌نظیر از سیاق و سایر آیات، تکیه ویژه بر محکّمات، تفسیر غایت‌محور و توحیدبنیان، دسته‌بندی بدیع موضوعات قرآن و عنایت خاص به احادیث اهل‌بیت ☞ از جمله این ویژگی‌هاست.

کلیدواژه‌ها: علامه طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، مفسران سده چهاردهم، تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر توحیدبنیان، تفسیر غایت‌محور، غرر آیات.

علامه سیدمحمدحسین طباطبائی در ۲۹ ذی‌حجه ۱۳۲۱ قمری/ اسفند ۱۲۸۲ (ر.ک: اوسی، ۱۴۰۵ق، ص ۳۸) در خانواده‌ای علمی و متدین در تبریز متولد شد. نسل او از پدر و مادر به امام حسن و حسین علیهم‌السلام می‌رسد و اجدادش تا ۱۴ پشت همگی عالم بوده‌اند (حسینی طهرانی، ۱۴۲۱ق، ص ۳۲-۳۵). وی در پنج سالگی مادر و در نه‌سالگی پدر خود را از دست داد. کمی پس از رحلت پدر به مکتب و سپس به مدرسه رفت و قریب شش سال به فراگیری ادب پارسی و تعلیمات ابتدایی پرداخت.

پس از گذراندن دوره ابتدایی به تحصیل علوم دینی اشتغال ورزید و طی هفت سال (۱۲۹۷-۱۳۰۴) ادبیات عرب، منطق، کلام، فقه و اصول و برخی کتب فلسفی را در زادگاهش آموخت. سپس راهی نجف شد و دوره‌های عالی علوم اسلامی را از برجسته‌ترین استادان عصرش فراگرفت. فقه و اصول را تا اجتهاد نزد آیات عظام میرزا محمدحسین غروی نائینی، سیدابوالحسن اصفهانی و شیخ محمدحسین اصفهانی، رجال را نزد آیت‌الله حجت کوه‌کمری و ریاضیات و فلسفه را - به‌ترتیب - نزد سیدابوالقاسم خوانساری و سیدمحمدحسین بادکوبه‌ای آموخت (ر.ک: همان، ص ۴۲؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۱، مقاله سوم، ص ۵۵-۵۹).

اما تأثیرگذارترین استاد در شخصیت عرفانی و روش تفسیری ایشان، آیت‌الله سیدعلی قاضی طباطبائی بود. ایشان مکرر می‌فرمود: «ما هرچه داریم از آقای قاضی داریم» (حسینی طهرانی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۶). ایشان در روش «تفسیر قرآن به قرآن» نیز ملهم از استادش، مرحوم قاضی طباطبائی بود و در این باره می‌فرمود: «ما این روش تفسیری را از مرحوم قاضی داریم» (ر.ک: همان، ص ۶۲-۶۳).

علامه در سال ۱۳۱۴ با گنجینه‌ای از دانش و معرفت، نجف را به مقصد زادگاهش ترک کرد و پس از تألیف آثاری چند در آن دیار، به سال ۱۳۲۵ راهی قم شد و مرحله‌ای نو و پربرکت از زندگی علمی‌اش را آغاز کرد که تا پایان عمر دوام یافت (طباطبائی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۸-۲۱). هرچند عمده دوران تحصیل علامه در تبریز و نجف بود، اما اندوخته‌ها و توانایی‌های علمی ایشان در قم به شکوفایی رسید.

درخشان‌ترین برهه حیات علامه به دوره اقامت ایشان در حوزه علمی قم بازمی‌گردد؛ زیرا در این برهه موفق به تربیت مجموعه‌ای از شاگردان برجسته و فاضل گردید و عمیق‌ترین و پربردارترین آثار فلسفی، کلامی، حدیثی و تفسیری‌اش، از جمله *المیزان فی تفسیر القرآن* را در همین دوره آفرید.

مقاله حاضر با روش «توصیفی - تحلیلی» به بازنمایی نقش علامه در سده اخیر حوزه علمی قم به عنوان مفسری برجسته پرداخته و در چهار محور به پرسش‌های ذیل پاسخ داده است:

۱. نقش علامه طباطبائی در احیای تفسیر و فرهنگ قرآن و مقابله با فرهنگ‌های مهاجم در سده اخیر حوزه علمی قم چیست؟

۲. نقش علامه طباطبائی در پاسخ‌گویی به نیازهای معرفتی حوزه علمی قم با تکیه بر قرآن در سده اخیر چیست؟

۳. نقش علامه طباطبائی در مبارزه با جریان‌های انحرافی در تفسیر قرآن از پایگاه حوزه علمیه قم در سده اخیر چیست؟
۴. نقش علامه طباطبائی در ترویج و تحکیم روش «تفسیر قرآن به قرآن» در حوزه علمیه قم در سده اخیر چیست؟
تاکنون آثار ارزشمندی درباره ویژگی‌های شخصیتی و ابعاد علمی علامه طباطبائی نگاشته شده است (ر.ک: هاشم‌زاده، ۱۳۸۱؛ رحیمی، ۱۳۹۳)، اما درخصوص نقش ایشان در حوزه علمیه قم در سده اخیر به‌عنوان مفسری برجسته اثری یافت نشد.

۱. احیای تفسیر و فرهنگ قرآن و مقابله با اندیشه‌های مهاجم

دانشمندان شیعه از پیشگامان تفسیر قرآن بودند و از همان قرون اولیه تفاسیر مهمی نگاشته‌اند. سیر نگارش‌های تفسیری در میان ایشان، قله مرتفعی مانند *تبیان شیخ طوسی* و *مجمع البیان* و *جوامع الجامع امین‌الاسلام طبرسی* را به خود دیده است (ر.ک: صدر، بی‌تا، ص ۳۲۲-۳۴۱)؛ اما این سیر در برهه‌هایی دچار وقفه شده است.
در آغاز ورود علامه به حوزه علمیه قم در اواسط دهه بیست سده اخیر، مباحث علمی حوزه متمرکز بر فقه و اصول بود و از تفسیر و مباحث عقلی برای دفاع از کیان دین در مقابل شبهات و درس اخلاق برای تربیت معنوی طلاب تقریباً خالی بود. اقدام به پایه‌گذاری و رسمیت‌بخشی به درس تفسیر، دروس عقلی و اخلاق در حوزه علمیه قم نیاز به شجاعت و تدبیری خاص از سوی شخصیت‌هایی نظیر علامه طباطبائی داشت (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ص ۴۵-۴۶ و ۶۵-۶۶).

علامه در این شرایط، افزون بر تدریس فلسفه و اخلاق، در اقدامی احیاگرانه با پایه‌گذاری درس تفسیر، تربیت فضایی برجسته در این رشته و نگارش *المیزان فی تفسیر القرآن*، منشأ تحولی بزرگ در حوزه علمیه قم، بلکه در ایران و جهان اسلام شد.

ایشان پیش از نگارش *المیزان*، کتابی با عنوان *تفسیر البیان فی الموافقة بین الحديث و القرآن* به هدف اثبات هماهنگی روایات تفسیری اهل‌بیت علیهم‌السلام با ظاهر آیات قرآن در تبریز تألیف و آن را نیمه‌کاره رها کرده بود که سال‌ها بعد در ۱۴۲۱ق توسط دفتر تنظیم و نشر آثار علامه چاپ و منتشر شد (طباطبائی، ۱۴۲۵ق، ج ۱-۶). اما اثر سترگ و بی‌بدیل ایشان در تفسیر (*المیزان فی تفسیر القرآن*) در مدتی قریب به بیست سال (۱۳۷۴-۱۳۹۲ق) همزمان با تدریس در حوزه علمیه قم نگاشته و چاپ شد (حسینی طهرانی، ۱۴۲۱ق، ص ۶۳).

المیزان نخست در سال ۱۳۷۵ق در تهران توسط انتشارات «علمیه اسلامی» و سپس در بیروت از جانب «مؤسسه الاعلمی للمطبوعات» در ۲۰ جلد منتشر گردید و بعدها «مؤسسه اسماعیلیان» و «دفتر نشر اسلامی» (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، آن را از روی چاپ بیروت افست و در شمارگان وسیع منتشر کردند.

المیزان که به اذعان بسیاری از دانشمندان مسلمان از بهترین و جامع‌ترین تفاسیر قرآن است، حاوی عمده تأملات و نوآوری‌های علامه در ساحت اندیشه اسلامی است. این اثر ارزنده به سبب استقبال ویژه از آن در جهان

اسلام به زبان‌های فارسی، انگلیسی، اردو، ترکی، اسپانیولی ترجمه و منتشر شده است (ر.ک: هاشم‌زاده، ۱۳۸۱). افزون بر این، پنج جلد از *المیزان* توسط محقق و مترجم مسلمان روسی، عبدالکریم تاراس به روسی ترجمه و منتشر شده است (ر.ک: طباطبائی، ۲۰۲۲م، ج ۵-).

مجاهدتهای علامه در تدریس تفسیر قرآن، حدیث و علوم عقلی، منجر به تربیت نسلی از دانشمندان و مفسران حکیم همچون علامه مصباح یزدی، *آیت‌الله جوادی آملی*، *آیت‌الله سبحانی*، *آیت‌الله مکارم شیرازی* و جمعی دیگر فرهیختگان شد که با تألیف آثار برجسته علمی و حوزه تدریس‌شان در زمینه تفسیر و علوم عقلی و نقلی، پرچمدار و استمراربخش حرکت عظیم علامه از پایگاه حوزه علمیّه قم گردیدند.

اگر جامعه‌ای بخواهد از رکود و عقب‌ماندگی فرهنگی برهد و با به عرصه‌ای نو از حیات علمی و فرهنگی‌اش بنهد و اصالت و استقلال فکری و فرهنگی‌اش را در برابر فرهنگ و اندیشه‌های مهاجم حفظ کند، نیاز به مباحث بنیادین فکری و فرهنگی متناسب با این حرکت دارد و علامه آغازگر این حرکت عظیم فکری و فرهنگی در سده اخیر در بستر حوزه علمیّه بود و شاگردانش تداوم‌بخش آن.

شمیم جان‌بخش آموزه‌های قرآن از طریق تفسیر *المیزان* و آثار شاگردان علامه، به‌ویژه *معارف قرآن آیت‌الله مصباح یزدی*، *تسنیم آیت‌الله جوادی آملی*، *منشور جاوید* و *مفاهیم القرآن و تفسیر منیه الطالبین آیت‌الله جعفر سبحانی* و *تفسیر نمونه و پیام قرآن آیت‌الله مکارم شیرازی* از حوزه علمیّه قم در گستره جامعه شیعی انتشار و از آنجا به مجامع علمی جهان راه یافت و از این طریق بنیان‌های فرهنگی جامعه اسلامی راه، به‌ویژه در ایران تحکیم بخشید و از خطرات و آفات اندیشه‌ها و فرهنگ‌های مهاجم رها نمود.

تلاش علامه طباطبائی در احیای اندیشه و فرهنگ ناب دینی با تکیه بر قرآن، کاری بس بزرگ و ستودنی است. امت اسلامی، به‌ویژه در دو سده اخیر، افزون بر هجوم نظامی، پیوسته در معرض هجوم فرهنگی و سیاسی غرب بوده است. مقابله با این هجوم بی‌امان، به «نهضت احیای فکر دینی» در میان مسلمانان انجامید که از مهم‌ترین شاخصه‌های آن «بازگشت به قرآن» و از نقاط عطف آن در جهان، طلوع «انقلاب اسلامی ایران» در دهه پنجم سده اخیر است (ر.ک: اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۱۷-۳۲) و بی‌شک علامه و دست‌پروردگان مکتب فکری ایشان در بسترسازی فرهنگی آن نقشی بسزا داشته‌اند.

علامه طباطبائی به‌مثابه عالمی جامع و دغدغه‌مند و زمان‌آگاه نمی‌توانست در برابر این هجوم، بی‌تفاوت باشد. او با اندوخته‌های فراوان علمی، درک عمیق از جامعه و جهان پیرامونش و احساس مسئولیت در برابر سرنوشت جامعه اسلامی به‌عنوان عالمی دینی، فعالیت‌هایی هدفمند را به منظور تثبیت فرهنگ و اندیشه قرآنی و مقابله با فرهنگ‌های مهاجم با محوریت قرآن و میراث اهل بیت علیهم‌السلام پی‌ریزی کرد و با تکیه بر این دو گوهر گرانبها، نسلی از شاگردان فاضل، لایق و شجاع (مانند استاد شهید مرتضی مطهری، شهید آیت‌الله بهشتی، شهید آیت‌الله مفتح، علامه مصباح یزدی، علامه جوادی آملی و بسیاری از عالمان دیگر) را تربیت و آماده کرد که هریک با آثار علمی و

فکری خود، مرزبانی آرموده برای دفاع از فرهنگ دینی در برابر هجوم فرهنگی بیگانگان در پایگاه حوزه علمیه قم بوده‌اند (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ص ۴۱-۴۴، همو، ۱۳۹۱، ص ۳۷).

۲. پاسخ‌گویی به نیازهای زمان با قرآن

به باور علامه، قرآن به مقتضای هدف پدیدآورنده، فلسفه نبوت و خاتمیت و نیز به گواهی آیاتی همچون نحل: ۸۹؛ نساء: ۱۰۵ و ۱۰۵، کتابی جامع و برآورنده نیازهای اساسی انسان برای نیل به سعادت پایدار است. از این رو مسائلی که نقش اساسی در سعادت انسان دارند (از قبیل: مسائل مرتبط با حکومت، سیاست و اقتصاد) در قرآن قابل جست‌وجوست (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۵۷؛ ج ۵، ص ۲۰).

علامه پایه‌پای این دیدگاه، کوشیده به‌مثابه عالمی زمان‌شناس و مفسری بزرگ، مهم‌ترین نیازهای اجتماعی عصر خود را شناسایی و پاسخ‌های آن را از قرآن استخراج کند و در *المیزان* ارائه دهد. گراف نیست اگر *المیزان* را دائرة‌المعارفی نسبتاً جامع از مسائل اجتماعی لازم برای هدایت بشر بدانیم که بسیاری از مسائل علوم انسانی و اجتماعی (از جمله: مسائل معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی، حقوقی، سیاسی، اقتصادی و مدیریتی) را دربر دارد. این اثر جامع، اساس پژوهش‌های متعدد، از جمله طرح «تصنيف موضوعی المیزان» در ۳۸ محور علوم انسانی و اجتماعی با حضور حدود هشتاد محقق در «مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی»^۳ شده است.

۳. مبارزه با جریان‌های انحرافی در تفسیر قرآن

علامه طباطبائی در عصر خود - دست‌کم - با سه جریان قدرتمند انحرافی در تفسیر قرآن مواجه بود که کیان فرهنگ و ارزش‌های دینی و آموزه‌های اصیل قرآنی را تهدید می‌کردند:

اول. مادی‌گرایان و تجربه‌گرایانی که با ارائه دیدگاه‌های خود در قالبی به ظاهر علمی، به نقد ظاهر آیات قرآن و انکار گزاره‌های دینی و قرآنی می‌پرداختند.

دوم. علم‌گرایانی که برای نشان دادن هماهنگی قرآن با پیشرفت علوم تجربی، به تأویل آیات قرآن و تطبیق بی‌ضابطه گزاره‌های دینی و قرآنی بر نظریات و فرضیات تجربی مبادرت می‌ورزیدند.

سوم. جماعتی که با جمود و قشری‌گری در مقابل اجتهاد و بهره‌گیری از عقل در تفسیر قرآن، به مخالفت برمی‌خاستند و یا آیات قرآن را بی‌دلیلی استوار، همسو با مکتب فکری خود تأویل می‌کردند.

علامه طباطبائی با هر سه موج به مبارزه پرداخت.

۳-۱. نقد برداشت‌های مادی‌گرایان از آیات قرآن

پس از عصر نوزایی، به‌ویژه از قرن نوزدهم، پایگاه علوم عقلی و نقلی در غرب متزلزل و نوعی علم‌گرایی (Scientism) افراطی در میان دانشمندان غربی حاکم شد. در این نگرش تنها علوم طبیعی و معیارهای تجربی میزان صدق و کذب قضایا شمرده می‌شد (ر.ک: گرلینگ، ۱۴۰۲، ص ۲۰۲-۲۱۴). چنین نگرشی کمابیش میان

نویسندگان مسلمان نیز نفوذ یافت. در چنین فضایی برخی نویسندگان برای نشان دادن سازگاری گزاره‌های دینی با معیارهای تجربی، کوشیدند آنها را با معیارهای تجربی توجیه کنند. تأویلات *سرحمدخان هندی* درباره معجزات انبیا از این قبیل است (ر.ک: هندی، بی تا، ص ۱۱۲-۱۱۹).

در جهان اسلام و حوزه علمیه نجف و قم کمتر کسی پیدا می‌شد که با تسلط بر مباحث معرفت‌شناسی، کلامی، متن‌شناسی و تفسیر قرآن بتواند در مقابل چنین جریانی بایستد و این‌گونه تأویلات ناروا را به شکلی فنی نقد کند. پرچمدار مبارزه با چنین جریانی در حوزه علمیه نجف و قم - به ترتیب - علامه بلاغی و علامه طباطبائی بودند. در حوزه علمیه قم علامه طباطبائی به همراه شاگردان برجسته‌اش (مانند *استاد شهید مطهری*، *آیت‌الله مصباح یزدی*، *آیت‌الله جوادی آملی* و *آیت‌الله مکارم شیرازی*) به مبارزه با الحاد و انحراف و تأویلات ناروا از قرآن و روایات پرداختند. برای این کار، ابتدا می‌بایست انحصارگرایی در اعتبارسنجی قضایا، نقد می‌گردید و جلوی نفوذ چنین اندیشه‌ای به میان فرهنگ اسلامی گرفته می‌شد.

علامه طباطبائی و *استاد مطهری* در بخشی از کتاب *اصول فلسفه و روش رئالیسم* به این مهم پرداختند. نقد تفکر مادی و برداشت‌های انحرافی از آیات قرآن در *المیزان* نموده‌های بسیاری دارد که از جمله می‌توان به نقد نفی تجرد روح (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۲۱۰ و ۳۶۸-۳۷۰ و ۴۲۲) و نقد تأویل تجربی معجزات انبیا و تفسیر مادی‌گرایانه از برخی مفاهیم قرآنی اشاره کرد (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۱۹۸).

۳-۲. نقد تطبیق قرآن بر نظریات تجربی عصری

نفوذ علم‌زدگی و انحصارگرایی در اعتبار معرفت‌های تجربی از غرب به برخی جوامع اسلامی، بعضی از مفسران و نویسندگان مسلمان را واداشت تا بکوشند آموزه‌های اسلام و قرآن را بر نظریات رایج تجربی تطبیق کنند. تطبیق آفرینش انسان در قرآن بر «نظریه تکامل» از جمله آنهاست. این نظریه اهمیتی ویژه دارد؛ زیرا در اندیشه معاصر غرب از چارچوب فرضیه‌ای علمی فراتر رفته و با آن به‌مثابه یک ایدئولوژی فراگیر رفتار می‌شود (ر.ک: آسوده، ۱۳۹۴، ص ۱۳۷).

برخی مفسران و نویسندگان مسلمان، از جمله شیخ محمد عبده و شاگردش رشیدرضا (ر.ک: رشیدرضا، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۲۴-۳۲۷؛ ج ۲، ص ۲۰۶) و نیز *آیت‌الله طالقانی* (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۱۳؛ ج ۶ ص ۴۹-۵۳) و *بی‌الله سبحانی* (سبحانی، ۱۳۷۵، ص ۱۰۲) و *مهدی بازرگان* (بازرگان، ۱۳۸۸، ص ۳۱۸، ۴۳۰ و ۴۵۳-۴۵۶) در ایران با پذیرش این نظریه، کوشیدند آیات قرآن را بر آن منطبق نمایند.

به باور علامه، تلاش برخی مفسران برای انطباق آیات قرآن با نظریات فلسفی، عرفانی و تجربی (از جمله نظریه تکامل) نوعی تحمیل این قبیل نظریات بر قرآن است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۸). صاحب *المیزان* آیات قرآن را با «نظریه تکامل» ناسازگار می‌داند. از دیدگاه ایشان در قرآن نسل فعلی بشر به حضرت آدم علیه السلام بازمی‌گردد و او به اعجاز الهی، بی‌واسطه از خاک آفریده شده است (همان، ج ۲، ص ۱۱۲).

شاگردان علامه در حوزه علمیه قم، *آیت‌الله مکارم شیرازی* در *فیلسوف‌نماها* (ر.ک: مکارم شیرازی، بی‌تا، ص ۲۵۵-۳۰؛ همو، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۸۱-۸۷) و *آیت‌الله مصباح یزدی* در مجموعه *معارف قرآن* (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۳۳۷-۳۴۳؛ همو، بی‌تا) با پیگیری دیدگاه علامه طباطبائی درباره چگونگی پیدایش انسان در قرآن به نقد عالمانه «نظریه تکامل» و تطبیق آیات قرآن بر آن پرداخته‌اند.

۳-۳. نقد قشری‌گری در تفسیر آیات

فرقه‌های کلامی مسلمان آیات مرتبط با صفات الهی را، به‌ویژه در آیات خبری به روش‌های گوناگون تفسیر کرده‌اند. برخی درباره صفات انسان‌گونه خداوند در این آیات، توقف یا آنها را به‌گونه‌ای تفسیر کرده‌اند که به تعطیل و نفی صفات جمال از خداوند متعال می‌انجامد. برخی نیز با جمود بر ظاهر الفاظ، خصوصیات مصادیق مادی این مفاهیم را برای خدا اثبات کرده و به ورطه «تشبیه» و «تجسیم» غلتیده‌اند (ر.ک: سبحانی، ۱۴۱۲ق - الف، ج ۱، ص ۱۲۷-۱۴۵ و ۱۵۱-۱۵۶). برخی هم برای فرار از «تعطیل» و «تشبیه»، ناگزیر به دامن «تأویل» پناه برده‌اند (ر.ک: سبحانی، ۱۴۱۲ق - ب، ص ۳۱۷-۳۲۷).

به اعتقاد علامه، مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام در تفسیر صفات الهی، «تشبیه در عین تنزیه» است. (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۰، ص ۲۷۳؛ صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۱۰۷). برخی از شاگردان ایشان به تبیین این مکتب پرداخته‌اند (برای نمونه، ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۲-۴۶).

علامه صفات خبری قرآن را مطابق همین مکتب تفسیر کرده است. از منظر ایشان هرچند در تفسیر قرآن باید تا حد امکان متعهد به ظاهر قرآن بود، اما جمود بر ظاهر قرآن در مصداق‌یابی واژه‌ها و عباراتش خطاست و تنها پس از تجرید مفاهیم واژه‌ها و عبارات از خصوصیات مصادیق مادی، می‌توان آنها را به خدا نسبت داد.

به باور ایشان، تعالی معارف قرآن از یک سو و بهره‌گیری قرآن از الفاظی که غالباً وضع و کاربردشان در مصادیق مادی است از سوی دیگر، موجب تشابه برخی آیات برای دسته‌ای از مخاطبان شده است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۲۱-۲۲). از این رو با توجه به فلسفه پیدایش زبان (ر.ک: اشرفی، ۱۳۹۸، ص ۱۴۴-۱۵۳ و ۳۱۸-۳۱۹)، معیار انطباق یک واژه بر مصداق خارجی، اشتغال آن مصداق بر غایت مورد انتظار از آن لفظ است. برای مثال، واضح هنگام وضع واژه «میزان» ابزار سنجش وزن را در نظر داشته، اما جنس آن مدنظر نبوده است. غفلت از این نکته، موجب شده برخی نحله‌های عقل‌گریز (از جمله حشویه و مجسمه از اشاعره) با عدم کاربست موازین عقلی و جمود بر انس و عادت، در فهم معنای صحیح این صفات به خطا روند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۰-۱۱)؛ اما با تکیه بر آیات محکم مانند «لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ» (شوری: ۱۱) و ارجاع متشابهات به آنها و نیز با استفاده از براهین عقلی می‌توان معنای درست آیات خبری را فهمید و از خطای اشاعره در این زمینه و نیز انحراف معتزله در تأویل بی‌ضابطه آیات رهید (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۲۱-۲۲).

۴. ترویج و تحکیم روش تفسیر قرآن به قرآن با ویژگی‌های خاص

«تفسیر قرآن به قرآن» چگونگی به‌کارگیری منابع و قواعد تفسیری برای کشف مراد خداوند مطابق مبانی خاص تفسیری است (ر.ک: بابایی و همکاران، ۱۳۷۹، ص ۲-۳؛ اشرفی، ۱۳۹۸، ص ۵۵۵-۵۵۲). هر مفسر با پیش‌فرض‌هایش درباره هویت قرآن و چگونگی دلالت آیات بر مراد خداوند، به منابع فهم قرآن مراجعه می‌کند و با گزینش، پردازش و چینش منطقی اطلاعات گردآوری‌شده، به کشف مراد الهی می‌پردازد. کسی که قرآن را حقیقتی روشن و روشنگر و در اوج فصاحت می‌داند منبع اصلی تفسیر را خود قرآن می‌شمارد.

به اعتقاد علامه طباطبائی خداوند متعال قرآن را نور (مائده: ۱۵) و بیان‌کننده همه چیز (نحل: ۸۹) دانسته و پیام‌هایش را در قرآن به شیواترین و رساترین روش بیان کرده است. از این رو در ادای مراد و مقصودش در حدی که درصدد بیان آن بوده، بی‌نیاز از سایر منابع است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱، ص ۶؛ اشرفی و ساجدی، ۱۳۹۱). از سوی دیگر، میان آیات قرآن پیوندهای متعددی برقرار است (ر.ک: اشرفی، ۱۳۸۷)، به گونه‌ای که آیاتش با یکدیگر به سخن درمی‌آیند. از این رو بهترین روش برای تفسیر، روش «تفسیر قرآن به قرآن» است.

صاحب *المیزان* برای کشف مراد خداوند از آیات قرآن، از میان منابع تفسیر، بیشترین استفاده را از خود قرآن برده است (بابایی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۹۹-۲۰۳).

هرچند *المیزان* اولین گام در پیمایش این روش در جهان اسلام نیست، اما قطعاً بلندترین و مستحکم‌ترین گام است. آنچه در این زمینه به *المیزان* عظمت بخشیده، افزون بر مستند کردن این روش به قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام، بهره‌گسترده از این شیوه در گشودن بسیاری از دشواری‌های تفسیری است (ر.ک: مهدوی راد، ۱۳۸۱). تلاش‌های تفسیری علامه در این زمینه موجب ترویج و تحکیم این روش با ویژگی‌های خاص شده است که شاید بتوان از آن به‌عنوان «مکتب تفسیری علامه طباطبائی» یاد کرد.

هرچند «تفسیر قرآن به قرآن» در تفاسیر پیش از علامه تا حدی به چشم می‌خورد، اما شیوه علامه طباطبائی در کاربست آیات قرآن در اثر گرانشنگ *المیزان* ویژگی‌هایی دارد که در تفاسیر گذشتگان نیست یا نادر است. این ویژگی‌ها به نام او در سده اخیر در حوزه علمیه قم ثبت و از این پایگاه توسط شاگردانش در سایر مجامع علمی جهان منتشر شده است.

مهم‌ترین ویژگی‌های روش «تفسیر قرآن به قرآن» در *المیزان* را می‌توان در محورهای ذیل خلاصه کرد:

۴-۱. استفاده کم‌سابقه از سیاق

مراد از «سیاق کلام» نوعی پیوستگی مفهومی میان کلمات و جملات گوینده یا نویسنده است که از آن می‌توان برای کشف مراد او استفاده کرد و ملاک قرینه‌بودنش آن است که گوینده عاقل و آشنا با قواعد گفت‌وگو، از کلماتی متناسب برای ادای مقاصدش استفاده می‌کند (بابایی و همکاران، ۱۳۷۹، ص ۱۲۳). این تناسب، از قرآن که کلام خدا و تمام عباراتش در حد اعجاز است، بیش از گفت‌وگوهای متعارف انتظار می‌رود.

علامه در *المیزان* به گونه‌ای بی‌سابقه از «قرینه سیاق» بهره برده است. کاربرد بیش از ۲/۳۷۰ بار واژه «سیاق» و مشتقاتش در *المیزان* که غالباً به همان معنای «قرینه متصل لفظی» است، مؤید این ادعاست. ایشان با بهره‌گیری از این قرینه در *المیزان*، توانسته است ارتباط‌های معنایی ناپیدای بسیاری را میان آیات کشف و ارائه کند (برای نمونه، ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۳۷۵).

۴-۲. بهره‌گیری فراوان از سایر آیات

قرآن در آیاتی، خود را نور (مائده: ۱۵) و بیان رسا و روشن‌گر همه‌چیز (نحل: ۸۹) معرفی کرده است. حقیقتی با این اوصاف نمی‌تواند در ادای مقاصدش، بی‌زبان و نیازمند بیان دیگران باشد (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۶). از سوی دیگر قرآن در آیه ۸۲ سوره «نساء» بر نبود اختلاف میان آیات قرآن به‌مثابه وجهی از وجوه اعجازش تأکید کرده است.

قرآن ناطق، امیرمؤمنان علیه السلام، با استشهاد به همین آیه درباره انسجام میان آیات قرآن می‌فرماید: «... أَنْ الْكِتَابَ يَصَدِّقُ بَعْضُهُ بَعْضًا وَأَنَّهُ لَا اخْتِلَافَ فِيهِ، فَقَالَ سُبْحَانَهُ: «وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا...» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۸، ص ۶۴).

به نظر *آیت‌الله جوادی‌آملی* آیه فوق تنها درباره نبود اختلاف میان آیات قرآن نیست، بلکه درباره هماهنگی آیات قرآن نیز هست (ر.ک: دفتر تنظیم و نشر مجموعه آثار علامه طباطبائی، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۷).

از دیدگاه علامه با توجه به مضمون همین آیه می‌توان تعارض ظاهری میان آیات قرآن را رفع و آیات قرآن را با یکدیگر تفسیر کرد (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۷، ص ۱۶۷). ایشان در تفسیرش بیشترین استفاده را از سایر آیات قرآن کرده و از دیگر مفسران در این عرصه پیشی گرفته است. برای مثال، ایشان در تفسیر سوره «حمد» به بیش از هشتاد آیه استشهاد کرده است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۵-۴۲). این در حالی است که در سایر تفاسیر مدعی «تفسیر قرآن به قرآن» مانند *اصواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن* برای تفسیر آیات این سوره، تنها به قریب چهل آیه استناد شده است (ر.ک: شتیطی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۲۹-۳۵).

چنین استفاده وسیعی از آیات قرآن که مرهون انس و احاطه فراوان علامه به آیات قرآن است، نه‌تنها میان مفسران شیعه، بلکه در جهان اسلام بی‌نظیر است. شاگردان علامه مانند *آیت‌الله جوادی‌آملی* و *آیت‌الله مصباح یزدی* در تفاسیر ترتیبی و موضوعی خود این روش استاد را در حد توان پی گرفته‌اند.

۴-۳. تکیه بر محکمت: - با تعریفی ویژه - در تفسیر آیات

به باور علامه، در قرآن به سبب فصاحت و بلاغت اعجاز‌آمیزش، حتی یک آیه هم وجود ندارد که خداوند در آن گنگ و مغلق سخن گفته باشد (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۹)؛ اما به علت تعالی معارف قرآن از یک سو و انس توده مردم با مصادیق و مفاهیم مادی، برخی آیات در نظر توده مردم متشابه جلوه می‌کند. قرآن در آیه هفتم سوره «أل عمران»، محکمت را مرجع [فهم] آیات قرآن معرفی کرده است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۶۴).

از این رو حضرت علامه مانند بسیاری از مفسران، برای ابهام‌زدایی از چهره تشابهات، بر محکمت تکیه کرده است (برای نمونه، ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۲۱-۲۲).

تفاوت علامه طباطبائی با سایر مفسران در استفاده از محکمت براساس تعریف ویژه ایشان از محکمت است. غالب مفسران محکمت را آیاتی می‌دانند که مراد خداوند را به‌صراحت بیان می‌کنند. از این رو نمی‌توانند دستاویزی برای فتنه‌جویان و تأویل‌گرایان باشند. اما محکمت از نظر ایشان آیاتی هستند که افزون بر صراحت در مراد، حاوی اصول مسلم معارف (معارف بنیادین) قرآنی‌اند. ایشان در این باره می‌نویسد:

المراد بالمحکمت هی الآیات المتضمنة للأصول المسلمة من القرآن، و بالتشابهات الآیات التي تتعین و توضح معانیها بتلك الأصول (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۶۴).

تعریف متفاوت علامه از «محکمت» موجب شده که نحوه استفاده ایشان از این آیات در تفسیر - دست‌کم - در برخی موارد، متفاوت باشد. درباره تمایز تفسیر علامه در این باب در ادامه بیشتر سخن خواهیم گفت.

۴-۴. تفسیر توحیدبنیان بر پایه غرر آیات

علامه طباطبائی مبدأ و مقصد شناخت تمام معارف قرآن را «توحید» می‌داند و با ارجاع معانی همه آیات قرآن به «غرر آیات» یا همان «آیات توحیدی» به تفسیر قرآن می‌پردازد. چنین تفسیری مطابق با منتهی شدن همه امور به توحید در عالم تکوین است: «إِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأُمُورُ كُلُّهَا» (هود: ۱۲۳).

از نظر ایشان «غرض کل آیات و سور الهی» به نحوی «هدایت به توحید» است. ایشان می‌نویسد: تمام آیات قرآنی بر حقیقتی واحد تکیه دارند که آن حقیقت اصل است و آیات قرآن فرع آن اصل به شمار می‌روند. آن حقیقت اساس دین است، و آن همان توحید خداوند متعال است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۰، ص ۱۳۵؛ صالحی شهرودی و همکاران، ۱۳۹۲الف). برخی شاگردان علامه بر همین اساس، رابطه توحید را با سایر معارف الهی تبیین کرده‌اند (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۷۵).

صاحب المیزان آیات قرآن را در دلالت بر مقاصد الهی، دارای «درجات و مراتب تشکیکی» می‌داند. برخی آیات از «متشابهات» و در درجه‌ای پایین از ظهور در توحید قرار دارند؛ به این معنا که با معانی و مصادیقی که بشر با آنها انس دارد، مشابه و قابل خلط هستند. برخی دیگر از آیات در درجات معنایی عالی هستند که «ظهور شدیدتری در توحید» دارند و تشابهات با آنها «معنای صحیح توحیدی» پیدا می‌کنند. به آنها «محکمت» می‌گویند. از میان همین آیات محکم نیز برخی نفوذی شدیدتر دارند و به پهنه وسیع‌تری از آیات دیگر معنای دقیق توحیدی می‌بخشند که آنها قله‌ها و «غرر آیات» هستند (صالحی شهرودی و همکاران، ۱۳۹۲الف).

به عقیده آیت‌الله جوادی آملی از ویژگی‌های بارز المیزان که سابقه‌ای ندارد، تکیه بر «غرر آیات» در تفسیر است. این روش جز در روایات معصومان علیهم‌السلام، در تفاسیر پیشینیان به‌ندرت دیده می‌شود و بعد از آن هم هنوز تقریباً به ابتکار خود باقی است. در این روش تکیه بر واژه‌های مشابه نیست تا فهرست‌ها و لغتنامه‌ها به‌تنهایی راهگشا

باشد، بلکه تکیه بر محکمت به مثابه «اصول معارف قرآن» است که غرر آیات نماینده آن هستند (دفتر تنظیم و نشر مجموعه آثار علامه طباطبائی، بی تا، ج ۲، ص ۷۶).

اینکه غرر آیات در قرآن دقیقاً کدام‌هایند و وجه مشترک میان آنها و نسبت آنها با دیگر آیات قرآن چیست، نیاز به بررسی عمیق و همه‌جانبه‌الْمیوزان دارد؛ اما - چنان که گذشت - شاید بتوان غرر آیات در هندسه معارف قرآن را دسته‌ای از محکمت قرآنی دانست که ارتباطی وثیق با توحید در ابعاد گوناگون آن دارند و از این رو بر پهنه‌ای وسیع از آیات مشابه پرتو می‌افکنند و غبار تشابه را از چهره آنها می‌زدایند.

آیت‌الله مصباح یزدی که از شاگردان مکتب تفسیر علامه طباطبائی به شمار می‌رود، با الهام از آیه هفدهم سوره «رعد» (أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةً بِقُدْرَها) که از نظر علامه از غرر آیات است، معارف قرآن را به آشناری تشبیه می‌کند که از منبع فیض الهی سرچشمه می‌گیرد و به شکلی طولی و پلکانی با گذر از هر مرتبه، سطحی از معارف الهی را سیراب می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۹ الف، ص ۳۷).

مطابق این نگاه، می‌توان برای تفسیر قرآن روشی متفاوت از روش تفسیر پیشینیان ارائه داد؛ به این صورت که برای تفسیر هر آیه و پرداختن به هر موضوع قرآنی، ابتدا «معارف بنیادین قرآن» را در آیات مرتبط با آن آیه یا موضوع با استفاده از غرر آیات شناسایی و تبیین کرد و سپس با تکیه بر آن معارف بنیادین در نظام‌واره معارف قرآن، ابهام و تشابه را از آن آیه و موضوع مدنظر زدود. برای مثال، برای کشف معنای آیه‌ای در سطح معارف اخلاقی قرآن، ابتدا باید اصول اخلاقی توحیدبنیان را با تکیه بر غرر آیات اخلاقی قرآن، شناسایی و سپس با اتکا به آنها از آیه مدنظر رفع تشابه کرد؛ زیرا معارف اخلاقی قرآن نیز مانند سایر معارف آن توحیدبنیان‌اند و بدون درک بنیان‌های توحیدی اخلاق، در فهم این معارف دچار خلط و خطا می‌شویم (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۵۴-۳۶۰؛ اشرفی، ۱۳۹۸، ص ۲۰۳-۲۱۱).

این سبک «تفسیر توحیدبنیان» قرآن بر پایه «غرر آیات»، هنوز تقریباً بکر است. به کارگیری چنین روشی در تفسیر، تحولی عظیم در تفسیر به دنبال خواهد داشت و به تفسیر قرآن انسجام و استحکام بیشتری خواهد بخشید. آیت‌الله مصباح یزدی با الهام از مکتب تفسیری علامه، در مجموعه *معارف قرآن* ابتدا به تبیین و تفسیر آیات خدانشناسی پرداخته و سپس در «جهان‌شناسی» و «انسان‌شناسی» به تبیین جهان و انسان در پرتو آیات توحیدی اقدام کرده و در نهایت سیر، بر پایه همین معارف بنیادین، معارف روئینایی اسلام (مانند احکام حقوقی، سیاسی و اقتصادی) را تبیین نموده است.

شاید بتوان چنین تفسیری را آغاری بر «تفسیر موضوعی توحیدبنیان» بر پایه غرر آیات دانست.

۴-۵. تفسیر غایت‌محور آیات

علامه طباطبائی با نگاه «غایت‌محور» به کل قرآن و اجزا و الفاظ آن، روش خاصی در تفسیر متن قرآن گشود تا نشان دهد که این کتاب هدایت و زندگی با هدفی مشخص نازل شده که همان «غرض از خلقت انسان» در

«عبودیت و بندگی خداوند» و هدایت به «صراط مستقیم» است که به کمال و سعادت دنیوی و اخروی انسان می‌انجامد. ایشان درباره‌ی غرض و غایت کل قرآن می‌فرماید: «أن الغایة من کتابه و کلامه هدایة العباد» (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۶)، و این همان هدایت بندگان به سوی توحید خالص است. این هدف با محوریت سوره‌ها، به اغراض میانی تحلیل یافته و هر سوره در عین حال که غرضی ممتاز و متفاوت از سوره‌ای دیگر را دنبال می‌کند، در شبکه‌ای منظم تحقق همان هدف نهایی را پی می‌گیرد (همان، ص ۱۳۵).

در این شبکه معنایی هر سوره غرضی خاص خود دارد که در سوره‌ی دیگر و نیز میان اجزای دو سوره‌ی متفاوت وجود ندارد، و تا این غرض کاملاً تحقق نیابد آن سوره پایان نمی‌پذیرد. همین مطلب عامل تفاوت تعداد آیات سوره‌هاست (همان، ج ۱، ص ۱۶). همچنین هر دسته آیات یک سوره نیز گاهی سیاق معنایی کوچک‌تری را تشکیل می‌دهد که با غایتی مشخص در جهت غایت کلی سوره قرار می‌گیرد و به همین صورت، تا به کوچک‌ترین واحد مستقل غایت‌محور برسد.

علامه با این نگاه غایت‌محور به تفسیر آیات قرآن پرداخته و با استنباط اغراض اصلی میان هر سوره، دسته آیات و نیز ارتباط هر یک از آیات با غرض سوره و هدف غایی کل آیات، قرآن را تفسیر کرده است (ر.ک: صالحی شهرودی و همکاران، ۱۳۹۲الف).

این نگاه خاص به آیات موجب شده است ایشان از این رشته‌های ناپیدا به‌مثابه قرینه‌ای برای کشف ارتباط میان آیات و فهم هر آیه در جایگاه خود استفاده کند. از جمله، ایشان از غرض سوره حمد به‌مثابه قرینه‌ای برای کشف متعلق بسمله در خصوص این سوره بهره برده است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۷). به باور ایشان، آیات هر سوره شرح و بیان غرض کلی سوره، و آخرین آیه هر سوره عصاره غرض اصلی سوره است. ایشان از غرض سوره «بقره» برای تفسیر آیات نهایی آن نیز (۲۸۵ و ۲۸۶) مدد گرفته است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۴۳).

۴-۶. دسته‌بندی بدیع موضوعات قرآن

علامه طباطبائی قبل از نوشتن *المیزان*، با اشرافی عجیب بر معارف قرآن کریم نقشه کلی محتوای قرآن را با هفت موضوع اصلی تنظیم کرد که همین هفت موضوع پایه پی‌ریزی بنای بزرگ بیست جلد تفسیر قرآن در *المیزان* شد. علامه حسن‌زاده *املی* این مطلب را از زبان استادش این‌گونه نقل می‌کند:

من اول در روایات کتاب بحار الانوار بسیار فحص و تتبع کردم تا از این راه، کاری کرده و درباره روایات، تألیفی در موضوعی خاص داشته باشم. بعد از آن در تلفیق آیات و روایات زحمت بسیار کشیدم، تا اینکه به فکر افتادم بر قرآن تفسیری بنویسم، ولی چنین می‌پنداشتم که چون قرآن دریایی بی‌پایان است، اگر به همه آن پردازم مبدا توفیق نیابم. لذا در «هفت موضوع» آنچه از قرآن در اسما و صفات الهی و آیات معاد و از این‌گونه امور بود، جدا کردم و درباره آن هفت رساله مستقل (الرسائل التوحیدیه) تألیف کردم تا اینکه به تفسیر قرآن اشتغال ورزیدم (جمعی از نویسندگان؛ ۱۳۶۱، مقاله سوم، ص ۸۲-۸۳).

علامه مطابق این هندسه فکری منظم، در مقدمه *المیزان* می‌نویسد: ما در این تفسیر به منظور اینکه به طریقه اهل بیت علیهم‌السلام تفسیر کرده باشیم، تنها در جهات زیر بحث می‌کنیم. ایشان سپس به هفت موضوع اصلی در کل محتوای قرآن اشاره و مواردی را به‌عنوان مثال در مقدمه تفسیر بیان می‌کند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۳).

این هندسه منظم فکری در «موضوعات هفت‌گانه»، یک «نظام منسجم توحیدی» را تشکیل می‌دهد. این نظام که از خداوند متعال به‌مثابه مبدأ هستی، آغاز و هم به او در مقصد هستی ختم می‌شود، نظامی است که خداوند متعال در آن به مظاهرش شناخته می‌شود؛ همان خدایی که «اول» و «آخر» است؛ «ظاهر عالم» به ایجاد اوست، و «باطن عالم» به وجود او باقی است؛ یعنی یک نظام یکپارچه که آیه شریفه «إِنَّا لِلَّهِ، وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶) حکایتگر آن است.

قرآن در این نظام منسجم، خداوند متعال را به اسماء واسطه‌ها و افعالش معرفی می‌کند و انسان را نیز به‌مثابه بزرگ‌ترین مظهر و اشرف مخلوقاتش، قبل از مرتبه دنیایی، در عالم دنیا، و بعد از دنیا می‌شناساند و در نهایت، پس از «فهم جایگاه خداوند» و «تبيين وضعیت انسان»، در موضوع هفتم به «رابطه انسان با خداوند» برای هدایت او پرداخته، از طریق «مقام ولایت توحیدی»، «منش و صفات اخلاقی» و «عمل به احکام شرعی»، راه سلوک و قرب انسان به خداوند را آشکار می‌سازد (صالحی شهرودی، ۱۳۹۲ب، ص ۳۹-۴۰).

موضوعات اصلی و فرعی در این الگو به قرار ذیل است:

اول. معارف مربوط به توحید، اسما و صفات الهی (حیات، علم، قدرت، سمع، بصر، یگانگی،...);

دوم. معارف مربوط به افعال خداوند (خلق، امر، اراده، مشیت، هدایت، قضا و قدر، رضا و سخط و...);

سوم. معارف مربوط به واسطه‌های بین خداوند متعال و انسان، شامل حجاب‌ها و سראقات (پرده‌پوشاننده مراتب وجودی اشیا)، عرش و کرسی، لوح و قلم، عرش و کرسی، بیت‌المعمور، آسمان‌ها و زمین، فرشتگان و شیاطین (واسطه هدایت و یا ضلالت) و...;

چهارم. انسان قبل از دنیا؛ انسان در عالم خزائن، نفخه روح، دوره آزمایش آدم علیه‌السلام در بهشت برزخی،...;

پنجم. انسان در دنیا (سیر تکوینی و معنوی انسان در دنیا);

ششم. انسان بعد از دنیا، شامل موت مطابق اجل خاص، ورود به عالم برزخ، نفخ صور، مواجهه با اوصاف قیامت، بعث از قبر، ورود به صراط ولایت الهی بر لهیب جهنم، محاسبه اعمال طبق میزان عدل (شاخص حق)، دریافت نامه اعمال، مواجهه با شاهدان دادگاه قیامت، محاسبه و جزای الهی، شفاعت به اذن الهی، ورود مؤمنان به بهشت و ورود کافران به دوزخ و حرمان از رحمت الهی و...;

هفتم. نحوه سلوک انسان به سوی خدا، ولایت توحیدی، منش و صفات اخلاقی، عمل به احکام شرعی.

چنین‌گویی در دست‌بندی معارف قرآن و تفسیر آیات قرآن، نه‌تنها در حوزه علمیه قم، بلکه در جهان اسلام بدیع است و به‌حق باید این الگوی موضوع‌بندی در تفسیر آیات قرآن را از ابتکارات علامه شمرد.

همین الگوی «غایت‌محور» و «موضوع‌محور» *المیزان* دستمایه پژوهش‌های نوآورانه‌ای شده است (ر.ک: صالحی شهرودی و همکاران، ۱۳۹۲الف؛ همو، ۱۳۹۲ب، ص ۱۱۷-۱۵۲).

۴-۷. کاربست شایسته روایات در تفسیر قرآن

علامه به نقش ویژه اهل‌بیت علیهم‌السلام در تفسیر قرآن باور دارد و به همین دلیل، در حالی که خود را متعهد به روش «تفسیر قرآن به قرآن» می‌داند، در تفسیرش به روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام کاملاً توجه دارد. از این رو با بهره‌گیری فراوان از روایات، معارف عمیقی را از قرآن استنباط کرده که در تفاسیر پیشین کم‌سابقه و گاهی بی‌سابقه بوده است.

شاهکار علامه در *المیزان* این است که به‌جای آنکه در مقام تفسیر قرآن، به بیان روایات تفسیری اکتفا و مخاطبان را به پذیرش آنها الزام کند، کوشیده است تا همان معارف را با تدبر بسیار از آیات قرآن استخراج کند و سپس در انتهای تفسیر خود از دسته‌ای از آیات، ذیل عنوان «بحث‌روایی»، همسویی تفسیر خود را با روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام نشان دهد. از این رو تفسیر او نه تنها در میان شیعه، بلکه در میان تمام مذاهب اسلامی قابل عرضه است. تلاش ایشان در اثبات همسویی ظواهر قرآن با روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام - چنان که گذشت - پیش از *المیزان* در نگارش تفسیر *البیان فی الموافقة بین الحدیث و القرآن* تحقق یافته است. این تفسیر که از ابتدای قرآن تا آیه ۵۷ سوره «یوسف» را دربرمی‌گیرد، بن‌مایه تفسیر *المیزان* است.

مهم‌ترین استفاده علامه از روایات را در تفسیر قرآن می‌توان در عناوین ذیل خلاصه کرد:

۴-۷-۱. روش‌آموزی تفسیر قرآن از روایات

به باور علامه طباطبائی اهل‌بیت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم معلمانی آگاه و خیره هستند که با راهنمایی خود مسیر نیل به معارف عمیق قرآن را برای مخاطبان هموار می‌سازند و آنان را از لغزش در فهم آیات بازمی‌دارند.

«تعلیم» از دیدگاه علامه عبارت از این است که معلم آگاه و خیره ذهن فراگیر را به آنچه فهم آن و دستیابی به آن دشوار است، ارشاد کند، نه به چیزی که فهم آن بدون معلم محال است. به عبارت دیگر، «تعلیم» هموارسازی راه و نزدیک کردن مقصد است، نه ایجاد راه و آفرینش مقصد (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۷۹، ص ۷). از دیدگاه علامه، ذوق و مهارت «تفسیر قرآن به قرآن» که از نظر او همان روش تفسیر اهل‌بیت علیهم‌السلام است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۲)، تنها با مطالعه فراوان روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام در تفسیر قرآن فراهم می‌آید (همان، ج ۳، ص ۸۷).

۴-۷-۲. استفاده فراوان از روایات با تأکید بر استقلال دلالتی قرآن

علامه *المیزان* را در شرایطی نوشت که از یک‌سو جریانی «ظاهرگرا» از علمای اخباری شیعه آیات قرآن را گزاره‌هایی گنگ و معماگونه می‌پنداشتند که فهم آنها بدون بیان معصوم علیه‌السلام میسر نیست، و از سوی دیگر جریانی «علم‌گرا» با امواج نافذش در مصر و سایر بلاد اسلامی، بی‌محابا و بی‌ضابطه، آیات قرآن را بر فرضیه‌ها و نظریات تجربی عصری تطبیق می‌کرد. برخی نیز با گرایش‌های فلسفی و عرفانی و غیر آن سعی در تطبیق قرآن بر نظریات، فلسفی، عرفانی و مانند آن داشتند.

علامه ضمن تأکید بر «استقلال دلالی قرآن» در کتاب *قرآن در اسلام* (طباطبائی، ۱۳۷۹، ص ۱۸) و برخی مواضع *المیزان* (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۶؛ ج ۳، ص ۷۷)، کوشید قرآن را به گونه‌ای تفسیر کند که از یک سو بتواند با کاربست آن روش به‌مثابه ابزاری کارآمد، جلوی تطبیق ناروای قرآن را بر نظریات عصری بگیرد و از سوی دیگر با حفظ مکتب و مشرب اهل‌بیت علیهم‌السلام، تفسیری ارائه دهد که راهش را در میان غیر شیعه باز کند.

صاحب *المیزان* در این مسیر کاملاً موفق بود. از این‌رو در تقریظ‌هایی که علمای بزرگ اهل سنت بر *المیزان* نگاشته‌اند، ضمن تجلیل از این تفسیر روشمند و ارزشمند، بیشتر بر همین نکته تأکید کرده‌اند که از ویژگی‌های برجسته *المیزان*، «تفسیر قرآن به قرآن» است (مصباح یزدی ۱۳۸۹ب، ص ۷).

۳-۴- استخراج معارف متعالی آیات به مدد روایات

مفسر *المیزان* ابتدا آیات هم‌سبب و سایر آیات مرتبط با آیات مدنظر را مطالعه می‌کرد، سپس به روایات مراجعه و همه روایات مرتبط با آیات را بررسی می‌نمود (مصباح یزدی ۱۳۸۹ب، ص ۷). همین تتبع کامل روایات ذهن و جان او را برای استخراج معارفی متعالی همسو با مضمون روایات آماده می‌کرد. ایشان با همین روش، معارفی را از قرآن استنباط کرده که در سایر تفاسیر بی‌نظیر یا کم‌نظیر است.

برای نمونه، ایشان در تفسیر «صراط مستقیم» (حمد: ۷۶)، مطالبی را آورده که نشان از الهام وی از روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام در این باب دارد. ایشان ضمن استناد به قریب چهل آیه در تفسیر «صراط مستقیم»، آن را شاهراهی می‌داند که «سبل الی الله» در آن به هم می‌پیوندند و مسیری سراسر امنیت و سلامت است که سالکانش را به هدایت تام و سرمنزل مقصود می‌رساند. به باور ایشان اصحاب صراط مستقیم در حالی که بر سراسر مسیر و سالکانش هیمنه دارند، در مرتبه‌ای از علم و ایمان‌اند که مؤمنان خالص نیز به آن راه ندارند و سالکان راه به قدر همراهی با اصحاب صراط مستقیم و بهره‌گیری از هدایت آنان به منازل توحید راه می‌یابند (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۲۹-۳۶).

با این ادبیات، مخاطب حقیقت صراط مستقیم را چیزی جز وجود نورانی پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خاندان پاکش نمی‌بیند. آنگاه حضرت علامه ذیل «بحث روایی» دو روایت از امام صادق و امام سجاده علیهم‌السلام از *معانی الاخبار* با این مضمون می‌آورد که تجسد عینی صراط مستقیم را در دنیا امام مقرر الطاعه می‌شمارد و این حقیقت را بر وجود اهل‌بیت علیهم‌السلام منطبق می‌داند (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۴۱؛ ج ۶ ص ۱۰۴).

علامه در مواضع دیگر *المیزان* نیز بر امکان استفاده معارفی متعالی از قرآن با تکیه بر سخنان اهل‌بیت علیهم‌السلام تأکید کرده است؛ از جمله با بیان این نکته که مسئله توحید در قرآن بسیار فراتر از «وحدت عددی» است که فلاسفه مصر قدیم، یونان و اسکندریه و حتی مانند *ابن‌سینا* به آن پرداخته‌اند، می‌نویسد:

آنچه قرآن کریم در باب توحید بیان داشته، نخستین گامی است که در تعلیم حقیقت این معرفت برداشته است. اما اهل تفسیر و برخی از صحابه و تابعان که به علوم قرآن پرداخته‌اند و نیز مفسران و قرآن‌پژوهان

پس از ایشان، این بحث شریف را به حال خود وا گذاشته‌اند. تنها کلام اهل‌بیت علیهم‌السلام است که این راه را گشوده و حجاب را از این حقیقت متعالی به بهترین وجه کنار زده است. سپس اندیشمندان مسلمان پس از هزار سال، این معارف را دنبال و اذعان کرده‌اند که این حقایق را از کلام حضرت علی علیه‌السلام به‌دست آورده‌اند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۶، ص ۱۰۴).

۴-۷-۴. مرجع قراردادن روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام در تفسیر آیات

علامه طباطبائی ذیل آیه ۲۳ سورة «شوری» که اجر رسالت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را مودت خاندان ایشان می‌داند، می‌نویسد: با تأمل کافی در روایات متواتر فریقین، مانند روایت «ثقلین» و حدیث «سفینه» و غیر آن، که متضمن ارجاع مردم به اهل‌بیت علیهم‌السلام در فهم کتاب خدا در حوزه اصول معارف دین و فروع آن و نیز بیان حقایق قرآن است، تردیدی نمی‌ماند که واجب کردن مودت ایشان و معادل قرار دادنش با اجر رسالت، راهی است برای اینکه مردم به ایشان به‌منزله مرجع علمی و فصل‌الخطاب در فهم کتاب خدا رجوع کنند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۸، ص ۴۶).

البته مراد از «مرجعیت علمی» ایشان در فهم کتاب خدا این نیست که مردم بی‌تکیه بر روایات، چیزی از قرآن نمی‌فهمند، بلکه مراد این است که گفتار ایشان در این زمینه فصل‌الخطاب و معیار هدایت است. اگر کسانی در فهم قرآن با وجود قراین روشن اختلاف کردند، گفتار ایشان در این باب بر همگان حجت است.

علامه با اعتقاد به مرجعیت اهل‌بیت علیهم‌السلام در تفسیر، در جایی که از ایشان روایت قابل اعتمادی رسیده، آن را بر نظرات رایج میان مفسران برگزیده است (برای نمونه، ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۳۷۱).

۴-۷-۵. تبیین جزئیات مفاد آیات به مدد روایات

علامه مطابق آیات ۴۴ سورة «نحل» (وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ) و آیات قریب‌المضمون (حشر: ۷؛ جمعه: ۲)، یکی از مسئولیت‌های پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل‌بیت ایشان را تبیین جزئیات و تفصیل می‌داند. به عقیده او بدون بیان این معلمان دین و شریعت نمی‌توان به جزئیات احکام و تفصیل معارف فقهی، اعتقادی و اخلاقی قرآن دست یافت (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۷۹، ص ۱۹-۲۰). از این رو علامه در بسیاری از موارد، در مقام کشف تفصیل آیات قرآن، به روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام استناد کرده است. برای نمونه، ایشان ذیل آیه «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى...» (بقره: ۲۳۸) می‌نویسد: «و لا یظهر من کلامه تعالی ما هو المراد من "الصلاة الوسطی"، و إنما تفسره السنة» (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۲۴۶).

همچنین ایشان بیان برخی تفصیل فقهی احکام قرآن را که به نظرش فراتر از تفسیر بوده، به مباحث فقهی موکول کرده است (برای نمونه، ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۵؛ ج ۲، ص ۴۳۵).

به عقیده ایشان، «استقلال دلالی» قرآن با این مطلب منافات ندارد که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اهل‌بیت علیهم‌السلام که به دلایل قرآنی و روایی متعدد معلم قرآن هستند، مبین قرآن و عهده‌دار بیان جزئیات قوانین و تفصیل معارف و احکام شریعت باشند و دیگران نیز با اعمال روش آنان بتوانند مراد قرآن را از ظواهر آیاتش در حدی که در مقام بیان آن بوده است، بفهمند (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۷۹، ص ۱۹-۲۰).

از دیدگاه ایشان مطابق آیه ۴۴ سوره «نحل»، گفتار پیامبر ﷺ درباره همه آیات قرآن حجت است و قول کسانی که حجیت سخن پیامبر را مختص غیرنص و ظاهر می‌دانند و آن را تنها در مقام بیان متشابهات و اسرار کلام الهی حجت می‌دانند، درست نیست (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۲، ص ۲۶۱).

از منظر علامه، تفسیر هر آیه بی‌توجه به سایر آیات قرآن و روایات اهل بیت ﷺ، نتیجه‌ای جز انحراف از مسیر صحیح تفسیر و لغزیدن به پرتگاه «تفسیر به رأی» ندارد (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۱۳۳).

جمع‌بندی و نتایج پژوهش

۱. علامه طباطبائی به‌عنوان مفسری برجسته، خدمات بزرگی به حوزه‌های علمیه، ایران و جهان اسلام کرد که در نوع خود با حرکت عظیم امام راحل در بنیان‌گذاری انقلاب شکوهمند اسلامی ایران قابل مقایسه است.
۲. علامه با تکیه بر آموزه‌های قرآن و اهل‌بیت ﷺ شاگردانی جامع تربیت کرد که هریک نقشی ارزنده در احیای تفسیر و فرهنگ قرآن، تثبیت پایه‌های فرهنگ دینی و مبارزه با فرهنگ‌های مهاجم داشته‌اند.
۳. علامه، خود را با سه موج سهمگین مواجه می‌دید: مادی‌گرایان و تجربه‌گرایانی که بی‌محابا به نفی و تأویل گزاره‌های دینی با معیارهای مادی می‌پرداختند؛ علم‌گرایانی که به تطبیق بی‌ضابطه گزاره‌های دینی بر نظریات و فرضیات علمی اقدام می‌کردند، و کسانی که با جمود بر ظاهر عبارات قرآن، گرفتار تشبیه و تجسیم در اوصاف الهی بودند. ایشان در مقابل این امواج ایستاد و در این زمینه توفیقات بسیار یافت.
۴. مجاهدت‌های علامه در آموزش، مستندسازی، ترویج و تحکیم روش «تفسیر قرآن به قرآن»، منجر به تربیت مفسرانی برجسته شد که هریک پرچمدار این روش از پایگاه حوزه علمیه قم بوده‌اند.
۵. هرچند *المیزان* اولین گام در پیمایش روش «تفسیر قرآن به قرآن» نیست، اما قطعاً بلندترین و محکم‌ترین گام است. جناب علامه در پیگیری این روش در *المیزان*، نوآوری‌های بسیاری دارد.
۶. صاحب *المیزان* با استفاده دقیق و فراوان از «قرینه سیاق» توانسته است ارتباط‌های ناپیدای معنایی بسیاری را میان آیات قرآن بیابد. استفاده علامه از «قرینه سیاق» در *المیزان* به لحاظ کمیت و کیفیت بی‌سابقه است.
۷. علامه *طباطبائی* با اعتقاد به انسجام و هماهنگی تام میان آیات قرآن، در تفسیرش بیشترین استفاده را از سایر آیات قرآن کرده و از سایر مفسران در این عرصه، پیش افتاده است. برای نمونه در سوره حمد تقریباً دوبرابر رقبای خود به سایر آیات قرآن استشهاد کرده است.
۸. علامه در تفسیر متشابهات قرآن به‌وفور بر محکمات تکیه کرده است. محکمات قرآنی از نظر ایشان آیاتی هستند که مشتمل بر اصول و بنیان‌های معارف قرآنی‌اند، نه صرفاً آیاتی که صریح در مقصودند. از این‌رو استفاده *المیزان* از آیات محکم نیز از این جهت با دیگران متفاوت است.
۹. از نگاه علامه، هندسه معارف قرآن «توحیدمحور» است و در این هندسه «غرر آیات» حکایتگر بنیادی‌ترین معارف توحیدی قرآن هستند. از این‌رو با تکیه بر آنها می‌توان تشابه را از چهره بسیاری از آیات قرآن زدود. این الگوی توحیدبنیان می‌تواند منشأ تحولی عظیم در تفسیر قرآن باشد.

۱۰. در این الگو تفسیر قرآن صرفاً با تکیه بر معاجم قرآنی و لغتنامه‌ها میسر نیست، بلکه باید ابتدا با تکیه بر غرر آیات، بنیادین‌ترین معارف قرآن را در هر سطح شناسایی کرد و سپس از آن معارف بنیانی برای فهم و شناسایی معارف روبنایی قرآن مدد جست.

۱۱. علامه با نگاهی غایت‌محور به تفسیر آیات قرآن پرداخته است. از نگاه ایشان تمام آیات قرآن هدفی مشترک را دنبال می‌کنند که همان «هدایت انسان به توحید خالص» است. این هدف با محوریت سوره‌ها به اغراض میانی تحلیل یافته و هر سوره در عین حال که غرضی ممتاز و متفاوت از سوره‌ای دیگر را دنبال می‌کند، در شبکه‌ای منظم تحقق همان هدف نهایی را پی می‌گیرد. نگاه غایت‌محور علامه به قرآن و تفسیر آن موجب شده است ایشان جایگاه هر آیه و هر سوره را در راستای غرض کلی آیات شناسایی کند و تفسیری منسجم و هماهنگ از آیات قرآن ارائه دهد.

۱۲. از نگاه علامه، قرآن از هندسه جامع معنایی و نظام منسجم توحیدی برخوردار است و می‌توان با موضوعات هفت‌گانه برگرفته از قرآن به تحلیل و بازخوانی آیات آن پرداخت. ایشان با تقسیم بدیع موضوعات قرآنی، توانسته است معارف متنوعی را از قرآن استخراج و در نظامی منسجم به تشنگان معارف قرآنی ارائه دهد.

۱۳. علامه طباطبائی در تفسیر خود، عنایتی ویژه به روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام دارد. ایشان با اتکا به روایات، معارف بلندی را از آیات قرآن استخراج کرده است. از منظر وی روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام روش آموز تفسیر قرآن، تجهیزکننده ذهن برای درک معارف متعالی قرآن، فصل‌الخطاب فهم آیات و مبین جزئیات و تفصیل معارف قرآن است.

۱۴. در مجموع، می‌توان با صدایی رسا گفت که صاحب‌المیزان با استفاده از دو میراث گرانبهای پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقشی بی‌بدیل و ماندگار در احیای تفسیر قرآن در سده اخیر حوزه علمیه قم ایفا کرده است.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، تحقیق و تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت.

آسوده، اسحاق، ۱۳۹۴، «تحلیل نظریه تکامل و بررسی پیامدهای آن از منظر سیدحسین نصر»، پژوهش‌های فلسفی کلامی، ش ۶۵ ص ۱۳۱-۱۵۲.

اسلامی، سیدحسن، ۱۳۸۶، *اندیشه‌نامه علامه باغی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

اشرفی، امیررضا و اکبر ساجدی، ۱۳۹۱، «تأملی دوباره در نظریه استقلال دلالتی قرآن»، *قرآن‌شناخت*، ش ۱۰، ص ۲۷-۴۶.

_____، ۱۳۸۷، «پیوستگی آیات قرآن و نقش آن در تفسیر از منظر علامه طباطبائی»، *قرآن‌شناخت*، ش ۲، ص ۲۵-۵۸.

_____، ۱۳۹۸، *مبانی تفسیری علامه طباطبائی در المیزان: مبانی مرتبط با متن قرآن*، نظارت علمی محمود رجیبی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

اوسی، علی، ۱۴۰۵ق، *الطباطبائی و منهجه فی تفسیره المیزان*، تهران، معاونت الرئاسه للعلاقات الدولية فی منظمة الاعلام الاسلامی.

بابایی، علی‌اکبر و همکاران، ۱۳۷۹، *روش‌شناسی تفسیر قرآن*، قم و تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.

_____، ۱۳۸۶، *مکاتب تفسیری*، قم و تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.

بازرگان، مهدی، ۱۳۸۸، *بازگشت به قرآن*، تنظیم و تنقیح بنیاد مهندس مهدی بازرگان، تهران، شرکت سهامی انتشار.

جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۱، *یادنامه مفسر کبیر استاد علامه سیدمحمدحسین طباطبائی*، مقاله سوم، جعفر سبحانی، نظری و گذری بر زندگانی استاد، قم، شفق.

جوادی‌آملی، عبدالله، ۱۳۸۳، *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، ج ۲ (توحید در قرآن)، قم، اسراء.

حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین، ۱۴۲۱ق، *مهر تابان: یادنامه و مصاحبات تلمیذ و علامه: عالم ربانی علامه سیدمحمدحسین طباطبائی تبریزی*، چ چهارم، مشهد، علامه طباطبائی.

دفتر تنظیم و نشر مجموعه آثار علامه طباطبائی، بی‌تا، *شناخت‌نامه علامه طباطبائی*، قم، اسوه.

رحیمی، فروغ، ۱۳۹۳، «سنجش تولیدات علمی مرتبط با آثار و اندیشه‌های علامه طباطبائی؛ نمایه شده در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)»، *معرفت*، ش ۲۰۳، ص ۱۰۵-۱۱۲.

رشیدرضا، محمد، ۱۴۰۴ق، *تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)*، بیروت، دار المعرفه.

سبحانی، جعفر، ۱۴۱۲ق - الف، *الالهیات علی هدی الكتاب و السنه و العقل*، چ سوم، قم، مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.

_____، ۱۴۱۲ق - ب، *بحوث فی الملل و النحل*، قم، مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.

سحابی، پدالله، ۱۳۷۵، *خلقت انسان*، تهران، شرکت سهامی انتشار.

شنقیطی، محمدامین، ۱۴۲۷ق، *أضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیه.

صالحی شهردی، محمدحسین و همکاران، ۱۳۹۲الف، «متن کاوی موضوعی رایانه‌ای قرآن کریم، برای کشف ارتباطات معنایی میان آیات، بر مبنای تفسیر المیزان»، *قرآن‌شناخت*، ش ۱۲، ص ۱۱۷-۱۵۲.

_____، ۱۳۹۲ب، *متن کاوی موضوعی قرآن کریم جهت کشف ارتباطات معنایی میان آیات، بر مبنای تفسیر المیزان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مازندران، دانشگاه علوم و فنون.

صدر، حسن، بی‌تا، *تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام*، دار الکتب العراقیه.

صدوق، محمدبن علی، ۱۳۹۸ق، *التوحید*، تحقیق و تصحیح هاشم حسینی، قم، جامعه مدرسین.

طالقانی، سیدمحمد، ۱۳۶۲، *پرتوی از قرآن*، تهران، شرکت سهامی انتشار.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۹، *قرآن در اسلام*، چ نهم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

_____، ۱۳۸۹، *بررسی‌های اسلامی*، به کوشش سیدهای خسروشاهی، چ سوم، قم، بوستان کتاب.

_____، ۱۳۹۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

_____، ۱۴۲۵ق، *تفسیر البیان فی الموافقه بین الحدیث و القرآن*، تحقیق اصغر ارادتی، قم، مکتب تنظیم و نشر آثار علامه طباطبائی.


- ، ۲۰۲۲م، *المیزان فی تفسیر القرآن*، روسی، ترجمه چرنی‌ینکو، تاراس گریگوری یویچ، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفیٰ. گریلینگ، ای. سی، ۱۴۰۲، *تاریخ فلسفه*، ترجمه خسرو جهاننداری، تهران، مازیار.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۵، *توحید در نظام عقیدتی و نظام ارزشی اسلام*، قم، شفق.
- ، ۱۳۸۶، *تمائشای فرزادگی و فروزندگی*، تدوین و نگارش غلامرضا گلی زواره، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- ، ۱۳۸۹ الف، *خداشناسی*، تحقیق و بازنگاری امیررضا اشرفی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- ، ۱۳۸۹ ب، «المیزان و روایات تفسیری»، تهیه و تنظیم مهدی حسینیان قمی، *سمات*، ش ۳، ص ۹-۱۷.
- ، ۱۳۹۱، *آفتاب مطهر*، نگارش غلامرضا گلی زواره، چ چهارم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- ، ۱۳۹۸، *معارف قرآن ۳* (انسان‌شناسی)، چ نهم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- ، بی‌تا، *سخنی پیرامون خلقت انسان از نظر قرآن*، نگارش محمود محمدی عراقی، قم، شفق. مکارم شیرازی، ناصر، بی‌تا، *فیلسوف‌نماها*، چ پانزدهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مهدوی‌راد، محمدعلی، ۱۳۸۱، «جایگاه المیزان در میان تفاسیر»، *بینات*، ش ۳۴، ص ۹۸-۱۰۶.
- هاشم‌زاده، محمدعلی، ۱۳۸۱، «کتاب‌شناسی المیزان و علامه»، *بینات*، ش ۳۴، ص ۱۸۸-۲۰۷.
- هندی، سرسید احمدخان، بی‌تا، *تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان*، ترجمه سیدمحمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران، کتابخانه و چاپخانه علمی.

نوع مقاله: پژوهشی

مفسران برجسته حوزه علمیه قم در سده اخیر؛ علامه مصباح یزدی و تفسیر موضوعی نظام‌مند قرآن*

حمید آریان / دانشیار گروه تفسیر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

aryan@iki.ac.ir

 orcid.org/0000_0001_6102_3650

دریافت: ۱۴۰۳/۲/۰۴ - پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۲۵

چکیده

آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی از عالمان برجسته پرورش‌یافته در دامان حوزه علمیه قم در سده اخیر است که در عرصه‌های مختلف علوم اسلامی، از جمله دانش تفسیر قرآن، نظریه‌پرداز و دارای آثار گران‌سنگ علمی است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی، شخصیت تفسیری آن عالم فرزانه را مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آیت‌الله مصباح مبتکر مدل تفسیر موضوعی نظام‌مند قرآن است. ویژگی این مدل ابتکاری تفسیر موضوعی، کل‌نگری و فراگیری حداکثری نسبت به موضوعات مرتبط با قرآن، مطابقت‌داشتن با کل نظامات اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی اسلام، معطوف‌بودن به علوم اسلامی و انسانی و ناظربودن به چالش‌ها و شبهات روز است. نظریه‌پردازی در تفسیر قرآن، نگرش سیستمی به آموزه‌های قرآن و نگاه منظومه‌ای به عرضه موضوعی معارف آن، از دیگر ویژگی‌های شخصیت تفسیری استاد مصباح است. آثار تفسیری ایشان کل منظومه اندیشه اسلامی قرآن‌بنیان را در چهارحوزه مسائل بنیادین الهیاتی، مبادی نظامات اخلاقی و اجتماعی، مسائل نظامات اخلاقی و اجتماعی و احکام عبادی و فردی منعکس می‌کند.

کلیدواژه‌ها: مفسران سده چهاردهم، شخصیت‌های تفسیری، دانش تفسیر قرآن، حوزه علمیه قم، محمدتقی مصباح یزدی.

حوزه علمیه قم با سابقه‌ای بیش از هزار سال، از زمان ورود اشعریان به این دیار مبارک تا کنون همواره یکی از مراکز و پایگاه‌های فکری و مذهبی شیعیان امامی بوده است. این حوزه کهن در طی قرون و اعصار، صدها، بلکه هزاران عالم محدث، متکلم، فقیه، مفسر، مورخ و حکیم را در دامان خود پرورانده است. اوضاع و مکانت علمی حوزه قم در طول قرون و اعصار دستخوش فراز و فرودهایی چند بوده است که مجال ذکر آنها در این مقال نیست؛ اما در قرن سیزدهم شمسی، به‌ویژه در اواخر حکومت سلسله قاجار در ایران، وضع این حوزه به علی‌کم‌فروغ گردید. با ورود و استقرار آیت‌الله حاج‌شیخ عبدالکریم حائری یزدی در اواخر سال ۱۳۰۰ شمسی به شهر قم، حوزه علمیه این شهر احیا شد و طی سده چهاردهم هجری شمسی از جنبه‌های مختلف علمی به رشد و شکوفایی رسید و در اواخر این سده به بزرگ‌ترین، پررونق‌ترین و تأثیرگذارترین مرکز علمی - اسلامی تبدیل شد و آوازه‌ای جهانی یافت.

در این سده، عالمان و اندیشمندان بسیاری در علوم مختلف اسلامی، اعم از فقه و فلسفه و حکمت و تفسیر و حدیث و تاریخ و عرفان، در این حوزه مبارک نشو و نما و پرورش یافتند که از جمله آنان استاد آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی رحمته‌الله است. این مقاله به واکاوی و معرفی شخصیت علمی این عالم ربانی به‌عنوان یکی از چهره‌های درخشان سده اخیر حوزه علمیه قم در عرصه تفسیر قرآن می‌پردازد.

بر اساس فحص نگارنده، تا کنون اثری در زمینه بررسی شخصیت تفسیری آیت‌الله مصباح به‌صورت خاص نگارش نیافته است. آثاری که درباره این بُعد از شخصیت علمی ایشان وجود دارد، بیشتر مربوط به توصیف اجمالی مبانی و روش تفسیری ایشان است که به‌اختصار آنها را مرور می‌کنیم. مقاله «تفسیر موضوعی قرآن از منظر استاد محمدتقی مصباح» (رجبی، ۱۳۸۸)، مراحل تفسیر موضوعی از منظر استاد مصباح را اجمالاً برمی‌شمارد. مقاله «بررسی تطبیقی روش تفسیر موضوعی آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله جوادی آملی» (اسماعیلی، ۱۴۰۰)، به مقایسه روش تفسیر موضوعی آیت‌الله مصباح و آیت‌الله جوادی آملی می‌پردازد و وجوه تشابه و تمایز روش‌های آن دو را نشان می‌دهد. در مقاله «نگاهی به مبانی تفسیر قرآن در آثار استاد آیت‌الله مصباح» (عزیزی کیا، ۱۳۹۵)، برخی مبانی تفسیری ایشان مورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفته است. همچنین پایان‌نامه «بررسی مبانی و آرای تفسیری آیت‌الله مصباح یزدی (فیروزیان، ۱۳۹۱) جوانبی از مبانی و آرای تفسیری ایشان را کشف و بازگویی می‌کند.

با وجود همه این کوشش‌ها و به‌رغم آوازه علمی شخصیت استاد مصباح، به‌نظر می‌رسد که جایگاه و شأن ایشان در تفسیر قرآن چندان شناخته نیست و نیازمند معرفی بیشتر و تحلیل و بررسی‌های دقیق‌تر و عمیق‌تر است. مقاله پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی، بازنمایی منزلت و شخصیت علمی علامه مصباح یزدی در زمینه دانش تفسیر قرآن را در سه محور پی می‌جوید: در محور نخست، حیات علمی ایشان به‌اختصار تصویر می‌شود؛ در محور دوم، ویژگی‌های علمی ایشان در دانش تفسیر قرآن بر محور ابتکارات و تلاش‌های خلاقانه علمی و فکری استاد در این دانش ترسیم و تحلیل می‌گردد؛ در محور سوم، با نگرشی در آثار و دستاوردهای علمی استاد در عرصه تفسیر و تحلیل محتوایی آنها، هویت موضوعی و اهمیت آنها بیان می‌گردد.

۱. نگاهی به حیات علمی و قرآنی علامه مصباح یزدی

آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی از نادر عالمان پرورش یافته در دامان حوزه علمیه قم است که در عرصه‌های مختلف علوم اسلامی، از جمله دانش تفسیر قرآن، درخشیده و صاحب اندیشه و آثار گران سنگ علمی است. وی در سال ۱۳۱۳ در خانواده‌ای متدین در شهر یزد به دنیا آمد و پس از اتمام دوره تحصیلات ابتدایی، در سال ۱۳۲۵ وارد حوزه علمیه یزد شد و دروس مقدماتی و بخشی از دروس سطح را در مدت چهار سال به پایان رساند. وی در سال ۱۳۳۰ برای ادامه تحصیل به همراه خانواده به نجف اشرف هجرت کرد و در درس «مکاسب» و «کفایة الاصول» اساتید آن حوزه شرکت جست؛ اما به دلیل مشکلات مالی پدر، این اقامت چندان دوام نیاورد و به رغم میل به ادامه تحصیل در آن دیار، مجبور شد پس از توفقی کمتر از یک سال، با والدین به ایران مراجعت کند. او سپس تحصیلات خود را در حوزه علمیه قم پی گرفت و بقیه مکاسب و کفایه را به اتمام رساند و سالیانی متمادی در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات بروجردی، امام خمینی و بهجت شرکت کرد و در سنین جوانی به درجه اجتهاد نایل آمد.

وی دروس فلسفه و تفسیر را نیز به مدت حدود ده سال از محضر علامه طباطبائی بهره برد و سپس خود به جرگه مدرسان و استادان حوزه پیوست و به آموزش تفسیر، فلسفه، کلام، اخلاق، فلسفه اخلاق و منطومه‌های فکری اسلامی در زمینه علوم انسانی با محوریت معارف قرآن پرداخت. این عالم بزرگ و فرزانه پس از عمری سرشار از مجاهدت و پارسایی و تربیت صدها شاگرد فاضل و برجسته و تولید ده‌ها اثر فاخر علمی در زمینه علوم اسلامی و انسانی، به‌ویژه تفسیر قرآن، در دوازدهم دی ماه سال ۱۳۹۹ با کارنامه‌ای پرافتخار و درخشان به دیدار معبود شتافت (ر. ک: پایگاه اطلاع‌رسانی آثار آیت‌الله مصباح یزدی <https://mesbahyazdi.ir/node>).

طبعا چون این نوشتار ناظر به ابعاد مختلف شخصیت علمی استاد مصباح به صورت مطلق نیست و بر شخصیت تفسیری ایشان تمرکز دارد، تمام مباحث بعدی در راستای این هدف به تبیین و تحلیل حیات علمی - تفسیری ایشان می‌پردازد.

۲. ویژگی‌های شخصیت تفسیری آیت‌الله مصباح یزدی

۲-۱. طراحی مدلی مبتکرانه در تفسیر موضوعی قرآن و اجرای آن

مهم‌ترین و بارزترین ویژگی و وجه تمایز شخصیت علمی آیت‌الله مصباح در تفسیر قرآن، طراحی و ارائه و اجرای مدلی مبتکرانه برای تفسیر موضوعی قرآن است که ما در این نوشتار از آن به «تفسیر موضوعی نظام‌مند قرآن» یاد می‌کنیم. طرحی که آن عالم فرزانه ارائه داده، بی‌سابقه بوده است و به خود ایشان اختصاص دارد. مدل و روش تفسیری مبتکرانه استاد مصباح دارای چهار ویژگی ممتاز است: الف) کل‌نگرانه و جامع است؛ ب) مطابق و متناسب با منظومه نظام‌های اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی اسلام طراحی شده است؛ ج) در پیوند با دانش‌های اسلامی و علوم انسانی است؛ د) ناظر به چالش‌ها و شبهات روز و رفع و دفع آنهاست. اینک هریک از ویژگی‌های یادشده را جداگانه بیان و بررسی می‌کنیم و از خلال آن، اضلاع شخصیت علمی تفسیری استاد را به تصویر می‌کشیم.

۱-۲. طرحی کل‌نگر و جامع برای همه موضوعات قابل عرضه بر قرآن

یکی از ویژگی‌های ممتاز مدل تفسیر موضوعی نظام‌مند استاد آیت‌الله مصباح این است که کل‌نگر و جامع است؛ بدین معنا که در این طرح، هم از جهت تنوع و کثرت موضوعات و شمول و پوشش حداکثری آن نسبت به همه مقولات ریز و درشتی که به‌لحاظ محتوایی با قرآن پیوند دارند و هم به‌لحاظ ساختار و ترتب و انتظام و ارتباط منطقی بین موضوعات، حقیقتاً کاری کاملاً ابداعی و بی‌بدیل است و هیچ‌یک از طرح‌هایی که در این باره ارائه شده یا طرح‌های نانوخته‌ای که تفاسیر موضوعی قرآن براساس آنها سامان داده شده‌اند، جامعیت، قوت و مزایای آن را ندارند.

اصل این ایده پس از آن شکل گرفت که استاد مصباح در دههٔ چهل عهده‌دار تدریس مادهٔ درسی تفسیر قرآن در مدرسهٔ علمیهٔ منتظریه، معروف به مدرسهٔ حقانی قم، با مدیریت شهیدان بهشتی و قدوسی شدند. ایشان در ابتدا دو یا سه سال به روش متعارف به تفسیر ترتیبی آیات از سوره‌های کوتاه و بلند قرآن برای طلاب سطوح مختلف آن مرکز پرداختند و بعد این روش را به‌دلیل طولانی بودن (چنان‌که تفسیر یک دورهٔ قرآن بیست سال طول می‌کشید) و مفید نبودن آن در رفع نیازمندی‌های جامعه، کنار گذاشتند و به ایدهٔ دسته‌بندی موضوعی آیات و تفسیر موضوعی قرآن روی آوردند (ر. ک: مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۹، ص ۲۵).

استاد مصباح در مقدمهٔ کتاب تفسیر موضوعی خود با عنوان *معارف قرآن* (ر. ک: مصباح یزدی، ۱۳۶۷، مقدمه) و برخی سخنرانی‌های خود (ر. ک: مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۹، سخنرانی استاد مصباح، ص ۲۳-۳۲)، اصل شکل‌گیری این ایده و طراحی یک مدل کل‌نگر در دسته‌بندی موضوعات برای عرضهٔ آنها به قرآن و سپس تفسیر آیات بر محور هر موضوع، کم و کیف آن و مزیت آن بر طرح‌های دیگر را تشریح کرده است. وی ضمن توصیف طرح‌های مهم دیگر، مانند طرح سامان‌دهی معارف قرآن براساس سه مقولهٔ «عقاید اسلامی»، «اخلاق اسلامی» و «احکام اسلامی» و طرح سامان‌دهی معارف قرآن با محوریت انسان، اشکالات و نارسایی‌های متعدد آنها را برمی‌شمرد و از طرح سومی که خود ابداع و پیشنهاد کرده است، سخن می‌گوید. این طرح، سامان‌دهی و دسته‌بندی معارف قرآن با محوریت الله است (ر. ک: مصباح یزدی، ۱۳۶۷، مقدمه؛ مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۹، ص ۲۵-۲۶). وی سپس در وصف جامعیت و کل‌نگرانه بودن آن به‌اختصار می‌گوید: [در این طرح، موضوع] از خدا شروع می‌شود و همه چیز را در ارتباط با خدا مطرح می‌کنیم؛ وجود خدا، صفات خدا، افعال خدا، افعال کلی الهی، افعال خاص خدا در عالم، خلقت جهان، خلقت انسان، تدبیر الهی نسبت به عالم، تدبیر الهی نسبت به انسان، و بعد تدبیر انسان هم شعبه‌هایی پیدا می‌کند و به مسائل اجتماعی و اخلاقی و حقوقی و سیاسی و امثال آن می‌رسد (ر. ک: مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۹، ص ۲۵-۲۶).

استاد مصباح، هم در زمینهٔ انطباق این طرح بر منطق قرآن به‌دلیل محوریت موضوع کانونی قرآن، یعنی الله، و هم دربارهٔ ترتب طولی موضوعات می‌گوید: (در این طرح) تقسیم (موضوع)ها را، نه در عرض هم، بلکه در طول

یکدیگر انجام (می)دهیم؛ یعنی معارف قرآن را مثل یک رودخانه جاری و آبخاری که از منبع فیض الهی سرازیر است و به هر بخشی و مرحله‌ای که می‌رسد، آنجا را سیراب می‌کند، در نظر می‌گیریم: «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا» (رعد: ۱۷)... (و) مثل یک چشمه جاری می‌بینیم که از مرحله‌ای می‌گذرد و وارد مرحله دیگری می‌شود که این مرحله‌ها تقسیماتشان طولی است. اول، نقطه معینی دارد که از آنجا آغاز می‌شود و چون لبریز شد، به مرحله دوم سرازیر می‌شود. مرحله دوم فرعی از مرحله اول است، نه اینکه در کنار آن و قسیم آن باشد. گویانکه تقسیمات طولی کم‌کم به جایی می‌رسد که پخش می‌شود و شاخه‌هایی هم پیدا می‌کند...؛ بدین ترتیب، معارف قرآن از نقطه آغاز هستی شروع می‌شود و مراحل خلق و تدبیر الهی به ترتیب مورد بحث قرار می‌گیرند و با بیان ویژگی‌های جامعه آرمانی انسانی پایان می‌یابد و در همه مراحل نیز ارتباط با محور اصلی (الله) کاملاً محفوظ است (ر. ک: مصباح یزدی، ۱۳۶۷، ص ۱۳ و ۱۶).

براساس اطلاع ما، تقسیم‌بندی موضوعی معارف قرآن با این نگرش مجموعی و جامع، مسبوق به سابقه نیست. شاید فقط بتوان سرنخ‌هایی را در *تفسیر المیزان* یافت که احتمالاً الهام‌بخش استاد مصباح در ارائه این طرح و مدل بوده است (ر. ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۳۵ و ج ۱، ص ۱۳). بنابراین، کل‌نگرانه بودن و فراگیری این طرح نسبت به همه موضوعات قابل استخراج از قرآن، امتیاز ویژه آن شمرده می‌شود.

۲-۱-۲. تفسیر موضوعی منطبق با نظامات اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی اسلام

در قاعده و پایه اصلی مدل تفسیر موضوعی نظام‌مندی که آیت‌الله مصباح ارائه و اجرا کرده است، نظام اعتقادی اسلام قرار دارد و در میانه این مدل، نظام اخلاقی اسلام بر آن قاعده بنا نهاده شده است و در لایه و بخش روین مدل، نظامات اجتماعی اسلام قرار می‌گیرد که خود بر روی نظام اخلاقی پایه‌گذاری شده است.

الف) انطباق با نظام اعتقادی اسلام

در طرح و مدل مدنظر آیت‌الله مصباح، بحث تفسیر موضوعی از موضوع خداشناسی و توحید که محور اصلی و اساسی همه معارف قرآن است، آغاز می‌شود. به عبارت دیگر، وی بحث تفسیر آیات را موضوعاً از مبدأ هستی آغاز می‌کند. این محور اصلی (توحید)، خود سه محور فرعی موضوعی دارد: توحید ذاتی، توحید صفاتی و توحید فعلی (افعالی). در توحید فعلی، فاعلیت خدا نسبت به مخلوقات مورد بحث است و از آنجا ایشان به جهان و نظام هستی و موجودات آن به‌عنوان فعل و آفریدگان خدا منتقل می‌شود و به تفسیر موضوعی آیات مربوط به آنها می‌پردازد و از میان آفریدگان به مهم‌ترین مخلوق، یعنی انسان، می‌رسد و بحث خلقت انسان و ویژگی‌ها و مقام او را مطرح می‌کند تا به غایت آفرینش و کمال انسان و مآل و معاد او می‌رسد. اگر بخواهیم تا اینجا را خلاصه کنیم، باید بگوییم که در این طراحی، ایشان از تفسیر موضوعی آیات خداشناسی به آیات جهان‌شناسی و از آنجا به آیات انسان‌شناسی می‌رسد.

در مرحله بعد، استاد مصباح موضوع تدبیر امر انسان از سوی خدا در شئون مختلف را مطرح می‌کند و به راه صحیح زندگی و درست زندگی کردن و نیاز به راهنمایی که واسطه بین خدا و بشرند، می‌پردازد و این بخش از معارف قرآن را با دو عنوان «راه‌شناسی» و «راهنماشناسی» مطرح می‌کند.

سپس به موضوع آموزه‌ها و دستورهای خدا که برای تدبیر امر حیات فردی و اجتماعی بشر و راهنمایی او در اختیار انسان قرار گرفته است، می‌پردازد و در این راستا به موضوع قرآن به‌عنوان تنها کتاب وحیانی و آسمانی برخوردار از اصالت و مصون از تحریف، که حاوی این رهنمودهای الهی است، می‌رسد و آیات مربوط به قرآن را به‌صورت موضوعی تفسیر می‌کند. این مبحث شامل آیات مربوط به چیستی قرآن، ویژگی‌های کلی آن از جهت تکوین الهی و شکل‌گیری تاریخی و نیز چگونگی فهم و تفسیر آن و سپس اصالت و سلامت آن از گزند دستبرد و تغییر و تحریف است که از آن با عنوان قرآن‌شناسی یاد می‌کند.

تا اینجا معارف قرآن مطابق و متناظر با نظام اعتقادی اسلام، در چپ‌نشی منطقی و پیوندی نظام‌مند و مترتب بر هم، به‌صورت موضوعی تفسیر و ارائه شد؛ از خداشناسی آغاز گشت؛ به انسان‌شناسی و معاد انسان کشیده شد و در ادامه، بحث راه و راهنماشناسی و در پایان قرآن‌شناسی مطرح گردید. مجموع این بحث‌های موضوعی، نظام اعتقادی اسلام یا نظام الهیاتی قرآن را تشکیل می‌دهد که هم موضوعات اعتقادی و هم فلسفه آنها، یعنی برخی مباحث فلسفه دین را دربر می‌گیرد.

ب) انطباق با نظام اخلاقی اسلام

وقتی بررسی موضوعی مباحث اعتقادی قرآن پایان می‌پذیرد، نوبت به بررسی موضوعی محتوای قرآن و آموزه‌های آن به‌عنوان کتاب هدایت و نسخه راهنمای حیات آدمی می‌رسد. در اینجا استاد مصباح طبق طرح خود، موضوعاتی را پیش می‌کشد که در قرآن برای تدبیر زندگی فردی و اجتماعی بشر ارائه شده‌اند. این آموزه‌ها خود بر دو دسته اساسی‌اند: برخی به نظام اخلاقی و فلسفه اخلاق مربوط می‌شوند و بخشی دیگر به نظامات اجتماعی و شئون فردی زندگی ربط دارند. طبعاً بعد از نظام اعتقادی و الهیاتی قرآن، منطقی‌اً باید به نظام اخلاقی قرآن و تفسیر آیات مرتبط با این نظام و نیز بحث‌های مبنایی مربوط به گزاره‌های اخلاقی، که در واقع تحت موضوع فلسفه اخلاق در قرآن قرار می‌گیرند، پرداخت.

استاد مصباح مرحله دوم سیر موضوعی تفسیر آیات را با ورود به موضوع فلسفه اخلاق و تفسیر آیات آن آغاز می‌کند. از اصول موضوعه اخلاق شروع کرده، به بحث ویژگی‌ها و حیثیت‌های مفاهیم اخلاقی می‌پردازد و به مفاهیم اخلاقی قرآن می‌رسد؛ سپس تفاوت نظام اخلاقی اسلام با دیگر نظامات اخلاقی را یادآور می‌شود و بعد اساس ارزش‌های اخلاقی، راه تحصیل آنها و عوامل سقوط اخلاقی را از منظر قرآن پی‌جویی می‌کند. پس از آن وارد موضوعات مرتبط با مسائل اخلاقی در قرآن می‌شود و آنها را در چهار بخش مطرح می‌کند: اخلاق الهی (مسائل اخلاقی مربوط به پیوند انسان با خدا)؛ اخلاق فردی (مسائل اخلاقی انسان در پیوند با خودش) که بحث

مهم انگیزه‌های و گرایش‌های درونی را بررسی و مدل هرم نفس را مطرح می‌کند؛ در گام سوم به اخلاق اجتماعی (مسائل اخلاقی انسان در پیوند با انسان‌های دیگر) می‌پردازد و درنهایت، به اخلاق بین‌المللی یا اخلاق در روابط بین‌الملل اشاره می‌کند. مجموع این چهار بخش از تفسیر موضوعی آیات، بیانگر نظام اخلاقی قرآن است که خود بر نظام الهیاتی و اعتقادی قرآن مبتنی است.

ج) انطباق با نظامات اجتماعی اسلام

طرح تفسیر موضوعی نظام‌مند استاد مصباح در بسط روبه‌جلوی خود، به موضوعاتی منتهی می‌شود که در قرآن برای تمثیت زندگی فردی و اجتماعی انسان مطرح شده‌اند. البته بخش عمده و بیش از نوددرصدی این موضوعات، مربوط به گزاره‌ها و آموزه‌هایی است که به تدبیر حیات اجتماعی انسان مربوط می‌شوند و اندکی هم مربوط به تمثیت حیات فردی اعم از عبادی یا معیشتی افراد است. این بخش از طرح، شاخه‌ها و فروعات گوناگونی پیدا می‌کند که هر یک به بعد یا جنبه‌ای از حیات و نیاز زندگی فردی و اجتماعی آدمی مربوط می‌شود. پس اگر در تقسیمی، دو دسته از شئون فردی و اجتماعی را تفکیک کنیم، مدل ابتکاری استاد مصباح در مرحله سوم این‌گونه پیش می‌رود که بخشی از معارف قرآن در لایه سوم به شئون فردی زندگی افراد مربوط می‌شود. قسمتی از اینها شامل آموزه‌ها و برنامه‌های عبادی اسلام است که در آیات قرآن منعکس شده است. ذیل این قسمت، عناوینی چون نماز، روزه، حج، قربانی، دعا و ذکر قرار می‌گیرند و آیات مربوط به آنها تفسیر موضوعی می‌شوند؛ یعنی اعمالی که رکن اساسی آن را تقویت رابطه انسان با خدا تشکیل می‌دهد؛ هرچند مصالح اجتماعی زیادی نیز در آنها منظور شده است (ر. ک: مصباح، ۱۳۶۷، ص ۱۶). قسمت دیگر مربوط به احکام فردی است که در آیات به آنها پرداخته شده است. این قسمت شامل عناوینی چون حلال و حرام در خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها (اطعمه و اشربه و صید و ذباحه) و تجمل و زینت می‌شود (ر. ک: همان، ص ۱۶).

اما بیشتر موضوعات این لایه به شئون جمعی و نظامات اجتماعی زندگی انسان تعلق دارد و احکام اجتماعی قرآن را در مباحث اجتماعی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی در برمی‌گیرد. این بخش از معارف قرآن دو گونه‌اند: قسمتی از آنها به هستی‌شناسی جامعه و پدیده‌های اجتماعی و تاریخ مربوط می‌شوند؛ قسمت دیگر و عمده به احکام و نظامات لازم و مورد نیاز برای تمثیت و تدبیر زندگی اجتماعی تعلق دارد و شامل انواع احکام مدنی، احکام اقتصادی، احکام قضایی و جزایی (حقوقی به معنای عام آن) تا احکام سیاسی و احکام روابط بین‌الملل می‌شود. جایگاه موضوعی قسمت اول به عنوان مقدمه بحث احکام اجتماعی، در طرح استاد مصباح معین شده است و ایشان آن را ذیل عنوان «جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن» به تفصیل بحث کرده‌اند؛ اما بعد از آن وارد نظامات حقوقی، سیاسی، اقتصادی و مدیریتی اسلام شده و به تفسیر موضوعی آیات مربوط به آنها پرداخته است.

تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، ظاهراً استاد مصباح نخستین کسی است که نظام اندیشه دینی را از اصول اعتقادی گرفته تا بنیادهای اخلاقی و مسائل آن و از آنجا تا حوزه نظامات اجتماعی و امور فردی و عبادی، در قالب

یک منظومهٔ منسجم مترتب بر هم بر اساس آموزه‌های قرآنی طراحی و مطالعه کرده و سپس بر آن اساس به نظریه‌پردازی پرداخته و حاصل این تلاش فکری را در قالب بستهٔ فکری تقریباً جامع و کامل و منظم و قابل رقابت با نظام‌های فکری دیگر ارائه کرده است. مشابه این کار با این روش و در این سطح و با این گستردگی، مسبوق به سابقه نیست.

۳-۲. تفسیر موضوعی نظام‌مند معطوف به علوم اسلامی و انسانی

از جمله ویژگی‌هایی که در پرتو آن، شخصیت و شأن تفسیری استاد آیت‌الله مصباح بهتر و بیشتر نمایان می‌شود، عطف و تلاقی دادن بحث‌های تفسیر موضوعی قرآنی با علوم اسلامی و انسانی است. مباحث تفسیر موضوعی نظام‌مند استاد مصباح، در هر سه لایهٔ مختلفش تماماً با علوم اسلامی یا با علوم انسانی به‌طور جدی گره خورده است. البته منظور از علوم انسانی، همهٔ مصادیق آن است و شامل علوم انسانی رایج روز و دیدگاه‌های مکاتب فلسفی و علمی رقیب، به‌ویژه نظریات فیلسوفان و دانشمندان غربی نیز می‌شود.

الف. تفسیر موضوعی نظام‌مند معطوف به علوم اسلامی

آن بخش از تفسیر موضوعی آیات قرآن که به الهیات قرآنی مربوط می‌شود، دقیقاً بر بعضی از علوم اسلامی تطبیق می‌کند: بحث خداشناسی بر مبحث کلامی خداشناسی و توحید و بخشی از انسان‌شناسی از جمله بحث گرایش به ابدیت و بقا، بحث رابطهٔ دنیا و آخرت و نیز بخشی از جهان‌شناسی مثل بحث عرش و کرسی و فرشتگان بر بحث کلامی معاد، و بحث راه و راهنماشناسی و قرآن‌شناسی و بخشی از بحث انسان‌شناسی مثل خلافت انسان هم بر بحث نبوت و نیز مباحث فلسفهٔ دین تطبیق می‌کند. به یک معنا می‌توان گفت که این بخش از مباحث تفسیر موضوعی، همان مباحث کلامی است، منتها با صبغهٔ اختصاصی یا اکثری قرآنی.

همچنین مباحثی که در لایهٔ دوم به‌عنوان تفسیر موضوعی آیات اخلاقی مطرح می‌شوند، با مباحث دانش اخلاق اسلامی تلاقی دارند. گرچه در اخلاق از منابع دیگر، مثل عقل و روایات و تاریخ هم برای القای مباحث اخلاقی بهره می‌برند و در تفسیر موضوعی با این گستردگی نیست، ولی نکتهٔ اساسی هم‌پوشانی زیاد آنها با هم است که به فهم جامع‌تر و برداشت دقیق‌تر از آیات در موضوعات مختلف و ازسوی دیگر دقت بیشتر علمی در مباحث علوم اسلامی، مثل تنقیح دقیق‌تر بحث‌ها یا تهذیب مسائل علوم اسلامی منجر می‌شود یا به عمق و غنای بیشتر آنها می‌انجامد. استاد مصباح که خود در این زمینه مبتکر است، از این رابطه و بهره‌مندی طرفینی در دو مقام مختلف بسیار سود برده است.

ب. تفسیر موضوعی نظام‌مند معطوف به علوم انسانی

درخصوص نسبت پیوند تفسیر موضوعی با علوم انسانی و حتی گاه با علوم طبیعی، با گسترهٔ بسیار وسیعی از این رابطه مواجهیم و این ارتباط را در هر سه لایهٔ طرح نظام‌مند استاد مصباح می‌توان سراغ گرفت. در لایهٔ اول، بخشی

از مباحث جهان‌شناسی در قرآن با دانش‌های طبیعی مثل اخترشناسی، زیست‌شناسی، زمین‌شناسی، هواشناسی، دریاشناسی، گیاه‌شناسی، جانورشناسی یا حشره‌شناسی ارتباط می‌یابد و گاهی هم با مبحث فرهنگ‌شناسی یا زبان‌دین. مبحث انسان‌شناسی در تفسیر موضوعی نظام‌مند با دانش‌های مردم‌شناسی، ژنتیک، جنین‌شناسی و زیست‌شناسی انسانی (فرضیه‌های تکاملی)، پیوند و نوعی تلاقی دارند و از قرینیت یا عدم قرینیت دستاوردهای این‌گونه دانش‌ها در تفسیر موضوعی می‌توان سخن به‌میان آورد یا اینکه براساس نظر قرآن، بسیاری از این فرضیه‌ها یا نظریه‌ها را تقویت یا تضعیف کرد.

اما مباحث اخلاق و نظام اخلاقی با مباحث و رشته‌های علوم انسانی، همچون فلسفه اخلاق، روان‌شناسی، علم اخلاق و تعلیم و تربیت ارتباط می‌یابد و همه اینها می‌توانند بر هم تأثیر متقابل داشته باشند. این علوم در تنقیح و دقیق‌تر شدن موضوعات در تفسیر موضوعی تا حدی می‌توانند اثرگذار باشند و براساس نظرات قرآن می‌توان اشکالات این علوم را دست‌کم تقلیل داد. بحث جامعه و تاریخ در قرآن با دانش‌های جامعه‌شناسی، فلسفه تاریخ و فلسفه جامعه‌شناسی ارتباط نزدیکی دارد. همچنین پیوند مبحث حقوق و سیاست در قرآن با مباحث فلسفه حقوق و فلسفه سیاست و نیز با خود دانش‌های حقوق و سیاست و روابط بین‌الملل ملموس‌تر است. در تفسیر موضوعی آیات اقتصادی یا آیات مربوط به مدیریت نیز می‌توان دقیقاً همان پیوند را با فلسفه اقتصاد و برخی مسائل دانش اقتصاد و نیز در مطاوی سخن با فلسفه مدیریت و برخی مسائل دانش مدیریت می‌توان مشاهده کرد.

استاد آیت‌الله مصباح، هم نظر برگرفته از قرآن را به‌عنوان نظر رقیب در برابر نظرات موجود و رایج در این دانش‌ها مطرح کرده و هم براساس نظر قرآن، بسیاری از نظریات در علوم انسانی رایج را فراوان نقد و رد کرده است.

در هیچ‌یک از آثاری که با عنوان معارف قرآن یا تفسیر موضوعی قرآن توسط عالمان مسلمان دیگر عرضه شده است، نمی‌توان این ویژگی را با این کمیت و کیفیت جست. استاد مصباح از سویی در هریک از حوزه‌های موضوعی مورد بحث با تحلیل و توصیف دقیق نظریه‌های صاحبان اندیشه در مکاتب بشری، چه شرقی و چه غربی، توانسته است زمینه نوعی تطبیق و مقایسه و رقابت بین نظر قرآن و نظریات دیگر را فراهم کند و از سویی دیگر این توفیق را داشته است که با بررسی دیدگاه‌ها و نظریات رقیب و ارزیابی و نقد منطقی آنها و نمایاندن ضعف‌ها و نقایصشان، نظر قرآن را در این میان برجسته سازد و امتیازش را به رخ کشد؛ کاری که در هیچ‌یک از تفاسیر موضوعی متعارف خبری از آن نیست یا اگر احياناً اشاراتی از این قبیل در برخی آنها پیدا شود، بسیار کم‌رنگ یا غیرفنی است. البته اثر شهید صدر در این باب را باید استثنا کرد. بنابراین این‌گونه توجهات به علوم انسانی و مکاتب علمی و فلسفی روز را باید از ویژگی‌های منحصربه‌فرد کار تفسیر موضوعی نظام‌مند حضرت استاد مصباح شمرد.

۴-۱-۲. مواجهه عالمانه و مسئولانه با چالش‌ها و شبهات روز

از دیگر ویژگی‌های تفسیر موضوعی نظام‌مند استاد آیت‌الله مصباح که از خلال آن تا حدی به شخصیت علمی

ایشان در زمینه معارف قرآنی و تفسیری نیز می‌توان واقف شد، این است که استاد در مباحث تفسیری، نسبت به چالش‌های فکری و اعتقادی و اخلاقی رایج و همچنین در مواجهه با شبهات مطرح مرتبط با معارف و آموزه‌های دینی و قرآنی، دارای بصیرت و حساسیت ویژه‌ای است و علاوه بر آن، مسئولانه به حل و رفع و پاسخ به آنها اقدام کرده است. این اهتمام و مواجهه عالمانه و مسئولانه، در لابه‌لای تمامی آثار و بحث‌های تفسیری و قرآنی استاد به‌وضوح قابل مشاهده است. وی براساس استدلال‌های محکم عقلی و نقلی و احیاناً تجربی، در مقام دفع این چالش‌ها و زدودن این شبهات برآمده است. استاد با تبیین‌های عالمانه‌ای که از معارف قرآن ارائه می‌دهد، حتی از شبهات و چالش جدید پیشگیری و آنها را از قبل دفع می‌کند.

۲-۲. نظریه‌پردازی در تفسیر قرآن

اگر کوشش‌های عالمانه در دانش تفسیر را از جهت مراتب تخصصی به سه سطح متعارف، میانه و عالی تقسیم کنیم، می‌توانیم از سه دسته افراد در این باب با عناوین «قرآن‌پژوه»، «مفسر» و «نظریه‌پرداز» سخن به‌میان آوریم. جنس فعالیت علمی قرآن‌پژوه در حد گردآوری، تنقیح یا تحریر و گزارش اندیشه‌ها و آثاری است که متخصصان سطح میانه یا سطح عالی دانش تفسیر تولید یا ارائه کرده‌اند؛ مفسران نوعاً قرآن‌شناس‌اند و توان تشخیص صحیح از سقیم مطالب و آرا را در این دانش دارند و می‌توانند یافته‌های خود را به‌صورت تحلیلی و استدلالی ارائه کنند و به نقد آرا و اندیشه‌های دیگر متخصصان بپردازند؛ اما نظریه‌پرداز قادر به اندیشه‌ورزی و نوآوری درباره شئون مختلف مرتبط با قرآن، چه در منطق فهم آن و چه در تفسیر آیات آن، است. در تاریخ دانش تفسیر، کمتر کسانی به مرتبه نظریه‌پردازی نائل شده‌اند. نظریه‌پردازان همیشه در افقی از اندیشه‌ورزی حرکت می‌کنند که با ابتکار، خلاقیت و نوآوری در ایده و اندیشه و نظر و سخن همراه است و در واقع مرزهای مبنایی و بنایی یک دانش را پیش می‌برند. به‌اعتقاد نگارنده، بدون شک استاد آیت‌الله مصباح یزدی شخصیتی است که در تراز نظریه‌پردازی و اندیشه‌سازی در دانش تفسیر قرآن و شئون مختلف آن ظهور کرده است و تحقیقات و فعالیت‌ها و آثار علمی وی در زمینه تفسیر قرآن و مبادی و مسائل آن گواه این مدعاست.

۲-۳. نگرش سیستمی به آموزه‌های قرآنی در مقام مطالعه و نظر

از ویژگی‌های ممتاز استاد مصباح در پرداختن به مطالعات دینی و قرآنی، نگرش سیستمی ایشان به مجموعه آموزه‌های دین و معارف قرآن است. مقصود از نگاه سیستمی به معارف قرآن، نگرشی است که محقق در مقام مطالعه، مجموعه گزاره‌ها و آموزه‌های دین و قرآن را مرتبط با هم در قالب یک کل بررسی می‌کند و درصدد کشف روابط منطقی اجزای این منظومه با یکدیگر و با کل برمی‌آید و می‌کوشد اجزای مختلف آن را با توجه به این ارتباط، تحلیل و تبیین کند.

موفقیت دیگر استاد مصباح در این باره که ناشی از نگرش سیستمی وی به معارف قرآن است، کشف دقیق

ارتباط آنها با حوزه‌های مختلف نیازهای اساسی بشر است. حاصل امتزاج آن نوع نگرش و این کشف این بوده است که وقتی به مجموعه دستاورد تفسیر موضوعی ایشان نظر می‌کنیم، به‌وضوح درمی‌یابیم که از سویی هر قسمت از این مجموعه مربوط به یک بخش از نظام فکری اسلام و قرآن و از سوی دیگر ناظر به یکی از حوزه‌های اساسی نیازهای زندگی انسان است. تمام بخش‌های این مجموعه در این ویژگی مشترک‌اند و منظومه اندیشه دینی در آن بر پایه یک ربط منطقی به‌صورت نظام‌مند به‌خوبی در کنار هم نشسته‌اند و نیازهای انسان را در همه حوزه‌های اعتقادی و اخلاقی و مربوط به تربیت، حقوق و سیاست، و اقتصاد و مدیریت و جز آن پوشش می‌دهند.

۴-۲. نگرش منظومه‌ای به معارف قرآن در مقام عرضه

امتیاز ویژه دیگر کار و آثار استاد آیت‌الله مصباح در تفسیر موضوعی نظام‌مند قرآن این است که استاد نگرش منظومه‌ای به معارف دین و قرآن دارد و هر موضوعی را در آن نظام و شبکه فکری منسجم قرآنی دنبال می‌کند و به‌عنوان بخشی از آن نظام بررسی و عرضه می‌نماید، نه به‌صورت مسائل پراکنده و جزئی که ارتباط روشنی با منظومه فکری مکتب نداشته باشد؛ چنان‌که نوع تفاسیر موضوعی دیگر دچار این کاستی هستند.

به‌نظر آیت‌الله مصباح، در برابر نظام‌های فکری باطل هرگز نمی‌توان با تکیه بر تفسیر ترتیبی و بیان مطالب پراکنده، نظام فکری منسجمی ارائه کرد. از آنجاکه همه مکتب‌های انحرافی کوشیده‌اند تا با ارتباط میان یک سلسله مسائل، یک کل منظم و هماهنگ به‌وجود آورند و اندیشه‌های باطل خود را منسجم معرفی کنند، باید معارف قرآن را به‌صورت نظام‌مند و منظم عرضه کرد. بنابراین به‌ناگزیر باید معارف قرآن را دسته‌بندی کرد تا از یک سو آموزش آن برای فراگیران آسان و از سوی دیگر در برابر سایر نظام‌های فکری قابل عرضه باشد (ر. ک: مصباح یزدی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۸-۱۰).

۴-۵. توسعه تفسیر موضوعی و عملیاتی کردن حداکثری آن

ویژگی دیگری که بر شخصیت ممتاز استاد مصباح در عرصه تفسیر قرآن دلالت دارد، اهتمام خاص او به توسعه تفسیر موضوعی و توفیق اجرای این سبک تفسیری به‌صورت حداکثری است. وی بعد از آنکه به طراحی یک مدل جامع برای نظام موضوعات قرآنی دست یافت و تمام موضوعات اساسی قرآن را احصا و در یک ارتباط منطقی با یکدیگر نظم و نسق بخشید، موفق شد که این طرح را عملیاتی کند و به‌صورت شایسته‌ای در گستره وسیعی از موضوعات قرآنی به‌اجرا درآورد و معارف قرآن را به‌صورت موضوعی استخراج کند.

قابل ذکر است، همه آثار که در تفسیر موضوعی ارائه شده‌اند، علاوه بر اینکه به‌لحاظ زمانی پس از کار استاد آیت‌الله مصباح آغاز شده و به‌ظهور رسیده‌اند و از نظر سبک و سیاق بحث نیز با کار استاد مصباح تا حد زیادی متفاوت‌اند، هیچ کدامشان به‌لحاظ موضوعی مشتمل بر همه یا غالب موضوعات قابل بحث از نظر قرآن نیستند و به‌تبع آن، هیچ‌یک در قیاس با تفسیر موضوعی استاد مصباح موفق به ارائه حداکثری تفسیر موضوعی آیات قرآن

نشده‌اند؛ مثلاً تفسیر موضوعی *مفاهیم القرآن* استاد سبحانی مربوط به مسائل اعتقادی، و *منشور جاوید* او بیشتر در زمینه موضوعات اعتقادی و تا حدی اخلاقی است. همچنین *پیام قرآن* استاد مکارم شیرازی تنها به نظام و مسائل اعتقادی و اخلاقی پرداخته است. دوره اول هفت‌جلدی *تفسیر موضوعی قرآن مجید* استاد جوادی آملی هم عمدتاً اعتقادی و اخلاقی است. وی در دوره هجده‌جلدی اخیر، برخی موضوعات همچون انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، جامعه‌شناسی و قرآن‌شناسی را نیز افزوده است. تفسیر موضوعی *المدرسه القرآنیة* اثر شهید سیدمحمدباقر صدر هم تنها به یک موضوع در قرآن (سنت‌های الهی در تاریخ) پرداخته است.

بنابراین در دو عرصه، فضل تقدم با استاد مصباح یزدی و آثار اوست: هم از جهت تلاش برای احصا و استقصای همه موضوعات قابل تفسیر در قالب طرحی کل‌نگر برای موضوعات؛ و هم از جهت تحقق بخشیدن تفسیر موضوعی آیات قرآن به صورت حداکثری و فراگیری نسبت به تقریباً همه موضوعات قابل بررسی در قرآن.

۳. نگرشی در آثار تفسیری استاد مصباح و تحلیل محتوایی آنها

در یک نگاه کلی، آثار تفسیری استاد آیت‌الله مصباح از نظر سبک تفسیری دو گونه‌اند: برخی آثار قرآنی ایشان به سبک تفسیر ترتیبی یا تفسیر تجزیه‌ای قرآن هستند و بخشی دیگر به سبک تفسیر موضوعی یا منظومه‌ای قرآن است.

۳-۱. آثار تفسیری استاد به سبک ترتیبی و تحلیل محتوایی آنها

آثاری که از استاد در زمینه تفسیر ترتیبی قرآن باقی مانده، بسیار محدود است. همان‌گونه که در ابتدای این مقال گفتیم، استاد در آغاز، به تفسیر قرآن به سبک ترتیبی اشتغال داشت؛ ولی بعد از چندی از آن منصرف شد و به تفسیر موضوعی روی آورد. آنچه از آثار ایشان در این سبک موجود است، بدین قرار است: ۱. تفسیر سوره حمد و توحید در کتاب *به سوی تو* (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، کل کتاب)؛ ۲. تفسیر سوره بقره از آیه ۱ تا آیه ۲۱۵ که در سال ۱۳۵۱ در قالب درس‌گفتار ارائه شد و بخش‌هایی از آن در شماره‌های ۱ تا ۷ و ۹ مجله *قرآن‌شناسی* (مصباح یزدی، ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱) و به تازگی بخشی از آن با عنوان *مشکات فروزان در تفسیر قرآن* انتشار یافته است؛ ۳. تفسیر آیات ابتدای سوره مؤمنون و آیات پایانی سوره فرقان در کتاب *رستگاران* (مصباح یزدی، ۱۳۸۸-الف، کل کتاب)؛ ۴. تفسیر مفصل آیه ششم سوره انشقاق در کتاب *لقای الهی* (مصباح یزدی، ۱۳۸۸-الف، کل کتاب)؛ ۵. تفسیر سوره‌های کوتاه جزء سی‌ام در مدرسه حقانی.

آیت‌الله مصباح در این بخش از آثار تفسیری، مانند همه مفسران سبک ترتیبی، قرآن را آیه‌به‌آیه تفسیر کرده است و روش و سبک و سیاق کار ایشان تقریباً شبیه روش و سبک کار تفسیری استادش علامه طباطبائی است؛ بدین صورت که پس از روشن کردن مراد استعمالی آیات بر اساس مباحث لغوی و ادبی، با استناد به قرینه سیاق و سایر آیات مرتبط هم‌محتوا و گاه قرائن عقلی و نقلی دیگر، به روش اجتهادی آنها را تفسیر می‌کند.

۲-۳. آثار تفسیری استاد به سبک موضوعی و تحلیل اجمالی محتوای آنها

بیشتر آثار تفسیری استاد مصباح در قالب تفسیر موضوعی عرضه شده‌اند که مجموع آنها را ذیل این عنوان‌ها می‌توان قرار داد: خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، راه‌شناسی، راهنماشناسی، قرآن‌شناسی، اخلاق در قرآن (شامل بنیادهای اخلاق، اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی)، جامعه و تاریخ در قرآن، حقوق در قرآن، سیاست در قرآن، اقتصاد در قرآن، پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، خلقت انسان از نظر قرآن، برنامه عبادی اسلام در قرآن و احکام فردی در قرآن.

گویا استاد بحث‌های دیگری در تفسیر موضوعی با عنوان «هدایت و اضلال الهی از نظر قرآن» و «آیات تکوینی الهی در قرآن» نیز داشته‌اند که احتمالاً جایی ثبت و ضبط نشده‌اند و در حد یادداشت‌های شاگردان شرکت‌کننده در جلسات درس باقی مانده است.

این دسته از آثار ایشان را به لحاظ محتوایی و معرفتی می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: ۱. آثار متعلق به مباحث بنیادین الهیاتی؛ ۲. آثار متعلق به مبادی نظامات اخلاقی و اجتماعی؛ ۳. آثار متعلق به مسائل نظامات اجتماعی؛ ۴. آثار متعلق به احکام عبادی و فردی انسان.

۲-۳-۱. آثار متعلق به موضوعات بنیادین الهیاتی

این دسته از آثار تفسیری شامل کل مبحث خداشناسی، بخش‌هایی از جهان‌شناسی، کل بحث انسان‌شناسی و نیز بحث خودشناسی برای خودسازی (به دلیل صبغه غالب قرآنی آن)، تمام بحث‌های راه‌شناسی و نیز راهنماشناسی و بخش‌هایی از مبحث قرآن‌شناسی می‌شود. دو کتاب دیگر استاد با عنوان *خلقت انسان از نظر قرآن و پرتوی از امامت و ولایت در قرآن* نیز در همین دسته می‌گنجد.

۲-۳-۲. آثار متعلق به مبادی نظامات اخلاقی و اجتماعی

آثار تفسیری موجود از استاد مصباح در ارتباط با مبادی نظامات اخلاقی و اجتماعی در قرآن، شامل موارد زیر است: جلد اول *اخلاق در قرآن* که مربوط به فلسفه اخلاق است؛ سه فصل اول و احتمالاً فصل آخر *جامعه و تاریخ* که به مباحث فلسفه جامعه و تاریخ می‌پردازد؛ بخش عمده *حقوق در قرآن* که به فلسفه حقوق مربوط می‌شود و بخشی از مباحث *سیاست در قرآن* که به فلسفه سیاست می‌پردازد. استاد کتابی هم در زمینه مبانی مدیریت دارند با عنوان *پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی* که در آن به برخی مبانی مهم آن از نظر قرآن پرداخته‌اند. این بخش از آثار استاد به نحوی فلسفه‌های مضاف در علوم انسانی را با نظر به دیدگاه قرآن بررسی می‌کند.

۲-۳-۳. آثار متعلق به نظامات و مسائل اخلاقی و اجتماعی

در این دسته از آثار تفسیری، استاد مصباح وارد حوزه گسترده نظامات و مسائل اجتماعی معطوف به علوم اسلامی و علوم انسانی مرتبط با آنها از منظر قرآن شده است. از این آثار می‌توان به جلد دوم و سوم *اخلاق در قرآن* اشاره کرد

که نظام اخلاقی مستفاد از قرآن را، هم در حوزه اخلاق فردی و هم در بخش اخلاق اجتماعی، بیان می‌کند. بیشتر مباحث کتاب **جامعه و تاریخ در قرآن** که استاد در آن وارد مسائل جامعه‌شناسی از دیدگاه قرآن شده است و نیز بخشی از کتاب **حقوق در قرآن** و بخش عمده کتاب **سیاست در قرآن** نیز مربوط به این دسته می‌شوند. در دو کتاب اخیر، استاد نظامات حقوقی و سیاسی و برخی مسائل سیاسی و حقوقی را از منظر آیات بررسی می‌کند. ایشان در کتاب **اقتصاد در قرآن**، که هنوز چاپ نشده است، به اختصار به بخش‌هایی از نظام اقتصادی اسلام از منظر آیات قرآن می‌پردازد.

۳-۲-۴. آثار متعلق به احکام فردی و مسائل عبادی

این بخش از آثار تفسیر موضوعی استاد مصباح که به صورت شفاهی است (مصباح یزدی، ۱۳۶۱)، از جلسه ۶۸ تا جلسه ۷۲)، یا مربوط به اعمال فردی انسان است که رکن اساسی آن را تقویت رابطه انسان با خدا تشکیل می‌دهد و عمدتاً به مقوله نماز، روزه، حج، قربانی، دعا و ذکر از دیدگاه قرآن تعلق دارد (ر. ک: مصباح، ۱۳۶۷، ص ۱۶) یا متعلق به احکام فردی است و به حلال و حرام در خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و تجمل و زینت در قرآن می‌پردازد (ر. ک: همان، ص ۱۶).

نتیجه‌گیری

از آنچه گفتیم، به دست می‌آید که استاد آیت‌الله محمدتقی مصباح دارای شخصیت علمی ذوابعدای است که یکی از مهم‌ترین وجوه شخصیت ایشان برجستگی‌شان در دانش تفسیر قرآن است. آیت‌الله مصباح در تفسیر قرآن مبتکر مدل تفسیر موضوعی نظام‌مند قرآن است. این مدل ابتکاری، تفسیر موضوعی را دارای چهار ویژگی و امتیاز کرده است:

۱. تفسیر ایشان کل‌نگرانه و جامع تمام موضوعات قابل بررسی در قرآن بوده و استاد در عمل نیز آن را اجرا و عرضه کرده است؛

۲. تفسیر ایشان مطابق و متناسب با منظومه نظام‌های اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی اسلام است؛

۳. تفسیر ایشان در پیوند با دانش‌های اسلامی و علوم انسانی است؛

۴. تفسیر ایشان ناظر به چالش‌ها و شبهات روز و رفع و دفع آنهاست و از خلال این ویژگی‌ها می‌توان اضلاع شخصیت علمی - تفسیری استاد مصباح را بهتر شناخت.

علاوه بر این، استاد مصباح در تفسیر قرآن، نه یک مفسر عادی، که یک شخصیت علمی اندیشه‌ورز و نظریه‌پرداز است. وی دانش تفسیر را از سبک رایج آیه‌ای و ترتیبی به سبک تفسیر منظومه‌ای و موضوعی در مقام نظر و عمل ارتقا و توسعه بخشیده است.

آثار علمی استاد مصباح در حوزه تفسیر قرآن امتیازات خاصی دارد. این آثار، بخش کمتری در تفسیر ترتیبی

آیه‌ای هستند و عمدتاً به تفسیر موضوعی قرآن تعلق دارند. امتیاز مهم آثار تفسیری استاد مصباح این است که نظام و منظومه اندیشه اسلامی را در چهار حوزه «موضوعات و مسائل بنیادین الهیاتی»، «مبادی نظامات اخلاقی و اجتماعی»، «مسائل نظامات اخلاقی و اجتماعی» و نیز «احکام عبادی و فردی انسان» براساس آموزه‌ها و اندیشه‌های قرآنی تغذیه و تنظیم و سامان‌دهی می‌کند.

منابع

- اسماعیلی، سیدمحمد، ۱۴۰۰، «بررسی تطبیقی روش تفسیر موضوعی آیت الله مصباح یزدی و آیت الله جوادی آملی»، *عیار پژوهش در علوم انسانی*، ش ۲۴، ص ۵۳-۷۰.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۴، *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، تهران، اسراء.
- _____، بی‌تا، *تفسیر موضوعی قرآن مجید*، تهران، اسراء.
- رجبی، محمود، ۱۳۸۸، «تفسیر موضوعی قرآن از منظر استاد محمدتقی مصباح»، *قرآن‌شناخت*، ش ۴، ص ۱۴۶-۱۱۱.
- سحانی، جعفر، ۱۳۶۰، *منشور جاوید قرآن*، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین.
- _____، ۱۴۰۰ق، *مفاهیم القرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- صدر، محمداقبر، ۱۴۰۰ق، *المدرسه القرآنیة*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.
- عزیزی‌کیا، غلامعلی، ۱۳۹۵، «نگاهی به مبانی تفسیر قرآن در آثار استاد آیت الله مصباح»، *معرفت*، ش ۲۲۲، ص ۱۳-۲۸.
- فیروزیان، شبیر، ۱۳۹۱، *بررسی مبانی و آراء تفسیری آیت الله مصباح یزدی*، پایان نامه ارشد، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی و دیگران، ۱۳۶۲، *پرتوی از امامت و ولایت در قرآن*، ترجمه محمد امینی، چ دوم، تهران، میقات.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۶۱، *درس گفتارهای معارف قرآن*، تهران، دانشگاه الزهراء.
- _____، ۱۳۶۱، *درس‌های معارف قرآن کریم*، تهران دانشگاه الزهراء.
- _____، ۱۳۶۷، *معارف قرآن ۱-۳*، قم، مؤسسه در راه حق.
- _____، ۱۳۸۳، *به‌سوی تو*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ☞.
- _____، ۱۳۸۸الف، *رستگاران*، چ سوم، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ☞.
- _____، ۱۳۸۸ب، *لقای الهی*، چ دوم، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ☞.
- _____، ۱۳۸۹، *خداشناسی*، تحقیق امیررضا اشرفی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ☞.
- _____، ۱۳۹۴، *پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی*، چ پنجم، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ☞.
- _____، ۱۴۰۳، *مشکات فیروزان ددر تفسیر قرآن*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ☞.
- _____، بی‌تا، *خلقت انسان از نظر قرآن*، تدوین محمود محمدی عراقی، قم، شفق.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۶۷، *پیام قرآن*، قم، مدرسه الامام امیرالمؤمنین ☞.
- _____، ۱۳۷۹، *اخلاق در قرآن*، چاپ دوم، قم، مدرسه الامام امیرالمؤمنین.
- مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ☞، ۱۳۸۹، *تبیین ضرورت معارف قرآن کریم*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ☞.

نوع مقاله: پژوهشی

مفسران برجسته حوزه علمیه قم در سده اخیر؛ آیت‌الله جوادی آملی*

مجید حیدری فر / استاد سطح عالی و خارج حوزه علمیه قم

dr.mheidarifar313@yahoo.com  orcid.org/0002_0002_6606_1880

دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۶ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۱

چکیده

این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به شخصیت، مکتب و آثار تفسیری آیت‌الله عبدالله جوادی آملی از مفسران بنام حوزه علمیه قم در سده چهاردهم شمسی می‌پردازد. مقاله با کاویدن جنبه‌های مختلف مکتب تفسیری ایشان از طریق تحلیل مبانی، قواعد، روش و منابع تفسیری و بیان ویژگی‌های کتاب تسنیم، اثر مهم تفسیری وی، جایگاه و منزلت تفسیری او را در میان مفسران سده اخیر نشان می‌دهد و تأثیر علمی او را در زمینه تفسیر بر نسل فعلی حوزویان و طالبان معارف قرآن اجمالاً می‌نماید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که استاد آیت‌الله جوادی آملی ضمن تسلط بر علوم عقلی و نقلی، یکی از مفسران برجسته و توفیق‌مند معاصر حوزه قم است که با تأسی به سیره علامه طباطبائی در جهت مهجوریت‌زدائی از ساحت قرآن، با برگزاری درس تفسیر قرآن و ارائه نوآوری‌هایی در عرصه مبانی و روش تفسیر و نیز در برداشتهای متفن و بدیع از محتوای آیات همراه با بیان اشارات و لطایف قرآن، معارف و آموزه‌های این کتاب الهی را به نحو احسن به جامعه علمی عرضه کرده است. خلق تفسیر عظیم تسنیم با ویژگی‌های ممتاز و مجلدات پر تعداد و تفسیر موضوعی قرآن شاهدهی بر این حقیقت و نمایانگر خلاقیت‌های علمی استاد و آئینه شخصیت و مقام او در این زمینه است.

کلیدواژه‌ها: عبدالله جوادی، شخصیت تفسیری جوادی آملی، روش‌شناسی تفسیر، مبادی و منابع تفسیر، مبانی و قواعد تفسیر، مفسران سده چهاردهم، حوزه علمیه قم.

استاد فرهیخته آیت‌الله جوادی‌آملی از دانشمندان بنام و مفسران ژرف‌اندیش قرآن مجید در دوران معاصر است. او در پرتو به کارگیری استعداد خدادادی و تلاش بسیار در بهره‌مندی از استادان برجسته، به جامعیت علوم عقلی و نقلی دست یافت و شاگردان فراوانی را در مکتب خودش پروراند و ده‌ها اثر علمی به مشتاقان عرضه کرد. **تفسیر تسنیم و تفسیر موضوعی قرآن** مهم‌ترین اثر ایشان در حوزه علوم نقلی است. وی در تفسیر از خرمن پرفضیلت استادانی چون علامه طباطبائی^۱ بهره‌مند شد و با اهتمام فراوان به حفظ سیره و توسعه و تحکیم سنت استادانش، به ویژه علامه طباطبائی مبنی بر مهجوریت زدائی از ساحت قرآن حکیم و معارف بی‌مانند آن، کرسی رسمی تفسیر را در حوزه علمیه قم دائر کرد. از این رهگذر، اندکی از مهجوریت قرآن کاست و بدان رونق بخشید و جان طالبان معارف ناب را سیراب کرد و شیفتگان کتاب الاهی را گرد شمع وجودی خویش گرد آورد و حلقه‌های تفسیری کوچک و بزرگ در حوزه تشکیل شد. بیان شیوا و دلنشین، محتوای متعالی و نوآوری‌های ایشان در عرصه علوم قرآن چه در روش، مبادی، منابع، مبانی و قواعد تفسیر و نیز معارف قرآنی، دل‌های شیدایان آموزه‌های قرآن مجید را سوی خودش جلب کرد. در سده اخیر، سلوک علمی و عملی استاد، در بالندگی استادان و رویکرد دانش‌اندوزان حوزه علمیه قم به معارف قرآن، تأثیر بسزائی داشته و دارد.

این مقاله شخصیت تفسیری استاد آیت‌الله جوادی را از خلال توصیف و بررسی مکتب تفسیری ایشان و نیز تحلیل اجمالی دستاوردهای فکری تفسیری وی، یعنی دو اثر گرانسنگ و پربرگ «تسنیم در تفسیر قرآن کریم» و «تفسیر موضوعی قرآن» پی می‌گیرد و زوایا و برجستگی علمی استاد را در این زمینه به تصویر می‌کشد.

تا آنجایی که نگارنده اطلاع دارد اثر یا پژوهشی با این ویژگی‌ها تاکنون ارائه نشده است جز یک مقاله با عنوان «مدرسه تفسیری علامه جوادی آملی» (رک: مدبر، ۱۳۹۶) که مبانی، روش و گرایش تفسیری آیت‌الله جوادی‌آملی را مورد بحث قرار داده و ویژگی‌های تفسیر تسنیم را بر شمرده است و ما در نوشتن مقاله حاضر کمابیش از آن سود برده‌ایم اما مقاله یادشده رو به اختصار و اجمال دارد و همه وجوه مبانی و روش استاد جوادی آملی را نکاویده است. آثار دیگری هم در باره شخصیت تفسیری ایشان یافت شد که نوعاً به صورت اجمالی به جنبه‌ای از جنبه‌های مکتب تفسیری استاد جوادی آن هم به صورت محدود اشاره دارند؛ از جمله این آثار می‌توان به مقالات ذیل اشاره کرد: مقاله «اصول روش تفسیری آیت‌الله جوادی آملی» (شجریان، ۱۳۹۶) به تعدادی از مبانی تفسیری استاد پرداخته است. «روش تفسیری قرآن به قرآن در آراء آیت‌الله جوادی آملی» (تفضلی و معارف، ۱۳۹۷) صرفاً به اجمال به روش تفسیری آیت‌الله جوادی بحث شده است. مقاله «نقش پیش فرض‌ها و پیش فهم‌ها در تفسیر قرآن کریم از منظر آیت‌الله جوادی آملی» (حاجی اسماعیلی و دیگران، ۱۳۹۴) نیز بعضی از مبانی تفسیری استاد جوادی را اجمالاً ورود کرده است.

شخصیت تفسیری استاد جوادی در یک نگاه کلی

اثر هر مؤلفی می‌تواند آینه صفات و ملکات او باشد. آثار آیت‌الله جوادی آملی به‌ویژه تفسیر تسنیم نیز مظهر مکارم مفسر بزرگوار آن است که او را بسان الگوئی توفیق‌مند برای رهپویان معارف الهی قرار داده است. اکنون به برخی برجستگی‌های ایشان اشاره می‌شود:

۱. آزاد اندیشی؛ این خصلت استاد را در نقد و ارزیابی اندیشه‌های تفسیری استوانه‌های بزرگی مانند طبری (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱۰، ص ۲۶۹؛ ج ۱۳، ص ۵۹۸) و شیخ طوسی (همان، ج ۱۳، ص ۲۸۵؛ ج ۱۴، ص ۶۵۴ و ج ۱۵، ص ۴۷۳) و سید محمود آلوسی (همان، ج ۱۴، ص ۴۶۷) و قرطبی (همان، ج ۱۴، ص ۴۲۶) و زمخشری (همان، ج ۱۵، ص ۴۷۳) و فخر رازی (همان، ج ۱۳، ص ۲۸۴؛ ج ۱۴، ص ۱۸۵ و ج ۱۵، ص ۲۲۸) و صدرالمآلهین شیرازی (همان، ج ۲، ص ۱۰۱) و محمد عبده (همان، ج ۱۰، ص ۳۸۹؛ ج ۱۴، ص ۱۶۷ و ج ۱۵، ص ۱۰۲) و علامه بلاغی (همان، ج ۱۳، ص ۵۷۳ و ج ۱۵، ص ۹۷) و علامه طباطبائی (همان، ج ۲، ص ۱۴۵؛ ج ۳، ص ۹۲ و ج ۹، ص ۳۴۷) می‌توان مشاهده کرد.

۲. کلان‌نگری؛ جامعیت علمی و بهره‌مندی فراوان ایشان از علوم گوناگون اسلامی، به ویژه تفسیر و حدیث سبب شده در بررسی مسائل علمی از یکسونگری پرهیز کند و با نگاهی جامع به ارزیابی و تحلیل بپردازد.

۳. روشمندی در استنباط؛ از بزرگ‌ترین شاخص‌های پژوهشی و آموزشی استاد «روشمندی» است. در تسنیم بدون دخالت دادن ذوق و سلیقه خود یا دیگران و پرداختن به استحسانات عقلی و عرفی، با پابندی به ضوابط درست شناخت معارف قرآن، به تفسیر آن می‌پردازد.

۴. مخاطب‌محوری در مقام تعلیم؛ مراد از این ویژگی، توجه به نیازهای علمی و سطح فهم و اندیشه مخاطبان و میدان دادن به پرسش‌ها و نقدهای آنان است. این شاخص از علل حجیم شدن برخی آثار ایشان مانند تسنیم است؛ چنانکه المیزان نخست در دو جلد تدوین شده بود و پس از حضور شاگردان فهیم و سختکوشی چون شهید آیت‌الله مطهری و آیت‌الله مصباح و آیت‌الله جوادی و... در محضر علمی علامه طباطبائی^ع به بیست جلد گسترش یافت.

۵. قدرشناسی از استادان و پیشگامان؛ آیت‌الله جوادی در جای جای آثار خود از پیشگامان دانش‌های گوناگون اسلامی، به‌ویژه تفسیر و علوم قرآن و میراث گرانقدر آنان قدردانی و بارها از استادش علامه طباطبائی^ع به عظمت یاد کرده است.

۶. برخورداری از اخلاق متعالی و کریمانه علمی ایشان را در جایگاه یکی از استادان کم‌نظیر جهان اسلام قرار داده است. به نحوی که سازمان آموزشی و علمی و فرهنگی سازمان کنفرانس اسلامی (آیسیسکو) در پیام خود به مناسبت برگزیده شدن تفسیر تسنیم با عنوان «تحقیق برتر در عرصه مطالعات اسلامی و قرآنی» در سال ۱۳۸۵ خورشیدی خطاب به ایشان با عنوان «حکیم متأله، فقیه و مفسر برجسته و گرانقدر» چنین آورده‌اند: «اثر برجسته جناب عالی در تفسیر قرآن کریم «تسنیم» با عنوان تحقیق برتر در عرصه مطالعات اسلامی و قرآنی

انتخاب گردیده است و به پاس سال‌ها بهره‌مندی متفکران جهان اسلام از اندیشه‌های بلند و بینش و دانش وسیع حضرت عالی به ویژه در زمینه تفسیر قرآن کریم که بخشی از آن در تفسیر شایسته فوق تجلی یافته است.»

مکتب تفسیری استاد جوادی آملی

دو مصطلح قرآن‌پژوهی «مدرسه تفسیری» یا «مکتب تفسیری» بیانگر شاخص‌ها و شخصیت تفسیری یک مفسر است. «روش‌شناسی تفسیر قرآن» نیز تعبیری نوپیدا به شمار می‌آید و در نظر نگارنده هر دو تعبیر، به چند زیر شاخه نظر دارند: تشریح مبانی و قواعد و منابع و ابزار و مراحل تفسیر و روشن ساختن گرایشی که مفسر در عملیات تفسیر و کشف مراد الهی از آن بهره می‌برد.

در بررسی مدرسه تفسیری استاد، به گزارش اجمالی از نوآوری‌های ایشان در تبیین «مبانی و منابع و روش و ابزار و مراحل و گرایش تفسیری» و «سیمای ساختاری و بافتاری تفسیر تسنیم» و تمایز آن با دیگر تفاسیر سده اخیر می‌پردازیم (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱؛ همو، ۱۳۸۶، ج ۱).

یکم. مبانی و قواعد تفسیر

مبانی جمع مینا در لغت به معناب پایه و اساس است و به پیش‌پژوهش‌های نظری و زیرساخت‌های فکری مفسر (هست و نیست‌ها) و قواعد جمع قاعده به ضوابط و روساخت‌های اجرائی (بایدها و نبایدها) در تفسیر گفته می‌شود، پس مبانی خاستگاه تولید قواعد به شمار می‌آیند و چندین زیرشاخه دارند: «مبانی هستی‌شناختی و زبان‌شناختی و معرفت‌شناختی و روش‌شناختی و گفتمان‌شناختی و زیبایی‌شناختی».

۱. مبانی صدوری و هستی‌شناختی و قواعد برآمده از آن‌ها

اگر قرآن را از نگره هستی‌مندی مقدس و پدیده‌ای آسمانی بنگریم، در آثار استاد با این نمونه از مبانی روبه‌رو هستیم:

الف. وحیانی بودن الفاظ و معانی قرآن

قرآن حکیم، سخن خدای سبحان است و همه الفاظ و معانی، ساختار و بافتار آن وحیانی است. نقش رسول خدا ﷺ فقط تبلیغ و تعلیم و تبیین آن است، پس قرآن «الهیُّ الإیجاد و محمدیُّ الإِبلاغ» است (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ص ۱۶۸-۱۷۸ و ۲۷۲).

ب. سلامت قرآن از تحریف

برپایه ادله عقلی و نقلی معتبر، قرآن از هرگونه تحریف (زیادت و نقص) مصون است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۲). افزون بر تسنیم، استاد در اثر مستقلی به نام نزهت قرآن از تحریف، مفضلاً تحریف ناپذیری قرآن را ثابت کرده و به شهرهات مرتبط پاسخ داده است (همو، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۹۹-۹۸). برای نمونه، کتاب تحریف شده اعتبار و حجیت ندارد و نمی‌تواند منبع معارف دین‌جاودانی و جهان‌شمول اسلام و عامل هدایت بشر تا رستاخیز بوده و معیار سعادت

ابدی انسان و میزان و معیاری برای ارزیابی روایات معصومان علیهم السلام قرار گیرد (همو، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۸۶ و مدبر، ۱۳۹۶ ص ۷-۸).

ج. جامعیت و جاودانگی و جهان شمولی

قرآن مجید کتابی است فراگیر در این سه عرصه: به دیده مخاطب= عوام و خواص؛ از منظر قلمرو = اندیشه و اخلاق و احکام؛ از نگره نیازهای هدایتی انسان تا روز قیامت= مادی و معنوی، دنیائی و آخرتی: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۱-۳۴). همچنین کتابی فرازمانی و فرازمینی، فراشخصی و فراگروهی، همیشگی و همگانی است. رسالت هدایت همه انسان‌ها را در تمامی زمان‌ها و زمین‌ها برعهده دارد و پاسخگوی همه نیازهای آنان است. آیاتی که به مناسبت رویدادهای خاصی فرود آمده‌اند، در انحصار موارد نزول خود نیستند؛ بلکه در آینده همانند گذشته، جریان و سریان دارند و «مورد نزول» جز آیاتی اندک، مختص آن نیست. در عرف روایات، از این ویژگی به «جبری» (جاری بودن احکام قرآن در همه عصرها و نسل‌ها) یاد شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۶۷-۱۶۹ و ۲۳۳-۲۳۴).

از مبانی پیش گفته، قواعد زیر استنباط می‌شود:

۱. لزوم اعتماد به وحی‌انیت قرآن و قداست آن؛
۲. لزوم اعتماد به قرائت نبوی و مقبول معصومان؛
۳. لزوم اعتماد به ساختارچیدمانی آیات در سوره‌ها؛
۴. روانی و بایستگی استنباط و اجتهاد با استناد به متن قرآن؛
۵. جواز استناد به معانی واژگان و عبارات قرآن در کشف مراد الاهی؛
۶. لزوم کشف و استخراج آموزه‌های قرآنی در سطوح مختلف مخاطبان و همه نیازمندی‌های آنان؛
۷. لزوم عمل به فراگیری خطابات قرآنی به غائبان و معدومان و کافران؛
۸. لزوم اعتماد به اطلاق وارد، نه خصوصیت مورد؛
۹. لزوم کشف آموزه‌های بینشی و گرایشی و کنشی قرآن.

۲. مبانی دلالی و زبان شناختی و قواعد برآمده از آن‌ها

اگر قرآن را در قالب یک متن گفتاری بنگریم، باید در کشف مراد از آن، مبانی مشترک و مختصی را بپذیریم. برای نمونه چند عنوان را برمی‌شماریم:

الف. امکان فهم‌پذیری همگانی

سخنی در قرآن نیست که انسان‌های متعارف از درک آن ناتوان باشند؛ هرچند آیاتی دارد که فقط اندکی به ژرفای آن دست می‌یابند؛ مانند سوره اخلاص و آیات آغازین سوره حدید و آیه بیانگر برهان تمناع: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا

الله لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ» (انبیاء: ۲۲). راز سازگاری در این است که قرآن حکیم، محتوای عمیق همان آیات را در قالب تمثیل و داستان بیان می‌کند تا در دسترس فهم همگان قرار گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۲، ۳۶، ۳۸، ۷۳، ۹۰؛ همو، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۶۸؛ همو، ۱۳۹۸، ص ۷۴؛ مدبر، ۱۳۹۶، ص ۹).

ب. حجیت ظهور تفکیکی و ترکیبی (کلمات و جملات)

قرآن در دلالت بر محتوای خودش حجت مستقل است و حجیت ظواهر آن با ادله گوناگون ثابت شده و سخن برخی اخباریان درباره حجت نبودن ظواهر قرآن درست نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۸)، چون نور و تیبان بودن قرآن همگانی است و به معصومان علیهم‌السلام اختصاص ندارد. از سوی دیگر، این سخن در ستیز با آیاتی است که همگان را به تدبّر و تحدی و تعقل و تفکر فراخوانده است؛ هرچند به یقین فهم دقیق و عمیق معارف کتاب مکنون، ویژه مفسران راستین، اهل بیت رسالت است و تنها پاکان به آن دسترسی دارند (همان، ص ۸۹؛ همو، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۷۵).

ج. استقلال دلالتی نسبی

بر پایه نظر استاد، قرآن مجید در ارائه خطوط کلی دین مستقل است و به هیچ چیز دیگر نیاز ندارد، پس دلیل مستقل به شمار می‌رود؛ هرچند حجت منحصراً نیست و رهیافت‌های قرآنی پیش از جستار در روایات مفسران راستین قرآن یعنی اهل بیت رسالت برای اعتقاد و عمل صلاحیت ندارند (همان، ص ۱۵۹-۱۶۲؛ مدبر، ۱۳۹۶، ص ۹).

د. امکان کاربست زبان دوم (مجاز و تمثیل و استعاره)

اصل در ادبیات نوشتاری و گفتاری، رعایت مرزهای حقیقت است؛ لیکن گاه کاربست مجاز و تمثیل و استعاره سبب آسان‌یابی فهم و گویائی متن و زیبایی آن می‌گردد. این گونه هنرنمایی و کاربردهای زبان دوم و دلنشین کنایات، در قرآن بسیار دیده می‌شود (حیدری فر، ۱۳۹۴، ص ۸۰-۱۲۰).

ه. امکان تغییر ساختار سخن

یکی از ابزار شکار گوش و هوش شنونده، ایجاد تغییر در آهنگ یا چیدمان سخن با هدف تأکید بر آن است. در اصطلاح قرآن‌پژوهی از این صنعت به التفات یاد می‌شود (از حاضر به غائب یا متکلم یا بالعکس) که در المیزان و تسنیم به کرات و مرآت از آن نام برده شده است.

و. امکان روشنگری آیات نسبت به یکدیگر

بر پایه رهیافت عقل مصباحی، هر نویسنده یا سخنوری می‌تواند برای تفهیم دقیق مرادات خود، به گونه متصل و پیوسته یا منفصل و گسسته، از قرائن و شواهدی مدد بگیرد. این امکان در سخنان وحیانی خدای سبحان نیز جریان دارد و روش تفسیری قرآن با قرآن بهترین ارمغان آن است.

بر اساس مبانی پیش گفته، قواعد زیر استنباط می‌شود:

۱. لزوم پرداختن به فهم و کشف مرادات الهی از آیات؛
۲. بایستگی اخذ به ظهور کلمات و جملات (قاعده سباق و سیاق)؛
۳. لزوم تبیین آیات مجمل؛
۴. لزوم تأویل آیات متشابه؛
۵. لزوم استخراج معانی ظاهری و باطنی؛
۶. لزوم کشف زبان دوم و مفاد مجازات و تمثیلات و تشبیهات و کنایات قرآن؛
۷. لزوم کشف چرایی (ادله) التفات و جابه‌جائی ساختاری سخن (حکمت تقدیم و تأخیر)؛
۸. لزوم کشف چرایی (فوائد) تغییرات ساختاری سخن؛
۹. لزوم توجه به قرائن متصل و منفصل.

۳. مبانی علمی و معرفت‌شناختی و قواعد برآمده از آنها

اگر قرآن را از زاویه علمی و ماهیت آموزه‌های معرفتی آن بنگریم، با این مبانی رو به رو می‌شویم:

الف. امکان و ضرورت تفسیر قرآن

متن قرآن مبهم و معماگونه نیست تا تفسیرپذیر نباشد (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۹۳۸؛ ص ۸۸). امام باقر^ع فرمود: «هر کس قرآن را مبهم بیندارد، هم خودش را نابود کرده است، هم دیگران را.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸۹، ص ۹۰) همچنین معارف قرآن بدیهی نیستند تا نیاز به تفسیر نداشته باشند. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۲-۵۴) «نور بودن قرآن» (نساء: ۱۷۴؛ مائده: ۱۵) در برابر تیرگی ابهام است نه ژرفائی، پس نور بودنش به معنای بدهت و بی‌نیازی از تفسیر نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۶). قرآن در عین نور بودن، دربردارنده معارف بلندی است که ضرورت تفسیر آن را آشکار می‌کند (همان، ص ۵۲-۵۴).

استاد بزرگوار دیدگاه افراطی (برای اثبات انحصار حجیت در روایات و رویگردانی از قرآن، آن را بی‌زبان و آبکم^۱ پنداشتن و جز معماهای نامفهوم چیزی برای آن باقی نگذاشتن یا زبان آن را رمز محض به معارف باطنی پنداشتن که جز اندکی، به آن دسترسی ندارند) و تفریطی (صرف دانستن عربی را برای فهم قرآن کافی انگاشتن و افراد عادی را برای فهم معانی قرآن صالح پنداشتن و نیاز به علم تفسیر را منکر شدند) را نمی‌پذیرد و به دیدگاه اعتدالی معتقد است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۹۳۸).

ب. لایه‌ها و سایه‌های معنایی

قرآن حکیم کتاب اندر کتاب و هستی‌مندی برخوردار از باطن و حقیقت وجودی نوری و فرامادی است: (إِنَّهُ لَقُرْآنٌ

کَرِيمٌ * فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ * لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (واقعه: ۷۷-۷۸). افزون بر معانی ظاهری، سایه‌های نامحسوس و لایه‌های باطنی نیز دارد که از آن به «حقائق» یاد و در روایات معصومان علیهم‌السلام ظاهر و باطن داشتن قرآن بیان شده است.

عن جابر قال: سألت أبا جعفر علیه‌السلام عن شيء في تفسير القرآن فأجابني، ثم سألته ثانية فأجابني بجواب آخر، فقلت: جعلت فداك، كنت أجت في هذه المسألة بجواب غير هذا قبل اليوم؟! فقال لي: «يا جابر، إن للقرآن بطناً وللبطن بطناً وظهراً وللظهر ظهراً؛ يا جابر! وليس شيء أبعد من عقول الرجال من تفسير القرآن، إن الآية ليكون أولها في شيء وأوسطها في شيء وآخرها في شيء وهو كلام متصل يتصرف على وجوده». تفسير القمي، ج ۱، ص ۱۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸۹، ص ۹۴-۹۵.

معانی ظاهری نیز خود دارای سطوح سه گانه طولی «عبارات» و «اشارات» و «لطائف» اند. برپایه برخی روایات، عبارات قرآن که نازل‌ترین سطح معنایی قرآن است، بهره توده مردم است و اشاراتش سهم دانشمندان و لطائف آن حظّ اولیای الهی و حقائقش نصیب معصومان علیهم‌السلام: «كتاب الله على أربعة أشياء: على العبارة والإشارة واللطف والحقائق، فالعبارة للعوامّ والإشارة للخواصّ واللطف للأولياء والحقائق للأنبياء.» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ص ۵۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸۹، ص ۲۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۷۷). هدایت قرآن عمومی است؛ لیکن همگان توفیق بهره‌گیری از همه مراتب آن را ندارند، زیرا اموری مانند تقلید باطل از گذشتگان و گناه و عناد ملحدانه، قفل‌های قلب و مانع تدبّر و بهره‌وری بهینه از قرآن هستند: (أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا) (محمد، ۲۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۷-۳۸؛ همو، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۰-۳۱؛ همو، ۱۳۹۸، ص ۷۷).

ج. هماهنگی معانی باطنی با معارف ظاهری

همان‌گونه که معانی ظاهری قرآن با یکدیگر هماهنگ‌اند، معانی باطنی آن نیز با هم سر سازگاری دارند؛ چنانکه پیوند هر ظاهر با باطن برتر از خودش محفوظ است. براین اساس، همان‌گونه که با روش تفسیر قرآن با قرآن می‌توان از راه پیوست ظهورات به یکدیگر، معارف عام قرآن را دریافت، از انضمام باطن‌ها به یکدیگر نیز راه دستیابی به معارف خاص آن گشوده می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۲۸؛ همو، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۹۶-۹۷؛ مدبر، ۱۳۹۶، ص ۱۰).

د. تعمیم ابزار شناخت به فراتر از حسّ و تجربه (امکان استدلال‌های عقلی)

پذیرش اندیشه گسترش ابزار فهم و شناخت حقائق هستی به بیش‌تر از حواس انسان (بینائی و شنوائی و چشائی و بساوائی و بویائی) و استناد به رهیافت‌های عقلی از مبانی معرفت‌شناختی تفسیر قرآن به شمار می‌رود. به فرموده استاد، از کارکردهای سه گانه عقل (مفتاحی و مصباحی و میزانی یا برهانی) نوع دوم و سوم در تفسیر قرآن جریان دارد و روش تفسیر عقلی در گونه سوم تجلّی می‌یابد.

به باور علامه جوادی، عقل برهانی از منابع علم تفسیر برای دستیابی معارف قرآنی است؛ همان قوه‌ای که با اصول ضروری و علوم متعارف خویش، اصل وجود مبدأ و معاد و نبوت و اسما و صفات خدا را ثابت می‌کند. اگر عقل با شرائط ویژه برهان بیندیشد و گرفتار وهم و خیال و مغالطه نشود، رسول باطنی خداست و رهاوردش حجت الاهی است. عقل در تفسیر قرآن گاه چونان مصباح (چراغ) عمل می‌کند؛ یعنی با تأمل در شواهد داخلی و خارجی آیه، معنای آن را در می‌یابد که این، گونه‌ای از تفسیر نقلی به شمار می‌رود، نه تفسیر عقلی، زیرا با تدبیر در منابع نقلی به دست آمده است. گاه نیز عقل در تفسیر قرآن منبع معرفتی است؛ یعنی برخی مبادی تصویری و تصدیقی، استدلالی تفسیری از منبع ذاتی عقل برهانی استنباط می‌شوند که در اصطلاح تفسیر قرآن با عقل است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۶۹-۱۷۰).

آری عقل برهانی از گزند مغالطه و آسیب وهم و خیال ایمن است و در استنباط معارف دینی از قرآن کریم با عنوان حجت الاهی حضوری مؤثر دارد؛ اعم از مرحله استنباط از خصوص یک آیه یا مجموع قرآن. براین اساس، عقل در حکم دلیل لیبی برای کلام خداست؛ هرچند معارف مستفاد از متون نقلی -مانند قرآن- گوناگون‌اند و عقل در هر بخش داوری ویژه‌ای دارد (همان، ص ۱۶۲).

ه. تأثیرناپذیری از فرهنگ زمانه

قرآن حکیم به لسان قوم و فرهنگ متناسب با زمان و زمین نازل شده است؛ یعنی خدای مئان با توجه به آداب و رسوم و ادبیات مخاطبان به هدایتگری مردم می‌پردازد. برای نمونه در دعوت به توحید ربوبی، از مطالعه آفاقی در آفرینش صحرا و دریا و کوه‌های بلند و شتر... (نه از جنگل و حیوانات آن مانند ببر و پلنگ و کانگورو...) سخن می‌گوید که برای مخاطبان نخستین، امری محسوس و ملموس بود؛ لیکن هرگز دچار فرهنگ شرک آلود و خرافاتی زمانه خود نشد.

بر اساس مبانی پیش‌گفته، قواعد زیر استنباط می‌شود:

۱. لزوم کشف معانی ظاهری آیات؛
۲. بایستگی جستار از معانی باطنی و معارف عمیق و دقیق قرآن؛
۳. لزوم پرهیز از معانی تأویلی ناهمگون با ظواهر آیات؛
۴. بایستگی بهره‌وری از رهیافت‌های عقل برهانی در کشف مرادات الاهی؛
۳. لزوم تبیین آیات مجمل؛
۴. لزوم تأویل آیات متشابه؛
۵. لزوم جداسازی تنزیل از تأویل؛
۶. پرهیز از تطبیق واژگان و جملات قرآن به معانی و مصادیق محدود دوران جاهلی.

۴. مبانی بیانی یا گفتمان شناختی

قرآن حکیم که پدیده کلامی خدای حکیم به شمار می‌آید، در بیان آموزه‌های خویش شیوه خاصی دارد. در این زمینه مبانی و قواعد پیش رو در آثار استاد به چشم می‌خورد:

۱. بیان مسائل عمیق علمی در قالب مثل: لزوم کشف پیام‌های مثل‌های قرآنی؛
۲. بیان ارزش‌های اخلاقی همراه با یادکرد منافع و مضار، نیز الگوهای ملموس و محسوس: لزوم تبیین منافع و مضار آموزه‌های اخلاقی و تربیتی و کشف الگوهای تربیت فردی و اجتماعی؛
۳. بیان احکام فقهی و حقوقی همراه با یادکرد نتایج و پیامدهای مثبت و منفی: لزوم کشف ابیدها و نبایدهای فقهی و حقوقی، لزوم تبیین و تحلیل پیامدهای احکام فقهی و حقوقی؛
۴. بیان اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی همراه با یادکرد انذار و تبشیر: لزوم کشف انذارها و تبشیرهای قرآنی؛
۵. بیان گزارش‌های تاریخی همراه با یادکرد پیام‌ها و پندها، نیز پرهیز از جزئیات مگر هنگام شبهه‌زدائی: لزوم کشف پیام‌ها و پندها، پرهیز از پرداختن به جزئیات ناسودمند؛
۶. بیان ویژگی‌های جهان هستی همراه با اشارات علم تجربی: لزوم کشف اشارات علم تجربی قرآن؛
۷. بیان افکار درگرنديشان و ابطال آن‌ها همراه با ادب و احترام: لزوم ادب در بیان اندیشه‌های مخالفان؛
۸. گزارش سخنان دیگران با دوری درباره حق یا باطل بودن آن‌ها: لزوم کشف درستی یا نادرستی سخنان منقول از دیگران در قرآن.

دوم. منابع و روش تفسیری استاد

بر پایه یافته‌های ما از بیان و بنان استاد در سراسر تسنیم و تفاسیر موضوعی، عمده منابع تفسیر سه چیز است: آیات قرآن و روایات مفسران اصیل آن یعنی اهل بیت رسالت علیهم‌السلام و عقل برهانی (عقل تجریدی و عقل تجربی)؛ یعنی برای فهم و کشف مراد جدی خدای سبحان از آیات قرآن، فقط باید از سه عنصر پیش مدد جست و به استناد آن‌ها به تفسیر روی آورد؛ هر چند گاه متواترات تاریخی یا قطعیات علوم تجربی نیز می‌تواند مستند کشف باشد.

«منهج یا روش تفسیری» پیوند تنگاتنگی با «منابع» دارد. بر این پایه، عنصر تعیین کننده در روش، منابعی است که مفسر از آن‌ها بهره می‌برد. بر پایه مباحث پیش گفته در منابع تفسیری از نگره استاد، روش‌های تفسیر چهار گونه دارد: قرآن با عقل؛ قرآن با قرآن؛ قرآن با روایات؛ قرآن با هر سه که نوع اخیر جامع اجتهادی نامیده می‌شود؛ یعنی مفسر بر اساس اجتهادش از منابع سه گانه در جایگاه خودش بهره می‌برد.

در این روش، مفسر با ژرف‌نگری هوشمندانه و دقت در شواهد درونی آیه و آیات دیگر، همچنین کاوش در قرائن بیرونی و روایات تفسیری معصومان علیهم‌السلام و استمداد از براهین عقلی به تفسیر قرآن می‌پردازد. روش تفسیری استاد از گونه جامع اجتهادی است؛ هر چند گسترده روش تفسیر قرآن با قرآن در تسنیم با دو روش دیگر قابل قیاس نیست.

۱. تفسیر قرآن با قرآن

از دیدگاه علامه جوادی آملی، آیات قرآن در ارائه معارف الهی، دو دسته‌اند: اصلی و فرعی؛ آیات فرعی به کمک آیات اصلی و محوری روشن می‌شوند (همان، ج ۱، ص ۶۱). قرآن نور و حجت مستقل است، پس می‌تواند مفسر خودش باشد. حجیت این شیوه تفسیر مانند حجیت قطع ذاتی است؛ هرچند معارف قرآن در حجیت همسان نیستند. برخی قطعی و حجت قطعی‌اند و بعضی ظنی و حجیت آن‌ها نیز ظنی است. در هر صورت، حجیت قرآن ذاتی است و در اعتبار خود وامدار چیزی نیست (همان، ج ۱، ص ۶۳-۶۴).

شایان بیان این که رهاورد تفسیر قرآن با قرآن پیش از فحص و بررسی دو منبع دیگر نمی‌تواند مبنای اعتقاد و اخلاق و عمل قرار گیرد (همان، ج ۱، ص ۱۵۹-۱۶۲).

از دید استاد، نخستین و مهم‌ترین منبع تفسیری در کشف مراد جدی از آیات قرآن، خود قرآن است. مفسر برپایه آگاهی فراگیر از معارف قرآنی، هر آیه‌ای را با استمداد از آیات هم‌سو تفسیر می‌کند و اگر دلیل یا تأییدی از برخی آیات برای آیه نیافت، آن را به گونه‌ای تفسیر می‌کند که با آیه دیگری ناسازگار نباشد و احتمالات ناسازگار با دیگر آیات را نمی‌پذیرد، چون با انسجام اعجاز‌آمیز قرآن حکیم در ستیز است. در پیشگفتار تسنیم اقسام دهگانه تفسیر قرآن با قرآن بیان و به شبهات مرتبط پاسخ داده شده است (همان، ص ۱۲۸-۱۳۳؛ مدبر، ۱۳۹۶، ص ۱۲).

۲. تفسیر قرآن با سنت

تفسیر قرآن با استناد به روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت رسالت علیهم السلام از روش‌های مقبول میان مفسران است. به باور استاد فرزانه، این شیوه تفسیری از بهترین راه‌های فهم قرآن و منابع مهم تفسیر به شمار می‌رود؛ لیکن در طول تفسیر قرآن با قرآن، نه در عرض آن، زیرا احادیث در دو جهت به قرآن وابسته‌اند:

الف. در تأمین اصل اعتبار؛ سخن اعجاز‌آمیز خدای سبحان حجیت ذاتی دارد، آنگاه به استناد آن، حقانیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ادعای رسالتش ثابت می‌شود، سپس سنت نبوی (اعم از قول و فعل و تقریر) به گونه مستقیم و سنت اهل بیت علیهم السلام به شکل نامستقیم و با بیان و رهنمودهای نبوی حجیت می‌یابند (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۳۳-۱۳۲).

ب. در تأیید محتوا؛ به گفته پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و اهل بیت رسالت علیهم السلام سخنان منسوب به آنان باید بر قرآن حکیم عرضه و در صورت موافقت یا عدم مخالفت تبیینی با آن پذیرفته شود (همان، ص ۷۹-۸۳)؛ هرچند سنت قطعی مانند قرآن مجید، میزان است نه موزون. روایات متواتر به دلیل قطع به صدور از معصوم صلی الله علیه و آله و یقین به جهت صدور حقیقی و تمامیت دلالت آن، از عرض بر قرآن بی‌نیاز است (همان، ص ۷۸-۸۲، ۱۳۹، ۱۴۱).

آری روایات تفسیری پس از کسب اصل حجیت (پس از تأیید محتوای آن‌ها بر اثر عدم مخالفت تبیینی با قرآن) و داشتن صلاحیت تفسیر سخنان خدا، در خدمت تفسیر قرآن قرار می‌گیرند؛ در رویارویی با یکی از احتمال‌های هم‌رتبه در معنای آیه، با بهره‌گیری از روایت معتبر تفسیری می‌توان احتمالی را ترجیح داد (همان، ص ۱۳۳).

حضرت استاد در تفسیر هر آیه از ادله و مؤیدات روایی بهره گرفته و آیه را به گونه‌ای تفسیر می‌کند که با سنت قطعی معصومان علیهم‌السلام ناسازگار نباشد، زیرا تباین قرآن و سنت، به افتراق دو حبل الاهی می‌انجامد که بر پایه حدیث متواتر ثقلین، گسست‌ناپذیرند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸۹، ص ۱۰۳؛ مدبر، ۱۳۹۶، ص ۱۳-۱۴).

۳. تفسیر قرآن با عقل برهانی

در تفسیر تسنیم، عقل‌گرایی و اشراف بر مباحث عقلی مشهود است. در این دیدگاه، عقل رسول باطنی خداست (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۸۹). به نظر استاد، در تفسیر آیه به صرف قطع به مطلبی، نمی‌توان از ظاهر یا نصّ متون دینی دست برداشت و بر خلاف آن حمل کرد؛ اگر قطع به مبدأ تصدیقی به ثبوت محمول برای موضوع به گونه ضروری بینجامد و انفکاک آن از موضوع مُحال باشد، می‌توان از ظاهر یا نصّ آیه یا روایت دست برداشت (همان، ج ۱۰، ص ۳۳۹).

برای نمونه در ردّ نسبت نسیان به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آورده است: «با صعود روح به مقام تجرّد عقلی که جایگاه حضور و ظهور دائمی است و هرگز غفلت در آن راه ندارد، جائی برای نفوذ شیطان باقی نمی‌ماند. بر پایه این دلیل عقلی قاطع، اگر ظواهر نقلی بر خلاف آن باشد، باید توجیه شوند» (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۹، ص ۵۸۶).

در نگاه استاد، قرآن حکیم براهین عقلی را ارج می‌نهد و از مخالفان و دگراندیشان نیز دلیل می‌طلبد و خودش نیز برای تبیین معارف الاهی، به ادله قطعی عقلی استناد می‌کند (همو، ۱۳۹۸، ص ۱۶۰-۱۶۱)، از این رو سند حجیت عقل به شمار می‌رود. عقل برهانی یا تجریدی، همان نیروئی است که اصل وجود مبدأ و معاد، وحی و نبوت و اسما و صفات خدا را ثابت می‌کند و رسول باطنی خدا و حجت الاهی است. بر این اساس، رهنمودهای عقل برهانی در همه زمینه‌ها، در دین‌شناسی و استنباط از قرآن حجت است و هرگز با قطع نظر از آن نمی‌توان به تفسیر قرآن پرداخت (همو، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۱۳، ۴۲۵).

عقل در تفسیر قرآن، گاه مانند «مصباح» عمل می‌کند؛ یعنی با تأمل در قرائن و شواهد درونی و بیرونی آیه، معنای آن را درمی‌یابد؛ این گونه تفسیر بی‌شک نقلی است نه عقلی، زیرا با تدبّر در منابع نقلی به دست آمده؛ هرچند کاشف آن عقل است. گاه نیز نقش «میزانی و منبع معرفتی» دارد؛ یعنی برخی مبادی تفسیر با استناد به عقل برهانی استنباط می‌شود؛ مانند تفسیر آیات بیانگر توحید ذاتی با استناد به برهان صرف الوجود. این شیوه «تفسیر قرآن با عقل» نام دارد (همو، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۶۹-۱۷۰).

بر پایه اعتقاد به حجیت عقل، رهیافت اثباتی یا سلبی عقل برهانی، باید در تفسیر آیات رعایت شود؛ یعنی اگر در معنای آیه‌ای چند احتمال باشد و جز یک محتمل معین، دیگر احتمالات عقلاً منتفی گردد، باید به کمک عقل برهانی، آیه را فقط بر همان محتمل تفسیر کرد؛ نیز چنانچه آیه‌ای دارای چند محتمل و یکی از آن‌ها طبق عقل برهانی ممتنع باشد، باید محتمل ممتنع را نفی و آیه را بدون ترجیح (در صورت فقدان رجحان) بر یکی از محتمل‌های ممکن حمل کرد (همان، ص ۵۷-۵۸).

بی شک تعارض عقل قطعی با نقل یقینی هرگز ممکن نیست. بر این اساس، تعارض بدوی با دقت در مفاد هر دو از میان می‌رود؛ چنانکه دو دلیل عقلی قطعی یا دو دلیل نقلی یقینی هرگز معارض یکدیگر نیستند (همو، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۶۳؛ مدبر، ۱۳۹۶، ص ۱۵-۱۴).

۴. تفسیر قرآن با رهیافت علوم تجربی و تاریخی

از دیدگاه استاد، محصول علوم را نباید بر قرآن تحمیل کرد؛ لیکن شواهد اطمینان‌بخش تجربی و تاریخی به مفسر کمک می‌کند تا معارف و معانی دقیق‌تر و عمیق‌تری استنباط کند. رهیافت‌های علوم تجربی و تاریخی تنها می‌تواند قرینه و زمینه برای درک محتوای آیات بیانگر ویژگی‌های جهان مادی و مباحث تاریخی قرآن باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۸).

هرگز نباید محتوای ظنی متون دینی را به شکل قطعی به حساب دین گذاشت و با برخی فرضیه‌های علمی موجود تطبیق کرد که در این صورت با تبدیل آن فرضیه، آموزه‌های دین در نظرها سست خواهد شد؛ چنانکه گروهی با تحمیل رهاورد هیئت بطلیموسی بر قرآن، به چنین وضع نامطلوبی گرفتار شدند (همان، ص ۱۵۸). تفسیر قرآن با دانش تجربی در خصوص آیات بیانگر نشانه‌های خدا در آفرینش نمود دارد؛ آسمان‌ها و زمین نخست «رتق» (بسته) بودند، سپس «فتق» (گشوده) شدند (انبیاء: ۳۰). این‌گونه معارف، نه «ثمره فقهی» دارند، نه «جزم علمی» در آن‌ها معتبر است.

همچنین آنچه از محتوای آن‌ها به شکل ظنی برداشت می‌شود، در همان محدوده گمان، قابل اسناد به دین است، نه بیش از آن. در اسناد مطلبی به مولا، مقدار فهم مستنبط و نصاب دلیلی که در دست و گونه یقینی که در دل دارد، همگی باید لحاظ شود؛ یعنی گاه اسناد قطعی (در صورت قطع) گاه ظنی (در حالت گمان) است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۷۱-۱۷۴).

از سوی سوم، اگر نظر دانشمندان علوم طبیعی و تجربی درباره آن‌ها دگرگون شود (در صورت کشف بطلان گزاره‌های علوم تجربی) می‌توان درباره استنباط از متون دینی نیز تجدید نظر کرد، زیرا تبدل مسائل طبیعی مستفاد از ادله نقلی مانند تبدل مسائل فقهی مستنبط از آن است و تفاوتی از این جهت وجود ندارد و پایه‌های دین با این‌گونه تبدل رأی‌ها سست نمی‌شود (همان، ص ۱۷۴؛ مدبر، ۱۳۹۶، ص ۱۵-۱۶).

به باور علامه جوادی آملی، در تفسیر قرآن باید به چهار نکته کلیدی توجه داشت:

۱. مفسر باید به غرر آیات سوره نگاهی ویژه داشته باشد و با تکیه بر آیات کلیدی که نسبت به دیگر آیات درخشش بیش‌تری دارند، قرآن را تفسیر کند. این‌گونه آیات، بیش‌تر بیانگر معارف توحیدی‌اند و قرآن حکیم باید برپایه آن‌ها تفسیر شود؛ یعنی با شناسایی و لحاظ آیات زیربنایی، هر احتمالی را که مخالف با آن‌ها باشد، باید باطل بداند و احتمالی را که به این آیات نزدیک‌تر باشد، باید ترجیح دهد، چون توحید زیربنای همه معارف دینی و پایه اخلاق و اعمال شایسته است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۳۰-۴۳۹).

۲. سیاق آیات، از عناصر مهم تفسیر قرآن به شمار می‌آید و اعتماد بر آن و تکیه بر شواهد درونی آیات، بر اساس نطق و شهادت و هموائی آن‌ها نسبت به یکدیگر (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳، بند ۷؛ متقی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۶۱۹ ح ۲۸۶) بر حدیث تفسیری مقدّم است؛ هرچند بهره‌گیری از سیاق، مشروط به احراز وحدت موضوع و وحدت نزول آیات است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۶۵؛ همو، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۹۴).

۳. آرای مفسران غیرمعصوم، از منابع معتبر تفسیر قرآن نیست و تنها در قالب نظر علمی محترم است؛ چنانکه در علم فقه، فتاوی فقیهان برای فقیه مستنبط حجیت ندارد. در این زمینه میان مفسران پیشین مانند صحابیان و تابعیان با مفسران اعصار پسین و معاصران تفاوتی نیست، زیرا هیچ یک از آن‌ها معصوم نیستند تا کلام آنان حجت شرعی و منبع استنباط احکام و حکم شریعت باشد (همو، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۳۲؛ همو، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۹).

۴. کشف و شهود عرفانی اهل معرفت نیز معیار تفسیر قرآن نیست و مشهود آنان، فقط در صورت انطباق با موازین قطعی دینی و اطمینان از صحت آن، از مصادیق آیه شمرده می‌شود، نه تفسیر مفهومی، نه محور منحصر آیه (اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۳؛ مدبر، ۱۳۹۶، ص ۱۶-۱۷).

ابزار و مراحل تفسیر از منظر آیت‌الله جوادی

از نگاه استاد، مفسر قرآن در کشف مرادات الاهی باید از ابزار و توانمندی‌های زیر برخوردار باشد:

آشنائی با علوم ساختارشناختی قرآن

آشنائی با لغت و صرف و نحو و معانی و بیان و بدیع و اشتقاق، نخستین شرط برای تفسیر قرآن است. عمومیت فهم قرآن بدین معنا نیست که هر کس، گرچه به قواعد ادبیات عرب و علوم مؤثر در فهم زبان قرآن آشنا نباشد، حق تدبّر و استنباط از قرآن را دارد و سرانجام می‌تواند به نتیجه فهم خویش استناد کند (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۹).

افزون بر توانمندی‌های ادبی، تحصیل علوم پایه ظرفیت فکری مفسّر را برای دریافت معارف قرآن گسترش می‌دهد. نور و تبیان بودن قرآن (استقلال در دلالت بر محتوای خود) و غنای محتوایی آن (از علوم بیرونی) اقتضا ندارد که مفسّر جاهلانه به قرآن رو کند و علوم پایه را نادیده بگیرد. مفسر نباید علوم و یافته‌های بشری را بر قرآن «تحمیل» کند؛ اما با آگاهی از دانش‌های گوناگون، می‌تواند زمینه دریافت آموزه‌های قرآنی را فراهم سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۸-۲۹). امیرمؤمنان علیه السلام دل‌ها را ظروف و بهترین آن‌ها را پر گنجایش‌ترین شناسانده است (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷). به نوشته زرکشی، هر کس بهره‌اش از دانش‌ها فراوان‌تر باشد، نصیب او از علم قرآن افزون‌تر است (زرکشی، ۱۳۹۱ق، ج ۲، ص ۲۵).

رعایت ضوابط و پرهیز از تفسیر به رأی

کاربست دقیق قواعد و استفاده درست از منابع و پرهیز از تفسیر به رأی، نماد روشمندی مفسر است. براین اساس،

کلام الاهی را نمی‌توان بدون ضابطه تفسیر کرد و آن را به خدای سبحان نسبت داد. در حقیقت تفسیر به رأی، نوعی تحمیل نظر شخصی بر قرآن و تطبیق قرآن با رأی مفسر است، نه تفسیر قرآن (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۰۸ و ۱۳۱).

شناخت چگونگی پیشرفت زبان و توسعه مفهومی واژگان

تفسیر همه معارف قرآن تنها با دستمایه‌های متعارف (آشنائی با قواعد ادبیات عرب و علوم پایه مؤثر در فهم) شدنی نیست. جائی که ظرفیت زبان عربی متعارف، تاب مطروف عمیق و دقیق وحیانی را ندارد، باید به «صنعت ادبی وحیانی» روی آورد که خدای سبحان در کالبد واژگان عرب ریخته و سطح ادبیات را بالا برده است؛ یعنی افزون بر ترابری مفاهیم عرفی، به فرابری معانی پرداخته است. برای نمونه:

الف. الفاظ برای «ارواح و هسته معانی» یعنی برای «مفاهیم اساسی و عام» وضع شده‌اند، نه برای مصادیق خاص موجود؛ هرچند واضعان نخستین، برخی مراتب آن ارواح را ندانند و بر اثر جهل یا غفلت از مراحل عالی، معنا را در مصادیق خاص موجود منحصر بیندارند.

ب. بر فرض تنزل، اگر موضوع‌له همان مفاهیم متفاهم عرف عام باشد، کاربست آن‌ها در دیگر مصادیق یا تطبیق آن معنا بر مصادیق برتر، از باب توسعه مفهومی، عرضی یا طولی (حقیقی یا مجازی) خواهد بود. استاد از این مهم به «نکته حساس و شایان اهتمام در تفسیر» یاد کرده و بر این باور است که گاه تکیه بر خصوص قواعد زبان عربی و جمود بر مصادیق مادی واژگان، برای رسیدن به مراد خدای علام در تفسیر آیات قرآن، سبب سقوط در هلاکتگاه تفسیر به رأی است (همان، ص ۱۱۴-۱۱۸؛ همو، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۱۶-۲۱۹).

زمخشری در تفسیر آیه (قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ) می‌نویسد: «محبت به خدا تعلق نمی‌گیرد و خدا محبوب بشر واقع نمی‌شود... پس اطلاق محبوب بر او مجاز است» (زمخشری، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۴۲۳). استاد در نقد وی می‌نویسد: «تفسیر قرآن صرفاً به زبان عرف و نحو و صرف و ادبیات محاوره‌ای، بدون شناخت زبان خاص قرآن، چنین پیامدهای منفی را به دنبال دارد... این الفاظ در معنای حقیقی خود به کار رفته‌اند و خدا برای هر کسی به اندازه معرفت او «محبوب» و «مربوب» است» (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱۴، ص ۴۰-۴۱؛ مدبر، ۱۳۹۶، ص ۲۱-۲۳).

۴. مراحل تفسیر یک آیه

الف. مفردات آیه: شرح برخی واژگان دشوار فهم آیه، با استناد به منابع واژه پژوهی کهن و متأخر.
 ب. تناسب آیات: یکی از امتیازات این تفسیر، توجه ویژه به انسجام درونی آیات در سوره‌ها و اختصاص عنوان «تناسب آیات» در میان مباحث تفسیری است که دربردارنده بیان پیوند هر آیه با آیه یا آیات پیشین، گاه ربط آن با آیه یا آیات پسین است تا انسجام زنجیره‌وار آیات در سوره به درستی بیان شود.
 ج. مباحث تفسیری: در این قسمت، معارف تفسیری آیه آمده است. مباحثی که از «سیاق آیه» یا از «سیاق آیه با آیات دیگر» (ساختار کلان کلام و چیدمان واژگان و جملات) برداشت می‌شود.

د. اشارات و لطائف؛ یعنی مباحثی پیرامون آیه که با آن ارتباط ظاهری تنگاتنگی ندارند؛ بلکه گاه از مدالیل التزامی (بالمعنی الأعم یا غیر بین) به شمار می‌آیند. توان تحلیل عالمانه و اشراف استاد بر علوم عقلی و نقلی به خوبی در این بخش مشهود است. برای نمونه، درباره «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» می‌نویسد: این جمله از زبان عبد، بسان «کن» از مقام فرمانروائی مولای اوست؛ همان‌گونه که حضرت نوح علیه السلام با اسم خدا بر طوفان امواج کوه‌سان تسلط یافت و کشتی او با نام خدا آرام گرفت: «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا» (هود: ۴۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۰۳).

در جای دیگری می‌نویسد: «گناه نقص و امر عدمی به شمار می‌رود، پس به خدای سبحان ارتباطی ندارد. خاستگاه معاصی، جهل یا عجز یا دیگر امور عدمی است و هیچ یک به خدا نسبت داده نمی‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۴۵). درباره نسبت «سَبِيلَ الْغَىِّ» با «صراط مستقیم» می‌نویسد: نسبت آن دو تضاد نیست؛ بلکه تقابل عدم و ملکه است؛ یعنی یکی بود صراط است و دیگری نبود آن (همان، ص ۵۲۶).

و. بحث روائی: نقل و نقد روایات تفسیری و تبیین آن‌ها در زمینه هماهنگی یا ناسازگاری با محتوای آیه و داوری درباره روایات ناهمگون. دسته بندی روایات تفسیری با عنوانگذاری خاص، نیز تحلیل فقه الحدیثی با عنوان «اشاره» نشانگر دیدگاه‌های دقیق مفسر در استفاده از روایات است. همچنین در تشریح هماهنگی محتوای آن‌ها با آیه یا تبیین علت مخالفت ظاهری برخی روایات با آیه، در تفاسیر پیشین بی‌نظیر است.

برخلاف کم‌میلی علامه طباطبائی علیه السلام به روایات شأن نزول، استاد بزرگوار به آن‌ها توجه داشته و مبنای تعدد سبب نزول را باور دارد و بیشتر روایات تفسیری را از باب تطبیق مصداقی و از نوع جری می‌داند (همو، ۱۳۸۰، ج ۶ ص ۵۱۰ و ج ۹، ص ۶۳۸ و ج ۵، ص ۶۱۲ و ۶۴۰). او معتقد است بسا روایتی بیانگر باطن قرآن و در مقام ذکر مصداق باطنی قرآن باشد (همو، ۱۳۸۰، ج ۶ ص ۵۱۱؛ مدبر، ۱۳۹۶، ص ۲۶-۲۷).

نگاهی به دستاوردهای علمی و تأثیرات حضور قرآنی استاد جوادی در حوزه:

«تسنیم» مهم‌ترین اثر قرآنی استاد و برگرفته از آیه (وَمِرَاجُهُ مِنَ التَّسْنِيمِ) (مطففین: ۲۷) و از ریشه «سن‌م» به معنای بلندی و برتری (احمدبن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۰۷) و نام چشمه‌ای بهشتی است که سرچشمه شراب طهور ویژه مقربان درگاه الهی (برترین بندگان خدا یعنی معصومان و مخلصان علیهم السلام) است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۲۳۹).

«تسنیم» از تفاسیر اجتهادی قرن پانزدهم و برآمده از درس تفسیر ترتیبی روزانه قرآن مجید ایشان است. استاد به صورت رسمی در پاییز سال ۱۳۶۳ خورشیدی آن را در جمع مشتاقان قرآن در حوزه علمیه قم آغاز کرد و شروع درس تفسیر را بر اثر نفع‌های ملکوتی می‌داند (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۸۵۶؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۵۱-۴۵۲). این درس خارج تفسیر استاد ۳۶ سال طول کشید و سرانجام در ۲۹ فروردین ۱۳۹۹ پس از برگزاری حدود پنج هزار جلسه به پایان رسید. البته تفسیر نیمه پایانی جزء ۳۰ قرآن هنگامی که دروس حوزه به دلیل شیوع

بیماری کرونا تعطیل شد، بدون حضور شاگردان در ۴۸ جلسه، (از اسفند ۹۸ تا فروردین ۹۹) ضبط شد و در سامانه اسراء بارگذاری شد (مدبر، ۱۳۹۶، ص ۲۴-۲۵).

در سال ۱۳۷۲ مؤسسه اسراء با هدف تنظیم و نشر آثار آیت‌الله جوادی آملی تأسیس شد و دروس تفسیری استاد به دست توانای شاگردانش تحقیق و تدوین و غنی‌سازی و تنظیم نهائی و پس از تأیید استاد چاپ شد. تاکنون ۶۸ جلد از تفسیر تسنیم به چاپ رسیده است. شاید شمار مجلدات به ۸۰ یا بیشتر برسد.

علاوه تفسیر ترتیبی قرآن استاد در سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۶۲ به «تفسیر موضوعی» نیز پرداخت و برای هر موضوع تقریباً ۶۰ جلسه درس برگزار کرد. این دروس تفسیر موضوعی، به تدریج در ۱۸ مجلد با عناوین زیر به چاپ رسید:

قرآن در قرآن (ج ۱)، توحید در قرآن (ج ۲)، وحی و نبوت در قرآن (ج ۳)، معاد در قرآن (ج ۴ و ۵)، سیره پیامبران در قرآن (ج ۶ و ۷)، سیره رسول اکرم (ج ۸ و ۹)، اخلاق در قرآن (ج ۱۰ و ۱۱)، فطرت در قرآن (ج ۱۲)، معرفت‌شناسی در قرآن (ج ۱۳)، صورت و سیرت انسان در قرآن (ج ۱۴)، حیات حقیقی انسان در قرآن (ج ۱۵)، هدایت در قرآن (ج ۱۶)، جامعه در قرآن (ج ۱۷)، ادب توحیدی انبیاء در قرآن (ج ۱۸).

ویژگی‌های تفسیر تسنیم

تفسیر تسنیم در ارائه مباحث، دارای ساختاری منظم، همچنین به لحاظ محتوایی ویژگی‌های برجسته‌ای دارد:

۱. نخستین مخاطبانش فارسی‌زبانان هستند، از این رو به فارسی نگارش یافت، چون زمینه‌ای برای بهره‌گیری گسترده‌تر فارسی‌زبانان را در پی دارد.
۲. در آغاز هر سوره شناسنامه‌ای برای شناساندن سوره با عنوان «پیشگفتار» آمده است؛ برخی عناوینش مانند «جو نزول و فضای نزول = تبیین اوضاع و ویژگی‌های زمان نزول کل قرآن و سوره خاص» در تفاسیر پیشین کم نظیر است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۳۵ و ج ۲، ص ۳۷-۶۲ و ج ۳، ص ۴۰-۴۴). همچنین برخی موضوعات علوم قرآن و دیدگاه مفسر درباره آن‌ها بیان شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۳۲، ۲۳۶ و ج ۵، ص ۲۹۳).
۳. بر خلاف تدریس استاد که آیات در قالب رکوعات تفسیر می‌شود، در تدوین به هر آیه‌ای جداگانه می‌پردازد. این تفکیک، دسترسی به مباحث تفسیری هر آیه را آسان می‌کند؛ هر چند گاه به دلیل پیوستگی معنایی، چند آیه را کنار هم یاد می‌کند:

الف. آنجا که دو یا چند آیه، با هم پیوند تنگاتنگ لفظی یا محتوایی داشته باشند.

ب. در آیات کوتاه و آیاتی که مباحث تفسیری آن‌ها پیش‌تر گذشته است.

۴. مفسر از حدود سی تفسیر از شیعه و عامه و برخی منابع ویژه پژوهی قرآنی استفاده کرده است. از جمله:

الف. تفاسیر اهل تسنن: طبری (جامع البیان)، زمخشری (الکشاف)، فخر رازی (التفسیر الکبیر)، قرطبی (الجامع)، آلوسی (روح المعانی) و عبده (المنار).

ب. تفاسیر شیعه: علی‌بن‌ابراهیم قمی (تفسیر قمی)، عیاشی (تفسیر عیاشی)، شیخ طوسی (التبیان)، امین الاسلام طبرسی (مجمع البیان)، فیض کاشانی (الصافی)، سید هاشم بحرانی (البرهان)، حویزی (نور الثقلین) و محمدحسین طباطبائی (المیزان) و جواد بلاغی (الاء الرحمن).

۵. تسنیم تفسیر ترتیبی قرآن است؛ ولی بر اثر گستردگی و جامعیت برخی مباحث، به ویژه در مجلدات نخست تا اندازه‌ای چهره «تفسیر موضوعی» به خود گرفته است؛ مانند «خلافت انسان کامل» که تمامی جلد سوم را به خود اختصاص داده است.

۶. چیدمان مباحثش از این قرار است: گزیده تفسیر؛ شرح مفردات؛ تناسب آیات؛ تفسیر مستقیم آیه؛ اشارات و لطائف؛ بحث روائی.

۷. بر خلاف تفاسیر کهن که مطالب گوناگون را بدون عنوان عرضه کرده‌اند، در تسنیم افزون بر عناوین ثابت و مشترک در همه آیات، برای تک‌تک مباحث زیرشاخه هر یک، عنوان جداگانه‌ای ثبت شده است.

۸. مهم‌ترین شاخص محتوای تسنیم، روشمند بودن آن است، چون مفسر با پایبندی به مبانی و قواعد خاص به تفسیر آیه می‌پردازد (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۷۵-۲۳۱).

۹. مباحثی که در تفاسیر پیشین به اجمال آمده، در تسنیم با تشریح و تفصیل و تعلیل بیان شده است.

۱۰. شیوه تفسیر قرآن با قرآن، در تسنیم گسترش یافته است.

۱۱. تسنیم در دوران حاکمیت نظام اسلامی نگاشته شده و توجه به نیازهای حکومت دینی در آن به روشنی مشهود است.

۱۲. در تفسیر آیات الأحکام مباحث مشروح فقهی و تفسیر آیات عقیدتی (اثبات توحید و اسما و صفات الهی) تقاریر خوبی بدون کاربست اصطلاحات عرفان آمده است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۹۹).

۱۳. پرداختن به نقد و بررسی و پاسخگویی به شبهاتِ نوظهور که در دوران پیشین نبود یا چندان رواج نداشت (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۳۹). نمونه‌هایی از این ویژگی: پلورالیسم دینی (برای نمونه جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۳۹ و ج ۶، ص ۲۱۰-۲۱۵ و ج ۱۴، ص ۷۳۷) و سکولاریزم (برای نمونه جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۳۹) و تساهل و تسامح (برای نمونه جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۷، ص ۳۹۸ و ج ۱۵، ص ۴۳۷ و ۴۴۸) و اصل تنازع بقا (همو، ۱۳۸۰، ج ۱۱، ص ۷۲۴-۷۳۹) و نظریه تحول انواع و تکامل داروینی (همو، ۱۳۸۰، ج ۱۰، ص ۴۳۰ و ج ۱۴، ص ۴۲۹ و ج ۱۷، ص ۱۴۳، ۱۵۷).

۱۴. آزاداندیشی و نقد آرای مفسران پیشین و معاصران، همراه با عفت قلم و ادب و انصاف و پرهیز از نقد گزنده. (ر.ک: علی مدبر، ۱۳۹۶، ص ۲۵-۲۹)

تشابهات و تمایزات المیزان و تسنیم

استاد از برجسته‌ترین شاگردان مکتب تفسیری علامه طباطبائی^ع است و تسنیم در بسیاری از مباحث تفسیری به

المیزان نظر دارد. استاد بزرگوار بارها از ایشان به عظمت یاد کرده (برای نمونه جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۹۹، ۲۳۱، ۲۸۳ و ج ۱۰، ص ۳۰۸) و المیزان را ستوده است (جمعه: ۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۲). دفاع از المیزان نیز در موضعی از تسنیم به روشنی مشهود است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۳۰). استاد تسنیم را «المیزان فارسی» می‌داند، نه «فارسی المیزان» (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۸۶۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۶۸؛ مدبر، ۱۳۹۶، ص ۲۹-۳۰).

الف. تشابهات

۱. روش تفسیری قرآن با قرآن را که پیشینیان به گونه اندک یا اشاره‌وار بدان پرداخته بودند، علامه طباطبائی * محور تفسیر خودش قرار داد. «تسنیم» نیز بیش‌تر، از همین روش بهره برده است.

۲. هر دو مفسر، قرآن را در اصل حجیت و دلالت، مستقل و دلالت و حجیت آن را نیازمند به غیر نمی‌دانند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۰۲). هر دو مفسر روایاتی را که به تعیین مصداق و تطبیق پرداخته‌اند، از نوع «جری» دانسته‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۹۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۶۷).

۳. هر دو از تفاسیر و جوامع حدیثی عامه تسنن استفاده کرده و غالباً روایات را بدون سند آورده‌اند.

۴. در هر دو تفسیر مباحث موضوعی متعدد و مفیدی وجود دارد: یوم در قرآن (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۰۲ و ۲۳۲ و ۲۳۶ و ج ۵، ص ۲۹۳) و قرآن و عزت (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۹۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۶۷) و حیات در فرهنگ قرآن (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۸۹) و مناسک حج (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۳۹).

۵. بر پایه حدیث ثقلین، در نگاه هر دو مفسر تمسک به قرآن یا سنت بدون دیگری در حقیقت ترک هر دو ثقل اکبر و اصغر به شمار می‌آید (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۹۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۶۷). مراد هر دو مفسر از سنت هر چیزی است که به معصوم منسوب باشد؛ اعم از عدم ردع و تقریر معصوم یا سکوت یا فعل و قول (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۳۲، ۲۳۶ و ج ۵، ص ۲۹۳). به اعتقاد آن دو، سنت دو نوع قطعی و غیرقطعی دارد و سنت قطعی به عرض بر قرآن نیازمند نیست، زیرا از مقام عصمت قطعی صادر شده و به خدا منسوب است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۳۲، ۲۳۶، ج ۵، ص ۲۹۳).

۶. به تعبیر هر دو مفسر روایات قطعی الصدور مانند آیات، هرگز از موضوع مُحال سخن نمی‌گویند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۰۲). نسبت قرآن به سنت، مانند نسبت قانون اساسی به قوانین دیگر است. قرآن حکیم عهده‌دار تبیین خطوط کلی معارف و احکام دین است و تبیین جزئیات و شیوه اجرای آن، رسالت رسول خدا ﷺ و امامان علیهم‌السلام است؛ مانند اصل وجوب نماز که در قرآن آمده و احکام جزئی آن را امامان بیان کرده‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۹۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۶۷).

۷. هر دو با محوریت روش تفسیری «قرآن با قرآن» سامان یافته؛ ولی پایان‌بخش مباحث تفسیری، بخش

مستقلی با عنوان «بحث روائی» دارند که به شرح و تفسیر روایات می‌پردازد و امتیاز تسنیم به شمار می‌رود. استاد در پیشگفتار، دلیل تفکیک آن را بیان کرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۶۷).

ب. تمایزات

از سوی دیگر، تفاوت‌های این دو نیز چشمگیر است و استاد گاه به نقد دیدگاه استادش می‌پردازد (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۳۲، ۲۳۶، ج ۵، ص ۲۹۳). در «تسنیم» هر آیه در فصلی جداگانه آمده که دسترسی به مباحث تفسیری آیه را آسان‌تر می‌کند؛ ولی در المیزان آیات به گونه رکوعی و مجموعه‌ای تفسیر شده است. همچنین «تسنیم» در عصر برپائی نظام اسلامی استوار بر معارف شیعه تدوین شده و مباحث سیاسی و حکومتی در این تفسیر پررنگ‌تر است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۰۲).

۱. از نکات برجسته این تفسیر تبیین جایگاه هر یک از ثَقَلِ اکبر و ثَقَلِ اصغر و چگونگی ارتباط آن دو با یکدیگر در تفسیر قرآن است؛ مسلکی که در نوع تفاسیر شیعی از این منظر به آن پرداخته نشده است و از امتیازات تسنیم به شمار می‌رود.

۲. از نوآوری‌های محتوایی این تفسیر پرداختن به شبهات استقلال قرآن در تفسیر و پاسخ آن‌ها؛ ترسیم صحیح اقسام تفسیر و چگونگی ارتباط اقسام با یکدیگر؛ تبیین اقسام تفسیر به رأی؛ بررسی و جمع‌بندی روایات درباره فهم قرآن؛ بررسی ویژگی‌های اعتبار و حجیت سنت؛ بررسی شاخه‌های تفسیر قرآن با قرآن؛ تسنیم تفسیر قرآن با قرآن به «ظاهر با ظاهر» و «باطن با باطن»؛ چگونگی پیوند قرآن و سنت معصومان علیهم‌السلام؛ نقش علوم تجربی و معارف برون دینی در تفسیر قرآن؛ تبیین معیار «دینی بودن» یک مطلب؛ هرمنوتیک و تأثیر انتظار از متن در تفسیر آن متن؛ تأثیر آرای مفسران و شأن نزول در تفسیر؛ تفاوت «جو [] نزول» و «فضای نزول» و «شأن و سبب نزول». اما از سویی، تسنیم با کاستی‌هایی نیز روبه‌رو است:

۱. حجم کمی مجلدات تسنیم فراتر از میزان متعارف است و با اندکی تلخیص و پرهیز از درازنویسی و تغییر فونت‌ها، می‌توان آن را به نصف تقلیل داد.

۲. گاه عبارات عربی در متن تفسیر آمده که منبع آن مشخص نیست؛ بسا این عبارات روایت تلقی شود یا نقل سینه به سینه آن، مشکلاتی را پدید آورد. دو عبارت «القرآن غریمٌ لایقضى دینه و غریبٌ لایؤدی حقه» و «تُعَرَفُ الاشیاء بأضدادها» نمونه‌هایی از این دست است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱۰، ص ۱۰۷).

۳. گاه سخنی را از مفسری نقل می‌کند؛ ولی نام او را نمی‌برد (همو، ۱۳۸۰، ج ۹، ص ۳۴۷ و ص ۳۴۳).

۴. در این تفسیر عبارات‌های فنی دیده می‌شود که درک آن ویژه کسانی است که با آن رشته خاص آشنائی دارند (همو، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۵۱۰).

۵. در پیشگفتار تسنیم به پاره‌ای موضوعات علوم قرآن پرداخته، از موضوع مکی و مدنی بودن آیات و سوره‌ها و نقش آن در فهم مراد آیات عبور کرده و به ندرت در متن تفسیر از آن یاد کرده است (همو، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۳۲، ۱۳۳).

۶ مجلدات تسنیم همسان نیست. جلد یکم و دوم و چهارم فهرست منابع ندارد و جلد سوم فاقد فهرست تفصیلی است؛ ولی جلد چهارم فهرست تفصیلی دارد و در مجلدات پسین، فهرست تفصیلی حذف شده است.

نتیجه‌گیری

آیت‌الله جوادی آملی مفسری ژرفاندیش و جامع علوم عقلی و نقلی و شهودی است. وی با الگوگیری از سخن و سیره استاد بزرگوارش علامه طباطبائی^ع مبنی بر مهجوریت زدائی از ساحت قرآن حکیم و معارف بی‌مانند آن، نیز تلاش مستمر و کم‌نظیرش، مائده معارف ناب قرآن و عترت^ع را در حوزه علمیه قم گستراند و شاگردان و مفسرانی را در مکتب خودش پروراند و ده‌ها اثر علمی به مشتاقان عرضه کرد. تفسیر عظیم تسنیم و تفسیر موضوعی قرآن در ۱۸ عنوان مهم‌ترین آثار ایشان در حوزه علوم نقلی است. وی با بهره‌مندی از بیانی شیوا و لحنی دلنشین و محتوایی ممتاز، دل‌های طلاب و علاقمندان به آموزه‌های قرآن مجید را سوی خودش جلب کرد و در سده اخیر، در رسمیت بخشیدن به درس تفسیر قرآن در حوزه علمیه قم و رشد و توسعه علوم نقلی و تربیت شاگردان برجسته و استادان فرهیخته نقش مهم و تأثیر بسزائی داشته است.

منابع

نهج البلاغه، ترجمه آزاد.


- ابن ابی جمهور احسایی، محمد بن زین الدین، ۱۴۰۵ق، *عوالی الثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، تحقیق سید مرعشی و مجتبی عراقی، قم، للنشر. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، ۱۳۲۲، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابوطبره، هدی جاسم محمد، ۱۴۰۵ق، *المنهج الأثری فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر تبلیغات.
- احمد بن فارس، ابوالحسین، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الإعلام الاسلامی.
- انوری، حسن و دیگران، ۱۳۸۱، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: سخن.
- الوسی، علی، ۱۳۸۱، *روش علامه طباطبائی در تفسیر المیزان*، ترجمه سیدحسین میرجلیلی، تهران، بین الملل.
- بابائی، علی اکبر، ۱۳۸۱، *مکاتب تفسیری*، تهران، سمت.
- پیروزفر، سهیلا و زهرا طالبی، ۱۳۹۴، «بازخوانی تفسیر موضوعی آیت‌الله جوادی آملی»، *حسنا*، ش ۲۴، ص ۱۶۷-۲۰۷.
- تفضلی، محمدامین و مجید معارف، ۱۳۹۷، «روش تفسیری قرآن به قرآن در آراء آیت‌الله جوادی آملی»، *سفینه*، ش ۶۰، ص ۳۳-۵۷.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۰، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۱، *توحید در قرآن*، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۲، *مهر استاد، سیره علمی و عملی استاد جوادی آملی*، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۲، *نزاهت قرآن از تحریف*، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۶، *سرچشمه اندیشه*، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۹۸، *الوحي والنبوة*، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۹۸، *قرآن حکیم از منظر امام رضا*، ترجمه زینب کر بلائی، قم، اسراء.
- حاجی اسماعیلی، محمدرضا و همکاران، ۱۳۹۴، «نقش پیش فرض‌ها و پیش فهم‌ها در تفسیر قرآن کریم از منظر آیت‌الله جوادی آملی»، *مطالعات قرآن و حدیث* ش ۱۲، ص ۱۰۱-۱۷۹.
- حیدری فر، مجید، ۱۳۹۴، *مهندسی فهم و تفسیر قرآن*، قم، بوستان کتاب.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین، ۱۳۷۷، *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*، تهران، دوستان.
- زرکشی، محمد بن عبدالله، ۱۳۹۱ق، *البرهان فی علوم القرآن*، تحقیق یوسف مرعشی، بیروت، دار المعرفه.
- زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۳۰ق، *الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الأقابیل فی وجوه التأویل*، بیروت، دارالکتب العربی.
- سزوار، مولاهادی، ۱۳۸۶، *شرح المنظومه*، تهران، شریعت.
- شاکر، محمد کاظم، ۱۳۸۲، *مبانی و روش‌های تفسیری*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- شجریان، مهدی، ۱۳۹۶، «اصول روش تفسیری آیت‌الله جوادی آملی»، *علوم قرآن و تفسیر معارج*، ش ۱، ص ۵۹-۸۴.
- صفا، محمد بن حسن، ۱۴۳۰ق، *بصائر الدرجات الكبرى فی فضائل آل محمد*، تحقیق کوچه باغی، تهران: مؤسسه الأعلمی.
- طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.
- علی اکبر دهخدا و دیگران، ۱۳۷۳، *لغت نامه*، تهران، مؤسسه لغت نامه و دانشگاه تهران.
- علی اسلامی، ۱۳۸۸، «تسنیم ستام معرفت قرآن»، *حکمت اسراء*، ش ۱، ص ۱۰۵-۱۲۸.
- فضل حسن عباس، ۱۴۲۷ق، *المفسرون مدارسهم و مناهجهم*، اردن، دار النفاثس.
- متقی، علی بن حسام‌الدین، ۱۴۰۹ق، *کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال*، تحقیق بکری حیانی، بیروت، صفوة الصفا، مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- مدبر، علی، ۱۳۹۶، «مدرسه تفسیری علامه جوادی آملی»، *علوم قرآن و تفسیر معارج*، ش ۵، ص ۳۳-۳۵.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم، ۱۳۸۲، *دائرة المعارف قرآن کریم*، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
- مصطفی مسلم، ۱۴۱۵ق، *مناهج المفسرين*، ریاض، دار المسلم.
- معرفت، محمد هادی، ۱۴۱۸ق، *التفسیر و المفسرون*، مشهد، الجامعة الرضویة.
- معین، ۱۳۷۵، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیر کبیر.

نوع مقاله: پژوهشی

مفسران برجسته حوزه علمیه قم در سده اخیر؛ آیت‌الله جعفر سبحانی*

✉ محمدهادی منصوری / استادیار گروه «معارف قرآن و حدیث» دانشگاه معارف اسلامی قم

mansouri@maaref.ac.ir

 orcid.org/0000_0003_0475_7476

علی الوندی / دانشجوی کارشناسی ارشد «مدرّسی معارف قرآن و حدیث» دانشگاه معارف اسلامی قم

ALi.Alvandi154@gmail.com

دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۰ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲

چکیده

در سده چهاردهم شمسی، حوزه علمیه قم شاهد ظهور عالمان و مفسران برجسته‌ای بوده است. این مقاله با روش «توصیفی - تحلیلی» به بررسی شخصیت علمی آیت‌الله جعفر سبحانی از دانشمندان بزرگ حوزه علمیه قم در سده اخیر پرداخته است. هدف پژوهش حاضر واکاوی ویژگی‌های علمی این عالم فاضل در دانش تفسیر قرآن است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که آیت‌الله سبحانی شخصیتی اثرگذار و مفسری توانا و پرکار و دارای آثار فراوان در تفسیر و پژوهش‌های قرآنی است. ویژگی‌های اقدامات و آثار علمی ایشان در تفسیر موضوعی قرآن عبارت‌اند از: اولویت‌دهی به تفسیر موضوعی، توجه به مباحث کلامی و شبهات مرتبط با آنها، توجه به روش تفسیر قرآن به قرآن، اجتهاد در به‌کارگیری روایات تفسیری، رعایت نظم ترتیبی و موضوعی در تفسیر. اما ویژگی آثار ایشان در تفسیر ترتیبی قرآن را می‌توان توجه فراگیر به مباحث علوم قرآن با توجه به نقش پایه‌ای آنها برای تفسیر قرآن، خرق سنت‌های گذشته در تألیف تفسیر قرآن بر حسب ترتیب مصحف و عنایت به جامعیت موضوعی مباحث در تفسیر هر دسته از آیات برشمرد.

کلیدواژه‌ها: شخصیت‌های تفسیری، مفسران برجسته شیعه، حوزه علمیه قم، مفسران سده چهاردهم، آیت‌الله جعفر سبحانی.

مقدمه

دانش تفسیر قرآن به‌مثابه یکی از باسابقه‌ترین علوم اسلامی، از صدر اسلام تا کنون همواره مطمح نظر اندیشمندان اسلامی بوده است. عالمان مسلمان در هر عصری با توجه به استعداد و قابلیت خویش و شرایط جامعه خود، با عشقی سرشار به تحصیل و تحقیق به تفسیر قرآن کریم روی آورده و بدان اهتمام ورزیده‌اند. در حوزه علمیة قم، همواره نوعی اقبال به تفسیر قرآن و گرایش به تحصیل و تحقیق بین طالبان علوم اسلامی وجود داشته است. این گرایش در سده اخیر در حوزه علمیة قم رشد قابل توجهی را نشان می‌دهد.

آیت‌الله جعفر سبحانی از شمار اندیشورانی است که در کنار تحصیل و تحقیق در فقه و اصول و فلسفه و کلام و حدیث و رجال و تاریخ، به تفسیر و علوم قرآن نیز علاقه وافری نشان داده و در این راه با تلاش‌های علمی مجدانه، آثار فراوان و ارزشمندی را خلق نموده و در توسعه و تعمیق مطالعات قرآنی سده اخیر تأثیر شایسته‌ای داشته است. هدف از این تحقیق، بازنمایی شخصیت علمی و آثار تفسیری *آیت‌الله جعفر سبحانی* و تأثیر ایشان بر مطالعات قرآنی دوره معاصر است که به شیوه «مطالعه کتابخانه‌ای» و روش پردازش «توصیفی - تحلیلی» صورت گرفته است.

پیشینه

درارتباط با پیشینه موضوع بحث، اثری که به بررسی ویژگی‌های شخصیت علمی و فعالیت‌های قرآنی و تفسیری *آیت‌الله سبحانی* پرداخته باشد، یافت نشد. تنها برخی کارهای علمی با اهداف متفاوت و درباره ایشان و آثارشان انجام شده است؛ از جمله:

- پایان‌نامه *بررسی تطبیقی مبانی و شیوه‌های تفسیری آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله سبحانی در تفسیر موضوعی (با محوریت منشور جاوید و تفسیر موضوعی جوادی آملی)*، (طالبی، ۱۳۹۰).

- پایان‌نامه *مبانی و روش تفسیری آیت‌الله سبحانی در تفسیر منیه الطالبین فی تفسیر القرآن المبین*، (باقری زارع، ۱۳۹۵).

- مقاله «جایگاه سیاق و نظم موضوعی در تفسیر منشور جاوید»، (پرچم و نوذری، ۱۳۸۹).

- مقاله «بررسی روش تفسیری آیت‌الله سبحانی در تفسیر موضوعی منشور جاوید»، (علیانسب و فردی، ۱۳۹۷).

این پژوهش‌ها عمدتاً در باره فعالیت‌های تفسیری *استاد سبحانی* انجام شده و کمتر به شخصیت تفسیری و قرآنی ایشان و نیز ویژگی آثار تفسیری وی اشاره کرده است.

۱. زندگی‌نامه آیت‌الله سبحانی و فعالیت‌های قرآنی ایشان

آیت‌الله جعفر سبحانی در ۲۰ فروردین ۱۳۰۸ ش در تبریز، در خانواده علم و تقوا و فضیلت دیده به جهان گشود. پدر ایشان، مرحوم *آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین سبحانی خیابانی* یکی از عالمان و فقیهان وارسته تبریز بود که بیش از پنجاه سال به کار تدریس، تألیف، راهنمایی مردم و پرورش شاگردان در آن دیار اشتغال داشت.

استاد سبحانی مشغول تحصیل در سطوح عالی در تبریز بود که تحولات سیاسی و تشکیل حکومت محلی وابسته به شوروی، عرصه را برای تحصیل طلاب در مدارس علمی تبریز تنگ کرد. به همین علت، لازم دید محیط تحصیل خود را تغییر داده، رهسپار حوزه علمیه قم شود.

در مهرماه ۱۳۲۵ شمسی وارد قم شد و به تکمیل سطوح همت گماشت. ایشان پس از تکمیل سطوح عالی در سال ۱۳۲۸ ش / ۱۳۶۹ ق، به دروس خارج فقه و اصول راه یافت و به خوشه‌چینی از محضر بزرگانی همچون مرحوم آیت الله العظمی بروجردی^{ره}، مرحوم آیت الله حاج سیدمحمد حجت کوه‌کمری^{ره} و مرحوم آیت الله العظمی امام خمینی^{ره} پرداخت. معظم له غیر از تحصیل فقه و اصول، به آموختن فلسفه و کلام و تفسیر نیز همت گماشت. استاد سبحانی در حوزه علمیه قم مطالعات فلسفی و تفسیری خویش را با شرکت در درس‌های فلسفه و تفسیر حضرت آیت الله سیدمحمدحسین طباطبائی تکمیل نمود. ایشان همزمان، در جلسات خصوصی علامه طباطبائی هم که در آن فلسفه‌های مادی نقد می‌شد، شرکت می‌کرد.

استاد سبحانی در زمینه فعالیت‌های مربوط به قرآن کریم و تفسیر آن، در شاخه‌های گوناگونی همچون تفسیر ترتیبی، تفسیر موضوعی و مباحث علوم قرآنی قریب بیست اثر از خود به جای گذاشته است که برخی از این آثار تعداد مجلداتش به ۳۰ جلد می‌رسد و راه را برای آموختن تعالیم ناب اسلامی با قرائت صحیح شیعی برای آیندگان باز کرده است (پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله سبحانی، تاریخ بازدید ۱۴۰۲/۲/۲۳).

۲. آثار علمی آیت الله سبحانی در تفسیر قرآن

آیت الله سبحانی در عمر بابرکت بیش از ۹۰ ساله خویش که ۷۵ سال آن را در حوزه علمیه قم به تحصیل، تدریس، تحقیق و تألیف سپری کرده، در عین حال که فقیهی اصولی و متکلمی توانا و مورخی زبردست و رجالی و سیره‌پژوهی دقیق است، مفسری پرتلاش و پرکار نیز بوده و آثار ارزنده‌ای را در تفسیر قرآن تألیف کرده که سه اثر در این میان برجسته‌تر است؛ دو اثر در تفسیر موضوعی به نام‌های تفسیر منشور جاوید به فارسی (در ۱۴ جلد) و مفاهیم القرآن به عربی (در ۱۰ جلد) و یک اثر حجیم در تفسیر ترتیبی قرآن با نام منیه الطالبین فی تفسیر القرآن المبین (در ۳۰ جلد).

البته ایشان علاوه بر سه اثر بزرگ یادشده، به تألیف تک‌نگاری‌های متعددی هم در تفسیر بعضی از سوره‌های قرآن یا تفسیر برخی موضوعات موفق شده است که به ۱۵ اثر تک‌نگاری تفسیری ایشان اشاره می‌کنیم:

مربی نمونه (تفسیر سوره لقمان)، قرآن و اسرار آفرینش (تفسیر سوره رعد)، در سرزمین تبوک (تفسیر سوره توبه)، دوست‌نماها (تفسیر سوره منافقون)، سیمای انسان کامل در قرآن (تفسیر سوره فرقان)، قرآن و معارف عقلی (تفسیر سوره حدید)، التوحید و الشکر فی القرآن الکریم، تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، الأقسام فی القرآن الکریم، الأمثال فی القرآن الکریم، أهل البيت^{علیهم‌السلام} سماتهم و حقوقهم فی القرآن، تفسیر السور المسبحات الخمس، العوالم الغیبیة فی القرآن الکریم، معالم النبوة فی القرآن الکریم، و اصالت روح از نظر

قرآن. در مجموع تالیفات تفسیری ایشان بالغ بر ۲۰ عنوان و قریب ۷۰ جلد، اعم از تفسیر موضوعی و ترتیبی است. با توجه به کثرت و تنوع آثار تفسیری آیت‌الله سبحانی برای بررسی ویژگی‌های آنها بحث را در دو محور «آثار تفسیر موضوعی» و «آثار تفسیر ترتیبی» جداگانه پی می‌گیریم:

۲-۱. تفسیر موضوعی

اشاره شد که استاد سبحانی دارای دو اثر مهم در تفسیر موضوعی به نام‌های تفسیر منشور جاوید و مفاهیم القرآن است و علاوه بر آن دو تک‌نگاری‌های موضوعی در تفسیر هم دارد. اما این دو اثر را باید نخستین آثار شاخص تفسیری ایشان به حساب آورد. درباره اقدامات و فعالیت‌های استاد سبحانی در مطالعات تفسیر موضوعی و نیز ویژگی‌های خاص آثار ایشان، در این زمینه نکاتی را در چند محور عرضه می‌کنیم:

۱-۲. اولویت دادن به تفسیر موضوعی قرآن

منشور جاوید بنا بر نظر برخی، اولین تفسیر موضوعی انتشار یافته قرآن کریم به زبان فارسی است (معرفت، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۵۳۱). این کتاب به شیوه‌ای خاص نگارش یافته و مؤلف اهتمام خود را بر مسائل اجتماعی و کلامی نهاده است (مؤدب، ۱۳۹۰، ص ۲۸۳).

استاد، خود می‌گوید: نگارنده بهترین شیوه تفسیر آیات را تفسیر بر اساس موضوع به‌شکل کامل دانسته است (همان). ایشان هدف از نگارش تفسیر موضوعی را دستیابی به نظر قرآن در موضوعات محل بحث می‌داند (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۹). ایشان همچنین دعوت مفسران مسلمان به خودداری از تفسیر سوره به سوره و آیه به آیه قرآن را از دیگر انگیزه‌های خود در نگارش این کتاب بیان نموده است (همان، ص ۱۱).

آیت‌الله سبحانی در مقدمه کتاب مفاهیم القرآن، روش تفسیری خود را بدیع دانسته، می‌نویسد: تا کنون چنین تفسیری در میان مفسران وجود نداشته است (سبحانی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۳۵). در مقدمه منشور جاوید هم روش تفسیری خود را انقلابی در جهان تفسیر (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۱) و ظهور چهره‌ای تازه از تفسیر عنوان می‌کند (همان، ص ۱۷) البته ایشان در همین مقدمه، علامه مجلسی رحمته‌الله علیه را نخستین کسی می‌داند که این روش را به کار گرفته، ولی پس از او این روش پیگیری نشده (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۴) و به همین علت بعضی استاد سبحانی را تنها احیاگر آن خوانده‌اند (طالبی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۰).

بنا بر آنچه بیان شد، ایشان خلأ موجود در زمینه تفسیر قرآن کریم را مسئله نبود تفسیر موضوعی جامع و کامل می‌داند. از این‌رو اولویت خاصی برای پرداختن به موضوعات قرآنی در خلال مباحث تفسیر موضوعی خود نسبت به بیان تفسیر ترتیبی قایل است و همان‌گونه که اشاره شد، دیگران را نیز به همین روش دعوت می‌نماید.

البته باید متذکر شد که ایشان تفسیرهای ترتیبی هم از سور قرآن کریم دارد، ولی هیچ‌کدام به قوت و جامعیت منشور جاوید نبوده است که از میان آنها می‌توان هفت جلد کتاب را نام برد که به تفسیر ترتیبی سوره‌هایی همچون رعد و لقمان و حدید می‌پردازد.

۲-۱-۲. عنایت ویژه به مباحث کلامی

یکی از ویژگی‌های *آیت‌الله سبحانی* این است که ایشان در تفسیر *منشور جاوید* بر پاسخگویی به شبهات کلامی، اعتقادی و حتی تاریخی و فقهی، با استفاده از آیات قرآن کریم تأکید دارد. این خصیصه، به‌ویژه در تفسیر موضوعی *منشور جاوید* تجلی دارد. برای مثال، می‌توان مسئله «عصمت» را در این اثر فخیم بیان نمود (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۳). با ملاحظه عناوین کلی این کتاب، می‌بینیم که ایشان از بررسی عصمت در دیدگاه عقل و قرآن شروع کرده است، تا آنجا که به مراحل و دلایل عصمت می‌رسد و بعد به دستاویزهای مخالفان عصمت می‌پردازد.

آیت‌الله سبحانی در این جلد آیاتی از قرآن کریم را که درباره مسئله عصمت پیامبرانی همانند حضرت آدم، نوح، یوسف، موسی، سلمان، ایوب و یونس مطرح شده و دیگران احیاناً برداشت نادرستی از آن آیات کرده‌اند و یا دستاویز مخالفان عصمت قرار گرفته، تک‌تک آنها را بررسی کرده و پاسخ داده است.

این رویکرد به مباحث کلامی، عقلی و فلسفی در مباحث تفسیری *آیت‌الله سبحانی*، به‌ویژه در جای جای تفسیر *منشور جاوید* مشهود است و یکی از برجستگی‌های آثار تفسیری ایشان به شمار می‌آید.

۲-۱-۳. توجه خاص به روش تفسیر قرآن با قرآن

یکی از پرسابقه‌ترین روش‌های تفسیر قرآن کریم روش «تفسیر قرآن با قرآن» است. این یکی از اقسام روش‌های نقلی تفسیر به شمار می‌آید و درباره کمتر روش تفسیری همچون این روش اتفاق نظر وجود دارد و همه مفسران و صاحب‌نظران - جز تعداد اندکی - این روش را پسندیده‌اند. اهمیت این روش هنگامی روشن می‌شود که بدانیم تفسیر موضوعی قرآن بدون استفاده از روش «تفسیر قرآن به قرآن» ممکن نیست (رضائی اصفهانی، ۱۳۸۲، ص ۵۵).

استاد سبحانی نیز بر این باور است که اساس حقیقی تفسیر موضوعی را دو مطلب تشکیل می‌دهد: ۱. تفسیر قرآن به خود قرآن؛ ۲. تفسیر قرآن به شکل موضوعی. در ادامه، ایشان تصریح می‌کند که شیوه «تفسیر قرآن به قرآن» بهترین راه برای فتح بلندای علمی قرآن و کشف نهفته‌ها و گنجینه‌های گرانبهای آن است.

ایشان معتقد است: قرآنی که تبیان برای همه چیز و دارای صفات هدایت، بینه، فرقان و نور است، باید روشنگر خود و توضیح‌دهنده خویش نیز باشد و هرگز معقول نیست کتابی جداکننده حق و باطل و سراسر نور و روشنی و برهان باشد، ولی مقاصدش آنچنان پیچیده باشد که انسان در فهم مفاهیم آن متحیر گردد. بر این اساس باید در تفسیر آیات به خود قرآن مراجعه کرد و آیه‌ای را به کمک آیه‌ای دیگر - که در این زمینه وارد شده - تفسیر نمود. این نوع تفسیر یگانه روشی است که از پیامبر اکرم و اهل‌بیت علیهم‌السلام در تفسیر قرآن به یادگار مانده است (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۱-۱۳).

ایشان تفسیر قرآن به قرآن را غیر از مسئله «توجه به هماهنگی مجموع آیات قرآن» می‌داند و هدف از نوع اول را ابهام‌زدایی از آیات به وسیله دیگر آیات می‌داند، در حالی که در نوع دوم هدف این است که در برداشت از یک آیه نباید آیات دیگر قرآن را از نظر دور داشت (همان، ج ۱۴، ص ۴۴۳).

برای مثال، آیت‌الله سبحانی در پاسخ به این سؤال که آیا ابلیس از فرشتگان بود؟ ابتدا با توجه به آیه ۵۰ سوره کهف، ابلیس را از جنیان می‌داند و در ادامه آیاتی از قرآن را که درباره ویژگی فرشتگان است، ارائه نموده، می‌نویسد: با توجه به این آیات، لسان فرشتگان به گونه‌ای است که قابل تخصیص نیست. سپس مؤید دیگری برای این مطلب می‌آورد و آن اینکه با توجه به آیه ۵۰ سوره کهف، شیطان دارای ذریه است که نتیجه تلاقی مذکر و مؤنث است.

در ادامه با توجه به آیه ۶ سوره جن می‌فرماید: جنیان به دو دسته زن و مرد تقسیم می‌شوند و با استناد به آیه ۱۹ سوره زخرف می‌گوید: درخصوص فرشتگان مسئله مذکر و مؤنث مطرح نیست. در آخر می‌نویسد: این آیه به گونه‌ای درباره شیطان داوری می‌کند که نقطه مقابل فرشتگان قرار می‌گیرد (همان، ج ۱۱، ص ۶۶-۶۷).

نویسنده منشور جاوید از تفسیر قرآن به قرآن برای توضیح معنای قرآنی یک واژه نیز استفاده کرده است. برای مثال، در مبحث «سرگذشت یحیی» در بخش تفسیر موضوعی آیات، در توضیح واژه «و زكَاةً» (مریم: ۱۳) می‌فرماید: مقصود این است که نفس وی را از هرگونه آلودگی منزه ساخت؛ چنان که حضرت موسی علیه السلام درباره کودکی که توسط حضرت خضر علیه السلام به قتل رسید، گفت: «...أُتِلَّتْ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ؟» (کهف: ۷۴) و مصاحب حضرت موسی علیه السلام در پاسخ وی گفت: «فَارَدْنَا أَنْ يَبْدِلَهُمَا رَبَّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رَحْمًا» (کهف: ۸۱).

همچنین جبرئیل هنگام بشارت دادن حضرت مریم به عیسی علیه السلام گفت: «قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا» (مریم: ۱۹؛ ر.ک. سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱۲، ص ۳۴۷).

۴-۱-۲. اجتهاد در به کارگیری روایات تفسیری

روایات اهل بیت علیهم السلام نیز یکی دیگر از قراین ناپیوسته آیات به شمار می‌رود که توجه به آن به مقتضای روش گفت‌وگوی عقلانی مورد تأکید آیات و روایات است (رجبی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۹-۱۶۰).

استاد سبحانی مراجعه به احادیث معتبر را یکی دیگر از راهکارهای روش صحیح تفسیر می‌داند. ایشان معتقد است: تفسیر آیات الاحکام بدون مراجعه به احادیث صحیح اسلامی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا بیشتر آیات الاحکام مطلقاتی هستند که قیود آنها در لسان نبی اکرم و جانشینان معصوم ایشان علیهم السلام وارد شده و یا عموماتی هستند که مخصوص آنها بعداً در سنت نبی اکرم صلی الله علیه و آله بیان گردیده است (سبحانی، ۱۳۹۱، ص ۲۹۸).

ایشان در توضیح مبین بودن پیامبر و ائمه اطهار می‌فرماید: مطابق آیه ۴۴ سوره نحل «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» خود قرآن به بیانات پیامبر که درباره تفسیر و توضیح آیات نازل شده، حجیت بخشیده و یکی از وظایف پیامبر این است که آیات نازل شده را برای امت بیان کند و مقصود از «مبیین» بیان‌کننده آیات مجمل و یا بیانگر ابعاد دیگری از معانی آیات قرآن است. در این صورت آنچه از پیامبر درباره شرایع و احکام وارد شده به حکم این آیه، حجت بوده و پیروی از آن لازم است؛ زیرا تقریباً همگی مربوط به تبیین و تشریح آیاتی است که اصول و کلیات آنها در قرآن وارد شده است. به حکم حدیث «ثقلین» و حدیث «سفینه نوح»،

گفتار پیشوایان شیعه مأخوذ از پیامبر گرامی ﷺ است و با توجه به این امور، موقعیت قرآن و گفتار پیامبر و جانشینان بر حق ایشان کاملاً روشن می‌گردد (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۰۵-۴۰۷).

ایشان معتقد است: زمانی که آیه‌ای برای تفسیر کلمات و یا آیات قرآن وجود نداشته باشد، باید دست به دامن روایات زد (همان، ج ۱۱، ص ۹۲). برای نمونه در بخش «سرگذشت آدم ابوالبشر» در تفسیر آیه «فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (بقره: ۳۷) می‌نویسد: در اینجا آیه‌ای که این کلمات را برای ما توضیح دهد، وجود ندارد. از این رو باید دست به دامن احادیث بز نیم (همان، ص ۹۲-۹۳) و سه روایت از روایات فریقین را در تفسیر «کلمات» نقل می‌کند.

ایشان متذکر گردیده است که برای تفسیر و رفع ابهام از ظاهر آیات، باید یا از خود قرآن کمک بگیریم یا روایات صحیح. در غیر این صورت، نباید اظهار نظر کنیم (همان، ج ۱۲، ص ۲۱۳).

مؤلف **منشور جاوید** در مقدمه جلد دوازدهم، منابع خود را قرآن، روایات و اقوال مفسران معرفی کرده است (همان، ص ۴).

جدول ۱: نوع استفاده از روایات در تفسیر منشور جاوید

تعداد	نوع استفاده از روایت
۴۶	تأیید یک نظریه و احتمال
۱۴	شرح و تفسیر آیات
۱	مبارزه با اسرائیلیات
۲۱	بیان جزئیاتی که در قرآن نیامده
۱	مبارزه با اسرائیلیات
۶	سایر
۸۹	جمع کل

در جدول فوق نوع استفاده از روایات توسط مؤلف **منشور جاوید** بیان گردیده است. بیشترین استفاده از روایات در تأیید یک نظریه و احتمال است. در رتبه بعد استفاده از روایات در جهت بیان مطالب و جزئیاتی است که در قرآن نیامده است. برای نمونه، نسبت به هر بخش، مثالی را متذکر خواهیم شد:

۴-۱-۲. تأیید یک نظریه و احتمال

در جواب این سؤال که آیا بهستی که آدم در آن آفریده شد، همان بهشت اخروی است یا بهشت دنیوی؟ مؤلف **منشور جاوید** احتمال اول را با توجه به ویژگی‌های بهشت اخروی در قرآن رد می‌کند و احتمال دوم را می‌پذیرد و برای تأیید این مطلب، این روایت را ارائه می‌دهد: هنگامی که حسن بن بسام از امام صادق ع از واقعیت بهشت آدم پرسید، امام در پاسخ فرمودند: «از باغ‌های دنیا بود و آفتاب و ماه بر آن طلوع می‌کرد، و اگر بهشت آخرت بود، هرگز از آن خارج نمی‌شد» (همان، ج ۱۱، ص ۷۹).

۲-۱-۴. شرح و تفسیر آیات

در مبحث قرآن و عصمت حضرت ایوب علیه السلام در تفسیر آیه «وَ اذْکُرْ عَبْدَنَا اَيُّوبَ اِذْ نَادَى رَبَّهُ اَنۡى مَسَّی الشَّیْطَانُ بِنُصۡبِیْ وَ عَذَابِیْ» (ص: ۴۱) می نویسد:

مقصود از «نصب» و «عذاب» که به معنای رنج و درد است، چیزی غیر از بیماری جسمی است، بلکه مقصود از آن همان شماتت راهبان بود که به تحریک شیطان، ایوب را شماتت می کردند. سپس روایتی از امام صادق علیه السلام که تفسیر مزبور را از آن برداشت نموده، نقل می کند که امام فرمودند: ایوب بی آنکه گناهی مرتکب شده باشد، دچار بلا گردید و استقامت ورزید تا آنکه مورد سرزنش قرار گرفت و پیامبران بر شماتت صبر نمی کنند (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱۲، ص ۳۱۲).

۳-۱-۴. بیان مطالب و جزئیاتی که در قرآن نیامده

مؤلف منشور جاوید در بیان مبحث نجات حضرت یوسف علیه السلام از قعر چاه می نویسد: برخی از روایات متذکر دعایی هستند که در آن حال، یوسف آنها را زمزمه می کرد و می گفت: «اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ بِاَنَّ لَکَ الْحَمْدَ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ الْمَنَّانُ، بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَجْعَلَ لِیْ مِمَّا اَنَا فِیْهِ فَرَجًا وَ مَخْرَجًا» (همان، ج ۱۱، ص ۳۵۸).

۴-۱-۴. مبارزه با اسرائیلیات

ایشان در بیان سرگذشت داستان حضرت داود علیه السلام می نویسد: بسیاری از مفسران اهل سنت تحت تأثیر اساطیر تورات محرف قرار گرفته و چیزهایی را به داود علیه السلام نسبت داده اند که هرگز نمی توان به یک مؤمن عادل نسبت داد تا چه رسد به پیامبر الهی، و ما برای اینکه کتاب خود را با این اسطوره ها آلوده نسازیم از نقل آنها خودداری می کنیم، ولی حدیثی از امام صادق نقل می کنیم که او فرمود: «همه خواسته های مردم قابل انجام نیست و زبان های آنان بسته نمی شود. آیا همین مردم به داود علیه السلام نسبت ناروا ندادند و گفتند: او به دنبال مرغی بود، مرغ به خانه یکی از افسران ارتش به نام *اوریا* رفت و به خانه او نگریست...؟!» (همان، ص ۲۶۰-۲۶۱).

ایشان روایاتی را که با ظاهر آیات همخوانی ندارد، رد می کند. برای مثال، در تفسیر آیه ۴۲ سوره یوسف می نویسد: برخی می گویند که هر دو ضمیر به یوسف برمی گردد: «...أذکرنی عند ربِّکَ فَانْسَاهُ الشَّیْطَانُ ذِکْرَ رَبِّهِ...» و شیطان موجب شد که یوسف یاد خدای ذوالجلال را فراموش کند و به جای اینکه به خدا استغاثه کند، به بشر پناه برد و از او کمک طلبید و نتیجه این ترک اولی آن شد که او مدت ها در زندان ماند.

گرچه این تفسیر در روایات فریقین وارد شده، ولی این روایات غالباً مرسل و فاقد سند است و احیاناً به روایانی مثل *ابوهریره* منتهی می شود و بعید نیست که احبار و راهبان در انتشار این گزارش ها دست داشته باشند. قرآن حضرت یوسف علیه السلام را از مخلصان می شمارد و می فرماید که شیطان به مخلصان راهی ندارد. پس یوسف علیه السلام به حکم اینکه از مخلصان است، بالاتر از آن است که شیطان به او راهی داشته باشد (همان، ص ۴۰۳).

جدول ۲: نوع بیان روایت در تفسیر منشور جاوید

تعداد	شکل بیان روایت
۷۸	بیان روایت با لفظ همراه ذکر منبع
۵	بیان روایت با لفظ بدون منبع
۵	بیان روایت بدون ذکر لفظ و منبع
۸۸	جمع کل

در جدول بالا نوع بیان روایت از لحاظ ذکر لفظ و منبع نشان داده شده که بیشترین تعداد مربوط به بیان روایت همراه با لفظ و ذکر منبع است.

۱-۲. نظم ترتیبی و نظم موضوعی آیات در «منشور جاوید»

تفسیر موضوعی به صورت‌های گوناگون همیشه مطرح بوده است. فقیهان از پیشگامان طرح «تفسیر موضوعی» بوده‌اند؛ زیرا آیات مربوط به مسائل فقهی را مورد بحث قرار داده‌اند. در طول تاریخ، قرآن پژوهان فراوانی بوده‌اند که تنها بخش‌هایی از قرآن را مد نظر قرار داده‌اند؛ مانند نگارندگان *عربی القرآن*، *تفسیر متشابه القرآن*، *تفسیر آیات مشکله قرآن*، *توحید و شرک در قرآن*، و *زن از دیدگاه قرآن*.

۱-۲-۱. روش‌های تفسیر موضوعی

در تفسیر موضوعی همواره دو نوع روش مطرح بوده است:

۱-۱-۲. گونه اول

سرفصل موضوعاتی مانند توحید، شرک و توکل از قرآن استخراج می‌شود و مفسر با در نظر گرفتن مجموع آنها موضوع را بررسی می‌کند؛ مانند *پیام قرآن استاد ناصر مکارم شیرازی*، *تفسیر موضوعی استاد عبدالله جوادی آملی* و *منشور جاوید استاد جعفر سبحانی*.

۲-۱-۲. گونه دوم

موضوعات از خارج قرآن و از نیازهای عینی جامعه استخراج می‌شود، سپس از نظر قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد، با این باور که قرآن همواره پاسخگوی نیازهای روز است. این روش شهید صدر است.

۱-۲-۲. بررسی میزان تعهد «منشور جاوید» به نظم ترتیبی آیات

گردآوری موضوعی آیات و تفسیر موضوعی قرآن دو مقوله جدای از هم هستند که قرآن پژوهان به آنها توجه کرده‌اند. اما چون آیات قرآن هر کدام موضعی معین و توقیفی دارند، بدین معنا که آیات در یک چینش و سیاق قرار دارند، بر روش تفسیر موضوعی اشکال نموده‌اند که آیا در تفسیر موضوعی نظم ترتیبی آیات لحاظ می‌شود یا آیات از رهگذر همشینی در سایه نظم موضوعی فهمیده می‌شوند؟

در این زمینه در هر موضوعی باید به دو سؤال پاسخ داده شود:

۱- آیا نظم ترتیبی آیات در تفسیر **منشور جاوید** مورد توجه قرار گرفته است؟

۲- آیا مفسر در روش تفسیر موضوعی ضمن رعایت نظم ترتیبی، از رهگذر همنشینی آیات در کنار یکدیگر، اضلاع و ابعاد و چهره‌های دیگر آیات را آشکار نموده است؟

در این زمینه می‌توان موضوعات بسیاری را از تفسیر **منشور جاوید** بررسی کرد؛ نظیر توحید در عبادت، توحید در اطاعت، توحید در حاکمیت و مانند آن، و سیاق آیات و مدالیل و مفاهیم آنها را در تفسیر ترتیبی بررسی کرد، سپس میزان اهتمام و توجه **آیت‌الله سبحانی** به نظم ترتیبی آیات را سنجید. (البته نگارنده ادعا نمی‌کند تمام موضوعات مطرح در این تفسیر همین قاعده را رعایت کرده، اما غالباً این مسئله مورد دقت و توجه نگارنده تفسیر **منشور جاوید** بوده است.) بررسی همه موضوعات از حوصله این بحث خارج است و تنها به بررسی یک نمونه اکتفا می‌گردد:

۱-۷-۲. مسئله توحید در عبادت

«قل یا اهل الكتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشکر به شیئاً...» (آل عمران: ۶۴)؛ بگو: ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم، که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگیریم... .

۱-۷-۲-۱. سیاق کل سوره

سوره آل عمران در مدینه و در زمانی نازل شده است که دعوت پیامبر ﷺ گسترش یافته بود؛ زیرا در این سوره ماجرای جنگ احد و مباحله مطرح شده است.

سوره بقره با بیان توحید و ایمان به خدا خاتمه یافته و سوره آل عمران نیز با همین محتوا آغاز شده است. (طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۵۴؛ طباطبائی، ۱۴۰۲، ج ۳، ص ۲).

۱-۷-۲-۲. محتوای سوره

در سوره آل عمران ماجرای جنگ احد، مباحله، دعوت به توحید و ایمان، استقامت در راه اسلام، مبارزه منطقی با یهود و مسیحیان و مشرکان، درس‌های تربیتی برای مسلمانان درباره پیشرفت اسلام، نفی عقاید باطل و مانند آن آمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۰۰).

۱-۷-۲-۳. شأن نزول آیه

در این زمینه که آیه ۶۴ سوره آل عمران درباره چه کسانی نازل شده، اختلاف نظر است:

الف. عده‌ای می‌گویند: درباره نصاری نجران نازل شده است.

ب. برخی دیگر می‌گویند: درباره یهود مدینه نازل شده است.

ج. دسته‌ای دیگر می‌گویند: آیه درباره هر دو گروه از اهل کتاب نازل شده است.

صاحب کتاب **مجمع البیان** معتقد است: نظریه سوم درست است؛ زیرا آیه عمومیت دارد (طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۵۴).

اوایل این سوره تا قریب هشتاد و چند آیه درباره هیأت اعزامی از نجران نازل شده که چهار تن ایشان از اشراف و سه تن پیشوا بودند. آنان نزد پیامبر آمدند و در مسجد پیامبر نمازشان را به طرف مشرق خواندند. پس از آن با رسول خدا صحبت کردند. حضرت به ایشان فرمودند: باید اسلام بیاورید. گفتند: ما قبل از تو اسلام آورده‌ایم. پیامبر ﷺ فرمودند: شما دروغ می‌گویید و تسلیم دین خدا نیستید؛ زیرا شما برای خدا فرزند قایل هستید و... در نهایت، مسیحیان از جواب عاجز ماندند و خدا آیات سوره آل عمران را از اول تا هشتاد و چند آیه در این باره نازل کرد (طباطبائی، ۱۴۰۲ق، ج ۳، ص ۲).

۴-۱-۷-۲. سیاق آیات

خدا در این آیات، ابتدا مسیحیان را به استدلال منطقی دعوت کرده است؛ یعنی دعوت به اسلام و خصوصیات آن. آن‌گاه پس از احتجاج با اهل کتاب، چون آنان مخالفت کردند، به مباحثه دعوت شدند. اما آنان حاضر به مباحثه نشدند. با این وجود، چون دعوت به مباحثه در روحیه آنان اثر گذاشت، خدا از این آمادگی روحی استفاده نمود و مجدد استدلال آورد و در این استدلال به نقطه‌های مشترک بین اسلام و اهل کتاب دعوت نمود و در حقیقت آیه ۶۴ سوره آل عمران ندای وحدت در برابر اهل کتاب است و به آنها می‌فرماید:

شما قایل به وحدت در تثلیث هستید و میان تثلیث و توحید تفاوت قایل نمی‌شوید. همچنین یهود در عین سخنان شرک‌آمیز، عزیر را پسر خدا می‌دانند و با این وجود، مدعی توحید هستند. پس همه در اصل توحید اشتراک داریم. حال این اصل مشترک را بی هیچ پیرایه و شبهه‌ای زنده کنید: «أَلَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَانْشُرِكُ بِهِ شَيْئاً»؛ یعنی مسیح را نباید رب دانست و نباید بی قید و شرط از دانشمندان منحرف که حلال و حرام الهی را به میل خود تغییر می‌دهند، پیروی کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶ ص ۴۴۹؛ طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۵۴).

۴-۱-۷-۲. تفاسیر آیه «قل یا اهل الکتاب...»

آیت‌الله سبحانی در این باره بیان می‌دارد: از اساسی‌ترین دستورات آسمانی و هدف تمام انبیا دعوت به توحید و یکتاپرستی و مبارزه با شرک است. قرآن یکتاپرستی را اصل مشترکی میان تمام شرایع آسمانی معرفی می‌کند و می‌فرماید: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم ألا نعبد الا الله و لانشرک به شیئاً» (آل عمران: ۶۴). توحید در عبادت چیزی نیست که فقط گروه خاصی آن را به خود نسبت دهند، بلکه اصل استواری است که در میان مسلمانان کسی با آن مخالفت نکرده است (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۸۱).

خطاب در این آیه، به عموم اهل کتاب است. مراد از «کلمه» توحید است. «سواء» به دو معناست: یکی مساوی

و دیگر عدل و انصاف که به هر معنا بگیریم، جمله «ألا تعبد الا الله» تفسیر «کلمه سواء» است. پس معنای آیه چنین می‌شود: «بگو: بیاید به سوی این کلمه؛ یعنی به سوی اینکه غیر خدا را نپرستیم». «ألا تعبد الا الله» اشاره به نفی شرک در عبادت است که مطابق کلمه «لا اله الا الله» است و «لانشرک به شیئاً» اشاره به توحید افعالی است. تعبیر به «شیء» شامل ذوی‌العقول و غیر آنها می‌شود.

دعوت در آیه، فقط دعوت به اعتقاد توحید نیست، بلکه دعوت به توحید عملی است که همان ترک پرستش غیر خداست. مراد از جمله «ألا تعبد الا الله» نفی عبادت غیر خداست، نه اثبات عبادت خدا؛ زیرا سیاق کلام نفی شرک است.

شرک در عبادت و شرکی که اعتقاد به فرزنددار بودن خدا و اعتقاد به سه‌خدایی از آن نشئت می‌گیرد، با جمله «ألا تعبد الا الله» ریشه‌کن نمی‌شود. از این رو به دنبالش فرموده است: «و لانشرک به شیئاً و لایتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله» (طباطبائی، ۱۴۰۲ق، ج ۳، ص ۲۷۰؛ طیب، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۲۳۵).
 «فان تولوا فقولوا اشهدوا بأنا مسلمون»؛ ای مسلمانان! در برابر اعراض ایشان از توحید و برای تجدید اقرار به توحید و حق و به خاطر مخالفت با آنها بگویید: «اشهدوا بأنا مسلمون»؛ یعنی:

۱. با اخلاص به توحید اقرار داریم.

۲. برخی دیگر گفته‌اند: یعنی مطیع آنچه خدا و محمد ﷺ و انبیای قبل فرموده‌اند، هستیم.

۳. برخی دیگر می‌گویند: یعنی بر اسلام پابرجاییم (طیب، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۲۳۵؛ طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۵۴).
 با جمله «اشهدوا بأنا مسلمون» به اهل کتاب اخطار کرده که سرپیچی آنان از حق در روح مؤمنان اثر نمی‌گذارد و بر اسلام باقی خواهند ماند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۴۹).
 در نتیجه می‌توان این‌گونه بیان داشت:

«توحید» به معنای یگانه و بی‌نظیر و بی‌همتا بودن است و «عبادت» به معنای فرمانبری و نهایت خضوع است. پس «توحید در اطاعت» همان یکتاپرستی و عدم شرک است. سیاق موضوع آیه درباره اعتقادات مسیحیان و یهودیان در زمینه توحید است که مسیحیان معتقد به تثلیث بوده‌اند و یهودیان عزیر را فرزند خدا می‌دانسته‌اند که این همان شرک و نفی توحید است و در تفاسیر آمده که آنان بی‌قید و شرط از دانشمندان خود اطاعت می‌کردند و این عبادت و پرستش است. در آیه ۶۴ سوره آل عمران هم آنان را به توحید که اصل مشترک بین تمام ادیان است دعوت کرده است؛ زیرا مسیحیان و یهودیان بین اعتقادات خود و توحید تفاوتی قایل نمی‌شدند و در این آیه اصل توحید را برای آنان بیان کرده و توحید اصیل را نشان داده است. بنابراین گفتار *آیت‌الله سبحانی* در تفسیرشان با قرینه سیاق موضوعی آیه تأیید می‌شود.

از رهگذر همنشینی آیات و مفاهیم مربوط به آن، آیه شامل نکات ذیل می‌شود:

- بحث توحید و مراتب فردی و اجتماعی آن؛

- نشان دادن نحوه برخورد با مخالفان حق که قرآن در تعامل با اهل کتاب، ابتدا راه جنگ و ستیز را برنگزیده، بلکه انگشت بر روی نقطه اشتراک (یعنی وحدت ادیان در مسئله عبودیت پروردگار) گذاشته است.

- به جنبه عملی ادیان که همان نفی شرک و تسلیم شدن در برابر خداست، اشاره کرده است. آیه متضمن مفهوم صلح و روابط مسالمت‌آمیز است که ناشی از مبانی اساسی ادیان است و شامل بحث وحدت ادیان و گفت‌وگوی ادیان می‌شود که مبتنی بر مبادی مشترک است. *آیت‌الله سبحانی* به طور کلی به این مطالب اشاره نموده است.

به همین شیوه می‌توان نظم ترتیبی و نظم موضوعی و موضوعات گوناگون در تفسیر **منشور جاوید** را بررسی کرد و به این نتیجه دست یافت که نویسنده در تدوین کتاب به این دو نظم دقت خاص داشته است.

۲-۲. تفسیر ترتیبی

اگرچه *آیت‌الله سبحانی* تک‌نگاری‌هایی نیز در تفسیر برخی سوره‌های قرآن به سبک تفسیر ترتیبی دارد که به آنها اشاره شد، اما اثر مهم تفسیر ترتیبی ایشان کتاب *منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین* است. این کتاب جدیدترین اثر قرآنی ایشان است که با قلمی روان و فاخر نوشته شده و اخیراً انتشار یافته است. حتی این تفسیر را می‌توان پس از **تفسیر تسنیم**، جدیدترین تفسیر ترتیبی کامل نگارش یافته به قلم عالمان بزرگ شیعی معاصر قلمداد کرد.

در تألیف و انتشار این تفسیر جدید، *استاد سبحانی* رویه‌ای متفاوت با رویه دیگر تفسیرهای ترتیبی داشته است. مفسرانی که قرآن کریم را به ترتیب سوره آن تفسیر می‌کنند، جلد اول تفسیرشان را به تفسیر سوره حمد و سوره بقره اختصاص می‌دهند، البته با مقدمه‌ای که در آن به رویکرد و روش خود اشاره می‌کنند. اما *آیت‌الله سبحانی* تفسیر *منیة الطالبین* را از جزء آخر قرآن آغاز کرده و جلد ۳۰ این کتاب به تفسیر و تبیین سوره‌های نبأ تا ناس اختصاص یافته و به همین صورت جلد‌های ۲۹، ۲۸، ۲۷ و... به اجزای جلوتر که به تدریج انتشار یافته است.

مفسر بنایش این بوده که هر جلد از تفسیر او، به یک جزء قرآن اختصاص یابد، ولی این محاسبه محقق نگردیده و در نتیجه، از تفسیر سوره فاتحه تا سوره ناس، در ۲۸ جلد به ثمر رسیده و با افزودن دو جلد مباحث مقدماتی، ۳۰ جلد شده است. جلد سی‌ام این تفسیر قبل از دیگر جلد‌ها در سال ۱۳۹۱ انتشار یافت و مفسر در آن به تفصیل، به تفسیر سوره‌های جزء آخر قرآن پرداخته است و این خود تفاوتی مهم بین تفسیر *منیة الطالبین* با دیگر تفاسیر ترتیبی قرآن به شمار می‌آید؛ زیرا معمولاً در تفاسیر ترتیبی وقتی به تفسیر جزء آخر قرآن می‌رسند، با ارجاع به مباحث گذشته، تفسیر سوره و آیات این جزء را با اختصار تفسیر می‌کنند و رد می‌شوند و به تفصیل بحث تفسیری نمی‌کنند.

ایشان در مقدمه کوتاه جلد ۳۰ آرزو کرده است: «این تفسیر خوانندگان گرامی را در فهم معانی و اسرار قرآن و معرفت مفاهیم و احکام کلام الهی و ادراک مقاصد و آیات کلام‌الله کمک کند». ایشان انگیزه خود را از نوشتن این

تفسیر تلاش برای تقدیم تفسیری جامع و آسان دانسته است تا نیازهای مدرّسان و مبلّغان را در درس‌ها و بحث‌ها برای توضیح و تبیین آیات کریمه قرآن تأمین نماید (سبحانی، ۱۳۹۵، ج ۳۰، ص ۷).

جلدهای ۱ و ۲ این تفسیر در حجم و صفحاتی کمتر از جلد‌های تفسیری دیگر، به «علوم قرآن» اختصاص یافته و از جلد ۳ تا جلد ۳۰ (۲۸ جلد) به تفسیر ترتیبی تمام سوره قرآن کریم اختصاص دارد. مفسر در این تفسیر بنایش بر تألیف و پدید آوردن تفسیری جامع است که هم از ویژگی‌های علمی و ادبی برخوردار باشد و هم در بردارنده مباحث کلامی، عقایدی، تاریخی و روایی باشد.

این اثر پربار و ارزنده دارای ویژگی‌هایی است که در تفاسیر معاصر کمتر به چشم می‌خورد یا اصلاً در آنها مد نظر قرار نگرفته است. در ذیل، به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱-۲. توجه به نقش پایه‌ای علوم قرآن در تفسیر قرآن

یکی از مفیدترین و بزرگ‌ترین زحمات حضرت استاد سبحانی در تفسیر *منیة الطالبین* پرداختن به موضوع علوم قرآنی و مباحث آن در ابتدای تفسیر است. بعد از آن وارد مباحث تفسیر قرآن شده است (سبحانی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۷). البته خود مؤلف خاطر نشان می‌سازد نگارش مباحث علوم قرآنی بعد از فارغ شدن از تفسیر قرآن بوده، ولی هنگام چپ‌نش، در جلد‌های ابتدایی قرار گرفته است:

...فهمذہ صحائف فی علوم القرآن الکریم، و قد قمت بتحریرها بعد أن فرغتُ عن تفسیره، فأحببت أن أکملها بتألیف آخر فصار المجموع - بحمد الله - موسوعة تفسیریة كاملة... (همان).

یکی از سنت‌های مفسران بزرگ شیعه و اهل سنت بیان مباحث علوم قرآنی به‌مثابه نظرات پایه تفسیر خویش بوده است که از خلال آن می‌توان دیدگاه‌ها و نظریات تفسیری آنان را به خوبی دریافت. این شیوه در *مجمع البیان* شیخ طبرسی با بیان فتون مقدماتی در مقدمه وی خود را نمایان می‌سازد (طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۱). در *تفسیر عیاشی* این مطلب به شیوه خاص خود به چشم می‌خورد (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲).

البته بیشتر مفسران بزرگ به بیان مقدماتی خاص تفسیر خود و برای فهم بهتر مباحث تفسیری به آنها پرداخته‌اند؛ اما پرداختن به مسئله علوم قرآنی و بیان مسائل مهم و بحث‌برانگیز در این زمینه از خصوصیت‌های منحصر به فرد این اثر عظیم است که خوانندگان را با مهم‌ترین مباحث علوم قرآنی در عصر حاضر آشنا می‌سازد. خود استاد در این باره بیان می‌دارد:

...نحن نختر من المسائل الثمانین التي بحث فيها جلال‌الدین السیوطی أو الأریعین مسألة التي طرحها الزرکشی ما هو المهم في حياتنا المعاصرة، التي وقعت مورداً للسؤال و الانتقاد... و نترك دراسة ما يرجع إلى علوم البلاغة أو التویعات التي لا ثمره مهمة فيها... (سبحانی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۹)؛

از مسائل کلانی که افرادی همچون *جلال‌الدین سیوطی* و *زرکشی* بیان داشته‌اند، صرفاً مسائلی در علوم قرآن بررسی می‌گردد که برای عصر حاضر اهمیت دارد و مبتلابه است. البته *آیت‌الله سبحانی* در بیان مباحث به همین

اکتفا نکرده و مسائل جدیدی همچون گرایش‌ها (سبحانی، ۱۳۹۵؛ همان، ج ۲، ص ۲۲۴، المبحث السادس والعشرون، أنواع الاهتمامات التفسيرية) و روش‌های تفسیری را نیز در مبحث خاص خود (ر.ک. همان، ج ۲، ص ۲۰۱، المبحث الخامس والعشرون، المناهج التفسيرية) بیان داشته که در گذشته به آن کمتر توجه شده و دیری نیست که اندیشمندان درباره آن موضوع به تألیف پرداخته‌اند.

در خلال این مباحث، از ابتدا به فرق تفسیر و علوم قرآنی پرداخته و مباحث مهمی از علوم قرآن همچون کیفیت نزول قرآن (سبحانی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۷)، تواتر قرائات سبع (همان، ج ۱، ص ۷۳)، مسئله جمع قرآن در عصر پیامبر ﷺ (همان، ج ۱، ص ۹۴)، تحریف قرآن کریم (همان، ج ۱، ص ۱۱۶)، ناسخ و منسوخ (همان، ج ۱، ص ۱۷۳) و مانند آن را مطرح کرده و دیدگاه‌های مخالفان را بررسی و به رد و ابطال نظریه نادرست و تبیین نظریه صحیح همت گمارده است.

۲-۲-۲. خرق سنت سلف در بیان تفسیر

از جمله خصوصیت‌های تفسیر منیة الطالبین نظم در چینش مطالب و خرق سنت مفسران گذشته در بیان مباحث تفسیر است. کتاب‌های تفسیر قرآن کریم هر یک چیدمان خاصی دارند و هر مؤلف شیوه خود را از ابتدا تا انتها ادامه داده و از آن تخطی نکرده است. مفسران متقدم صرفاً به روایات تفسیری در ذیل آیات قرآن می‌پرداختند و از آیاتی را که درباره آنها روایتی ذکر نشده بود، به صورت گذرا عبور می‌کردند.

بعد از تفاسیر اولیه شیعه، مفسران متأخر به تفسیر خود رنگ جدیدی دادند و ذیل آیات، به تقسیم‌بندی‌هایی پرداختند. برای مثال، **تفسیر تبیان** غالباً ذیل هر آیه یا مجموعه آیات، مسائلی را بررسی می‌کند که عبارت‌اند از: قرائت، اعراب، لغت، تفسیر (طوسی، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۳۳) و یا در تفسیر **مجمع البیان** مرحوم طبرسی ﷺ مسائلی مانند قرائت، اعراب، نزول، لغت، معنی را بیان و بررسی کرده است.

این نوع تقسیم‌بندی در تفسیر منیة الطالبین به صورت منظم به یک دسته‌بندی ثنایی تبدیل شده و در ذیل هر آیه یا مجموعه آیات، از مفردات (توضیح و تبیین لغات آیات) و تفسیر آیات بحث شده و از این روش در هیچ جا تخطی نشده و یا در جایی کم و یا زیاد نشده است. این نظم در بیان مباحث و چینش آنها که در هیچ آیه‌ای از آن عدول نگردد، از مزیت‌های خاص این تفسیر است که کار مراجعه به آن را برای خواننده آسان می‌سازد.

۲-۲-۳. جامعیت موضوعی

یکی از مسائلی که در این اثر به چشم می‌خورد «جامعیت موضوعی» آن است. مقدمه مؤلف را که در جلد سی‌ام کتاب مشاهده کنیم، انگیزه او را از نگارش این تفسیر درمی‌یابیم:

...أن الذی دعانا للقیام بهذا العمل هو محاولة تقديم تفسیر جامع میسر یكون مصدراً لما یحتاج إلیه المدرسون و المبلغون فی دروسهم و محاضراتهم فی توضیح الآیات الکریمة و تقریبها إلی أذهان الناشئة المؤمنة... (سبحانی، ۱۳۹۵، ج ۳۰، ص ۷).

باید خاطر نشان ساخت که بر صفحه آغازین این کتاب این ادعا به عنوان یک ویژگی منحصر به فرد این اثر نگاشته شده است: «تفسیر علمی، ادبی، یحوی علی اباحت کلامیه و عقائديه و تاريخيه و روائيه...» (همان، ج ۳۰، صفحه آغازین). نگارنده در لابه لای تفسیر خود درصدد اثبات این ادعا برآمده است. برای مثال، مؤلف به تناسب آیه ۲۳ و ۲۴ سوره بقره که در آن با منکران و مخالفان قرآن تحدی کرده، رساله مفصلی از نوشته های پیشین خود درباره «عجاز قرآن و ارکان و شواهد آن» را ضمیمه کتاب کرده و به تناسب بحث پرننگ «عجاز قرآن» در این جلد در مقدمه اش می نویسد:

از آنجایی که رسالت محمدیه رسالت جاودانه و پایدار تا قیامت است، چراکه خداوند با آن باب نبوت و وحی آسمانی را خاتمه داده، همین خود می طلبید که رسالت حضرت ختمی مرتبت مقرون به معجزه جاودانه ای باشد که به رغم گذشت نسلها، درخشان و نورانی باقی باشد تا بر صدق دعوت و رسالت پیامبر اکرم ﷺ دلالت کند. در نتیجه خداوند پیامبر خویش را به برترین معجزه تأیید نمود که همانا «قرآن مبین» است (همان، ج ۳، ص ۴۵۸).

البته برای موضوعات دیگر هم شاهد مثال های فراوانی وجود دارد که در اینجا برای پرهیز از اطاله کلام از آن صرف نظر می شود.

نتیجه گیری

یکی از عالمان برجسته حوزه علمی قم در عرصه تفسیر قرآن *آیت الله جعفر سبحانی* است که هم در تفسیر ترتیبی و هم تفسیر موضوعی آثار ارزشمندی را به رشته تحریر درآورده است که از آن میان، کتاب های *منشور جاوید* و *مفاهیم القرآن و تفسیر منیه الطالبین* ایشان پرآوازه ترند.

آیت الله سبحانی دارای شخصیت علمی جامع و ممتازی است و آثار تفسیری ایشان بر مطالعات قرآنی معاصر اثرگذار بوده است. ویژگی هایی که در فعالیت ها و تألیفات و پژوهش های تفسیر موضوعی ایشان مشهود است عبارتند از: اولویت دهی به تفسیر موضوعی، توجه به مباحث کلامی و شبهات کلامی، توجه به روش «تفسیر قرآن به قرآن»، اجتهاد در به کارگیری روایات تفسیری، رعایت نظم ترتیبی و موضوعی در تفسیر.

اما ویژگی مرتبط با آثار ایشان در تفسیر ترتیبی قرآن را می توان پرداختن فراگیر به مباحث علوم قرآن با توجه به نقش پایه ای آنها برای تفسیر قرآن، خرق سنت های گذشته در تألیف تفسیر قرآن بر حسب ترتیب مصحف و سرانجام جامعیت موضوعی مباحث در تفسیر هر دسته از آیات برشمرد. هر یک از این ویژگی ها و مجموع آنها در تکوین جایگاه ممتاز ایشان به عنوان مفسری توانا مؤثر و نقش بوده است.

منابع


- باقری زارع، بهزاد، ۱۳۹۵، **مبانی و روش تفسیری آیت الله سبحانی در تفسیر منیه الطالبین فی تفسیر القرآن المبین**، پایان نامه کارشناسی ارشد، قرآن و حدیث، دانشکده علوم و معارف قرآن، دانشگاه قم.
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله سبحانی، www.tohid.ir.
- پرچم، اعظم، ۱۳۸۹، «جایگاه سیاق و نظم موضوعی آیات در تفسیر منشور جاوید»، **مشکوئه**، ش ۱۰۸، ص ۸۱-۹۷.
- رضایی اصفهائی، محمد علی، ۱۳۸۲، **درسنامه روش ها و گرایش های تفسیر قرآن کریم**، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۳۹۱، تفسیر آیات مشکله قرآن، چ پنجم، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- _____، ۱۳۸۲، **منشور جاوید**، چ دوم، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- _____، ۱۳۸۳، **منشور جاوید**، چ سوم، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- _____، ۱۳۹۵، **منیه الطالبین فی تفسیر القرآن المبین**، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- _____، ۱۴۲۰، **مفاهیم القرآن**، چ دوم، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- _____، ۱۴۲۲، **المناهج التفسیریة**، چ سوم، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- طالبی، زهرا، ۱۳۹۰، **بررسی تطبیقی مبانی و شیوه های تفسیری آیت الله جوادی آملی و آیت الله سبحانی در تفسیر موضوعی (با محوریت منشور جاوید و تفسیر موضوعی جوادی آملی)**، پایان نامه کارشناسی ارشد، علوم قرآن، دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری، دانشگاه فردوسی مشهد.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۰۲، **المیزان فی تفسیر القرآن**، چ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۹، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، مقدمه محمد جواد بلاغی، چ هفتم، تهران، ناصر خسرو.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۳۸۹ق، **التبیان فی تفسیر القرآن**، لبنان، دارالاحیاء التراث العربی.
- طیب، عبدالحسین، ۱۴۱۱ق، **اطیب البیان در تفسیر قرآن**، چ دوم، تهران، اسلام.
- علیانسب، سیدضیاءالدین و رقیه فردی، ۱۳۹۷، بررسی روش تفسیری آیت الله سبحانی در تفسیر موضوعی منشور جاوید، **در: اولین همایش بررسی اندیشه های آیت الله سبحانی**، تبریز.
- عباشی، محمدبن مسعود، ۱۳۸۰ق، **التفسیر**، تحقیق هاشم رسولی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- معرفت، محمدهادی، ۱۴۱۹ق، **التفسیر و المفسرون فی ثوبه الغنسیب**، مشهد، الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱، **تفسیر نمونه**، چ دهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مؤدب، سیدرضا، ۱۳۹۰، **روش های تفسیر قرآن**، قم، دانشگاه قم.

نوع مقاله: پژوهشی

مفسران برجسته حوزه علمیه قم در سده اخیر؛ آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی*

محمدهادی منصوری / استادیار گروه «معارف قرآن و حدیث» دانشگاه معارف اسلامی قم

mansouri@maaref.ac.ir

 orcid.org/0000_0003_0475_7476

دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۵ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۱

چکیده

از بدو تأسیس حوزه‌های علمیه، عالمان و اندیشوران مسلمان اهتمام ویژه‌ای به دانش تفسیر قرآن داشته‌اند. در سده چهاردهم هجری شمسی اقبال به مطالعات قرآنی و نگارش‌های تفسیری رشد روزافزونی پیدا کرد و علما و مفسران زیادی در این عرصه گام نهادند. این مقاله با روش «توصیفی - تحلیلی» به بررسی شخصیت تفسیری آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی به‌مثابه یکی از مفسران حوزه علمیه قم در سده چهاردهم شمسی پرداخته و نقش و فعالیت‌های ایشان در زمینه مطالعات قرآنی معاصر را بازگو کرده است. حاصل بررسی نشان می‌دهد که آیت‌الله مکارم از عالمان بزرگ و برجسته تفسیری سده اخیر است و آثار تفسیری و قرآنی ایشان، مد نظر اقتشار گوناگون جامعه بوده و تأثیر بسزایی در فعالیت‌ها و پژوهش‌های قرآنی دوره حاضر داشته است. ایشان به هر دو سبک تفسیر «ترتیبی» و «موضوعی» قرآن را تفسیر کرده است. آثار تفسیری ایشان دارای انسجام ساختاری و جهت‌گیری هدایتی و تربیتی است. از ویژگی کار تفسیری ایشان روزآمدی و اتکا بر معیارهای معتبر در تفسیر آیات علمی، احیای روش مفسران قدیم شیعه، برخورداری از سبک معقول در پردازش محتوایی آیات، و اتکا به روش تفسیر اجتهادی قرآن است.

کلیدواژه‌ها: شخصیت‌های تفسیری، مفسران برجسته سده چهاردهم، حوزه علمیه قم، ناصر مکارم شیرازی.

حوزه‌های علمیه شیعه در پرتو عنایات معصومان علیهم‌السلام و تمسک به عقلانیت معتدل، کارنامه زرینی در تربیت عالمان اسلامی در رشته‌های گوناگون، از جمله مفسران و پژوهشگران مباحث قرآنی داشته‌اند.

آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی (۱۳۰۵ تاکنون) در شمار شخصیت‌هایی است که در حوزه علمیه قم تربیت یافته و تفاسیر قرآنی و آثار قرآن‌پژوهی بسیاری را به دانشوران و علاقه‌مندان به قرآن تقدیم کرده‌اند. بخش اعظم حیات علمی ایشان در تبیین و تفسیر قرآن و یا طرح مسائل کلامی و فقهی و اخلاقی و برگرفته از قرآن سپری شده است. این حجم از فعالیت‌های علمی بر مدار قرآن کریم، از ایشان شخصیتی صاحب‌نظر و معتمد و تأثیرگذار در عرصه مباحث و دانش‌های قرآنی و تفسیری ساخته است.

پژوهش حاضر درباره این شخصیت قرآنی و نقش ایشان در مطالعات قرآنی معاصر حایز اهمیت است. این مقاله با استفاده از روش «توصیفی - تحلیلی» به این موضوع پرداخته است.

پیشینه

اگرچه به اجمال به زندگی و آثار *آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی* در برخی نوشته‌ها و یا در برخی پایگاه‌های اطلاعاتی اشاره شده، اما درباره شخصیت علمی ایشان در بعد تفسیری و ویژگی کارهای قرآنی ایشان از لحاظ تأثیرگذاری بر فعالیت‌های قرآنی دوره حاضر کار خاصی صورت نگرفته است. برخی پژوهشگران در ارتباط با آثار ایشان کارهایی با هدف‌های متفاوتی انجام داده‌اند که می‌توان پایان‌نامه *نقد و بررسی مبانی و روش تفسیر نمونه* (احمد خمسلو، ۱۳۸۰) و مقاله «جایگاه تفسیر علمی و معیارهای آن در تفسیر نمونه» (خلیلی و مولوی، ۱۳۹۶) را از این جمله ذکر کرد. اما این پژوهش‌ها نوعاً بر محور *تفسیر نمونه* است و ارتباط ویژه‌ای با شخصیت قرآنی و تفسیری *آیت‌الله مکارم شیرازی* یا همه آثار تفسیری ایشان ندارد و با موضوع و هدف مقاله حاضر که بررسی شخصیت تفسیری *آیت‌الله مکارم شیرازی* و نقش و تأثیر ایشان در تحولات مربوط به مطالعات قرآن‌پژوهی و تفسیری سده اخیر حوزه علمیه قم است، تا حد زیادی تفاوت دارد.

۱. زندگی‌نامه و کارنامه علمی

آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی (دام‌ظله) در سال ۱۳۰۵ در شهر شیراز، در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود و پس از تحصیل مرحله مقدماتی و سطح در حوزه شیراز، به حوزه علمیه قم و پس از مدتی به حوزه نجف عزیمت کرد. ایشان با پیمودن مدارج عالی علمی، از جوانی به تدریس، تبلیغ و تألیف در زمینه معارف دینی پرداخت. (وبگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله مکارم شیرازی، www.makarem.ir).

آیت‌الله مکارم شیرازی در زمینه نگارش آثار علمی در موضوعات گوناگون اسلامی توفیق زیادی داشته است، به گونه‌ای که هم خود مستقلاً تألیفات ارزشمند در زمینه علوم اسلامی دارد و هم با گروه‌هایی از دانشمندان و

پژوهشگران به تدوین و نگارش آثاری در زمینه تفسیر و موضوعات قرآنی مبادرت ورزیده و شمار این آثار تا انتهای سده اخیر، بالغ بر یکصد اثر شده است (همان).

از جمله آثار تفسیری ایشان، می‌توان به این موارد اشاره کرد: **تفسیر نمونه** (در ۲۷ جلد)، **پیام قرآن** (در ۱۲ جلد)، **اخلاق در قرآن** (در ۳ جلد)، **مثال‌های زیبای قرآنی** (در ۲ جلد)، **سوگندهای قرآن، آیات ولایت در قرآن، تفسیر سوره احزاب، والاترین بندگان، قهرمان توحید (زندگی پرماجرای نوح علیه السلام)، آموزه‌ها و عبرت‌ها** (همان).

۲. ویژگی‌های آثار قرآنی و تفسیری

به نظر می‌رسد عمدتاً شخصیت علمی هر دانشمندی در هر شاخه‌ای از دانش را می‌توان از خلال آثار علمی‌اش در آن موضوع علمی و اثرگذاری‌های او در آن زمینه شناسایی و تحلیل کرد. بدین‌روی به اقدامات مهم علمی و ویژگی‌های آثار تفسیری آیت‌الله مکارم و تأثیرات فکر او بر دیگران در جهت هدف این مقاله اشاره می‌شود:

۲-۱. تفسیر قرآن به دو سبک ترتیبی و موضوعی

آیت‌الله مکارم شیرازی، هم در تفسیر «ترتیبی» و هم در تفسیر «موضوعی» آثار قابل توجهی را به عموم دانشوران و علاقه‌مندان به دانش تفسیر قرآن تقدیم کرده است. تألیف **تفسیر نمونه** (در ۲۷ جلد) که تفسیر کل آیات قرآن بر اساس ترتیب موجود در مصحف است و **پیام قرآن** (در ۱۲ جلد) و **اخلاق در قرآن** (در ۳ جلد) که تفسیر تمام آیات مربوط به موضوعات اعتقادی و اخلاقی است، شاهدی بر این مدعاست. علاوه بر این، ایشان تک‌نگاری‌های قرآنی متعددی هم دارد که در جای خود ارزنده و مغتنم است. البته مجموعه آثار گوناگون تفسیری ایشان اغلب با همکاری جمعی از فضلالی حوزه علمیه قم انجام شده است.

درباره مزایا و ویژگی‌های آثار تفسیری آیت‌الله مکارم شیرازی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۲-۱-۱. انسجام ساختاری

هر دو دسته از آثار تفسیری ایشان با ساختاری منسجم به رشته تحریر درآمده و در شاکله مباحث کتاب، انسجام ملموسی در ارائه هر بحث هویداست؛ مثلاً، در **تفسیر نمونه** در ابتدای هر سوره یک پیش‌آگاهی درباره سوره ارائه می‌شود و در **پیام قرآن** ابتدای هر بحث عنوان «اشاره» آمده و پس از آن آیات گروه‌بندی و تقسیم‌بندی شده‌اند. در ادامه، نکات و مباحث تفسیری بیان گردیده و پس از جمع‌بندی آنها، نکات لازم‌نیاز در فهم آیات تبیین و سپس استنتاج شده است.

۲-۱-۲. گرایش هدایتی و تربیتی

یکی از ویژگی‌های بارز در آثار تفسیری محل بحث، توجه به جنبه «هدایتی و تربیتی» آیات قرآن است. در نظر آیت‌الله مکارم:

قرآن انسان‌ها را اندرز می‌دهد و زنگار گناه و صفات زشت را از قلب آنها می‌شوید و نور هدایت را به دل می‌تاباند و نعمت‌های الهی را بر فرد و جامعه نازل می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۱، ص ۲۱۹).

از این رو در آیات نخستین سوره لقمان، هدف از نزول قرآن هدایت و رحمت شمرده شده و بر این اساس در مقدمه تفسیر نمونه آمده است:

تفسیر نمونه با استفاده از قراین تاریخی و شواهد عقلی و نقلی و احادیث متقن، به جنبه‌های هدایتی و تربیتی قرآن پرداخته است. ایشان تنها به دنبال معنا کردن واژه‌ها و توضیح لغات مشکل نیست، بلکه ضمن آوردن آن مطالب، می‌خواهد نشان دهد که از آیات چه نتیجه‌ای باید گرفت و پیام دعوت قرآن چیست. حتی در مباحث اعتقادی و قصه‌های تاریخی و احکام عملی نیز به دنبال یافتن پیام قرآن و وحی الهی است و در این زمینه علوم گوناگون، اعم از روان‌شناسی، فلسفه اخلاق، قصص و حتی علوم تجربی را نیز به خدمت می‌گیرد تا بین مطالب و خواننده انس و الفت ایجاد کند؛ زیرا قرآن «هدی للناس» (انعام: ۹۱) است. از این رو ورای مباحث علمی و ادبی اصل اول در **تفسیر نمونه** بر هدایت مردم به سوی سعادت دنیا و آخرت نهاده شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، مقدمه).

پذیرش چنین اصلی موجب شده است تا در توضیح برخی مطالب بر این جنبه تکیه شود. برای مثال، در بیان هدف از داستان‌سرایی و ذکر قصص انبیا و سرگذشت اقوام و امم گذشته چنین آورده است:

هدف از داستان‌های قرآن رشد و تکامل انسان‌هاست. هدف نور و روشنایی در جان‌هاست و کنترل هوس‌های سرکش و بالاخره هدف مبارزه با ظلم و ستم و انحراف است (همان، ج ۱۵، ص ۳۴۲).

همچنین در بیان داستان حضرت یوسف علیه السلام به جنبه تربیتی طرح و شکل قصه پرداخته که خداوند علاوه بر دقت در بیان، متانت و عفت را به هم آمیخته و تمام اصول اخلاق را به کار بسته است (همان، ج ۹، ص ۳۷۸).

همچنین هدف از تکرار برخی از مطالب قرآن (مانند اصول عقاید و سرگذشت انبیا) را این گونه بیان می‌کند:

این تکرار و مشابه آن به خاطر این است که قرآن یک کتاب تاریخی نیست، بلکه یک کتاب تربیت و انسان‌سازی است و در مسائل تربیتی گاه شرایط ایجاب می‌کند که یک حادثه را بارها یادآور شوند و از زوایای مختلف به آن بنگرند (همان، ج ۱۵، ص ۵۰۲).

۳-۱-۲. نگرش روزآمد به تفسیر قرآن

آیت‌الله مکارم در مقدمه جلد اول **تفسیر نمونه** در باره این کتاب نوشته است:

تفسیر و بررسی تازه‌ای درباره قرآن مجید با در نظر گرفتن نیازها، خواسته‌ها، پرسش‌ها، مکتب‌ها و مسائل روز، نشان می‌دهد که یکی از اهداف اصلی نویسندگان تفسیر تکیه بر مسائل عصری و نیازهای مردم زمانه خودشان است و هدف مشخص آنان در این راه برگرداندن میراث علمی و فرهنگی اسلام به زبان روز و پیاده کردن همه آن مفاهیم عالی از طریق زبان عصری در روح و جان و عقل نسل کنونی و همچنین استنباط نیازها و تقاضاهای ویژه این زمان از اصول کلی اسلام بوده است. لذا تلاشی آنان این است که تفسیرشان به همگان شناسایی

هرچه بیشتر از قرآن بدهد و همه بتوانند با الهام از تعلیمات زنده و عمیق آن، گامی در راه نجات مسلمین از وضع اسفبار کنونی بردارند (همان، ج ۱، مقدمه).

به همین منظور در تفسیر نمونه، صرفاً توضیح مطالبی آمده است که در خود قرآن به آنها اشاره شده است و استفاده از علوم جدید نیز در جهت ارتباط میان تعالیم قرآنی با یافته‌ها و باورهای بشر امروزی صورت گرفته است. لذا نویسندگان تفسیر نمونه شرایط روحی مخاطبان و پرسش‌ها و بالاخره نسل مخاطب و جوان خویش را در نظر گرفته‌اند و تلاش فراوانی کرده‌اند تا پیام قرآن را با زبان روز تبیین کنند و انسان گرفتار و کم‌فرصت معاصر را به دور از مباحث فنی و کلاسیک در معرض وزش نسیم معطر آیات قرآنی قرار دهند (همان، ج ۱، مقدمه).

همین امر موجب شده است در بیان مبانی اعتقادی و اخلاقی، استدلالی مناسب و امروزی ارائه نماید و از قرآن چهره‌ای کارآمد و هماهنگ با زمانه ترسیم نماید و به گواهی آمار و ارقام و حضور این تفسیر در مجامع علمی و فرهنگی و مساجد و مجالس مذهبی، ظاهراً به این توفیق دست یافته است. ولی چون هیچ تفسیری «خاتم التفاسیر» نخواهد بود، آگاهی از موفقیت‌ها و نواقص، ما را در انتخاب راهی بهتر و گام‌هایی مؤثرتر باری می‌نماید؛ زیرا در هر زمانی نیازها و شبهات و اشکالاتی پیش می‌آید که اندیشمند مسلمان را وامی‌دارد تا به دفع آنها بپردازد. البته نباید عنوان «روزآمدی» موجب افراط یا تفریط در بیان مسائل شود، به طوری که برای جلب مخاطب، به هر مطلبی تکیه گردد و حتی اختراعات و اکتشافات نیز به قرآن نسبت داده شود و **تفسیر نمونه** به‌حق جانب اعتدال را رعایت نموده است.

در اینجا لازم است یادآور شویم که ویژگی «روزآمدی» به ناچار منجر به گرایش اجتماعی در تفسیر خواهد شد که از منظر مسائل اجتماعی به انسان بنگرد و سعادت فرد را از سعادت جامعه جدا نداند. بر همین اساس، در **تفسیر نمونه** بحث از «زندگی اجتماعی انسان» و ابعاد گوناگون آن، جایگاه وسیعی دارد (ر.ک. فهرست موضوعی تفسیر نمونه، ص ۴۱۶). این مباحث علاوه بر طرح مباحث اخلاق فردی و اجتماعی، موجب شده است تا به جوامع اسلامی تحریک ببخشد و آگاهی بیشتری بدهد تا در برابر تعهدات و مسئولیت‌هایی که در برابر اسلام در این عصر و زمان خاص بر دوش دارند، گام مؤثری بردارند. بدین‌روی در **تفسیر نمونه** به مباحثی همچون حقوق بشر، حکومت و نظامات سیاسی و اجتماعی و مسائل روز برمی‌خوریم که در تفاسیر قدیم جایی برای طرح آنها نبوده است.

۴-۲. استفاده از زبان نوشتاری

زبان نوشتاری **تفسیر نمونه** و **پیام قرآن** ساده، روان و دلنشین است و می‌توان آن را یکی از ویژگی‌های درخور توجه این دو تفسیر قلمداد کرد. همان‌گونه که پیش از این درباره خصایص علمی و فکری **آیت‌الله مکارم** گفته شد، ایشان بر ساده‌نویسی تأکید می‌ورزد. چنین رویه‌ای در تمام آثار علمی ایشان به چشم می‌خورد و شاید یکی از علل جذب مخاطبان زیاد همین قلم روان و رسا در بیان مطالب تفسیری باشد. به قول مرحوم **اللهامی** از همکاران تألیف

تفسیر نمونه، «استاد مکارم طلسم سنگین بیان کردن مطالب و فخر به آن را شکستند و آنها را به زبان روز پیاپی کردند» (ر.ک. الهامی، ۱۳۷۹/۹/۲۴).

در این شیوه، الفاظ بار معنایی خاص خود را دارد و اصطلاحات علمی به راحتی در لابه لای کلمات معنی می شوند. از این رو مطالب در لفافه و به صورت رمز و اشاره گفته نمی شود و مخاطب بدون دغدغه ذهنی، به مطالعه تفسیر می پردازد و زود در فضای بحث قرار می گیرد و همگام با طرح مباحث، به آسانی به نتیجه دست می یابد. استدلال ها ساده و نزد خواننده ملموس است و حتی گاهی که احساس می شود مطالب سنگین است بلافاصله با بیانی روشن تر و به کمک مثال هایی ساده آن را تنزل می دهد؛ زیرا هدف دریافت پیام قرآن توسط خواننده است.

نویسندگان **تفسیر نمونه** با ترفیق زبان عقلی و عرفی با شیوایی خاصی به طرح مطالب پرداخته اند. البته ناگفته نماند که در برخی موارد نیز این اصل رعایت نشده و مطالب و کلمات محاوره ای که در شأن مطالب علمی نیست، تنزل یافته (ر.ک. مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۱، ص ۱۷) و همچنین در برخی موارد، مطالب غیر ضروری که درخور تفسیر نیست و توضیح واضح است، آمده (همان، ج ۶، ص ۱۳۵) و در برخی مجلدات آن هم تکرار دیده می شود. برای نمونه، می توان به موضوع خلقت آسمان های هفتگانه در **تفسیر نمونه** اشاره کرد (ر.ک. مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۶۵؛ ج ۲۰، ص ۲۲۹؛ ج ۲۴، ص ۲۶۱).

۱-۲. طرح مباحث موضوعی

در زمینه طرح و بررسی مباحث گوناگون و بیان موضوعات متنوع، **تفسیر نمونه** و **پیام قرآن و اخلاق در قرآن** از تفاسیر خوب اخیر محسوب می شوند. فراوانی این مباحث در مجلدات این تفاسیر کاملاً مشهود است و می توان آنها را «دائرة المعارف» مختصری از مباحث متنوع عقیدتی، اخلاقی و علمی و احکام درباره قرآن دانست.

برای مثال، در **پیام قرآن** ترسیم هویت انسان و بیان حالات گوناگون او و توضیح ابعاد وجودی انسان و هدف آفرینش و مراحل زندگی وی و پاسخگویی صریح به مشغولیات ذهنی بشر در این زمینه، به دنبال کمترین زمینه در متن آیات با تحلیلی ساده آمده است (ر.ک. مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۲۰۱). در این تفاسیر مبانی عقیدتی اسلام به کمک استدلالات علمی و فلسفی و کلامی اثبات گردیده و به شبهات به نحوی متعادل و با زبانی ساده، پاسخ داده شده است (همان، ج ۲، ص ۲۴؛ ج ۴، ص ۱۱۶ و ۳۷۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۷۸).

همچنین مباحث موضوعی بسیار دیگری، از جمله اصول عقاید شیعه و دفاع از مبانی آن، مانند بحث شفاعت، تقیه، رجعت، امامت و ولایت و عصمت ائمه اطهار علیهم السلام و موضوع مهدویت در این تفاسیر به خوبی بررسی گردیده و به اثبات رسیده و به تهمت های مخالفان شیعه پاسخ داده شده است.

۱-۲. تفسیر معتبر از آیات علمی

از دیدگاه **آیت الله مکارم «عجاز»** یا «معجزه» ناتوان ساختن دیگری است و وقتی به کار می رود که انسان مانع کار

دیگری شود یا از چنگال کسی فرار کند یا طرف را به زانو درآورد و یا خود را در مصونیت قرار دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۸۴). ایشان با رد انحصار اعجاز قرآن در فصاحت و بلاغت، معتقد است: هر روز وجوه جدیدی از اعجاز قرآن آشکار می‌شود. ایشان سپس وجوه اعجاز قرآن را که تاکنون به اثبات رسیده است، چنین برمی‌شمارد: اعجاز از نظر فصاحت و بلاغت، اعجاز تشریحی، اعجاز در بیان معارف و مسائل عقیدتی، وضع قوانین، مسائل ناشناخته علمی، اخبار غیبی، نبود اختلاف در میان آیات قرآن و... (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۱۵؛ همو، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۸۳ به بعد).

اما چون ایشان یکی مهم‌ترین وجوه اعجاز قرآن را «اعجاز علمی» می‌داند، در آیات متعددی می‌کوشد تا به تبیین این نوع اعجاز بپردازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۴۳۵؛ ج ۸، ص ۲۲۷؛ ج ۱۰، ص ۱۱۹؛ ج ۱۱، ص ۵۶۸).

از نظر آیت‌الله مکارم، توجه به بعد علمی قرآن، نه تنها مطمح نظر مسلمانان بوده، بلکه دانشمندان غربی نیز به این بعد از قرآن توجه نشان داده‌اند. آیت‌الله مکارم، خود در تفسیر نمونه در این باره می‌گوید:

البته می‌دانیم قرآن یک کتاب علوم طبیعی نیست، بلکه یک کتاب انسان‌سازی است و بنابراین نباید انتظار داشت که جزئیات این علوم (از قبیل مسائل مربوط به تکامل، تشریح، جنین‌شناسی، گیاه‌شناسی و مانند آن) در قرآن مطرح شود، ولی این مانع از آن نخواهد بود که به تناسب بحث‌های تربیتی، اشاره کوتاهی به قسمت‌هایی از این علوم طبیعی در قرآن بشود (همان، ج ۱۱، ص ۸۱ و ۴۶۲؛ ج ۲، ص ۲۸۳).

۳. معیارهای تفسیر معتبر آیات علمی

از نگاه آیت‌الله مکارم شیرازی تفسیر آیات علمی قرآن در صورت رعایت یا داشتن ویژگی‌های ذیل معتبر است:

۳-۱. تکیه بر علوم قطعی، نه فرضیه‌ها

آیت‌الله مکارم در تبیین روش صحیح تفسیر آیات علمی که خود در تفسیر قرآن برگزیده، بر این باور است که مسائل و علمی می‌تواند مبنای تفسیر قرار گیرد که صددرصد ثابت، قطعی و یا حسی باشد (مکارم شیرازی، بی‌تا، ص ۱۴۹)؛ زیرا فرضیه‌ها با گذشت زمان، دستخوش دگرگونی می‌شود و نمی‌توان قرآن ثابت و تغییرناپذیر را بر فرضیات دگرگون‌شونده تطبیق داد.

برای مثال، مسئله زوجیت گیاهان که در قرن هفدهم میلادی کشف شده و یا چرخش زمین به دور خورشید که دیگر فرضیه نیست تا دگرگون شود، در تفسیر مورد استفاده قرار گرفته است (همان، ج ۱، ص ۱۳۱؛ ج ۱۱، ص ۴۱۰؛ ج ۱۲، ص ۲۷؛ مکارم شیرازی، بی‌تا، ص ۱۴۷).

۳-۲. رعایت قواعد و ضوابط تفسیر

یکی دیگر از مهم‌ترین معیارهای تفسیر آیات علمی از نظر آیت‌الله مکارم، رعایت قواعد و ضوابط تفسیر است. در

غیر این صورت، کار مفسر منجر به «تفسیر به رأی» می‌شود که این تفسیر خطرناک‌ترین روش در تفسیر قرآن است؛ زیرا به جای شاگردی در مکتب قرآن، معلمی در برابر این کتاب بزرگ آسمانی می‌شود و به جای استفاده از قرآن تلاش می‌شود افکار بشری بر قرآن تحمیل گردد و پیش‌داوری‌هایی از تخصص در علوم، مذهب خاص و سلیقه شخصی زاده شود و به نام قرآن و به جای قرآن عرضه گردد. در چنین حالتی است که قرآن دیگر امام و هادی ما نبوده، بلکه ابزاری برای به کرسی نشاندن حرف‌ها و موجه جلوه دادن افکار و سلیقه‌های شخصی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، مقدمه، ص ۲۳).

۳-۳. حقیقی دانستن زبان قرآن در آیات علمی

آیت‌الله مکارم معتقد است: زبان آیات علمی حقیقی است و کسانی را که معتقدند زبان آیات نمادین است، سرزنش می‌کند و بیان می‌دارد:

برخی از محققان بر این باورند که مثال‌های علمی قرآن به صورت نمادین و سمبلیک است و هدف این آیات بیان مطالب علمی به طور اصیل نیست. به عنوان نمونه، در آفرینش آدم، زبان آیات رمزی است و خلقت انسان یعنی: حقیقت و سرنوشت معنوی و صفات نوعی. در نظر این افراد «روح خدا» و «لجن متعفن» دو اشاره سمبلیک هستند، و انسان واقعاً نه از لجن بدبو «حَمَإٍ مَسْنُونٍ» (حجر: ۲۶) ساخته شده و نه از روح خدا، بلکه اولی پستی، رکود و توقف مطلق را نشان می‌دهد و دیگری تکامل بی‌نهایت و برتری لایتناهی را می‌رساند (همان، ج ۱۱، ص ۷۳-۷۵).

ایشان در ذیل آیه ۲۴۳ سوره بقره می‌نویسد:

اگر پای این‌گونه توجیهاات و تفسیرها به قرآن کشیده شود، می‌توان علاوه بر انکار معجزات پیامبران، غالب مباحث تاریخی قرآن را انکار کرد و آنها را از قبیل «تمثیل» یا به تعبیر امروز، به شکل سمبلیک دانست. در این صورت همه مباحث تاریخی قرآن ارزش خود را از دست خواهد داد (همان، ج ۲، ص ۲۲۱).

۳-۴. توجه به بعد هدایتی و انسان‌سازی قرآن

ذکر مطالب و مثال‌های علمی در قرآن کریم، هدف اصلی قرآن نیست، بلکه هدف اصلی قرآن هدایت انسان به سوی خداست، ولی برای رسیدن به این هدف، گاهی از مثال‌های علمی حق و واقعی نیز استفاده می‌کند (طباطبائی، ۱۳۹۴ق، ج ۱۴، ص ۳۲۵؛ طبرسی، ۱۴۳۰ق، ج ۴، ص ۲۹۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۱ و ۳۱). چون صاحب تفسیر نمونه نیز قرآن را برنامه زندگی برای هدایت انسان‌ها دانسته، همین اصل را در توجه به آیات علمی قرآن رعایت کرده و بعد تربیتی آنها را برجسته ساخته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۲۲۲ و ۲۲۳؛ ج ۱۱، ص ۳۶۱ و ۳۶۲).

۴. تفسیر آیات علمی بر اساس عقل قطعی

یکی دیگر از منابع تفسیر قرآن «بهره‌گیری از عقل و بدیهیات عقلی» است. داده‌های عقلی به دو صورت در فہم

آیات قرآن مؤثر است. در صورت نخست، داده‌های عقلی به‌مثابه قراین لبی کلام در تعیین مفاد آیات و توجیه معنای ظاهری آنها مؤثر است و در صورت دوم، داده‌های عقلی نقش ابزاری را برای فهم قرآن برعهده دارد و اصول فهم و استنتاج و استخراج مفاد آیات را مشخص می‌کند.

آیت‌الله مکارم عقل را وسیله سعادت یا شقاوت انسان‌ها دانسته و این دنیا را به تجارتی تشبیه کرده است که اگر انسان از عقل استفاده نکند، ضرر خواهد کرد (همان، ج ۱، ص ۱۰۹ و ۱۱۶).

برای نمونه، ایشان ذیل آیه ناظر به زوجیت همه موجودات «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضِ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ» (یس: ۳۶) با طرح چند دیدگاه درباره تفسیر آیه و مقصود خداوند از زوجیت، معتقد است: از نظر عقلی مادام که قرینه‌ای بر خلاف معنای حقیقی نباشد باید آن را بر معنای حقیقی حمل نمود. بنابراین تفسیر زوجیت در آیه به «الکترون» و «پرتون» در هسته اتم؛ «ماده و صورت» و یا «جوهر» و «عرض» هیچ وجه عقلی ندارد و بهتر است که آن را بر همان جنس مذکر و مؤنث که معنای حقیقی است، حمل کنیم (همان، ج ۱۸، ص ۳۷۸).

بنابراین، رعایت معیارهای فوق در تفسیر آیات علمی قرآن منجر به این شده است که آیت‌الله مکارم تفسیری قاعده‌مند از این دسته آیات ارائه دهد و همین موجب گردیده تا مطالب سست و بی‌پایه به ارجاعات علمی ایشان راه نیابد.

۴-۱. احیای روش مفسران شیعه

در تدوین و روش تدوین مباحث تفسیری همواره گروهی راه افراط و تفریط پیموده‌اند. عده‌ای درگیر تفسیر به رأی (عقلانی محض) و برخی مقید به تفسیر روایی و اثری شده‌اند. در این میان گروهی با استفاده از منابع و مصادر و رجوع به آیات قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام و با استفاده از عقل و اندیشه صحیح دست به یافتن مراد صحیح و توضیح و تبیین آیات قرآن زده‌اند. ایشان این روش را روش «عقلی - اجتهادی» می‌نامد.

جایگاه ویژه این روش تفسیری موجب شده است مفسران بسیاری از صدر اسلام تاکنون، در تفسیر خود این روش را به کار گیرند. بسیاری از تفاسیر شیعه نیز بر این روش مبتنی است (ر.ک. عمید زنجانی، ۱۳۶۸، ص ۳۳۱؛ ایازی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۴).

ملاحظه روش مفسران صدر اسلام و اصحاب پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، حتی صحابه و تابعانی همچون ابن عباس، ابن مسعود، مجاهد و نظایر آنان به‌خوبی بیانگر آن است که اولین گروه مفسران معروف پیرو «تفسیر اجتهادی» بوده‌اند. اینان با وجود توجه فراوان به روایات تفسیری، تأمل و تدبر و اجتهاد را اساس فهم آیات و استخراج معنای آنها قرار می‌داده‌اند (ر.ک. عمید زنجانی، ۱۳۶۸، ص ۳۳۱).

اگر این پیشینه را نپذیریم، دست کم باید گفت: کار اجتهادی در تفسیر، پدیده‌ای است که از همان روزهای نخست در عصر تابعان به وجود آمد. از مشخصات تفسیر تابعان، گشوده شدن باب اجتهاد و گسترش آن بود. پس از آنان همین روش دنبال شد و محدوده آن گسترش بیشتری یافت (ر.ک. معرفت، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۲۴).

با عنایت به نکات یاد شده، تفسیر «عقلی - اجتهادی» روشی است که بیشتر بر درایت و عقل متکی است تا روایت و نقل (ر.ک. همان، ص ۲۲۱). این روش با تکیه بر قواعد عقلی و قطعی، به شرح معانی قرآن، تدبر و تأمل در مضامین و ملازمات بیانی آن می‌پردازد (ایازی، ۱۴۱۴، ص ۴۰).

البته باید خاطر نشان ساخت در این روش هم افراط و تفریط وجود دارد و تفسیر نمونه و پیام قرآن تنها به عقل متکی نبوده و با اجتهاد صحیح و برخورد اجتهادی، از مباحث روایی نیز بهره برده و برای آنها دایره حجیت قایل است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۶، ص ۱۸۹-۱۹۰؛ ج ۱۱، ص ۴۰-۴۱).

۲-۴. ایجاد سبک معقول در پردازش مباحث تفسیری

سبک معقول در پردازش مباحث تفسیری سبکی است که روشی صحیح و منطقی داشته باشد. در بررسی و پی‌بردن به مفاد آیات قرآن کریم، باید از روش منطقی صحیحی پیروی کرد تا در مسیر تفسیر درگیر انحراف و یا تفسیر به رأی نشویم. در مجموعه مباحث تفسیری آیت‌الله مکارم شیرازی سیر مباحث تفسیری به صورت ذیل است:

در فهم مراد خداوند از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود؛ به این صورت که برای تعیین مصداق جمله‌ها و کلمات به عنوان مثال برای فهم اینکه «الوالقیه» چه کسانی هستند از آیات دیگری که «بقیه» در آنها وجود دارد یعنی آیه ۲۴۸ سوره بقره و ۸۶ سوره هود بهره برده است و در نهایت این را مطرح می‌سازد: «اینان وجود پرفیض و ذخیره الهی هستند که برای برچیدن بساط ظلم و بیدادگری در جهان و برافراشتن پرچم عدل و داد نگاهداری شده‌اند و از جمله مصداق‌های آن حضرت حجت عج است (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۲۷۶-۲۷۷). و تعیین و فهم مفاد آیه-مثلاً، واژه «عالمین» در سوره حمد (همان، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۱) - آیات هماهنگ با آیه موضوع بحث-مانند بحث درباره «فساد» (همان، ج ۱۰، ص ۲۰۱) - تعیین می‌شود و مفهوم واژگان - مثلاً، «مقربون» در آیه ۲۱ سوره مطففین (ر.ک. همان، ج ۶، ص ۲۷۳) - معین می‌گردد و برای قرائت صحیح از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود. به عنوان نمونه یکی از موارد نادر و درخور توجه در تفسیر نمونه تعیین قرائت صحیح «ال یاسین» می‌باشد که نویسندگان به رد نظریه‌ی «آل یاسین» بودن این واژه می‌پردازند: «قرائن روشنی در خود قرآن است که همان معنی اول را تایید می‌کند که منظور از "ال یاسین" همان "الیاس" است، زیرا بعد از آیه "سَلَامٌ عَلٰی اِلٰی یَاسِیْنَ" به فاصله یک آیه می‌گوید: اِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِیْنَ (او از بندگان مؤمن ما بود) بازگشت ضمیر مفرد به "ال یاسین" دلیل بر این است که او یک نفر بیشتر نبوده، یعنی همان الیاس.

دلیل دیگر اینکه این آیات چهارگانه‌ای که در پایان ماجرای الیاس بود عیناً همان آیاتی است که در پایان داستان نوح و ابراهیم و موسی و هارون بود، و هنگامی که این آیات را در کنار هم قرار می‌دهیم می‌بینیم سلامی که از سوی خدا در این آیات ذکر شده، به همان پیامبری است که در صدر سخن آمده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۹، ص ۱۴۵).

بعد از آن نوبت به استفاده از سنت و قول پیامبر ﷺ و ائمه اطهار ﷺ می‌رسد. در این زمینه تفسیر نمونه و

پیام قرآن با بیان حجیت روایات تفسیری پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام و رد حجیت روایات تفسیری صحابه و بررسی حجیت خبر واحد و به‌کارگیری معیارهایی معقول برای نقد و بررسی روایت و پذیرش و عدم پذیرش آن، سه روش را در پیش روی خود ترسیم می‌سازند: عرضه به قرآن، عدم مخالفت با سیاق آیات، ناسازگاری نداشتن با یقینات عقلی و نقلی.

در ادامه، نوبت به عقل می‌رسد. این یکی از مباحثی است که مورد تأکید بسیار نویسندگان **تفسیر نمونه** و **پیام قرآن** است. **تفسیر نمونه** بارها در بیان مطالب خویش با استفاده از قراین عقلی موجود در آیات، به تفسیر پرداخته است. برای مثال: بحث از عرش در آیه ۵۴ سوره اعراف (همان، ج ۶ ص ۲۰۴).

فهم واژگان قرآن به کمک لغت و ادبیات، روش دیگری است که از آن استفاده می‌شود. فهم مراد آیه بدون دریافت معانی کلمات و مقاصدی که برای آن وضع شده امکان‌پذیر نیست. مفسران بخشی از توجهات مهم خود را معطوف به معانی کلمات می‌کنند و در این زمینه شیوه‌های گوناگونی را در پیش می‌گیرند که می‌توان آنها را این‌گونه دسته‌بندی کرد:

الف. بررسی کاربرد قرآنی واژه‌ها؛ کاربرد کلمه یا واژه در خود قرآن بررسی می‌گردد؛ مانند کلمه «اضلال» (همان، ج ۱، ص ۱۵۲) یا «فسق» (همان، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۵۲) یا واژه «رحمت» (همان، ج ۱، ص ۲۲).

ب. توجه به ریشه کلمات (همان، ج ۱، ص ۲۰)؛

ج. به‌کارگیری کتاب‌های لغت (همان، ج ۱۶، ص ۲۸)؛

د. بهره‌گیری از احادیث (همان، ج ۲۷، ص ۱۲۶ و ج ۱۶، ص ۲۶).

۳-۴. احیای روش تحقیق گروهی

یکی از ابتکارات **آیت‌الله مکارم** در تدوین کتاب‌های تفسیری و بخشی دیگر از آثار و مکتوبات علمی استفاده از گروه متخصصان در نگارش و تدوین است. این روش بعد از تدوین **بحارالانوار** توسط علامه مجلسی به همراه گروهی که ایشان را در این مهم یاری کردند، تا کنون مقبول بسیاری از علمای بزرگ نبوده است. اما این کار توسط ایشان دوباره احیا شد و بسیاری از خدمات علمی و پژوهشی در دفتر معظم^{له} به له به صورت گروهی به پیش برده می‌شود و می‌توان ادعا کرد که **تفسیر نمونه** احیاگر سنت کار گروهی فراموش شده بوده است.

ایشان در مقدمه خود بر جلد اول، به این نکته اشاره کرده که اشتغالات روزافزون فرصت کار مستقل بر دریای پرمعمق قرآن را به او نمی‌داد. از سوی دیگر ضرورت کار هر روز نمایان‌تر می‌شد، تا اینکه برای برون‌رفت از این بن‌بست، به فکر کار گروهی افتاد. برای این منظور جمعی از جوانان فاضل، بااخلاص، پژوهشگر و آگاه را رفیق راه کرد و با کوشش‌های شبانه‌روزی آمیخته با خلوص، در مدت کوتاهی این نهال به ثمر نشست.

ایشان در تشریح کیفیت این کار گروهی می‌نویسد:

نخست آیات قرآن در بخش‌های مختلف میان برادران محترم تقسیم می‌شد و با راهنمایی‌های لازم قبلی، تفاسیر

مختلفی که منابع اصلی تفسیر بود و به قلم محققان بزرگ این فن - اعم از شیعه و سنی - نگاشته شده بود (که نام آن تفاسیر در منابع آمده است) مورد بررسی قرار می‌گرفت. سپس یافته‌ها را که بر نیازها و تقاضاهای روز تطبیق داشت، جمع‌آوری نموده، در جلسات عمومی این هیأت که همه روز تشکیل می‌شد، مطرح می‌کردند و در همان جلسه، دریافت‌های تازه از قرآن که می‌بایست بر آنها افزوده می‌شد، می‌افزودیم و پس از بحث و گفت‌وگو و مشاوره پیرامون مباحث مختلف و مراجعه به منابع گوناگون، اینجانب مطالب را املا کرده و دوستان تندنویس یادداشت می‌کردند، سپس به کنترل مجدد می‌پرداختیم و آنچه را که نوشته شده با صبر و حوصله، بررسی و اصلاح و آماده چاپ می‌کردیم، و بعد از چاپ و قبل از نشر نیز مجدداً کنترل و بررسی و اصلاح می‌شد (ر.ک. همان، ج ۱، مقدمه).

در تألیف این اثر، قریب ده تن از علمای دیگر در شکل‌گیری تفسیر مشارکت داشتند و حضرت آیت‌الله مکارم را همراهی می‌کردند و به صورت منظم به مباحثه و جمع‌آوری اطلاعات و ارائه در جلسات و جمع‌بندی می‌پرداختند تا خروجی کار به تفسیر بخشی از قرآن تبدیل گردد (ر.ک. همان).

۴-۴. تأثیر تفسیر نمونه بر آثار تفسیری بعدی

تفسیر نمونه علاوه بر اینکه از تفاسیر قدیم و معاصر خویش بهره گرفته، بر تفاسیر بعد از خود نیز تأثیر گذاشته است. برای مثال، **تفسیر نور حجت/الاسلام محسن قرائتی** تحت تأثیر **تفسیر نمونه** و پس از تجربه موفق آن به رشته تحریر درآمد.

آنچه مهم است اعتراف به این واقعیت است که نویسندگان **تفسیر نمونه** در انتخاب مطالب تفسیری خود، دست به گزینش از تفاسیر ماقبل خود زده‌اند و با چینش مجدد آنها به تنظیم و تشریح بهتر آنها موفق گشته‌اند. البته چنین کاری فقط در جهت تأیید و یا صرف انتقال مطالب نبوده، بلکه همراه با دخل و تصرف و نقد و بررسی آن مطالب صورت گرفته است.

به گفته مؤلفان **تفسیر قرآن مهر**، آنان نیز با تاسی از کار **تفسیر نمونه** اقدام به تدوین و نگارش این تفسیر در ۲۲ جلد کرده‌اند و در پی آن ترجمه قرآن، ترجمه آموزشی قرآن و خلاصه تفسیر (تفسیر قرآن مجید) را منتشر کرده‌اند (ر.ک. رضایی اصفهانی و دیگران، ۱۳۸۷، ج ۱، مقدمه).

نتیجه‌گیری

در سده چهاردهم هجری شمسی علمای بسیاری از حوزه علمیه قم در هر دو سبک تفسیر «ترتیبی» و «موضوعی» آثار قابل تقدیری تولید کرده‌اند و برای آیندگان به ارث نهاده‌اند. از جمله شخصیت‌های بزرگ تفسیری حوزه علمیه قم در این سده، **آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی** است که در دو عرصه تفسیر «ترتیبی» و «موضوعی» آثار قابل توجهی را به رشته تحریر درآورده است؛ همانند **تفسیر نمونه**، **پیام قرآن و اخلاق در قرآن**. ایشان در عین تأثیری که از دیدگاه‌ها و نظرات اسلاف و استادان خود پذیرفته، با رویکرد خاص و ویژگی‌های ممتاز خود، تأثیرات قابل توجهی بر مطالعات قرآنی معاصران و آیندگان خود نیز نهاده است.

شخصیت تفسیری ایشان را از خلال اقدامات او در کار تفسیر قرآن و بررسی آثار تفسیری و تحلیل ویژگی‌های آنها و نیز اثرگذاری فکری وی باید شناخت. در این زمینه می‌توان به نکاتی اشاره کرد؛ همچون: اقدام ایشان به هر دو سبک تفسیر «ترتیبی» و «موضوعی» قرآن؛ پیگیری و توسعه گرایش هدایتی و تربیتی در تفسیر قرآن؛ نگرش روزآمد به تفسیر آیات و به‌کارگیری معیارهای معتبر در تفسیر آیات علمی قرآن؛ احیای سبک مفسران سابق شیعه؛ ایجاد سبک معقول در پردازش تفسیر آیات و تدوین آن؛ اهتمام به تحقیق علمی گروهی در تفسیر و مطالعات قرآنی و اثرگذاری بر نسل بعدی دانشوران قرآنی؛ و تأسیس و توسعه مراکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن، که در مجموع، بیانگر منزلت و شخصیت تفسیری ایشان است.

منابع


- الهامی، داود، مصاحبه با مرحوم الهامی، زندگی نامه ی قرآنی حضرت آیت الله مکارم شیرازی <https://www.makarem.ir>.
- ایازی، سید محمدعلی، ۱۴۱۴ق، *المفسرون حیاتهم و منهجهم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خلیلی، معصومه و محمد مولوی، ۱۳۹۵، *جایگاه تفسیر علمی و معیارهای آن در تفسیر نمونه*، تهران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- خمسلو، احمد، ۱۳۸۰، *نقد و بررسی مبانی و روش تفسیر نمونه*، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده اصول دین قم.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی و دیگران، ۱۳۸۷، *تفسیر قرآن مهر*، قم، عصر ظهور.
- زمخشری، محمودبن عمرو، ۱۴۰۷ق، *الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل*، چ سوم بیروت، دارالکتب العربی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۴ق، *تفسیر المیزان*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۲۰ق، *مجمع البیان*، نجف، مکتبه دار المجتبی.
- عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۶۸، *مبانی و روش های تفسیر قرآن*، چ سوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- عرفت، محمدهادی، ۱۳۸۰، *التفسیر و المفسرون*، چ سوم، قم، التمهید.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۰، *فهرست موضوعی تفسیر نمونه*، چ شانزدهم، قم، مولف.
- _____، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، چ دهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- _____، ۱۳۷۷، *اخلاق در قرآن*، قم، مدرسه علی بن ابی طالب علیه السلام.
- _____، ۱۳۸۶، *پیام قرآن*، چ نهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- _____، ۱۴۲۵ق، *آیات ولایت در قرآن*، قم، مدرسه علی بن ابی طالب علیه السلام.
- _____، بی تا، *مجموعه سخنرانی های سومین کنفرانس دار القرآن الکریم*، قم، دارالقرآن الکریم.
- _____، ۱۳۸۵، *تفسیر سوره احزاب: برگرفته از برگزیده تفسیر نمونه اثر حضرت آیت الله مکارم شیرازی*، چ دوم، قم، مهد قرآن کریم.
- مکارم شیرازی، ناصر و ابوالقاسم علیان نژاد دامغانی، ۱۳۹۱، *زندگی پرماجرایی نوح علیه السلام آموزه ها و عبرت ها*، قم، نجفی.
- _____، ۱۳۸۲، *مثالهای زیبای قرآن (امثال القرآن)*، قم، نسل جوان.
- _____، ۱۳۹۱، *والا تری بنندگان: شرح و تفسیر آیات عباد الرحمن*، چ سوم، قم، نسل جوان.

نوع مقاله: پژوهشی

شخصیت‌های تفسیری حوزه علمیه قم در سده اخیر*

ابوذر تشکری صالح / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

s.fajr@yahoo.com

 orcid.org/0009-0008-9559-7909

دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۴ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۴

چکیده

این مقاله به معرفی شخصیت‌های مهم تفسیری حوزه علمیه قم در سده چهاردهم شمسی با هدف شناساندن چهره علمی و آثارشان و ترویج دستاوردهای تفسیری حوزه قم در سده اخیر می‌پردازد. پژوهش با شیوه مطالعه کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تاریخی انجام شده و دامنه آن محدود به افرادی است که طی صد سال اخیر تحصیلات تفسیری آنها در حوزه علمیه قم بوده یا با اقامت در این حوزه، به تدریس یا نگارش تفسیر پرداخته‌اند، جز پنج تن از مفسران (علامه طباطبائی، آیت‌الله جوادی، آیت‌الله مصباح، آیت‌الله سبحانی و آیت‌الله مکارم) که شخصیت و آثار هر یک از این بزرگواران در مقالات دیگری مستقلاً معرفی شده است. حاصل بررسی نشان می‌دهد که طی سده اخیر در حوزه علمیه قم، دانشمندان فاضل زیادی در دانش تفسیر پرورش یافته و با تولید حجم گسترده‌ای از آثار تفسیری فاخر، کارنامه افتخارآمیزی را برای حوزه قم در سده چهاردهم رقم زده‌اند که می‌تواند برای نسل فعلی حوزه و آینده سرمشق خوبی باشد.

کلیدواژه‌ها: شخصیت‌های تفسیری، حوزه علمیه قم، مفسران سده پانزدهم، آثار تفسیری، فعالیت‌های قرآنی.

شهر مقدس قم و حوزه کهنسال آن، از دیرباز مهد ظهور شخصیت‌های علمی بسیاری بوده است که در جهت تبیین معارف قرآن و اهل بیت^{علیهم‌السلام} و انتقال آن به نسل‌های بعدی سهمی به‌سزا داشته‌اند. یکی از درخشان‌ترین برهه‌های تاریخ این شهر و حوزه‌اش در ادای دین به ساحت قرآن و اهل بیت^{علیهم‌السلام}، دوران احیا و بازتأسیس حوزه علمی قم به دست با کفایت مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری^{مدظله العالی} و بعد توسعه آن به دست شاگردان ایشان و بزرگان و فضیلتی نسل بعدی در صد سال اخیر بوده است.

در این مقاله با روش بررسی توصیفی - تاریخی شخصیت‌های تفسیری صد سال اخیر حوزه علمی قم، به جز مفسران برجسته‌ای که در مقالات مستقل دیگری به آنان پرداخته می‌شود، معرفی و تلاش‌های تفسیری و دستاوردهای علمی آنان در این زمینه بیان و اجمالاً تحلیل می‌گردد. این مفسران یا خود پرورش یافته حوزه علمی قم در صد سال اخیرند یا اثر تفسیری و محصول کارشان به حوزه قم تعلق دارد، خواه نگارش آن آثار در این حوزه انجام گرفته باشد و یا حاصل برگزاری درس و جلسات علمی آنان در حوزه علمی قم بوده باشد.

در زمینه معرفی مفسران شیعی و تألیفات تفسیری آنها در سده چهاردهم به صورت عام، کتاب‌ها و مقالات فراوان و احیاناً پایان‌نامه‌هایی نگارش یافته که برخی از مهم‌ترین آنها به قرار زیر هستند: *دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی* (خرمشاهی، ۱۳۷۷)؛ *المفسرون حیاتهم و منهجهم* (ایازی، ۱۳۷۳)؛ *تفسیر و مفسران* (معرفت، ۱۳۷۹)؛ *طبقات مفسران شیعه* (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۷)؛ مقاله «تفسیر و تفاسیر شیعه در دایره المعارف تشیع» (شهیدی صالحی، ۱۳۶۰)؛ و *برخی مدخل‌های دایره‌المعارف قرآن کریم* (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۲). این آثار علی‌رغم داشتن اطلاعات خوب و ارزشمند، اما با توجه به موضوع و هدف این مقاله که معرفی به‌روز و اجمالی از شخصیت و آثار تفسیری مفسران حوزه علمی قم در محدوده زمانی سده چهاردهم شمسی است، هیچ‌کدام وافی به مقصود نیستند و اثری مستقل و خاصی هم در این باره یافت نشد.

با توجه به فراوانی تعداد مفسران و محدودیتی که در نگارش مقاله از نظر حجم آن وجود دارد، چاره‌ای جز برگزیدن مهم‌ترین مفسران و اختصار و فشرده‌گویی در معرفی ایشان و آثار تفسیریشان نبود. از این رو، مجالی برای معرفی آن دسته از دانشوران حوزوی که تک‌نگاری‌هایی در تفسیر قرآن داشته‌اند، در این مقاله باقی نماند.

از جهت ترتیب معرفی مفسران سده، آن دسته از مفسرانی که رحلت کرده‌اند، بر حسب تقدم در تاریخ وفات و کسانی که اکنون در قید حیات هستند، بر اساس تقدم در تاریخ ولادت معرفی می‌گردند. در شناساندن هر یک از آثار تفسیری مفسران علاوه بر اشاره به تاریخ و چگونگی تکوین آن اثر، در صورت امکان به سبک نگارش و مشخصات کلی و مهم‌ترین ویژگی‌های ساختاری و محتوایی آن نیز در حد توصیف و یا اشاره اجمالی خواهیم پرداخت. اگر مفسری دارای آثار متعدد تفسیری است سعی شده بر حسب تاریخ تالیف آن آثار و در صورت نامعلوم بودن زمان تالیف، بر حسب تاریخ چاپ و نشرشان به ذکر شوند.

سید حسین شاه عبدالعظیمی (۱۲۷۶-۱۳۴۳ مطابق با ۱۳۱۵-۱۳۸۴ ق.)

نامبرده متولد شهرری است. در برخی منابع تاریخ تولد ایشان ۱۳۱۸ ق ثبت شده که ظاهراً صحیح نیست (ر.ک: استادی، ۱۳۸۹). پس از ده سال اشتغال به معلمی در این اثنا به خواندن دروس مقدماتی حوزه نیز پرداخته (زعفرانی‌زاده، ۱۳۷۵، ج ۲۶، ص ۴۹۳) و از کلاس تفسیر *آیت‌الله آقا میرسید علی حائری صاحب تفسیر مقتنیات الدرر بهره برده‌است* (استادی، ۱۳۸۹). وی سال ۱۳۰۹ وارد حوزه علمیة قم شده و تا ۱۳۲۲ در این حوزه تحصیل کرده، سپس به شهرری بازگشته و به تبلیغ و تفسیر قرآن پرداخته و در سال ۱۳۴۳ از دنیا رفته است (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۴۰۵).

تفسیر «اثنی‌عشری» در ۱۴ جلد به زبان فارسی شامل تفسیر همه آیات قرآن، مهم‌ترین اثر قرآنی اوست. این کتاب حاصل جلسات تفسیری ایشان در آستان حضرت عبدالعظیم حسنی است (همان) و طبق گفته خودش نگارش آن از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۳۹ به مدت ۳۶ سال ادامه داشته و در میانه کار، بعد از نگارش ۲۲ جزء قرآن، به مدت ۱۳ سال (۱۳۲۳-۱۳۳۶) وقفه‌ای ایجاد شده و سپس نگارش آن تا اتمامش ادامه پیدا کرده است (استادی، ۱۳۸۹).

این تفسیر، روشی تحلیلی و روایی دارد و به زبان ساده و قابل فهم برای عموم مردم نگارش یافته است (حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۶-۲۲). نویسنده در آغاز تفسیر هر سوره، نام‌ها و ثواب قرائت سوره و خواص آن را یاد می‌کند، سپس بعد از ذکر هر آیه، آن را به فارسی ترجمه نموده و به صورت مفصل به تفسیر آن می‌پردازد. او به شرح فصاحت و بلاغت و اعجاز آیه از نظر ادبی و جهات دیگر توجه دارد و از نظر فلسفی و عرفانی و کلامی و فقهی نیز به آیات می‌نگرد. منابع تحقیق و ارجاع او اکثراً شیعی است و بیشتر از تفاسیر، *مجمع البیان*، *منهج الصادقین*، *برهان*، *صافی* و *نورالتقلین* سود برده و برای استفاده از حدیث، به منابعی چون کتب اربعه، *بحارالانوار* و *وسایل الشیعه*، فراوان مراجعه کرده است (شهیدی صالحی، ۱۳۶۰، ج ۴، ص ۵۷۲).

سید مصطفی مصطفوی خمینی (۱۳۰۹-۱۳۵۶)

آقاسیدمصطفی فرزند رهبر فقید انقلاب، در قم متولد شد و از ۱۵ سالگی، تحصیل در حوزه علمیة قم را آغاز و مدارج علمی را تا مرحله عالی طی کرد. او در سال ۱۳۴۳ چند روز پس از پدر بزرگوارش دستگیر و به ترکیه و سپس همراه پدر به نجف تبعید شد و در حوزه علمیة نجف به تدریس فقه و اصول و تفسیر در سطح عالی و تألیف در این موضوعات پرداخت. اطلاعات خاصی درباره اساتید تفسیر ایشان در قم موجود نیست. وی در سال ۱۳۵۶ به صورت مرموزی در نجف رحلت کرد و در حرم امیرالمومنین علیه السلام مدفون گردید (شکوری، ۱۳۷۶).

مهم‌ترین اثر قرآنی سید مصطفی خمینی *تفسیر القرآن الکریم مفتاح أحسن الخزان الإلهیة* (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۰۸) در ۵ جلد به زبان عربی است که از ابتدای قرآن تا آیه ۴۶ سوره بقره را شامل می‌شود. این کتاب حاصل درس تفسیر ایشان در نجف اشرف است که همراه با تدریس و مباحثه، مطالب را خود، به رشته تحریر

درآورده‌اند (البته یادداشت‌های ایشان بعداً توسط یکی از شاگردان، آماده چاپ شده است؛ ر.ک: عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۷، ج ۴ ص ۴۷۹). ثبت بعضی تاریخ‌ها در متن نسخه دست نویس حاکی از آن است که این دوره تدریس و تحریر تفسیر از اواخر سال ۱۳۸۹ق (۱۳۴۸) آغاز گردیده و تا اوائل سال ۱۳۹۷ق (۱۳۵۵) ادامه داشته است. جامع بودن این تفسیر و پیروی از روشی کارآمد، موجب امتیاز آن از دیگر تفاسیر است. به لحاظ روشی در مجموع وی از چهار جنبه و منظر به بررسی آیات پرداخته است: ۱. مباحثی که موضوع آن قرآن است؛ مانند بحث قراءات، تاریخ نزول، رسم‌الخط و مسائل فقهی مربوط به کلمات قرآن و مسائل کلامی مانند تحدی و وجوه اعجاز. ۲. استفاده از علوم گوناگون در تفسیر؛ در این قسمت، تسلط نویسنده بر علوم گوناگون مانند لغت، صرف، نحو، معانی و بیان، کلام، فلسفه، عرفان، فقه، اصول، حروف و اعداد و توان وی در ایجاد ارتباط میان آیات و علوم، به خوبی مشهود است. ۳. استفاده از قرآن در علوم مختلف؛ ایشان در ذیل آیات به مسأله‌های علمی مربوط به آن مانند مسائل فقهی، اصولی، ادبی، فلسفی و کلامی اشاره و چگونگی ارتباط آیه به هر مسأله را بررسی می‌کند. ۴. از جنبه اخلاق و موعظه؛ در ذیل آیات به مباحث اخلاقی و موعظه‌ای متناسب با آن پرداخته شده است (ر.ک: خرمشاهی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۰۹). به طور کلی در این تفسیر می‌توان اثبات معارف قرآن و تبیین آن، دفاع از عقاید و فهم اشارات و لطایف را جستجو نمود. شکل ارائه مطالب در این تفسیر، شباهت محسوسی به مباحث تفسیری امام خمینی علیه السلام دارد (لسانی فشارکی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۸).

مرتضی مطهری (۱۲۹۸-۱۳۵۸)

استاد شهید مطهری در فریمان متولد شد. در دوازده سالگی به حوزه علمیه مشهد رفت و در سال ۱۳۱۶ عازم حوزه علمیه قم گردید. در اقامت پانزده ساله خود در قم از شخصیت‌های صاحب‌نظر در حوزه تفسیر همچون امام خمینی و علامه طباطبائی بهره گرفت. در سال ۱۳۳۱ به دلایلی از جمله مشکلات معیشتی به تهران مهاجرت کرد و به تدریس در مدرسه مروی و دانشکده الهیات و نیز تألیف و سخنرانی‌های عالمانه پرداخت. وی سرانجام توسط گروه منحرف فرقان در سال ۱۳۵۸ به شهادت رسید.

فعالیت تفسیری شهید مطهری اغلب به صورت جلسات سخنرانی عمومی بوده که بعد در قالب کتاب تنظیم و چاپ شده است. او در سال ۱۳۳۴ اولین جلسه تفسیر برای دانشجویان با تدریس در دانشکده الهیات دانشگاه تهران آغاز نمود (ر.ک: سامانه جامع استاد شهید مطهری). مهم‌ترین اثر تفسیری ایشان مجموعه ۱۴ جلدی *آشنایی با قرآن* به زبان فارسی شامل سلسله مباحث تفسیری وی در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب و عمدتاً بین سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ش است. در جلد اول این مجموعه به عنوان مقدمه به مسائلی همچون زبان قرآن، مخاطب‌های قرآن، عقل از دیدگاه قرآن و... پرداخته است. مجلدات بعدی مربوط به تفسیر آیاتی از برخی سوره قرآن از جمله حمد، بقره، انفال، توبه، نور و تقریباً جزء سی‌ام قرآن است. ویژگی ممتاز این مباحث، توجه به مسائل و موضوعات فکری و

اجتماعی روز در خلال تفسیر آیات قرآن است که موجب تازگی و زنده بودن این مباحث گردیده است. ویژگی دیگر، بیان روشن و روان مفسر است.

البته به جز این اثر، چند بحث تخصصی در زمینه تفسیر موضوعی از قبیل نظام حقوق زن در اسلام، مسأله حجاب، عدل الهی، فطرت، جامعه و تاریخ در قرآن و شناخت از نظر قرآن و غیره نیز از استاد مطهری به جای مانده است. برخی معتقدند حجم استفاده از قرآن در آثار متعدد و سخنرانی‌های ایشان به قدری است که در صورت جمع‌آوری، یک دوره تفسیر کامل قرآن را شامل می‌شود (فغفور مغربی، ۱۳۷۸).

سید محمود علایی طالقانی (۱۲۸۹-۱۳۵۸)

مرحوم *آیت‌الله طالقانی* در طالقان متولد شد و مقدمات علوم حوزوی را نزد پدرش آموخت و در ده سالگی راهی قم شد. او تا ۱۳۱۶ (به جز مدت نسبتاً کوتاهی که به نجف رفت و بازگشت) به تحصیلات علوم اسلامی در حوزه قم پرداخت (طالقانی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۱۴). در خلال سال‌های ۱۳۱۷-۱۳۱۸ به تهران بازگشت و در فضای گرایش جوانان به مکاتب الحادی، همت خود را مصروف ابلاغ پیام قرآن به جوانان و روشنفکران نمود (جعفری، ۱۳۷۵، ج ۳۰، ص ۵۳۷). مرحوم *طالقانی* از سال ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۳ کلاس‌های تفسیر خود را به صورت مخفی و آشکار در منازل و مجالس خصوصی در تهران آغاز کرد و از ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۷ در مسجد مشورالسلطان و از ۱۳۲۷ تا ۱۳۵۷ به جز فواصلی که در زندان یا تبعید بود، در مسجد هدایت آن را ادامه داد. با دستگیری و بازداشت ایشان در خرداد ۱۳۴۲، او در زندان آنچه را از تفسیر قرآن در ذهن داشت نوشت و با انتقال این یادداشت‌ها به بیرون از زندان، جلد اول تفسیر *پرتوی از قرآن* در آبان (۱۳۴۲)، منتشر شد. حاصل مکتوب چهل سال تفسیر *آیت‌الله طالقانی*، کتاب ۶ جلدی *پرتوی از قرآن* به زبان فارسی است که از آغاز قرآن تا آیه ۲۴ سوره نساء (چهار جزء) در چهار جلد و جزء سی‌ام قرآن در دو جلد به چاپ رسیده است (جعفری، ۱۳۸۹، ص ۷۵). طبعاً مطالب تفسیری‌ای که به صورت شفاهی و یا در شکل یادداشت از ایشان به جای مانده، چون متکی به حافظه بوده، ممکن است برخی نکات آنها نادقیق و خطا و نیازمند مراجعه به منابع باشد (صادقی نیری، وجدی، ۱۳۸۹). این تفسیر با شیوه‌ای برگرفته از تفسیر *فی ظلال القرآن* سید قطب و مطالب مورد نیازی که از مطالعه تفسیر «*المیزان*» آنها را اخذ کرده، نگارش یافته است (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۵۰۸).

برخی از ویژگی‌های تفسیر پرتوی از قرآن عبارت‌اند از:

۱. پرهیز از تکرار مطالب تفاسیر دیگر ۲. اکتفا به قدر ضرورت در نقل روایات ۳. اجتناب از اسرائیلیات در نقل داستانها و قصص قرآنی ۴. ورود به عرصه‌های مختلف علوم در راستای هدف هدایتی- تربیتی تفسیر ۵. استفاده از اشعار شاعران بزرگ ۶. تراوشات فکری و مطالب جدید برآمده از اندیشه مفسر ۷. نگاه نقادانه به مطالب مطرح شده و روایات مورد استناد ۸. تطبیق مسائل و احتیاجات روز با مضامین عالی قرآن ۹. سادگی و بی‌تکلفی تفسیر (صادقی نیری، وجدی، ۱۳۸۹).

تعدادی از مقالات و سخنرانی‌های قرآنی مرحوم طالقانی نیز در جلد اول مجموعه آثار ایشان تحت عنوان «درسهای قرآنی» به چاپ رسیده است.

سید محمد حسینی بهشتی (۱۳۰۷-۱۳۶۰)

مرحوم آیت‌الله بهشتی در اصفهان متولد و در ۱۳۲۱ وارد حوزه علمیه این شهر شد و همزمان با مقدمات حوزه، زبان انگلیسی را نیز آموخت. وی در سال ۱۳۲۵، برای ادامه تحصیلات حوزوی به قم رفت و پس از چندی در سال ۱۳۲۹ به تهران عزیمت کرد و پس از اخذ لیسانس از دانشگاه تهران به قم بازگشت و همراه با طی کردن مراحل عالی علوم اسلامی در حوزه علمیه، دبیر زبان انگلیسی در دبیرستان حکیم نظامی شد. وی پس از آن از دانشکده الهیات دانشگاه تهران به اخذ درجه دکتری نایل گردید. از مقاطع مهم زندگی ایشان اداره مرکز اسلامی هامبورگ آلمان در اروپا به مدت ۵ سال (۱۳۴۳-۱۳۴۹) است (حسینی بهشتی، ۱۳۸۶).

گراف نیست که مهم‌ترین دغدغه فکری شهید بهشتی را فهم قرآن و یافتن راه‌های عمل به آن در زندگی شخصی و اجتماعی بدانیم (پایگاه خبرگزاری بین‌المللی قرآن، ۱۴۰۱). او دارای آثاری قرآنی است که برخی در زمان حیات خودشان منتشر شده است (بی‌نام، ۱۳۸۶). مهم‌ترین اثر موجود قرآنی ایشان که محصول کلاس‌های تفسیر وی در آلمان و تهران است، بعد از شهادتشان جمع‌آوری و با عنوان «در مکتب قرآن» در ۶ جلد به زبان فارسی تدوین و در تیرماه ۱۴۰۱ رونمایی گردید (ر.ک: پایگاه بین‌المللی همکاری‌های خبری شیعه). مخاطبان این کلاسها در آلمان غالباً ایرانیان ساکن آن دیار اعم از بازرگانان، دانشجویان و ایرانیان مقیم، بوده‌اند و مخاطبان دوره تفسیری ایران شامل بازاریان مبارز، دانشجویان، طلاب و دیگر علاقه‌مندان به فهم قرآن بوده‌اند (ر.ک: پایگاه بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید دکتر بهشتی). محتوای مجلدات این مجموعه به ترتیب زیر است:

جلد اول: بحثی درباره روش برداشت از قرآن و تفسیر سوره حمد و سوره بقره تا آیه ۱۵۲ است.

جلد دوم: تفسیر آیات ۱۵۳ تا ۲۱۵ سوره بقره است.

جلد سوم: تفسیر آیات ۲۱۶ تا ۲۸۶ سوره بقره است.

جلد چهارم: تفسیر آیات اول تا ۱۱۰ آل عمران است.

جلد پنجم: تفسیر بخش‌های پراکنده‌ای از سوره‌های اعراف، انفال و توبه است.

جلد ششم: تفسیر بخش‌هایی از سوره‌های یونس، هود، یوسف، رعد، کهف، طه، انبیاء و حج است.

این مجموعه به لحاظ روش دسته‌بندی و اهمیت مباحث و به‌ویژه تفسیر قرآن به قرآن، مشابهت زیادی با روشی دارد که استادش، مرحوم علامه طباطبائی در میزان به کار بسته است (پایگاه خبرگزاری بین‌المللی قرآن، ۱۴۰۱).

شهاب‌الدین اشراقی (۱۳۰۴-۱۳۶۰)

ایشان در قم متولد شد و بعد از اتمام دوره دبیرستان وارد حوزه علمیه قم گردید. او تفسیر را از پدرش آموخت (ر.ک:

پرتال امام خمینی ره). در میان آثار متعدد، مهم‌ترین اثر قرآنی وی تفسیر فارسی «سخن حق» در ۵ جلد است. این کتاب در سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۵۸ تألیف شده است. مهم‌ترین ویژگی ظاهری این اثر، گستردگی و تراکم مطالب آن است. این تفسیر فقط تا آیه ۱۵۵ سوره آل‌عمران ادامه پیدا کرده و جلد چهارم آن که احتمالاً به تفسیر آیات ۲۱۵ تا آخر سوره بقره تعلق داشت به هر دلیل هرگز به چاپ نرسید (اشراقی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۸-۲۲).

اصلی‌ترین ویژگی‌های این اثر را می‌توان در چند نکته خلاصه کرد:

۱. تکیه بر قرآن؛ لذا این تفسیر را می‌توان تفسیر قرآن به قرآن دانست ۲. توجه به ظواهر قرآن در فهم آیات
۳. ساده نویسی و پرهیز از به‌کارگیری اصطلاح‌های علمی جز در موارد ضرورت ۴. پرداختن به نکات ادبی و لغوی در ابتدای هر بخش ۵. عنایت به براهین عقلی و شواهد ملموس ۶. نقد و انتقاد و بحث و تحقیق در کلام محققان
۷. بیان نظم آیات و ختم هر بخش به جمع‌بندی (همان).

محمد ثقفی تهرانی (۱۲۷۳-۱۳۶۴ مطابق با ۱۳۱۳-۱۴۰۶ ق)

ایشان در تهران متولد شد و در سال ۱۳۰۱ شمسی (۱۳۴۱ ق) برای تحصیل علوم اسلامی به حوزه علمیة قم مهاجرت کرد و پس از ۷ سال علم آموزی به تهران بازگشت و تا پایان عمر در این شهر ساکن شد و به امامت جماعت و تبلیغ دین مشغول گردید (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۷، ج ۵ ص ۱۲۸؛ پرتال امام خمینی ره).

مهم‌ترین اثر تفسیری او کتاب «روان جاوید در تفسیر قرآن مجید» در ۵ جلد به زبان فارسی و شامل کل قرآن است. آغاز تألیف این کتاب، مطابق اشاره مؤلف در ابتدای اثر (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۱، پیشگفتار ص ۱۹)، ماه رمضان سال ۱۳۶۰ ق بوده و بعد از وقفه‌ای چند ساله، با تمجید امام خمینی علیه السلام و تشویق ایشان از این کار (همان، ص ۱۳) ادامه نگارش تفسیر را پی گرفته و سرانجام در ۱۳۴۲ به پایان رسانده است. استادش *آیت‌الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی* که خود نیز دارای آثار تفسیری است، در تقریظی بر این تفسیر، آن را ستوده است و مولف را به ادامه تألیف کتابش تشویق کرده است (بی‌نام، ۱۳۶۴). به اعتراف نویسنده و گواهی متن کتاب، در بیان تفسیر آیات توجه زیادی به مطالب تفسیر صافی کرده است (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۱، پیشگفتار ص ۱۹). یوسف ایروانی، مصحح این کتاب در یادداشتی، مزایایی را برای این تفسیر بیان می‌کند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. اشمال بر تحقیقات نو ۲. دربرداشتن بررسی‌های فقهی در امور مورد ابتلای عموم مردم ۳. تطبیق استادانه ظواهر آیات با ظواهر اخبار معارض ۴. جمع بین روایات مختلف تفسیری بر پایه روش فقهی و ذوق ادبی
۵. ساده‌نویسی در عین برخورداری از معانی بلند ۶. شرح و بیان تفسیر شریف صافی ۷. تفسیر مستقل هر آیه با نظمی جامع که مانع از ملالت خواننده می‌شود (همان، ص ۱۶).

مرتضی حائری یزدی (۱۲۹۵-۱۳۶۴)

آیت‌الله آقا شیخ مرتضی پسر ارشد مؤسس حوزه علمیة قم در سده اخیر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم

حائری یزدی است. وی در اراک به دنیا آمد و در شش سالگی همراه پدر به قم هجرت کرد و پس از تحصیلات عمومی به تحصیل در حوزه علمیه قم مشغول شد و مدارج علمی را تا اجتهاد طی کرد. ایشان، علاوه بر تدریس فقه و اصول، جلسات تفسیر قرآن نیز داشت (دانشنامه ویکی‌فقه). مقالات «استدلال در قرآن»، «تفسیر سوره کوثر»، «تفسیر سوره مَسَد» و تفسیر چند آیه از قرآن کریم، از جمله «آیه مودت»، «آیه بلاغ»، «آیه نور» و «آیه خلافت» از آثار تفسیری و قرآنی اوست. مجموعه این تألیفات، در اولین جلد نشریه آفاق نور چاپ شده است. «پرتوی از انوار آسمانی» عنوان برای سلسله مقالات اوست که در نخستین شماره‌های مجله مکتب تشیع در موضوع اعجاز قرآن چاپ شده و صورت کامل‌تر آنها را برادرش، مهدی حائری یزدی، با نام «علوم قرآن» به چاپ رسانده است. علاوه بر این ایشان به تفسیر سوره حمد نیز پرداخته که با عنوان «مباحثی در تفسیر سوره حمد» در دوازده شماره نشریه کتابخانه عمومی مسجد اعظم قم، از ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۵ش منتشر شده است (همان).

محمدبن حبیب‌الله سبزواری نجفی (۱۲۷۹-۱۳۶۷ مطابق با ۱۳۱۸-۱۴۰۹ ق)

تولدش در فرُومَد (روستایی از توابع شهرستان سبزواری) بود و پس از آموختن مقدمات علوم دینی، برای ادامه تحصیل به مشهد مقدس و در سال ۱۳۰۵ش (۱۳۵۴ق) به کربلا و سپس نجف مهاجرت کرد و در سال ۱۳۳۹ش (۱۳۸۰ق) به ایران مراجعت و سه دهه آخر عمرش را تا ۱۳۶۷ش (۱۴۰۹ق) در قم سکونت اختیار گزید (ر.ک: ایازی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۹).

آثار قلمی وی منحصر به دو تفسیر به زبان عربی است یکی «*الجدید فی تفسیر القرآن*» در هفت جلد و دیگری «*رشداد الی تفسیر القرآن*» در یک جلد که خلاصه تفسیر الجدید است. ایشان در تألیف الجدید که آغازش در نجف و تکمیل آن در قم بوده و نیز تدوین «الارشاد»، از مشورت‌های علامه طباطبائی بهره برده است (ر.ک: دانشنامه ویکی‌فقه، مدخل محمد سبزواری نجفی). با این اوصاف آغاز نگارش تفسیر الجدید باید حدوداً اواخر دههٔ هفتاد قرن چهاردهم قمری (حدود سال‌های ۱۳۳۸ یا ۱۳۳۹) باشد.

با التزام به رعایت اختصار در نگارش متن تفسیر، مفسر شیوه‌ای که در پیش گرفته، غالباً توضیح جمله‌ها و کل کلام و تبیین پیام آیه است بدون پرداختن به مفردات، اعراب یا لغت آن، مگر در جاهایی که واژه‌های مشکل و غریب قرآن مطرح بوده است. در تفسیر «*الجدید*»، وی به منابع تفسیری ارجاع نمی‌دهد. همچنین این تفسیر فاقد مقدمه‌ای در بیان مباحث نظری تفسیر یا علوم قرآن و روش تفسیر است. در هر قسمت، چند آیه می‌آورد و مطالبی در فضیلت سوره و آیه و مکی یا مدنی بودن سوره و آیات ذکر می‌کند. سپس آیه را به صورت تحلیلی توضیح می‌دهد و در مواردی برای توضیح بیشتر یا تأکید بر معنایی خاص، به روایات اشاره می‌کند. در مجموع، *تفسیر الجدید* تفسیری است فشرده و مفید با نثری روان و مناسب با سطح عموم (ایازی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۰).

امام خمینی: سیدروح‌الله مصطفوی (۱۲۸۱-۱۳۶۸)

امام خمینی در خمین متولد شد و در زادگاهش تحصیل علوم اسلامی را نزد دایی و برادر بزرگترش آغاز کرد و سپس در سال ۱۲۹۹ برای تکمیل تحصیلات و بهره‌گیری از محضر آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری به اراک رفت و پس از توفقی کوتاه در آن دیار همزمان با عزیمت آیت‌الله حائری به قم، ایشان نیز به قم عزیمت کرد و تا زمان تبعید در سال ۱۳۴۳ش در قم ماند. در دوران ۱۳ساله تبعید در شهر نجف هم با اصرار طلاب، درس‌های ایشان ادامه یافت (پایگاه جامع امام خمینی). از امام درس مستقلى در تفسیر قرآن تا قبل از پیروزی انقلاب گزارش شده است، اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایشان در سال ۱۳۵۸ با برگزاری چند جلسه تفسیر در سطح عمومی از طریق رادیو و تلویزیون، تفسیر قرآن را به صورت همگانی مطرح ساخت. این جلسات تفسیر مشتمل بر جنبه‌های عرفانی و حکمی سوره فاتحه و علق بود که تاکنون بارها به چاپ رسیده است (ایازی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۵۳). این اثر اولین بار در سال ۱۴۰۰ قمری مصادف با ۱۳۵۸ شمسی در قم در ۱۳۱ صفحه چاپ و منتشر گردید.

دیگر مباحث معارف قرآنی و تفسیری امام خمینی به زبان فارسی در دو مجموعه یک جلدی و پنج جلدی جمع‌آوری شده است. اولی با عنوان «تفسیر و شواهد قرآنی در آثار امام خمینی» در سال ۱۳۸۲ منتشر شده و مجموعه پنج جلدی با عنوان «تفسیر قرآن مجید برگرفته از آثار امام خمینی» در سال ۱۳۸۸ش منتشر شده است (ناشر هر دو اثر، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی بوده است). هر دو مجموعه ناظر به مباحث و نکات تفسیری و تطبیق و استشادهای حضرت امام در آثار گفتاری و نوشتاری ایشان (به جز آثار فقهی و اصولی) است و به ترتیب سوره‌های مصحف از فاتحه‌الکتاب تا ناس تنظیم گشته است. از مجموعه پنج جلدی، جلد اول این اثر با عنوان مقدمات، به بررسی زندگی عمدتاً علمی و جایگاه قرآن در اندیشه امام خمینی و شیوه‌ها و مبانی تفسیری و تأویلات عرفانی ایشان و مانند آن پرداخته است. اما چهار جلد دیگر تماماً متعلق به مباحث تفسیری ایشان است که بر اساس ترتیب سوره‌ها در مصحف تنظیم شده است. از آنجا که فقط در سوره‌های حمد، توحید و قدر، امام مطالب تفسیری را به صورت پیوسته بیان کرده و مطالب تفسیری دیگر سوره‌ها از لابه‌لای آثار ایشان انتخاب شده، لذا اصل مطالب عموماً پیوستگی لازم را نداشته و تدوین‌کنندگان این مجموعه سعی شده با هدف پیوستگی میان فرازاها با توضیحات مقدماتی و جمع‌بندی و گزارش، حتی‌المقدور تقطیع میان تفسیر آیات برطرف کنند (همان، ص ۲۲-۲۴).

محمدحسین اویسی (۱۲۹۷-۱۳۶۹)

وی در قزوین متولد شد و مقدمات علوم اسلامی را در زادگاه خود فراگرفت. حدود سال ۱۳۳۲ش به قم هجرت کرد. اویسی سال‌ها در محضر علامه طباطبائی شاگردی کرد به طوری که در سال‌های آخر اقامتش در قم، از اصحاب نزدیک ایشان محسوب می‌گشت. در سال ۱۳۴۰ش به قزوین بازگشت و از آن زمان تا آخر عمر در مسجد حلیمه خاتون در شب‌های ماه رمضان برای شاگردان خود و طبقات مختلف مردم درس تفسیر می‌گفت و این مجلس تفسیر از باشکوه‌ترین و پرجمعیت‌ترین مجالس تفسیر در قزوین محسوب می‌گشت.

مهم‌ترین اثر تفسیری او «تفسیر اویسی» است که آن را به زبان فارسی نوشته است. او این اثر را با بهره‌گیری از روایات و تفاسیر کهن از جمله تفسیر فخر رازی و نقل اقوال حکماء و عرفاء و استشهاد به اشعار، در چند مجلد در مدت سی سال جمع و تألیف نموده است. نسخه اصل آن به خط مؤلف در کتابخانه شخصی وی در قزوین محفوظ است (شهیدی صالحی، ۱۳۶۰، ج ۴، ص ۵۷۷ و ۵۸۸).

محمدباقر ملکی میانجی (۱۲۸۵-۱۳۷۷)

ایشان در توابع میانه متولد شد و مقدمات و سطوح عالی تحصیلات حوزوی را در میانه و سپس به مدت ۱۳ سال در حوزه علمیه مشهد طی کرد (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۲۱۴-۲۱۵). او در درس معارف قرآنی آیت‌الله میرزا مهدی غروی اصفهانی حضور یافت و در شمار برجسته‌ترین شاگردان ایشان درآمد (انصاری قمی، ۱۳۸۸، مدخل محمدباقر ملکی میانجی). مرحوم ملکی میانجی پس از تحصیل به زادگاهش برگشت و حدود ۱۵ سال به تبلیغ دینی و مبارزه با ناهنجاری‌های سیاسی و فرهنگی مشغول شد. وی در سال ۱۳۳۷ به حوزه علمیه قم عزیمت کرد و در کنار تدریس فقه و اصول، به تدریس تفسیر پرداخت و تا پایان عمر در قم اقامت داشت (ر.ک: دانشنامه ویکی فقه، مدخل محمدباقر ملکی میانجی).

مهم‌ترین آثار تفسیری مرحوم ملکی میانجی عبارت‌اند از:

۱. «مناهج البیان فی تفسیر القرآن» در ۶ جلد و به زبان عربی، حاصل درس‌های تفسیر قرآن از سوی ایشان در اوان ورود به حوزه علمیه قم است. نخستین جلد این کتاب، مربوط به تفسیر سوره فاتحه کتاب در سال ۱۳۷۱ش (۱۴۱۳ق) منتشر شده است (ر.ک: دانشنامه ویکی نور، مدخل محمدباقر ملکی میانجی). روش تفسیری ایشان اجتهادی مبتنی بر بهره‌گیری از آیات قرآن و روایات (از جمله صحیفه سجاده‌یه) و احیاناً عقل است. مرحوم ملکی، از تربیت‌یافتگان مکتب معارفی خراسان یا مکتب تفکیک و از مخالفان دخالت دادن مسائل فلسفی و عرفانی در مباحث دینی است. از آنجا که تفسیر مناهج موجز است، طبعاً تفسیر آیات در آن به شکل گذرا مطرح و پیگیری شده است (دانشنامه ویکی فقه، همان).

۲. کتاب دیگر وی «بدائع الکلام فی تفسیر آیات الاحکام» که در یک جلد و به زبان عربی به تفسیر آیات مربوط به «طهارت» و «نماز» بوده و نیز «شفاعت» پرداخته است.

علی صفای حائری (۱۳۳۰-۱۳۷۸)

مرحوم علی صفائی معروف به عین صاد در قم متولد و در سیزده سالگی وارد حوزه علمیه قم شد. از ویژگی‌های قابل توجه او اتمام دروس سطح حوزه در حدود سه سال و مطالعه گسترده ادبیات و آشنایی با تاریخ ادبیات ایران، عرب، ژاپن، چین، یونان، اسپانیا، آفریقا، آمریکای لاتین و کشورهای غربی در چهارده سالگی بود (دانشنامه ویکی فقه، مدخل علی صفای حائری). از ایشان تاکنون آثاری در تفسیر قرآن منتشر شده است؛ از جمله:

۱. «تطهیر با جاری قرآن»: در سه جلد حاوی تفسیر جزء سی‌ام و سوره بقره، آل عمران، مدثر و برخی دیگر از سوره قرآن. از مسائل قابل توجه در این تفسیر توجه ویژه به هدف‌شناسی دانش تفسیر است. او تأکید دارد که تفسیر باید نمونه‌ها و مصداق‌های پنهان و یا رابطه‌ها و هماهنگی‌های نهفته را توضیح دهد (پایگاه راسخون، مدخل معرفی تفسیر تطهیر با جاری قرآن).

۲. «صراط؛ دیداری تازه با سوره حمد»^۳. «رشد دیداری تازه با سوره عصر»^۴. «حیات برتر؛ معاد از منظر قرآن»^۵. «روش برداشت از قرآن».

محمد کرمی حویزی (۱۳۰۰-۱۳۸۱ مطابق با ۱۳۴۰-۱۴۲۳ق)

مرحوم آیت‌الله کرمی در نجف و در میان خانواده‌ای اهل علم از اهالی خوزستان زاده شد. تا ۲۱ سالگی در حوزه نجف تحصیل کرد (سبحانی، ۱۳۸۲) و سپس در جریان جنگ جهانی دوم به خاطر شرایط پیش آمده و عللی که خود تفصیلاً بدانها پرداخته (کرمی حویزی، ۱۴۰۲، ج ۸، ص ۴۰۶ و ۴۰۷) به قم مهاجرت کرد و در مدرسه فیضیه ساکن شد. بعد از سی‌سال و اندی دانش‌اندوزی و تدریس و تألیف در قم، پس از وفات پدر و به اصرار بزرگان و علمای اهواز، به این شهر رفت و علاوه بر کار علمی، به خدمات دینی و اجتماعی پرداخت (بی‌نام، ۱۳۹۷).

ایشان از سال ۱۳۴۶ (۱۳۸۸ق) جلسات درس تفسیر خود را آغاز کرد (کرمی حویزی، ۱۴۰۲، ج ۸، ص ۴۲۱) که حاصل آن تألیف کتاب «تفسیر لکتاب الله المنیر» شامل کل آیات قرآن در هشت جلد به زبان عربی است. تدوین این تفسیر در ۲۱ دی ۱۳۵۹ (ربیع الاول ۱۴۰۱ق) پایان یافت (بی‌نام، ۱۳۹۷) و یک سال بعد منتشر گردید. شاید خلاصه‌ترین معرفی این تفسیر همان عبارت و جمله ثبت شده روی جلد آن است: «یحتوی هذا الكتاب علی مجموعة نفیسة من الأبحاث الفقهیة و الکلامیة و التاریخیة و الإجتماعیة و الأدبیة و الإنتقادیة بصورة رائعة». کتاب با مقدمه‌ای کوتاه در زمینه مباحث علوم قرآن و بحث‌های تمهیدی تفسیر آغاز شده است. شیوه مفسر این‌گونه است که پس از ذکر آیه، بحث‌های لغوی و ادبی مختصر مربوط به الفاظ و سپس توضیح معانی آیات را می‌آورد و گاه روایاتی متناسب با تفسیر آیه را نقل می‌کند. در آیات احکام و مسائل عقیدتی و کلامی، به طور مختصر و بدون تعصب به موارد اختلاف بین شیعه و اهل سنت می‌پردازد. از نقل اسرائیلیات اجتناب می‌کند و لابه‌لای توضیح آیات، بحث‌های موضوعی فراوانی را مطرح می‌نماید (همان).

ابوالفضل داورپناه اردبیلی (۱۳۰۵-۱۳۸۴)

ایشان در اردبیل متولد شد و در سال ۱۳۱۹ در همان‌جا تحصیلات حوزوی را آغاز کرد و در سال ۱۳۲۴ به حوزه زنجان و سپس در ۱۳۲۶ به حوزه قم مهاجرت کرد. درباره مقدار دقیق تحصیل ایشان در قم اطلاعات دقیقی به دست نیامد ولی به نظر می‌رسد دست کم از سال ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۲ مرحله دروس عالی را در این حوزه گذرانده و احتمالاً از جلسات درس تفسیر علامه طباطبائی بهره برده، لذا می‌توان او را به قید احتمال جزو مفسران سده اخیر

حوزه علمیة قم دانست. وی بعد از مدتی تحصیل در قم، به اردبیل برگشت و مشغول تدریس شد. اما سال ۱۳۳۲ به تهران رفت و تحصیلاتش را تا اخذ درجه دکتری در رشته الهیات دانشگاه تهران ادامه داد (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۰۳۴). علاقه او به قرآن و استخراج نکات ادبی باعث شد که از همان ایام جوانی به تدریس قرآن روی آورده و از سال ۱۳۲۶ (در ایام تعطیلات تابستان) به تدریس تفسیر قرآن در اردبیل بپردازد و از این طریق زمینه‌های تألیف تفسیر «نوار العرفان» را فراهم کند. این تفسیر مهم‌ترین اثر قرآنی اوست که به زبان فارسی نگارش و منتشر شده است. سرآغاز نوشتن این تفسیر را سال ۱۳۶۰ ذکر کرده و گویا در نظر داشت که آن را به شصت جلد برساند، اما عمرش کفاف نکرد و فقط تا جلد شانزدهم (پایان سوره انفال) موفق به نگارش آن شد.

کتاب با مقدمه‌ای در باره آشنایی با تفسیر و قرآن آغاز شده و نویسنده در ابتدای هر سوره، اطلاعاتی در زمینه تعداد حروف، کلمات، آیات، تعداد رکوع‌های سوره و بعد ترتیب نزول و ترتیب تنظیم سوره در فهرست ترتیبی سوره‌ها و مکی یا مدنی بودن آن ارائه می‌دهد؛ سپس آیات هر بخش را آورده، به ترجمه و شرح منظوم آنها توأم با نثر می‌پردازد (ر.ک: پایگاه راسخون).

این تفسیر در شمار تفاسیر عرفانی قرار می‌گیرد و از تجزیه و ترکیب و شرح معانی الفاظ و اشعار ادبی بهره می‌برد و مفسر معتقد است واقف بودن به لغت و ادب عربی، فهمیدن شأن نزول آیات قرآن، اطلاع از احوال عرب عصر پیامبر، دانستن آیات ناسخ و منسوخ و آشنایی با سنت پیامبر، مقدماتی هستند، که تا فراهم نشوند، استفاده از قرآن برای انسان مقدور نخواهد بود (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۲۹۴).

حسن مصطفوی (۱۲۹۷-۱۳۸۴)

مرحوم مصطفوی در تبریز متولد شد و از ۱۶ تا ۲۳ سالگی (۷ سال) در قم و از ۲۳ تا ۲۵ سالگی (۲ سال) در نجف به تحصیلات حوزوی پرداخت و سپس به قم مراجعت کرد و به مدت یک سال به تدریس تفسیر قرآن و علوم مرسوم حوزی مبادرت نمود و در ۲۶ سالگی به تهران عزیمت کرد و از آن زمان تا پایان عمرش را اکثراً در تهران سپری نمود (ر.ک: پایگاه مرکز نشر آثار علامه مصطفوی). مصطفوی آثار قرآنی متعددی از خود به جا گذاشته که دو اثر از بقیه مهم‌ترند:

۱. «تفسیر روشن»؛ این کتاب در ۱۶ جلد به زبان فارسی نوشته شده و یک دوره تفسیر کامل قرآن است. آغاز نگارش آن سال ۱۳۶۶ش بوده و پس از اتمام در سال ۱۳۸۰ش چاپ شده است. مفسر در آغاز کتاب در ۱۲ مقدمه به برخی مباحث پیرامون تفسیر و مبانی و شیوه‌های تفسیری به کار رفته در کتابش اشاره می‌کند. به عنوان مثال ایشان قائل است که اساساً تمام کلمات در قرآن در معنای حقیقی استعمال شده، و مجازی در قرآن وجود ندارد. وی از نقل اقوال و آرای مفسران پیشین شدیداً استنکاف می‌کند و نقل برخی از آنها را تکثیر شبهه و ایجاد حیرت و ضلالت می‌داند یا معتقد است که اگر مفسر دارای شرایط تفسیر کردن بود و از نورانیت باطنی و روحانیت تام و آگاهی علمی و ادبی برخوردار بود، به واقعیت و حق نزدیک خواهد شد و نیازی به نقل آراء تفسیری ندارد (ایازی، ۱۳۷۸، ص ۸).

ایشان، ترجمه و معنای واژه‌ها را در تفسیر روشن، از کتاب دیگرش «التحقیق فی کلمات القرآن» اخذ می‌کند و نیازی به مراجعه به کتاب‌های لغت دیگر نمی‌بیند (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶). پس از ترجمه و توضیح مختصر آیات، تفسیری روشن و قاطع و تا حد امکان ساده از آیه ارائه می‌کند و بعد احادیث معتبر مربوط به آیه (در صورتی که حدیثی در ارتباط با آیه باشد) می‌آورد و در پایان به بعضی جهات ترکیب و اعراب اشاره می‌کند یا لطایف موجود در آیه را بیان می‌کند.

۲. «التحقیق فی کلمات القرآن»؛ این کتاب در ۱۴ جلد به زبان عربی نوشته و در سال ۱۳۶۲ش به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد (ر.ک: دانشنامه ویکی شیعہ، مدخل سید حسن مصطفوی). موضوع کتاب واژه شناسی کلمات قرآن از حیث ریشه و وضع لغوی و بعد کاربرد معنایی هر ماده در قرآن بر حسب آن معنای اصلی وضعی آن است (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۹۹).

۳. «تفسیر سوره حشر»؛ مجموعه ۵۸ سخنرانی از وی است که در دو جلد به چاپ رسیده است. ایشان کتابی هم با عنوان «روشن علمی در ترجمه و تفسیر قرآن مجید» تألیف کرده‌اند.

محمدهادی معرفت (۱۳۰۹-۱۳۸۵)

مرحوم آیت‌الله معرفت در کربلا به دنیا آمد. از پنج سالگی به مکتب رفت و پس از سپری کردن تحصیلات عمومی در همانجا وارد حوزه علمیة کربلا شد. وی سال ۱۳۴۰ش برای تحصیل سطوح عالی و خارج به حوزه علمیة نجف رفت و در سال ۱۳۵۱ش با فشار حکومت بعثی عراق، به اجبار آن کشور را ترک کرد و رهسپار ایران و حوزه علمیة قم گردید و تا آخر عمر در این حوزه به تحقیق و تدریس پرداخت (پایگاه مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، مدخل شخصیت‌شناسی محمدهادی معرفت).

مهم‌ترین اثر تفسیری استاد معرفت، «التفسیر الأثری الجامع» به زبان عربی است که با همکاری دو گروه دهنفزی از سال ۱۳۷۹ مطالعات و تحقیقات لازم برای تألیف آن موضوع آغاز و بعد از مدتی فیش‌برداری کل طرح تا آخر قرآن به پایان رسید اما در زمان حیات وی این تفسیر فقط تا انتهای سوره بقره به قلم ایشان در شش جلد نگارش یافت و سال ۱۳۸۷ش منتشر گردید. البته ۱۱ جلد دیگر از این تفسیر اخیراً توسط تیم پژوهشی سابق در سال ۱۴۰۲ رونمایی شد. احتمالاً در صورت ادامه کار، این تفسیر به ۴۰ جلد برسد (رجایی، ۱۳۸۸). حدود ۲۵۰ صفحه از ابتدای جلد اول، مربوط به مباحث علوم قرآن و منطق تفسیر است و بقیه آن تفسیر سوره حمد و پنج جلد بعدی هم تفسیر سوره بقره است. این تفسیر مبتنی بر روش اجتهادی روایت محور است و مفسر با استفاده از محتوای روایات موجود درباره هر بخش از آیات، تفسیری اجمالی از آنها ارائه می‌کند و سپس روایات مربوط به هر بخش را پس از بررسی و ارزیابی‌های لازم می‌آورد (همان). ویژگی‌های این تفسیر می‌توان چنین برشمرد:

۱. اطلاع یابی آسان از روایات مربوط به هر آیه به جهت نوع چینش روایات ذیل آیات؛

۲. دسته‌بندی روایات از نظر مضمون و محتوا در یک موضوع؛

۳. اشتغال تفسیر بر روایات اهل سنت و حتی سخنان صحابه و تابعین، علاوه بر روایات شیعی؛

۴. تسهیل دسترسی به مصادر روایت یا کلام صحابه و تابعی.

مرحوم آیت‌الله معرفت به هنگام حضور در نجف در سال ۱۳۸۶ق (۱۳۴۵) به نگارش تفسیری با عنوان «*التفسیر الوسیط*» دست زد و تا آیه ۲۲۷ سوره بقره پیش رفت اما بعد از سه سال از ادامه کار منصرف شد و به نگارش کتاب «*اتمهید فی علوم القرآن*» روی آورد. ایشان بعداً هیچ گاه تمایلی به نشر آن نشان نداد. دست نوشته اولیه این کتاب در شش دفتر در کتابخانه شخصی ایشان محفوظ است (معرفت، ۱۴۰۳). آیت‌الله معرفت آثار تفسیری دیگری هم دارد که تک نگاری محسوب می‌شوند از جمله: *پرتو ولایت* (تفسیر آیات ولایت)، *تفسیر سوره حجرات*، *تنزیه انبیاء در قرآن*، *معارفی از قرآن*. شخصیت و آثار علوم قرآنی وی در مقاله مستقل دیگری از مجموعه مقالات همایش سده حوزه معرفی شده است.

علی اکبر فیض مشکینی (۱۳۰۰-۱۳۸۶)

مرحوم آیت‌الله مشکینی در توابع مشکین شهر متولد شد. بعد از مدت اندکی تحصیل در حوزه اردبیل، عازم حوزه علمیه قم شد و به مدارج عالی علمی نائل گردید. ایشان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه علمیه قم درس تفسیر پر جمعیتی داشت که حتی در دوران تبعید وی نیز ادامه پیدا کرد (پایگاه خبرگزاری موج، ۱۳۹۵). آیت‌الله مشکینی تألیفاتی چند در تفسیر قرآن دارند که مهم ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. «*تفسیر روان*»؛ در ۸ جلد به زبان فارسی که پنج جلد نخست آن مشتمل بر هجده جزء اول قرآن است و مولف آن را با قلمی روان برای استفاده عموم به ویژه قشر جوان جامعه تحریر کرده و برای بهره‌مندی خواص و طلاب، مباحثی از قبیل صرف و نحو و برخی مطالب دیگر را بدان افزوده است. جلد‌های ششم تا هشتم آن را که متعلق به دوازده جزء آخر قرآن است، *آیت‌الله رضا استادی* بعد از رحلت ایشان به قلم خود اما به همان سیاق مجلدات قبل نگارش نمود و مجموعه این تفسیر به صورت کامل در ۱۳۹۲ش نشر یافت (مشکینی، استادی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۰).

۲. «*تفسیر مبسوط*» که از سایر آثار پراکنده مطبوع و غیرمطبوع تفسیری ایشان جمع‌آوری و در دو جلد چاپ شده است. جلد نخست، فراهم آمده از سه اثر قرآنی و تفسیری *آیت‌الله مشکینی* به زبان عربی است: اولی تفسیر آیات ۲۹-۹۷ سوره آل عمران است که پیش‌تر در سال ۱۳۵۸ش با نام «*تفسیر مبسوط*» منتشر شده بود؛ دومی تفسیر آیات ۱۲۷، ۱۳۵-۱۴۶، ۱۴۸-۱۶۲ و ۱۶۵-۱۷۶ سوره نساء و تفسیر سوره مائده، آیات ۱-۶۶ است.

۳. «*بحث قصیر حول نظریة التطور*» که در آن فرضیه «تکامل» داروینی ذیل تفسیر آیه ۵۹ سوره آل عمران، بر پایه قرآن و حدیث بررسی شده است. (ترجمه این رساله به فارسی پیش‌تر به صورت مستقل منتشر شده بود). جلد دوم، به تفسیر سوره‌های «فاتحه»، «بقره»، «لقمان» و «ص» اختصاص دارد که «*تفسیر سوره صاد*» به صورت

کتاب در سال ۱۳۵۹ش و «تفسیر سوره لقمان» به صورت سلسله مقالات در ماهنامه «پاسدار اسلام» قبلاً منتشر شده بود (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی حدیث شیعه). ایشان افتخار ترجمه قرآن را هم داشته‌اند که شناخته شده است.

محمد صادقی تهرانی (۱۳۰۵-۱۳۹۰)

شیخ محمد صادقی در تهران متولد شد. دروس مقدماتی حوزه را در مدرسه سپهسالار و سپس مدرسه مروی آموخت. در ۱۳۲۰ش جهت ادامه تحصیل عازم قم گردید. علامه طباطبائی از استادانی بود که صادقی خود را متأثر از او می‌داند. به گفته خودش هشت - نه سال در درس تفسیر علامه شرکت کرده است. پس از ۱۰ سال سکونت در قم به تهران بازگشته و چهار لیسانس حقوق، علوم تربیتی، فلسفه و فقه اخذ کرده و سپس در سال ۱۳۳۸ش درجه دکترای معارف اسلامی را دریافت کرده است (صادقی تهرانی، ۱۳۹۲، ص ۵۱۱-۵۱۵). بعدها به عراق و لبنان رفته و تحصیل و تبلیغ پرداخته است.

ایشان دارای چند اثر قرآنی و تفسیری است که مهم‌ترین آنها کتاب «الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة» به زبان عربی است. نگارش این تفسیر ۳۰ جلدی از ۱۳۵۳ش تا ۱۳۶۷ش طول کشیده، چهار جلد نخست آن را طی حدود ۳ سال در بیروت، یک جلد را در مکه طی نزدیک به ۲ سال اقامت در آنجا و ۲۵ جلد دیگر را طی حدود ۹ سال در قم تألیف کرده است. این تفسیر در سال ۱۳۹۱ به عنوان کتاب سال قرآنی جمهوری اسلامی ایران نیز برگزیده شد (علیزاده، ۱۳۹۲، ص ۳۷۹). برخی از اصول شکل‌گیری این تفسیر بر اساس مبانی تفسیری مؤلف چنین است: ۱. محور دانستن قرآن در پذیرش هر نظریه و مطلبی حتی روایات؛ ۲. عنایت اندک به سیاق و تناسب آیات؛ ۳. اعتقاد به سلامت قرآن از تحریف لفظی؛ ۴. امکان نسخ قرآن با قرآن به صورت معدود، نه با سنت؛ ۵. اعتقاد به احکام و تشابه نسبی (افرادی یا ازمانی) آیات؛ ۶. توجه به شأن نزول در حد کمک به فهم آیات و نه به عنوان معیار و قرینه برای تفسیر آیات؛ ۷. توجه به ظاهر و باطن قرآن در فهم آیات (بحرینی، ۱۳۹۲، ص ۳۳۴ و ۳۳۵). اما روش مؤلف الفرقان در این تفسیر به ادعای خودش روش تفسیر قرآن به قرآن است البته برخی روش آن را تفسیر قرآن به قرآن و تفسیر قرآن به سنت، به صورت توأمان دانسته‌اند (امین، ۱۳۷۵).

برای ویژگی‌های «تفسیر الفرقان» می‌توان موارد زیر را برشمرد: ۱. بکارگیری گسترده صنایع ادبی بلاغی مانند سجع و جناس و غیره؛ ۲. بهره‌گیری از اطلاق در مفاهیم آیاتی که قیدی ندارند؛ ۳. استفاده گسترده از روایات (با وجود سبک تفسیر قرآن به قرآن)؛ ۴. توجه ویژه به آیات الاحکام؛ ۵. تنوع منابع شامل انواع کتب روایی، تفسیری، لغوی، اجتماعی، تاریخی، علمی و دایرةالمعارف‌ها؛ ۶. استفاده از کتب عهدین در قالب متن عبری، در تأیید آیات یا نقل تحریفات این کتب؛ ۷. پرهیز از پرداختن به مباحث قراءات و رد اختلاف قرائت؛ ۸. خودداری از نقل اسرائیلیات؛ ۹. دوری از تعصب دینی؛ ۱۰. ارائه نظریات جدید یا نادر در فهم معارف قرآنی و فقه الاحکام (بحرینی، ۱۳۹۲، ص ۳۳۵-۳۳۸).

ایشان تعدادی آثار ثانوی تفسیری را به زبان عربی و فارسی از تفسیر الفرقان، استخراج کرده و به چاپ رسانده

که عبارت‌اند از: *الفرقان فی التفسیر الموضوعی بالقرآن و السنه* (۳۰ جلد)، ترجمان فرقان (تفسیر مختصر در ۵ جلد)، *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن* (در یک جلد و ترجمه آن با عنوان ترجمان وحی) (ر.ک: بی‌نام، ۱۳۹۴، ص ۴۴۴-۴۴۷).

محمد مهدی آصفی (۱۳۱۶-۱۳۹۴)

مرحوم آصفی در نجف به دنیا آمد. تحصیلات حوزوی را در همان شهر آغاز کرد و همزمان در دانشگاه بغداد تا فوق لیسانس تحصیل نمود (بابایی، ۱۳۹۳، ص ۱۸ و ۱۹ و ۲۴؛ خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۰). وی در سال ۱۳۴۹ ش به جهت ایرانی‌الاصل بودن به دستور دولت وقت آن جا از عراق اخراج و راهی قم شد. حدود سال ۱۳۵۰ به کویت رفت و بعد از انقلاب به قم بازگشت (پویا، آصفی، ۱۳۷۶). گویا در جوانی کلاس‌های تفسیر مرحوم سربابی او را جذب قرآن و کارهای تفسیری کرد (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۰).

مهم‌ترین اثر قرآنی مرحوم آصفی، کتاب «فی رحاب القرآن» در ۱۴ جلد به زبان عربی است که در سال ۱۴۲۴ ق (۱۳۸۲) توسط انتشارات «المشرق للثقافه و النشر» به چاپ رسیده است و در آن مسائل مختلفی را به شکل موضوعی اما مختصر از دیدگاه قرآن تفسیر کرده‌اند. ترجمه آن به فارسی با نام «در آیینه وحی» نیز در ۱۰ جلد منتشر شده است و سال ۱۳۸۵ اثر برگزیده نمایشگاه قرآن شناخته شد (بابایی، ۱۳۹۳، ص ۸۲). موضوعات بررسی شده در این کتاب دو ویژگی دارند: نخست اینکه برای عامه مردم و نیز دانش‌آموختگان در رشته‌های جدید، قابل استفاده است؛ دوم اینکه هر یک از آنها پاسخی است به نیازی در حوزه نظر یا عمل و ناظر به مسائل روز. ویژگی بارز در شیوه تفسیری ایشان، استناد به احادیث است، به گونه‌ای که هیچ مطلبی را نمی‌گوید مگر آنکه آن را به چندین روایت و یا سیره معصومین علیهم‌السلام هم آن را مستند می‌کند (همان، ص ۳۲ و ۳۳).

ایشان علاوه بر برگزاری دوره‌های متعدد درس تفسیر در عراق و قم، تک‌نگاری‌ها و مقالات فراوان قرآنی دیگری به زبان‌های مختلف (غالباً عربی) دارد که از سوی ناشران مختلف و یا در مجلات کشورهای مختلف به چاپ رسیده است (ر.ک: خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۰؛ بابایی، ۱۳۹۳، ص ۸۷-۸۸).

ابوالقاسم خزعلی (۱۳۰۴-۱۳۹۴)

مرحوم آیت‌الله خزعلی در بوجود متولد شد. در هفده سالگی وارد حوزه علمی مشهد گردید و پس از گذراندن مقدمات و سطح، در سال ۱۳۲۷ به حوزه علمی قم آمد (دانشنامه ویکی فقه، مدخل ابوالقاسم خزعلی). طبق نقل برخی از فضلاء حوزه ایشان اولین کسی است که بعد از علامه طباطبائی در حوزه علمی قم درس تفسیر را برگزار کرد و در رسمیت بخشیدن آن به عنوان یک درس محوری حوزه تلاش کرد (بخشی از سخنان کاظم صدیقی امام جمعه موقت تهران در مراسم رونمایی از کتاب ایشان، به نقل از پایگاه خبرگزاری کتاب ایران). آثار تفسیری ایشان عبارت‌اند از:

۱. دوره دو جلدی «نوار جاودان در تفسیر قرآن»: این کتاب حاصل درس‌های تفسیر ایشان در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵ در حوزه علمیه قم است که توسط پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی منتشر شده است. جلد اول کتاب شامل تفسیر تمام آیات سوره حمد و سوره بقره از آیه ۱ تا آیه ۲۳ و جلد دوم آن شامل تفسیر سوره بقره، آیات ۲۴ تا ۳۳ است. ایشان هر دو روش تفسیر قرآن به اهل بیت علیهم‌السلام و تفسیر قرآن به قرآن را در تفسیر آیات را بکار می‌گیرد و به مسائل اعتقادی و تربیتی و اجتماعی توجه ویژه دارد و در همین راستا به بیان مسائلی مانند تحدی قرآن، کاربرد عدل در مسایل اجتماعی، جبر و اختیار و مشیت الهی، سازگاری قوانین اسلام با علوم روز، زیربنای مسایل فقهی و اخلاقی در قرآن، ضلالت و هدایت در قرآن، علم اسماء و ماهیت آنها، ارتباط علم اسما با علم بیان و لزوم عبرت گرفتن از تاریخ پرداخته است.

۲. «گاهی به قطره‌ای از زلال جوشان حمد»: اثر تفسیری دیگر ایشان است که آن را حاوی تمام دقت‌های خود در آیات در تمام عمرش دانسته است (پایگاه خبرگزاری کتاب ایران).

۳. «تربیت از دیدگاه قرآن» که مجموعه گفتارهای تفسیری ایشان درباره تربیت است.

آیت‌الله خزعلی روش تفسیر موفق را مبتنی بر چند امر می‌داند که خود نیز تلاش کرده بدان‌ها ملتزم باشد:

۱. برخورد آزاد و بدون پیش‌داوری با آیات قرآن کریم و احساس حضور مفسر در محیط نزول قرآن؛ ۲. آشنایی با ادبیات خالص عرب صدر اسلام؛ ۳. توجه به تاریخ نزول آیات (خزعلی، ۱۳۷۵).

حسن صراف‌زاده کاشانی (۱۳۰۹-۱۳۹۴)

(به علت عدم دسترسی به متن تفسیر و نبود منابع کافی، همه مطالب این قسمت از یک منبع نقل شده است): ایشان متولد کاشان است. به علت از دست دادن پدر در کودکی تا سن ۲۷ سالگی مشغول حرفه مسگری بود اما از این سن در کنار شغل مسگری، تحصیل دروس حوزوی را آغاز کرد. پس از فراگرفتن مقدمات در حوزه کاشان، برای ادامه تحصیلات به حوزه اصفهان و مشهد و قم رفت و از محضر علمای آن دیار بهره گرفت و سپس به کاشان بازگشت و قریب به ۵۰ سال سعی می‌کرد هر هفته روزهای پنجشنبه و جمعه به قم عزیمت کند تا مذاکره و مباحثه علمی با مراجع دینی قم را از دست ندهد.

مهم‌ترین اثر صراف‌زاده، تفسیر «الهدای إلى الحق المبین» به زبان فارسی است که تاکنون ۶ جلد آن به چاپ رسیده (آغاز انتشار ۱۳۷۸) و بقیه به صورت دست‌نوشته باقی است و هنوز چاپ نشده است. جلد اول تفسیر شامل سوره‌های حمد و قدر و توحید است؛ جلد دوم شامل تفسیر ۹۰ آیه قرآن که با لفظ «یا ایها الذین آمنوا» شروع شده؛ جلد سوم شامل تفسیر سوره‌های علق و نصر؛ جلد چهارم شامل تفسیر سوره‌های ضحی، انشراح، کوثر و نصر؛ جلد پنجم شامل تفسیر سوره نور؛ جلد ششم شامل تفسیر سوره احزاب است و جلد هفتم آن قرار است تفسیر سوره یوسف باشد.

مهم‌ترین ویژگی‌های این تفسیر عبارت است از: ۱. استفاده فراوان از منابع مختلف و تفاسیر معتبر اسلامی؛

۲. استفاده از انواع شیوه‌های اقناعی برای جلب مخاطب و تفهیم مطلب؛ ۳. زبان ساده، روان و قابل فهم برای عموم؛
۴. توجه به اشتراکات معانی سور قرآنی و دسته‌بندی موضوعی مطالب؛ ۵. توجه به مسائل روز در تفسیر؛ ۶. استفاده از روش طرح سؤال و جواب برای رفع شبهات؛ ۷. ایضاح بعد از ابهام و تلطیف نکات تفسیری با استفاده از زبان ادبی؛
۸. تلفیق آراء و تحلیل روشمند آنها؛ ۹. استفاده روشمند از شیوه تحلیل لغوی (شجری، عربشاهی کاشی، ۱۴۰۱).

محمدصادق حائری شیرازی (۱۳۱۵-۱۳۹۶)

مرحوم حائری شیرازی در شیراز متولد شد و سال ۱۳۳۵ وارد دانشگاه تهران شد ولی به سبب انتقاد از دولت وقت، توسط ساواک دستگیر و از ادامه تحصیل محروم گردید. سپس به فراگیری علوم اسلامی روی آورد و مقدمات و سطح را در سه سال در شیراز به پایان برد و به حوزه علمیه قم عزیمت کرد (دانشنامه ویکی شیعه، مدخل محمدصادق حائری شیرازی) و مدارج عالی تحصیلی را در این حوزه طی کرد. فعالیت علمی وی در تفسیر عمدتاً در قالب برگزاری جلسات تفسیر بوده است. سلسله جلسات تفسیری «انسان‌شناسی در قرآن» و «مباحث تفسیری با محوریت سوره یوسف» از وی در فضای مجازی در دسترس است و «تفسیر سوره حمد» او در ۱۳۸۵ ش به چاپ رسیده است (ر.ک: پایگاه اینترنتی ویکی فقه، دانشنامه حوزوی).

اکبر دهقان (۱۳۴۳-۱۳۹۸)

وی متولد مشهد مقدس است. سال ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه مشهد شد و در سال ۱۳۶۲ برای ادامه تحصیلات به حوزه علمیه قم رفت و در کنار تحصیل فقه و اصول مدت هشت سال از درس تفسیر آیت‌الله حوادی آملی بهره‌مند شد. سپس به مدت ۱۲ سال در حوزه قم به تدریس تفسیر قرآن پرداخت که بخشی از آنها (حدود ۲۶۰ جلسه) ضبط و در صدای جمهوری اسلامی پخش شده است (پایگاه مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، مدخل شخصیت‌شناسی اکبر دهقان). آثار مکتوب قرآنی و تفسیری او عبارت‌اند از:

۱. «تفسیر نسیم رحمت» که دارای سبک ترتیبی و در ۱۴ جلد به زبان فارسی چاپ شده است. وی در این تفسیر در ترجمه آیات از ترجمه قرآن مکارم و در معنای واژه‌ها از ترجمه بهرام‌پور و برای برخی مطالب تفسیری از ترجمه المیزان و تفسیر نمونه و تفسیر مبین استفاده کرده است. البته در مجموع چهارده جلد حدود هزار نکته از خود نویسنده است که برخی از آنها در سایر آثارش نیز بیان شده است (دهقان، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۴).
۲. «حُجَّةُ التَّفَاسِیرِ» به زبان عربی (به همراه دیگران).
۳. «واژه‌های نور» (واژه‌شناسی قرآنی).

محمد یزدی (۱۳۱۰-۱۳۹۹)

مرحوم آیت‌الله محمد یزدی در اصفهان متولد شد و تحصیلات حوزوی را از دوازده سالگی در این شهر آغاز کرد سپس در سال ۱۳۲۶ ش برای ادامه تحصیلات به حوزه قم رفت و به مدارج عالی علمی نایل شد (دانشنامه ویکی

فقه، مدخل محمد یزدی). او مدتی در درس تفسیر علامه طباطبائی حاضر شد (پایگاه مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، مدخل شخصیت‌شناسی محمد یزدی) و بعدها خود با برپایی درس تفسیر، آثاری را نیز در این زمینه تألیف کرد. از جمله: ۱. «فقه القرآن» در چهار جلد در موضوع آیات الاحکام؛ به ادعای مولف، امتیاز آن در داشتن ترتیب برتر نسبت به آثار مشابه است که با ترتیب متعارف در فقه متفاوت است ضمناً ابواب جدیدی از قبیل حکومت و ولایت دارد که در سایر کتب آیات الاحکام موجود نیست (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، خاطرات آیت‌الله محمد یزدی، ص ۱۱۰، به نقل از دانشنامه ویکی فقه مدخل محمد یزدی). ۲. «أسس الایمان فی القرآن» که موضوع آن اصول دین از منظر قرآن است. ۳. «قیسات من سورتی الحمد و القدر» ۴. «تفسیر سوره حمد» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، نگاهی به زندگینامه آیت‌الله محمد یزدی، ۱۳۹۹). وی موفق به «ترجمه قرآن» نیز شده‌اند.

سید کمال فقیه ایمانی (۱۳۱۳-۱۴۰۰)

مرحوم آیت‌الله فقیه ایمانی در اصفهان متولد شد و تحصیلات حوزوی خود را از ۱۵ سالگی در زادگاهش آغاز کرد. وی پس از گذراندن دوره مقدمات، به حوزه علمیه قم رفت و تحصیلاتش را تا رسیدن به مدارج عالی علمی ادامه داد و بعد از فوت پدرش به اصفهان بازگشت (دانشنامه تخصصی ویکی نور، مدخل فقیه ایمانی، کمال).

مهم‌ترین فعالیت تفسیری ایشان، نگارش اولین تفسیر قرآن به زبان انگلیسی و روسی با عنوان «هورالقرآن فی تفسیر القرآن» است که به درخواست امام خمینی علیه السلام انجام گرفت. نسخه انگلیسی این تفسیر در بیست جلد و نسخه روسی آن در هجده جلد منتشر گردیده است و گلچینی از تفسیرهای گوناگون است که با چشم پوشی از اختلاف‌های لغوی و موارد اختلاف نظر شیعه و سنی، مجموعه‌ای روان و قابل اعتماد را به مخاطبان عرضه کرده است. این تفسیر مورد استقبال مسلمانان در دیگر کشورها قرار گرفته و تاکنون به زبان‌های مالایی، فرانسه، ترکی استانبولی ترجمه شده است (پایگاه دانشنامه اسلامی، مدخل سید کمال فقیه ایمانی).

محمد محمدی ری‌شهری (۱۳۲۵-۱۴۰۱)

ایشان در شهر ری متولد و در سال ۱۳۳۹ش وارد حوزه علمیه زادگاهش شد و یک سال بعد برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم رفت. وی تا پیروزی انقلاب به تحصیلات خود در قم ادامه داد و البته در این بین مدت کوتاهی را در حوزه‌های علمیه نجف و مشهد گذراند (دانشنامه ویکی شیعه، مدخل محمد محمدی ری‌شهری). اثر تفسیری ری‌شهری «پرتوی از تفسیر اهل بیت علیهم السلام» نام دارد که با استفاده از روایات اهل بیت علیهم السلام به تفسیر آیات پرداخته است. البته تدوین تفسیر به صورت فعالیت‌گروهی و جمعی بوده است. تاکنون سه جلد از این کتاب منتشر شده است. جلد اول مشتمل بر مباحثی در زمینه مبانی و روش تفسیر و مطالبی در مورد تفسیر روایی است. جلد دوم به تفسیر سوره حمد و جلد سوم به تفسیر سوره بقره اختصاص داده شده است. شیوه کار این گونه بوده است: ۱. گردآوری همه روایات چه دارای ارتباط آشکار با آیات و چه ناآشکار؛ ۲. کمک گرفتن از همه دانش‌ها و منابع در دسترس از قبیل

لغت، ادبیات، تاریخ و برخی دانش‌های بشری برای تفسیر آیات؛ ۳. برگرفتن پیام‌هایی ناظر به پرسش‌های زمانه و مشکلات روزگار کنونی از هر آیه و تلاش برای امتداد هرچه بیشتر قرآن تا ژرفای جامعه (پایگاه رسمی آیت‌الله محمد محمدی ری‌شهری).

محمدباقر محقق (تولد: ۱۲۹۸)

ایشان در رشت زاده شد و از سن ۱۵ سالگی به تحصیل در حوزه علمیه قم مشغول گردید. بعد از چند سال تحصیل در قم، به علت فضای خفقان دوران پهلوی اول، ادامه تحصیلات حوزوی را در تهران و در کنار تحصیلات دانشگاهی پی‌گرفت و با قم نیز در رفت‌وآمد بود (محقق، ۱۳۷۱). مهم‌ترین پژوهش‌های قرآنی او عبارت‌اند از:

۱. «تفسیر المحقق»؛ که بیش از ده جلد آن آماده شده و دو جلدش تاکنون چاپ گردیده است (این کتاب مجموعاً بالغ بر بیست جلد است).

۲. «آئرة الفرائد در فرهنگ قرآن» در ۲۵ جلد که تاکنون فقط ۶ جلد آن منتشر شده است (همان). مهم‌ترین ویژگی‌های این اثر عبارت‌اند از: الف. توضیح و تفسیر لغت به شیوه‌ای مبسوط و کامل؛ ب. ارائه بسامد کاربرد هر لغت در قرآن؛ ج. ارائه نشانی کامل هر لغت در قرآن؛ د. اشاره به معنای فارسی و موارد صرفی و نحوی هر واژه؛ ه. ذکر و توضیح اعلام مشتق از هر ریشه؛ و. اشاراتی فقهی، کلامی و تاریخی در اثبات تفسیر برخی واژگان؛ ز. ترجمه هر واژه به فارسی اصیل (همان).

۳. «سما و صفات الهی در قرآن» (۲ جلد).

۴. «مونه بینات در شان نزول آیات».

۵. «قصاص در قرآن و سنت» (تاکنون چاپ نشده).

همچنین ایشان سه متن جهت تدریس در دانشگاه‌ها با عناوین «علوم قرآنی»، «مقدمه تفسیر» و «آیا قرآن ترجمه‌ناپذیر است؟» تالیف و تدوین نموده است (دانشنامه ویکی فقه، مدخل محمدباقر محقق).

سید موسی صدر (۱۳۰۷)

ایشان در قم متولد شد و سال ۱۳۲۲ش تحصیل در حوزه علمیه قم را آغاز کرد و تا سال ۱۳۳۲ش سطوح و بخشی از دروس خارج را در حوزه قم طی کرد و در این اثنا به دریافت لیسانس از دانشگاه تهران نیز نایل شد. وی سپس به نجف رفت و تا ۱۳۳۷ش در دروس خارج عالمان حوزه نجف شرکت کرد (دانشنامه ویکی شیعه، مدخل امام موسی صدر) و پس از آن به لبنان رفت و زعامت شیعیان آن دیار را بر عهده گرفت. اصل فعالیت‌های قرآنی و تفسیری او به درس‌گفتارها یا سخنرانی‌ها و مقالاتی بر می‌گردد که در مناسبت‌های مذهبی ایراد کرده یا نوشته است و توسط مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر به صورت کتاب منتشر کرده است. مهم‌ترین آثار قرآنی وی عبارت‌اند از:

۱. مجموعه «تفسیر برگزیده» در ۸ جلد کوچک به شرح زیر: جلد اول: تأملی دیگر در قرآن و تفسیر؛ جلد

دوم: تفسیر سوره اخلاص؛ جلد سوم: تفسیر سوره ناس و فلق؛ جلد چهارم: تفسیر سوره قدر؛ جلد پنجم: تفسیر سوره تکوین؛ جلد ششم: تفسیر زندگی و مرگ در قرآن؛ جلد هفتم: تفسیر انفاق در قرآن؛ جلد هشتم: تفسیر سوره اسراء.

۲. «برای زندگی»: درس‌گفتارهای وی در تفسیر سوره‌های قصار قرآن برای کادر جنبش امل. ایشان در تفسیر هر سوره ابتدا به شأن نزول سوره و بعد توضیح برخی واژگان آن پرداخته و سپس معانی آیات قرآن را تفسیر شرح می‌کند. ویژگی خاص تفسیر ایشان این است که دارای زبان و بیانی ساده و قابل فهم برای همه افراد با هر سطح فکری و قوت فهم است.

۳. «حدیث سحرگهان»: بخش نخست آن، تفسیر آیاتی برگزیده از سوره‌های بلند قرآن کریم است که به صورت موضوعی تقسیم‌بندی شده و بخش دوم آن، تفسیر برخی از سور قصار قرآن کریم است (پایگاه مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر). برخی گفته‌اند که این کتاب، توانسته است حدود پانصد هزار نفر را در جنوب شرقی آسیا شیعه کند (بهمنی، پایگاه خبری «صاحب‌خبر»).

سیدعلی اکبر قرشی (تولد: ۱۳۰۷)

ایشان در بناب زاده شد و تحصیلات مقدماتی حوزه را در آن شهر گذاراند و حدود سال ۱۳۲۴ وارد حوزه علمیة قم شد. او در حوزه قم ۸ سال تحصیل کرد و سال ۱۳۳۲ به ارومیه رفت و در آنجا سکنی گزید (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۷۴۹). به گفته خودش بعد از استقرار در ارومیه برای جبران کمبود علمی به مدت دوازده سال بدون وقفه روزانه تا حدود ۳ ساعت در موضوعات مربوط به قرآن و روایات و حتی رجال با دوستان خود بحث و مذاکره داشت. اوایل روی روایات و مسائل الشیعۀ مطالعه و تدبیر و تفکر و بحث می‌کردند و بعد از این مطالعات، تدریس تفسیر را به صورت عمومی آغاز کرد و به مدت ۲۵ سال، پنج دوره قرآن را از اول تا آخر برای مردم تفسیر کرد (قرشی، ۱۳۷۴). ایشان دارای آثار قرآنی و تفسیری متعددی است که مهم‌ترین آنها از این قرار است:

۱. تفسیر «حسین‌الحدیث»: شامل تفسیر کل قرآن در ۱۲ جلد به زبان فارسی که طی سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۶۵ش تألیف شده است؛ در این تفسیر شیوه بحث کار این گونه است که برای تفسیر آیات مطالب ذیل سه عنوان چپش و بررسی می‌شوند: الف) «کلمه‌ها»: که ناظر است به بیان معنای کلمات آیه با استفاده از کتب لغت دست اول و یا خود آیات؛ ب) «شرح‌ها»: که ناظر است به تفسیر آیات؛ ج) «نکته‌ها»: که ناظر است به برداشت تکات ویژه از آیات و یا مطلبی که اگر در شرح‌ها می‌آمد طولانی می‌شد (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۷۵۰).

۲. «قاموس قرآن»: این کتاب در ۷ جلد است و به نوعی دانش‌نامه واژگان قرآنی محسوب می‌شود که محصول ۵ سال تلاش مداوم مؤلف بوده است. وی معتقد است کلمات قرآن با حذف مکررات و مشتقات حدود ۱۸۶۰ کلمه است که در این کتاب همه آنها یک‌به‌یک بررسی و شرح شده است. ایشان در توضیح برخی کلمات صرفاً به معنی لغوی آنها اکتفا نکرده بلکه علاوه بر آن، تفاسیر و توضیحاتی ادبی، علمی، اجتماعی و تاریخی نیز ذکر کرده است (دانشنامه ویکی‌فقه، مدخل قاموس قرآن).

۳. «نگاهی به قرآن»: کتابی است در یک جلد شامل بحث‌های رایج در علوم قرآن.

زین العابدین قربانی (تولد: ۱۳۱۲)

ایشان در یکی از روستاهای آستانه اشرفیه در استان گیلان زاده شد و در ۱۴ سالگی برای تحصیل علوم دینی به مدرسه جامع لاهیجان رفت و در سال ۱۳۲۸ عازم حوزه قم شد. او تفسیر را نزد علامه طباطبائی آموخت و در طول فعالیت‌های سیاسی و تبلیغی خود در دوران قبل از انقلاب اسلامی ایران بارها از قم خارج شد و پس از پیروزی انقلاب به استان گیلان بازگشت (ر.ک: سفیر سبز؛ پایگاه رسمی آیت‌الله زین العابدین قربانی).

مهم‌ترین اثر قرآنی و تفسیری ایشان که برای تحقیق و تدوین آن حدود ۱۴ سال زمان صرف کرده، کتاب «تفسیر جامع آیات الاحکام» به زبان فارسی در ۱۲ جلد است که نگارش آن در سال ۱۳۶۳ پایان یافت. سیر مطالب این کتاب طبق ابواب فقه اسلامی، از طهارت تا دیات مرتب شده است. نویسنده در ابتدای این اثر بعد از بررسی سیر نگارش کتاب‌های تفسیری آیات الاحکام در تاریخ تفسیر فریقین، انگیزه خود را از بررسی مجدد این بحث، پنج امر شمرده است: ۱. متناسب نبودن متن کتاب‌های قدیمی برای نسل جدید و توده مردم فارسی‌زبان. ۲. لزوم بررسی مجدد آیات الاحکام در راستای قانونگذاری صددرصد اسلامی برای حکومت ایران بعد از انقلاب اسلامی. ۳. شفاف‌سازی محتوای آیاتی که از سوی دشمنان اسلام برای ایجاد اختلاف میان مسلمین مورد سوء استفاده قرار گرفته است. ۴. فقدان متن درسی متناسب با محیط دانشگاهی در حیطه تفسیر آیات الاحکام. ۵. نیازمندی‌های جدید و مسائل نوظهور در زمینه احکام شرعیه که بررسی روزآمد در زوایای تازه آیات قرآن را ضرورت می‌بخشد (قربانی لاهیجی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۷-۲۹).

علاوه بر این، ایشان در زمان اقامت خود در لاهیجان درس تفسیر قرآن نیز داشته که تاکنون سوره‌های رعد، کهف، یاسین، بقره، لقمان، احزاب و قسمت‌های مهم سوره (آل عمران) را تفسیر کرده‌اند و گویا تعدادی از مجلدات این تفسیر نیز آماده چاپ است (ر.ک: سفیر سبز؛ پایگاه رسمی آیت‌الله زین العابدین قربانی).

سیدعلی حسینی خامنه‌ای (تولد: ۱۳۱۸)

آیت‌الله خامنه‌ای در مشهد زاده شد و دوره تحصیلات مقدماتی و سطوح را در حوزه مشهد و نزد اساتید آنجا سپری کرد. وی بخشی از دروس حوزوی را نزد پدر آموخت و در سال ۱۳۳۶ به نجف رفت ولی به دلیل عدم تمایل پدر، به مشهد بازگشت. در ۱۳۳۷ عازم حوزه علمیه قم شد و تا سال ۱۳۴۳ به تحصیل دروس خارج مشغول بود و سپس به دلیل مشکلات پدر به مشهد بازگشت.

او پس از بازگشت به مشهد، برای عموم مردم جلسات تفسیر برگزار می‌کرد ولی از ۱۳۴۷ تدریس درس تخصصی تفسیر را برای طلاب علوم دینی آغاز نمود. این دروس و جلسات تفسیر تا سال ۱۳۵۶ و قبل از دستگیری و تبعید ایشان به ایرانشهر ادامه داشت (ر.ک: پایگاه رسمی آیت‌الله خامنه‌ای مدظله). حجت‌الاسلام فرزانه یکی از شاگردان برجسته درس تفسیر ایشان می‌گوید: درس تفسیر، با حضور سه نفر در مسجد صدیقی‌ها آغاز شد و بعدها در جاهای مختلفی مانند مسجد قبله ادامه یافت و سرانجام در مدرسه میرزا جعفر برگزار شد که آنجا تعداد

شرکت‌کنندگان به ۵۰۰ نفر می‌رسید و این نشانه جاذبه این جلسات بود؛ جلساتی معرفت‌افزا که حتی وقتی در مدرسه بسته بود، در ایوان‌های اماکن متبرکه ادامه می‌یافت و با وجود سرمای هوا، هیچ کس از شرکت در آن غفلت نمی‌کرد (فرزانه، ۱۳۹۸). این جلسات بعد از انقلاب و در دوره ریاست جمهوری ایشان و پس از آن نیز کمابیش ادامه پیدا کرد. مهم‌ترین آثار قرآنی و تفسیری وی که همه به زبان فارسی است عبارت‌اند از:

۱. تفسیر سوره بقره ۲. تفسیر سوره ممتحنه ۳. تفسیر سوره تغابن ۴. تفسیر سوره براءت ۵. تفسیر سوره مجادله
۶. تفسیر سوره حمد ۷. تفسیر سوره جمعه ۸. تفسیر سوره حشر ۹. تفسیر سوره صف ۱۰. تفسیر سوره منافقون
۱۱. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن ۱۲. ترجمه تفسیر فی ظلال القرآن سید قطب.

ویژگی‌های مهم و برجسته تفسیر آیت‌الله خامنه‌ای از زبان محمدی‌ری‌شهری چنین معرفی شده است:

۱. بسیط و سهل‌التناول بودن؛ ۲. محصول تدریس بودن؛ ۳. ساده‌سازی مفاهیم و همه‌کس‌فهم بودن آن؛
۴. دارای رویکرد ترویجی با زیرساختی دقیق و عمیق؛ ۵. تأکید بر جان‌مطلب و پرهیز از ورود به جزئیات؛
۶. جامعیت و همگونی مضمونی نسبت به هندسه معارف دینی؛ ۷. تبعّد مبتنی بر تحقیقات در تفسیر قرآن؛ ۸. تسلط نویسنده بر معارف اسلامی و تفسیر قرآن؛ ۹. تتبعات گسترده در زمان دشواری دسترسی به منابع؛ ۱۰. دارای متنی با انشای روان و دلنشین (همان).

یغسوب‌الدین رستگار جویباری (تولد: ۱۳۱۹)

ایشان در شهرستان جویبار مازندران به دنیا آمد و پس از تحصیلات ابتدایی به حوزه علمیة مشهد مقدس رفت و مشغول درس حوزه شد و نزد میرزا حبیب‌الله گلپایگانی تفسیر قرآن را آموخت و سپس برای ادامه و تکمیل تحصیلات به حوزه قم عزیمت کرد و تحصیلات عالی حوزوی را در آن جا پی گرفت. مهم‌ترین اثر قرآنی و تفسیری وی کتاب «تفسیر البصائر» است (ایازی، ۱۳۷۳، ص ۲۰۳ و ۲۰۴). این تفسیر که به زبان عربی است در صورت تالیف همه مجلداتش گویا به ۶۰ جلد خواهد رسید ولی تاکنون جلد‌های ۱ و ۳۱ تا ۳۸ و ۴۱ تا ۶۰ (جمعاً ۲۹ جلد) آن به چاپ رسیده و آغاز چاپ و انتشارش سال ۱۳۵۶ بوده است (دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا، مدخل یغسوب‌الدین رستگار جویباری؛ اگرچه در این مقاله بنا را بر ارجاع به منابع معتبر داشته‌ایم اما به علت کمبود منابع در مورد شخصیت این مفسر، استثناء ناچار به استناد کم‌اعتبارتر شدم).

ویژگی مهم تفسیر البصائر، جمع کردن حداکثری اقوال و وجوه تفسیری است؛ به این معنا که مؤلف، آنچه را در باب تفسیر آیات به عنوان اقوال و آراء بیان شده و در میان کتاب‌ها پراکنده است، از ۶۰ تفسیر رایج شیعه و سنی جمع‌آوری کرده و در قسمت‌های مختلف بحث آورده است (ر.ک: پایگاه راسخون) اما ساختار مباحثش با این ترتیب تنظیم شده است:

۱. اشاره به روایات ثواب قرائت سوره‌ها و آیات؛ ۲. تعیین موضوع سوره؛ ۳. تحقیق درباره نزول سوره‌ها و آیات؛ ۴. بیان قراءات و وجه هر کدام؛ ۵. وقف و وصل آیات و جمله‌ها؛ ۶. استقصاء در معانی کلمات؛ ۷. بحث ادبی

در هر سوره؛ ۸. تحقیق علمی دقیق در جملات و آیات؛ ۹. بیان وجه اعجاز هر سوره و هر قطعه؛ ۱۰. بیان علت تکرار قصص و آیات و کلمات؛ ۱۱. بحث در تناسب نزولی و مصحفی سور و آیات؛ ۱۲. ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه در هر قطعه؛ ۱۳. تفسیر قرآن به قرآن؛ ۱۴. ارائه خلاصه بحث؛ ۱۵. استقصاء روایات تفسیری؛ ۱۶. اجمال بحث فقهی؛ ۱۷. مسائل ادیانی و تطبیق یا رد آنها با قرآن؛ ۱۸. تحقیق مفصل در معارف قرآن شامل مباحث علمی، فنی، تاریخی، فلسفی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی؛ ۱۹. استخراج نکات دقیق علمی از آیات (رستگار جویباری، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۸ و ۹).

علی کریمی جهرمی (تولد: ۱۳۲۰)

ایشان در شهرستان جهرم متولد شد. بعد از گذراندن بخشی از مقدمات در زادگاهش، وارد حوزه علمی شیراز شد و پس از دو سال برای ادامه تحصیلات به قم مهاجرت کرد و تاکنون در این حوزه مشغول به تحصیل و سپس تدریس و تحقیق بوده است. وی در سال ۱۳۷۷ خدام و پژوهشگر برتر قرآنی کشور شناخته شد. همچنین در پانزدهمین گردهمایی اساتید تفسیر حوزه علمی در سال ۱۳۹۶ که توسط مجمع عالی تفسیر قرآن کریم حوزه علمی قم برگزار گردید، از شخصیت قرآنی ایشان تجلیل شد و آیات عظام مکارم شیرازی و سبحانی در نگاشته‌ای از خدمات وی به عنوان «مفسر قرآن کریم و محقق علوم قرآنی» تقدیر نمودند. (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت الله کریمی جهرمی).

از ایشان تاکنون کتاب‌ها و مقالات زیادی چاپ شده است که بخشی از آنها در زمینه تفسیر و معارف قرآن است (همان). مهم‌ترین آثار قرآنی و تفسیری ایشان عبارت‌اند از:

رازهای آسمانی: تفسیر سوره حدید، نظام اخلاقی اسلام: تفسیر سوره حجرات، تجلی انسان در قرآن: تفسیر سوره انسان، تفسیر سوره صف، تفسیر سوره ابراهیم ﷺ، احکام القرآن، العتره و القرآن، شناخت قرآن از رهگذر قرآنی، سیمای عبادالرحمان در قرآن، چهره‌های محبوب در قرآن، قرآن و هدایت اندیشه‌ها، یکصد و یک پیام از قرآن کریم، نشانه‌های او در قرآن، دختر و پسر نمونه در قرآن، موعود آخرالزمان در قرآن، صراط مستقیم در قرآن، مبارزه طاغوتیان با قرآن، جاذبه قرآن، نمونه‌هایی از تأثیر و نفوذ قرآن. (همان).

سیدیحیی یثربی (تولد: ۱۳۲۱)

ایشان در توابع تکاب زاده شد و از ۱۴ سالگی تحصیلات حوزوی خود را در زنجان آغاز کرد و سال ۱۳۳۷ش به قم مهاجرت نمود و ادامه تحصیلاتش را در حوزه قم پی گرفت. وی از سال ۱۳۴۴ وارد دانشگاه تهران شد و سپس به عنوان هیئت علمی به استخدام آموزش عالی درآمد و با درجه استاد تمام فلسفه از دانشکده الهیات دانشگاه علامه طباطبائی بازنشسته شد (ر.ک: پایگاه رسمی دکتر سیدیحیی یثربی).

اثر مهم قرآنی یثربی کتاب «تفسیر روز» در ۷ جلد به زبان فارسی است که شامل تفسیر همه آیات قرآن

می‌شود و نشر آن در سال ۱۳۹۱ آغاز شده است. وی در مصاحبه‌ای شیوه کارش را در تفسیر روز چنین توصیف کرده است:

«هدف کلی من، نزدیک کردن قرآن به مردم است... من از تکرار مطالب طولانی پرهیز کرده‌ام. این که این لغت معنایش چه بوده؟ اسلش چه بوده؟ اشاره مجازی‌اش چیست؟ به اینها نپرداخته‌ام. یا مثلاً به مسائلی مانند این سوره را بخوانی چه اثراتی دارد و امثال آن نپرداخته‌ام... بعضی از قصه‌های معروف قرآنی را که دیگران مفصل نقل کرده‌اند، من خیلی کوتاه نقل کرده‌ام. سعی کرده‌ام خود قرآن مطرح شود (نه مطالب حاشیه) قرآن ۶۰۰ صفحه است اگر بر این قرآن تفسیر ۸۰ جلدی بنویسیم، قرآن را گم می‌کنیم. این سلیقه و نظر من در این نوشتار بوده فلذا تفسیر را در هفت جلد تمام کردم و اگر متن قرآن و ترجمه‌اش را در نظر بگیرید، تقریباً تفسیر من، شامل سه جلد می‌شود. هدف جزئی من هم این بوده است که عصر ما، عصر توجه به انسان است، عصر حقوق بشر است، عصر توجه به آزادی‌های بشر، به اصالت و اعتبار بشر است. من سعی کرده‌ام حساسیت‌های روز را در تفسیر قرآن لحاظ کنم، یعنی به قرآن مسئله جدید عرضه کنم و پاسخ بگیرم» (یشربی، پایگاه خبرگزاری مهر، ۱۳۹۳).

یشربی ترجمه‌ای کامل از قرآن را نیز در کارنامه خود دارد که به گفته خودش از ویژگی‌های مهم آن، به‌کارگیری زبان روز، نیاوردن جملات و کلمات توضیحی، و تفکیک موضوعی آیات است (پایگاه رسمی دکتر سیدیچی یشربی).

حسین انصاریان (تولد: ۱۳۲۳)

ایشان در خوانسار متولد شده و از سه سالگی به تبع مهاجرت خانواده به تهران، در این شهر ساکن شد. وی دروس طلبگی را در حوزه علمیة تهران آغاز کرد و پس از سپری کردن سطوح مقدماتی با عزیمت به قم، تحصیل در سطوح عالی و خارج را در حوزه علمیة قم ادامه داد. ایشان پس از سال‌ها حضور در قم و استفاده از محضر عالمان آن دیار، به تهران مراجعت کرد و به تبلیغ و تحقیق و تالیف پرداخت (ر.ک: پایگاه رسمی استاد حسین انصاریان).

مهم‌ترین اثر تفسیری انصاریان، «تفسیر حکیم» در ۴۰ جلد به زبان فارسی است که اولین جلد آن در سال ۱۳۹۳ به چاپ رسیده و تاکنون ۱۸ جلد آن (تا سوره یوسف) منتشر شده و بقیه مجلدات گویا در حال تکمیل است و در آینده‌ای نزدیک به چاپ خواهد رسید (پورمحمودیان، خبرگزاری فارس، ۱۴۰۲).

ویژگی‌های مهم این تفسیر را مولفش این‌گونه بیان کرده است: ۱- فربعدی بودن و برخورداری از پژوهش‌های مختلف ادبی، روایی، کلامی، اخلاقی و تربیتی، عرفانی و مانند آنها؛ ۲- دربرداشتن توأمان دو روش تفسیری آیه‌به‌آیه و آیه‌به‌روایت؛ ۳- گزینش روایات تفسیری و مرتبط به‌صورت هدفمند، پس از اعتبارسنجی سندی و دلالتی آنها؛ ۴- جامعیت از جهت اشمال بر اقوال و نظرات مفسران و محققان قدیم و معاصر، در عین دوری از مباحث جدال‌آمیز و بی‌ثمر و بی‌اعتبار؛ ۵- پردازش علمی به موضوعات قرآنی و مباحث کلیدی مرتبط با آیات؛ ۶- پرداختن به خواص سور و آیات و فضایل آنها از دیدگاه معصومان علیهم‌السلام؛ ۷- پرداختن به شبهات مطرح شده در ذیل آیات و موضوعات مرتبط با آن؛ ۸- برداشت‌های اخلاقی و تربیتی از آیات با گرایش

اخلاق کاربردی؛ ۹- تطبیقی بودن مباحث پرچالش بر اساس مذاهب، مکاتب و نظریه‌های مختلف (انصاریان، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۷-۲۹).

از دیگر آثار قرآنی ایشان ترجمه فارسی قرآن کریم است.

محسن قرائتی (تولد: ۱۳۲۴)

ایشان در کاشان به دنیا آمد و در ۱۴سالگی وارد حوزه علمیه این شهر شد. وی همان سال اول تحصیل در حوزه، هر شب در جلسه تفسیر آیت‌الله آفانجفی شرکت می‌کرد که به گفته خودش این جلسه دل او را به تفسیر قرآن جذب کرد (قرائتی، پایگاه مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن). ایشان در سال دوم طلبگی به حوزه علمیه قم و سطوح مقدماتی را در قم خواند و سپس به حوزه علمیه نجف رفت و دروس رسائل و مکاسب را آنجا تمام کرد و دوباره به قم مراجعت کرد. ایشان در زندگی‌نامه خود در پایگاه مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن می‌نویسد: «سال دوم طلبگی به قم آمدم، حتی در این زمان در کنار لعمه، تفسیر مجمع البیان را با برخی از دوستان، مطالعه و مباحثه می‌کردم سپس برای ادامه تحصیل به نجف اشرف هجرت کرده، رسائل و مکاسب را در آن جا به پایان رساندم و دوباره به قم مراجعت کردم»؛ (قرائتی، پایگاه مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن). از این تعابیر روشن می‌شود که اقامت ایشان در نجف کوتاه و در حد گذراندن دوره رسائل و مکاسب یا بخش پایانی آن بوده است. وی پس از بازگشت و اتمام سطح و ورود به درس خارج به مطالعه و مباحثه تفاسیر مختلف مانند مجمع‌البیان مشغول شد و اقدام به یادداشت برداری از مطالب آنها نمود و با عرضه آنها به حلقه مؤلفان تفسیر نمونه به جمع آنها پیوست (همان) و به مدت ۱۵ سال در تألیف و تدوین تفسیر نمونه همکاری کرد.

مهم‌ترین اثر قرآنی وی «تفسیر نور» است که حاصل جلسات تفسیر ایشان در صدای جمهوری اسلامی بوده است (همان). این اثر به زبان فارسی در ۱۲ جلد در سال ۱۳۷۴ منتشر و تاکنون بارها به چاپ رسیده است و بعدها با ویرایشی جدید در ۱۰ جلد منتشر شده است و به زبان‌های عربی، اردو، ترکی آذری و ترکی استانبولی ترجمه شده است. قرائتی ویژگی بارز تفسیر خود را این‌گونه بیان می‌کند:

تفسیر نور اصلاً تفسیر صادراتی است؛ یعنی از اول آن را به قصد این نوشتیم که به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه شود می‌خواستیم بگویم این آیه برای اسپانیا چه می‌گوید؟ برای چین و ژاپن چه می‌گوید؟ حرف آیه برای دنیا چیست؟ آمده‌ام از هر آیه‌ای چند تا پلاکارد ساختم که این‌ها اصول زندگی است و قابل ترجمه به زبان‌های دنیا این تفسیر برای آدم‌های بی‌حوصله است. امتیاز تفسیر من خلاصه‌بودن آن است، در عین این که جامع نکات سایر تفاسیر است. مخاطبان من توده مردم هستند (پویا، قرائتی، ۱۳۷۵).

یعقوب جعفری‌نیا (تولد: ۱۳۲۵)

وی متولد مراغه است. مقدمات و مقداری از دوره سطح دروس حوزوی را در شهر زادگاهش خواند و در سال ۱۳۴۱

به قم هجرت نمود و دوره سطح را در محضر اساتید مجرب به پایان رسانید (ر.ک: خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۸۴۴). جعفری‌نیا ده‌ها مقاله و چندین کتاب در موضوعات تفسیری و علوم قرآنی تالیف کرده که می‌توان از کتاب «سیری در علوم قرآن»، «پژوهشی درباره صابین»، «رسم‌الخط مصحف»، «سیمای امام علی علیه السلام در قرآن»، «تفسیر سوره یوسف»، «تفسیر سوره انعام»، «تاریخ اسلام از منظر قرآن» یاد کرد، اما مهم‌ترین اثر وی کتاب «تفسیر کوثر» است که در ۱۲ جلد به زبان فارسی (صفحه شخصی ایشان در پایگاه اندیشوران حوزه) طی ۲۲ سال نگاشته است. نشر آن از سال ۱۳۶۶ آغاز شد و در سال ۱۳۹۸ش دوره کامل آن رونمایی گردید. او خود در توصیفی کلی نسبت به روش این تفسیر گفته که تفسیری اجتهادی است و در آن از تفسیر قرآن به قرآن، تدبر در آیات و اقوال مفسران و روایات استفاده شده است (بی‌نام، خبرگزاری رسا، ۱۳۹۸).

شیوه مؤلف در نگارش متن تفسیر بدین‌گونه است که نخست متن یک یا چند آیه هم موضوع را آورده و به فارسی ترجمه می‌کند؛ آن‌گاه نکات ادبی مربوط به آن آیه یا آیات را به طور مستقل بیان می‌کند و طی آن به شرح و توضیح واژه‌های مشکل و بیان اعراب بعضی از کلمات و جملات می‌پردازد. پس از آن وارد تفسیر آیات شده، مطالبی را که برای توضیح آیه لازم می‌داند بیان می‌کند و اگر شأن نزولی بوده که در فهم آیه تأثیر دارد آن را نیز می‌آورد (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۷).

اثر مهم دیگر او «تفسیر آیات مشکل قرآن» است که در سال ۱۳۹۴ در یک جلد به زبان فارسی منتشر شده و در آن ۳۵ آیه مشکل را مشروحاً بحث و بررسی تفسیر شده و به شبهات ممکن در هر مورد پاسخ داده است.

سید احمد خاتمی (تولد: ۱۳۳۹)

ایشان در سمنان متولد شده و سال ۱۳۵۱ تحصیل علوم اسلامی را در حوزه سمنان آغاز کرده و در سال ۱۳۵۴ به حوزه علمیة قم هجرت کرده است. وی در تفسیر شاگرد آیت‌الله مشکینی و آیت‌الله خزعلی بوده است (صفحه شخصی ایشان در پایگاه اندیشوران حوزه؛ خاتمی، قنبری، ۱۳۸۳). از ایشان کتاب‌های «سیمای نفاق در قرآن»، «هدیریت در قرآن و حدیث»، «بعاد جنگ در قرآن و حدیث» و «شایعه از نظر قرآن و حدیث» با سبک تفسیر موضوعی منتشر شده (ر.ک: پایگاه اینترنتی ویکی فقه، مدخل سید احمد خاتمی)، اما مهم‌ترین فعالیت تفسیری ایشان، برگزاری کلاس تفسیر قرآن به صورت مستمر از سال ۱۳۶۷ تاکنون (آرشیو صوتی کلاس‌ها تا سال ۱۴۰۱ش در پایگاه اینترنتی eshia.ir در دسترس است) در مدرسه فیضیه قم برقرار بوده (پایگاه رسمی جامعه مدرسین حوزه علمیة قم) و علاوه بر مباحث موضوعی فوق موفق به تفسیر جزء سی‌ام و هفت جزء اول قرآن شده و مشغول تفسیر جزء هشتم (سوره انعام) است (ر.ک: پایگاه اینترنتی ویکی فقه، مدخل سید احمد خاتمی). صوت تمامی این درس‌ها به صورت ضبط شده موجود است (صفحه شخصی ایشان در پایگاه اندیشوران حوزه).

سید محمد مهدی میرباقری (تولد: ۱۳۴۰)

ایشان در قم متولد شده و در حوزه علمیّه قم مشغول به تحصیل و سپس تحقیق و تدریس بوده است (صفحه شخصی ایشان در پایگاه اندیشوران حوزه). از آثار قرآنی وی، کتاب «**ناملات قرآنی در پرتو معارف اهل بیت**» است که در تفسیر ترتیبی برخی سوره‌های قرآن است. تاکنون پنج جلد از این کتاب منتشر شده و مباحث مطرح شده در هر جلد به شرح زیر است: جلد اول: مقام بسم‌الله و تفسیر سوره کافرون؛ جلد دوم: تفسیر سوره‌های عصر، تکوین و همزه؛ جلد سوم: تفسیر سوره‌های فیل، ایلاف، انسان، کوثر و فجر؛ جلد چهارم: تفسیر سوره‌های ضحی و انشراح؛ جلد پنجم: تفسیر سوره‌های فلق، ناس، مسد و نصر. بررسی کلی محتوای این کتاب نشان می‌دهد میرباقری تلاش کرده تا در گفتارهای تفسیری خود، بعد از تبیین چارچوب کلی سوره‌ها مبتنی بر نگاه علامه طباطبائی و بزرگان دیگر، با تکیه بر معارف اهل بیت و روایات تفسیری، طرح کلان‌تری از پیوستار و سیر سوره‌ها و فرازهای آنها را با توجه به معنای باطنی آیات ارائه دهد. وی در این رویکرد سعی کرده تا آیات در سوره‌ها بر اساس مبانی توحید و ولایت معصومین معنا و تفسیر شود و اغراض فردی و اجتماعی سوره‌ها و معانی تاریخی آن‌ها تبیین گردد.

محمدعلی رضایی اصفهانی (تولد: ۱۳۴۱)

ایشان در رهنان اصفهان متولد شد و سال ۱۳۶۱ در حوزه علمیّه اصفهان تحصیل خود را آغاز کرد و سپس در ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیّه قم گردید. او در مرکز تخصصی تفسیر حوزه هم وارد شده و نیز مدتی در دانشگاه آزاد اسلامی در رشته علوم قرآن درس خوانده است. مهم‌ترین اثری که او در تألیف و تدوین آن مشارکت داشته و حاصل تلاش و کار جمعی تعدادی از دانشوران حوزه قم است، کتاب «**تفسیر قرآن مهر**» به زبان فارسی در ۲۲ جلد است (پایگاه رسمی محمدعلی رضایی اصفهانی). به گفته ایشان ویژگی بارز این تفسیر، شیوه نوین آن در عرضه مطالب قرآنی برای استفاده بهتر آنها از سوی نسل جوان عصر حاضر است، لذا مطالب کتاب با نثری روان و رسا و به دور از اصطلاحات علمی و فنی نگارش شده است. از ویژگی‌های این کتاب به گفته تدوین‌کنندگان، این است که نکات تفسیری امام خمینی علیه السلام را از آثار ایشان جمع‌آوری کرده و به تناسب تفسیر آیات از آن‌ها را آورده است. کتاب مشتمل بر مقدمه ای در حدود ۱۲۰ صفحه است که اجمالی از مباحث علوم قرآن و مباحث مرتبط با روش فهم و مبانی تفسیر قرآن در آن بیان شده است (رضایی اصفهانی، خبرگزاری مهر، ۱۳۸۹). جلد نخست این تفسیر در سال ۱۳۸۸ منتشر گشته است. ترجمه ای از قرآن نیز از این تفسیر استخراج شده که مترجمانش آن را نخستین ترجمه جمعی قرآن می‌دانند (پایگاه رسمی دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی).

عبدالکریم بهجت‌پور (تولد: ۱۳۴۴)

ایشان در دزفول زاده شد و در سال ۱۳۶۰ تحصیل علوم اسلامی را در یکی از مدارس علمی زادگاهش آغاز کرد و

سپس برای ادامه تحصیل به تهران و بعد به حوزه علمیة قم عزیمت کرد. وی علاوه بر دروس متداول فقه و اصول، در مرکز تخصصی تفسیر حوزه نیز درس خوانده است.

ایشان معتقد به تفسیر قرآن به شیوه تنزیلی (تفسیر آیات و سوره به ترتیب نزول) است (صفحه شخصی محقق در پایگاه مگیران) و در جهت تنقیح و توسعه مباحث نظری این شیوه تلاش کرده و بر این مبنا اثری تفسیری با عنوان «همگام با وحی» تألیف و منتشر کرده است. اولین جلد این کتاب در سال ۱۳۸۶ منتشر شده (همان) و تاکنون هشت جلد از این تفسیر به چاپ رسیده است و گویا جلد نهم آن در حال نگارش است و مطابق پیش‌بینی مؤلف تفسیر سوره‌های مکی که ۸۶ سوره از سوره‌های قرآن را دربرمی‌گیرد، در ده جلد انجام شود (سلطانی، پایگاه خبرگزاری قرآنی ایکن، ۱۳۹۸). بهجت‌پور معتقد است شیوه‌ای که در تفسیر آیات بر اساس ترتیب نزول به کار گرفته، فواید متعددی دارد و در مقدمه تفسیر خود به تفصیل به این فواید پرداخته است (همان). به گفته ایشان، در تفسیر تنزیلی خوانندگان، از فضای ترتیب نزول فاصله می‌گیرند و به رویکردهای تربیتی - هدایتی قرآن توجه می‌کنند و به تفصیل بر انسجام میان بخش‌های هر سوره واقف می‌شوند. او تأکید می‌کند که در کتاب «همگام با وحی»، ضمن تفسیر آیات و سوره، به برخی شبهات کلامی - تاریخی و نظایر آن نیز توجه کرده است (بهجت‌پور، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۳۹ و ۱۴۰).

آثار دیگری که وی در جهت تبیین و تثبیت مبانی این سبک تفسیری عرضه کرده عبارت‌اند از «ساخت‌نامه تنزیلی سوره‌های قرآن کریم»، «درآمدی بر اصول تحول فرهنگی با الهام از نزول تدریجی قرآن» و «روش فرهنگ‌سازی پویش اسلامی در قرآن». از دیگر آثار قرآنی او «تفسیر فریقین؛ تاریخ، اصول و منابع»، «فوقی‌ها در قرآن» و «تحریف‌ناپذیری قرآن» است.

آثار تفسیری موضوعی یا ترتیبی فراوانی هم به شکل تک‌نگاری در سده اخیر توسط فضلا و دانش‌آموختگان حوزه علمیة قم نوشته شده است که صرفاً از باب نمونه به دو کتاب «تفسیر سوره حمد» نوشته سیدجلال‌الدین آشتیانی و تفسیر مبین تألیف سیدعلی غیوری اشاره می‌کنیم. اما گزارش این گونه آثار و معرفی نویسندگان آنها، مقاله مستقل دیگری می‌خواهد که امید است برخی پژوهشگران به نگارش آن اهتمام ورزند.

نتیجه‌گیری

بررسی تلاش‌های تفسیری عالمان حوزه علمیة قم در صد سال اخیر نشان می‌دهد که در این دوران، مفسران فاضل و برجسته‌ای در دامان حوزه علمیة قم پرورش یافته و آثار تفسیری فاخر و ارزشمند فراوانی را با رویکردها، روش‌ها و سبک‌های متفاوت و متعدد همراه با نوآوری‌ها در حوزه قم تألیف کرده‌اند.

سیر تاریخ تألیف این آثار، گویای آن است که هر چه از زمان بازتأسیس حوزه علمیة قم به انتهای سده نزدیک می‌شویم، همزمان با محکم‌تر شدن پایه‌ها و پایگاه علمی حوزه قم، روند گرایش به دانش تفسیر و فعالیت‌های علمی در این رشته از جهت گستره و عمق و کمیت و کیفیت به صورت چشمگیری افزایش می‌یابد و بعد از پیروزی

انقلاب اسلامی زمینه برای آموزش و پژوهش این رشته به نحو مناسبی فراهم شده و رشد و جهش قابل توجهی را در این باره شاهد هستیم و همچنان نیز ادامه دارد.

اما ناظر به آینده باید گفت، عظمت، عمق و کرانه‌های ناپیدای معارف قرآن از یک سو، و رشد حیرت‌انگیز یافته‌های علمی بشر در علوم و فنون مختلف و پیدایش پرسش‌های جدید بسیار درباره قرآن و برای عرضه به آن از سوی دیگر، اقتضا دارد تلاش مضاعفی در عرصه و رشته تفسیر قرآن صورت گیرد و کم و کیف این نوع از فعالیت علمی پایه و اصیل اسلامی، گسترش و عمق لازم و کافی پیدا کند و به تناسب ظهور ابزارها و تکنیک‌ها و بسترهای آموزشی و پژوهشی جدید، مراکز و مؤسسات تخصصی تفسیری نیز توسعه و ارتقا یابد. با این وصف انتظار می‌رود آینده این دانش اسلامی در عرصه دستاوردهای آموزشی و پژوهشی، بسی درخشان‌تر از گذشته آن باشد.

منابع

- استادی، رضا، ۱۳۸۹، «تفسیر اثنی‌عشری و مؤلف آن»، *آینه پژوهش*، ش ۱۲۲، ص ۳۶-۳۱.
- اشراقی، شهاب‌الدین، ۱۳۹۲، *سخن حق*، عروج، تهران.
- امین، محمدرضا، ۱۳۷۵، «اصول و مبانی تفسیر «الفرقان»»، *پژوهش‌های قرآنی*، ش ۷ و ۸، ص ۲۸۲-۳۰۵.
- انصاری قمی، ناصرالدین، ۱۳۸۸، *اختران فضیلت*، قم، دلیل ما.
- انصاریان، حسین، بی‌تا، *تفسیر حکیم*، قم، دار العرفان.
- ایازی، سیدمحمدعلی، ۱۳۷۳، *المفسرون حیاتهم و منهجهم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- _____، ۱۳۷۸، *تساخت‌نامه تفاسیر*، رشت، کتاب مبین.
- _____، ۱۳۸۴، *تفسیر قرآن مجید برگرفته از آثار امام خمینی*، تهران، عروج.
- بابایی، رضا، ۱۳۹۳، *درنگی در زندگی آثار و اندیشه‌های آیت‌الله محمد مهدی آصفی*، قم، بوستان کتاب.
- بحرینی، زینت، ۱۳۹۲، «روش تفسیری آیت‌الله صادقی تهرانی در تفسیر «الفرقان» و توضیح و تبیین ایشان پیرامون «مواقع النجوم»»، در: *مجموعه مقالات همایش بیداری قرآنی در تاریخ معاصر*، قم.
- بهجت‌پور، عبدالکریم، ۱۳۹۰، *همگام با وحی*، قم، تمهید.
- بی‌نام، ۱۳۶۴، «به یاد عالم بارخ آیت الله حاج میرزا محمد تقی تهرانی»، *کیهان فرهنگی*، ش ۱، ص ۳۴-۳۵.
- بی‌نام، ۱۳۸۶، «کتابشناسی شهید بهشتی»، *سوره اندیشه*، ش ۳۳، ص ۷۳-۸۰.
- بی‌نام، ۱۳۹۴، «تألیفات فارسی و عربی حضرت آیت‌الله العظمی دکتر محمد صادقی تهرانی»، در: *مجموعه مقالات همایش بیداری قرآنی در تاریخ معاصر*، تهران.
- بی‌نام، ۱۳۹۷، «علامه شیخ محمد کرمی»، *رایحه*، ش ۱۳۹، ص ۵۸-۷۰.
- بی‌نام، ۱۳۹۸، *آیین رونمایی از تفسیر کوثر*، خبرگزاری رسا.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت‌الله کریمی جهرمی، <https://karimijahromi.ir>
- پایگاه اطلاع‌رسانی حدیث شیعیه، <https://hadith.net>
- پایگاه اندیشوران حوزه، <https://andishvaran.ir>
- پایگاه بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید دکتر بهشتی، <https://Beheshti.org>
- پایگاه بین‌المللی همکاری‌های خبری شیعیه، <https://shafaqna.com>
- پایگاه جامع امام خمینی‌ره، <https://emam.com>
- پایگاه خبرگزاری بین‌المللی قرآن، <https://iqna.ir>
- پایگاه خبرگزاری جمهوری اسلامی، <https://irna.ir>
- پایگاه خبرگزاری رسا، <https://rasanews.ir>
- پایگاه خبرگزاری رسمی حوزه علمیّه، <https://hawzahnews.com>
- پایگاه خبرگزاری کتاب ایران، <https://ibna.ir>
- پایگاه خبری صاحب‌خبر، <https://sahebkhbar.ir>
- پایگاه دانشنامه اسلامی، <https://wiki.ahlolbait.com>
- پایگاه راسخون، <https://rasekhoon.net>
- پایگاه رسمی آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب، <https://khamenei.ir>
- پایگاه رسمی آیت‌الله محمد محمدی ری‌شهری، <https://reyshahri.ir>
- پایگاه رسمی جامعه مدرسین حوزه علمیّه قم، <https://jameehmodarresin.org>
- پایگاه رسمی حسین انصاریان، <https://erfan.ir>

پایگاه رسمی دکتر سیدیحیی یشری، <https://yasrebi.org>

پایگاه رسمی دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، <https://rezaeesfahani.com>

پایگاه مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، <https://noorsoft.org>

پایگاه مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، <https://allamehmostafavi.com>

پایگاه مرکز نشر آثار و اندیشه‌های حضرت آیت‌الله سیدعلی محمد دستغیب، <https://dastgheibqoba.info>

پایگاه مگیران بانک اطلاعات نشریات کشور، <https://magiran.com>

پایگاه مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، <https://imamsadr.ir>

پرتال امام خمینی وابسته به دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، <https://imam-khomeini.ir>

پورحمودیان، سیدضیاءالدین، ۱۴۰۲، **گفت‌وگو با خبرگزاری فارس**.

پویا، حسن و محسن قرآتی، ۱۳۷۵، «گفتگو با حجت الاسلام و المسلمین قرآتی»، **بینات**، ش ۹، ص ۱۰۸-۱۲۱.

پویا، حسن و محمدمهدی آصفی، ۱۳۷۶، «گفتگو با آیت الله محمد مهدی آصفی»، **بینات**، ش ۱۳، ص ۹۴-۱۰۷.

تقفی تهرانی، محمد، ۱۳۹۸ق، **تفسیر روان جاوید**، چ سوم، تهران، برهان.

جعفری، یعقوب، ۱۳۷۶، **تفسیر کوثر**، قم، هجرت.

جعفری، سیدمحمدمهدی، ۱۳۷۵، **دانشنامه جهان اسلام (زیر نظر غلامعلی حداد عادل)**، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی.

_____، ۱۳۸۹، **آیت‌الله طالقانی و تفسیر پرتوی از قرآن**، تهران، خانه کتاب.

حسینی شاه‌العظیمی، حسین، ۱۳۶۳، **تفسیر اثنا عشری**، تهران، میقات.

حسینی بهشتی، سیدمحمد، ۱۳۸۶، «شور شگرف حق باوری شهید بزرگوار آیه الله بهشتی قدس سره در آینه‌ی روایت خویش»، **مطالعات قرآنی**

نامه جامعه، ش ۳، ص ۳۸-۴۳.

خاتمی، احمد و وحید قنبری راد، ۱۳۸۳، «گفتگو با استاد سید احمد خاتمی»، **زال و وحی**، ش ۸، ص ۷-۱۱.

خبرگزاری موج، <https://mojnews.com>

خرمشاهی، بهاء‌الدین، ۱۳۷۷، **دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی**، تهران، دوستان - ناهید.

خزعلی، ابوالقاسم، ۱۳۷۵، «گفتگو با حضرت آیت‌الله حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی»، **بینات**، ش ۱۱، ص ۷۲-۸۹.

دانشنامه آزاد ویکی پدیا؛ متعلق به سازمان غیرانتفاعی بنیاد ویکی‌مدیا، <https://Wikipedia.org>

دانشنامه تخصصی ویکی نور، وابسته به مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، <https://wikinoor.ir>

دانشنامه ویکی‌شیعه، وابسته به مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام، <https://wikishia.net>

دانشنامه ویکی‌فقه، دانشنامه فقه و اصول و علوم حوزوی زیر نظر پژوهشکده باقر العلوم ره، <https://wikifeqh.ir>

دهقان، اکبر ۱۳۹۲، **تفسیر نسیم رحمت**، چ دوم، قم، حرم.

رجایی، طاهر، ۱۳۸۸، «روش آیت‌الله معرفت» در «التفسیر الأثری الجامع»، **پژوهشهای قرآنی**، ش ۵۹ و ۶۰، ص ۳۵۲-۳۸۲.

رستگار جویباری، یعسوب‌الدین، ۱۳۵۷، **تفسیر البصائر**، قم، المطبعة الاسلامیه.

رضایی اصفهانی، **تفسیر قرآن «مهرو» تلاشی برای فهم آیات الهی از سوی جوانان**، مصاحبه خبرگزاری مهر ۸ شهریور ۱۳۸۹.

زعفرانی‌زاده، سعید، ۱۳۷۵، **دانشنامه جهان اسلام**، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی.

سامانه جامع استاد شهید مطهری، بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مطهری، <https://motahari.ir>

سحانی، جعفر، ۱۳۸۲، «کلام اسلامی»، **پیام تسلیت**، ش ۴۵، ص ۱۲۴-۱۲۵.

سفیر سبز، پایگاه رسمی آیت‌الله زین‌العابدین قربانی، <https://safiresabz.ir>

سلطانی، محمد، ۱۳۹۸، **گزارشی از روند نگارش تفسیر همگام با وحی**، پایگاه خبرگزاری قرآنی ایکن.

شجری، رضا و الهام عربشاهی کاشی، ۱۴۰۱، «بررسی تحلیلی روش تفسیری شیخ حسن صراف‌زاده کاشانی در تفسیر الهادی الی الحق المبین».

پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ش ۲۱، ص ۲۱۹-۲۳۹.

شکوری، ابوالفضل، ۱۳۷۶، **برگ سبز، مروری بر زندگی و روش تفسیری آیت‌الله شهید سید مصطفی خمینی** ره، **بینات**، ش ۱۵، ص ۵۰-۶۷.

شهیدی صالحی، عبدالحسین، ۱۳۶۰، *تفسیر و تفاسیر شیعیه*، تهران، حکمت.

صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۹۲، «مختصری از زندگینامه آیت‌الله‌العظمی دکتر محمد صادقی تهرانی رحمه الله»، در: *مجموعه مقالات همایش*

بیداری قرآنی در تاریخ معاصر، تهران.

_____، ۱۴۰۵ق، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*، بیروت، مؤسسه الوفا.

صادقی نبوی، رقیه و فاطمه وجدی، ۱۳۸۹، «روش تفسیری «پرتوی از قرآن»»، *تاریخ معاصر ایران*، ش ۵، ص ۱۰۴-۸۵.

طالقانی، سیدمحمود، ۱۳۹۰، «من بی‌خبر از خویشم؛ زندگی‌نامه خودنوشت آیت‌الله طالقانی»، در: *همایش ابودر زمان آیت‌الله محمود*

طالقانی، تهران.

عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، ۱۳۷۷، *طبقات مفسران شیعیه*، چ دوم، قم، نوید اسلام.

علیزاده، حسین، ۱۳۹۲، «گزارشی از پیام وحی؛ نگاهی به کارنامه قرآن پژوهی و ترجمه قرآن استاد دکتر محمد صادقی ره»، در: *مجموعه مقالات*

همایش بیداری قرآنی در تاریخ معاصر، تهران.

فرزانه، محمداقبر، محمد محمدی ری شهری، ۱۳۹۸، *سخنرانی در مراسم رونمایی از تفسیر سوره برائت مقام معظم رهبری*، خراسان.

فنفور مغربی، حمید، ۱۳۷۸، «نگاهی اجمالی به روش تفسیری شهید مطهری»، *پژوهش‌های قرآنی*، ش ۱۷ و ۱۸، ص ۲۳۴-۲۵۵.

قرائتی، محسن، زندگی‌نامه خودنوشت، پایگاه مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، <https://gharaati.ir>

قربانی لاهیجی، زین‌العابدین، ۱۳۸۰، *تفسیر جامع آیات الاحکام*، چ دوم، تهران، سایه.

قرشی، سیدعلی اکبر، ۱۳۷۴، «مصاحبه با استاد سیدعلی اکبر قرشی»، *بینات*، ش ۵، ص ۹۸-۱۰۹.

کریمی حویزی، محمد، ۱۴۰۲، *التفسیر لکتاب الله المنیر*، قم، علمیه.

لسانی فشارکی، محمدعلی، ۱۳۷۶، *تفسیر روحانی*، تهران، عروج.

محقق، محمداقبر، ۱۳۷۱، «بازشناسی دانش‌های قرآنی در گفتگو با دکتر محمداقبر محقق»، *کیهان فرهنگی*، ش ۸۷، ص ۱۱۵.

مشکینی، علی و رضا استادی، ۱۳۹۲، *تفسیر روان*، قم، دارالحدیث.

مصطفوی، حسن، ۱۳۸۰، *تفسیر روئسن*، تهران، کتاب.

معرفت، حامد، ۱۴۰۳، «شخصیت‌های برجسته علوم قرآنی حوزه علمیه قم در سده اخیر، آیت‌الله محمدهادی معرفت»، در: *مجموعه مقالات*

همایش سده حوزه، قم.

معرفت، محمدهادی، ۱۳۷۹، *التفسیر و المفسرون*، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید.


یثربی، سیدیحیی، مصاحبه با استاد سیدیحیی یثربی، خبرگزاری مهر، <https://mehrnnews.com>

نوع مقاله: پژوهشی

شخصیت‌های برجسته علوم قرآنی حوزه علمیه قم در سده اخیر؛ آیت‌الله محمد‌هادی معرفت*

حامد معرفت / دکترای قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث

hamed.marefat@gmail.com

 orcid.org/0009-0003-3114-7363

دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۸ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۰

چکیده

آیت‌الله محمد‌هادی معرفت (۱۳۰۹-۱۳۸۵) از علمای شناخته شده تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیه قم در سده چهاردهم شمسی است. این مقاله با روش تحلیلی - تاریخی به بررسی شخصیت علمی ایشان در عرصه علوم قرآن می‌پردازد. یافته‌های تحقیق حاکی است که غالب فعالیت‌های علمی آیت‌الله معرفت در زمینه علوم قرآن در حوزه علمیه قم رقم خورده و به ثمر رسیده است. او دارای تالیفات متعدد قرآن‌پژوهی و صاحب موسوعه «التمهید فی علوم القرآن» است که در جهان اسلام آوازه دارد. اندیشه‌ها و پژوهش‌های علمی قرآنی آیت‌الله معرفت دارای ویژگی اساسی است: مسئله محوری، نیازآگاهی، مکتب‌گرایی، انصاف‌مداری، تقریب‌گرایی، آینده‌نگری، آزاداندیشی و نواندیشی. وی دیدگاه‌ها و نظرات تأثیرگذاری در برخی از مباحث علوم قرآن مانند جمع و تالیف قرآن، قرائات قرآن، نسخ قرآن، تاویل قرآن و صیانت قرآن از تحریف عرضه کرده است که مورد توجه و عنایت و رجوع پژوهشگران علوم اسلامی و قرآنی است. ایشان همچنین در زمینه علوم قرآن، به تربیت نسلی از فضالای جوان همت‌گماشت و زمینه‌ساز تأسیس مراکز آموزشی و پژوهشی متعدد در این رشته در قم و ایران شد.

کلیدواژه‌ها: علوم قرآن، محمد‌هادی معرفت، شخصیت‌های علوم قرآنی، قرآن‌پژوهان سده چهاردهم، حوزه علمیه قم، التمهید فی علوم القرآن.

پژوهش در باره شخصیت‌های علمی و بزرگان علوم اسلامی، علاوه بر بزرگداشت نام و یاد ایشان، تأثیرات علمی مفیدی بر سیره و منش پژوهشگران و دانش پژوهان حال و آینده دارد. زیرا، بیان زندگی نامه علمی و ویژگی‌های پژوهشی و دیدگاه‌ها و نظرات علمی خاص آن بزرگان، می‌تواند به مثابه کلاس درسی برای پژوهشگران جوان و بستر مناسبی برای تجربه آموزی آنان در جهت ورود به عرصه‌های مختلف علمی و چگونگی تحقیق در آن عرصه‌ها باشد.

مقاله حاضر با روش تحلیلی - تاریخی به شخصیت شناسی علمی مرحوم آیت‌الله محمدهادی معرفت^۱ پرداخته و تلاش می‌کند که با ترسیم شمایی کلی از حیات علمی مرحوم استاد معرفت و معرفی آثار ایشان و بیان اجمالی برخی از دیدگاه‌ها و نظرات شاخص و تأثیر گذار او در علوم قرآن، زوایای برجسته شخصیت علمی وی را در این بعد و عرصه نمایان سازد.

به لحاظ پیشینه در معرفی شخصیت علمی آیت‌الله معرفت، آثاری تاکنون نگارش شده است؛ از جمله: ویژه‌نامه مجله بینات شماره ۴۴، زمستان ۱۳۸۳؛ کتاب مجموعه مقالات معرفت قرآنی، از سوی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در پنج جلد؛ مجموعه مقالات معرفت قرآنی، از سوی دانشگاه مفید در یک جلد، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی بررسی آرای تفسیری علامه معرفت، مرکز فرهنگ و معارف قرآن وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی؛ آفتاب معرفت در یک جلد از سوی موسسه تمهید؛ مجله رایحه دو شماره ویژه نامه، سال دوم شماره ۲۰ و سال ششم شماره ۷۹.

این آثار عمدتاً ناظر به بیان دیدگاه‌های علمی ایشان هستند و کمتر به جوانب مختلف شخصیت علمی ایشان پرداخته‌اند. ما در این مقاله به معرفی شخصیت علمی آیت‌الله معرفت در بعد دانش علوم قرآن و تأثیرگذاری او از این جهت بر فضای دانشی حوزه علمیه قم طی سده اخیر می‌پردازیم.

منابع مورد استفاده برای فراهم‌آمدن این مقاله، علاوه بر آثار مکتوبی که در کتابنامه آمده است، مصاحبه‌هایی است که نویسنده با حاجیه خانم وحیبه ثقفی، همسر آیت‌الله معرفت، و آقای عبد‌الکریم بهجت‌پور، شاگرد آیت‌الله معرفت، به اضافه خاطرات مستقیم خود نویسنده از آن مرحوم است.

۱. زندگی علمی آیت‌الله معرفت

۱-۱. زندگی استاد معرفت در یک نگاه

مرحوم استاد محمدهادی معرفت، در خانواده‌ای اهل علم در سال ۱۳۰۹ شمسی مطابق با ۱۳۴۸ قمری، در کربلای معلا دیده به جهان گشود. پدرش، از علما و وعاظ مشهور کربلا بود که در سن پانزده سالگی از «سیده» اصفهان (خمینی شهر کنونی) به کربلا مهاجرت کرده بود. مادرش فرزند یکی از تجار متدین اهل رشت ساکن کربلا بود.

اجداد وی تا سه قرن همگی از سلسله جلیله روحانیت و علما بوده‌اند و نسب ایشان به شیخ عبد العالی میسی می‌رسد. وی در کربلا به تحصیل علوم ابتدایی و سپس علوم حوزوی پرداخت و پس از رحلت پدر، در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در سن ۳۱ سالگی جهت ادامه تحصیل، به حوزه علمیه نجف مهاجرت نمود. در دوران سکونت در نجف، به دلیل مشکلات مالی برای تأمین نیازهای ضروری خانواده در کنار تحصیل و تدریس، به تالیف، ویراستاری و استنساخ کتاب نیز مبادرت می‌ورزید. در سال ۱۳۵۱ شمسی، آیت‌الله معرفت با اجبار رژیم بعث عراق مجبور به ترک عراق شد و به ایران و شهر مقدس قم وارد شد و در این شهر مقدس رحل اقامت افکند و به مدت ۳۵ سال در حوزه علمیه قم به تدریس و تحقیق و تالیف پرداخت. آیت‌الله معرفت سر انجام در عصرگاه جمعه ۲۹ دیماه ۱۳۸۵ شمسی، مطابق با ۲۹ ذی الحجه ۱۴۲۷ قمری، به دلیل نارسایی‌های قلبی دیده از جهان فروبست و در کنار مضع نورانی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام آرام گرفت.

۱-۲. سیر و فعالیت‌های علمی آیت‌الله معرفت

استاد محمدهادی معرفت از سن پنج سالگی با ورود به مکتب خانه تحصیل عمومی خود را آغاز و تا سن سی سالگی موفق شد یک دوره کامل درس خارج اصول و مقدار زیادی از درس خارج فقه را نزد علمای کربلا فرا بگیرد و در سال ۱۳۴۰ شمسی، به هدف استفاده از دانش فرهیختگان علم و فقاہت، همچون آیات عظام سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی، میرزا باقر زنجانی، شیخ حسین حلی و سید علی فانی اصفهانی، به نجف مهاجرت نمود. با ورود امام خمینی علیه السلام به نجف، آیت‌الله معرفت افتخار شاگردی امام را نیز در کارنامه خود ثبت نمود.

تحصیلات تخصصی آیت‌الله معرفت در رشته فقه و اصول بوده است. او هیچ گاه در درسی با عنوان علوم قرآن شرکت نداشته است. علتش این بوده که اصولاً کرسی تدریس و یک درس رسمی تخصصی با عنوان علوم قرآن در آن زمان وجود نداشت و هر چه آیت‌الله معرفت در این زمینه کسب کرده است حاصل مطالعات و تحقیقات شخصی‌اش بر اساس داشته‌های اصولی ایشان و یا احیاناً مباحثات علمی با علما بوده است.

آیت‌الله معرفت همزمان با تحصیل در حوزه‌های کربلا و نجف، به تدریس و تحقیق علمی اهتمام ویژه داشته است. البته تدریس ایشان در موضوع فقه بود ولی به مباحث دینی به صورت عمومی از جمله علوم قرآن هم می‌پرداخت. ایشان از نخستین حوزویانی بود که با «جامعه‌التحفة» که به همت مرحوم کلانتر حدوداً در سال ۱۳۷۵ ق. تأسیس شده بود، به عنوان استاد، همکاری می‌نمود. آیه الله معرفت از همان آغاز در عرصه تالیف نیز فعال بود. وی یکی از نویسندگان ثابت برای مجله تأثیرگذار و پر مخاطب «اجوبه مسائل الدینی» بود که به همت مرحوم سیدعبدالرضا حسینی شهرستانی (وفات ۱۴۱۸ق) در کربلای معلی منتشر می‌شد و سوالات و شبهات روز آن دوران را پاسخ می‌گفت. وی آثار مستقلی مانند «تناسخ الارواح» را در کلام و «تمهید القواعد» را در فقه در همان دوران نگاشته و منتشر کرده است. بعدها هم وقتی در حوزه علمیه قم مستقر شدند در زمینه مباحث فقهی نیز تحقیقات فراوانی داشتند و سال‌ها به تدریس خارج فقه مشغول بودند و آثاری را در این زمینه

به نگارش در آوردند. وی به تقاضای برخی فرهیختگان بخشی از نظرات فقهی خود را با نام «احکام شرعی» به نگارش درآوردند.

اولین اثر آیت‌الله معرفت در مباحث علوم قرآنی مقاله‌ای با عنوان «ترجمه قرآن؛ امکان، نقد و ضرورت» به زبان عربی بود که در سال‌های حضور ایشان در عراق در کربلا منتشر شد و همین کار ظاهراً نقطه آغاز جلب شدن توجه ایشان به اهمیت مباحث علوم قرآن و تفسیر و نیاز به بحث و بررسی این گونه موضوعات در حوزه‌های علمیه بوده است که بعداً به آن اشاره خواهیم کرد.

آیت‌الله معرفت در دوران حضور در نجف در سال ۱۳۸۶ق. (مطابق با ۱۳۴۵) نگارش تفسیری تحت عنوان «التفسیر الوسیط» آغاز نمود؛ اما بعد از سه سال نگارش، با وجودی که تا آیه ۲۲۷ سوره بقره را تفسیر نموده بود، از ادامه کار منصرف شده و به سمت نگارش کتاب «التمهید فی علوم القرآن» روی آورد. دست نوشته‌های «التفسیر الوسیط» که شامل شش دفتر است، در کتابخانه ایشان محفوظ است؛ اما هیچ گاه تمایلی به نشر آن نداشت. به نظر می‌رسد، علت انصراف وی از ادامه نگارش تفسیر الوسیط آن بود که هنگام کار متوجه شد خلا بزرگی در مباحث مقدماتی تفسیر وجود دارد و مادامی که این مباحث مقدماتی که از آن به علوم قرآن یاد می‌شود، منقح نگردد، مباحث تفسیری با اشکالات و شبهات متعددی مواجه است. به همین دلیل کتاب جدید خود را «التمهید» نامید که این اسم گذاری نشانگر مقدمه بودن مباحث این کتاب برای ورود به بحث‌های تفسیری است.

آیت‌الله معرفت پس از حدود یازده سال بهره‌مندی از علمای تراز اول نجف، با کوله باری از علم و دانش، در سال ۱۳۵۱ به اجبار نجف را ترک کرده و وارد قم شد تا صفحه جدیدی از زندگی علمی وی رقم بخورد. نگارش کتاب ارزشمند **التمهید فی علوم القرآن** در نجف آغاز شده بود ولی با اخراج ایشان از نجف توسط رژیم بعثی عراق، تکمیل کتاب در قم به انجام رسید. همزمان با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ جلد سوم التمهید در قم به زیور طبع مزین گشت.

مهاجرت از نجف به قم، نقطه عطفی در زندگی علمی آیت‌الله معرفت محسوب می‌شود. وی پس از اقامت در قم به دعوت شهید آیت‌الله قدوسی (شهادت ۱۳۶۰)، تدریس علوم قرآن را برای اول بار در مدرسه حقانی قم آغاز کرد. سپس در مدرسه آیت‌الله گلپایگانی کرسی مشابهی در اختیار وی قرار گرفت. اگر نگوییم کرسی تدریس ایشان، یگانه کرسی تدریس علوم قرآن آن دوران بود، قطعاً جزو معدود کرسی‌ها در این زمینه به شمار می‌رفت و از حیث نوآوری و غنای مطالب تدریس ایشان بسیار مورد استقبال طلاب جوان قرار گرفته و منجر به تربیت نسلی از طلاب متخصص و تأثیر گذار در علوم قرآن در قم شد. وی در این کرسی‌ها، جزوه‌هایی را که برای نگارش اولیه کتاب **التمهید**، تهیه کرده بود، تدریس می‌نمود. به این واسطه کتاب **التمهید** چندین بار قبل از چاپ، مورد تدریس و گفتگوی علمی قرار گرفته و بر غنای آن افزوده شده است.

آیت‌الله معرفت در ادامه در مراکز متعدد حوزوی و دانشگاهی که خود نقش مهمی در تأسیس آنها داشت، به

تدریس مباحث علوم قرآن را ادامه داد و آثاری را جهت تدریس در این مراکز به رشته تحریر در آورد، از جمله، «تلخیص التمهید» در دو جلد جهت تدریس در حوزه، و «تاریخ قرآن» و «علوم قرآنی» جهت تدریس در دانشگاه‌ها. مجلد‌های شش گانه «التمهید فی علوم القرآن»، در سال ۱۴۱۱ق (مطابق ۱۳۶۹) توسط انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم منتشر شد. آیت‌الله معرفت در ادامه به ترتیب کتاب‌های *صیانه القرآن من التحریف و التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب* در دو جلد و *تسبها و ردود* را به رشته تحریر درآوردند که با الحاق آنها به آن شش جلد، مجموع مجلدات التمهید به ده جلد رسید.

آیت‌الله معرفت پس از فراغت از نگاش *التمهید* که بیش از ۳۰ سال از عمر علمی ایشان صرف آن گردید، از اوایل سال ۱۳۷۹ش به نگارش تفسیر روی آوردند و به تعبیری از مقدمه خارج شده و به ذی المقدمه روی آوردند. اما بجای آن که تفسیر ناتمام سابق خویش یعنی «التفسیر الوسیط» را در دستور کار قرار دهد، نگارش تفسیری کاملاً متفاوت را آغاز نمود. آخرین اثر علمی آیت‌الله معرفت، همین کتاب جدید تفسیر با عنوان «التفسیر الاثری الجامع» است که تنها جلد نخست آن در زمان حیات ایشان منتشر شد. جلد نخست شامل چندین بحث مقدمه‌اتی مهم و تفسیر سوره حمد است و در سال ۱۳۸۳ هجری شمسی انتشار یافت. آیت‌الله معرفت پنج جلد بعدی را که تا پایان سوره بقره را در بر می‌گرفت به پایان رساند، لکن نشر آن پس از رحلت ایشان و در سال ۱۳۸۷ انجام شد.

علاوه بر آثار یاد شده، آیت‌الله معرفت تألیفات دیگری نیز در زمینه علوم قرآن داشته‌اند که از جمله می‌توان به «التاویل فی مختلف المذاهب و الآراء»، «اهل البیت علیهم السلام و التفسیر»، «تناسب الآیات» و «علوم قرآنی» اشاره کرد. همچنین باید به ده‌ها مقاله علمی وی اشاره کرد که در مجلات مختلف از او منتشر شده است و مجموعه آنها در جلد دوم «معرفت قرآنی» به همت انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، و اثر دیگری با همین نام، به همت دانشگاه مفید، منتشر شده است.

۳-۱. انگیزه ورود به عرصه علوم قرآن

همان‌گونه‌که اشاره شد، تحصیلات تخصصی آیت‌الله معرفت در زمینه فقه و اصول بوده و سال‌ها در درس برجسته‌ترین اساتید این دو فن حضور فعال داشته‌اند. آیت‌الله معرفت گرچه پژوهش در عرصه فقه و اصول را هیچ‌گاه رها نکرد؛ لکن به جهت ضرورت، بخش زیادی از عمر علمی خویش را به پژوهش در عرصه علوم قرآن و تفسیر اختصاص داد.

انگیزه ایشان در ورود به عرصه علوم قرآن زمانی شکل گرفت که در هیأت تحریریه مجله «اجوبه مسائل الدینیة»، مسئولیت پاسخ به سوالات قرآنی را بر عهده گرفت. یکی از سوالات وارده این بود که آیا می‌توان ترجمه قرآن را جایگزین خود قرآن نمود یا خیر؟ معظم له برای پاسخ گویی به این سوال به کتابخانه‌های غنی نجف مراجعه می‌کند، اما با کمال شگفتی متوجه می‌شود که به جز بیان‌های تک صفحه‌ای از مرحوم کاشف الغطاء، هیچ تحقیق دیگری در این زمینه از جانب جهان تشیع به انجام نرسیده است؛ این درحالی بود که در جهان اهل سنت،

چند کتاب در همین موضوع نگاشته شده بود. این خلا باعث شد آیت‌الله معرفت مسیر علمی خود را به سمت علوم قرآنی سوق دهد تا کتابخانه‌های جهان اسلام را از آثار شیعی در علوم قرآن غنی سازد (معرفت، ۱۳۹۹).

آنچه انگیزه معظم را در ادامه مسیر تقویت می‌نمود آن بود که پژوهشگران اهل سنت، خواسته یا ناخواسته، هنگام سخن از اهل بیت علیهم‌السلام و پیروان ایشان، حق مطلب را ادا نکرده و حتی به شبهه پراکنی نیز روی آورده‌اند؛ به گونه‌ای که جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام بسیار کمتر از آنچه هست ترسیم شده و از شیعه نیز تصویری ناقص و موهن به نمایش گذاشته شده است (ذهبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳). آیت‌الله معرفت در سخنرانی که در مراسم نکوداشت خویش ایراد نمود، انگیزه قلم به دست گرفتن خود را احیاء ذکر امیر مومنان علیه‌السلام در قرآن بیان می‌کند (بی‌نام، ۱۳۸۵، ص ۱۲).

۴.۱. نقش آیت‌الله معرفت در گسترش علوم قرآن

آیت‌الله معرفت هنگامی که پژوهش در علوم قرآن را آغاز نمود، تنها بود اما به تدریج یک جریان عظیم را رقم زد و طی سی و چهار سال حضور مؤثر در قم (۱۳۵۱-۱۳۸۵) این شهر را به قطب علوم قرآنی جهان اسلام مبدل ساخت. تا پیش از نشر آثار علوم قرآنی آیت‌الله معرفت، شیعه اثر مستقل و جامع علوم قرآنی نداشت و برای به دست آوردن نظرات علوم قرآنی شیعی باید به مقدمه یا متن تفاسیری چون *التبیان* و *مجمع البیان* مراجعه می‌شد. اما آیت‌الله معرفت، مفصل‌ترین کتاب علوم قرآنی جهان اسلام را تحت عنوان *التمهید فی علوم القرآن* به رشته تحریر درآورد و با کرسی‌های تدریسی که در اختیار داشت، به ترویج این رشته پرداخت. نتیجه آن شد که، حوزه علمیه قم، هنگام رحلت معظم له، نه تنها صاحب مفصل‌ترین اثر علوم قرآنی جهان اسلام بود، بلکه هزاران اثر پژوهشی را توسط نسل جدیدی از پژوهشگران خود تولید کرده بود.

همچنین هنگام ورود آیت‌الله معرفت به حوزه قم، فقط چند درس تفسیری پراکنده، در حوزه وجود داشت. اما بعد از ورود ایشان به حوزه علمیه قم، کرسی تدریس علوم قرآن نیز بر پا شد که ثمره آن تربیت نخستین نسل متخصص و پژوهشگر علوم قرآن در حوزه علمیه قم بود.

آیت‌الله معرفت در تأسیس مراکز مختلف تخصصی علوم قرآن همراهی و همکاری موثری داشت؛ به گونه‌ای که هنگام رحلت آیت‌الله معرفت علیه‌السلام چندین مرکز تخصصی علوم قرآن و تفسیر تأسیس و به آموزش صدها قرآن پژوه مشغول شده بود و از آثار آیت‌الله معرفت به‌عنوان یکی از کانون‌های فکری خویش بهره می‌برد. می‌توان گفت پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هیچ مرکز علوم قرآنی و تفسیری در حوزه و دانشگاه تأسیس نشد مگر آن که آیت‌الله معرفت یکی از اعضای مؤثر در پیدایش و بالندگی آن به شمار می‌رفت.

گرچه برقراری جمهوری اسلامی زمینه بسیار مساعدی را جهت تأسیس مراکز علمی فراهم آورد، اما تحقق آن وابسته به حضور علمای فاضل و انقلابی چون آیت‌الله معرفت بود که به طراحی رشته‌ها، تدوین منابع و نیز تربیت اساتید توانمند اقدام نمودند.

۲. آثار مهم علوم قرآنی آیت‌الله معرفت

آثار قرآن‌پژوهی آیت‌الله معرفت متعدد و متکثر است. او بر حسب شرایط زمانه و ضرورت نیاز به موضوعات به بحث و بررسی و سپس نگارش و تألیف آنها پرداخته است که از آن میان به مهم‌ترین این آثار نظری اجمالی می‌افکنیم. **التمهید فی علوم القرآن**؛ این کتاب در ده مجلد شامل مباحث وحی و نزول قرآن، تاریخ قرآن، قرائت، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، اعجاز قرآن و ابعاد آن، مصونیت قرآن از تحریف، پاسخ به شبهات و نیز تفسیر و مفسران است.

التفسیر الاثری الجامع: این کتاب شاید نخستین تفسیر روایی جامع در نوع خود باشد که روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام و اقوال صحابه و تابعان را جمع آوری کرده و به نقد و بررسی آنها پرداخته است تا روایات صحیح از ناصحیح شناسایی شود و جایگاه واقعی روایات اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر نمایان گردد از این رهگذر کاملترین تفسیر روایی از آیات به دست آید. تاکنون از این اثر ۱۷ جلد منتشر شده است.

شبهات و ردود حول القرآن الکریم: این کتاب در پنج فصل دارد: منابع غیر الهی وحی، تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ زمانه، اختلافات و تناقضات در قرآن، عدم مطابقت قرآن با واقعیت‌های علمی، تاریخی و ادبی و شبهات مربوط به قصه‌های قرآنی. وی در این کتاب تلاش کرده تا در هر فصل به تناسب موضوعات بسیاری از شبهات روز پیرامون قرآن را جمع کرده و پاسخ گوید.

صیانه القرآن من التحریف: در این کتاب مبنا و نگاه صحیح دانشمندان شیعی پیرامون تحریف‌ناپذیری قرآن تبیین شده و ادعای برخی حشویه و اخباریان پیرامون ورود تحریف به قرآن مورد نقد قرار گرفته است.

التفسیر و المفسرون فی ثوبه القسیب: این کتاب در پاسخ به کتابی است با همین عنوان نوشته محمدحسین ذهبی مصری. در این اثر وی به بررسی علمی و غیر متعصبانه تاریخ تفسیر و روش‌های مختلف تفسیری می‌پردازد و از حق اهل بیت علیهم‌السلام و شیعه در تفسیر قرآن در برابر تعصبات و نسبت‌های ناروای ذهبی به ساحت تشیع، دفاع می‌کند.

التاویل فی مختلف المذاهب و الآراء: در این کتاب نظریه جدیدی در باب تاویل عرضه شده و آیت‌الله معرفت معتقد است که تاویل قرآن دست‌یابی به مفهوم عامی است که از آیه به دست می‌آید. (ر.ک: ادامه مقاله).

علاوه بر این‌ها، از ایشان آثار دیگری چون علوم قرآنی، تاریخ قرآن، قرآن و فرهنگ زمانه، تناسب آیات و غیره منتشر شده که نوعاً برگرفته از آثار اصلی وی است.

۳. ویژگی‌های آثار علوم قرآنی آیت‌الله معرفت

از بررسی آثار علمی قرآنی آیت‌الله معرفت می‌توان به ابعاد و عمق اندیشه او بیشتر پی برد و از خلال آن شخصیت ایشان را بهتر می‌توان شناخت. نوع آثار ایشان دارای ویژگی‌های خاصی است که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود:

۳-۱. مسئله‌محوری

مراد از مسئله‌محوری آن است که هر یک از آثار آیت‌الله معرفت در پاسخ به یک مسئله خاصی نگاشته شده است.

به عبارت دیگر، آیت‌الله معرفت بازپژوهنده در موضوعات علمی نبود بلکه پاسخگو به سوالات پاسخ داده نشده و مشکلات حل نشده بود. همان گونه که گذشت، اساساً انگیزه ورود معظم له به عرصه علوم قرآن پاسخ به سوالاتی بود که نسبت به قرآن مطرح شده و بی پاسخ مانده بود. اصلی‌ترین اثر آیت‌الله معرفت یعنی کتاب *التمهید* در پاسخ به این سوال نگاشته شده است که «در مسائل مختلف علوم قرآن دیدگاه صحیح مطابق با اندیشه اهل بیت علیهم‌السلام کدام است؟».

عناوین برخی پژوهش‌های قرآنی آیت‌الله معرفت، مانند «شبهات و ردود»، «صیانه القرآن من التحریف»، «اهل البيت و القرآن»، «صحابه از منظر اهل بیت علیهم‌السلام»، «تنزیه الانبیاء» و... خود گویای مسئله‌محور بودن این آثار است.

۳-۲. نیاز آگاهی

مراد از این عنوان آن است که آیت‌الله معرفت در میان مسائل مختلف تنها به مسائلی توجه می‌نمود که از ضرورت و اهمیت بیشتری برخوردار بود و نیاز روز محافل علمی به شمار می‌رفت. به عنوان مثال، کتاب *التمهید* با وجود این که از لحاظ حجم چند برابر کتاب *الاتقان* سیوطی می‌باشد، اما تعداد مسائل مطرح شده در *التمهید* شامل شانزده عنوان اصلی بوده و کتاب *الاتقان* ۸۰ عنوان را مطرح نموده است. بخشی از این اختلاف به دلیل کلی بودن عناوین کتاب *التمهید* است که هر عنوان آن چند عنوان *الاتقان* را در بر می‌گیرد. (مانند مبحث تاریخ قرآن که بسیاری از مباحث جزئی موجود در *الاتقان* مانند آغاز نزول، پایان نزول، مکی و مدنی و امثال آن را در بر می‌گیرد). اما مطمئناً بخش زیادی از این اختلاف، وجود مباحثی است که در *الاتقان* وجود داشته ولی در *التمهید* صرف‌نظر شده است. مانند مباحث مختلف تجویدی که هشت نوع (فصل) *الاتقان* را به خود اختصاص داده (سیوطی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، نوع ۲۸ الی نوع ۳۵) اما در *التمهید* وجود ندارد. از جهت دیگر، برخی فصول مشترک بین *الاتقان* و *التمهید* وجود دارد که حجم پردازش آن در *التمهید* بسیار بیشتر است. به عنوان مثال ناسخ و منسوخ در *الاتقان* تنها در حدود پانزده صفحه مطرح شده است (سیوطی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۶۴۷-۶۵۹) اما در *التمهید*، به حدود ۱۵۰ صفحه می‌رسد (معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۶۷ الی ۴۱۲). همچنین مسئله اعجاز در *الاتقان* در بیست صفحه مطرح شده (سیوطی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۳۸ الی ۲۵۸) اما در *التمهید* سه جلد چهارم و پنجم و ششم را به طور کامل به خود اختصاص داده است. این بدان معناست که آیت‌الله معرفت در بین مسائل مختلف، گزینش کرده و آنچه را که لازم و ضروری پنداشته است با تفصیل کامل مورد بحث گذاشته است. علت دیگر تفاوت حجم در آن است که سیوطی غالباً به جمع‌آوری و گزارش آنچه دیگران گفته‌اند، بسنده کرده است؛ اما آیت‌الله معرفت، علاوه بر گزارش، به نقد و بررسی و داوری و ارائه نظر جدید نیز پرداخته است.

۳-۳. مکتب مداری

یکی دیگر از ویژگی‌های آثار آیت‌الله معرفت، اهتمام به تقویت مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است. بدان معنا که مکتب اصیل

و استوار اهل بیت علیهم‌السلام همواره در کانون اندیشه آیت‌الله معرفت جایگاه ویژه‌ای داشته و هیچ سطری مرقوم نمود مگر آنکه در راستای تثبیت و تقویت و ترویج مکتب اهل بیت علیهم‌السلام باشد.

به عنوان مثال، هنگامی که از مفسران اصلی از صحابه یاد می‌کند، نام چهار تن را ذکر می‌کند و بیان می‌دارد که پنجمی ندارند: *امیر مومنان علی علیه‌السلام، ابن عباس، ابن مسعود، و ابی‌بن‌کعب*. وی از جهتی با استفاده از اسناد مورد پذیرش اهل سنت، جایگاه ویژه و برتر امیر مومنان علیه‌السلام را تقریر و تثبیت نموده و از جهت دیگر سه مفسر دیگر را به نحوی معرفی می‌نماید که جایگاه شاگردی و ارادت آنها نسبت به امیر مومنان علیه‌السلام به روشنی نمایان گردد. (معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۶۴-۹۴) آیت‌الله معرفت همچنین تلاش می‌کند در جای جای آثار خویش، نقش بی بدیل پیروان اهل بیت علیهم‌السلام را در امر قرآن و علوم مربوط به آن نمایان سازد (معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۳۳ و همو، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۲۶۹).

همچنین در کتاب «التاویل» ذیل آیه شریفه «رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ» (قصص: ۲۴)، از ادب والای حضرت موسی علیه‌السلام سخن گفته و سپس به ادب حضرت ابراهیم علیه‌السلام اشاره می‌کند که هنگام به آتش افکنده شدن دست حاجت حتی به سوی جبرائیل هم دراز نمی‌کند. آیت‌الله معرفت همه این‌ها را مقدمه قرار می‌دهد تا جایگاه رفیع امام حسین علیه‌السلام را به نمایش گذارد. آنگاه که در ادامه می‌نویسد: «اما امام حسین علیه‌السلام در روز عاشورا هرچه سختی بیشتر بر او فشار می‌آورد، اشراقات چهره نورانی اش بیشتر می‌شد، در حالی که به رحمت خدا مسرور بود و این جمله را تکرار می‌کرد که «هُونَ عَلَيَّ مَا نَزَلَ بِي، إِنَّهُ بَعِينُ اللَّهِ» (ابن طاووس، ۱۳۴۸، ص ۱۱۷) (معرفت، ۱۴۲۷ق، ص ۶۸۶۷).

آیت‌الله معرفت در همین راستا به دنبال آن است که نشان دهد، مفسران به نام جهان اسلام حتی با مذاهب غیر شیعی، همواره سر سفره اهل بیت علیهم‌السلام بوده و خود را وامدار حضرات می‌دانند. به‌عنوان مثال، در کتاب *تفسیر و مفسران*، که در واکنش به کتابی با همین نام از «محمد حسین ذهبی» نوشته است، هنگام معرفی تفسیر «مفاتیح الغیب» نوشته مفسر معروف اهل سنت، «فخر رازی»، یک تیتیر تحت عنوان «عنایت او به اهل بیت علیهم‌السلام» اضافه می‌کند. این تیتیر در اثر ذهبی وجود ندارد. آیت‌الله معرفت بدین ترتیب اولاً نشان می‌دهد که کار ذهبی در معرفی این تفسیر ناقص بوده و ثانیاً، به صورت مستدل توجه ویژه فخر رازی به اهل بیت علیهم‌السلام را نمایان می‌سازد و بخشهایی از کتاب وی را نقل مستقیم می‌کند. به‌عنوان مثال از او نقل می‌کند که: «هرکس که در دینش از علی بن ابی طالب پیروی کند مسلماً هدایت شده است و دلیل آن، این حدیث پیامبر است که فرمود: «اللَّهُمَّ أَدْرِ الْحَقَّ مَعَ عَلِيِّ حَيْثُ دَارَ»... کسی که در دینش او را به‌عنوان امام و پیشوای خویش برگزیند بر دستاویز محکمی - در دین - چنگ زده است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۸۹)». (معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۷۵-۲۷۶).

در کتاب «التفسیر الاثری» نیز گرچه به ظاهر، روایات اهل بیت علیهم‌السلام بی هیچ اولویتی در کنار روایات غیر اهل بیت علیهم‌السلام قرار گرفته است؛ لکن اتخاذ این منهج را وسیله‌ای جهت تبلیغ روایات اهل بیت علیهم‌السلام در جهان اسلام و نیز

نمایان ساختن برتری‌های این روایات و پاسخ به شبهات مطرح شده نسبت به روایات اهل بیت علیهم‌السلام قرار داده است. به‌عنوان مثال، ذیل آیه شریفه «اهدنا الصراط المستقیم» دو دسته روایت نقل می‌کند، دسته اول، مصداق آیه را امیر مومنان علیه‌السلام معرفی کرده و دسته دیگر، خلفا را مصداق آیه معرفی می‌کند. آیت‌الله معرفت بعد از ذکر تفصیلی روایات دسته اول از منابع شیعی و سنی (۲۰ روایت)، روایت دسته دوم (یک روایت) را با این تعبیر معنا دار عرضه می‌کند: «با وجود این روایات فراوان که شیعه و سنی به اتفاق نظر آن را نقل کرده‌اند، از ابو‌العالیه روایت شده است که...» و بعد روایت را ذکر می‌کند. سپس با تعبیر «شاید اصل این روایت چیز دیگری بوده» و به روایت مشابهی که تصریحی به نام خلفا ندارد (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۳۸۹). به صورت غیر مستقیم اشاره می‌کند که ابوالعالیه روایتی عام را با اجتهاد خویش بر خلفا تطبیق نموده است.

همچنین ذیل آیه «فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ» (بقره: ۳۷)، روایات متعددی از طریق شیعه و سنی نقل می‌کند که مصداق کلمات، پنج تن آل عبا علیهم‌السلام بوده‌اند. سپس به این شبهه می‌پردازد که چگونه آدم به این ذوات مقدسه توسل جسته قبل از آنکه خلق شوند؟ آنگاه چند پاسخ می‌دهد: نخست صحت اسناد روایات همان گونه که حاکم نیشابوری آن را صحیح دانسته است. دوم، روایاتی که خلق این ذوات مقدسه را پیش از خلق آدم علیه‌السلام می‌داند، سوم، چه‌بسا تعلیم اسامی اهل بیت علیهم‌السلام جزء اسمائی باشد که خدا هنگام خلقت حضرت آدم به او آموخته است: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره: ۳۱). آیت‌الله معرفت در پایان، در پاسخ به شبهه افکنانی که مقام و منزلت اهل بیت علیهم‌السلام را نادیده می‌گیرند، متذکر می‌شود: «آیا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، اهل بیت علیهم‌السلام را واجد جایگاه بزرگ در بارگاه خدا و دارای وجوه مقبول نزد خدا ندید و بوسیله ایشان به مباحله اهل نجران نرفت؟ پس هیچ بعدی ندارد که آدم نیز با اطلاع از جایگاه رفیع ایشان، به آنها متوسل شده باشد (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۵۰۹-۵۱۰).

اهتمام و عنایت آیت‌الله معرفت به حرکت در چارچوب مکتب اهل بیت علیهم‌السلام سبب شد که برای او، هیچ چیز جز مکتب حق، اصالت نداشته باشد. به همین دلیل آیت‌الله معرفت در برخی موارد با هم مکتبی‌های خویش که بر خلاف مصالح مکتب قلم رانده‌اند، درگیر شده است. اوج این درگیری را می‌توان در کتاب «صیانه القرآن من التحریف» مشاهده کرد. در برخی سطور این کتاب، قلم آیت‌الله معرفت، بر خلاف مشی همیشگی‌اش، تند شده و یکی دو نفر از علمای شیعه اخباری را که در مسئله عدم تحریف قرآن، قلم لغزنده‌اند، با حفظ تقوای قلم، مورد نکوهش قرار داده است (معرفت، ۱۴۲۸ق، ص ۱۷۱). این رفتار نشان می‌دهد در قلم آیت‌الله معرفت، حفظ مکتب حق و صیانت از آن، مقدم از حفظ جایگاه برخی افراد منسوب به آن مکتب است.

۳-۴. وسعت دید، انصاف علمی و تقریب‌گرایی

آیت‌الله معرفت همواره تأکید داشت که آثار خود را نه صرفاً برای قانع‌سازی شاگردان و اطرافیان خویش، بلکه با دیدی کلی نگر، برای جهان اسلام به رشته تحریر در آورد. جمله «من این کتاب را برای مصر نگاشته‌ام» که آیت‌الله معرفت در جمع شاگردان و دوستان در وصف تفسیر جامع اثری بیان می‌فرمود، شاهد بر مدعاست و البته بر

سایر آثار ایشان نیز قابل انطباق است. این ویژگی، تقریباً در همه آثار و ادبیات آیت‌الله معرفت کاملاً مشهود است. ایشان گرچه به‌عنوان یک شیعی و مدافع اندیشه اهل بیت قلم رانده است و این موضوع بر خواننده آثار معظم له پنهان نمی‌ماند؛ اما در عین حال هرگز قلم ایشان از وزانت و انصاف علمی خارج نشده و رنگ تعصب مذهبی بی‌مورد به خود نگرفته است.

آیت‌الله معرفت، از بزرگان و دانشمندان اهل سنت به نیکی یاد می‌کند و اگر به سخن قابل قبولی برسد، از آن سخن به شایستگی و کرامت استقبال می‌نماید. به‌عنوان مثال می‌توان از سید قطب، مفسر و مصلح اجتماعی معاصر مصری یاد کرد. آیت‌الله معرفت اندیشه وی را بسیار می‌پسندید و در آثار خویش بارها قلم را به دست او داده است (معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۳؛ همو، ج ۵، ص ۱۱، ص ۲۳، ص ۳۳، ص ۱۶۰، ص ۲۲۵، ص ۴۱۴ و...).

یکی دیگر از تأثیرات این وسعت نگرش در آثار آیت‌الله معرفت آن است که هرگز اصول مهم دینی و اسلامی را فدای تعصبات بی‌مورد مذهبی نمی‌نماید. توضیح آنکه گاه دیده می‌شود، برخی اخباری‌های افراطی حاضر شده‌اند برای اثبات جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام، جایگاه قرآن را زیر سوال ببرند، غافل از آنکه با زیر سوال رفتن قرآن، اصل اسلام و تشیع نیز زیر سوال خواهد رفت. آیت‌الله معرفت در این زمینه موضع‌گیری بسیار محکم و استواری دارند و در کتاب *التمهید و کتاب صیانة القرآن من التحریف*، حفظ قرآن از هر گونه کم و زیادی را اثبات نموده است. بدین ترتیب در آثار ایشان هم قداست قرآن حفظ شده و هم جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام تنقیح و تثبیت شده است.

یکی از ویژگی‌های مهم اندیشه و آثار آیت‌الله معرفت که برآمده از ویژگی وسعت دید و نگرش علمی وی می‌باشد، گرایش تقریبی ایشان است. بدان معنا که همواره تلاش می‌کرد تا حد امکان میان فرق مختلف ائتلاف ایجاد کرده و اختلافات را به نحوی توجیه نماید که مرضی همه اطراف باشد. تفسیر اثری جامع نمونه بارزی از نگاه و تمایل تقریبی آیت‌الله معرفت است که طی آن روایات فریقین را بدون هیچ‌گونه تفاضل ظاهری کنار هم قرار داده و تلاش می‌کند تا حد امکان میان روایات هماهنگی و تناسب ایجاد نماید و تفسیری ارائه دهد که تا حد زیادی برآیند همه روایات باشد. خواننده تفسیر اثری به روشنی در می‌یابد که گرچه میان فریقین اختلافاتی وجود دارد؛ اما وجوه اشتراک به مراتب بیشتر از وجوه افتراق است. نمونه این مطلب در تفسیر اثری هنگام تفسیر بسمله، کاملاً مشهود است. روایات متعددی از فریقین وارد شده که بسمله را جزئی از سوره حمد معرفی می‌کند و همچنین تصریح دارند که در ابتدای نزول همه سوره‌های قرآن، به جز برائت، بسمله تکرار شده است (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۳۱۷-۳۲۴). اما باید دانست که هماهنگی، صرفاً به معنای تکرار عین یک مطلب در روایات دو مذهب نیست، آنگونه که در مثال فوق گذشت؛ بلکه هماهنگی در روایات به ظاهر مختلف نیز قابل تصور است. به‌عنوان مثال، ذیل فراز «یومنون بالغیب» (بقره: ۳)، روایات شیعه و سنی، مصادیق بسیار مختلف و متنوعی را از غیب ذکر می‌کنند؛ لکن این تنوع از باب بیان مصادیق مختلف برای یک مفهوم کلی واحد قابل توجیه است. به عبارت دیگر، نه تنها مخالفتی بین روایات نیست؛ بلکه به نوعی تکمیل‌کننده یگدیگر نیز می‌باشند. آیت‌الله معرفت در جمع روایات به لزوم ایمان به مطلق غیب (که بر

مصادیق مختلف قابل انطباق است) اشاره کرده (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۱۰۲) و به «جری و تطبیقی» بودن برخی روایات تصریح می‌نماید (همان، ص ۱۰۴) و بدین ترتیب هماهنگی بین روایات را نشان می‌دهد.

۳-۵. آزاد اندیشی و نواندیشی

یکی دیگر از ویژگی‌های آیت‌الله معرفت، آزاد اندیش بودن ایشان است. ایشان هرگز خود را در حصار مشهورات و مقبولات عمومی نمی‌دید و هر جا که احساس می‌کرد، جریان عمومی بر خلاف واقعیت است، از آن فاصله گرفته و مسیر صحیح را ترجیح می‌داد. نتیجه این روش، آن بود که در آثار آیت‌الله معرفت، نظرات نو و بدیعی مشاهده شود. از جمله می‌توان به مسئله نسخ اشاره کرد؛ آیت‌الله معرفت در مسئله نسخ، در ابتدا از دیدگاه مشهور تبعیت نمود جهت اطلاع از دیدگاه اولیه آیت‌الله معرفت (معرفت، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۶۷)، اما بعد از سالها تأمل و تفکر، متوجه شد مسئله نسخ آن گونه که در لسان مشهور مطرح می‌باشد، نیست؛ یعنی نمی‌توان پذیرفت که برخی آیات قرآن تاریخ مصرفی بسیار کوتاه مدت داشته باشند و برای همیشه تاریخ نسخ شده باشند. به همین دلیل، دیدگاه جدیدی برگزیده و نسخ مطابق اصطلاح مشهور را انکار و نظریه نسخ مشروط و تدریجی را مطرح می‌نمایند (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۲۶۳). در ادامه، توضیح این دو اصطلاح خواهد آمد.

یکی از نمودهای آزاد اندیشی آیت‌الله معرفت را می‌توان در دیدگاه ایشان در باره صحابه مشاهده کرد. آراء و نظرات صحابه در میان بسیاری از پژوهشگران، جایگاهی مشابه سایر مفسران دارد (بابایی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۸۸). اما آیت‌الله معرفت صحابه را اولین نسل از مسلمانان می‌داند که مستقیماً توسط پیامبر ﷺ تربیت یافته و در متن نزول آیات قرآن حضور داشتند و آشناترین نسل به ظرائف زبان عربی اصیل بودند. لذا نباید نظرات آنان را با دیگر مفسران یکسان دانست؛ بلکه بایستی جایگاهی بالاتر به آنها اختصاص داد. (معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۷۹؛ همو، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۹۸) این مهم، در کنار اندیشه تقریبی و جهانی‌نگری، باعث شد که آیت‌الله معرفت در آثار خود اعم از علوم قرآنی و تفسیر، توجه بسیار زیادی به اقوال صحابه داشته باشند و از این حیث شاید بتوان گفت، آیت‌الله معرفت یکی از پرمراجعه‌کننده‌ترین مفسران شیعی، در مراجعه به نظرات صحابه است.

هرچند آیت‌الله معرفت جایگاه بی‌بدیلی برای صحابه نسبت به دیگر مفسران قائل است، اما راه افراط را نیز در این زمینه مسدود نموده و تصریح دارد که اولاً، همه صحابه چنین جایگاهی نداشته و فقط عده خاصی از اطرافیان پیامبر شایسته عنوان صحابی، به معنای واقعی کلمه هستند (معرفت، ۱۳۸۷، ص ۱۷). ثانیاً صحابه با وجود برتری، مجتهدانی بودند که گاه خطا می‌کردند و هرگز نباید اقوال صحابه را در حکم روایات معصوم دانست (همو، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۲۲ و ۳۰۷؛ همو، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۹۸؛ همو، ۱۳۸۷، ص ۱-۱۰۰).

بدین ترتیب آیت‌الله معرفت راهی میانه را در پیش گرفته که از طرفی به بهره‌مندی از نظرات با ارزش صحابه منجر شده و از طرف دیگر، مسیر قداست‌آفرینی بی‌مورد نسبت به صحابه و تعمیم صلاحیت‌های خاص برخی صحابه به سایر صحابه، مسدود گردد.

۴. نظرات شاخص و تأثیرگذار آیت‌الله معرفت در علوم قرآن

آیت‌الله معرفت، دانشمندی متفکر و نوآور بود و از مسئله‌ای نمی‌گذشت مگر آنکه آن را تحلیل کرده و در صورت نیاز تکمیل یا اصلاح یا رد نماید. در نتیجه آثار آیت‌الله معرفت سرشار از مباحث نو و قابل توجه می‌باشد. در ادامه به برخی از آنها در حوزه علوم قرآن اشاره می‌شود.

۴-۱. مسئله جمع و تالیف قرآن و توحید مصاحف

آیت‌الله معرفت در مسئله جمع و تالیف قرآن معتقد است که نگارش و جمع قرآن در زمان حیات پیامبر ﷺ محقق شد؛ اما تالیف قرآن به معنای قرار گرفتن کل قرآن بین الدفتین، پس از رحلت پیامبر ﷺ به انجام رسیده است (معرفت، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۸۵). مشهور اهل سنت معتقدند این مهم زیر نظر خلیفه اول و دوم و به دست زیدبن ثابت به انجام رسیده است (زرقانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۴۲)؛ آیت‌الله معرفت ﷺ اولین تالیف را به امیر مومنان ﷺ منسوب دانسته (معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۹۲) و باز هم بر خلاف نظر مشهور اهل سنت (زرقانی، مناهل العرفان، ج ۱، ص ۲۴۶)، جایگاه ویژه و برتری خاصی برای مصحف خلیفه اول در مقایسه با مصاحف دیگر صحابه قائل نمی‌شود (معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۰۶-۲۰۵). آیت‌الله معرفت همچنین اثبات می‌کند توحید مصاحف در زمان خلیفه سوم، بر اساس مشورت و همکاری کثیری از صحابه پیامبر ﷺ رخ داده و یگانه مرجعیت نسخه زیدبن ثابت را (زرقانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۵۰) زیر سوال می‌برد (معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۳۶).

تقریری که آیت‌الله معرفت در مسئله جمع و تدوین و توحید مصاحف دارد؛ از طرفی سازگاری بالایی با گزارش‌های تاریخی داشته و از طرف دیگر، صیانت قرآن را از تحریف و دگرگونی ضامن شده و از طرف سوم، از هر گونه فضیلت‌سازی بی مورد برای افراد، مبرا می‌باشد و از جهت چهارم، برخی نواقص و ضعف‌ها را در مسئله جمع قرآن که ناشی از کنار گذاشتن مصحف حضرت امیر مومنان ﷺ بوده مطرح می‌سازد (معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۴۳) و البته آن را به معنای تحریف قرآن نمی‌داند.

۴-۲. مسئله قرائات

آیت‌الله معرفت در مسئله قرائات همانند غالب اندیشمندان شیعی، معتقد است قرآن یک قرائت بیشتر نداشته و اختلاف قرائات برآمده از جانب قاریان است. از نظر آیت‌الله معرفت، هیچ یک از قرائات هفت گانه یا بیشتر تواتر نداشته و تواتر قرآن - که امری مسلم است - ارتباطی با تواتر قرائات ندارد (معرفت، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۴۳).

۴-۳. مسئله نسخ

یکی از شاخص‌ترین نظریات آیت‌الله معرفت در علوم قرآن، نظریه «نسخ مشروط» می‌باشد (معرفت، التمهید، ج ۲، ص ۲۸۵). نسخ مشروط بدان معناست که آیات منسوخ به دلیل تغییر شرایط، منسوخ شده‌اند و در صورت بازگشت شرایط به حالت سابق، آن آیات منسوخ نیز مجدداً اعتبار یافته و ملاک عمل خواهند شد.

آیت‌الله معرفت نوع دیگری از نسخ را نیز تحت عنوان نسخ تدریجی یا نسخ تمهیدی معرفی می‌کند (معرفت، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۸۵)؛ نسخ تدریجی بدان معناست که برای تغییر و تحول برخی مسائل اجتماعی، باید گام به گام پیش رفت و یکباره نمی‌توان بر خلاف مقبولات جامعه حکمی صادر کرد. نسخ تدریجی بدان معناست که خداوند در این گونه مسائل، گام به گام پیش رفته و ابتدا حکمی موقت که قابلیت پذیرش از جانب جامعه را دارد مطرح می‌نماید؛ اما طی صدور برخی احکام تکمیلی برنامه ریزی شده، شرایط را به گونه‌ای رقم می‌زند که خود جامعه آرام آرام به سمت حکم نهایی و صحیح پیش بروند. مانند گام‌های تشریح در مسئله شراب خواری.

نسخ مشروط و تدریجی در صورتی که توسط اصلاح‌گران اجتماعی مورد واكوی قرار گیرد، بهترین الگو و روش برای تغییر و تحولات اجتماعی را به دست خواهد داد.

۴-۵. مسئله تاویل

یکی دیگر از نوآوری‌های شاخص آیت‌الله معرفت در علوم قرآن، مربوط به مسئله تاویل و بطن آیات است. آیت‌الله معرفت معتقد است تاویل به معنای به دست آوردن مفهوم کلی آیات است که بر مصادیق مختلف قابل انطباق است و از آن با عنوان بطن آیه نیز یاد می‌شود (معرفت، ۱۴۲۷ق، کل کتاب؛ همو، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۲۹، معرفت، ۱۳۹۵، ص ۳۵).

ایشان مفهوم باطنی آیه را از مدلولات لفظ آیه می‌داند که به دلالت التزامی غیر بین بر آن دلالت دارد. آیت‌الله معرفت روش دستیابی به باطن آیات را نیز تقریر کرده‌اند که خلاصه آن شناسایی خصوصیات موضوع و زدودن خصوصیات غیر دخیل در حکم و در نهایت رسیدن به مفهوم کلی می‌باشد.

نظریه بطن آیت‌الله معرفت، توجیهی منطقی، عرفی و اصولی از روایات باطنی رسیده از اهل بیت علیهم‌السلام را فراهم می‌کند که همواره محل شبهه و طعن پژوهشگران اهل سنت بوده و این گونه تاویلات را تحمیل بر قرآن دانسته و همتراز تاویلات صوفیانه قلمداد کرده‌اند.

۴-۶. مسئله تحریف

آیت‌الله معرفت در مسئله تحریف قرآن گذشته از تبیین ادله نفی تحریف قرآن و نقد ادله تحریف‌نما، بر دو مسئله تأکید ویژه دارند: نخست، تبرئه علمای به نام شیعه، از اتهام اعتقاد به تحریف قرآن (معرفت، صیانه القرآن من التحریف، ص ۵۵). دوم، توجیه روایات متعددی که این همانی میان وقایع امم سابقه و امت اسلام را می‌رساند و بیان می‌دارد که هر آنچه در میان بنی اسرائیل رخ داد، از جمله تحریف کتاب مقدس، عیناً و قطعاً در امت اسلام نیز رخ خواهد داد (معرفت، ۱۴۲۸ق، ص ۱۰۷).

علمای شیعه عموماً پاسخ به این شبهه را به صورت کبروی داده‌اند و تأکید کرده‌اند که این همانی، به معنای تطابق کامل و همه جانبه نیست؛ در این بین آیت‌الله معرفت در دیدگاهی خاص، شبهه را به صورت صغروی پاسخ داده و اصل تحریف تورات را مورد مناقشه قرار داده‌اند (معرفت، ۱۴۲۸ق، ص ۱۰۷).

توضیح آنکه به باور آیت‌الله معرفت، مشکلی که برای تورات رخ داده است، صرفاً از نوع تغییر و حذف و اضافه نبوده است؛ بلکه تورات چندین بار و به زبانهای مختلف بازنویسی شده است و طی این بازنویسی‌ها و تغییر زبان‌ها، اصل تورات به طور کامل مفقود شده است و آنچه امروزه در دسترس است، نه تورات اصلی، بلکه بازنویسی و ترجمه چندباره‌ای از تورات است و طبیعی است که اختلاف فراوانی با نسخه اصلی داشته باشد (معرفت، ۱۴۲۸ق، ص ۱۱۵-۱۲۹).

بنابراین، مقایسه کتاب مقدس، اعم از عهد قدیم و جدید، با قرآن مجید، قیاس مع الفارق است. اگر بخواهیم این همانی ایجاد کنیم باید بگوییم امت اسلام نیز قرآن اصلی را به طور کامل از دست داده و چندین بار و هر بار قرآن را به زبانی جدید بازنویسی کرده است. امری که نادرستی آن نیاز به اثبات ندارد. این توجیه صغروی در کنار توجیه کبروی، پاسخی قاطع و مستحکم به شبهه اجتناب ناپذیر بودن تشابه سرنوشت قرآن و کتاب مقدس از حیث تحریف پذیری است.

نتیجه‌گیری

از بررسی شخصیت و نقش آیت‌الله معرفت در تحولات سده اخیر حوزه علمیه قم در عرصه علوم قرآن نکات ذیل حاصل شد:

۱. آیت‌الله معرفت رحمته گرچه تحصیل کرده حوزه علمیه کربلا و نجف بود، اما عمده فعالیت‌های علمی و پژوهشی فراوان او در تدریس علوم قرآن و تربیت طلاب و دانشجویان فاضل در این رشته و نیز تألیف آثار پژوهشی در عرصه علوم قرآن در حوزه قم انجام شده و به بار نشسته است و لذا او را باید یکی از برجسته‌ترین و مؤثرترین شخصیت‌های علوم قرآن حوزه علمیه قم در سده اخیر دانست.

۲. انگیزه ورود آیت‌الله معرفت به عرصه علوم قرآن، فقدان آثار شیعی جامع و کامل در این حوزه موضوعی و نیز توصیف‌های ناقص و بعضاً نادرست برخی از دانشوران اهل سنت نسبت به جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام و پیروان ایشان در عرصه علوم و تفسیر قرآن و قرآن‌پژوهی بود.

۳. ویژگی‌های آثار قرآنی آیت‌الله معرفت عبارت‌اند از مسئله محوری، نیاز محوری، مکتب‌گرایی، جامع‌بینی و آینده‌نگری، آزاد اندیشی و نواندیشی.

۴. آیت‌الله معرفت نقش بسیار موثری در گسترش علوم قرآن در حوزه قم و جهان تشیع داشت و با تألیف آثار فاخر علوم قرآنی و تربیت نسلی از طلاب متخصص و پژوهشگر در این عرصه، نقش محوری در تبدیل حوزه علمیه قم به قطب علوم قرآنی جهان اسلام ایفا کرد.


۵. آیت‌الله معرفت نظریات متعدد و نوآورانه‌ای در عرصه علوم قرآنی دارد که در این میان، دیدگاه‌های ایشان در مسائل جمع و تألیف قرآن، قرائات، نسخ، تاویل و تحریف قابل توجه است.

منابع

- ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۳۴۸، *اللاهوف علی قتلی الطفوف*، تهران، جهان.
- بابایی، علی اکبر، ۱۳۸۱، *مکاتب تفسیری*، تهران، سمت و پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- بی نام، ۱۳۸۵، *آفتاب معرفت، ویژه نامه چهلمین روز درگذشت آیت الله معرفت*، قم، تمهید.
- ذهبی، محمدحسین، بی تا، *التفسیر و المفسرون بحث تفصیلی عن نشأه التفسیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- زرقانی، محمدعبد العظیم، بی تا، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۱۸ق، *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت، دار الکتب العربی.
- فخررازی، محمدبن عمر، ۱۴۲۰ق، *مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- معرفت، حامد، ۱۳۹۵، *گزارش تفصیلی از کرسی نظریه بطن، معرفت قرآنی*، قم، دانشگاه مفید.
- معرفت، محمدهادی، ۱۳۷۳، *تناسب آیات*، ترجمه عزت الله مولایی نیا، قم، بنیاد معارف اسلامی.
- _____، ۱۳۶۴، «مالکیت زمین در منابع اسلامی»، *پژوهشهای اجتماعی اسلامی*، ش ۲، ص ۱۸۹-۲۱۳.
- _____، ۱۳۷۵، «مالکیت زمین در منابع اسلامی»، *پژوهشهای اجتماعی اسلامی*، ش ۴، ص ۱۶۹-۱۸۸.
- _____، ۱۳۷۵، «مالکیت زمین در منابع اسلامی»، *پژوهشهای اجتماعی اسلامی*، ش ۶، ص ۱۶۱-۱۶۸.
- _____، ۱۳۶۶، «حضانت تا هفت سالگی مطلقا با مادر است»، *دادرسی*، ش ۴، ص ۱۱-۱۵.
- _____، ۱۳۷۷، «بررسی مشروعیت توزیع در مساله قسامه»، *دادرسی*، ش ۸، ص ۶-۱۲.
- _____، ۱۳۷۷، «دیه اهل کتاب»، *دادرسی*، ش ۱۱، ص ۵-۸.
- _____، ۱۳۷۷، «سه پرسش در مسئله قسامه»، *دادرسی*، ش ۹، ص ۵-۹.
- _____، ۱۳۸۱، *علوم قرآنی*، قم، تمهید.
- _____، ۱۳۸۲، *احکام شرعی*، قم، تمهید.
- _____، ۱۳۸۷، *صحابه از منظر اهل بیت*، قم، تمهید.
- _____، ۱۳۹۹، *تسخیرشناسی محمدهادی معرفت*، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.
- _____، ۱۴۰۷، «تحقیق عن مسئله الغناء»، *الفکر الاسلامی*، ش ۷، ص ۳۰۸-۳۳۲.
- _____، ۱۴۱۱ق، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، جامعه مدرسین.
- _____، ۱۴۱۸ق، *التفسیر و المفسرون فی توبه القشیب*، مشهد، جامعه الرضویه.
- _____، ۱۴۱۸ق، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، تمهید.
- _____، ۱۴۳۳، *تسبیحات و ردود حول القرآن الکریم*، تمهید.
- _____، ۱۴۲۷ق، *التاویل فی مختلف المذاهب و الآراء*، تهران، المجمع العالمی للتقرب بین المذاهب الاسلامیه.
- _____، ۱۴۲۸ق، *صیانة القرآن من التحریف*، قم، تمهید.
- _____، ۱۴۲۹ق، *التفسیر الاتری الجامع*، تمهید.
- _____، ۱۴۳۰ق، *تلخیص التمهید*، قم، جامعه المدرسین.

نوع مقاله: پژوهشی

دانشوران علوم قرآنی سده اخیر حوزه علمیه قم*

سیدروح‌الله حسینی علی‌آباد / دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *
hosciny.ali.110@gmail.com  orcid.org/0000-0003-2027-6007

دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۹ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۹

چکیده

حوزه علمیه قم عالمان زیادی را در رشته‌های مختلف علوم اسلامی، از جمله علوم قرآن، در سده چهاردهم هجری شمسی پرورش داده است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی درصد معرفی شخصیت‌های مهم علوم قرآنی حوزه علمیه قم در این سده و آثار پژوهشی آنها با هدف آشنایی بیشتر قرآن‌پژوهان با مفاخر علمی و ترویج دستاوردهای علوم قرآنی این حوزه علمی است. البته از این میان آیت‌الله معرفت به دلیل معرفی در مقاله‌ای مستقل، استثنا شده است. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که طی سده اخیر، به‌ویژه سه دهه آخر این سده، در حوزه علمیه قم تعداد زیادی از اندیشوران فاضل در دانش علوم قرآن پرورش یافته‌اند که می‌توانند الگوی نسل فعلی و آینده حوزه‌ها در زمینه اندیشه‌ورزی و دانش‌اندوزی باشند. همچنین این دانشوران آثار علمی و پژوهشی فاخری را در موضوعات مختلف علوم قرآنی خلق کرده‌اند که دستاورد علمی افتخارآمیزی برای حوزه علمیه قم و میراثی ماندگار برای استفاده جامعه علمی ایران و جهان است.

کلیدواژه‌ها: علوم قرآن، دانشوران حوزه علمیه قم، آثار علوم قرآنی، قرآن‌پژوهان سده چهاردهم.

حوزه علمی قم در طول تاریخ با وجود فراز و فرودهای بسیار، شخصیت‌های برجسته علمی فراوانی را در دامن خود پرورده است. بازتأسیس این حوزه توسط مرحوم آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری رحمته در ابتدای سده چهاردهم هجری شمسی نقطه عطفی در حیات و بالندگی این حوزه ریشه‌دار در عرصه دانش‌های اسلامی، از جمله علوم قرآن، بود. از آنجاکه تکریم و تجلیل داشته‌ها و سرمایه‌های علمی و معنوی گذشته برای نسل حاضر و آیندگان از جهات گوناگون مفید و لازم است، شناسایی و معرفی عالمانی که بعد از بازتأسیس حوزه علمی قم طی سده اخیر کوشش علمی و درخشش قابل‌اعتنایی در علوم مختلف اسلامی، به‌ویژه علوم قرآن، داشته‌اند نیز امری ضروری می‌نماید. بی‌شک این اقدام زمینه را برای شناساندن بزرگان و مفاخر علمی گذشته و حال و معرفی دستاوردهای فکری آنان به نسل فعلی و آینده طلاب و دانش‌پژوهان به‌منظور الگوگیری و بهره‌برداری بهتر و بیشتر از این ذخایر، فراهم خواهد کرد.

در این نوشتار با روش بررسی توصیفی - تحلیلی شخصیت‌های علوم قرآنی صد سال اخیر حوزه علمی قم، به‌جز مرحوم آیت‌الله معرفت که مقاله مستقلی در همین شماره مجله قرآن شناخت به ایشان پرداخته شده است، معرفی می‌شوند و تلاش‌های قرآنی و دستاوردهای علمی آنان در این زمینه به‌اجمال بیان می‌گردد.

تا کنون آثاری چند در زمینه معرفی قرآن‌پژوهان ایران و حوزه علمی از جمله کتاب *دانشنامه قرآن‌پژوهان ایران* (بهمنی، ۱۳۸۶) نگاشته شده است؛ اما اثری با موضوع این مقاله، یعنی معرفی دانشوران علوم قرآنی حوزه علمی قم و آثار آنها در سده اخیر، یافت نشد.

با توجه به فراوانی تعداد دانشوران و محدودیتی که در نگارش مقاله از نظر حجم آن وجود دارد، چاره‌ای جز برگزیدن مهم‌ترین عالمان و اختصارگویی در شناساندن ایشان و آثارشان نیست. در این مقاله آن دسته از عالمانی که در حوزه علمی قم پرورش یافته و دست‌کم دارای دو کتاب علمی در موضوع علوم قرآن هستند، احصا و معرفی می‌شوند. ناگفته نپیداست که گزارش مقالات علمی چاپ‌شده این دانشوران در موضوع علوم قرآن، از دایره گزارش این مقاله خارج است.

از جهت ترتیب معرفی اندیشوران علوم قرآن در سده اخیر، ابتدا عالمانی که رحلت کرده‌اند، برحسب تقدم تاریخ وفات معرفی می‌شوند؛ سپس آنانی که در قید حیات‌اند، براساس تقدم تاریخ ولادت معرفی می‌شوند. درخصوص شناساندن آثار علوم قرآنی هریک از دانشوران، آثار مهم‌تر آنها با ذکر مشخصات نشر، از جهت موضوعی و محتوایی به‌اختصار توصیف خواهند شد؛ اما به باقی آثارشان، به‌دلیل ضیق مجال، صرفاً در حد ذکر عنوان اشاره می‌شود.

علاوه بر آن، در این مقاله همه آثار دانشوران مورد بحث معرفی نمی‌شود؛ بلکه تنها آن دسته از آثار علوم قرآنی آنان ذکر می‌شود که اولاً مشخصاً به علوم قرآن و مباحث آن تعلق داشته باشند و ثانیاً دارای اعتبار علمی و

تخصصی باشند. بنابراین آثار غیر علوم قرآنی یا غیر فنی یا آثاری که جنبهٔ دانشی ندارند و مثلاً به معرفی مراکز آموزشی یا پژوهشی علوم قرآن پرداخته‌اند، خارج از حیطهٔ گزارش این مقاله‌اند. برای آگاهی از آثار تفسیری این دانشوران می‌توان به دیگر مقالات همایش سدهٔ حوزهٔ علمیهٔ قم، که به معرفی تفاسیر و مفسران پرداخته‌اند، مراجعه کرد. همچنین تعداد بسیار اندکی از پیشکسوتان این عرصه، با اینکه یک اثر علوم قرآنی بیشتر ندارند، برای شأن و ادای احترام به پیشکسوت بودنشان به جمع دانشوران علوم قرآنی افزوده شده‌اند.

این را هم باید افزود که به‌رغم تلاش مضاعف، چون به اطلاعات زندگی علمی و آثار به‌روز برخی دانشوران علوم قرآنی دست نیافتیم، ممکن است اسم نادر افرادی در مقاله نیامده باشد یا کسانی را به‌دلیل عدم اطلاع از آثار جدیدشان فاقد معیار برای معرفی در این مقاله تشخیص داده باشیم؛ درحالی‌که واقعاً شرایط معرفی را داشته‌اند یا اگر معرفی شده‌اند، آثار جدیدشان گزارش نشده است. از بابت همهٔ این نقایص احتمالی عذر نگارندهٔ این مقاله را پذیرا باشید.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. علوم قرآن

علوم قرآن به مجموعه‌ای از علوم اطلاق می‌شود که از باب مقدمه برای فهم و درک قرآن مجید فراگرفته می‌شود (معرفت، ۱۳۸۱، ص ۷). این علوم متکفل بحث بیرونی دربارهٔ قرآن و فهم آن هستند و به درون و محتوای قرآن از جنبهٔ تفسیری کاری ندارند.

۱-۲. حوزهٔ علمیهٔ قم و سدهٔ اخیر

حوزهٔ علمیهٔ قم بزرگ‌ترین و یکی از مهم‌ترین حوزه‌های علمیه شیعیان است که در شهر قم قرار دارد. مکتب و حوزهٔ حدیثی قم (در کنار کوفه و بغداد) یکی از سه حوزهٔ حدیثی کهن در تاریخ علمی جهان تشیع بوده است و در آغاز قرن پیشین با ورود شیخ‌عبد‌الکریم حائری یزدی در سال ۱۳۰۱ شمسی تجدید حیات یافت (کریمی جهرمی، ۱۳۸۳). مراد از سدهٔ اخیر نیز یک‌صد سالی است که از سال ۱۳۰۰ شمسی آغاز می‌شود و به ابتدای سال ۱۴۰۰ پایان می‌یابد.

۲. دانشوران علوم قرآنی و آثار ایشان

۲-۱. سیدمحمدحسین طباطبائی (۱۲۸۱-۱۳۶۰)

ایشان در روستای شادآباد از توابع تبریز دیده به جهان گشود و پس از اتمام دروس مقدماتی در تبریز، در سال ۱۳۰۴ وارد حوزهٔ علمیهٔ نجف شد و ده سال در آن حوزه به ادامهٔ تحصیل در شاخه‌های مختلف علوم اسلامی پرداخت. ایشان در زمینهٔ فقه و اصول، علم رجال، فلسفه، ریاضیات و هندسه، و اخلاق و عرفان از اساتید حوزهٔ نجف بهره برد

و پس از نیل به اجتهاد، در سال ۱۳۱۴ به تبریز مراجعت کرد و مدت ده سال در آنجا اقامت نمود؛ سپس در سال ۱۳۲۵ به شهر قم هجرت کرد. وی را احیاگر علوم عقلی و تفسیر قرآن در حوزه علمیّه قم دانسته‌اند (ر.ک: ویکی شیعه، <https://fa.wikishia.net/view>).

آثار علوم قرآنی

۱. **قرآن در اسلام** (۱۳۵۳): این اثر از اولین آثار علوم قرآنی حوزه قم در سده اخیر است که در آن، مباحث مختلف علوم قرآنی، همچون وحی و نزول، محکم و متشابه، اسباب نزول، و مکی و مدنی بودن سوره‌های قرآن بحث و بررسی شده است.

۲. **وحی یا شعور مرموز** (مؤسسه مطبوعاتی دارالفکر، ۱۳۳۶): کتابی است به زبان فارسی که به بررسی موضوع وحی از جهات مختلف می‌پردازد.

البته علامه طباطبائی بیشتر مباحث علوم قرآنی را در خلال بحث‌های تفسیری کتاب **المیزان** و برخی را در مقدمه آن بیان کرده است (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷، ق، ج ۱ ص ۱۲-۴ و نیز ذیل آیات ۲۳ و ۱۰۶ بقره، ۷ آل عمران و ۹ حجر).

۲-۲. سیدعلی علامه فانی اصفهانی (۱۲۹۴-۱۳۶۸)

ایشان در اصفهان متولد شد و در حوزه علمیّه این شهر به تحصیل علوم دینی پرداخت و در اندک زمانی مقدمات و سطح را به پایان رساند و به‌رغمی کمی سن در درس خارج حاضر می‌شد و در همان سن و سال مجتهد یا قریب به اجتهاد بود؛ سپس وارد حوزه علمیّه نجف شد و در زمره شاگردان **سیدابوالحسن اصفهانی** قرار گرفت. وی همچنین در زبان عربی، انگلیسی و فرانسوی به مرتبه تسلط رسید. در سال ۱۳۵۱ در اثر فشار حزب بعث عراق و اخراج ایرانیان، به ایران بازگشت و در حوزه علمیّه قم به تحقیق و تدریس مشغول شد. وی در سال ۱۳۶۸ ندای حق را لبیک گفت (ر.ک: ویکی اهل البیت، دانشنامه <https://wiki.ahlolbait.com>).

آثار علوم قرآنی

۱. **آراء حول القرآن** (انتشارات دار الهادی، ۱۳۷۰): این کتاب پیرامون برخی مسائل علوم قرآنی، همچون نسخ، قرائت، تفسیر و حجیت ظواهر است و مؤلف در این کتاب این مسائل را به‌صورت فنی بحث کرده است.

۲. **عالیة البیان فی عدم تحریف القرآن**: این کتاب درباره تحریف‌ناپذیری قرآن به‌صورت استدلالی بحث می‌کند.

۳. **مقدمات التفسیر**.

۲-۳. محمد فاضل لنکرانی (۱۳۱۰-۱۳۸۶)

ایشان در قم دیده به جهان گشود و در سن سیزده‌سالگی وارد حوزه علمیّه قم شد؛ در نوزده‌سالگی دروس خارج فقه

و اصول را آغاز کرد؛ سپس مدتی برای تحصیل رهسپار نجف اشرف شد و دوباره به قم بازگشت و مدارج عالی علوم اسلامی را طی کرد. ایشان از مراجع تقلید شیعه ساکن قم بود و در سال ۱۳۸۶ درگذشت (ر.ک: پایگاه مرکز فقهی ائمه اطهار <http://markazfeqhi.com/content>).

آثار علوم قرآنی

ایشان فقط دارای یک اثر در علوم قرآن با این عنوان است: **مدخل التفسیر** (مطبعه الجیدی، ۱۳۷۱). در این کتاب سه موضوع از مسائل مهم علوم قرآنی، شامل اعجاز، قرائات و عدم تحریف قرآن، بحث شده است.

۲-۴. علی محمد یزدی (۱۳۳۴-۱۳۹۶)

ایشان در مشهد دیده به جهان گشود و در حوزه علمیه این شهر تحصیل کرد؛ سپس به حوزه علمیه قم رفت و به تکمیل تحصیلات حوزوی خود پرداخت. او از اعضای هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و از اساتید حوزه و جامعه المصطفی بود و در سال ۱۳۹۶ رحلت کرد.

آثار علوم قرآنی

۱. **روش بیان قرآن** (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲).

۲. **قلمروی موضوعات قرآن** (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۶).

۳. **برخی پیش‌نیازهای تفسیر** (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷).

۲-۵. سیدابوالفضل میرمحمدی زرنندی (۱۳۰۲-۱۳۹۸)

ایشان در بخش زرنندیه ساوه تولد یافت و در سال ۱۳۲۰ وارد حوزه علمیه قم شد. دروس مقدماتی و سطح را با موفقیت گذراند و از سال ۱۳۲۸ دروس خارج فقه و اصول را آغاز کرد و به کسب فیض از محضر مراجع و عالمان بزرگ پرداخت (ر.ک: پایگاه جامعه مدرسین قم، <https://jameehmodarresin.org>).

آثار علوم قرآنی

۱. **بحوث فی تاریخ القرآن و علومه** (دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۸): این کتاب به زبان عربی است و با نقل اقوال علمای شیعه و سنی و نظر خود، به مباحثی چون کیفیت نزول، ناسخ و منسوخ، و محکم و متشابه می‌پردازد.

۲. **تاریخ و علوم قرآن** (دفتر انتشارات اسلامی قم، ۱۳۷۷): این کتاب ترجمه کتاب **بحوث فی تاریخ القرآن و علومه**، به‌انضمام بحث درباره موضوع فواید سوره است.

۲-۶. محمدعلی تسخیری (۱۳۲۳-۱۳۹۹)

ایشان در نجف دیده به جهان گشود و در سال ۱۳۴۱ وارد دانشکده فقه نجف شد و در رشته ادبیات عرب و فقه و اصول به تحصیل پرداخت. وی هم‌زمان با تحصیل در دانشکده فقه، به فراگیری دروس حوزوی نیز پرداخت و با

اتمام دوره سطح، در دروس خارج فقه و اصول اساتید حوزه نجف حاضر شد. او در سال ۱۳۵۱ به حوزه علمیه قم رفت و از درس خارج فقه و اصول اساتید قم بهره برد. وی در سال ۱۳۹۹ در تهران درگذشت (ر.ک: پایگاه رسمی آیت‌الله محمدعلی تسخیری، <https://www.taskhiri.net>).

آثار علوم قرآنی

۱. *محاضرات فی علوم القرآن* (سازمان مدارس خارج از کشور، ۱۳۸۲): نویسنده در این کتاب برخی مسائل علوم قرآن، همچون وحی و اعجاز، تاریخ قرآن، تفسیر علمی قرآن، و محکم و متشابه را مورد بررسی قرار داده است.

۲. *حول القرآن: مقالات و محاضرات القاها* (مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۹۲): این اثر حاوی سخنرانی‌ها و مقالاتی است که مؤلف در موضوع قرآن القا کرده یا نوشته است.

۲-۷. محمدتقی مصباح یزدی (۱۳۱۳-۱۳۹۹)

آیت‌الله مصباح در یزد به دنیا آمد و پس از اتمام دوره ابتدایی، در سال ۱۳۲۵ وارد حوزه علمیه یزد شد و دروس مقدماتی و برخی دروس سطح را در چهار سال به پایان رساند. وی در کنار دروس رسمی حوزه، برخی علوم روز، مانند فیزیک، شیمی، فیزیولوژی و زبان فرانسه را نیز آموخت. ایشان در سال ۱۳۳۰ برای ادامه تحصیل همراه با خانواده به نجف اشرف هجرت کرد و در دروس سطح عالی آنجا شرکت کرد؛ اما به دلیل مشکلات مالی پدر با ایشان به ایران مراجعت نمود. وی سپس برای ادامه تحصیل به قم عزیمت کرد و بقیه مکاسب و کفایه را به‌تمام رساند و به دروس خارج فقه و اصول راه یافت و حدود هشت سال در درس فقه و اصول امام خمینی و حدود پانزده سال در درس فقه آیت‌الله بهجت در موضوعات طهارت، مکاسب و خيارات شرکت کرد. وی حدود ده سال در محضر علامه طباطبائی به آموختن اسفار و برهان و الهیات شفا و تفسیر پرداخت. این عالم بزرگ از دهه چهل شمسی به تدریس تفسیر قرآن، فلسفه، کلام، اخلاق، فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق و سیاست در حوزه علمیه قم پرداخت و از بزرگ‌ترین متفکران و نظریه‌پردازان اسلامی شد. وی در سال ۱۳۹۹ دار فانی را وداع گفت (ر.ک: پایگاه اطلاع رسانی آثار حضرت آیت‌الله مصباح یزدی <https://mesbahyazdi.ir/node>).

آثار علوم قرآنی

۱. *قرآن‌شناسی ج ۱ و ۲* (انتشارات مؤسسه امام خمینی، ۱۳۹۴): در این کتاب موضوعاتی همچون اوصاف و عناوین قرآن، نزول قرآن، اعجاز قرآن، تحریف‌ناپذیری، امکان و جواز فهم غیرمعصومان از قرآن، شرایط و موانع روحی و معنوی بهره‌مندی از قرآن، شرایط علمی تفسیر قرآن، روش‌های تفسیر قرآن، محکم و متشابه، نسخ، تأویل و تفسیر، بطن قرآن، جاودانگی و جهانی بودن، و جامعیت قرآن، بحث و بررسی شده است.

۲. *تعدد قرائت‌ها* (انتشارات مؤسسه امام خمینی، ۱۳۹۴): در این اثر برخی از مباحث علوم قرآنی مطرح شده است؛ از جمله: قرائت‌های مختلف آیات قرآن، آیات متشابه، تفسیر به رأی، تأویل آیات، و ظاهر و باطن آیات.

وی همچنین در لابه‌لای برخی از دروس تفسیری، به منطق فهم قرآن اشاراتی دارد. برای نمونه، در ابتدای تفسیر موضوعی آیات جهان‌شناسی، منطق مواجهه با این‌گونه آیات را در مقام تفسیر بیان می‌کند (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۵۶-۵۱).

۲-۸. لطف‌الله صافی گلپایگانی (۱۲۹۷-۱۴۰۰)

ایشان در گلپایگان متولد شد و ادبیات عرب، کلام، تفسیر قرآن، حدیث، فقه و اصول را تا پایان سطح در زادگاهش فراگرفت و در سال ۱۳۲۰ وارد حوزه علمیه قم شد و در درس اساتید برجسته حوزه حضور یافت. او پس از چهار سال اقامت در قم، به مدت یک سال در نجف ساکن شد و در درس اساتید آن حوزه شرکت کرد و پس از آن مجدداً به قم بازگشت و بیش از پانزده سال در درس خارج فقه و اصول علمای قم حضور یافت. ایشان یکی از مراجع تقلید شیعه بود که در سال ۱۴۰۰ در قم درگذشت (ر.ک: ویکی پدیا، دانشنامه آزاد، <https://fa.wikipedia.org/wiki>).

آثار علوم قرآنی

از ایشان فقط یک اثر در زمینه علوم قرآن باقی مانده است، با عنوان *القرآن مصون عن التحریف* (دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۱). این اثر در اثبات سلامت قرآن از تحریف به‌نگارش درآمده است.

۲-۹. محمد اسعدی (۱۳۵۰-۱۴۰۰)

ایشان در یکی از روستاهای کاشمر متولد شد و دروس مقدمات، سطح و خارج فقه و اصول حوزه را با موفقیت به‌پایان رساند. وی همچنین دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد الهیات از مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم و فارغ‌التحصیل دکتری علوم قرآن و حدیث از همان دانشگاه بود (ر.ک: پایگاه اندیشوران حوزه، <https://masadi.andishvaran.ir/fa/ScholarMainpage.htm>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. *سایه‌ها و لایه‌های معنایی* (بوستان کتاب قم، ۱۳۸۶): این اثر کوشید تا قاعده معنانشناسی مستقل فرازهای قرآنی را در پرتو روایات تفسیری بکاود.

۲. *آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری*، ج ۱ و ۲ (تألیف مشترک با دیگران) (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۳): این کتاب جریان‌های مختلف تفسیری متقدم و متأخر را با دو نگاه جریان‌شناختی و آسیب‌شناختی بررسی می‌کند.

۳. *جریان‌شناسی تفسیر معتزلی* (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷): این اثر با تحلیل انتقادی، جریان تفسیری معتزله را در سه حوزه مبنایی، روشی و غایی بررسی کرده است.

۴. *جریان‌شناسی تفسیر اجتماعی عقلی* (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷): در این اثر با تکیه بر معیارهای تفسیر اجتهادی، مبانی، روش و نتایج، جریان اجتماعی عقلی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

۵. *جریان‌شناسی تفسیر روایی* (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷): در این اثر با تکیه بر روش تفسیر اجتهادی و اصول روایت‌شناختی آن، جریان تفسیر روایی با نگاهی انتقادی بررسی شده است.

۶. *جریان‌شناسی تفسیر قرآن‌گرا* (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷): در این اثر شاخه افراطی این جریان قرآن‌گرا با رویکردهای متنوع در میان فریقین، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

۷. *علوم قرآنی ۳: مکی و مدنی، اسباب نزول، محکم و متشابیه، نسخ* (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۹): کتاب با هدف آشنایی تحلیلی با چهار مبحث مهم یادشده علوم قرآنی برای برآوردن نیاز دانشجویان و طلاب مقطع کارشناسی و سطح دو نگاشته شده است.

سایر آثار: *آشنایی با دانش‌های قرآنی* (جامعه القرآن، ۱۳۷۸)؛ *پژوهشی در محکم و متشابیه* (تألیف مشترک با دیگران) (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰).

۲-۱۰. محمد محمدی نیک (ری‌شهری) (۱۳۲۵-۱۴۰۱)

ایشان در شهر ری دیده به جهان گشود و پس از پایان تحصیلات ابتدایی، در سال ۱۳۳۹ وارد حوزه علمیه زادگاهش شد. وی در سال ۱۳۴۰ برای ادامه تحصیل به قم رفت و تا پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، به‌جز مدتی کوتاه، در حوزه علمیه قم به گذراندن مدارج تحصیلی در مرحله عالی و خارج اشتغال داشت و در کنار آن به تدریس هم مشغول بود. وی در اول فروردین ۱۴۰۱ در تهران درگذشت (ر.ک: ویکی فقه، <http://fa.wikifqh.ir>).

آثار علوم قرآنی

۱. *شناخت‌نامه قرآن بر پایه قرآن و حدیث*، در چهار جلد (دارالحدیث، ۱۳۹۱): این کتاب شامل مباحثی چون مبانی شناخت قرآن، ویژگی‌های قرآن، تلاوت قرآن، تفسیر و تأویل قرآن و روش تبلیغ در قرآن است.

۲. *درآمدی بر تفسیر جامع روایی* (تألیف مشترک با دیگران) (دارالحدیث، ۱۳۹۰): این کتاب پژوهشی درباره بایسته‌های تفسیر روایی و ویژگی‌های این نوع تفسیر است.

۳. *پرتوی از تفسیر اهل‌بیت: مبانی و روش*، ج ۱ و ۲ (تألیف مشترک با دیگران) (بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۸): این اثر مرجعیت علمی اهل‌بیت در زمینه تفسیر و تبیین قرآن را بیان می‌کند.

سایر آثار: *دانشنامه قرآن و حدیث*، هجده‌جلدی (تألیف مشترک با دیگران) (دارالحدیث، ۱۳۹۱).

۲-۱۱. ناصر مکارم شیرازی (تولد: ۱۳۰۵)

ایشان در شهر شیراز دیده به جهان گشود و در سن دوازده‌سالگی به‌طور غیررسمی هم‌زمان با تحصیل در دبیرستان، دروس حوزوی را آغاز کرد و سپس رسماً وارد حوزه علمیه شیراز شد و طی چهار سال دروس مقدمات و سطح حوزه را به‌پایان رساند. او در سال ۱۳۳۳ به‌منظور شرکت در دروس خارج فقه و اصول، به قم هجرت کرد؛ سپس در سال ۱۳۲۸ به حوزه علمیه نجف رفت و موفق شد در سن ۲۴سالگی از دو تن از مراجع بزرگ نجف اجازه اجتهاد بگیرد. وی پس از

یک سال و نیم اقامت در حوزهٔ علمیهٔ نجف، مجدداً به حوزهٔ علمیهٔ قم بازگشت و اکنون یکی از مراجع تقلید شیعه است (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله مکارم شیرازی، <https://makarem.ir/maaref/fa/article/index/420872>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. *قرآن و آخرین پیامبر* (دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷): این اثر تجزیه و تحلیل مستدل و گسترده‌ای دربارهٔ ابعاد اعجاز قرآن است.

۲. *مبانی تفسیر قرآن: مجموعه‌بجست‌های تفسیری حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی* (انتشارات امام علی بن‌ابی‌طالب، ۱۳۹۵): این اثر گردآوری اصول و مبانی ایشان در زمینهٔ تفسیر قرآن و از آثار تفسیری و قرآنی وی است.

سایر آثار: *تفسیر به رأی* (مطبوعاتی هدف، ۱۳۶۷)؛ *توطئهٔ جدید، پاسخ به شبهات قرآنی* (انتشارات امام علی بن‌ابی‌طالب، ۱۳۹۵).

۱۲-۲. جعفر سبحانی (تولد: ۱۳۰۸)

ایشان در شهر تبریز تولد یافت و در چهارده‌سالگی وارد مدرسهٔ علمیهٔ طالبیهٔ تبریز شد و برخی از دروس مقدماتی و علوم ادبی را در آنجا گذراند. با ظهور فرقهٔ دمکرات به‌رهبری پیشه‌وری و تشکیل حکومت خودمختار در منطقهٔ آذربایجان، در سال ۱۳۲۵ به قم مهاجرت کرد و باقی‌ماندهٔ دروس سطح را در قم فراگرفت و در دروس خارج فقه و اصول علما شرکت کرد. وی در کنار تحصیل دروس فقه و اصول به یادگیری فلسفه، کلام و تفسیر نیز مشغول شد (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، <https://hawzah.net/fa/Mostabser/View/62167>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. *برهان رسالت (پیروان قرآن و وجه اعجاز آن)* (انتشارات مکتب اسلام، ۱۳۷۵): این کتاب پژوهشی دربارهٔ قرآن و وجه اعجاز آن است؛ همچنین رسالت جهانی پیامبران را از زاویه‌های گوناگون بررسی کرده است.

۲. *المناهج التفسیریة فی علوم القرآن* (مؤسسهٔ امام صادق ۱۳۸۳): این کتاب دربارهٔ شیوه‌های تفسیری صحیح و غلط و تفاوت منهج تفسیری و اهتمام تفسیری به رشتهٔ تحریر درآمده است.

۳. *قرآن آفتابی که غروب ندارد (نقد گفته‌های دکتر سها در فضای مجازی)* (مؤسسهٔ امام صادق ۱۳۹۹): این اثر، دفاعی عالمانه از قرآن و نقدهایی اجتهادی بر شبهات منتشرشده توسط شخصی موسوم به دکتر سها در فضای مجازی به‌نام «نقد قرآن» است.

سایر آثار: *الإعجاز القرآنی: أركانہ و شواهدہ* (مؤسسهٔ امام صادق، ۱۴۰۰)؛ *مرزهای اعجاز: ترجمهٔ بخشی از تفسیر البیان اثر آیت‌الله خوئی* (مؤسسهٔ امام صادق، ۱۳۸۵).

۱۳-۲. عبدالله جوادی آملی (تولد: ۱۳۱۲)

ایشان در شهر آمل به دنیا آمد و در سال ۱۳۲۵ وارد حوزه علمیه آمل شد. ادبیات و مقداری از دروس سطح را در آنجا آموخت و پس از آن به حوزه علمیه مشهد رفت؛ ولی در آنجا ماندگار نشد. در سال ۱۳۲۹ به حوزه علمیه تهران ملحق شد و دروس سطح را به پایان رساند و برای تکمیل تحصیلات در سال ۱۳۳۴ به حوزه علمیه قم کوچ کرد و از دروس خارج فقه و اصول، فلسفه و تفسیر اساتید قم بهره برد (ر.ک: پایگاه بنیاد بین‌المللی علوم وحیانی اسراء، <https://javadi.esra.ir>).

آثار علوم قرآنی

۱. *نزاهت قرآن از تحریف* (اسراء، ۱۳۸۳): در این کتاب از منظرهای مختلف بر نفوذناپذیری و عدم تحریف قرآن استدلال شده و به شبهات در این باره پاسخ داده شده است.

۲. *حقیقت و تأثیر اعجاز* (اسراء، ۱۳۹۴): این اثر حقیقت معجزه را واکاوی و بررسی می‌کند و شامل بحث‌هایی از قبیل اعجاز، دلیل نبوت، اقسام اعجاز، نمونه‌هایی از اعجاز پیامبران، و قرآن معجزه جوادان است.

۱۴-۲. یعقوب جعفری (جعفری نیا) (تولد: ۱۳۲۵)

ایشان در شهرستان مراغه به دنیا آمد و پس از گذراندن تحصیلات عمومی وارد حوزه علمیه آنجا شد و دروس مقدماتی را خواند؛ سپس در سال ۱۳۴۲ برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم عزیمت کرد و به مدت پانزده سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت نمود. در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ در دار التبلیغ اسلامی درس خواند و دوره عالی برنامه آن مرکز را گذراند. (ر.ک: پایگاه اندیشوران حوزه، <https://jafarinia.andishvaran.ir/fa/ScholarMainpage.html>).

آثار علوم قرآنی

۱. *سیری در علوم قرآن* (اسوه، ۱۳۸۲): این کتاب در طی هشت بخش چند موضوع مهم از مباحث علوم قرآنی را مورد بحث قرار داده است.

۲. *اعجاز قرآن و قول به صرفه* (۱۳۸۰): در این کتاب به بررسی ابعاد اعجاز قرآن پرداخته شده است.

۳. *رسم الخط مصحف* (اسوه، ۱۳۸۳): این اثر ترجمه کتاب *رسم الخط مصحف* غانم قدوری حمد است.

۱۵-۲. سیدعلی حسینی میلانی (تولد: ۱۳۲۷)

ایشان در نجف اشرف متولد شد و دروس مقدماتی و سطح را در حوزه علمیه کربلا به پایان رساند؛ سپس برای تکمیل دروس به نجف مهاجرت کرد. در اثر فشار حزب بعث در سال ۱۳۴۹ ناگزیر به ترک عراق شد و با عزیمت به ایران در حوزه علمیه مشهد اقامت کرد؛ سپس برای تکمیل تحصیلات عالی به رهسپار حوزه علمیه قم شد و از دروس اساتید قم استفاده کرد (ر.ک: ویکی فقه، <https://fa.wikifeqh.ir>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. *التحقیق فی نفی التحریف عن القرآن الشریف* (جامعه‌نگر، ۱۳۶۹): این کتاب به نقد و بررسی شبههٔ تحریف قرآن کریم در منابع روایی و علمی سنی و شیعه پرداخته است.
۲. *التفسیر و المفسرون عند الشیعة و السنة: کتاب قرآنی، روایی، رجالی، کلامی، تاریخی* (ج ۱) (الحقایق، ۱۳۹۶): این کتاب به بررسی و تحلیل و نقد تفاسیر و مفسران مهم شیعه و سنی می‌پردازد. سایر آثار: *عدم تحریف القرآن* (مرکز الابحاث العقائديه، ۱۳۷۹).

۲-۱۶. محمود رجبی (تولد: ۱۳۳۰)

ایشان در شهیدیهٔ جاسب به‌دنیا آمد و در سن دوسالگی همراه خانواده به قم مهاجرت کرد. در سال ۱۳۴۳ وارد حوزهٔ علمیهٔ قم شد. او تحصیلات علوم دینی را در مدرسهٔ علمیهٔ آیت‌الله گلپایگانی آغاز کرد و در سال ۱۳۵۰ به درس خارج فقه و اصول استادان برجستهٔ حوزهٔ علمیهٔ قم راه یافت. وی همچنین در اولین دورهٔ آموزشی ویژهٔ مؤسسهٔ در راه حق شرکت کرد و از دروس فلسفه، تفسیر و اخلاق حضرت علامه مصباح یزدی بهره برد. ایشان علاوه بر فقه و سوابق تخصصی و پژوهشی در زمینهٔ جامعه‌شناسی، از اساتید و متخصصان رشتهٔ تفسیر و علوم قرآن است (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله محمود رجبی به نشانی اینترنتی: <https://mahmoodrajabi.ir>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. *منطق فهم قرآن* (مرکز مطالعات حوزهٔ علمیهٔ قم، ۱۳۸۵): این کتاب به برخی از اصول و مبانی و روش فهم و تفسیر قرآن می‌پردازد.
 ۲. *روش تفسیر قرآن* (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳): این اثر بازنویسی کتاب *روش‌شناسی تفسیر قرآن* تألیف علی‌اکبر بابایی و دیگران است که وی آن را به‌شکل متن آموزشی درآورده است.
 ۳. *درس‌نامهٔ اعجاز قرآن* (تنظیم و نگارش حسن صادقی / چاپ نشده): این کتاب وجوه اعجاز قرآن و نظریه‌های مختلف دربارهٔ آن را به‌تفصیل بررسی می‌کند.
- سایر آثار: *چند درس پیرامون شناخت قرآن* (مشترک با دیگران) (مؤسسهٔ در راه حق، ۱۳۶۱): *تدوین و تحقیق درس‌نامهٔ قرآن‌شناسی*، ج ۱ و ۲، تألیف استاد محمدمتقی مصباح (مدرسه معصومیه قم، ۱۳۷۶).

۲-۱۷. محمدعلی کوشا (تولد: ۱۳۳۱)

ایشان در روستای دولت‌آباد از توابع شهرستان بیجار/گروس استان کردستان به‌دنیا آمد و پس از اتمام دورهٔ دبیرستان در سال ۱۳۵۳ وارد حوزهٔ علمیهٔ قم شد و در دروس مقدمات و سطوح عالی از محضر اساتید حوزه بهره برد و پس از آن به درس خارج فقه و اصول راه یافت. وی علاوه بر فقه و اصول، به تحصیل برخی علوم حدیث و مطالعهٔ علوم قرآن به‌ویژه ترجمهٔ قرآن کریم نیز پرداخت. وی حدود دویست ترجمه را از قرن چهارم تا کنون مورد نقد و بررسی قرار داده است (ر.ک: پایگاه اندیشوران حوزه، <https://makousha.andishvaran.ir/fa/ScholarMainpage.html>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. *ترجمه‌های ممتاز قرآن در ترازوی نقد* (کتاب مبین، ۱۳۸۶): این کتاب به معرفی و نقد چند ترجمه از قرآن می‌پردازد که بیشتر آنها در زمان معاصر نوشته شده‌اند.
 ۲. *پژوهشی در ترجمه‌های برتر قرآن کریم* (کتاب مبین، ۱۳۹۰): این کتاب به بررسی و نقد ۷۲ ترجمه گوناگون از قرآن کریم می‌پردازد.
 ۳. *ترجمه‌آموزی قرآن کریم* (احسان، ۱۳۹۳): این اثر تلاشی در جهت آموزش علوم و مفاهیم قرآنی در راستای ترجمه‌نگاری قرآن کریم است.
- سایر آثار: *نقد رسم‌الخط عثمان طه از قرآن* (سرایی، ۱۳۹۷): پاسخ به ۱۸۰ شبهه اینترنتی پیرامون قرآن (کتاب مبین، ۱۳۹۰).

۱۸-۲. سیدمحمدعلی ایازی (تولد: ۱۳۳۳)

ایشان در مشهد زاده شد و تحصیلات حوزوی خود را از سال ۱۳۴۷ در حوزه علمیه همان شهر آغاز کرد و پس از گذراندن مقدمات و مقداری از دروس سطح، وارد حوزه علمیه قم شد و دروس سطح را ادامه داد؛ سپس در دروس خارج فقه و اصول شرکت کرد. در مباحث قرآنی، گویا مدتی در درس تفسیر آیت‌الله خزعلی شرکت کرده است (وبگاه علوم قرآن و حدیث، <http://drmostafavi.blogfa.com/post> و پایگاه دانشوران حوزه، <https://ayazi.andishvaran.ir/fa>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. *سیر تطور تفاسیر شیعیه* (کتاب مبین، ۱۳۸۱): این اثر نگاهی کوتاه به روند پیدایش، تدوین، شکوفایی و بالندگی تفسیر قرآن کریم است.
۲. *کاوشی در تاریخ جمع قرآن* (کتاب مبین، ۱۳۷۸): موضوع این کتاب جمع و تدوین قرآن است.
۳. *چهره پیوسته قرآن* (هستی‌نما، ۱۳۸۰): این کتاب به مبحث تناسب سوره‌ها و جایگاه آن در علوم قرآن و تفسیر و آغازگران آن و رابطه آن با اعجاز و تفسیر موضوعی می‌پردازد.
۴. *قرآن و فرهنگ زمانه* (کتاب مبین، ۱۳۸۰): در این اثر سه نظریه درباره زبان و هویت نزول قرآن ارزیابی شده است: به زبان قوم سخن گفتن قرآن؛ نظریه بازتاب فرهنگ زمان؛ نظریه تأثر از فرهنگ زمانه.
۵. *جامعیت قرآن* (کتاب مبین، ۱۳۸۰): این اثر کاری است استنادی و تا حدی تحلیلی از مسئله جامعیت و قلمرو آن.

۶. *المفسرون حیاتهم و منهجهم* (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳): این اثر به زبان عربی در معرفی تفاسیر و مفسران و روش تفسیری آنان است.

۷. **مبانی و روش‌های تفسیر قرآن کریم** (دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۸): در این کتاب به سیر تطور تفاسیر و تحولات دانش تفسیر پرداخته شده است.

سایر آثار: **قرآن و تفسیر عصری** (دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸)؛ **قرآن اثری جاویدان** (کتاب مبین، ۱۳۸۱)؛ **شناخت‌نامه تفاسیر** (کتاب مبین، ۱۳۷۹) و...

۲-۱۹. علی‌اکبر بابایی (تولد: ۱۳۳۳)

ایشان در اراک به دنیا آمد و پس از تحصیلات ابتدایی وارد حوزه علمیه اراک شد. دروس مقدماتی حوزه را در اراک سپری کرد و در سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه قم شد و سطوح عالی را به پایان برد. در سال ۱۳۶۰ به دروس خارج اصول و فقه راه یافت و به مدت بیست سال از اساتید حوزه کسب فیض کرد. هم‌زمان با تحصیل خارج فقه و اصول، در برنامه‌های آموزشی مؤسسه در راه حق شرکت جست و از دروس تفسیر موضوعی آیت‌الله مصباح بهره برد. وی پس از اتمام دوره عمومی، دوره تخصصی تفسیر و علوم قرآن را در این مؤسسه آغاز کرد که تا سال ۱۳۷۳ ادامه یافت (ر.ک: پایگاه اندیشوران حوزه، <https://aababaie.andishvaran.ir/fa>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. **مکاتب تفسیری**، ج ۱ و ۲ و ۳ (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، ۱۳۸۶ و ۱۳۹۱): این کتاب به نقد و بررسی مکاتب مختلف تفسیری در سه بخش می‌پردازد: معرفی مفسران؛ معرفی و بررسی مکاتب‌های تفسیری؛ معرفی و بررسی مهم‌ترین آثار تفسیری هر مکتب.

۲. **قواعد تفسیر قرآن** (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴): در این کتاب فرایند تفسیر قرآن در پنج گام تصویر شده و قواعد تفسیری مخصوص به هر گام تشریح و کاربرد آن نشان داده شده است.

۳. **بررسی مکاتب و روش‌های تفسیری**، ج ۱ و ۲ (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱): این کتاب تلخیصی از کتاب **مکاتب تفسیری** است و به عنوان متن آموزشی تدوین شده است.

۴. **تاریخ تفسیر قرآن**، ج ۱ و ۲ (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰): در جلد اول به تاریخ تفسیر از عصر رسالت تا پایان عصر غیبت صغری (۳۲۹ق) و در جلد دوم به معرفی تفاسیر، مفسران و تطورات تفسیری قرن‌های چهارم، پنجم و ششم هجری قمری پرداخته شده است. کتاب به‌طور ضمنی به ویژگی‌های کتب تفسیری، وضعیت تفسیر در دوره‌های مختلف، تطورات مکاتب تفسیری و روش‌های مختلف تفسیر نیز اشاراتی دارد.

۵. **روش‌شناسی تفسیر قرآن** (تألیف مشترک با دیگران) (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹): این کتاب در پنج فصل به بیان جامع و مستدل چگونگی روش صحیح تفسیر قرآن، قواعد تفسیر، منابع تفسیر، علوم مورد نیاز مفسر و شرایط مفسر می‌پردازد.

سایر آثار: **اصول و مقدمات تفسیر** (تألیف مشترک با دیگران) (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸)؛ **علوم قرآنی ۴، دلالت‌های قرآن کریم** (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸).

۲۰-۲. عزت‌الله مولایی‌نیا (تولد: ۱۳۳۳)

ایشان در همدان به‌دنیای آمد و پس از گذراندن تحصیلات دوره ابتدایی، در سال ۱۳۴۶ وارد حوزه علمیة نجف شد و دروس مقدماتی و بخشی از درس‌های سطح را در آنجا گذراند. وی در اواخر سال ۱۳۵۰ بر اثر فشار رژیم بعثی عراق، به ایران برگشت و برای ادامه تحصیل وارد حوزه علمیة قم شد و دروس سطح را تکمیل کرد و همچنین در دروس خارج فقه و اصول، فلسفه و تفسیر شرکت جست و در سال ۱۳۸۵ موفق به اخذ مدرک سطح چهار حوزه شد. وی در کنار دروس حوزوی، کارشناسی علوم تربیتی و دبیری را در مدرسه عالی قضایی قم شرکت کرد و در سال ۱۳۶۰ این دوره را به‌تمام رساند؛ سپس با شرکت در دوره کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث از دانشگاه تربیت مدرس تهران، در سال ۱۳۷۶ فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۳۸۳ موفق به اخذ مدرک دکترای تخصصی زبان و ادبیات عربی از دانشگاه تربیت مدرس تهران گردید (ر.ک: پایگاه اطلاع رسانی دانشگاه قم، گروه علوم قرآن و حدیث، <http://old.qom.ac.ir/Portal/home/?person/2517/13871/27039>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. *نقد و بررسی نظریه انکار نسخ در قرآن* (دانشگاه قم، ۱۳۹۰): این اثر مروری بر مهم‌ترین شبهات مربوط به وجود نسخ در قرآن و دیدگاه‌های مختلف در این زمینه است.

۲. *اسالیب بیانی قرآن کریم* (فرهنگ سبز، ۱۳۸۴): این کتاب درباره بررسی جمله‌های معترضه در قرآن است و اهمیت، ارزش و نقش شناخت اسالیب اعتراض در قرآن را بررسی کرده است. سایر آثار: *اولویت‌های پژوهش در علوم قرآن* (تألیف مشترک با دیگران) (حبیب، ۱۳۹۵): *تناسب آیات*؛ ترجمه قسمتی از جلد پنجم *التمهید استاد معرفت* (بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۷۳).

۲۱-۲. محمدعلی مهدوی راد (تولد: ۱۳۳۴)

ایشان در روستای ینگجه، از بخش سر ولایت نیشابور به‌دنیای آمد و در سال ۱۳۴۸ وارد حوزه علمیة مشهد شد. وی در طول هفت سال، دروس مقدماتی و سطوح عالی حوزه را گذراند و سپس به قم هجرت کرد و در دروس خارج فقه و اصول شرکت جست (ر.ک: دانشنامه تخصصی ویکی نور، <https://fa.wikinoor.ir/wiki>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. *سیر نگارش‌های علوم قرآنی* (هستی‌نما، ۱۳۸۴): در این کتاب روند نگارش آثار و پژوهش‌های علوم قرآنی از آغاز تا قرن چهاردهم معرفی و به چگونگی تطور آن به‌اجمال اشاره شده است.

۲. *آفاق تفسیر؛ مقالات و مقولاتی در تفسیر پژوهی* (ج ۱) (هستی‌نما، ۱۳۸۲): بخشی از این کتاب به روش‌شناسی تفسیر معصومان و مفسرانی چون امام خمینی و قرطبی اختصاص دارد.

۳. *آفاق سنت* (سمت، ۱۴۰۰): این اثر به تبیین ابعاد نقش‌آفرینی سنت در تفسیر قرآن پرداخته است.

۴. **تفسیر قرآن؛ تاریخچه، اصول، روش‌ها** (کتاب مرجع، ۱۳۸۸): این کتاب از دو منظر تاریخی و موضوعی به بحث دربارهٔ تاریخچه، اصول و روش‌های تفسیر قرآن می‌پردازد.
سایر آثار: **تراث الشیعة القرآنی** (تراث الشیعة القرآنی، ۱۳۸۴): **جریان‌شناسی تفاسیر فقهی؛ تاریخ، تطور و نمونه‌ها** (ج ۱، مشترک با دیگران) (دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۲): **علوم قرآنی؛ وحی، اعجاز، تحریف‌ناپذیری** (مشترک با دیگران) (سازمان سمت، ۱۴۰۱).

۲۲-۲. عباس کوثری (تولد: ۱۳۳۵)

ایشان در تربت حیدریه به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی در سال ۱۳۴۸ وارد حوزهٔ علمیهٔ هراتی تربت حیدریه شد و بخشی از ادبیات عرب را نزد اساتید آن حوزه فراگرفت؛ سپس برای ادامهٔ تحصیل رهسپار حوزهٔ علمیهٔ مشهد شد و ادبیات تکمیلی، منطق، معانی بیان و بدیع را در محضر اساتید حوزهٔ مشهد به‌پایان رساند. در سال ۱۳۵۴ وارد حوزهٔ علمیهٔ قم شد و دروس سطح را تکمیل کرد. در سال ۱۳۵۶ به دروس خارج فقه و اصول راه یافت و حدود بیست سال آن را ادامه داد (ر.ک: پایگاه راسخون، <https://rasekhoon.net/mashahir/show/600455>).

آثار علوم قرآنی

۱. **فرهنگ‌نامهٔ تحلیلی وجوه و نظائر در قرآن**، ج ۱ و ۲ (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۴): در این اثر برخی از الفاظ قرآنی که دارای وجوه و نظائر هستند، بررسی و تدوین و تبویب موضوعی شده‌اند.
۲. **نقش سیاقی در تفسیر قرآن و فقه** (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲): در این کتاب ضمن ارائهٔ دیدگاه‌های مفسران و فقیهان شیعه در این زمینه، به نمونه‌هایی از دلالت سیاق بر اثبات موضوع و استخراج ادله فقهی اشاره شده است.

۲۳-۲. جعفر انواری (تولد: ۱۳۳۶)

ایشان در قم به دنیا آمد و در سال ۱۳۵۰ وارد حوزهٔ علمیه شد. وی پس از اتمام دروس سطح، در سال ۱۳۵۶ به درس خارج فقه و اصول راه یافت و حدود بیست سال در دروس خارج اساتید شرکت کرد و مدرک سطح چهار را اخذ کرد. وی همچنین از سال ۱۳۶۰ وارد مؤسسهٔ در راه حق شد و در ادامه، مقطع کارشناسی ارشد رشتهٔ تفسیر و علوم قرآن مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع را با موفقیت به‌پایان رساند (ر.ک: پایگاه گروه تفسیر و علوم قرآن مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع، <http://quran.iki.ac.ir/node/14>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. **انگارهٔ تحریف قرآن** (مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰): این اثر در نقد و رد انگارهٔ تحریف قرآن است.

۲. **قرآن در آئینه تاریخ** (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۴۰۲): کتاب درباره تاریخ قرآن است و موضوعاتی چون آغاز و انجام نزول قرآن، ترتیب نزول قرآن، نزول قرآن بر هفت حرف، حفظ و نگارش قرآن، جمع و تدوین قرآن و صیانت قرآن از تحریف را بررسی می‌کند (ر.ک: پایگاه اطلاع رسانی اعضای هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، <https://asatid.iki.ac.ir/?prof=1102>).

۲۴-۲. سیدمجید پورطباطبائی (تولد: ۱۳۳۶)

ایشان در تهران چشم به جهان گشود. در سال ۱۳۵۴ دوره کارشناسی را در رشته زبان انگلیسی آغاز کرد و در سال ۱۳۶۷ از دانشگاه علامه طباطبائی فارغ‌التحصیل شد. در ۱۳۶۱ رسماً وارد حوزه علمیه قم شد و دروس ادبیات را تا پایان سال تحصیلی ۱۳۶۱ به پایان برد. در سال ۱۳۶۹ دوس سطح را با موفقیت به پایان رساند و سپس در دوس خارج فقه و اصول و رجال شرکت کرد. از سال ۱۳۶۴ حدود سه سال به مطالعه عرفان و فلسفه پرداخت. در سال ۱۳۷۸ در مقطع کارشناسی ارشد رشته الهیات دانشکده اصول دین، گرایش قرآن و حدیث، فارغ‌التحصیل شد (ر.ک: پایگاه راسخون، <https://rasekhoon.net/Mashahir/show-901883.aspx>).

آثار علوم قرآنی

۱. **خطاهای قرآن پژوهی جان ونزبرو، ریشه‌ها و پیامدها** (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۸): این اثر در نقد خطاهای قرآن پژوهی جان ونزبرو و بیان نقاط اصلی تحلیل‌های ناصحیح این خاورشناس است.

۲. **مطالعات محوری قرآن پژوهی خاورشناسان** (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵): این کتاب بیان‌کننده اغلب عناوین مرتبط با مطالعات محوری خاورشناسان است و براساس حدود دویست منبع با زبان‌های مختلف تهیه شده است.

۲۵-۲. محمدصادق یوسفی مقدم (تولد: ۱۳۳۶)

ایشان در تربت حیدریه به دنیا آمد و در سال ۱۳۴۹ وارد حوزه علمیه آن شهر شد. پس از اتمام دروس مقدماتی، برای ادامه تحصیل به مشهد رفت و پس از یک سال اقامت در آنجا در سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه قم شد. وی سال‌ها در دوس خارج فقه و اصول علما شرکت کرد و دروس فلسفه و تفسیر را نیز خواند (ر.ک: پایگاه تبیان، <https://article.tebyan.net/375618>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. **علم قرآنت** (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۰): این اثر به مباحثی چون شکل‌گیری و جمع قرآن و بحث قرآنت و عوامل اختلاف آنها پرداخته است.

۲. **دایرةالمعارف قرآن کریم**، هفده جلد (تألیف مشترک با دیگران) (بوستان کتاب، ۱۳۸۲): این کتاب دارای مدخل‌های مختلف درباره قرآن است.

سایر آثار: **فرهنگ قرآن**، ۳۳ جلد (تألیف مشترک با دیگران) (بوستان کتاب، ۱۳۸۹).

۲۶-۲. سیدمحمدرضا صفوی (تولد: ۱۳۳۷)

ایشان در اصفهان چشم به جهان گشود و در سال ۱۳۴۹ وارد حوزه علمیه اصفهان شد. طی سه سال مقدمات را خواند و در سال ۱۳۵۳ برای ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه قم شد. وی پس از اتمام دروس سطح، از درس خارج فقه و اصول اساتید حوزه قم کسب فیض کرد (ر.ک: ویکی نور، دانشنامه تخصصی، <https://fa.wikinoor.ir/wiki>).

آثار علوم قرآنی

۱. **بازخوانی مبانی تفسیر قرآن** (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲): این اثر به بررسی مبانی تفسیر قرآن می‌پردازد.

۲. **نقدآموزی ترجمه‌های قرآن** (مؤسسه بنیاد فرهنگی مهدی موعود، ۱۳۹۱): این کتاب ضمن بیان کلیاتی درباره بایسته‌های ترجمه قرآن و ویژگی‌های آن، به اصول مختلف فهم ترجمه و تشخیص ترجمه‌های صحیح از ناصحیح پرداخته است.

۳. **راهنمای ترجمه قرآن**، پنج جلد (دفتر نشر معارف، ۱۳۹۵): در این اثر آیات به لحاظ صرفی و نحوی مورد بررسی قرار گرفته و معنای مناسب برای ترجمه آنها آورده و مواضع لغزش در آنها نشان داده شده است.

۲۷-۲. فتح‌الله نجارزادگان (تولد: ۱۳۳۷)

ایشان در شهر اصفهان به دنیا آمد و پس از اخذ دیپلم ریاضی، در سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیه اصفهان رفت و تا سال ۱۳۶۴ دروس مقدمات و سطح اولیه را خواند؛ سپس وارد حوزه علمیه قم شد و هم‌زمان با ادامه دروس حوزه، در سال ۱۳۷۲ موفق به دریافت کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی شد. او تحصیلات حوزوی خارج فقه و اصول را هم‌زمان با تحصیلات دانشگاهی پیگیری کرد و در سال ۱۳۷۸ به اخذ دکتری در رشته علوم قرآن و حدیث از دانشگاه تهران نایل شد (ر.ک: ویکی نور، دانشنامه تخصصی، <https://fa.wikinoor.ir/wiki>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. **تحریف‌ناپذیری قرآن** (مشعر، ۱۳۸۴): این اثر دلایل سلامت قرآن از هرگونه تحریف را بیان و روایات تحریف‌نما را در منابع فریقین نقد و بررسی کرده است.

۲. **رهبافتی به مکاتب تفسیری: نقل‌گرایی، عقل‌گرایی و باطن‌گرایی** (دانشکده اصول دین، ۱۳۸۷): این کتاب، علاوه بر تبیین ادله نقل‌گرایان، عقل‌گرایان و باطن‌گرایان در تفسیر آیات الهی، به نقد این راهبردها و آسیب‌شناسی هریک می‌پردازد.

سایر آثار: **تحلیل همانندناپذیری قرآن از دیدگاه قرآن و سنت** (سازمان سمت، ۱۳۹۷)؛ **علوم قرآنی ۲**؛

همانندسازی و تحریف‌ناپذیری قرآن (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸)؛ علوم قرآنی: وحی، اعجاز، تحریف‌ناپذیری (تألیف مشترک با دیگران) (سازمان سمت، ۱۴۰۱).

۲۸-۲. علی مدبر (اسلامی) (تولد: ۱۳۳۷)

ایشان در شهر نائین به دنیا آمد و در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه قم شد و تا سال ۱۳۹۴ به تحصیل سطح و خارج اشتغال داشت. وی در سال ۱۳۸۵ سطح سه حوزه و در سال ۱۳۹۴ سطح چهار حوزه را به پایان رساند (ر.ک: پایگاه پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی، <https://quran.isca.ac.ir/fa/Attachment/Download/Modaber-Ali.pdf>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. تفسیرشناسی (مبانی، منابع، قواعد، روش‌ها و گرایش‌ها) (تألیف مشترک با دیگران) (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷): این مجموعه در قالب مقالات دایرةالمعارفی و به صورت جامع و مستند به منابع اصیل و معتبر تدوین شده است.

۲. تفسیر قرآن با قرآن در آئینه روایات، ج ۱ و ۲ (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷): این اثر درباره مبانی، زمینه‌ها، ادله، گونه‌ها، شبهات، فرایند و قواعد تفسیر قرآن با قرآن و نیز جایگاه روایات در فرایند این روش تفسیری است.

۳. دانشنامه علوم قرآنی، ج ۱ (تألیف مشترک با دیگران) (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۶): در این اثر، موضوعات علوم قرآنی ناظر به مباحث پیرامونی قرآن مطرح شده است.

سایر آثار: دایرةالمعارف قرآن کریم (تألیف مشترک با دیگران) (بوستان کتاب، ۱۳۸۲).

۲۹-۲. محمدتقی دیاری بیدگلی (تولد: ۱۳۳۸)

ایشان در شهر آران و بیدگل چشم به جهان گشود. در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه کاشان شد و دروس مقدمات و سطوح عالی حوزه را در آنجا گذراند و سپس به حوزه علمیه قم عزیمت کرد. از سال ۱۳۶۶ در دروس خارج فقه، اصول و تفسیر قرآن اساتید قم شرکت کرد. هم‌زمان با تحصیلات حوزوی، کارشناسی ارشد را در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم و سپس دوره دکتری تخصصی را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۷ به پایان رساند (ر.ک: دانشنامه تخصصی ویکی نور، <https://fa.wikinoor.ir/wiki>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. درآمدی بر تاریخ علوم قرآنی (دانشگاه قم، ۱۳۹۴): این اثر به شناسایی پیشینه، اهم منابع و سیر موضوعی علوم قرآنی می‌پردازد.

۲. آسیب‌شناسی روایات تفسیری (انتشارات سمت، ۱۳۹۹): این کتاب آسیب‌های روایات تفسیری را از حیث حذف اساتید، وضع حدیث، اسرائیلیات، پدیده غلو و غالبان، نقل به معنا و اختلاف قرائات بررسی می‌کند.

سایر آثار: *پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر قرآن* (سهروردی، ۱۳۸۴): *جریان‌شناسی تفاسیر در دوران معاصر* (تألیف مشترک با دیگران) (سرزمین سبز، ۱۳۹۷).

۲-۳۰. محمد فاکر میبیدی (تولد: ۱۳۳۸)

ایشان در شهرستان میبد دیده به جهان گشود و در سال ۱۳۵۵ برای تحصیل علوم دینی وارد حوزهٔ علمیهٔ میبد شد. وی مقدمات و بخشی از دروس سطح را در آن حوزه فراگرفت و سپس وارد حوزهٔ علمیهٔ قم شد و دروس سطح را تکمیل کرد؛ سپس در دروس خارج فقه و اصول و تخصصی تفسیر و علوم قرآن حوزه شرکت جست (ر.ک: ویکی‌فقه، <https://fa.wikifeqh.ir>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. *قواعد التفسیر لدی الشیعة والسنة* (مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۵): در این کتاب قواعد و معیارهای تفسیری مشترک میان دو مذهب شیعه و سنی با روش تطبیقی مطرح و بررسی شده است.
۲. *مبانی تفسیر روایی* (پروهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۳): این کتاب پژوهشی در باب مفاهیم و مبانی تفسیر روایی است.

سایر آثار: *جستارهایی پیرامون جریان‌شناسی علوم قرآن در دورهٔ معاصر* (بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۰) (مشترک با دیگران).

۲-۳۱. محمدجواد اسکندرلو (تولد: ۱۳۴۰)

ایشان در شهرستان همدان تولد یافت. در سال ۱۳۵۶ وارد حوزهٔ علمیهٔ قم شد و دروس مقدماتی و سطوح حوزه را در مدت یازده سال گذراند و ده سال نیز در دروس خارج فقه و اصول شرکت کرد. وی هم‌زمان با درس‌های حوزه، موفق به گذراندن دوره‌های کارشناسی الهیات و معارف اسلامی (مؤسسهٔ در راه حق، ۱۳۷۴) و کارشناسی ارشد علوم قرآنی (مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۸) و دکتری علوم قرآن و حدیث (تربیت مدرس دانشگاه قم، ۱۳۸۳) شد (ر.ک: پایگاه اندیشوران حوزه، <https://mjkskandarlou.andishvaran.ir/fa>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. *مستشرقان و تاریخ‌گذاری قرآن* (پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی، ۱۳۸۵): این اثر تاریخ‌گذاری قرآن را از دیدگاه برخی مستشرقان بیان و بررسی می‌کند.
۲. *اعجاز قرآن و مصونیت از تحریف* (مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۰): این درس‌نامه به معنای اعجاز، وجوه اعجاز قرآن، تحدی و مراحل آن، رابطهٔ تحدی و ابعاد اعجاز قرآن می‌پردازد.
۳. *المستشرقون و عدم التحریف فی القرآن الکریم* (دارالمبلغین، ۱۳۹۷): در این اثر، نخست ادلهٔ مستشرقان

قائل به عدم تحریف قرآن را بیان می‌کند؛ سپس نظر مستشرقان قائل به تحریف قرآن را می‌آورد و ادله آنان را نقد و بررسی می‌کند.

سایر آثار: *مستشرقان و علوم قرآن* (دارالمبلغین، ۱۳۹۷)؛ *مستشرقان و ساختار و انسجام قرآن کریم* (دارالمبلغین، ۱۴۰۰)؛ *قرآن و تاریخ* (دارالمبلغین، ۱۴۰۰).

۲-۳۲. سعید بهمنی (تولد: ۱۳۴۰)

ایشان در قوچان چشم به جهان گشود. در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه قم شد. دروس سطح را در سال ۱۳۶۹ به پایان رساند و سپس دروس خارج فقه و اصول را آغاز کرد. ایشان دارای مدرک سطح چهار حوزه در علوم قرآن است (ر.ک: پایگاه اندیشوران حوزه، <https://sbahmani.andishvaran.ir>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. *منطق پاسخ‌دهی قرآن* (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۴): این اثر به ساخت و اجرای مدل فرضیه‌سازی و نظریه‌پردازی درباره روش قرآن در پاسخ‌دهی به شبهات و تعامل با شبهه‌گران می‌پردازد.

۲. *نظریه‌پردازی قرآن‌بنیان* (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷): این کتاب به بررسی تحلیلی و انتقادی روش شهید صدر در نظریه‌پردازی قرآن و طرح مدل مفهومی و هریک از مراحل آن می‌پردازد.

سایر آثار: *دانشنامه قرآن پژوهان ایران* (بوستان کتاب، ۱۳۸۶)؛ *مسئله‌شناسی حوزه علوم و معارف قرآن* (بوستان کتاب، ۱۳۸۸)؛ *شبهه‌شناسی حوزه علوم و معارف قرآن* (بوستان کتاب، ۱۳۸۶).

۲-۳۳. محمدباقر سعیدی روشن (تولد: ۱۳۴۰)

ایشان در یکی از روستاهای استان قزوین به دنیا آمد و پس از طی دوره ابتدایی، دروس مقدماتی عربی و دوره راهنمایی تحصیلی را هم‌زمان در شهرستان قزوین گذراند. در زمان انقلاب اسلامی به حوزه علمیه قم آمد و بقیه دروس مقدماتی و سطوح حوزه و سپس دروس خارج فقه و اصول را از اساتید قم استفاده کرد. در کنار دروس رسمی حوزه، از سال ۱۳۵۸ در برنامه‌های آموزشی مؤسسه در راه حق شرکت کرد. در سال ۱۳۷۵ به اخذ کارشناسی ارشد از تربیت مدرس دانشگاه قم و در سال ۱۳۸۱ به اخذ دکتری در رشته علوم قرآن و حدیث از همان‌جا نایل آمد (ر.ک: پایگاه اندیشوران حوزه، <https://mbsaeidi.andishvaran.ir/fa>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. *زبان قرآن و مسائل آن* (سازمان سمت، ۱۳۹۸): این اثر به پاسخ‌گویی مهم‌ترین پرسش‌ها در باب زبان قرآن پرداخته و دیدگاه‌های ناهمخوان با مبانی معرفتی اعتقادی قرآن را نیز نقد و تحلیل کرده است.

۲. *علوم قرآنی ۱* (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۰): این اثر چپستی و چرایی وحی، چگونگی نزول قرآن و شکل‌گیری آن، همچنین منشأ پیدایش قرآن و پدیدآورنده آن را بررسی می‌کند.

۳. *تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن* (پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۶): در این کتاب زبان و کارکردهای گوناگون آن، ارتباط لفظ و معنا و فلسفهٔ زبان واکاوی، و سپس به تفصیل به بحث زبان قرآن پرداخته شده است.

۴. *تحلیل وحی از دیدگاه اسلام و مسیحیت* (مؤسسه فرهنگی اندیشه، ۱۳۷۵): در این کتاب مفهوم و ماهیت وحی تشریعی در اسلام و سپس از دیدگاه مسیحیت، و اشتراکات و تفاوت‌های آن دو مطرح شده است.

۵. *معجزه‌شناسی* (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۴۰۲): این کتاب دربارهٔ هستی، چیستی و چرایی و نیز چگونگی اعجاز و معجزات است.

سایر آثار: *اسباب یا زمینه‌های نزول آیات قرآن* (زمزم هدایت، ۱۳۷۶): *علوم قرآن* (مؤسسه امام خمینی، ۱۳۷۹): *آشنایی با علوم قرآن* (مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۶).

۲-۳۴. مهدی رستم‌نژاد (تولد: ۱۳۴۱)

ایشان در سال ۱۳۵۳ وارد حوزهٔ علمیهٔ رستم‌کلاهی مازندران شد و مقدمات و قسمتی از سطح را خواند. وی در سال ۱۳۶۱ به حوزهٔ علمیهٔ قم رفت. از سال ۱۳۶۳ دروس خارج فقه و اصول را شروع کرد و سال‌ها بدان اشتغال داشت. به‌موازات این دروس، برخی کتب فلسفه را نزد اساتید فن خواند. در سال ۱۳۷۰ در اولین دورهٔ رشتهٔ تخصصی تفسیر قرآن شرکت کرد و در سال ۱۳۸۱ موفق به اخذ مدرک سطح چهار حوزه شد (ر.ک: پایگاه اشتراک دانش دانشگاه باقرالعلوم ع: <https://kms.bou.ac.ir/professor>).

آثار علوم قرآنی

۱. *پژوهشی تطبیقی در روایات تفسیری فریقین* (مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۴): در این کتاب، شناخت ویژگی مشترک و اختصاصی روایات تفسیری و آسیب‌شناسی آنها بیان می‌شود.

۲. *جلوه‌های پیام الهی در قرآن* (نشر یاقوت، ۱۳۸۴): این اثر سیری در بیان شیوه‌های برداشت از قرآن و راه‌های دریافت پیام از قرآن و چگونگی خاستگاه پیام الهی در آیات قرآن است.

۲-۳۵. محمدعلی رضایی اصفهانی (تولد: ۱۳۴۱)

ایشان در رهنان اصفهان تولد یافت و در سال ۱۳۶۱ وارد حوزهٔ علمیهٔ اصفهان شد و دورهٔ سطح را در آن حوزه گذراند. او در سال ۱۳۶۹ به قم هجرت کرد و به‌مدت ده سال در دروس خارج فقه و اصول حاضر شد و مدرک سطح چهار حوزه را اخذ کرد. وی در سال ۱۳۷۲ از مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم مدرک کارشناسی ارشد و سپس در رشتهٔ علوم قرآن از دانشگاه آزاد مدرک دکتری را کسب کرد (ر.ک: ویکی نور، <https://fa.wikinoor.ir>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. *پژوهشی در اعجاز علمی قرآن*، ج ۱ و ۲ (کتاب مبین، ۱۳۸۰): این کتاب به موضوع اعجاز قرآن در

علمی چون قرآن و کیهان‌شناسی، قرآن و علوم ریاضی، قرآن و زیست‌شناسی، و قرآن و علوم پزشکی به‌اجمال پرداخته است.

۲. **علوم قرآن ۲ (اعجاز قرآن در علوم طبیعی و انسانی)** (مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۸): در این اثر، مباحثی چون سیر تطور اعجاز قرآن، اعجاز علمی قرآن و مصادیق آن بررسی شده است.

۳. **منطق تفسیر قرآن (۴): مباحث جدید دانش تفسیر** (مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۵): در این کتاب مباحثی چون زبان قرآن، هرمنوتیک، رابطه تفسیر قرآن با هرمنوتیک، و قرآن و فرهنگ زمانه مطرح شده است.

۴. **منطق ترجمه قرآن** (مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۱): این اثر پیرامون تبیین مبانی، قواعد، روش‌ها، سبک‌ها، آسیب‌شناسی ترجمه و شرایط مترجم است.

۵. **دیدگاه متفکران معاصر قرآنی: جریان‌ها و نظریه‌ها** (مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۸): این کتاب به جریان‌های تفسیری معاصر، مانند جریان تفسیر اجتماعی و علمی، جریان تفاسیر میان‌رشته‌ای و جریان‌های انحرافی و نیز به شخصیت‌های معاصر قرآنی در جهان عرب و ایران و شبه‌قاره و در میان مستشرقان پرداخته است.

سایر آثار: **درآمدی بر تفسیر علمی قرآن** (انتشارات اسوه، ۱۳۸۳): **درس‌نامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن** (مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲) و ...

۲-۳۶. سیدرضا مؤدب (تولد: ۱۳۴۱)

ایشان در قمر کاشان به دنیا آمد. در سال ۱۳۵۲ وارد حوزه علمی قم شد و دروس مقدماتی و سطوح حوزه را به مدت یازده سال به پایان رساند. دروس خارج فقه و اصول را در سال ۱۳۶۴ شروع کرد و تا سال ۱۳۷۲ ادامه داد. وی تحصیلات دانشگاهی را نیز از سال ۱۳۶۳ آغاز کرد و مقطع کارشناسی الهیات را در دوره آموزش عالی دفتر تبلیغات، و مقطع کارشناسی ارشد مدرسی الهیات و معارف اسلامی را در تربیت مدرس دانشگاه قم گذراند و در سال ۱۳۷۶ موفق به اخذ مدرک دکتری علوم قرآن و حدیث از دانشگاه تهران شد (ر.ک: وبگاه علوم قرآن و حدیث، <http://drmostafavi.blogfa.com/post/735>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. **اعجاز قرآن** (مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۶): در این کتاب به بررسی معناشناسی اعجاز، دیدگاه معصومین و عالمان مسلمان درباره اعجاز قرآن و همچنین وجوه گوناگون اعجاز قرآن پرداخته شده است.

۲. **روش‌های تفسیر قرآن** (انتشارات سمت، ۱۳۹۲): در این کتاب روش‌های رایج در تفسیر، شامل روش قرآن به قرآن، روایی، عقلی و باطنی، تحلیل و بررسی می‌شود.

۳. *نزول قرآن و رؤیای هفت حرف* (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸): این اثر حدیث سبعة احرف و برخی دیدگاه‌های دانشمندان اهل سنت و مستشرقان را درباره این حدیث و قرائات هفت‌گانه نقد کرده و نظر علمای شیعه در این باره را بیان نموده است.

۴. *مبانی تفسیر قرآن* (دانشگاه قم، ۱۳۹۶): در این اثر مهم‌ترین مبانی تفسیر، مانند امکان و جواز تفسیر، حجیت ظهور قرآن، نیاز مخاطبان قرآن به تفسیر، ساختار چندمعنایی قرآن، زبان قرآن و جامعیت قرآن، از نظر مفسران فریقین بررسی شده است.

۵. *روش‌های تفسیری* (تألیف مشترک با دیگران) (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸): در این کتاب، روش‌های تفسیری قرآن به قرآن، روایی، عقلی و نیز گرایش‌های تفسیری ادبی، کلامی، علمی، اجتماعی و عرفانی بررسی شده است.

سایر آثار: *مفردات قرآن کریم: پژوهشی در واژه‌شناسی قرآن* (احسن الحدیث، ۱۳۷۸): ...

۲-۳۷. محمدعلی اسدی‌نسب (تولد: ۱۳۴۲)

ایشان در بروجرد چشم به جهان گشود و در سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه بروجرد شد؛ سپس در سال ۱۳۵۹ به حوزه علمیه قم رفت. او تا سال ۱۳۶۷ دروس سطح را به‌تمام رساند و در دروس خارج فقه و اصول شرکت کرد و موفق به اخذ مدرک سطح چهار حوزه شد. وی در سال ۱۳۷۰ در اولین دوره رشته تخصصی تفسیر شرکت کرد (ر.ک: پایگاه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، <https://iict.ac.ir/1398/02/m-asadinazab>).

آثار مهم قرآنی

۱. مبانی قرآن‌شناختی علم دینی با تأکید بر علوم انسانی (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۴۰۱): کتاب در دو بخش، ضمن بیان مبانی علم دینی و علوم انسانی اسلامی، به شبهات مربوطه نیز پاسخی مناسب می‌دهد.

۲. *المناهج المشتركة التفسیریة بین الشیعة و السنة* (مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۹۷): این کتاب به بررسی انواع روش‌های تفسیری بین مفسران فریقین می‌پردازد.

۳. *بررسی و نقد تفاسیر عرفانی* (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۴۰۲): این اثر در بخش اول به توصیف و نقد ده تفسیر مهم عرفانی پرداخته و در بخش دوم ضمن بیان مبانی، روش، رویکرد و اسلوب تفسیر عرفانی معیار، آنها را روی یک سوره از قرآن پیاده کرده است.

سایر آثار: *قرآن‌شناخت* (کانون اندیشه جوان، ۱۴۰۲)؛ *جامع البیان فی الاحادیث المشتركة حول القرآن* (مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۴)؛ *قرآن و سکولاریسم*.

۲-۳۸. حسین علوی مهر (تولد: ۱۳۴۲)

ایشان در شهرستان اهواز به دنیا آمد و در سنین کودکی همراه خانواده به بوشهر مهاجرت کرد و در سال

۱۳۶۲ دروس حوزه را در همان‌جا آغاز نمود؛ سپس برای ادامهٔ تحصیل، ابتدا راهی حوزهٔ علمیهٔ اصفهان شد و ادبیات عرب را در آن حوزه خواند؛ سپس وارد حوزهٔ علمیهٔ قم شد و دروس دورهٔ سطح را نزد اساتید قم به‌پایان رساند و از سال ۱۳۶۸ در دروس خارج فقه و اصول شرکت کرد. ایشان در سال ۱۳۷۱ در رشتهٔ تخصصی تفسیر و علوم قرآن حوزهٔ علمیهٔ قم شرکت جست و موفق به اخذ سطح چهار شد (ر.ک: پایگاه اندیشوران حوزه، <https://halavimehr.andishvaran.ir/fa/ScholarMainpage.html>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. *روش‌ها و گرایش‌های تفسیری* (انتشارات اسوه، ۱۳۸۱): نویسنده دیدگاه‌های مختلف صاحب‌نظران را در زمینهٔ تفسیر و تأویل، روش‌های تفسیری و گرایش‌های معروف مطرح کرده و مورد نقد و بررسی قرار داده است.

۲. *مسئلهٔ وحی و پاسخ به شبهات آن* (مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۲): در این اثر، وحی رسالی و وحی قرآنی و شبهات آن بررسی شده است و نویسنده به تبیین حقیقت وحی، خطاناپذیری آن و وحیانی بودن قرآن کریم می‌پردازد.

سایر آثار: *آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران* (مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۰): *نقش شیعه در تفسیر و علوم قرآنی* (تألیف مشترک با دیگران) (انتشارات امام علی بن ابی‌طالب، ۱۳۹۷).

۳۹-۲. غلامعلی عزیزی‌کیا (تولد: ۱۳۴۲)

ایشان در روستای بُندرآباد شهرستان یزد متولد شد و پس از اتمام دوران ابتدایی به یزد مهاجرت کرد و در سال ۱۳۵۷ با رها کردن تحصیل در دبیرستان به جمع طالبان علوم حوزوی پیوست. در سال ۱۳۵۹ برای ادامهٔ تحصیل راهی حوزهٔ علمیهٔ قم شد. از سال ۱۳۶۱، هم‌زمان با فراگیری دروس رایج حوزوی، به تحصیل در بخش آموزش مؤسسهٔ در راه حق پرداخت و دورهٔ شش‌سالهٔ معارف اسلامی را گذراند. در سال ۱۳۷۳ مقطع ارشد رشتهٔ تفسیر و علوم قرآن را به‌پایان برد و در سال ۱۳۸۸ از مقطع دکتری رشتهٔ تفسیر و علوم قرآن مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع فارغ‌التحصیل شد (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی اعضاء هیئت علمی / مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی، <https://asatid.iki.ac.ir/?prof=1187>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. *روش‌شناسی تفسیر قرآن* (تألیف مشترک با دیگران) (سمت، ۱۳۹۷): این کتاب در پنج فصل به‌طور مستدل به مفهوم تفسیر و تأویل، قواعد تفسیر، منابع تفسیر، علوم مورد نیاز مفسر و شرایط مفسر می‌پردازد.

۲. *نقش حدیث در تفسیر قرآن* (مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۵): این اثر ضمن اثبات اثرگذاری فی‌الجملة حدیث در تفسیر قرآن و نقد دیدگاه‌های رقیب، شرایط اعتبار حدیث تفسیری و نقش حدیث در روش‌آموزی تفسیر را بیان کرده است.

۲-۴۰. علی غضنفری (تولد: ۱۳۴۲)

ایشان در شهر ایلام به‌دناى آمد. در سال ۱۳۶۱ بعد از اخذ دیپلم راهی حوزه علمیه آشتیان شد و مقداری از ادبیات را در آنجا آموخت و پس از آن در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شد. دروس مقدماتی تا سطح عالی را در هشت سال گذراند و پس از آن، حدود پانزده سال در دروس خارج فقه و اصول از اساتید قم بهره برد. در سال ۱۳۷۴ با پذیرش در مرکز تخصصی تفسیر حوزه علمیه قم، سطح چهار را در آنجا گذراند (ر.ک: وبسایت رسمی علی غضنفری، <http://www.qazanfari.net/resume>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. *التکرار فی القرآن* (دانشگاه علوم و معارف قرآن، ۱۳۹۳): در این نوشتار، علت تکرارهای الفاظ قرآن و فواید آن بررسی شده است.
 ۲. *اسباب نزول آیات قرآن کریم* (زمینه سازان ظهور امام عصر(عج)، ۱۴۰۰): این اثر اسباب نزول را به شیوه موضوعی بررسی کرده است.
 ۳. *بیان روان در علوم قرآن* (میثم تمار، ۱۳۷۹): این اثر در حوزه علوم قرآن با هدف تعریف و جایگاه علوم قرآنی و بیان ساده کلیه مباحث علوم قرآنی نوشته شده است.
- سایر آثار: *اصول، مبانی، مناهج و شیوه‌های تفسیر* (بی‌جا، بی‌تا)؛ *تجوید قرآن* (نیلوفرانه، ۱۳۸۵).

۲-۴۱. سیدعبدالرسول حسینی‌زاده (تولد: ۱۳۴۳)

ایشان در روستای خضرآباد یزد دیده به جهان گشود. در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه یزد شد و دروس مقدماتی حوزه را در این شهر خواند. در سال ۱۳۵۹ به حوزه علمیه قم رفت و طی نه سال دروس سطح حوزه را به‌پایان رساند. وی بیش از پانزده سال نیز در درس‌های خارج فقه و اصول شرکت کرد. در سال ۱۳۷۲ به تحصیل در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن در حوزه علمیه قم پرداخت و در چهار سال این دوره را گذراند (ر.ک: پایگاه راسخون، به نقل از ماهنامه ایحاء، ش ۱ <https://rasekhoon.net/article/amp/show/207909>).

آثار علوم قرآنی

۱. *آرایه‌های بدیع: بیان و تبیین آرایه‌های لفظی و معنوی آیات قرآن* (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۲): در این پژوهش شیوه‌های زیباسازی در صناعات بدیع به دو گونه «آرایه‌های معنوی» و «آرایه‌های لفظی» تقسیم و بررسی شده است.
۲. *بررسی تطبیقی نسخ در قرآن کریم* (بوستان کتاب قم، ۱۳۹۳): این اثر، پژوهشی در زمینه مبانی نظری نسخ در قرآن و فرق آن با بداء است.

۳. جمع قرآن و تقسیمات آن (بوستان کتاب قم، ۱۳۹۲): این اثر به جمع قرآن در زمان پیامبر و توقیفی بودن نظم موجود در سوره‌های قرآن و تقسیم قرآن به ظاهری و محتوایی پرداخته است.

۲-۴۲. محمد خامه‌گر (تولد: ۱۳۴۳)

ایشان در خوزستان دیده به جهان گشود. اوایل دهه ۶۰ به حوزه علمیه قم وارد شد و پس از گذراندن دروس مقدماتی و سطح حوزه، به دروس خارج فقه و اصول راه یافت و در سال ۱۳۷۲ سطح چهار حوزه را به‌تمام رساند. وی در سال ۱۳۷۵ از دانشگاه شهید چمران اهواز مدرک کارشناسی ادبیات عرب را گرفت و در سال ۱۳۷۹ دوره کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث را دانشکده اصول‌الدین قم به‌پایان رساند و در سال ۱۳۷۹ از دانشگاه فردوسی مشهد مدرک دکتری علوم قرآن و حدیث را گرفت (ر.ک: پژوهشکده اسلام تمدنی، <https://ici.isca.ac.ir>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. ساختار هندسی سوره‌های قرآن: پیش‌درآمدی بر روش‌های نوین ترجمه و تفسیر قرآن کریم (شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۲): نویسنده در این اثر کوشیده است با عنایت به مسئله تناسب آیات نشان دهد که آیات هر سوره بر محوری واحد به‌گونه‌ای منظم و هندسی سامان یافته‌اند.

۲. کیفیت نزول آیات سوره‌های قرآن کریم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۱): این کتاب درباره بررسی کیفیت نزول سوره‌های قرآن به‌صورت یک‌جا یا تدریجی است.

۳. اصول و قواعد کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۶): این اثر درباره چگونگی ضابطه‌مند کردن مراحل کشف ساختار و غرض سوره‌های قرآن، فرایند علمی کشف ساختار و غرض سوره‌ها به‌صورت استدلالی است.

۴. اصول و مبانی تفسیر قرآن به قرآن (مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۴۰۱): این اثر به اصول و مبانی مورد نیاز یک مفسر برای تفسیر با روش قرآن به قرآن می‌پردازد.

۵. تفسیر ساختاری قرآن کریم (تألیف مشترک با دیگران) (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸): این کتاب به سوره‌شناسی قرآن، روش‌شناسی مشخصات نزولی سوره‌های قرآن، روش‌شناسی جهت‌گیری محتوایی سوره، و ساختارشناسی تحلیلی و توصیفی قرآن می‌پردازد.

سایر آثار: سیر تحول و سبک‌شناسی ترجمه‌های قرآن کریم به زبان فارسی: از قرن ۴ تا ۱۵ (نشر، ۱۳۹۵): اصول و مبانی تفسیر موضوعی (انتشارات یکصد و ده، ۱۳۹۵): مجموعه کامل ساختار سوره‌های قرآن کریم (نشر، ۱۳۹۳).

۲-۴۳. علیرضا قائمی‌نیا (تولد: ۱۳۴۳)

ایشان در ارومیه متولد شد و هم‌زمان با تحصیل در دبیرستان به تحصیلات حوزوی پرداخت و در سال ۱۳۶۰ برای

ادامهٔ تحصیلات حوزوی وارد حوزهٔ علمیهٔ قم شد. بعد از اتمام سطح، در دروس خارج فقه و اصول شرکت کرد و همراه با تحصیل دروس سطح حوزه، به‌صورت تخصصی در رشتهٔ فلسفه در مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی[ؑ] به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۷۹ مدرک کارشناسی ارشد را گرفت؛ سپس در سال ۱۳۸۵ از دانشگاه تربیت مدرس تهران در مقطع دکتری رشتهٔ فلسفه فارغ‌التحصیل شد (ر.ک: اشتراک دانش دانشگاه باقرالعلوم[ؑ]، <https://kms.bou.ac.ir/professor>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. **وحی و افعال گفتاری (نظریهٔ وحی گفتاری)** (زالال کوثر، ۱۳۸۱): این کتاب دربارهٔ رابطهٔ وحی و تجربهٔ عرفانی و نیز سرشت وحی، وحی اسلامی و بسط‌ناپذیری تجربهٔ نبوی و هرمنوتیک وحی است.

۲. **بیولوژی نص: نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن** (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۳): این اثر تحقیقی در باب ارتباط نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن و نیز طرح دیدگاه‌هایی خاص دربارهٔ معرفت دینی است.

۳. **معناشناسی شناختی قرآن** (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰): در این کتاب، اصول معناشناختی لازم برای تفسیر قرآن معرفی می‌شود؛ همانند: اصالت تعبیر قرآنی؛ تعیین‌پذیری مفهوم‌سازی‌های قرآنی؛ مقوله‌بندی؛ شعاعیت معنا؛ حرکت خیالی و تلفیق مفهومی.

۴. **استعاره‌های مفهومی و فضا‌های قرآنی** (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶): در این اثر، نویسنده با استفاده از مفهوم استعاره و تبیین نقش آن، به بررسی عمیق‌تر آیات قرآن می‌پردازد. سایر آثار: **معناشناسی**، ج ۱ و ۲ (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰).

۲-۴۴. امیررضا اشرفی (تولد: ۱۳۴۴)

ایشان متولد تهران است و سال ۱۳۶۳ وارد حوزهٔ علمیهٔ قم شد. دروس مقدمات و سطح حوزه را تا سال ۱۳۷۰ به‌اتمام رساند و سپس در دروس خارج فقه و اصول به‌مدت پنج سال شرکت کرد. هم‌زمان با درس‌های حوزه، دورهٔ پنج‌سالهٔ الهیات و معارف اسلامی مؤسسهٔ در راه حق را گذراند و در سال ۱۳۷۳ در مقطع کارشناسی الهیات و معارف اسلامی فارغ‌التحصیل شد. دورهٔ کارشناسی ارشد پیوستهٔ علوم قرآنی مؤسسهٔ امام خمینی[ؑ] را در سال ۱۳۷۸ به‌پایان رساند و سپس در سال ۱۳۸۰ در دورهٔ دکتری علوم قرآن و حدیث مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته و در سال ۱۳۸۵ به‌اخذ درجهٔ دکتری نایل شد (ر.ک: تبیان، <https://article.tebyan.net/95459>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. **مبانی تفسیری علامه طباطبائی در تفسیر المیزان** (مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۸): این کتاب به تبیین مبانی تفسیری علامه طباطبائی در محور متن قرآن در پنج فصل پرداخته است.

۲. **علوم قرآنی از دیدگاه علامه بلاغی** (مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱): در این کتاب

دیدگاه‌های علامه محمدجواد بلاغی در موضوع علوم قرآن و گستره آن، ارتباط علوم قرآن با تفسیر، اعجاز قرآن، تدوین قرآن، مصونیت قرآن از تحریف و مبانی فهم قرآن منعکس شده است.

۲-۴۵. عبدالکریم بهجت‌پور (تولد: ۱۳۴۴)

ایشان در دزفول به دنیا آمد و در سال ۱۳۶۰ دروس حوزه را آغاز کرد؛ سپس به حوزه علمیّه قم آمد و به ادامه تحصیل تا درس خارج فقه و اصول پرداخت. وی فارغ‌التحصیل سطح چهار حوزه در رشته تفسیر و علوم قرآن در سال ۱۳۸۰ است (ر.ک: پایگاه اندیشوران حوزه، <https://bahjatpour.andishvaran.ir>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. *مهارت‌های بیان تفسیر سوره‌های قرآن کریم* (نشر هاجر، ۱۴۰۱): در این کتاب، روش و ساختار صحیح تفسیرنگاری و بیان تفسیر ارائه شده است.

۲. *تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول) مبانی، اصول، قواعد و فواید* (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲): این کتاب به سبک تفسیر قرآن برحسب نزول سوره‌ها و مبانی و اصول و روش آن می‌پردازد.

۳. *مبانی و اصول تفسیری فریقین* (آثار نفیس، ۱۳۹۲): این اثر با نگاهی تطبیقی به مباحث نظری تفسیر از دیدگاه شیعه، اشاعره، معتزله، ماتریدیه و وهابیه، با نگاهی به منابع و تاریخ تفسیر این فرقه‌ها می‌پردازد.

سایر آثار: *کتاب‌شناسی تحلیلی - توصیفی قرآن و فرهنگ زمانه* (دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۸۳)؛ *شناخت‌نامه تنزیلی سوره‌های قرآن کریم* (مؤسسه فرهنگی تمهید، ۱۳۹۴)؛ *تفسیر فریقین: تاریخ، مبانی، اصول، منابع* (مؤسسه مذاهب اسلامی، ۱۳۸۸)؛ *قواعد تفسیر تنزیلی موضوعی* (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، آماده انتشار) و...

۲-۴۶. علی نصیری (تولد: ۱۳۴۴)

ایشان در روستای مژده از توابع شهر رشت به دنیا آمد و در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیّه رشت شد. سطوح عالی و دروس خارج فقه و اصول را در حوزه‌های علمیّه مشهد و قم طی کرد. وی هم‌زمان با دروس حوزه، از سال ۱۳۷۲ به دانشگاه فردوسی و دانشگاه رضوی مشهد وارد شد و به اخذ درجه کارشناسی نائل آمد. در سال ۱۳۷۸ از دانشگاه تهران در رشته علوم قرآنی مدرک کارشناسی ارشد گرفت و در سال ۱۳۸۲ در همین رشته و در همین دانشگاه به درجه دکتری نائل شد (ر.ک: پایگاه ایران کتاب، <https://www.iranketab.ir/profile/26114>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. *بررسی مکتب تفسیری صدرالمتألهین* (بنیاد حکمت ملاصدرا، ۱۳۸۶): در این نوشتار به معرفی تفسیر صدرالمتألهین، تبیین گرایش و مبانی تفسیری وی و بررسی شخصیت و جایگاه علمی او پرداخته شده است.

۲. *رابطه متقابل کتاب و سنت* (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶): این کتاب در پنج فصل به بازساخت کلیاتی درباره قرآن، مبانی سنت‌شناسی، رابطه کتاب و سنت از منظر اندیشه‌وران، خدمات سنت به قرآن و خدمات قرآن به سنت می‌پردازد.

۳. *روش‌شناسی تفسیر قرآن* (انتشارات وحی و خرد، ۱۳۹۵): این کتاب به روش‌شناسی تفسیر سوره‌ها و آیات می‌پردازد.

۴. *قرآن گفتار الهی: نقد شبهات دکتر سروش در زمینه وحی الهی* (وحی و خرد، ۱۳۹۰): این اثر رویکردی نقادانه به دیدگاه‌های قرآنی عبدالکریم سروش است.

سایر آثار: *نقد شبهات قرآنی* (انتشارات وحی و خرد، ۱۴۰۰)؛ *قرآن کتاب ثور و تسبیحی* (انتشارات وحی و خرد، ۱۳۹۱)؛ *علوم قرآنی* (انتشارات وحی و خرد، ۱۴۰۱)؛ *راز جاودانگی قرآن* (انتشارات وحی و خرد، ۱۳۹۰) و...

۲-۴۷. حمید آریان (تولد: ۱۳۴۵)

ایشان در شهر گلور، مرکز بخش شاهرود شهرستان خلخال به دنیا آمد. یک‌سال بعد از اتمام دبیرستان، در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شد. دوره مقدمات و سطح را در مدت هشت سال به پایان رساند و از سال ۱۳۷۲ دوره خارج فقه و اصول را آغاز کرد. وی هم‌زمان با تحصیل دروس حوزه، در سال ۱۳۶۹ وارد بخش آموزش مؤسسه در راه حق شد و کارشناسی الهیات و معارف اسلامی را در سال ۱۳۷۳ اخذ کرد؛ سپس از مقطع کارشناسی ارشد فلسفه و کلام در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم در سال ۱۳۷۶ فارغ‌التحصیل شد. ایشان همچنین دروس کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن را در مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی^ع در سال ۱۳۷۹ به‌تمام رساند و سپس در سال ۱۳۹۰ به اخذ درجه دکتری تفسیر و علوم قرآن از مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی^ع نائل شد. ایشان از سال ۱۳۷۹ به عضویت هیئت علمی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی^ع درآمد است (ر.ک: پایگاه اطلاع رسانی اعضا هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، <https://asatid.iki.ac.ir/?prof=1417>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. *درآمدی بر زبان قرآن* (نشر مرتضی، ۱۳۹۶): موضوع این کتاب بررسی زبان قرآن از منظر فلسفه دین است و در آن، معناداری و معرفت‌بخشی زبان قرآن، عرفی بودن زبان قرآن، علمی بودن زبان قرآن و نمادین بودن زبان قرآن بررسی شده است.

۲. *نقش عقل در تفسیر قرآن*: این اثر شأن و منزلت عقل در تفسیر را از دیدگاه جریان‌ات مختلف تفسیری جهان اسلام بررسی کرده، کارکردهای ابزاری و استقلالی عقل در تفسیر را بیان می‌کند.

۳. *نظریه‌های تفسیر قرآن*: در این اثر، نظریه‌های کلان تفسیر قرآن در نزد اندیشمندان مسلمان در قالب سه نظریه «متن - مؤلف‌محوری»، «متن - شهودمحوری» و «مفسر‌محوری» بررسی شده است.

۴. *مبانی تفسیر قرآن*: در این کتاب، مبانی و بنیادهای نظری تفسیر قرآن به تفصیل بررسی شده است.

۵. روش تفسیر قرآن: این اثر مراحل و شیوه تفسیر قرآن را بررسی می‌کند.

۶. روش‌شناسی پژوهش تطبیقی (با تأکید بر علوم انسانی و قرآنی): این کتاب اصول و روش مطالعه

تطبیقی در علوم انسانی و اسلامی و به‌صورت ویژه در تفسیر و علوم قرآنی را بررسی می‌کند.

سایر آثار: محدوده و محدودیت‌های کاربرد عقل در تفسیر قرآن: نص‌گرایی، عقل‌گرایی و باطن‌گرایی در

تفسیر قرآن؛ و...

۲۴۸. ابراهیم کلانتری (تولد: ۱۳۴۵)

ایشان در روستای شوراب از توابع ارسنجان فارس به دنیا آمد و پس از اتمام دوره ابتدایی، برای فراگیری علوم اسلامی به حوزه علمیه شهرستان مرودشت رفت. در سال ۱۳۶۰ برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه شیراز عزیمت کرد و تحصیلات حوزوی را در این حوزه ادامه داد. در سال ۱۳۶۴ برای تکمیل تحصیلات و شرکت در دروس خارج فقه و اصول وارد حوزه علمیه قم شد و تا سال ۱۳۷۳ به تعلیم دروس حوزوی اشتغال یافت. هم‌زمان با تحصیل در حوزه قم، دروس متوسطه را ادامه داد. در سال ۱۳۷۴ از دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی در مرکز تربیت مدرس وابسته به دانشگاه قم فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۳۸۱ مدرک دکتری علوم قرآن و حدیث را در همان مرکز کسب کرد (ر.ک: پایگاه اندیشوران حوزه، <https://akalantari.andishvaran.ir/fa/ScholarMainpage.html>).

آثار علوم قرآنی

۱. وحی قرآنی: چیستی، حقیقت و چگونگی نزول وحی قرآنی، دیدگاه‌ها، نقد و نظر (دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷): این اثر به طرح دیدگاه‌ها درباره وحی می‌پردازد و نظریه غالب در میان مسلمانان را با بیان ادله آن اثبات می‌کند.

۲. قرآن و چگونگی پاسخ‌گویی به نیازهای زمان (دفتر نشر معارف، ۱۳۸۶): این کتاب به بررسی چگونگی پاسخ‌گویی قرآن به نیازهای زمان پرداخته و در آن برخی ویژگی‌های قرآن، مانند جامعیت، جهان‌شمولی و جاودانگی، و وحیانی بودن الفاظ آن، بررسی و تحلیل شده است.

۲۴۹. علی‌اوسط باقری (تولد: ۱۳۴۶)

ایشان در بخش زرندیه ساوه به دنیا آمد و در سال ۱۳۶۳ بعد از اخذ دیپلم راهی حوزه علمیه قم شد. در سال ۱۳۷۳ دوره مقدمات و سطح را به پایان برد و در دروس خارج فقه و اصول اساتید حوزه قم حاضر شد. هم‌زمان با تحصیل فقه و اصول در سال ۱۳۶۹ وارد بخش آموزش مؤسسه در راه حق شد و در سال ۱۳۷۴ مقطع کارشناسی الهیات و معارف اسلامی را به پایان برد. وی سپس در مقطع ارشد رشته تفسیر و علوم قرآن در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع به ادامه تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۷۹ فارغ‌التحصیل شد. سپس تحصیلات خود را در مقطع دکتری همان رشته و در همان مؤسسه ادامه داد و در سال ۱۳۸۹ موفق به اخذ درجه دکتری شد.

آثار علوم قرآنی

۱. *فلسفه و تاریخچهٔ دانش علم قرآن همراه با برخی مباحث علوم قرآن* (مؤسسه امام خمینی، ۱۳۹۹): این اثر دانش علوم قرآن و تاریخچهٔ آن و برخی مباحث مهم این دانش را بررسی کرده است.

۲. *نقش پیش‌دانشته‌ها و علایق مفسر در تفسیر قرآن* (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۹): این کتاب تأثیر پیش‌دانشته‌ها و علایق مفسر در تفسیر راه، با لحاظ روش صحیح تفسیر قرآن، روشن کرده و آسیب‌های ممکن را در این خصوص شناسانده است.

۲-۵۰. سیدمحمود طیب حسینی (تولد: ۱۳۴۶)

ایشان علاوه بر تحصیلات متداول حوزوی، تحصیلات دانشگاهی خود را در مقطع دکتری علوم قرآن و حدیث مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم به‌اتمام رساند (ر.ک: امامت پدیا، دانشنامه امامت و ولایت، <https://fa.imamatpedia.com/wiki>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. *درآمدی بر دانش مفردات قرآن* (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰): بخش نخست این اثر به مباحث نظری مفردات قرآن و بیان منابع معناشناسی کلمات قرآن اختصاص یافته است. در بخش دوم، چگونگی معناشناسی مفردات قرآن در پنج واژهٔ اساسی قرآنی نشان داده شده است.

۲. *چندمعنایی در قرآن کریم* (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۵): این کتاب به بررسی زوایای مختلف چندمعنایی در قرآن و امکان و جواز آن می‌پردازد.

سایر آثار: *الأدوات النحویة و دورها فی تفسیر القرآن المجید* (جامعه الزهراء، ۱۴۰۰): *اتقان در علوم قرآن: نقش ادوات نحوی در تفسیر قرآن (با محوریت نوع چهلم الاتقان سیوطی)*، ج ۱-۳ (دانشکده اصول دین، ۱۳۹۲): *مفردات قرآن* (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۲): *پژوهشی در محکم و متشابه (تألیف مشترک با دیگران)*، (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸).

۲-۵۱. محمدعلی محمدی (تولد: ۱۳۴۶)

ایشان در روستای ابرسج شاهرود به‌دنیا آمد. در سال ۱۳۶۲ وارد حوزهٔ علمیهٔ بسطام شد. یک سال بعد به حوزهٔ علمیهٔ شاهرود رفت و پس از اتمام لمعتین و اصول مظفر، در سال ۱۳۶۷ وارد حوزهٔ علمیهٔ قم شد. بعد از اتمام دروس سطح، به دروس خارج فقه و اصول حوزه راه یافت. وی در سال ۱۳۸۵ سطح سه و در سال ۱۳۹۴ سطح چهار حوزه را به‌پایان رساند. همچنین از دانشگاه ادیان و مذاهب قم در سال ۱۳۹۶ موفق به اخذ مدرک دکتری شیعه‌شناسی شد (ر.ک: پایگاه راسخون، <https://rasekhoon.net/mashahir/show-902946.aspx>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. *اعجاز قرآن با گرایش شبهه‌پژوهی*، ج ۱-۳ (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۴): در این کتاب، پاسخ شبهات مطرح‌شده دربارهٔ اعجاز قرآن داده شده است.

۲. *قرآن در مکتب اهل‌بیت با تأکید بر کتاب اصول مذهب الشیعه* (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۱): این اثر روش‌های مغالطه و هابیان را در ضدیت با اندیشه و آثار اهل‌البیت تبیین کرده و در کنار آن به پاسخ‌گویی مهم‌ترین شبهات آنان در زمینهٔ موضوعات قرآنی می‌پردازد.

۲-۵۲. هادی حجت (تولد: ۱۳۴۷)

ایشان در شهر کرمان متولد شد و پس از یک سال تحصیل در رشتهٔ علوم تجربی، در سال ۱۳۶۲ وارد حوزهٔ علمیهٔ کرمان شد؛ سپس در سال ۱۳۶۳ به حوزهٔ علمیهٔ قم عزیمت کرد و همراه با دروس حوزوی، از سال ۱۳۷۰ مقطع کارشناسی را در رشتهٔ فلسفهٔ دانشگاه شهید بهشتی آغاز کرد. در سال ۱۳۷۵ در مقطع ارشد رشتهٔ علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس تهران پذیرفته و در سال ۱۳۷۷ فارغ‌التحصیل شد. او به مدت چهار سال دورهٔ آموزشی رشتهٔ تخصصی تفسیر و علوم قرآن حوزه را در سال ۱۳۷۹ با موفقیت به‌تمام رساند. همچنین ایشان در سال ۱۳۸۳ موفق به اخذ مدرک دکترای رشتهٔ علوم قرآن و حدیث از مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم شد (ر.ک: پایگاه اندیشوران حوزه، <https://hhojjat.andishvaran.ir/fa/ScholarMainpage.html>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. *عیار نقد بر ترجمان وحی* (فرهنگ‌گستر، ۱۳۷۹): در این کتاب، ضمن مروری بر ترجمه‌های قرآن کریم، برخی از آنها معرفی و نقد شده‌اند.

۲. *درس‌نامهٔ ترجمهٔ قرآن کریم* (مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۵): این اثر، پژوهشی دربارهٔ شیوهٔ صحیح ترجمهٔ قرآن است که جنبه‌ای آموزشی برای قرآن‌پژوهان، اعم از طلبه و دانشجو، دارد.

سایر آثار: *ریشه‌های نور: مبانی آموزشی ترجمهٔ قرآن کریم* (تألیف مشترک با دیگران) (درجه، ۱۳۷۵)؛ *ترجمان نور: طرحی نو در آموزش ترجمهٔ قرآن کریم* (انتشارات قم، ۱۳۸۷).

۲-۵۳. مصطفی کریمی (تولد: ۱۳۴۸)

ایشان در روستای دستجرد از توابع کبودرآهنگ به دنیا آمد و در سال ۱۳۶۷ وارد حوزهٔ علمیهٔ قم شد. حدود هفت سال در دروس خارج فقه و اصول از اساتید بهره برد و در کنار دروس حوزه از سال ۱۳۶۹ دورهٔ عمومی پنج‌سالهٔ مؤسسهٔ در راه حق را گذراند؛ سپس در مقطع ارشد رشتهٔ تفسیر و علوم قرآن از مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع در سال ۱۳۸۰ فارغ‌التحصیل شد (ر.ک: پایگاه اطلاع رسانی اعضاء هیئت علمی مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع، <https://asatid.iki.ac.ir/?prof=1414>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. **جامعیت قرآن کریم: پژوهشی در قلمرو موضوعی قرآن** (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰): این کتاب به بررسی قلمرو موضوعی قرآن می‌پردازد.

۲. **وحی‌شناسی** (مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۶): این کتاب، وحی و وحی قرآنی را از جنبه‌های گوناگون بررسی می‌کند.

۳. **فرایند تفسیر موضوعی** (انتشارات سمت، ۱۴۰۲): در این اثر، فرایند تفسیر موضوعی قرآن بررسی شده است.

سایر آثار: **قرآن و قلمروشناسی دین** (مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۳).

۲-۵۴. **سیدمحمدحسن جواهری** (تولد: ۱۳۵۰)

ایشان بعد از ورود به حوزهٔ علمیه و گذراندن مقدمات و سطوح مقدماتی، از سال ۱۳۸۰ تحصیل در فقه و اصول را به صورت تخصصی آغاز کرد و در سال ۱۳۸۳ سطح سه را گذراند و در سال ۱۳۹۲ موفق به اخذ مدرک سطح چهار حوزه شد. وی همچنین در موضوعات تخصصی دیگر، مانند علوم قرآن، تفسیر و ترجمه، اشتغال داشته است (ر.ک: پایگاه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، <https://iict.ac.ir/1398/02/m-javaheri>).

آثار مهم قرآنی

۱. **روش‌شناسی ترجمهٔ قرآن کریم** (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱): در این اثر، اصول کلی و مباحث نظری مربوط به ترجمهٔ قرآن کریم براساس مقتضیات زبان‌شناسی ترجمه بررسی شده است.

۲. **درس‌نامهٔ ترجمه: اصول، مبانی و فرایند ترجمهٔ قرآن** (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰): این اثر به کلیات و اصول ترجمهٔ قرآن، مبانی ترجمهٔ قرآن و فرایند ترجمهٔ قرآن می‌پردازد.

۳. **اعجاز بیانی و تأثیری قرآن**، ج ۱ و ۲ (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۹): محورهای اصلی بحث در این اثر، چپستی و چگونگی اعجاز بیانی و تأثیری و رابطهٔ آن دو با یکدیگر است.

۴. **فلسفهٔ علوم قرآن** (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶): در این کتاب به تعریف علوم قرآنی، ارتباط آن با علوم دیگر، روش تحقیق در علوم قرآن، شاخه‌های اصلی و مأخذشناسی آن پرداخته شده است.

سایر آثار: **جستاری در وحی** (مرکز مدیریت حوزهٔ علمیهٔ قم، ۱۳۸۹)؛ **پرسمان علوم قرآنی** (بوستان کتاب، ۱۳۹۲)؛ **اعجاز و تحدی: پاسخ به شبهات** (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۷).

۲-۵۵. **علی فتحی زنجانی** (تولد: ۱۳۵۲)

ایشان در گلابر زنجان دیده به جهان گشود و در سال ۱۳۶۹ وارد حوزهٔ علمیهٔ قم شد. مقدمات و سطح را در مدرسهٔ

شهیدین خواند و سپس در دوره عالی فقه و اصول همان مدرسه شرکت کرد. در کنار دروس حوزوی، مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن را در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی* گذراند و سپس در مقطع دکتری فلسفه تفسیر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه فارغ‌التحصیل شد (ر.ک: پایگاه اندیشوران حوزه، <https://afathi.andishvaran.ir/fa/ScholarMainpage.html>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. **معیاری‌پذیری تفسیر قرآن رهیافت‌ها و چالش‌ها** (پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۶): در این اثر، مباحثی همچون اعتبار تفسیر، تعین معنای متن و وابستگی معنای آن به مؤلف، بررسی و نقد مبانی و مستندات و پیامدهای رویکرد ذهنی‌گرا در تفسیر متون دینی، به‌ویژه تفسیر قرآن، بررسی شده است.

۲. **تفسیر قرآن به قرآن: سیر تاریخی، مبانی و معیارها** (پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۰): این اثر ضمن گزارش عینی پیشینه تاریخی تفسیر قرآن به قرآن، به بررسی مبانی و معیارهای مهم این روش پرداخته است.

۳. **مبانی تفسیر قرآن کریم** (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۲): در این اثر، مبانی مهم صدوری و دلالتی تفسیر قرآن بر پایه عناصر اصلی دخیل در تفسیر آیات بررسی شده است.

۴. **جریان‌شناسی تفسیر سلفی** (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷): این اثر با استناد به منابع برجسته تفسیری سلفیه، شاخص‌ها، مبانی و روش‌های مهم سلفیه به‌ویژه سلفیه افراطی در تفسیر را بیان و پیامدهای فکری - فرهنگی آن را بررسی و نقد کرده است.

سایر آثار: **اصول و مقدمات تفسیر** (تألیف مشترک با دیگران) (پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸): **فن ترجمه قرآن**.

۲-۵۶. علی راد (تولد: ۱۳۵۶)

ایشان در ارومیه به دنیا آمد و به‌منظور کسب تحصیلات حوزوی وارد حوزه علمیه مشهد شد. همچنین دوره کارشناسی رشته علوم قرآن و حدیث را در دانشگاه علوم اسلامی رضوی گذراند و سپس دوره کارشناسی ارشد را در همان دانشگاه در سال ۱۳۸۴ به‌پایان رساند. وی سپس در دوره دکتری رشته معارف اسلامی گرایش قرآن و متون، در سال ۱۳۸۹ از دانشکده علوم حدیث (دانشگاه قرآن و حدیث) فارغ‌التحصیل شد (ر.ک: وبگاه علوم قرآن و حدیث، <http://drmostafavi.blogfa.com/post/4674>).

آثار مهم علوم قرآنی

۱. **مبانی کلامی امامیه در تفسیر قرآن (با رویکرد نقادانه به آرای ذهبی، عسالی و رومی)** (سخن، ۱۳۹۰): این کتاب به تشریح اصول و مبانی کلامی شیعه در تفسیر قرآن کریم می‌پردازد.

۲. **غور قرآن از نظریه تا تفسیر** (مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۹۵): این کتاب به مباحث نظری غررشناسی

و به تبیین چستی معنایی و مفهومی غرر، زمینه‌های پدیداری آیات غرر، انواع رهیافت‌ها، اکتشاف و الگوی طبقه‌بندی این آیات اختصاص یافته است.

۳. **گونه‌شناسی احادیث قرآنی امامیه از نظریه تا تطبیق** (دارالحدیث، ۱۳۹۷): در این اثر به چگونگی تعامل و بهره‌بری روشمند از احادیث قرآنی امامیه در شناخت و تفسیر قرآن پرداخته شده است.

سایر آثار: **جریان‌شناسی تفاسیر فقهی: تاریخ، تطور و نمونه‌ها**؛ دو جلد (تألیف مشترک با دیگران) (دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۱)؛ **آشنایی با قرآن و دانش‌های قرآنی** (تألیف مشترک با دیگران) (زائر آستانه مقدسه، ۱۳۹۴)؛ **تفسیر امامیه در پژوهش‌های خاورشناسان: تحلیل نقد** (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۹).

۳. مترجمان حوزوی قرآن

در سدهٔ اخیر تعدادی از عالمان و دانشوران حوزهٔ علمیهٔ قم به ترجمهٔ قرآن کریم نیز اقبال نشان داده و ترجمه‌های فاخر و ارزشمندی از قرآن به زبان فارسی عرضه کرده‌اند. در پایان به اسامی مترجمان قرآن حوزهٔ علمیهٔ قم اشاره می‌شود: ناصر مکارم شیرازی، علی فیض مشکینی، عباس مصباح‌زاده، محمدکاظم معزی، محمد صادقی تهرانی، سیدکاظم ارفع، حسین انصاریان، سیدمحمدباقر موسوی همدانی، رضا سراج، سیدهاشم رسولی محلاتی، عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، سیدمهدی داور (آیت‌اللهی)، سیدمصطفی حسینی دشتی، عبدالمجید معادینخواه، یعقوب جعفری، محسن قراتی، محمدعلی کوشا، محمدعلی رضایی و همکاران، سیدمحمدرضا صفوی، علی کرمی فریدنی، علی شیروانی، محمود صلواتی، و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن (ر.ک: رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰-۲۵).

نتایج پژوهش

بررسی زندگی و آثار علوم قرآنی عالمان حوزهٔ علمیهٔ قم در صد سال اخیر نشان می‌دهد که در این دوران، اندیشمندان برجسته‌ای در دامان حوزهٔ قم پرورش یافته‌اند و آثار گران‌سنگ فراوانی در زمینهٔ علوم قرآن با روش‌ها و رویکردهای متفاوت در حوزهٔ قم تألیف شده است.

تاریخ پیدایش آثار علوم قرآن گویای این حقیقت است که هرچه از زمان تأسیس حوزهٔ علمیهٔ قم به طرف زمان حاضر می‌آییم، فعالیت‌های علمی در زمینهٔ علوم قرآن از جهت کمیت و کیفیت به صورت چشمگیری افزایش یافته است؛ به‌ویژه با پیروزی انقلاب اسلامی و فراهم شدن زمینه و بسترهای مناسب برای آموزش و پژوهش این رشته، رشد و پیشرفت چشمگیری را در این زمینه شاهدیم و اکنون نیز ادامه دارد.

منابع

- بهمنی، سعید، ۱۳۸۶، *دانشنامه قرآن پژوهان ایران*، قم، بوستان کتاب.
- پایگاه اشتراک دانش دانشگاه باقرالعلوم، <https://kms.bou.ac.ir>
- پایگاه اطلاع رسانی آثار حضرت آیت‌الله مصباح یزدی، <https://mesbahyazdi.ir>
- پایگاه اطلاع رسانی اعضای هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، <https://asatid.iki.ac.ir>
- پایگاه اطلاع رسانی اندیشوران حوزه، <https://andishvaran.ir/fa/ScholarMainpage.html>
- پایگاه اطلاع رسانی اندیشوران حوزه، <https://hhojjat.andishvaran.ir/fa/ScholarMainpage.html>
- پایگاه اطلاع رسانی آیت‌الله محمود رجبی، <https://mahmoodrajabi.ir>
- پایگاه اطلاع رسانی آیت‌الله مکارم شیرازی، <https://makarem.ir/maaref/fa/article/index/420872>
- پایگاه اطلاع رسانی ایران کتاب، <https://www.iranketab.ir/profile>
- پایگاه اطلاع رسانی بنیاد بین‌المللی علوم وحیانی اسراء، <https://javadi.esra.ir>
- پایگاه اطلاع رسانی پژوهشکده اسلام تمدنی، <https://ici.isca.ac.ir>
- پایگاه اطلاع رسانی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، <https://www.gisoom.com/book/1973967>
- پایگاه اطلاع رسانی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، <https://iict.ac.ir>
- پایگاه اطلاع رسانی پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی، <https://quran.isca.ac.ir/fa/Attachment>
- پایگاه اطلاع رسانی تبیان، <https://article.tebyan.net>
- پایگاه اطلاع رسانی جامعه مدرسین قم، <https://jameehmodarresin.org>
- پایگاه اطلاع رسانی دانشنامه تخصصی ویکی‌نور، وابسته به مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی <https://fa.wikinoor.ir/wiki>
- پایگاه اطلاع رسانی دانشنامه ویکی‌فقه، دانشنامه فقه و اصول و علوم حوزوی زیر نظر پژوهشکده باقرالعلوم، <https://fa.wikifeqh.ir>
- پایگاه اطلاع رسانی راسخون، <https://rasekhoon.net/mashahir>
- پایگاه اطلاع رسانی رسمی آیت‌الله محمدعلی تسخیری، <https://www.taskhiri.net>
- پایگاه اطلاع رسانی علوم قرآن و حدیث، <http://blogfa.com/post/4674>
- پایگاه اطلاع رسانی علی غضنفری، <http://www.qazanfari.net/resume>
- پایگاه اطلاع رسانی گروه تفسیر و علوم قرآن مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، <http://quran.iki.ac.ir/node>
- پایگاه اطلاع رسانی مرکز فقهی ائمه اطهار، <http://markazfeqhi.com/content>
- پایگاه اطلاع رسانی ویکی اهل البیت، دانشنامه، <https://wiki.ahlobait.com>
- پایگاه اطلاع رسانی ویکی پدیا، دانشنامه آزاد، <https://fa.wikipedia.org/wiki>
- پایگاه اطلاع رسانی ویکی شیعه، <https://fa.wikishia.net/view>
- پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، <https://hawzah.net/fa/Mostabser/View/62167>
- پایگاه امامت پدیا، دانشنامه امامت و ولایت، <https://fa.imamatpedia.com>
- رضایی‌اصفهانی، محمدعلی و همکاران، ۱۳۸۹، *سیمای ترجمان فارسی قرآن*، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، جامعه‌المدرسین فی الحوزة العلمية.
- کریمی‌چهرمی، علی، ۱۳۸۳، *آیت‌الله مؤسس*، قم، راسخون.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱، *جهان‌شناسی*، تحقیق و بازنگاری حمید آریان، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- معرفت، محمدهادی، ۱۳۸۱، *علوم قرآنی*، چاپ چهارم، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید.

Common Schools of Interpretation in the Islamic Seminary of Qom in the Previous Century

Ali Akbar Baba'i / Professor of the Department of Qur'anic Studies, Researcher of Qom's Islamic Seminary and University
ababayi@rihu.ac.ir

Received: 2024/04/23 Accepted: 2024/05/03

Abstract

Different schools in interpreting the Holy Qur'an have emerged over time, as is the case in other sciences. The exegetical works of the interpreters in the Islamic Seminary of Qom and their methods in the previous century can be referred to various interpretive schools. This article tries to identify the important and noteworthy interpretations of scholars of the Islamic Seminary of Qom in the last century and to discover and analyze their interpretive method and principles to introduce their interpretive school and analyze them. According to the result of this research, the commentators of the previous century of the Islamic Seminary of Qom follows three different schools of interpretation: 1. The interpretive-deductive (*ijtihadi*) school of interpreting Qur'an by Qur'an, in two extreme and moderate forms; 2. The narrative-deductive school of interpretation; 3. The relatively comprehensive deductive school of interpretation.

Keywords: Exegetical Schools, the Islamic Seminary of Qom, deductive (*ijtihadi*) interpretation of Qur'an by Qur'an, Qur'an-Sufficiency, Narrative-deductive interpretation, Comprehensive deductive interpretation, 14th century.

The Changes in the Course of Qur'anic Sciences and Its Related Writings in the Qom Islamic Seminary in the Last Century

Ruhollah Shahidi / Assistant Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Farabi School, University of Tehran shahidi@ut.ac.ir

Received: 2024/02/17 **Accepted:** 2024/05/11

Abstract

Qur'anic sciences have been receiving attention in the Qom Islamic Seminary since the 1930s and has produced many works so far. Collecting the works on Qur'anic sciences from Qur'anic bibliographic references, websites and databases, this article tries to find the branches of Qur'anic sciences that are of interest to seminarians, the number of works in each branch and will analyze and investigate the development in each branch and field and the factors that led to its creation. Tracking the series of writings of the Qom Islamic Seminary in Qur'anic sciences shows a significant quantitative increase of writings from one decade to another. In addition, the variety of Qur'anic research topics worked in the Qom Islamic Seminary scholars also increases over time. The content of their works in the 1930s and 1940s is limited to a few topics such as revelation and distortion, but some factors led to the development of these writings over time such as: the Islamic revolution of Iran and the centralization of the Qom Islamic Seminary, the establishment of research institutes and specialized centers for Qur'anic sciences, the establishment and development of the field of Qur'anic and hadith sciences, the increase of Qur'anic researches, taking advantage of the rich heritage of contemporary Imamiyyah interpretation by scholars, the detailed analysis of interpretive sources and especially interpretive traditions, the use of new linguistic sciences and humanities, reconstruction and rereading their traditional and official views by responding to doubts and revising general rules and foundations and contemplation on theorizing techniques. Qur'anic sciences expanded to include different branches and to create an identity for the Shi'ite Qur'anic sciences and to make an independent Imamiyyah Qur'anic thought.

Keywords: Qur'anic sciences, Qom Islamic Seminary, Qur'anic sciences writings, Imamiyyah Qur'anic thought, development of Qur'anic sciences.

The Amount of Influential Scientific Works of the Islamic Seminary of Qom in Quranic Sciences in the Last Century

Ali Awsat Baqeri / Assistant Professor of the Department of Qur'an Interpretation and Sciences, Imam Khomeini Educational and Research Institute bagheri@qabas.net

Received: 2024/02/23

Accepted: 2024/05/06

Abstract

"Quranic sciences" is a science that studies the specific and essential accidents of the Holy Qur'an. This article introduces and analyzes the influential scientific works done in the Islamic Seminary of Qom in the field of Qur'anic sciences in the fourteenth century, using a descriptive-analytical method. This research indicates that the scholars of the Islamic Seminary of Qom have made remarkable researches in Quranic sciences in the last century, especially after the Islamic revolution of Iran. These works can be divided into four categories: 1- Researches of scholars of the sciences of "Principles", jurisprudence and theology in relation with Quranic sciences. 2- The Quranic sciences topics in the introduction of some commentaries or within their interpretational works, such as the introduction of "Tafsir al-Mizan" and the introduction of the "Tafsir Tasnim", as well as some discussions within these two interpretive works, 3 - Independent books containing some main or important topics of Quranic sciences. Some of these books are as follows: *Quran in Islam*, *Al-Tamahid fi Ulum al-Qur'an*, *Quran-Shenasi*, *Introduction to al-Tafsir*, *Tarikh va Olum-i Quran*, *Ara' howl al-Qur'an*, and *Al-Qur'an al-Karim va Revayat al-Madresatain*, 4- Special or thematic monographs in the field of Quranic sciences. Some books of this category are as follows: *al-Mofasserun Hayatohom va Manhajohom*, *Ravesh-Shenasi-e Tafsir-e Qur'an*, *Makateb-e Tafsiri*, *Tarikh-e Tafsir-e Qur'an*, *Asib-Shenasi Jaryanhaye Tafsiri*.

Keywords: independent books in Qur'anic sciences, monographs of Qur'anic sciences, interpretive schools, interpretive trends, subjects of Qur'anic sciences, influential works of Qur'anic sciences, Islamic Seminary of Qom, fourteenth century.

Religious Sovereignty in the Thoughts and Exegetical Works of Contemporary Scholars of the Qom Seminary

Muhammad Javad Norouzi Farani / Professor, Department of Political Science, IKI
Mohamadjavadnorouzi@yahoo.com

Received: 2024/03/05 Accepted: 2024/03/05

Abstract

Using descriptive-analytical method, this paper has analyzed the thoughts and exegetical works of contemporary Islamic scholars (14th century) of the Qom seminary regarding the issue of "religious sovereignty". The research aims to explain the religious sovereignty in the thoughts and exegetical works of the scholars and to present their position on this issue. To this end, the paper tried to figure out, analyze and explain the exegetical achievements of these thinkers as the six indicators of religious sovereignty: 1. Religious sovereignty as the sovereignty of justice and values; 2. Relationship between religion and politics; 3. The necessity of government; 4. Government legitimacy; 5. The popularity of government; 6. Government structure. The research results show that the outcome of thoughts of contemporary Islamic scholars of the Qom seminary in the interpretation of the Qur'anic verses related to religious sovereignty has both positive and negative aspects. On the negative side, the interpretation of these thinkers is as follows: controversy, criticism and negation of the legitimacy of the political system and the foundations of tyrannical rule. On the positive side, the exegetical achievement of these thinkers includes explaining the components of religious and divine sovereignty and explaining its dimensions, especially in the era of the occultation of Imam Mahdi.

Keywords: religious sovereignty, politics and government, interpretation of the political verses of the Qur'an, the Qom seminary, fourteenth century.

The Confrontation of the Qom Islamic Seminary with Deviant Currents of the Last Century in the Field of Qur'anic Interpretation and Qur'anic Sciences

Alireza Azimifar/ Level 4 of Qom Islamic Seminary, Qur'an Interpretation and Qur'anic Sciences
azimitafsir@gmail.com

Received: 2024/02/18

Accepted: 2024/05/08

Abstract

How was the confrontation of Qom's Islamic Seminary, as one of the influential Shi'ite seminaries in the 14th century, with deviant courses of Qur'anic science and interpretation, including eclectic and non-eclectic courses? This article discusses this issue by collecting data and information using a documentary and a descriptive-analytical method. According to this research three deviant currents have emerged in the field of interpretation, in the last century: 1. Scientism, with the orientation of the authenticity of sense and experiment (the groups of Melli-Mazhabi and Nehzat Azadi) 2. The intellectual current with a socialist and sociological orientation (part of Hoseiniya Ershad and the group of *mobarez* Muslim movement) 3. The quasi-Islamic Marxist trend with a political orientation based on revolutionism (the groups of Mojahedin Khalq and Furqan). Among the scholars of the Qom Islamic seminary in the last century, Allameh Tabataba'i and his students, especially Martyr Motahhari and Ayatollah Misbah Yazdi, seriously confronted these currents. The main reasons for their intellectual deviation in the interpretation of Qur'anic verses are as follows: lack of respect for necessary prerequisites and scientific foundations for a valid interpretation, self-referentiality in reading religious texts and opposition to the Islamic Seminary and clergymen.

Keywords: Qom Islamic seminary, deviant currents, eclecticism in interpretation, intellectual flow, knowledge of interpretation, 14th century, Allameh Tabatabai, Shahid Motahhari, Ayatollah Misbah Yazdi.

The Methods of Teaching the Interpretation of the Qur'an in the Qom Seminary in the Last Century

Abbas Elahi / Assistant Professor at the Department of Qur'an Sciences, Al-Mustafa International University
ABBAs_ELAhI48@yahoo.com

Received: 2024/03/05

Accepted: 2024/04/29

Abstract

This article examines the methods of teaching Qur'anic interpretation by the Qom seminary teachers in the 14th century SH. It aims to use past experiences for better teaching of Qur'anic interpretation in the future. The method used in this descriptive-analytical study is library and sometimes field observations. The research findings show that due to the difference in educational levels and the difference in the style of the presentation of interpretation, three methods of teaching interpretation have been common in the Qom seminary in the last century: passive, semi-active and active. The dominant method of teaching interpretation in the Qom's seminary is the passive method which includes explanations and lectures. Teaching interpretation in the semi-active method, which includes the participation of some learners in the teaching process, is ranked next. The third type, i.e. the active method, has not been seriously considered by the teachers of the Qom seminary during the last century and has been used only in the last two decades in specialized centers. The active method has been implemented through two methods of question and answer and participation of the learners in the discussion and encouraging them to give lectures or solve problems with the guidance of teachers.

Keywords: teaching methods, interpretation teaching method, Qom seminary, 14th century.

The Prominent Commentators of the Qom Seminary in the Last Century; Allameh Tabatabai

Amir Reza Ashrafi / Associate Professor at the Department of Commentary and Qur'anic Sciences, the Imam Khomeini Institute for Education and Research Ashrafi@iki.ac.ir

Received: 2024/02/22 Accepted: 2024/03/03

Abstract

Allameh Tabatabai, a renowned scholar of the Qom seminary, is one of the greatest thinkers and commentators of the Islamic world in the last century. Using the descriptive-analytical method, this paper has analyzed Allameh's role in Qom seminary as a prominent commentator. Reviving the knowledge of interpretation and the Qur'anic culture and confronting the invading cultures, meeting the needs of the time with the help of Qur'an, standing against the deviant trends in the interpretation, and promoting and supporting the "interpretation of the Qur'an by the Qur'an" are among the most important and valuable contribution of Allameh to the Qom seminary. His interpretive method in "*Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*" has some special characteristics. The book was written by him at the Qom seminary and sent out to the Muslim world. Unique use of context and other verses, special reliance on precise verses, goal-oriented and monotheistic interpretation, innovative classification of Qur'anic topics and special attention to Ahl al-Bayt hadiths are among these characteristics.

Keywords: Allameh Tabatabai, *Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an*, commentators of the fourteenth century, interpretation of the Qur'an by the Qur'an, monotheistic interpretation, goal-oriented interpretation, *Gharar* verses

The Prominent Interpreters of the Islamic Seminary of Qom in the Recent Century;

Allameh Misbah Yazdi and the Systematic Thematic Interpretation of the Qur'an

Hamid Aryan / Associate Professor of Interpretation, Department of Imam Khomeini
Educational and Research Institute aryan@iki.ac.ir

Received: 2024/04/23

Accepted: 2024/05/14

Abstract

Ayatollah Mohammad-Taqi Misbah Yazdi is one of the rare eminent scholars grown up in the Qom Islamic Seminary in the last century, who is a theoretician in various fields of Islamic sciences, including the interpretation of the Holy Qur'an, and has written various valuable works. Using a descriptive-analytical method, this article studies this his interpretive character in the ups and downs of the Islamic Seminary of Qom in the recent hundred years (1300-1400). According to this research, Ayatollah Misbah is the originator of the systematic thematic interpretation of the Holy Qur'an. This innovative model of thematic interpretation of the Holy Qur'an has the following features: it has a holistic view and a maximal comprehensiveness of the subjects related to the Qur'an, it is in accordance with Islam's general system of beliefs, morality and society, it is oriented with Islamic sciences and humanities, and it is related to the challenges of the day. Some of Misbah Yazdi's interpretive characteristics are: being a theoretician in Qur'an interpretation, having a systematic approach to Qur'an's teachings, and having a systematic view of the thematic presentation of Qur'an's teachings. His interpretive works extract and reflect the entire system of Qur'anic-based Islamic thought in the following four areas: fundamental theological issues, principles of moral and social systems, issues of moral and social systems, and devotional and individual commands.

Key words: 14th century interpreters, interpretive figures, knowledge of Qur'an interpretation, Qom Islamic Seminary, Mohammad Taqi Misbah Yazdi.

Prominent Commentators of the Qom Seminary in the Last Century; Ayatullah Javadi Amoli

Majid Heidarifar/ Professor of Advanced Level at Seminary of Qom

dr.mheidarifar313@yahoo.com

Received: 2024/02/25 Accepted: 2024/04/30

Abstract

Using descriptive-analytical method, this article deals with the personality, school and exegetical works of Ayatullah Abdullah Javadi Amoli, one of the commentators at Qom Seminary in the 14th century. By examining the different aspects of his exegetical school through analyzing the foundations, rules, method and sources of exegesis and presenting the characteristics of *Tasnim Book*, his important work of exegesis, the article shows his position and dignity among the exegetes of the last century. His scientific influence in the field of interpretation on the current generation of seminarians and those interested in Qur'an education is presented. The research findings show that Ayatullah Javadi Amoli, in addition to mastering the intellectual and narrative sciences, is one of the prominent and successful contemporary commentators of the Qom seminary. He is inspired by the life of Allameh Tabataba'i in removing desolation from the Qur'an, and has efficiently presented the knowledge and teachings of this divine book to the scientific community by teaching Tafsir of the Qur'an and providing innovations in the field of foundations and methods of interpretation, as well as in the correct and innovative interpretations of the content of the verses along with the expressions of the indications and subtleties of the Qur'an. The compilation of the great Tasnim commentary with distinguished features and numerous volumes and the thematic interpretation of the Qur'an is a testimony to this fact and represents his scientific creativity, character and status in this field.

Keywords: Abdullah Javadi, Javadi Amoli interpretive character, methodology of interpretation, principles and sources of interpretation, principles and rules of interpretation, commentators of the 14th century, the Qom Seminary.

Prominent Commentators of the Qom Seminary in the Last Century; Ayatollah Jafar Sobhani

✉ **Mohammad Hadi Mansouri** / Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Studies,
University of Islamic Education, Qom mansouri@maaref.ac.ir
Ali Alvandi / MA Student of the Quranic and Hadith Studies, university
ALi.Alvandi154@gmail.com

Received: 2024/02/29

Accepted: 2024/05/01

Abstract

In the 14th century SH, the Qom seminary witnessed the emergence of eminent and worthy scholars and commentators. Using the descriptive-analytical method, this article investigates the scientific personality of Ayatollah Jafar Sobhani, one of the great scholars of the Qom seminary in the last century in the field of Quranic interpretation. The purpose of the research is to analyze the scientific characteristics of this eminent scholar in the field of Quranic interpretation. The research results show that Ayatollah Sobhani is an influential figure and an outstanding and prolific commentator with many works in Quranic interpretation and research. The characteristics of Ayatollah Sobhani's actions and scientific works in the thematic interpretation of the Qur'an include: prioritizing the thematic interpretation, paying attention to theological topics and the doubts related to them, paying attention to the method of interpreting the Qur'an by the Qur'an, ijtiḥād in the use of interpretive narrations, and observing sequential and thematic order in interpretation. The characteristics of his works in the sequential interpretation of the Qur'an include the comprehensive treatment of the topics of the Qur'anic knowledge with regard to their basic role for the interpretation of the Qur'an, the breaking of the past traditions in the compilation of the Qur'an interpretation according to the order of the verses and attention to thematic comprehensiveness of the topics in the interpretation of each category of verses.

Keywords: prominent figures in interpretation, eminent Shiite commentators, the Qom seminary, 14th century commentators, Ayatollah Jafar Sobhani

Prominent Commentators of the Islamic Seminary of Qom in the Recent Century; Ayatollah Naser Makarem Shirazi

Mohammad Hadi Mansouri / Assistant Professor of Department of Quranic and Hadith Studies, University of Islamic Sciences, Qom mansouri@maaref.ac.ir

Received: 2024/04/24 Accepted: 2024/04/30

Abstract

Muslim scholars have paid special attention to the science of Qur'an interpretation since the establishment of Islamic seminaries. The interest in Quranic studies and exegetical writings grew more and more in the 14th century AH, and many scholars and commentators wrote in this field. This article studies the exegetical character of Ayatollah Naser Makarem Shirazi, as one of the interpreters of the Islamic Seminary of Qom in the 14th century, and recounts his role and activities in the field of contemporary Quranic studies, using a descriptive-analytical method. The result of this study shows that Ayatollah Makarem is one of the great and prominent exegetical scholars of the recent century, and his exegetical and Quranic works have been noticeable for the different sections of society and has had a significant impact on the Quranic activities and researches of this era. He has interpreted the Qur'an in both sequential and topical interpretation styles. His interpretive works have structural coherence and have guidance and educational orientation. The characteristic of his exegetical work is modernity and reliance on valid standards in the interpretation of scientific verses, revival of the old Shia interpreter's method, having a reasonable style in processing the content of Quranic verses, relying on the method of ijtihadi interpretation of the Qur'an.

Keywords: interpretive characters, prominent commentators of the 14th century, Islamic Seminary of Qom, Naser Makarem Shirazi.

Interpretive Figures of the Islamic Seminary of Qom in the Recent Century

Abuzar Tashakkori Saleh / Assistant Professor of Imam Khomeini Educational and Research
Institute s.fajr@yahoo.com

Received: 2024/04/23 **Accepted:** 2024/05/03

Abstract

This article introduces the important interpretive figures of the Islamic Seminary of Qom in the 14th century to introduce their scientific figures and their works and promote their interpretive achievements in the last century. This research was conducted using library method and has a descriptive-historical method, and its scope is limited to the interpretive studies performed in Qom's Islamic Seminary, or the interpreters who wrote or taught their exegesis during their presence in the Seminary, except for five interpreters (Allameh Tabataba'i, Ayatollah Javadi, Ayatollah Misbah, Ayatollah Sobhani and Ayatollah Makarem) whose personality and works have been introduced independently in other articles. According to the result of this research, many great scholars are trained in the Islamic Seminary of Qom in the field of interpretation during the last century; and producing a large number of excellent exegetical works, they made a proud achievement for Islamic Seminary of Qom in the fourteenth century, which can be a good sample for the current and future generation of the Seminary.

Keywords: Interpretive figures, Qom Islamic Seminary, commentators of the 15th century, interpretive works, Quranic activities.

The Qom Seminary's Prominent Figures in Qur'anic Sciences in the Last Century; Ayatullah Muhammad Hadi Ma'refat

Hamed Marafat / Ph.D. in Qur'anic and Hadith Sciences

hamed.marefat@gmail.com

Received: 2024/03/08

Accepted: 2024/04/29

Abstract

Ayatullah Muhammad Hadi Ma'refat (1309-1385) is one of the well-known scholars of Qur'anic interpretation and sciences of the Qom seminary in the 14th century. Using historical-analytical method, this article studies his scientific personality in the field of Qur'anic sciences. The research findings indicate that most of Ayatullah Ma'refat's scientific activities in the field of Qur'anic sciences have been carried out in the Qom seminary. He is the author of numerous books including Qur'anic studies and the author of the encyclopedia "*Al-Tamhid fi Ulum al-Qur'an*", which is famous in the Muslim world. Ayatullah Ma'refat's Qur'anic- scientific thoughts and researches have some basic characteristics including problem-centeredness, need-awareness, scholasticism, fairness orientation, following approximation, foresightedness, free thinking and innovative thinking. He has presented influential views and opinions on some issues of Qur'anic sciences, such as collection and compilation regarding the Qur'an, recitations of the Qur'an, abrogation of the Quran, interpretation of the Quran, and protection of the Quran from distortion, which is the subject of attention and reference by researchers of Islamic and Qur'anic sciences. In the field of the Qur'anic sciences, he devoted himself to the education of a generation of young scholars and prepared the ground for establishing the foundation of numerous educational and research centers in this field in Qom and in Iran.

Keywords: Qur'anic sciences, Muhammad Hadi Ma'refat, figures of Qur'anic sciences, 14th century Qur'anic scholars, the Qom seminary, *Al-Tamahid fi Uloom al-Qur'an*.

Abstracts

The Scholars of Qur'anic Sciences of the Last Century in the Qom Islamic Seminary

Sayyed Ruhollah Hosseini Aliabad / Ph.D. Student of Qur'an and Hadith Sciences, Imam
Khomeini Educational and Research Institute hoseiny.ali.110@gmail.com

Received: 2024/05/18 Accepted: 2024/05/18

Abstract

The Qom Islamic Seminary has cultivated many scholars in various fields of Islamic sciences, including Qur'anic sciences, in the 14th century SAH. Using a descriptive-analytical method, this article aims to introduce the important Qur'anic science figures of the Qom Islamic Seminary in this century and their researches to make Qur'anic researchers more familiar with their scientific achievements and to promote these achievements; except for Ayatollah Ma'rafat who is introduced in an independent article. According to the findings of this study, a large number of eminent thinkers in Qur'anic sciences have been cultivated in the Islamic Seminary of Qom during the last century, especially the last three decades of this century, who can be a role model for the current and future generation of the seminaries in their contemplation and learning. These scholars have created great scientific-research works in various subjects of Qur'anic sciences, which is a proud for the Islamic Seminary of Qom and a lasting legacy for the future scientific community of Iran and the world.

Keywords: Qur'anic sciences, students of Qom Islamic Seminary, Qur'anic sciences works, 14th century Qur'anic scholars.

Table of Contents

Common Schools of Interpretation in the Islamic Seminary of Qom in the Previous Century / <i>Ali Akbar Baba'i</i>	7
The Changes in the Course of Qur'anic Sciences and Its Related Writings in the Qom Islamic Seminary in the Last Century / <i>Ruhollah Shahidi</i>	29
The Amount of Influential Scientific Works of the Islamic Seminary of Qom in Quranic Sciences in the Last Century / <i>Ali Awsat Baqeri</i>	91
Religious Sovereignty in the Thoughts and Exegetical Works of Contemporary Scholars of the Qom Seminary / <i>Muhammad Javad Norouzi Farani</i>	111
The Confrontation of the Qom Islamic Seminary with Deviant Currents of the Last Century in the Field of Qur'anic Interpretation and Qur'anic Sciences / <i>Alireza Azimifar</i>	133
The Methods of Teaching the Interpretation of the Qur'an in the Qom Seminary in the Last Century / <i>Abbas Elahi</i>	155
The Prominent Commentators of the Qom Seminary in the Last Century; Allameh Tabatabai / <i>Amir Reza Ashrafi</i>	173
The Prominent Interpreters of the Islamic Seminary of Qom in the Recent Century; Allameh Misbah Yazdi and the Systematic Thematic Interpretation of the Qur'an / <i>Hamid Arian</i>	193

Prominent Commentators of the Qom Seminary in the Last Century; Ayatollah Javadi Amoli / *Majid Heidarifar*209

Prominent Commentators of the Qom Seminary in the Last Century; Ayatollah Jafar Sobhani / *Mohammad Hadi Mansouri & Ali Alvandi*.....231

Prominent Commentators of the Islamic Seminary of Qom in the Recent Century; Ayatollah Naser Makarem Shirazi / *Mohammad Hadi Mansouri*249

Interpretive Figures of the Islamic Seminary of Qom in the Recent Century / *Abuzar Tashakkori Saleh*263

The Qom Seminary's Prominent Figures in Qur'anic Sciences in the Last Century; Ayatollah Muhammad Hadi Ma'refet / *Hamed Marafat*297

The Scholars of Qur'anic Sciences of the Last Century in the Qom Islamic Seminary / *Sayyed Ruhollah Hosseini Aliabad*.....313

In the Name of Allah

Qur'ān Shinākht

An Academic Semiannual on Quranic Studies

Vol.17, No.1

Spring & Summer 2024

Proprietor: *Imam Khomeini Education and Research Institute*

Editor in Chief: *Mahmoūd Rajabī*

Editor: *Gholam Ali Azizikia*

Editorial Board:

Hujjat al-Islam Dr. Hamīd Aryān \ *Associate Professor, IKI.*

Hujjat al-Islam Dr. Amīr Riza Ashrafi \ *Associate Professor, IKI*

Hujjat al-Islam Alī Akbaī Babai \ *Associate Professor, Research Institute of Hawza Wa Danishgah*

Hujjat al-Islam Dr. Ali Awsat Baqiri \ *Assistant professor, IKI.*

Hujjat al-Islam Dr. Muhammad Riza Jabbari \ *Associate professor, IKI.*

Hujjat al-Islam Dr. Sayyid Muhammad Baqir Hujjatī \ *Professor, Tehran University*

Ayatullah Mahmoūd Rajabī \ *Professor, IKI.*

Hujjat al-Islam Dr. Muhammad Baqir Saīdī Roshan \ *Associate Professor, Research Institute of Hawza Wa Danishgah*

Dr. Muhammad Kazim Shakir \ *Professor, Allameh Tabataba'i University*

Hujjat al-Islam Dr. Fathullah NajjarZadigan \ *professer, Tehran University, Qom Pardis*

Address:

IKI

Jomhori Eslami Blvd
Amin Blvd., Qum, Iran

Tel: +982532113473

Fax: +982532934483

Box: 37185-4333

<http://nashriyat.ir/SendArticle>

www.iki.ac.ir & www.nashriyat.ir